

احوال و آثار

تقاسان قدیم ایران



و برخی

از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی

تألیف:

محمد علی کریم زاده تبریزی

لندن ۱۲۶۳

تقدیر از صاحبان کتابخانه
موزه و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتابخانه ملی
۱۲۶۳

احوال و آثار

قاسان قديم ايران

و برخي



از مشاهير نگارگر مهند و عمالي
مؤسسه کتابخانه

تأليف : محمد علي كريم زاده تبريزي

لندن ۱۳۶۳

جلد اول

یادداشت

بعد از کتاب شناسی نگارگری ^{این} تالیف و تدوین
نگارنده‌ها کار ارزشمند و قابل توجهی که در باره نگارگری

این تالیف و تدوین کردید همین کتاب بر تقدیر است
امید است جناب ^{با} رسم زار و تبریزی هم خود را صرف

اشام این کار کنند و مجدداً در این کتاب رایه چاپ

برساند از دست گرامیم ^{استوفی} سپاسگزارم

که بیا من بود و این کتاب را بر این نگارگری فرمود

با دانه‌ها یاد نمود با عذر ادب

مخلص

۱۷/۲، ۱۳۷۰ طهران

First Edition
June 1985

ISBN 0 9510430 0 5

© by M. A. Karimzadeh Tabrizi 1985

All rights reserved. No part of this work, including photographs may be reproduced or transmitted in any form, nor translated into any language, whether by any means electronic or mechanical, including photocopying, recording and storing in any storage or retrieval system without the prior written permission from the writer and publisher.

Printed by Interlink Longraph Ltd., 45 Mitchell Street, London E.C.1.

حق ترجمه - اقتباس و چاپ و انتشار برای نویسنده و ناشر محمد علی کریمزاده تبریزی محفوظ است .

پروگرام روح و جسم انسان
تبریزی محمد علی
مجموعه فلهن سین طلوع آسمانی
پارتی نفسی در انا هم از کلام
مدی
روزی خورشیدخوان این و آن است
لا سحر کلین زیستن ۱۳۵۹



سپاس فراوان خدای باری تعالی را باد که این حقیر را در چاپ و نشر این کتاب یاری نمود. سالیان متمادی آرزو داشتم از عظمت و فخامت پرمایه و فریبنده هنر ایرانی که بحق دیده بخردان و اذهان هوشیاران را بسوی خود معطوف داشته و علم و اندیشه خود را به جهانیان ارمغان فرستاده بازگو نمایم.

در تلاش و دستیابی به آمال دیرین خود، هر اندازه که در دریای بیکران و افسانه‌های این کمالات پای مینهادم، در عمق پر غنای آن مفروق گشته و خود را در زرفنای رویائی آن زبون و درمانده مییافتم. لحظهای در مقابل فضای پر آذین مینیاتورها می ایستادم، غرق تحیر و حیران می گشتم، بر نذهیب‌ها و آرایش مصاحف و کتابها نظر می انداختم، مفتون ریزه کاریها و حلاوت استادانه آنها شده مات و مبهور می ماندم، ب مهارت و تردستی خطاطان سحرآثار و قلمدان سازان و مجلدان بلند اشهار و نقوش بی قرینه فرشها و زربفت‌ها و قدرت قلم حکاکان و نگین تراشان و خلاصه بهر حال و اندیشه‌های به آثار بی قرینه سایر ارباب حرف و صنایع که بگونه‌های احساس و خواسته‌های آدمی را مهار مینمود توجه میکردم، خود را در فضای لایتناهی هنر ملتی میدیدم که با نبوغ جاودانی و عشق بحیات واقعی، جهان را فتح کرده و هنر و کمال خود را بدنیا سرازیر کرده است. بدنبال این خواسته‌ها، امید داشتم احوال و آثار این هنرمندان آتش دست را که عاملین واقعی امتیازها بوده و با هنر سحر آسای خود افتخارها آفریده و روی در نقاب خاک کشیده‌اند، بهر طریقی که پر غنا تر باشد، بازگو نموده و خدمات و زحمات آنانرا قدر نهم. ولی چون بمرحله عمل میرسیدم و عمق مطلب را بررسی مینمودم، مشکلات کار عریان گشته، از فعالیت باز می ماندم، و یا بهتر بگویم بعید میدانستم که بتوانم بسط و شرح مخازن کم نظیر و یادگارهای متعالی هنر ایرانی را بگونه‌ای که ارزش اندام کرده و چه بسا در لقاچه احساس و تخیلات آدمی نیز نمی‌گنجند بازگو نمایم.

چندین مرتبه از اجرای امر منصرف گشته و از مقصود بدور افتادم، ولی در همه حال ندای غیبی مرا بانجام این امر نهیب میزد که اگر جسارت و بازگوئی این همه کمالات معنوی را نداری و بسر چشمه مقصود نمیرسی، لااقل میتوانی جرعه‌ای سر کشیده و بههدف نایل گردی.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر تشنگی باید چشید

در پی دستیابی باین جرعه گوارا که مدتها مرارت نیز بهمراه داشت، لحظهای فارغ ننشسته و همیشه در تلاش بدست آوردن منابع گوناگون و مستندات تاریخی بودم که تا حد امکان احوال صحیح هنرمندان را بطریقی که باید و شاید بازگو نموده و نام نامی شانرا در تاریخ هنری ایران ثبت نمایم.

بدین ترتیب، هر اندازه که گسترش تحقیق وسیع‌تر میشد، موانع کار سبک‌تر گشته و بمقصد نزدیک‌تر میشدم.

عمده سعی بیشترم در این بود که در جوار ارائه و معرفی هنرمندان معروف، یادی نیز از یادرفتنگان گمنام هنری کرده و آنانرا بدوستاناران علاقمند معرفی نمایم.

اگر آثار مهجور و مکتوم نقش آفرینان گمنامی را می‌یافتم، بمثابه گنج پر بهائی می‌پنداشتم که بلطف باریتعالی نصیبم گشته و سعی میکردم به اندازه‌ایکه شان و شایستگی داشته باشند حق مطلب را ادا کرده و مقام و منزلت حقیقی آنها را عریان سازم.

از مشاهیر و نوادر هنرهای تزیینی، از قبیل قلمدان سازان و مجلدان و فرشباغان و زربفت دوزان و کاشی کاران و منبت سازان و حکاکان و نگین تراشان و حل کاران و طلا سازان و حتی فلز کاران و شمشیر سازان و در مواردی معماران و طراحان و سایر نقش آفرینان پرمایمائی که بنحوی در آرایش و پیرایش هنری سهمی داشته‌اند، یاد کرده و رشته تخصص و درجه مهارت وی را بیان نمایم.

در ابتدا به موزه‌ها و کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی و نمایشگاه‌های هنری داخل و خارج کشور که دیدار آنها مشکلاتی داشته و ندرتا" با ناملایمات و کم لطفی نیز همراه بوده سر میکشیدم و ساعتها در مقابل آثاریکه مورد نظرم بوده قرار گرفته و با حوصله و دقت بیشتری امتیازات اثر را بررسی مینمودم، و در این بازدیدها تاکید داشتم از ارقامی که در ذیل آثار گوناگون و بوسیله هنرمندان درج شده و تاریخ اجرا و امضای اصیل نقاش را در بر داشت قرائت کرده و بطور وضوح برای دوستاناران بازگو نمایم.

بطوریکه اهل فن مستحضرند، اغلب این امضاها با قلم‌های بسیار ریز و خط غباری قلم‌موئی و در مواردی بسیار بد خط و گاهگاهی مخدوش و رنگ رفته انجام یافته که ارائه و بازخوانی آنها، ساعتها وقت و مقدار کافی تجربه و تبحر لازم دارد که خوشبختانه این مشکل نیز با شکیبائی و وسواس کامل فرجام پذیرفته و موفق شدم ارقام و امضاها را یادرفته هنرمندان را که تاکنون در بستر فراموشی افتاده و نامعلوم مانده‌اند عیان ساخته و بدیدار هنرشناسان برسانم.

در ارائه احوال صحیح و مستند استادان سعی داشتم از کتابها و منابع نزدیک بحیات هنرمندان استفاده نموده و در بعضی موارد از اطلاعات و ارقامی که در ذیل آثارشان، چه بوسیله خود نقاش و چه توسط صاحب ذوقی هنرشناس که مختصر کورسوئی را از احوال هنرمند نشان داده، برخوردار گشته و در صورت فقدان این مزایا به بررسی کامل اثر پرداخته بحکم و برداشت تحقیقی خود، درجه مهارت و شیوه نگارگری هنرمند را مشخص میساختم.

در پی این مقصود آنچه در قدرت تهیه بود از کتابهای نایاب چاپی و دست نویسه‌های خطی و انحصاری، در مجموعه خود گردآوری کرده و در غیر این صورت از کتابخانه‌های معروف داخلی و خارجی استمداد جسته و سعی داشتم که از میان مدارک موجود، نکاتی را که از لحاظ سندیت تاریخی واجد ارزش و شایسته تتبع باشند انتخاب نموده و نظریات ست و بی‌مایه را بدور اندازم.

چون قاطع‌ترین وسایل شناخت و تجزیه و تحلیل امتیازات هنری، با درک مکاتب گوناگون تصویر سازی ایرانی و بهرمیایی کافی از هنر نقاشی میراست و نگارنده نیز با ممارست پی‌گیر و مداومت طولانی که در امر ترسیم و شناسائی پیرایش هنری و بصیرت و آگاهی استمراری از مراحل تکمیلی خطوط و سایر رشته‌های تزیینی داشته و همیشه در جریان تفحصات و مطالعات پژوهشی آن آثار بوده و جزو افرادی هستم که اغلب این آثار را از نزدیک دیده و بآنها عشق ورزیده و حتی بعضی از آنها را در مجموعه خود گردآوری نمودهام، روی این اصل، در تعیین مزیت و ارزش هنری استادان،

ذوق و سلیقه هنری خود را حاکم دانسته و در مواردی از عقاید هنرشناسان نامی نیز استمداد جسته و آنچه را که در کمترین پایه نگارگری بوده بی‌بهره و متوسط و برتر از آن را خوش رقم و خوب و فراترین را عالی و پرمایه و استادان طراز اول نامی را که آثار آنها کم‌نظیر و یا بی‌نظیر بوده است با لفظ پیرایه ممتاز و نفیس توصیف کردم .

برای تسهیل و شناخت سریع پژوهندگان ، اسامی معروف و مصطلح هر استاد را که بین مردم بات بوده یاد کرده و اسامی و القاب اصلی آنها در متن مطلب ارائه نمودم . از مشاهیر هنرمندان نامی هند و عثمانی که بعلمت هم‌جواری و علاقمندی ، با آثار هنری میهن ما بسگی پیدا کرده و نسخ گوناگونی را بقلم خوش نگار خود مزین کرده‌اند ، جهت درج مقام هنری آنان ، مختصری از احوال و آثارشان را یاد کرده و در موارد ضروری در زیر نویس تشریح نمودم .

بسیار علاقمند و بلکه آرزو داشتم در مقابل احوال هر هنرمند ، نمونه‌ای نیز از آثار شایسته اسناد را که مبین ارزش هنری وی باشد ارائه دهم ، ولی اسکالات فراوان مالی و گرانی روز افزون چاپ رنگی مرا از انجام این مقصود باز داشت و بی‌چاپ سیاه سفید بعضی از آن آثار در آخر کتاب اکتفا کردم . جلد حاضر که حاوی بیش از یانصد صفحه و هفتصد ترجمه است از حرف (الف) شروع شده و به حرف (غ) پایان یافته و دنباله مطالب جلد اول که بقیه تراجم را دربر خواهد داشت با شماره مسلسل در جلد دوم بطبع خواهد رسید .

در خاتمه جایز میدانم از روسای موزه‌ها و کتابخانه‌های ملی و خصوصی و مجموعه‌داران محترم که آثار ذی قیمت خود را جهت تحقیق در اختیارم گذاشته و همچنین از خانم ویدا زمانی که با دقت و علاقه تمام این کتاب را ماشین کرده‌اند تشکر و سپاسگزاری نمایم .

امید است این خدمت ناچیز که در غربت و دست تنهایی انجام پذیرفته ، مقبول طبع دوستداران هنر و موافق سلیقه و ذوق مطالعه‌کنندگان گرامی قرار گیرد .

لندن اول مهر ماه ۱۳۶۳

محمد علی کریم‌زاده تبریزی



الف

۱- آبا قآن میرزا

از هنرمندان نسل قاجار بود و در تصویر و شبیه سازی و طراحی دست داشت. از آثار رقم دار وی، تصویر نیم تنه مردی را در لباس تیره رنگ قاجاری دیدم که چهره پرداز استادانه داشت و رقمش چنین بود. (مشقه آبا قآن)

۲- آبان محمد

نساج و طراح نقش آفرین قرن ۱۰ هجری بود، که هم عیار نساجان و طراحان معروف زمان خود، از قبیل غیاث - حسین عبدالله - یحیی - معزالدین استادی چیره دست و شهره زمان بوده است.

۳- آچه

نقاش شیرین قلم و پر مهارت هندی بود که در تصویر مجالس بزمی، دستی پر حلاوت داشت. از تنها اثر رقم دار این هنرمند که در یکی از مرقعات کتابخانه گلستان تهران، مضبوط است، تصویر زیبای شاهزاده خانم هندی است که با دوستان و ندیمان خود، در ایوان عمارتی نشسته بصحبت و مذاکره مشغول می باشند.

رقم دارد. (عمل کمترین مریدان آچه)

۴- آذر

نقاش شیرین قلم اوایل قرن ۱۲ ه.ق. بود که در مناظر و مرایا و اجرای صحیح آن دست داشت و در سایه پردازی و آرایش چهره‌ها، استاد تام العیار بود.

از یگانه آثار رقم دار این هنرمند که حاکی از قدرت قلم و غنای هنری وی بشمار می‌آید، قلمدان نقل شده استادانهای بود که در رویه آن، تصویر حضرت مسیح به استادی نقش بسته و زن و مردی با احترام در حضورش ایستاده بودند، در قسمت پائین و نشیمن قلمدان که تذهیب شیوائی نیز داشت، جماعتی را بحال خضوع و احترام به قادر متعال نشان میداد.

از گوشه راست قلمدان، نور روشن و خیره کننده‌ای که در ضمیر نقاش، هالمای از نور ایزدی بود، به چهره مومنین تابیده و مجلس را روحانی‌تر نموده بود.

رقم نقاش، در بطن تصویر چنین بود: (رقم کمترین آذر ۱۱۲۸) مجموعه خصوصی ۱

۵- آسی کهر

نقاش شیرین قلم مغولی هند بود که آثار وی، در کتاب معروف با برنامه جلب نظر مینماید.

۶- آقا - استاد آقا

نقاش و آرایشگر جلد روغنی چهارمین جلد، از کتاب الف و لیل مشهور موجود در کتابخانه گلستان تهران میباشد.

استاد آقا، تزیین جلد را با همکاری غلامعلی نقاش به پایان رسانده و به قوی دستی از عهده انجام آن برآمده است.

در رویه جلد کتاب که مجلس بزم پر حلاوتی نیز دلرد، استادی و مهارت خود را به نیکوترین ترتیبی ارائه داده و رقم گذاشته

(بدستیاری استاد کل فی الکل جان نثار درگاه جهان پناه استاد آقا سمت اتمام پذیرفت) (العبد غلامعلی شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۷۵)

آقا ابراهیم در ابراهیم آمده

۷- آقا البرز - میرزا - میرزا آقا خان البرز

در تهران نشو و نما کرده و به فرنگی سازی و کپی از روی آثار استادان معروف بوده است. از دو اثر رنگ و روغنی ساده و متفاوتی که از این نقاش دیدم، معلوم میدارد، نقاش رنگ و روغن کار متوسطی بوده و در شبیه سازی عاجز بوده است. در یکی از این آثار که مجلس درباری سلاطین قدیم رومی را نشان میداد، تا حدی موضوع و رنگها را خوب عمل آورده و رقم داشت.

(رقم کمترین میرزا آقا خان البرز)

دیگر اثر رنگ و روغنی نقاش، صورت نیم تنه امین السلطان اتابک معروف بود که در داخل کادر بیضی شکلی، تصویر شده و رقم داشت. (کمترین میرزا آقا خان البرز)

آقا باقر در محمد باقر آمده

۸- آقا بالا

نقاش زیبا نگار و آبرنگ و روغن کار دوره ناصری بود. این هنرمند بعلت مسافرت بناواهی قفقاز، در رشته فرنگی سازی مهارت پیدا کرده و بمراحل و انجام قوانین مناظر و مرایا (پرسپکتیو) آشنا گشته بود.

آثار رقم دار آقابالا عبارتند از:

۱- تصویر جماعتی از ملل و فرق مختلف، از قبیل چینی و زنگی و روس و تاتار که در زمینه زرد نقاشی شده و بسیار جالب و تماشائی بود. و در زیر اثر، امضاء داشت. (رقم کمترین آقابالا ۱۳۰۰)

۲- دیگر اثر این هنرمند که در کتابخانه گلستان تهران است، تصویر مردی با ریش بلند حنائی است که کلاه بوقی دوره ناصری بسر گذاشته و پالتو کرکی مخصوص قرمز رنگی بتن کرده و دو رانو نشسته و دست خود را بزیر شال فرو برده است.

۳- آثار دیگر نقاش در این موزه، تصویر آبرنگی سردار کل عزیزخان است که کلاه بوقی بسر گذاشته و لباسهای مختلفی بروی هم پوشیده و حمایل طلائی بدوش انداخته است. شلوارش رگه دار قرمز و جبه زیبایش بوته جیقمای و ریش و سبیلش تویی است.

رقم دارد. (هو، رقم بنده درگاه آقابالا نقاش، فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۷۲)

۹- آقا بالای ایرانی

از نقاشان آبرنگ ساز ایرانی مقیم قفقاز بود که آبرنگ را بشیوه فرنگی زیبا میساخته. از آثار رقم دار وی، تصویر عباس میرزا در کودکی است که بسیار شیرین و پسندیده می باشد. در این اثر زیبا که عباس میرزا را در سنین صباوت نشان میدهد، شاهزاده قاجار، کلاه بوقی دولبهای که در وسط آن الماس درشتی جلوه گر است، بسر گذاشته و موهای خود را از پشت سر نمایان ساخته است.

جوراب رنگی و شلوار معمولی بتن کرده و کرکی ضخیمی بروی لباسها انداخته و در عقب و پشت سر وی، دو متکای بزرگ دیده میشود.

رقم دارد، شبیه عباس میرزا، عمل آقابالای ایرانی سنه ۱۲۵۵. در طرف راست به خط لاتین امضاء داشت.

AGA BALLA

۱۰- آقا بزرگ شیرازی - نقاش باشی

شیرازی و از نقاشان درجه اول دوره محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار بوده. در مجمع الصنایعی که خود ترتیب داده بود، به تربیت شاگردان اشغال داشت و فن تصویر را بآنها تعلیم میداد.

از درج لقب نقاش باشی که در اغلب آثارش بیادگار گذاشته، معلوم میباشند، از نقاش باشیهای دوره ناصری و مورد توجه و محبت مخصوص شاه قاجار بوده است. آقا بزرگ، در رشتههای مختلف نقاشی، خصوصاً "در رنگ و روغن و آبرنگ و سیاه قلم و کارهای روغنی (لاکی) مخصوصاً" قلمدان سازی

استادی چیره دست بود و در شبیه سازی و چهره بردازی و اجرای قوانین مناظر و مرایا، دست پر توان داشت.

در شبیه سازی، وسواس زیاده از حدی میبذول میداشت و با پردازهای ساحرانهای که به تصویر میزد حالات و سکنات صاحب چهره را بخوبی آشکار می نمود. آثار متنوع و استادانه‌ای که از این هنرمند بیادگار است، عبارتند از:


۱- تصویر رنگ و روغنی نیم تنه یکی از رجال دوره قاجاری که در کمال استادی ترسیم شده ورقم داشت. (رقم میرزا آقا بزرگ نقاشی) تصویر شما ره (۱۰)

۲- نقاشی صورت نواب والا سیف اله میرزا در چهل سالگی، با اندازه ۲۲ x ۳۴ سانتی متر. در این اثر، سیف اله میرزا، کلاه معمولی زمان بسر گذاشته و لباس بلند بوتنه جیقه‌ای پوشیده و ریش بلند و پرپشت است. در قسمت چپ و راست بالای تصویر، بخط شکسته زیبا رقم دارد. (صورت نواب سیف اله میرزا در چهل سالگی - رقم مشهدی آقا بزرگ شیرازی)

۳- قلمدان زیبا و تکراری آقا بزرگ که نگارنده بیش از ۵ عدد از آنها را مشاهده کرده‌ام. در این اثر تکراری، مناظر مختلفی از قصه معروف شیخ صنعان و دختر ترسا را بحالات گوناگون ترسیم نموده که از هر نظر پسندیده می‌باشد. در یکی از صحنه‌ها، شیخ صنعان را در کمال پریشانی و دلباختگی در حضور پرتمنای دختر ترسا، تصویر کرده و در حواشی و نشیمن قلمدان، مجالس رقص و سماع و سایر قضایای قصه مزبور را به نیکوترین وجهی ارائه داده و جوانب و حواشی مجالس را با تذهیب و حل کاری تزیین کرده که از هر نظر شایسته تحسین می‌باشد.

۴- دیگر اثر آقا بزرگ، قلمدان بزرگ و زیبایی است که زمینه زرک زرد صدفی داشته و در عین سادگی بسیار پر مهارت انجام یافته است. در رویه قلمدان، سه تک گل پر طراوت در اندازه‌های بزرگتری نقش بسته که معرف زبردستی و وحدت قلم نقاش می‌باشد. این اثر استادانه که در موزه هنرهای تزیینی تهران مضبوط است، رقم دارد. (آقا بزرگ شیرازی)

۵- اما بهترین و نفیس‌ترین اثر هنرمند که از شاهکارهای وی می‌باشد، قلمدان تصویری بی‌همتایی است که در موزه هنرهای تزیینی تهران قرار دارد. در رویه و حواشی قلمدان، تصاویر رجال و مشاهیر زمان شهر شیراز، در کمال شباهت و اصالت نقاشی شده که واقعا "ستودنی" است. انتخاب رنگها و سایه پردازهای پر مهارت و شبیه سازی نفرت و نقش خطوط زیبا و سایر عوامل آرایشی و تزیینی نشانگر کمال و بیانگر چابکدستی نقاش می‌باشد. این قلمدان منحصر بفرد، بفرمایش و سفارش نصره الدوله فیروز میرزا فرمانفرما، والی فارس تصویر شده و رجال و مشاهیر آن سامان را در کمال مهارت نشان میدهد. داخل قلمدان، برنگ سرخ زیبا رنگین شده و شرح تصاویر قلمدان، بخط شیوای نستعلیق نقاشی کتابت شده است.

در این قلمدان، تصویر بیست و سه نفر از اعظام و اشراف آن دوره و حتی قیافه نقاش ارائه شده که از جهت شناسائی رجال آن دوره، شایان اهمیت است. نگارنده جهت شناسائی بیشتر و درج نام افراد کرویکی سادمای از این قلمدان ترسیم کرده که در شکل  ارائه می‌گردد.

۶- اثر ممتاز و ارزنده دیگر این نقاش، تصویر نیم تنه ناصرالدین شاه بشیوه صنیع الملک غفاری است که کلاه جیقه‌دار پرهاوسی بسر گذاشته و ته ریش مختصر و سبیل‌های بلند مردانه دارد، پاکونها و ریسهای مروارید و حمایل و لباس سلطنتی و مدالیون مرصع شیر و خورشیدی بزرگ آویزان است. در زمینه

آقا میرزا ابوالحسن خان
آقا میرزا ابابزرگ
میرزا اکبر خان
نایب الصد
آقا میرزا علی ابر
آقا میرزا قاسم
آقا میرزا محمد
آقا میرزا بابا
صاف

کناره سمت چپ
رویه عثمان

آقا میرزا محمد
آقا میرزا احمد
آقا میرزا علی صد
آقا میرزا شعیب
آقا میرزا ابوالقاسم
آقا میرزا حسین
آقا میرزا ابوالحسن خان
آقا میرزا علی ابر
آقا میرزا محمد

آقا میرزا محمد
آقا میرزا احمد
آقا میرزا علی صد
آقا میرزا شعیب
آقا میرزا ابوالقاسم
آقا میرزا حسین
آقا میرزا ابوالحسن خان
آقا میرزا علی ابر
آقا میرزا محمد

آقا میرزا محمد
آقا میرزا احمد
آقا میرزا علی صد
آقا میرزا شعیب
آقا میرزا ابوالقاسم
آقا میرزا حسین
آقا میرزا ابوالحسن خان
آقا میرزا علی ابر
آقا میرزا محمد

آقا میرزا محمد
آقا میرزا احمد
آقا میرزا علی صد
آقا میرزا شعیب
آقا میرزا ابوالقاسم
آقا میرزا حسین
آقا میرزا ابوالحسن خان
آقا میرزا علی ابر
آقا میرزا محمد

کناره سمت راست

کتابخانه آقا میرزا محمد

کتابخانه آقا میرزا محمد
کتابخانه آقا میرزا احمد
کتابخانه آقا میرزا علی صد
کتابخانه آقا میرزا شعیب
کتابخانه آقا میرزا ابوالقاسم
کتابخانه آقا میرزا حسین
کتابخانه آقا میرزا ابوالحسن خان
کتابخانه آقا میرزا علی ابر
کتابخانه آقا میرزا محمد

کتابخانه آقا میرزا محمد
کتابخانه آقا میرزا احمد
کتابخانه آقا میرزا علی صد
کتابخانه آقا میرزا شعیب
کتابخانه آقا میرزا ابوالقاسم
کتابخانه آقا میرزا حسین
کتابخانه آقا میرزا ابوالحسن خان
کتابخانه آقا میرزا علی ابر
کتابخانه آقا میرزا محمد

کناره های داخل تمدان

و افق دوره، منظره کوهها و پل قدیمی و آب روان جلب نظر میکند. در بالا بخط نستعلیق زیبا نوشته (السلطان ناصرالدین شاه قاجار خلداله ملکه و دولت سنه ۱۲۷۸) در گوشه چپ رقم دارد (چاکر درگاه آقا بزرگ) معلوم میگردد، در سالهای ۱۲۷۸ هنوز ملقب به نقاشباشی نبوده است.

۷- اثر دیگر نقاش که جزو مجموعه نگارنده است، کرده استادانه هنرمند است که در اغلب آثار آن بندرت دیده شده است. تصویر شماره (۱۹)

۸- اثر رنگ و روغنی دیگر این نقاش، تصویر مردی با ریش انبوه و کلاه مخصوص است که پالتو بوتی جیغهای پوشیده و روی فرش نشسته و کتابی بدست گرفته است. منظره یک ساختمان قدیمی، در زمینه نقاشی جلوهگر بوده و در سمت راست رقم دارد. (میرزا آقا بزرگ نقاش باشی) این اثر در نمایشگاه پکن سال ۱۳۵۶ عرضه شده و مورد توجه قرار گرفته است.

۹- دیگر اثر آقا بزرگ در این نمایشگاه، قطعه نقاشی زیبایی از چهره حاج محمد رحیم امین التجار شیرازی بود که رقم نقاش را داشته و از هر نظر جلب توجه می نمود.

۱۰- اثر پر مهارت دیگر آبرنگ سازی آقا بزرگ، تصاویر هشت نفر فرماندهان لشکر ایران در زمان ناصر الدین شاه است که در کتابخانه موزه گلستان مضبوط بوده و یکی از بهترین نمونههای چهره سازی نقاش بشمار می رود و رقم دارد. (مشق کمترین خانزاد، میرزا بزرگ شیرازی سنه ۱۲۸۱)

۱۱- دیگر از آثار ارزنده و منحصر بفرد آقا بزرگ که در روی کاسه و بشقاب چینی بوده و در مجموعه مهندس خلیلی مضبوط میباشد، کاسه و بشقاب مینائی ساخت شیراز است که رویه آن بسپاق چینی تزیین شده و در حاشیه آن، اشاری بخط نستعلیق دیده میشود. (رقم دارد زیر کاسه) (طیاری میرزا بزرگ شیرازی سنه ۱۲۶۰) رقم روی بشقاب (العبد الاقل المحتاج میرزا بزرگ شیرازی سنه ۱۲۶۰)

۱۱- آقا بیک لر افشار - بیگلر خان

فرزند محمد حسن افشار نقاشباشی لال بود و در آبرنگ مهارت داشت. آقا بیک بیقین در مکتب پدر هنرمندش، درس هنری آموخته و در آبرنگ و تصویر و چهره پردازی استادی شیرین کار گشته است. از آثار رقم دار این هنرمند که بسال ۱۹۷۸ در لندن بفروش رسید، تصویر خداقلی بیک یاور توپخانه بود که به نیکوترین وجهی تزیین و تصویر شده بود. در این اثر زیبا، کلاه بلند و لباس مخصوص نظامی و پاگونها و حمایل و شمشیر و قیافه مصمم و شاداب او، در کمال استادی عرضه شده و قابل تحسین بود و رقم داشت. (رقم کمترین آقا بکلر ولد عالیجاه محمد حسن آقای نقاشباشی لال افشار فی شهر شوال ۱۲۶۳) (صورت عالیجاه خداقلی بیک یاور توپخانه است)

ضمناً در یک کتاب روسی که در کتابخانه لندن دیدم، گویا احوال این هنرمند را برشته تحریر در آورده و مقداری از آثار وی را ارائه داده بود. متأسفانه ترجمه احوال هنرمند میسر نگردید و فقط ارقام مختلفی که ذیل آثار هنرمند، در آن کتاب چاپ شده بود، جهت علاقمندان درج میگردد.

۱- صورت سرکار مقرب الخاقان خداوندگاری فتح المخان سرتیب دام اجلاله عمل ابوالفیض ابن محمد حسن خان نقاشباشی افشار فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۷۷

۲- عمل بیگلر خان نقاشباشی افشار

۳- صورت مقرب الخاقان میرزا علیخان، در سن سی و یک سالگی عمل عالیجاه بیگلر خان لال

نقاشباشی افشار سنه ۱۲۸۴

۴- رقم کمترین ذره بيمقدار آقا بيگلر، پسر محمد حسن خان نقاشباشی افشار سنه ۱۲۷۹

۵- شبیه امام قليخان سرتیپ افشار، در سن سی و هفت سالگی، رقم آقا بيگلر نقاش سنه ۱۲۷۷

۶- عمل بنده چاکرزاده ظل الیه، بيگلر نقاشباشی لال ۱۲۷۲

۷- هو - فتبارک اله احسن الخالقین، رقم کمترین بنده درگاه خلایق امید گاه بيگلر آقا ولد الصدق عالیجاه مجدت همراه مقرب الحضرت السلطانی، محمد حسن خان نقاش باشی افشار در شهر شوال در ولایت ارومی مصور گردید سنه ۱۲۷۷

۱۲- آقا جان

استاد زرکش جدول بند ماهر اواخر دوران صفوی بود.

۱۳- آقا جان اصفهانی

طراح نقش آفرین و معمار و رسام دوره فتحعلیشاه و محمد شاه قاجار بود. او در طرح نقشه و ایجاد ساختمانهای آن دوره، صاحب ابتکار بود و در آرایش و پیرایش داخلی و خارجی قصور و ابنیه، دست پر کمال داشت.

آقا رضا در رضا کاشانی آمده

آقا زمان در محمد زمان ۳ آمده

آقا صادق در صادق آمده

۱۴- آقا صاحب الزمان

از نقاشان طبیعت ساز و پرنده نگار قرن ۱۷ میلادی مغول هند است. این هنرمند در پرنده سازی و آرایش و ریزه کاریها وسواس و دقت بخصوصی داشت. از بهترین آثار پرنده سازی وی که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن مضبوط بوده و کارت پستال رنگی آن نیز منتشر گشته است، تصویر پرندهای در مرداب است که با استادی تمام نقاشی شده و رقم دارد. (عمل بنده درگاه آقا صاحب الزمان) اگر تذهیب کنارها و کتابت خطوط اطراف نیز بدست نقاش انجام یافته باشد، باید او را جزو شایسته ترین مذهبان و خطاطان خط نستعلیق نیز بحساب آورد. تصویر شماره ۲

۱۵- آقا کوچک - استاد آقا کوچک نقاش شیرازی

نقاش گمنام و آبرنگ ساز ساده شیرازی بود. فرصت در کتاب خود، نقاش را چنین توصیف میکند "استاد آقا کوچک از عهد کودکی تاکنون به آقا محمد حسین نقاش انباز است و بنقاشی ممتاز" از تنها اثر رقم داری که از نزدیک دیدم، چندان امتیازی در هنر نقاشی نداشت و شاید فرصت شیرازی، مقام هم شهریگری را بر ارائه حقایق برتر دانسته و او را نقاشی ممتاز توصیف کرده است. در تصویر رقم داری که زن فربه و چاقی رابه آبرنگ نشان داده بود. زن، بر روی دوشکی دراز کشیده و به

متکا تکیه داده، پسرک خدمتکاری صراحی بدست، بالای سر او نشسته بود. در سمت راست تصویر، دختران آماده به خدمت، نظاره‌گر این منظره بودند، آرایش داخلی خانه و پنجره‌های اطاق ساده بود و بخط بد رقم داشت. (رقم کمترین آقا کوچک نقاش)

آقا میرزا اصفهانی در میرزا آقا اصفهانی آمده
 آقا میرزا اصفهانی در میرزا آقا محمد مهدی امامی اصفهانی نقاشی آمده
 آقا میرزا شیرازی در میرزا آقا شیرازی آمده
 آقا میرزا موسی در موسی آمده
 آقا میرک اول در روح الله میرک هروی آمده
 آقا میرک دوم در جلال الدین میرک آمده

۱۶- آقا میرگلستان تبریزی

بنوشته مرحوم تربیت در دانشمندان آذربایجان :

((از مشاهیر نقاشان قرن ۱۴ ه. ق.، نامش سید محسن و تخلص او سید بود و در حدود سنه ۱۳۳۰ مرحوم شده است. از آثار او، منظوم‌های بعنوان مرآت البکاء در مرثی حضرت سید الشهداء علیه السلام در تبریز چاپ شده و فراوان است. آقا میر مصور و برادرش ارژنگ و رسام، هر سه برادر زاده‌های مشار الیه میباشند.

آقا نجف در نجفلی نقاشی آمده

۱۷- آقا نویان - پیر بیک

کلمه آقا نویان در حقیقت نام اصلی نقاش نبوده، بلکه یک نام توصیفی و یا لقب مرسوم درباری بوده که در آن زمانها به شاهزاده‌های پیر، اطلاق میگشته است. این نقاش که بنام آقا نویان، در تاریخ هنری ایران مشخص میباشد، بعقیده (جاکسون و یوهانان) جز نقاش پر مایه‌ای، بنام (پیر بیک یا غلام پارماک) نمی‌تواند باشد که چند اثر و از جمله یک میناتور رقم دار وی را، در شاهنامه مضبوط در موزه متروپولیتن نیویورک سراغ داریم. این شاهنامه که در نوع خود از نفایس هنری اوایل قرن ۱۲ هجری ایران است، بتاریخ ۱۰۷۹ - (۱) کتابت شده و تصاویر آن چنانکه از سنوات مرقوم، در ذیل نقاشی‌ها بر می‌آید ۲۵ سال بعد، یعنی بین سالهای ۱۱۰۴ و ۱۱۰۹ توسط مشاهیر نقاشان عصر، از قبیل محمد زمان - فضل علی - علی نقی بن شیخ زاده و پیر بیک غلام (آقا نویان) اجرا گشته است. تنها میناتوری که رقم پیر بیک غلام را دارد، تصویر زیبایی است که زال سوار اسب شده و شکاری را نشانه گرفته و آماده تیراندازی است. منوچهر که در هیئت پادشاهی نظاره‌گر این ماجراست، باستادی مصور گشته است. خیل دلیران و رزم آوران که در اطراف صحنه، تصویر گشته‌اند، ستودنی است. درخت بلندی در پیشاپیش آنها جلب نظر میکند. در وسط، این دو بیت شعر که در پائین صفحه نوشته شده (ز بالا همی دید شاه جهان - ز گردان پیر آشکار رو نهان)

۱- رقم آخر شاهنامه چنین است

تمام شد کتاب شاهنامه بعون الله تعالی و حسن توفیق بتاریخ سلخ شهر شوال ختم بالخیر و الاقبال سنه تسع و سبعین بعد الف الهجره النبوت ۱۰۷۹ کتبه العبد الاقل ابن شمس الدین شیخ محمد عفی عنهما

بخط باریک قلم موئی نوشته شده. (پیر بیک غلام ۱۱۰۹)

۱۸- آلتون تاش

حکاک و نگین تراش و خطاط نامی عثمانی دوره تیموری بود. این استاد، نگین‌های عقیق و سنگهای سخت را اسنادانه می‌تراشید و خطوط را بشیوه یاقوت روی آن مینوشت.

۱۹- آنزل - نقاش هلندی مقیم دربار صفوی

نقاش هلندی الاصل مقیم ایران بود که در زمان شاه عباس دوم، به‌مراهی نقاش دیگری بنام لوکاردو بمعرفی نماینده شرکت هلندی اصفهان، بخدمت دربار در آمد و مشغول کار گردید. از آثار باقی مانده این هنرمندان که در کناره انتهائی ایوان کاخ چهل ستون دیده میشود، تصاویر زیبایی از فرنگیان زن و مرد است که در لباس فرنگی، نقاشی شده و در گوشه‌های دیگر عمارت، مجالس مختلف بزم و شکار است که بسیاق و شیوه اروپائی، ارائه گشته و در حد خود زیبا میباشند.

۲۰- آننت

از نقاشان جابک‌دست و هنرمند هند بود و در میناتور سازی دست پر حلاوت داشت. این نقاش در ارائه حالات مختلف، مخصوصاً " در تصویر و جانورسازی و انتخاب رنگها و منظره پردازی پر وسواس و با مهارت بوده است.

از بهترین آثار بجا مانده وی، پنج تصویر در کتاب نفیس انوار سهیلی تالیف مولانا حسین واعظ کاشفی سبزواری است که بشماره ۱۸۵۷۹ در موزه بریتانیا مضبوط است. در این اثر، بیشترین تصاویر کتاب، یعنی ۵ مجلس از جمع تصاویر را آننت انجام داده که در نوع خود بسیار پر ارزش میباشند. کتاب انوار سهیلی که به تحقیق از نفایس هنری دوره اکبری و جهانگیری می‌باشد، در سال ۱۰۱۸ برای جهانگیر شاه و زبیرنظار و مدیریت آقا رضا کاشانی که رئیس تهیه و سرپرست گروه ۱۶ نفری نقاشان معروف آن دوره مقیم کتابخانه دربار هند و ایرانی بود، تصویر شده است.

اکبر شاه فرزند بزرگ‌بابر که از نسل ماسدر ایرانی، تولد یافته بود، خود نقاشی میدانسته و در مدت ۵۰ سال سلطنت خود، در قوام و اعتلای هنر تصویری هند، کوشش بسزائی مبذول داشته و پس از مرگ وی نیز که بسال ۱۰۱۴ اتفاق افتاد، پسرش جهانگیر، آمال پدر را گرامی داشته و دنباله رو مکتب پدر گردید. در کتاب مزبور که بزمان جهانگیر شاه و با کمک نقاشان دوره اکبری و جهانگیری تصویر شده، چهار میناتور، دارای امضای نقاش بوده و بقیه بدست آقا رضا کاشانی یا فرد مسئول دیگری نام گذاری گشته است. این نقاشان به ترتیب شماره و تعداد عبارتند (شماره ۲۹ آقا رضا) (ش ۲۲ رحمان قلی) (ش ۲۱ - ۲۶ دهر مدارس) (ش ۱۳ و ۱۰ درگه) (ش ۱۶ - ۱۹ استاد حسین) (ش ۲۸ بشنداس) (ش ۴ نانها) (ش ۲۶ موهن) (ش ۸ مدو) (ش ۲ - و ۲۷ میرزا غلام) (ش ۳۲ عبدالسلیم) (ش ۳۰ کهرداس) (ش ۳۴ - ۳۱ سلیم قلی) (ش ۱۵ هریا) (ش ۱ - ۱۴ - ۱۷ - ۱۸ - ۲۴ آننت) دو اثر رنگی دیگر از میناتورهای کتاب انوار سهیلی به روی جلد مجله روزگارنو چاپ شده که بترتیب عبارت است از:

- ۱- میناتور نفیس، با رقم ابوالحسن نادرالزمان که رای دابشلمیم و بید پای حکیم را تصویر کرده است. شماره ۱ و سال ۱۹۴۳
- ۲- میناتور زیبا، از میرزا غلام که موضوع آن (در تفرج گاه سلطان بخدمت شاهزاده ایستاده و تدبیر

- می‌انگیزد که او را بر باید) می‌باشد. بشماره ۲ و سال ۱۹۴۴.
- آثار نقاشی آننت در کتاب انوار سهیلی، عبارتند از:
- ۱- ابوجعفر که یکی از خلفای عباسی است، به تبعیت از انوشیروان عادل برای بدست آوردن کتابی علاقه نشان میدهد. در این مجلس، ابوجعفر روی تخت نشسته و حضار کتابی را جهت رویت خلیفه تقدیم مینمایند. در زیر جدول پائینی رقم دارد. (آننت)
 - ۲- این اثر که بشماره ۱۴ در کتاب قرار گرفته در بالای صفحه چنین درج شده است. (کتاب دریافتی و ببرکت متابعت سخنان دل نشاس)
 - در این نقاشی پادشاه و زاهد پیری مقابل هم نشسته و بطوریکه از متن کتاب برمی‌آید، شاه از قضاوت زاهد در امر مهمی خوشحال است. در حوالی آنها جماعت حاضران و ندیمها دست بدعا بطرف آسمان ایستاده‌اند، در گوشه دیگر، تصویر درخت زیبایی که در داخل مسجد قرار گرفته جلب نظر مینماید، رقم نقاش بزیر جدول و بخط قرمز چنین است. (عمل آننت)
 - ۳- نقاشی شماره ۱۷ در کتاب اصلی که در قسمت بالای صفحه چنین رقم رفته است. (مار زبان بگشاد که ای گاومیش جزای نیکی چیست)
 - در این اثر، فرد صاحب مقامی سوار بر شتر شده و مار کبرای وحشتناکی، در مقابل گاو قرار گرفته است. در زمینه نقاشی، کوهها و درخت خشکیده و جمع پرندگان گوناگون به‌مهارت نقاشی شده و زیر جدول رقم دارد. (آننت)
 - ۴- تصویر زیبایی (پادشاه و دختر جوان و غلام خدمتکار) که بشماره ۱۸ در کتاب معرفی شده و در بالای صفحه چنین رقم رفته است. (که خط سبزش مانند خضر بر لب آب حیات رسیده بود)
 - در این صحنه، شاه در اطاق مخصوص بروی تخت نشسته و بجمال زیبای دختران فتانی حیران گشته است. خدمه مخصوص که در پشت سر پادشاه به‌خدمت ایستاده‌اند، نظاره‌گر این صحنه است. رقم دارد (آننت)
 - ۵- آخرین اثر آننت در این کتاب که بشماره ۲۴ مشخص میگردد. جملات بالای صفحه چنین است. (روی بروزنه دماغه او نهاده و عقل از تیرگی)
 - در این مجلس، زاهدی از در درآمد و فرزند خود را صحیح و سالم در گهواره دیده و خیلی خوشحال بنظر میرسد. در گوشه اطاق، حیوانی دیده میشود که گویا در غیبت زاهد با مار مهاجم ستیز کرده و او را از پای درآورده است. وضع خانه و درختهای پربرگ آن فوق‌العاده است. رقم دارد (آننت)

۲۱- ابوالقاسم

- نقاش نازک قلم و مذهب زبردست اواسط قرن ۱۳ ه. ق. بود. عمده آثار او در نقاشی‌های روغنی (لاکی) ارائه شده و آثار زیبایی را نیز از خود بیادگار گذاشته است. از آثار رقم دار او دیدهام.
- ۱- جعبه مذهب و استادانهای که زمینه مشکی داشت و بانواع نقوش تذهیبی آرایش شده و در کمال دلپذیری بود.
 - این اثر زیبا که در حراج خارج از ایران بفروش رسیده رقم داشت. (عمل ابوالقاسم ۱۲۳۸) مجموعه مهندس ناصر خلیلی تصویر (۱۱)
 - دومین اثر نقاش، جلد روغنی قرآنی بخط اشرف الکتاب اصفهانی بود که از آثار ممتاز ابوالقاسم بود و

رویه آن به انواع تذهیب و تشعیر آرایش شده و رقم داشت (ابالقاسم)

۲۲- ابدال بیک- نقاش باشی

فرزند علی قلی بیک جبادار فرنگی است که در دوره سلاطین صفوی بشف اسلام مشرف گردید. تنها فرزند ابدال بیک، علی یا محمد علی بیک نقاش باشی زمان شاه طهماسب ثانی و نادر شاه بود که شرح حال آن در (محمد علی) خواهد آمد.

یگانه ماخذ معتبری که اسم این نقاش را یاد کرده کتاب آتشکده آذر تالیف لطفعلی بیک آذر است. او در شرح حال محمد علی فرزند ابدال بیک چنین نوشته است. (اسمش علی - محمد علی بیک خلف ابدال بیک نقاش باشی است و جد ایشان علی قلی بیک فرنگی است و در فن نقاشی ثانی مانی است و در دولت سلاطین صفویه بشف اسلام مشرف شده)

ابدال بیک در رشته نقاشی، شاگرد و دنبالمرو شیوه پدرش علیقلی جبادار است که مخلوطی از شیوه‌های ایرانی و هندی و اروپائی میباشد. این سبک تصویر سازی که اساس آنرا محمد زمان و علیقلی بیک بنا نهاده‌اند، بعدها بوسیله محمد ابراهیم، برادر محمد زمان - محمد رفیع - محمد محسن رضوی - محمد قاسم و سایرین دنبال شده آثار باشکوه و ممتازی را نیز بعالم هنر ایرانی علاوه نموده‌اند. سال دریافت لقب نقاشباشی ابدال بیک، معلوم نیست، ولی آنچه مسلم است، فرزندش محمد علی بیک، در اواسط سلطنت شاه طهماسب ثانی، بسال ۱۱۴۵ این سمت را کسب کرده و به لقب نقاشباشی مفتخر گشته است.

۲۳- ابراهیم

نقاش نازک قلم قرن ۱۱ ه.ق. بود. از آثار رقم دار وی، تصویر مرد اسیری بقیافه چینی‌ها دیدم که کوسه ریشی داشت و در پالهنک سنگینی گرفتار بود، از نوشته نقاش که در ذیل اثر دیده میشد، معلوم بود، شخصی بنام کوسج مراد است که بطن قوی، همان شاهزاده مراد آق قویونلو بوده که به بند دشمنان گرفتار آمده است، رقم داشت. (کوسج مراد، راقعه ابراهیم)

۲۴- ابراهیم (باسجج سلام علی ابراهیم)

از نقاشان زبر دست و تصویرگر پر مهارت اواخر صفویه بود که در کارهای روغنی (لاکی) دستی بکمال داشت. این هنرمند نام خود را باسجج (سلام علی ابراهیم) مشخص کرده و در زیر آثار خود بیادگار گذاشته است. استاد ابراهیم در تذهیب و منظره پردازی و چهرنگاری چیره دست و پر توان و در گل و مرغ و جانورسازی و ارائه مجالس گوناگون، شیرین قلم و پر ابتکار بوده است.

آثار گوناگونی که از این هنرمند دیده‌ام عبارت است از:

- ۱- جلد قرآن بی نظیر و دلپذیر گل و مرغ که بزبانی تمام تصویر شده و رقم داشت (سلام علی ابراهیم)
- ۲- دیگر اثر رقم دار این هنرمند که در موزه ویکتوریا یا آلبرت لندن قرار دارد، قاب آینه گل و مرغی

ابراهیم معمار - طراح و اجراکننده دیوار جنوبی صفا صائب در اصفهان است که رقم دارد (عمل استاد ابراهیم بن استاد اسماعیل بناء اصفهانی)

و دیگر کاشی کاری خانقاه شیخ عبدالصمد است که رقم دارد.

ساخت این اسیر توفیق خدا - شیخ اسمعیل کلب مرتضی

(عمل ابراهیم بن اسمعیل بناء اصفهانی)

شیوای استادانه ایست که در شیوه محمد مسیح نقاشی کرده و طوطی بسیار زیبایی را در وسط قلمدان قرار داده است. در گوشه قاب آینه رقم دارد. (سلام علی ابراهیم سنه ۱۱۳۲)

۳- سومین اثر رقم دار ابراهیم، جلد شاخه انگوری تذهیبی نفیسی بود که رقم داشت. (سلام علی ابراهیم تاریخ ۱۱۳۰)

۴- چهارمین یادگار استادانه ابراهیم، جلد گل و مرغی دلربای کتابی، بنام مهج الدعوات بود که تذهیب فوق العاده داشت و رقم نقاش چنین بود. (سلام علی ابراهیم ۱۱۲۶)

۵- اثر پرارزش دیگر، که قلمدان نفیسی بود و در حراج سال ۱۹۷۶ حراج ساتبی لندن بفروش رسید؛ از هر نظر شایسته تحسین بود. در این اثر روغنی، مناظر مختلفی ارائه شده و در رویه آن تصویر زن و مرد زیبای فرنگی به مهارت و دلپذیری نقاشی شده بود. در زمینه و دورنمای این صحنه، تصاویر مختلف واسب سواری و مناظر رودخانه و افق زیبا و ابرهای فشرده به بهترین وجهی عرضه شده و استادی نقاش را آشکار می ساخت.

در طرف دیگر قلمدان، مجلس شیخ صنعان و دختر ترسا بود که زن جوان، بیک دست صلیبی گرفته و بدست دیگر، پیاله شرابی را به درویش تعارف میکرد. در حالات و قیافه وی چنین مشهود بود که شیخ را بقبول مسیحیت و نوشیدن شراب تشویق مینماید، در حوالی دختر ترسا، زن زیبا و جذابی که یکی از آنها طفل خردسال لختی را به بغل گرفته، به استادی نقش بسته بود. در قسمتهای دیگر قلمدان نیز، مجالس و صحنههای مختلفی از محفل درویشان و زن و مرد لخت و مخمور و دختران طنز بود که آرایش استادانه داشت. در صحنه دیگر قلمدان، جماعت حیران و وامانده پیروان شیخ صنعان بود که قدرت تحمل مرشد را در مقابل عشق ظاهری نظاره میکردند. این قلمدان به استادی تمام نقاشی شده و رقم داشت. (سلام علی ابراهیم) تصویر شماره

۲۵- ابراهیم

از نقاشان قرن ۱۴ ه. ق. تبریز بود که به آقا میرزا معروف میباشد. او برادر سید محسن (آقا میر گلستان تبریزی) است که شاعر بوده و سید تخلص میکرده است. بروایتی این دو برادر از اعقاب آقا میرک (جلال الدین میرک اصفهانی) معاصر بهزاد میباشند.

سید ابراهیم برای تحصیل هنر نقاشی بروسیه رفته و پس از کسب معلومات کافی به ایران برگشته و در تبریز مقیم شده است. او نقاش مخصوص مظفرالدین میرزا ولیعهد در تبریز بود، ولی از ولیعهد خوش نمی آمد و اغلب او را هجو میکرد.

۲۶- ابراهیم (آقا ابراهیم نقاشباشی)

آقا ابراهیم - محمد ابراهیم نقاشباشی - باسج ابراهیم یا سلام علی ابراهیم، زاده شهر هنر پرور اصفهان و در منظره و چهره سازی، تذهیب و رنگ پردازی و ترتیب مجالس بزمی و رزمی شهره زمان خود بود.

او شاگرد نقاش شهیر عباس شیرازی و بعقیده بعضی بروسیه رفته و فنون هنری و تجربی این فن را از استادان آن دیار فرا گرفته بود. این هنرمند در کارهای مینائی و پخت آن نیز دست داشت و این صنعت را نیکو میدانست. عمده آثار هنری آقا ابراهیم، بسبک نقاشی روغنی (لاکی) و در رویه قلمدانها و جلدها و قاب آینهها عرضه و حالیه زینت بخش موزهها و مجموعههای خصوصی میباشد. علاوه بر هنرهای یاد شده، در مصور ساختن کتابها و مرقعات استادی با ابتکار بود و در شبیه سازی و

تصویر پارچه‌های قلم‌کاره دست پر حلاوت داشت.

آقا ابراهیم آثار خود را بنام‌های رقم ابراهیم، یا سلام علی ابراهیم ارائه داده و بخط مخصوص خود رقم میزده است. از شاگردان معروف و هنرمندش، هادی تجویدی است که بمن ۱۹ سالگی و در حدود سال ۱۲۸۲ شمسی با استاد خود محمد ابراهیم نقاشی از اصفهان خارج شده و در مجمع الصنایع تهران، بکارهای هنری پرداخته است. تاریخ تولد و سال مرگ و مدت عمر نقاش دقیقاً "معلوم نیست" ولی فعالیت هنری وی بین سالهای ۱۲۹۰ تا ۱۳۳۰ بمدت ۴۰ سال محرز و آشکار می‌باشد. بگفته مرحوم اسلامیان هنرمند معروف، فرزندان او که اغلب بعد از اسم خود نعمت الهی اضافه میکردند عبارتند از: میرزا کریم - میرزا محمود نعمت الهی - میرزا علی - نجات علی که همگی مرحوم شده‌اند و یگانه فرزند باقی مانده آقا ابراهیم، استاد محب علی است که حالیه (سال ۱۳۵۴ شمسی) در اصفهان مقیم بوده و در تذهیب و میناکاری دست دارد.

از آثار فراوان او دیدهام :

۱- قلمدان نیمه کاره و پر مهارت وی که جنگ ایران و روس را تصویر کرده و رقم گذاشته.

(رقم ابراهیم ۱۳۲۵) مطبوط در مجموعه شماره ۱

۲- در موزه هنرهای تزئینی تهران، دو قطعه نقاشی زیبا که در کادر بیضی شکل خوش تناسبی تصویر شده که یکی از آنها تصویر سه دختر زیبای ایرانی است که به نواختن تار و تنبک و دف مشغولند و تصویر دیگری که رقم (عمل ابراهیم) را دارد، تصویر مادر و طفلی خردسال است که گرباش را بکنار گرفته و زن همراه دیگر مشغول نظاره است. هر دو اثر استادانه بوده و بسیار شیرین قلم میباشند.

۳- اثر دیگر این هنرمند، تصاویر آبرنگی کتاب کلیات سعدی بخط فتح‌اله جلالی فرزند افسر خطاط است که در نوع خود از بهترین آثار رقم دار آقا ابراهیم میباشد. در این کتاب نفیس ۱۶ قطعه آبرنگ که چهار اثر آن رقم نقاش را دارد، در کمال مهارت و خوشرنگی و سایه پردازی‌های استادانه عرضه شده که واقعا "ستودنی است". این کتاب که از لحاظ جلد و تذهیب و خط و نقاشی ممتاز است، یکی از آثار ارزنده هنری اوایل قرن چهارده ایران بشمار می‌آید.

۴- اثر برجسته دیگر هنرمند، تصویر نشسته عباس میرزا به آبرنگ است که روی جلد کتابی بنام (سفر نامه خسرو میرزا) از نشریات کتابخانه مستوفی در تهران چاپ شده و بسیار پسندیده است. در این آبرنگ، عباس میرزا پوستین کلفت بوته جیقهای بتن کرده و بمتکای مروارید دوزی تکیه داده است. ریش تویی و کلاه مخصوص و خنجر مرصع وی جالب و دیدنی است.

رقم دارد. (رقم ابراهیم اصفهانی) مجموعه شماره ۱

۵- یادگار دیگر هنرمند، قلمدان زیبایی بود که در حراج ساتنی لندن بسال ۱۹۲۶ بفروش رسید. در این قلمدان استادانه که تصاویر آن بشیوه فرنگی سازی ارائه شده، مردی بروی اسب نشسته به مصاحبه زنان زیبا روی با پیرمردی مسن نظاره میکند. در طرف دیگر قلمدان نیز صحنهای از مردان تنومند و نیمه لختی میباشد که با چند درویش بصحبت مشغول میباشد. رقم داشت. (سلام علی ابراهیم)

۶- آثار مینائی آقا ابراهیم، سرقلیان پر نقش و نگار گل و مرغی بود که در یک طرف تصویر، مادر جوانی ارائه شده که بچه خود را در بغل گرفته است. این اثر نفیس که بسال ۱۹۲۶ در حراج ساتنی لندن بفروش رسید. رقم داشت. (ابراهیم) تصویر شماره (۶) و تصویر شماره (۲۰)

۷- دیگر از آثار قلمدانی این هنرمند، اثر دلربای دیگری است که تصاویر زنان قاجاری، بروی آن نقش بسته است. در مدالیون بالا، دختران جذاب و پر حالتی را با لباس محلی قدیمی تصویر کرده و در مدالیون پائینی، زنان زیبا روی دیگری، قیچی بدست مشغول بریدن پارچه میباشند. در مدالیون وسط،

که شاهکار هنر تصویر سازی نقاش است، چهار دختر زیبا بحالات گوناگون تصویر شده و رقم دارد. (رقم ابراهیم) مضبوط در مجموعه شماره ۲

۲۷- ابراهیم آقا قاری

مرحوم بامداد در کتاب رجال خود در مورد این هنرمند چنین مینویسد: "حاج میرزا ابراهیم آقا قاری نماینده ۵ دوره اول مجلس شورای ملی بوده او مردی - شاعر - نقاش و مذهب و ذوقنویس بود و در جفر و رمل نیز مهارت داشت، نامبرده در سال ۱۲۹۳ در تبریز متولد شد و در سال ۱۳۲۶ در سن ۳۳ سالگی بوسیله‌ای در پارک اتابک گشته شد."

۲۸- ابراهیم ایلچی

بنوشته میرزا عبدالمحمدخان ایرانی: ازاجله فضلا واعزه ادبای عهد شاه محمد صفوی ودر شهر معصومه قم حکمرانی داشت. این هنرمند در فن خط نسخ و تعلیق ورسامی و نقاشی ومذهب کاری یگانه زمان و نادره دوران بود. شاه محمد صفوی او را برای عرض تهنیت بدربار سلطان مرادخان سوم عثمانی باسلامبول فرستاد. ابراهیم خان چون بدربار عثمانی رسید ورسالت خودرا گذرانید، سلطان او راگنجینه فضایل و مناقب یافت، بی اندازه مسرور شد و از دولت ایران بخواست تا او در اسلامبول مانده، برخی کتب بجهت پادشاه عثمانی بنویسد.

وهو مینویسد: ابراهیم خان صحیفه سجادیه‌ای بخط نسخ زیبا برای سلطان نوشته و بانواع تذهیبات و نقوش زیبا آرایش داد که سلطان عثمانی خلعت و جایزه گران قیمتی باو عطا نمود.

۲۹- ابراهیم بلوچ

نقاش زیبا نگار بلوچی بود که در استرآباد اقامت داشت. از آثار رقم دار این هنرمند، تصویری در یک کتاب چاپی آلمانی بنام DIE ARABER دیدم که مرد ترکمنی بنام ولی، با ادوات جنگی و گلاهِ ترکمنی، بروی اسب نشسته و بجداال مشغول بود. نقاش باستادی، حالت پورش و وضع جنگی سوارکار را بوضوح مصور ساخته و بخط شکسته زیبا رقم نهاده بود.

رقم کمترین خلق الله ابراهیم بلوچ سنه ۱۱۳۲ در استرآباد مشق شد. (شبهه ولی کافر ترکمان است)

۳۰- ابراهیم چلبی

بنوشته مناقب هنروران:

"مصور نازک مشرب و شاگرد استاد نادر العصر، حسن مصری مذهب بود"

۳۱- ابراهیم بن حبیب بن فرازی

۱- نخستین کسی از علمای اسلام است که اولین مرتبه بساختن اسطراب و نقوش آن همت گماشته است. این استاد در حدود سالهای ۱۳۶ - ۱۵۸ ه. ق. می‌زیسته و سال مرگش معلوم نمی‌باشد.

۳۲- ابراهیم حسینی

از نقاشان پر توان دوره ناصری بود و در آبرنگ و قلمدان سازی دست داشت. یگانه اثر رقم دار وی، قلمدانی موجود در موزه نگارستان تهران است که در زمینه مرغش سیر نقاشی شده و رویه آن گل و مرغ استادانه دارد. در طرف راست رویه قلمدان، تصویر پر مهارت دو آهو نقش بسته که حتی نقطه‌های سفید بدن آنها نیز، بوضوح دیده میشود. در سمت چپ نیز غزالانی بهمان مهارت و ترتیب نقاشی شده که از هر حیث زیبا میباشند. حواشی گل و مرغی قلمدان با تصویر دو جفت آهو، در حاشیه انتهائی آن باستانی نقاشی شده و رقم دارد. مشقه ابراهیم الحسینی ۱۳۱۰

۳۳- ابراهیم حسینی

نقاش دوره احمد شاه قاجار بود و اغلب تصاویر کتابهای چاپی را انجام میداد- تصاویر وی مرکبی با پردازهای درشت بود. از آثار وی، تصاویر کتاب کلیله و دمنه چاپ ماه رجب سال ۱۳۲۵ میباشد که بخط حسین خوئی کتابت شده است. این هنرمند، نام خود را اغلب بخط شکسته و گاهی به لاتین در زیر آثار خود بیادگار میگذاشت.

۳۴- ابراهیم دردی - میر ابراهیم

صادق بیک افشار، در مجمع الخواص خود، راجع به ابراهیم چنین مینویسد:
"از قصه موسوم به (سرکان)، از توابع همدان، شخصی است بسیار با حیا و مودب. در عنفوان جوانی برای تحصیل بهمدان آمد و با حقیر ارتباط یافته بآموختن شعر و نقاشی پرداخت، در اندک زمانی تحصیل زیادی کرد و نقاشی خوب و شاعری مقبول شد. گویند در کرمان در آستانه شاه ولی، گوشه نشین شده است، خدا توفیق دهد."

۳۵- ابراهیم زرین قلم

مردی دانش پیشه و در آبرنگ و سیاه قلم دست داشت. از آثار سیاه قلم وی، تصویر زیبا و استادانهای دیدم که بقلم پرداز نقاشی شده و در نوع خود شیرین قلم بود. در این اثر سیاه قلم که تصاویری از مریم و مسیح و کودکی خردسال بود، اشعاری در حواشی نوشته و رقم داشت.
خواست تا بگذارد از خود یادگاری زد رقم
کلک ابراهیم، دانش پیشه زرین قلم
(تقدیمی به جناب صابر علی ۱۳۴۳)

۳۶- ابراهیم زیور

طغرا ساز پر ابتکار و مذهب او آخر قرن ۱۲ ه. ق. بود. از آثار رقم دار وی، طغرای زیبایی بود که در حراج ساتبی لندن بفروش رسید و رقم داشت. (ابراهیم زیور)

۳۷- ابراهیم علی

از نقاشان گمنام او آخر صفویه بود و در قاب آینه و قلمدان سازی مهارت داشت. از تنها اثر رقم دار وی قاب آینه زیبایی در موزه ویکتوریا آلبرت لندن است که رقم دارد. (ابراهیم علی ۱۱۳۲)

۳۸- ابراهیم کهر هندی

از نقاشان هندی با برنامه زمان اکبر شاه هندی بود.

۳۹- ابراهیم لاهوری

اهل لاهور بود و در مینیاتور سازی و ارائه مجالس رزمی و بزنی دست داشت. اثر رقم دار این هنرمند، تصویری در کتاب طوطی نامه هندی بود که در نوع خود پر حلاوت بود. در این آبرنگ زیبا، پادشاه بروی تخت نشسته و جماعت رجال و شاهزادگان در حضور وی ایستاده اند. در پیش وی، پسرک کم سن و سالی قرار گرفته، عربضای بشاه تقدیم میدارد. از مطالب کتاب چنین معلوم است که نامه از طرف داراب بوده و بوسیله فرزندش بعرض شاه رسیده است. تصویر همراهان و نقوش زیبای ساختمان استادانه بوده و رقم داشت. (علی ابراهیم لاهوری)

۴۰- ابراهیم بن محمد باقر

بروایتی اهل بهبهان و از مجلدان و مذهبیان و حل کاران قرن ۱۲ ه. ق. بود. از این هنرمند جلد سوخت قرآنی دیدم که سوخت قالبی با سمای طلائی بود و بخط زیبای نستعلیق رقم داشت. (ابراهیم بن محمد باقر) خود کتاب که قرآنی بسال ۱۱۳۰ و خط محمد بن علی نقی کاتب بهبهانی بود، معلوم میباش که این جلد در همان سنوات و همان شهر بدست استاد ابراهیم انجام یافته است.

۴۱- ابراهیم مذهب عثمانی

بنوشته مستقیم زاده در صفحه ۵۶ کتاب تحفه خطاطین "اهل بوسرا بود و در حسن خط و تذهیب از شاگردان نازک قلم مصطفی افندی (توز بازاری) بشمار میرفت و وفات وی بسال ۱۱۶۰ اتفاق افتاده و در آن دیار بخاک رفته است"

۴۲- ابراهیم میرزا - سلطان ابراهیم میرزای صفوی متخلص به جاهی

از شاهزادگان با کمال و هنرمند صفوی بود و در شعر جاهی تخلص میکرد. بنوشته تاریخ نویسان آن دوره، خود از علم و هنر خط و نقاشی و موسیقی پر بهره بود و اغلب با هنرمندان همکاری و مراوده داشت. ابراهیم میرزا علاقمند بشوق هنرمندان بود و آنها را عزیز و محترم میشمرد. به امر وی مرقعی در نهایت نفاست و امتازی از آثار برجسته خطاطان و نقاشان و مذهبیان ترتیب گردید که در نوع خود منحصر بود. متأسفانه پس از قتل وی، این مرقع نفیس به امر گوهر شاد بیگم عیال و فادارش به آب شست و شو شده نابود گردید.

علت قتل این شاهزاده فاضل، به خوااهی ولیعهدی حیدر میرزای ۲۲ ساله بود که توسط شاه اسماعیل دوم در کمال قساوت اجرا گردید. مرحوم رضا قلی خان هدایت در مجمع الفصحادر این باره چنین مینویسد: «اسمش سلطان ابراهیم ابن بهرام میرزا ابن شاه اسماعیل صفوی نور الله مرقد و بعد از رحلت شاه صفوی که اسماعیل میرزا پسرش از محبس قلعه قهقهه بیرون آمد و سلطنت بر وی مسلم شد، از عنایت قساوت قلب، ابقا بر شاهزادگان صفوی نکرد.»

از جمله آنها این شاهزاده آزاده که بنی عم و داماد او بود، در دارالسلطنه قزوین، بیگانه در اول شباب بشکنجه طناب کشته شد. وی به انواع فضایل آراسته و از اجناس رذایل پیراسته و در حسن خط و نقاشی و موسیقی و کمالات دیگر معروف بود. شهادتش در سنه ۹۸۵ اتفاق افتاده است. قاضی احمد

در گلستان هنر، بیشتر از همه تاریخ نویسان در مورد این شاهزاده هنرپرور سخن رانده و چنین نگاشته است: در سر خیل سروران دنیا ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا آن اعلیحضرت در این فن نیز استاد بودند و در تصویر بد بیضا داشتند، بفکر دقیق و رای ثاقب و خیال عمیق تصرفات نیکو در آن مینمودند. موی قلمش ز اوستادی

جان داده بصورت جمادی

در مشهد مقدس معلی انوار، مرقعی ترتیب دادند، از خطوط استادان و تصویر استاد بهزاد و دیگر نقاشان و آن مرقع بدستکاری استادان نادر و هنرمندان قادر و خط شناسان بی بدل و خوشنویسان بی مثل اتمام یافت. فی الواقع ترتیبی روی نمود و مرقعی چهره گشود که هر صفحهاش سزاوار صد تحسین بلکه هر قطعه‌اش لایق صد هزار آفرین، معهذا اگر صحایف روزگار حرف تعلیق اوصاف حسن خطش شود، هنوز نلثی از خامه دوران به بیاض بیان نیامده باشد، اگر صفایح فلک دوار ملو از تعریف صور و اشکال غریبهاش گردد، هنوز عشری از اعشار محسناتش بر آینه ظهور جلوهرنگ نشده باشد و صور پاکیزهاش نمی نماید. بعد از رحلت آن شاهزاده کثیر الافاده که شاه اسماعیل آن فعل قبیح نمود، حلیله جلیله آن اعلیحضرت، گوهر سلطان خانم بنت شاه جم جاه جنت بارگاه، آن مرقع را به آب کشید که بنظر شاه اسمعیل نرسد، قیمتش بخراج اقلیمی برابری می نمود، القصة که کارهای تصویر آن شاهزاده سعید شهید بسیار و در هر اقلیمی بی شمار است (۱)

او بسال ۹۴۶ تولد یافته و در جوانی داماد شاه طهماسب گردید. تاریخ قتل او که بامر شاه اسماعیل ثانی صورت گرفت ۹۸۴ می باشد. عبدی جنابندی در این مورد گوید - گفت تاریخ سال قتل مرا - بنویسید کشته ابراهیم.

از آثار زیبای دوران سلطان ابراهیم میرزا، دو اثر زیبا در کتاب ROYAL PERSIAN MANUSCRIPTS چاپ شده که مختصراً در اینجا اشاره میشود.

تصویر اولی که از آثار منسوب به شیخ محمد می باشد، قصه حضرت یوسف است که گویا بخواستگاری زلیخا آمده و در جمع فامیل و اقربای او جلوس کرده است، در طاق نمای بالای شاه نشین عمارت بخط طلائی زیبا نوشته شده (ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا) که به یقین دنباله جمله (برسم کتابخانه ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا) بوده و مختصری از آن حروف زیر سایه بان قرار گرفته و دیده نمیشود. تصویر دیگری که در صفحه ۹۸ این کتاب چاپ شده و منسوب به میرزا علی نقاش است، حراج حیوانات است که در میدان شهر برپا شده است. در این اثر نفیس که در طاق نمای ساختمان حاشیه میدان نام (ابوالمظفر شاه طهماسب الحسینی) بر طلائی درخشان نقش بسته است، در بالای درب ورودی بخط رقاع زیبای طلائی چنین نوشته است. (برسم کتابخانه ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا) از این دو اثر زیبا که نام ابراهیم میرزا قید شده معلوم میگردد، تصاویر و آثار بیهمتای دیگری نیز چمباقلم و یا همکاری وی سامان یافته که متأسفانه اکنون در میان نموده و یا اگر هست اطلاع دقیقی از محل و مشخصات آن نداریم.

۴۳ - ابراهیم میرزا - ابن محمد بن فتحعلیشاه قاجار

از شاهزادگان هنرمند قاجار و فرزند محمود میرزا ابن فتحعلیشاه قاجار بوده، او برادر کوچکتری

۱ - گلستان هنر اول دفعه در سال ۱۹۴۷ با مقدمه‌ای از روی نسخه اصل موجود در مسکو انتشار یافت و آقای مینو ریگی در سال ۱۹۵۹ از روسی به انگلیسی ترجمه کرد و سپس بتاریخ ۱۳۵۲ خورشیدی برای اولین مرتبه در ایران بوسی و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری طبع و منتشر گردید.

بنام مبارک میرزا داشت که در هنر آبرنگ سازی و چهره پردازی استاد مسلم بشمار میرفت. ابراهیم میرزا چهره‌ساز معروف بود و پردازهای ماهرانه بصورت میزد. چند اثر آبرنگی وی را که از نزدیک دیده‌ام معرف زبردستی و چابک قلمی وی بشمار می‌آید. این آثار عبارتند از:

۱- تصویر زیبا و استادانه ناصرالدین شاه بود که روی صندلی نشسته و پاها را بروی هم انداخته بود. این اثر آبرنگ که در حراج ساتبی لندن بفروش رسید، رقم داشت.

(رقم ابراهیم میرزا ولد نواب محمود میرزای قاجار)

۲- دیگر اثر آبرنگی هنرمند که معرف استادی وی می‌باشد، تصویر دیگری از ناصرالدین شاه قاجار در کتابخانه و موزه گلستان تهران است که رقم دارد.

(کمترین ابراهیم میرزا قاجار ۱۲۷۵)

۳- سومین اثر بجا مانده‌اش که آن نیز از ناصرالدین شاه بوده و عکس آن در صفحه ۳۱۰ جلد ۱۶ راهنمای کتاب چاپ رنگی شده است، تصویر ایستاده پادشاه قاجار است که با کلاه جیقه و پرداز سلطنتی و نیم تنه منقش بر جلال که زیر آن لباس قرمز رنگی جلب نظر میکند ترسیم یافته و یکی از دستها را بجیب فرو برده است، ریشش کم پشت و سبیل‌های بلند مردانه دارد، شلوار آبی با کنارهای زرد پوشیده و در مقابل ایوان سلطنتی با صلابت ایستاده است، به‌خط شکسته زیبا رقم دارد.

السلطان ابن سلطان ناصرالدین شاه قاجار - عمل بنده درگاه ابراهیم میرزا خلف نواب محمود میرزا ۱۲۶۸

۴۴- ابراهیم نقاش

در کتاب مآثر رحیمی در مورد این نقاش چنین می‌نویسد:

"مولانا ابراهیم نقاش و خوشنویس و مذهب و صحاف و حکاک بی‌نظیر و همال بود. و اکثری از صنایع را خوب میدانست. و بکمال حیثیات و استعداد آراسته بود و در احمد نگر دکن بشرف ملازمت و بندگی ایشان رسید. و مدتی در کتابخانه عالی بامر کتابداری ممتاز بود. و تصویر و تذهیب و خط او در این مکتب خانه دانشمندان بسیارست. بی‌شایبه تکلف هر یک از این حیثیات او زیب و زینت کتابخانه اهل روزگار می‌تواند شد. و گاهی متوجه شعر گفتن نیز میشده است. و درین فن نیز طبع عالی داشته. و در میانه مستعدان هندستان بی‌مثل و مانند بوده. و بوسیله که بر راقم ظاهر نیست از سعادت بندگی ایشان محروم مانده بقیه عمر در هندستان بسر برد. و بتکاپوی هر چه تمام‌تر اینچنین صاحب و مخدومی می‌جست نمی‌یافت. و همیشه نادم و پشیمان بود. تا متقاضی اجل بساط عمرش در نوشت. و اشعار او در سفاین اهل دکن خصوصا "مردم احمد نگر بسیارست. و با استعداد وی درین جزو زمان کم بهم می‌رسد بلکه نایابست. و حالت و تحریر مسوده اشعار ایشان در نظر نبود که ثبت شود."

۴۵- ابراهیم نگین تراش

در کتاب خطی اکبرنامه موجود در مجموعه نگارنده در مورد این هنرمند چنین مینویسد:

"در عمیق نگاری هم طراز برادر خود شریف هروی است، لیکن کار از باستانی اوستادان در گذرانید و رقاع و نستعلیق او از کارنامه خوشنویسان جدا نتوان ساخت، لعل‌های گران ارج شاهنشاهی بنقش لعل جلالی آرایش داده اوست."

۴۶- ابوبکر بن محمد خلیل- ساعت ساز یزدی

هنرمند با ابتکار و مخترع گمنام یزدی بود که در قرن ۸ هجری در آن شهر زندگی می نمود. از آثار وی، اختراع و ساخت ساعت عجیبی بود که بطرز استادانهای ساخته شده و در مدرسه رکنیه یزد بسال ۲۲۵ نصب شده و مشغول کار بوده است .

۴۷- ابوتراب اسدآبادی

اهل اسدآباد و نقاش گمنام رنگ و روغن بود . او بشیوه مهدی نقاش باشی چهره می ساخت و تا حدی نیز موفق بود تنها اثر رقم داروی که از نزدیک دیده ام، تصویر یکی از رجال قاجاری بود که برنگ و روغن نقاشی شده و رقم داشت . (ابوتراب اسدآبادی ۱۲۸۰)

۴۸- ابوتراب غفاری

بنوشته بامداد در کتاب رجال خود: "او برادر بزرگ محمد خان غفاری کمال الملک معروف و برادرزاده میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک غفاری نقاشباشی معروف بود که در سال ۱۲۸۰ در کاشان متولد شده و پس از مدتی بتهران آمده وارد مدرسه دارالفنون گردید و زمان انتشار روزنامه شرف که بسال ۱۳۰۰ بود ابوتراب خان صورتها را میکشید و در رجب سال ۱۳۰۷ در سن ۲۷ سالگی در گذشت" اعتماد السلطنه در یادداشت های خود در این مورد چنین می نویسد .

سه شنبه ۱۹ جمادی الثانی صبح که از اندرون بیرون رفتم هنوز دست و رو نشسته کاغذی از میرزا علی محمد خان مجیر الدوله شیبانی رسید که نوشته بود میرزا ابو ترانجان نقاش دارالطباعة خود را به تریاک مسموم کرده و مرده است، عصر با سلطان ابراهیم میرزا خانه میرزا ابوتراب خان رفتم معلوم شد دیروز عصر خانه ابوالحسن خان یحیی پسر صنیع الملک که بنی عم خودش بود رفته و باو گفته است . من از دنیا سیر شدم خودم را خواهم کشت و تریاکی از جیب بیرون آورده و میخورد، آن بنی عم پدر سوختاش هم او را مانع نمی شود او را سه بغروب مانده خانه خودش می آورند کسانش جمعیت نموده و هر چند بفجر و التماس میخواستند او را معالجه نمایند نمی گذارد، تا اینکه سه و نیم از شب رفته فوت می نماید، جوان قابل و از صنعت گران ایران بود، بواسطه سوء رفتار زنش انتحار نمود .

بگفته کمال الملک، (۱) میرزا ابوتراب، برادر بزرگ من در زمان اعتماد السلطنه محمد حسن خان روزنامه شرف را نقاشی میکرد و میرزا رضای گلهر هم مینوشت. از میرزا ابوتراب جز روزنامه چندان کار دیگری نمانده است. میرزا ابوتراب منصب سرهنگی داشته در انطباعات بود و دو دختر داشت یکی مرحومه شد و دیگری آسیه خانم که حالا نزد من است و حالا چند اولاد دارد

بمصادق گفته های مرحوم کمال الملک، در جنگ مجموعه نگارنده که احوال بعضی از رجال قاجاری را درج نموده، در مورد ابوتراب در صفحه ۱۳۴ چنین می نویسد . "در اداره انطباعات میرزا ابوتراب خان سرهنگ و نقاش باشی وزارت انطباعات و مدیر چرخ حروف است"

از آثار او دیده ام :

۱- یک نقاشی چایی مدادی خوب، از فتح اله خان شیبانی که شباهت تام داشت ، با رقم ابوتراب عکس در مجله آینده صفحه ۲۴۸ بهمن ۱۳۰۶ شمسی

- ۲- نقاشی از صورت مرحوم اعتماد السلطنه صفحه ۳۲۵ کتاب رجال مرحوم بامداد با رقم ابوتراب .
- ۳- سه تصویر در جنب یکدیگر چاپ شده در صفحه ۴۷۹ رجال مرحوم بامداد با رقم ابوتراب غفاری
- ۴- تصویر علی نقی حکیم الممالک با رقم ابوتراب
- ۵- تصویر ناصرالدین شاه با رقم ابوتراب که چاپ شده است .
- ۶- تمام تصاویری که در روزنامه شرف امضاء دارد و قسمت‌هایی از روزنامه وقایع اتفاقیه که امضاء او را دارد تماما " اثر این نقاش است .
- ۷- سه تصویر استادانه با پرداز غنی و ممتاز به اندازه‌های مختلف از صورت ناصرالدین شاه قاجار به رقم ابوتراب
- ۸- تصویر مدادی ساختمانی در وسط باغ و جوی آب که گویا از صفحات شمال ایران نقاشی شده است در نهایت استادی و زیبایی با رقم میرزا تراب خاکپای اقدام فقرا سنه ۱۳۰۲ در مجموعه نگارنده
- ۹- نقاشی‌های خانه قدیمی معروف به خانه حکیم باشی در کاشان که در محله مسجد آقا بوده و سالم و دست نخورده و امضای نقاش را نیز دارد. بروایت آقای محمد نقی مصطفوی در مجله نقش و نگار شماره ۷ همه اثر این نقاش است .
- ۱۰- نقاشی سیاه قلم آبرنگ از صورت ناصرالدین شاه قاجار در بالای فرمانی بسیار زیبا که فعالیت دولت ناصرالدین شاه را در مدت عمر طولانی او نوشته و چوایشی آن فرمان و در متن او گل‌های بسیار زیبایی از آقا رحیم داشت و خطوط آن بوسیله شکرالله نامه نگار کتابت شده بود رقم ابوتراب داشت .
- ۱۱- نقاشی فوق‌العاده عالی آبرنگ از صورت ناصرالدین شاه قاجار که در نهایت ممتازی و استادی تصویر شده بود رقم داشت . خانه زاد ابوتراب در یک مجموعه خصوصی
- ۱۲- تصویر محمود خان ملک الشعراء که اثر ابوتراب بود و بخط خود در ذیل نقاشی نوشته است جناب ملک الشعراء
- ۱۳- صورت مرحوم اعتماد السلطنه حاجی علیخان غفرالله له با رقم ابوتراب تصویر شاه (۱۶)

۴۹- ابوالحسن

- نقاش قلمدان ساز بود و در رنگ آمیزی و انتخاب موضوع و حسن نظر و ابتکار بخصوص داشت. از آثار او دیدم
- ۱- قلمدان تصویری شکار حیوانات بود که دشت و دمن و حرکات حیوانات، زیبایی مجسم گشته و بخط نسخ زیبا رقم داشت . (ابوالحسن ۱۳۱۵)
- ۲- دیگر اثر این هنرمند، قلمدان گل و مرغی زیبایی با همان شیوه انحصاری و ابتکاری خود که بسادگی انجام میداد، دیدم که رقم داشت . (جهت نصر الدوله ساخته شد ۱۳۱۵ ابوالحسن)

۵۰- ابوالحسن اصفهانی

- نقاش ممتاز و برجسته اصفهانی بود و در آبرنگ و نقطه پرداز و شبیه سازی دست پر حلاوت داشت. از آثار برجسته و نفیس وی، تصویر جوانی‌های ناصرالدین شاه است که بسال ۱۲۶۶ انجام یافته است، در این آبرنگ، صورت شاه قاجار بنحو پر مهارتی پرداز شده و سبیل‌های کمانی و ابروان پر پشت و زلف‌های برآمده‌اش به مهارت تصویر شده که بحق بهترین نمونه صورت سازی در این سنوات میباشد . کلاهش بسان جیفه کلاه‌های محمد شاهی بود و پاگون‌ها و حمایل و ریس‌های مرواریدی که از چپ و راست بروی لباس قرار میگرفت، ابهت خاصی به تصویر میداد و رقم نقاش، بخط شکسته زیبا چنین بود . (السلطان ناصرالدین شاه قاجار خلدلله ملکه و سلطانه)
- (رقم کمترین ابوالحسن نقاش اصفهانی فی ۱۲۶۶) مجموعه خصوصی ۲

۵۱- ابوالحسن افشار ارومی

علی اشرف نقاش زبردست اواسط قرن ه. ق. که باسج انحساری خود (ز بعد محمد علی اشرف است) معروف گشته، از طوایف افشار ارومیه بود و در دستگاه احمد خان دنبلی فعالیت هنری می نمود. این هنرمند، برادری بنام الله وردی داشت که او نیز درحد خود استاد وارستهای بشمار میرفت. از الله وردی فرزندی به وجود آمد که بنام ابوالحسن افشار ارومی معروف و مشهور گردید. این هنرمند، در گل و بوته و پرند ساز و انواع تذهیب ها دست پرتوان داشت و در آرایش مجالس قوی دست بود. گو اینکه از این استاد، بیش از چند اثر ارزنده بیادگار نمانده، ولی ارائه همین آثار اندک نیز، مقام شامخ و والای هنری وی را برملا ساخته و او را در مقام یکی از اساتید هنری نقاشی ایران، تثبیت کرده است. قدیمترین مدرک و اسنادیکه به زندگی این هنرمند، مختصر اشاره کرده، کتاب المآثر و الاثار مرحوم اعتماد السلطنه است که در صفحه ۲۱۹ آن چنین می نویسد:

"ابوالحسن افشار، خلف استاد اللهوردی نقاش بود و در صنعت نقاشی و گل و بوته سازی و رنگ آمیزی بین کارهای او و عمش علی اشرف نقاش افشار مشهور تمیزی ممکن نبود، عزیز خان سردار کل، از کارهای او برسم ارمان بتهران فرستاده و تا ۵۰ تومان فروش میرفت. (۱) در اواسط سنین اربعین یعنی سال چهلم سلطنت ناصرالدین شاه یعنی ۱۳۰۴ وفات یافت."

از طرفی عده ای عقیده دارند، این نقاش لال بوده و او را با محمد حسن بیگ نقاشباشی، پدر آقا بیگ لر افشار که از طایفه افشار ارومی بوده و لال و کر نیز بوده است، با شتاب یکی دانسته و راه خطا پیموده اند، در صورتیکه این دو هنرمند، هر یک بشخصه احوال جداگانهای داشتند که در جای خود آمده و خواهد آمد. از آثار او دیدم.

۱- قلمدان گل و مرغ عالی که به طرز بدیع و پر امتیازی نقاشی شده و رقم داشت.

(ابوالحسن افشار ارومیه ۱۲۸۰)

۲- قلمدان سالم و پر آذین گل و مرغ بی همتا، که با رنگهای روشن و پر حلاوتی تصویر شده و رقم داشت. (ابوالحسن افشار ارومیه) مجموعه مهندس ناصرخلیلی

۳- یک عدد، جلد عالی گل و برگ افشان و ریز که در زمینه مشکی، با طلا اندود شده و رقم داشت. (رقم ابوالحسن افشار ارومیه ۱۲۷۰) در دست فروشندهای در تهران

۴- ارائه اثری با رقم، هو، ابوالحسن افشار سرباز قدیمی، بتاریخ ۱۲۹۶، که دو مرغی را در نهایت استادی بروی شاخه درختی نشان میدهد. و عکس آن در (صفحه ۶۳ هنر و مردم شماره ۱۷) به چاپ رسیده است.

۵۲- ابوالحسن ثالث (یحیی خان) یا ابوالحسن خان

از میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک غفاری، سه پسر باقی مانده که همه نقاش بوده و بنام های:

۱- ناگفته نماند که هدیه قلمدان در آن روزگار از امتیازات معنوی پرجی برخوردار بوده و کما اینکه روزنامه شرافت شماره ۳۹ سال ۱۳۱۷ در مورد هدیه قلمدان بیکی از وزرا، آن دوره چنین مینویسد: میرزا مهدی خان وزیر همایون بیست (در سال ۱۳۱۶) باعطای یک عدد قلمدان دوات مرصع که از امتیازات نبیله فاخره این دولت روز افزون است نایل شد.

اسدالله خان - سیف الله - یحیی خان معروف بوده‌اند .

پسر کوچکتر که نامش یحیی خان بود و صورتاً " به پدر شباهت داشت، بتعمیل ناصرالدین شاه به ابوالحسن ثالث ملقب گردید .

یحیی خان که در خانواده هنری تولد یافته و هنر نقاشی را از پدر و منسوبان هنرمندش بارث برده بود، بهرور اسم و رسمی پیدا کرده و به گروه هنرمندان پیوست . ابوالحسن ثالث، در آبرنگ و رنگ و روغن شیرین قلم بود . او علاقه زیادی به کپی کردن آثار مشاهیر داشت، از جمله کارهای مشهورش، کپی تابلوی معروف آتش سوزی رافائیل میباشد که اصل آن در موزه واتیکان قرار دارد .
از احوال و زندگی آخر عمر یحیی خان، اطلاع بیشتری نداریم ولی آنچه مسلم است تا سالیان ۱۳۲۴ ه.ق . در قید حیات بوده است .

از جمله اتفاقات دوران حیاتش، خودکشی میرزا ابوتراب خان برادر کمال الملک است که در خانه او صورت گرفته و اعتماد السلطنه در خاطرات خود، وی را پدر سوخته خوانده و فوت ابوتراب را دلیل سهل انگاری میرزا یحیی دانسته است. از آثار او دیدهام :

۱- نقاشی میدان ارک است که حوض و توپ مروارید را باستادی تصویر کرده و ساختمان زمینه و قیافه چند زن چادری را بزیبائی ارائه داده است . رقم دارد .

(رقم خاندان میرزا ابوالحسن خان پسر صنیع الملک فی سنه ۱۳۰۳) موزه گلستان

۲- اثر دیگر نقاش، منظره داخلی تالار مخصوص همایونی است که باستادی نقاشی شده و رقم دارد . (حسب الامر بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی ارواح العالمین فداء اطلاق مبارکه برلیان) (بدست خانه زاد ابوالحسن خان تشکل یافت ۱۳۰۵)

۳- دیگر اثر آبرنگی هنرمند، صورت حاجی میرزا عبدالمطلب ادیب خالوی نقاش است که به مهارت نقاشی شده و رقم نقاش را دارا میباشد .

ابوالحسن ثانی در ابوالحسن بن محمد غفاری آمده

۵۳- ابوالحسن شیرازی - شمشیر ساز

از شمشیر سازان و نگارگران فلزات اواخر قرن ۱۰ ه.ق . است، از آثار رقم دار این هنرمند، شمشیری با آرایش طلائی دیدم که رقم داشت . عمل ابوالحسن شیرازی ۹۹۹

۵۴- ابوالحسن شیرازی - نقاش باشی سرکاری

اهل شیراز بود و از مظفرالدین شاه لقب نقاشباشی داشت. این هنرمند در آبرنگ و تذهیب و جانور سازی دست داشت و در نوشتن خطوط مختلف، مخصوصاً " نسخ و طغرا استاد بود .
از آثار او دیدهام :

۱- تصویر دسته جمعی حیوانات مختلف را بشکل شتر که در آن زمان به تفنن بین نقاشان مرسوم بوده نقاشی کرده و افسار او را بدست حیوان بوزینه مانندی که لباس رزمی پوشیده و زره به تن دارد قرار داده است . رقم اثر بخط زیبای نسخ چنین است . (رقم ابوالحسن شیرازی نقاشباشی سرکاری ۱۳۱۴)

۲- اثر دیگر این هنرمند، تصویر استادانه و پر پیرایه یکی از رجال قاجاری است که تمام قد و ایستاده مصور شده است . ترسیم ملایمهای طلائی و حمایل لباس صورت و اجزاء آن به استادی نقاشی

شده و رقم دارد . (کلب آستان ولایت ابوالحسن نقاشباشی سرکاری ۱۳۲۰) مجموعه خصوصی ۲

۳- اثر رقم دار دیگر نقاش که بخط طغرانی زیبا و رنگ لاجوردی انجام یافته است، شمایل مبارک

پیغمبر اسلام ص، با کلاه و شل و پرچم مخصوص است که باستانی تصویر شده و در سمت چپ آن، تمثال مولای متقیان علی علیه السلام نقش بسته است. امضای نقاش، بخط رقاغ زیبا چنین است.
(ابوالحسن شیرازی سرکاری ۱۳۲۴)

۴- اثر رنگی دیگری که در صفحه ۱۳ کتاب خانم امینه پاکروان دیده‌ام، تصویر پر جلال حاجی میرزا آقاسی، صدر اعظم معروف دوره محمد شاهی، در صحن قورخانه دولتی است. در این آبرنگ، حاجی با کلاه بوقی و لباس و عبای مخصوص، در وسط کارخانه توپ ریزی ایستاده و کار آنها را بازدید مینماید. منظره و عظمت توپها و شعله‌های آتش و دود که زبانه کشیده و صحنه را پر کرده، معرف مهارت نقاش میباشد. در گوشه‌های، بخط رقاغ زیبا رقم دارد. (رقم کمترین ابوالحسن شیرازی نقاشباشی همایونی ۱۳۲۵ - شبیه وزیر ایران جناب حاجی میرزا آقاسی ۱۳۶۱)

۵۵- ابوالحسن ابن علی نقی افشار

فرزند علینقی از دودمان افشار بود. از تنها اثر رقم دار این هنرمند که از نزدیک دیده‌ام، کتاب خطی و تصویری زیبایی است که در مورد جغرافیا نگارش یافته و چهارده اثر، در موضوعات مختلف دارد. در برابر یکی از ترسیمات، بخط شکسته زیبا چنین نوشته.
(ابوالحسن چاکرزاده ابن مرحوم علی نقی افشار ۱۳۰۵)

۵۶- ابوالحسن ابن محمد غفاری کاشانی - ابوالحسن ثانی - ابوالحسن خان غفاری صنیع الملک

میرزا ابوالحسن فرزند میرزا محمد که شجره خاندان او را در ابوالحسن مستوفی کاشانی یاد کرده‌ام، در حدود سال ۱۲۲۹ تولد یافت. از دوران صباوت و زندگی اولیه این هنرمند اطلاع دقیقی بدست نداریم. ولی آنچه مسلم است در حدود سال ۱۲۵۸ و زمان سلطنت محمد شاه که جوانی ۲۹ ساله بوده، تابلوی رنگ و روغنی خوبی ساخته و بخاطر ارائه آن اثر، جزو نقاشان دربار گشته است. ابوالحسن خان در حدود سال ۱۲۶۲ ه. ق. بتشویق و مساعدت حسینعلی خان نظام الدوله مشیر الممالک و بدستور ناصرالدین شاه رهسپار ایتالیا گردید. در ایتالیا چند سالی در موزمهای فلورانس و رم مشغول هنر اندوژی گشته و اغلب بکار کپی کردن آثار اساتید فن مشغول گردید. از جمله تابلوهای کپی دوره مسافرت وی، کپی تابلوی معروف رافائیل موسوم به (مادونای فولین لو) (۱) میباشد که در حد خود قابل تمجید بوده و اینکه بعضی‌ها گفتند کپی او از اصل بهتر بوده گراف احمقانه و مبالغه آمیز میباشد. ابوالحسن پس از مدتی به ایران بازگشت و وسایل نقاشی و مدل‌های مختلف و طراحی‌های زیادی که از آثار استادان تهیه کرده بود، جهت تاسیس مدرسه نقاشی که مدتها آرزوی تاسیس آنرا در اندیشه داشت، بهارمغان آورد. در سال ۱۲۷۳ صورتهای تالار نظامیه را که چند سال پیش به عمارت لقانطه معروف شده بود، برای میرزا آقا خان نوری اعتماد الدوله باتمام رسانید، در این سالها بود که شهره خاص و عام گشته و از ناصرالدین شاه یک جعبه رنگ طلا که در وسط آن یک گل الماس گران بهای ثمین، نصب شده بود، بعنوان جایزه دریافت نمود.

۱- گویا این تابلو متعلق به میرزا علی اصغر خان اتابک بوده و در عاقله غارت خانه وی این تابلو مورد اصابت گلوله واقع شده و بوسیله میرزا علی اکبر خان مزین الدوله تعمیر گردیده است. کپی دیگری که از روی شاهکار رافائیل انجام یافته و بنام عروج حضرت مسیح و بابعاد ۶۹ x ۴۹ سانتی بوده بنوشته مرحوم دوستعلی خان معیر الممالک جزو مجموعه آن مرحوم بوده است.

در سال ۱۲۷۷ بموجب فرمان ناصرالدین شاه، شاهزاده علینقی میرزا اعتضاد السلطنه وزیر علوم رسماً "طبع و نشر روزنامه را به ابوالحسن خان داد. او در هر شماره تصاویری از رجال و شخصیت‌های مملکتی و بعضی وقایع روز را تصویر کرده و منتشر مینمود.

از شماره ۴۷۱ مورخ ۲۸ محرم سال ۱۲۷۷ وقایع اتفاقیه را روزنامه وقایع نام گذاشته و آرم شیر و خورشید آنرا بنحو آبرومندی عوض کرد و از شماره ۴۷۲ مورخ ۵ صفر ۱۲۷۷ اسم روزنامه به روزنامه دولت علیه ایران تغییر نام داد. از شماره ۴۷۲ پنجشنبه ۱۹ شهر صفر المظفر مطابق بیچی لیل سنه ۱۲۷۷ مردم با شمایل و ماشین چاپ او که در این شماره چاپ شده بود آشنا گشتند و باز در همین شماره بود که مطالب زیر در مورد ابوالحسن خان انتشار یافت.

چون میرزا ابوالحسن خان نقاشی در فن نقاشی مهارت کامل حاصل کرده و لیاقت و قابلیت خود را در حضور مهر ظهور همایون بدرجه شهود و وضوح رسانیده خاصه دربارۀ تصویر که از جمله فنون معظمه است مهارت دارد، رای جهان آرای همایون شاهنشاهی علاقه یافت که این فن بدیع شریف نیز در ایران معمول و زیاد شود، لهذا طبع روزنامه دارالخلافه را بعهدۀ او محول و مرجوع فرمودند که باقتضای موقع در هر روزنامه چند مجلس تصویر چاپ شود، چنانکه در روزنامه هفته گذشته و این هفته معلوم میشود و فرمان همایون شرف صدور یافته در حق او خلعت مرحمت گردید و نیز در همین صفحه صورت ابوالحسن خان بقلم خود او بچاپ رسیده است. پس از مدتی فعالیت و نشر مداوم روزنامه، مورد تشویق ناصر الدین شاه واقع شده به لقب صنیع الملکی مفتخر گردید. در صفحه ۳ شماره ۴۹۱ هـ ذیقعدۀ سال ۱۲۷۷ روزنامه دولت علیه ایران که از نیمه سطر ۵ شروع شده و جمعاً ۱۱ سطر است چنین می‌نویسد. (۲)

چون میرزا ابوالحسن خان نقاشی، از ابتدای عهد شباب الی الان دقیقه از دقیق ارادت و خدمتگزاری را مهمل و متروک نگذاشته است، از جمله بعد از احداث صنعت چاپ تصویر که از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه برجوع خدمت طبع روز نامجات دولتی سرافراز آمد، در صورت دادن این خدمت نیز نهایت اهتمام و مراقبت بعمل آورده، چاپ تصویر را در این دولت متداول ساخت، و در نظرانور اقدس همایون شاهنشاهی مستحسن افتاد، رای جهان آرای اقدس همایون اقتضاء فرمود که او را مشمول عنایتی خاص قرین عز اختصاص فرمایند که موجب تشویق او و امیدواری عموم ارباب صنایع بوده باشد، لهذا مشار الیه را باعطای لقب صنیع الملکی (۳) سرافراز و چهار صد تومان بر مواجب سابق او اضافه فرموده و یک ثوب جبه ترمه خلعت مرحمت

۲- در احوال صنیع الملک علاوه بر اطلاعات و مدارک قدیمی نگارنده که از جنگ‌ها و یادداشتهای زمان بیادگار مانده از مدارک زیر نیز استفاده شده است.

الف - جمیع روزنامه‌های دولت علیه ایران و سایر مدارک زمان حیات نقاش. ب - رجال عصر ناصری تالیف معیر الممالک. پ - تاریخ کاشان نوشته عبدالرحیم کلانتر ضرابی. ت - فرهنگ ایران زمین ث - مجلات اطلاعات ماهانه مجله نقش و نگار - مجله هنر و مردم شماره ۱۰ و ۱۱ مجله مهر بهمن سال ۱۳۱۲ شمسی.

۳- بنوشته مرحوم بامداد در جلد اول کتاب رجال - حاج ابوالحسن اصفهانی که در سال ۱۳۰۵ ه.ق. مرحوم شده دختر خود ربابه خانم را به زنی ناصرالدین شاه داده بود از شاه لقب صنیع الملکی گرفته و معمار باشی مشهور بود.

فرمودند، فرمان همایون بشف بفرمان مقرر شد که نقاشخانه و چاپخانه دولتی معین دارند که مشارالیه پرده‌ها و اسباب مرغوبه نقاشی را که از سفر ایتالیا به‌مراه خود آورده یا در این مدت جمع آوری نموده با اتباع روزنامه و کارخانه در آنجا برده‌شاکردان عدیده نیز در این صنعت تربیت نمایند.

پس از دریافت لقب و فرمان شاهانه، بواسطه علاقه مفرطی که به تاسیس هنرستان نقاشی داشت، با رخصت از ناصرالدین شاه، اثاث و لوازم نقاشی و طراحی‌ها و مدل‌ها و رنگ‌های مختلف و سایر ادوات و ابزار هنری را به جنب ارک دولتی و عمارات سلطنتی که از هر حیث برای این کار تناسب داشت نقل مکان داده و رسماً "بافتتاح هنرستان نقاشی همت گماشت". در جریان این فعالیت‌ها، در یکی از شماره‌های روزنامه دولت علیه ایران شماره ۵۱۸ مورخ ۲ شوال ۱۲۷۸، افتتاح مدرسه هنری را چنین توصیف مینماید.

در روزنامه‌های قبل نوشته شده بود که حسب الامر مقرر گردیده است، صنایع الملک نقاشی خاصه کارخانه باسه تصویر و نقاشخانه دولتی ترتیب داده و در آنجا پرده‌های کار استادان مشهور را با بعضی از باسهم‌های معتبر که از روی عمل استادان معتبر کشیده و طبع نمودند، با سایر اسباب و اوضاع یک مکتب خانه نقاشی، بطوریکه در فرنگستان دیده بوده است و اسباب لازمه آنرا حسب الحکم با خود آورده است، ترتیب داده، بطوریکه هر کس طالب آموختن این صنعت باشد، بهیچ وجه نقصی در اسباب تحصیلش نباشد، بلکه سایر صاحب صنعت‌ها هم، در هر طرح و هر کار که محتاج به نمونه و امتیاز و سلیقه باشند، معطل نباشند، و همچنین کارخانه باسه تصویر را متداول نماید که همه روزه تصاویر مختلفه از کارخانه بیرون آید و این صنایع را رواج کامل بدهد، در این مدت مشغول انجام این خدمت بوده و در ارک سلطانی در جنب دیوانخانه مبارکه نقاش‌خانه و کارخانه را ترتیب داده، بنحویکه در کارخانه باسه چهار چرخ در کار است و بعلاوه خدمت طبع روزنامه‌جات و احکامات دولتی و طبع باسه تصاویر را چنان ممتاز نموده است که هر کس طالب چاپ نمودن شبیه خود یا مجلسی باشد، بفاصله چند روز یک‌هزار صورت او در کاغذهای ضخیم طبع میگردد که نهایت امتیاز را داشته باشد، و ترتیب نقاشی از این قرار است که چند پرده که خود مشارالیه در سفر ایتالیا از روی عمل استاد مشهور رافائیل کشیده و از صحنه جمیع استادان گذرانیده بود، در آنجا نصب نموده و از باسه و صورتهای گچ و سایر کارهایی که از روی عمل میکائیل و رافائیل و تیسیان و سایر استادان که اسامی آنها در کتاب آموختن نقاشی ذکر شده است کشیده و چاپ نمودند، نصب نموده از هر قبیل اسباب و آلات کار را در آنجا فراهم آورده قریب باتمام است، و بعد از اینکه ایام رمضان المبارک منقضی شد ثانیاً اعلان خواهد نمود که جوانان قابل در ایام هفته در آنجا جمع شده مشغول تحصیل باشند و هفته‌ای یک روز هم خود مشارالیه مشغول تعلیم خواهد بود و هفته‌ای دو روز هم در آنجا قراری داده خواهد شد که مردم جهت تماشای آنجا مأذون باشند و این اول نقاش‌خانه و کارخانه باسه تصویر است که در دولت ایران حسب الامر معمول و متداول میگردد، بطور و طرز فرنگستان، در نتیجه این عمل، صنایع الملک مورد استقبال عامه گشته و حتی ناصرالدین شاه نیز شخصاً از مدرسه دیدار کرده و وی را مورد محبت و الطاف خود قرار داد.

جریان این بازدید در روزنامه دولتی آن دوره چنین درج شده است.

عصر روز دوشنبه ۱۲ شوال ۱۲۷۸ که مراجعت می‌فرمودند، به نقاشخانه دولتی که صنایع الملک در عمارت دیوانخانه مبارکه بطور خوب و وضع مرغوب ترتیب داده است، تشریف شریف همایونی ارزانی داشته، صنایع الملک هم پیش کش و قربانی و شیرینی مهیا نموده، مدتی سیاحت نقاش‌خانه و چاپ تصویر را فرموده، زاید الوصف طرز و وضع نقاش‌خانه در نظر همایون مستحسن و مقبول افتاده، اظهار

مرحمت و عطوفت بسیار در حق صنایع الملک فرمودند .

و باز در این شماره به اعلان هنرستان نقاشی صنایع الملک بر میخوریم که در آن اعلان سعی شده بهر ترتیبی که امکان دارد علاقمندان فن نقاشی و دانش آموزان پر مایه را به یادگیری این فن و صنعت بدیع تشویق و تحریص نماید . (چون در روزنامه سابق قلمی شده بود که بعد از اتمام عمل نقاش خانه بجهت اطلاع مردم اعلان جدید خواهد شد، که هر کس خواسته باشد طفل خود را بنقاش خانه ببرد که تحصیل این صنعت لطیف نماید، دانسته باشد، لهذا چون این اوقات عمل ترتیب نقاش خانه از هر حیث پرداخته شده است، اعلان و اعلام میشود که از این تاریخ به بعد هر کس خواسته باشد، طفل خود را بمکتب نقاشخانه ببرد، نقاشخانه دولتی باز است و صنایع الملک روزهای شنبه را خود به تعلیم شاگردان خواهد پرداخت و سایر ایام شاگردان در همان نقاشخانه از روی پردههای کار استاد و صورتها و باسبمهای فرنگستان و غیره بمشق نقاشی و تحصیل این صنعت بدیع می پردازند و روز جمعه را که از ایام تعطیل ملت و دولت است بجهت آمد و شد تماشاگران قرار شده است که از نوکران درباری و سایر اصناف امم، هر کس طالب تماشای نقاشخانه باشد بیایند و تماشا نمایند، بجهت ناظرین اعلان شد) بدین ترتیب صنایع الملک توانست کلاس مخصوص نقاشی و شبیه سازی را در ایران رواج داده و چاپ روزنامه و تصویر را در نهایت استادی ارائه دهد، و از طرفی با چاپ عکس هر یک از شخصیتها و رجال آن دوره و نوشتن احوالات آنان خدمت ارزندهای به شناسائی افراد و رجال آن دوره که حالیه جهت درج در تاریخ رجال ایران از مهمترین اسناد ارزنده بشمار میرود بنماید . (۴) مرحوم اعتماد السلطنه در کتاب المآثر و الاثار در خصوص نقاش چنین مینویسد :

ایجاد جریده مصوره - زمانیکه دایره انطباعات و روزنامجات در تحت نظر میرزا ابوالحسنخان غفاری نقاشباشی کاشانی صنایع الملک بود، باین کار شروع شد، مشارالیه که در صنعت خاصه خویش اولین شخص این دولت بود و شبیه سازی و چهره پردازی را بدون معاونت عکس کسی بدرجه او نتوانست نمود، در تضاعیف جریده و رسمیه تصاویر رجال دولت علیه و مجالس انعقاد سلام شاهنشاه اسلام و امثال ذلک را میکشید و بطبع میرسانید، ولی فوت آن مرحوم موجب فوت این فایده گردیده بود، تا از همین سنوات، مولف باحیاء موات و استدراک مافات پرداخته روزنامه مصور تجدید نمود و چون جریده رسمیه موسوم بایران را باخبار درباری و سایر مطالبی که بدولت علیه و ممالک محروسه راجع است منحصر ساختن تخصیصی بجا بود، لاجرم جریده جداگانه برای رسم تصاویر و تماثیل دایر ساخت و آنرا روزنامه شرف نام نهاد و از آنجا که صنعت عکس بفن شبیه سازی تکمیل و تسهیلا " خدمتی سخت بزرگ نموده است، جریده شرف را از امتیاز صور و اشکال و اشتغال بر تراجم رجال و خصایص دیگر بران روزنامهها مصور بسی شرف و مزیت است کما یخفی علی اهله

میرزا ظاهر دیباچه نگار در مورد صنایع الملک چنین می نویسد :

"..... که در حقیقت نقش نی، بلکه سمر از او ناشی است و سالهای بسیار و روزگار بی شمار از بی تکمیل این فن مشقتها دیده و صدمهها خورده و رنج سفر اروپا و افرنج برده و حالیا هفتم سال است که از ایطالیا معاودت نموده و اکنون به تصدیق و اتفاق کل استادان ایران و فرنگ، در رنگ

۴ - در جنگ خطی زمان این نقاش، که جزو مجموعه نگارنده است، در صفحه ۲۲۵ می نویسد (ایجاد جریده مصوره دایره انطباعات و روزنامجات در تحت نظر میرزا ابوالحسن غفاری نقاشباشی کاشانی صنایع الملک بود، مشارالیه که در نقاشی اولین شخص این دولت بود و بی معاونت عکس، شبیه سازی و چهره پردازی را بدرجه اکمل می توانست و در جریده رسمیه، تصاویر رجال دولت علیه و مجالس انعقاد سلام و غیره را می کشید، ولی فوت او موجب فوت این قاعده گردید .

آمیزی و نیرنگ خاصه در شبیه سازی کارش از حد سر گذشته و به معجزه بردازی رسیده
آنچه کلکش میکند بر صفحه هنگام طراز هرگز اندر صفحه کلک مانی و آذر نکرد
تفصیل حال و توصیف کمال وی زیاده بر اینهاست

از فعالیت آخرین سالهای عمر و حتی تاریخ صحیح مرگ وی بدرستی اطلاعی نداریم، تنها فرهاد
میرزا در ص ۱۵۵ کتاب زنبیل خود در سطر ۹ نوشته (نقاش باشی چرسی بمرد) ۱۲۸۲، بغیر از این
تاریخ یعنی یکسال بعد، در روزنامه شماره ۵۹۱ تاریخ ۱۲۸۳ حکمی صادر شده که در این شماره به حکم
اعتضاد السلطنه (میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک نایب نثر چهار روزنامه است که در هر ماه باید
طبع و نشر یابد). گویا در همین سنوات ۱۲۸۳ ه.ق. است که چراغ عمر هنرمندی توانا و پر
ابنتکار که بهترین دوران عمر خود را در هنر تصویر سازی و ارائه بهترین روزنامه‌های تصویری وطن
خود صرف کرده خاموش گشته و به افسانه‌ها پیوسته است. پس از فوت صنیع الملک، ناصرالدین
شاه از راه بزرگداشت و قدردانی بگردآوری آثار وی همت گماشت و ماحصل را با آنچه که در نزد خود داشت
اضافه کرد و کلیه آثار جمع‌آوری شده را در جنب تالار برلیان بسیاق موزه کوچکی ترتیب نمایش داد.
صنیع الملک بی شک یکی از ستارگان پر فروغ آسمان هنری ایران بود که با قدرتی توانا، هنر کلاسیک
اروپائی را که ارمغان مسافرتش بخارج بود، با هنر تصویری پر غنا و چشم نواز ایرانی بحسن سلیقه و
مهارت ذاتی در آمیخت و آثاری را بیادگار گذاشت که بعدها مایه تحسین و ستایش بینندگان قرار
گرفت. طراحی‌های وی استادانه و مهارتش در امر صورت سازی و سایه‌پردازی و شبیه سازی بی‌رقیب
و ستودنی است. در شبیه سازی نهایت وسواس را داشت و حالات و سکنات شخصی مورد نظر را
به بهترین وجهی ارائه میداد، دستها را در کمال قدرت پسندیده میساخت ولی بدن و لباس را بعبار
هنرمندان مشهور، نادیده می‌انگاشت و بطرح صحیح و دقیق آن بسنده می‌نمود.

سایه پردازها و دقایق آن را که در حقیقت عیار توانائی و قدرت قلم هر نقاش بشمار می‌آید،
بجایگدستی وجودت قلم نقش می‌نمود، صنعت کبی سازی وی فوق‌العاده بود، او تمام دقایق و جزئیات
برده اصلی را بعینه بروی بوم نقل داده و با مهارت و دقت وافی بشکل اول در می‌آورد.
در رنگ شناسی و رنگ سازی و کاربرد بجا و متناسب آن شیرین دست و پر ابنتکار بود، با اینکه رنگها
را بسادگی و ملایم و بریده می‌آراست، ولی چشم نواز و پر آذین بود و با اصول و قوانین بوم سازی و
عیار وزنه نابلوها بحد تعارف وارد بود.

معلوم نیست بچه علت و تحت چه عواملی این نقاش ذوفنون که در ایتالیا بقوانین پرسپکتیو کاملاً
آشنا شده بود، در ترسیم بعضی مراحل مناظر و مریا از خود سستی نشان داده و احیاناً " غلط ترسیم
کرده است، گویا خواسته است نقش مورد نظر را بدنای افسانهای هنر تزیینی ایرانی برده و قوانین
نوظهور پرسپکتیو را ندیده بگیرد. مثلاً" در کتاب هزار و یکشب، موجود در کتابخانه گلستان، در
موضوع (آمدن خواجه بخانه - و زن خود را میزند) در قسمت چپ نقاشی، آجرهای انتهائی شکسته
بنظر میرسد و اندازه آنها از لحاظ عمق نقاشی بزرگتر است.

و یا در نقاشی (نورالدین داخل کاروانسرا شده) آجر فرش ساده پلهکان، از لحاظ قوانین پرسپکتیو
غلط و ابتدائی بنظر میرسد و با اصطلاح با همدیگر نمی‌خواند.

و یا در تصویر (ملک برقان بر تخت نشسته قوم او را تهنیت میگویند) مبدا، پلههای تخت معلوم
نیست و نقطه شروع پرسپکتیو نامعلوم است.

و آجر فرشها در نقاشی (نسیم خواهر زن - به سرور نگاه میکند) فوق‌العاده نارسا است.
حال می‌پردازیم به معرفی آثار باقی مانده مرحوم صنیع الملک که در موزهها و مجموعههای خصوصی

داخل و خارج ایران بیادگار مانده و نام ویرا جاودانی ساخته است. در این نوشتهها با ارائه شرح مختصر اثر اکتفا کرده و از اطاله کلام خودداری مینمائیم .

۱- عالی‌ترین و شاهکار بی‌نظیر صنیع الملک، کتاب معروف (الف لیله و لیله) مضبوط در کتابخانه گلستان است. بطوریکه معروف است، محمد شاه در نظر داشت، نسخهای از این کتاب را با خط زیبا و تصویر و تذهیب عالی بدست استادان زمان تهیه کننده ولی اجل مهلت نداد و در حین آماده ساختن مقدمات آن، درگذشت. ناصرالدین شاه که علاقمند بود آرزوی پدر را برآورده نماید، به حسین خان معیرالممالک دستور داد که برای اجرای کار و برآورد هزینه با هنرمندان مشورت نماید، قرار چنین شد که کتاب بخط آقا میرزا محمد حسین وزیر، خطاط نامی آن دوره و تصویرهای آن بقلم صنیع الملک غفاری باشد و آرایش جلد و تذهیبات نیز بدست استادان فن انجام پذیرد، مخارج کل کتاب نیز در هفت هزار تومان برآورد شد و مسئله مورد پذیرش شاه نیز قرار گرفت .

کتاب در شش جلد نوشته و اتمام یافت و با تصویرهای گوناگون آراسته گردید. شاه از اجرای کامل کتاب خوشحال گشت و نویسنده و نقاش و مذهب را مورد تقدیر و انعام قرار داده و خلعت خاصی به آنها بخشید . مشخصات کتاب بدین قرار است :

متن و حاشیه ، متن خانبالغ - حاشیه کاغذ دولت آبادی آهار مهره
خط - نستعلیق و رقاع

خطاط - محمد حسین تهرانی بتاریخ ۱۲۶۹ - ۱۲۷۶ ه. ق .

نقاش - میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک

مترجم - عبداللطیف طسوجی التبریزی (از عربی به فارسی)

سراینده اشعار - میرزا سروش (افصح الشعرا) اصفهانی

جلد سازان - غلامعلی - میرزا احمد - میرزا جانی بتاریخ جمادی الثانی ۱۲۷۰

مدت انجام - هفت سال

جلد اول قطع $۳۰/۳ \times ۴۵/۵$ سانتی متر دارای ۲۱۴ صفحه نقاشی

جلد دوم قطع $۳۰/۸ \times ۴۵$ سانتی متر دارای ۱۷۰ صفحه نقاشی

جلد سوم قطع $۲۹/۵ \times ۴۲/۵$ سانتی متر دارای ۲۰۴ صفحه نقاشی

جلد چهارم قطع $۲۹/۵ \times ۴۴/۱$ سانتی متر دارای ۱۶۰ صفحه نقاشی

جلد پنجم قطع ۲۹×۴۵ سانتی متر دارای ۲۱۸ صفحه نقاشی

جلد ششم قطع $۲۹/۵ \times ۴۳/۵$ سانتی متر دارای ۱۶۸ صفحه نقاشی

۲- پنج تصویر آبرنگ در کتاب مثنوی شیرین و فرهاد وحشی بافقی مضبوط در کتابخانه گلستان تهران که از آثار ارزنده نقاش بشمار میرود .

۳- شمایل مولای متقیان علی علیه السلام . ماحصل قضیه چنین است که بدستور ناصرالدین شاه قرار شد شمایل مولا را مطابق شرحی که در کتابهای اخبار روایت شده باستادی تهیه کرده و چون جواهر گرانبهایی بسینه نصب نماید، صنیع الملک شمایل را در کمال نفاست انجام داده و تقدیم نمود فردای آن روز شاه سلام عام نشست و آن تمثال را با یک بسته تربت که خود شاه از سرداب حضرت سید الشهداء ، علی‌السلام بیرون آورده بود زیارت کرد، بطوریکه معروف است شاه تربت مطهر را در یک جعبه سپرده به صندوق خانه همایون تحویل داده و شب اول هر ماه شمایل و جعبه مزبور را میخواست و پس از دیدن هلال ماه آن تمثال و تربت را زیارت میکرد .

۴- اثر آبرنگی زن جوان، با صورتی طنناز و دلفریب که در زیر گردن وی طوق مرواریدی جواهر نشان جلب نظر میکرد، زن زیبا در کمال آراستگی پشت به متکا کرده و به نظاره مشغول بود و رقم داشت .

(رقم ابوالحسن غفاری نقاشباشی کاشانی در دارالملطنه اصفهان سمت ترسیم پذیرفت

فی شهر شوال ۱۲۶۷)

۵- مجلس بزم زیبایی بود که عده‌ای مشغول طرب بودند. زن و مرد صاحب خانه که بحال میکاری و مخموری دیده میشدند مشغول پذیرائی مهمانان بودند. منظره داخل خانه و آرایش و تزئین لباس افراد و نقوش خیره کننده فرش اطاق تحسین انگیز بود.
ورقم داشت. (خانه زاد ابوالحسن غفاری ۱۲۷۶)

۶- نقاشی چهره حاجی میرزا آقاسی که بروی کارت پستال بچاپ سیاه و سفید انجام یافته است. عکس رنگی این کارت پستال را که در کتاب روسی تالیف S. MASLENITSYNA دیدم رنگ کلاهدن آبی سبز و عبایش سفید حاشیه قرمز و عصا و تسبیح سفید و لباسهای زیر عبا برنگهای قرمز و زرد و سبز بود و رقم داشت.

(شبهه جناب جلالت مآب اجل اعظم حاجی میرزا آقاسی سلمه الله تعالی)

(عمل ابوالحسن غفاری نقاشباشی کاشانی سنه ۱۲۶۲)

۷- تصویر خورشید خانم، از بانوان مجلله و محترمه خاندان غفاری که بنام حاجی عمه میخواندند با رقم (مشق ابوالحسن ثانی غفاری) عکس در مجله نقش و نگار شماره ۷
۸- تصویر فرخ خان امین الدوله که صنایع الملک پسر عموی پدرش بوده است، با رقم ابوالحسن نقاش باشی، عکس در مجله نقش و نگار شماره ۷

۹- سه تصویر بروایت آقای محمد تقی مصطفوی (در نقش و نگار شماره ۷) که فرزندان امین الدوله می باشند بنامهای محمد حسین خان - نصراله خان - محمد حسن خان در مجموعه حسینعلی غفاری.

۱۰- صورت رنگ و روغنی محمد شاه که قبل از مسافرت فرنگ تصویر شده با رقم (چاکر جان نثار ابوالحسن ثانی غفاری تاریخ ۱۲۵۸) حوضخانه موزه گلستان

۱۱- تصویر آبرنگ شاهزاده با ندیمان که گویا برای حفاظت شاهزاده او را احاطه کرده اند و جانب داری میکنند، قیافه اطرافیان بطرز مضحکی نقاشی شده و از لحاظ هنری استادانه است رقم دارد.

چاکر درگاه ابوالحسن کاشانی غفاری سنه ۱۲۶۰ موزه گلستان

۱۲- تابلو رنگ و روغنی بزرگ که زن زیبا و جوانی بنام قد ایستاده با جوانی که دست بدست داده اند در حال معاشقه هستند. پیر زنی در گوشه راست، مشغول نظاره است. رقم دارد (اثر

ابوالحسن خان ۱۲۵۹) موزه سلطنتی انگلستان

۱۳- تصویر آبرنگ، عزت الله خان شاهسون دوبرین با رقم (چاکر درگاه ابوالحسن غفاری کاشانی سنه ۱۲۶۱) موزه گلستان

۱۴- عروج حضرت مسیح، کپی از کارهای رافائیل بقطع ۶۹ x ۴۷ سانتی متر.

۱۵- تصویر آبرنگی شاهزاده قاجاری که با دوستان خود در چمن سلطانیه بسیاحت و گردش مشغولند رقم دارد (حسب الامر مبارک اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری ارواحنافداه در چمن سلطانیه بعهدہ انعام پذیرفت

۱۶- تصویر آبرنگ پدر بزرگ معیر الممالک، سوار بر اسب مجموعه آقای مقدم

۱۷- شبهه کودکی معیر الممالک ، مجموعه آقای مقدم

۱۸- شبهه حکیم باشی آبرنگ ، مجموعه آقای مقدم

۱۹- شبهه معین الدین میرزا پسر ناصرالدین شاه که قبلاً " ولیعهد بوده است .

۲۰- شمایل حضرت امیرع موجود در موزه هنرهای تزئینی تهران

۲۱- ده تک صورت مختلف آبرنگ . ۲۲- میرزا ابوالفضل طبیب کاشانی و مریض که عکس رنگی

- آن روی جلد هنر و مردم شماره ۹۲ چاپ شده است. اصل در موزه تزبینی.
- ۲۳- تصویر ایشیک آقاسی محمد ناصر خان قاجار به آبرنگ، در حوض خانه کاخ گلستان.
- ۲۴- آبرنگ در حوضخانه کاخ گلستان. نوشته دارد (این شکل‌ها را هنگامیکه سرکاربندگان اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاهی روحی و روح العالمین فداه در چمن سلطانیه تشریف فرما بودند در سنه ۱۲۷۶ حسب الامر میرزا ابوالحسن صنیع الملک کشیده‌اند. رقم ابوالحسن
- ۲۵- آبرنگ در موزه گلستان (تصویر عظیم خان اصفهان با جماعتی از لوطیان و منازعه ایشان با رقم چاکر درگاه شاهنشاه ابوالحسن غفاری نقاشباشی کاشانی در ۲۶ ماه مبارک رمضان صورت اتمام پذیرفت ۱۲۶۸)
- ۲۶- تمام تصاویر روزنامه دولت علیه ایران که بنحوی در مجلات و نشریات معاصر نیز منتشر شده است. در این روزنامه در دو یا سه جا امضای ابوالحسن را دیده‌ام یکی در نمره ۴۷۵ صفحه ۲ ناصر الدین شاه و رجال با رقم ابوالحسن. دیگر در عمارت سلطنت آباد چاپ شده در شماره ۴۹۷ ۱۰۶ صفر ۱۲۷۸ رقم دارد ابوالحسن
- ۲۷- تصویر نشسته ناصرالدین شاه که در دست چپ نوشته السلطان بن السلطان ناصرالدین شاه قاجار، تصویر رنگی روی جلد اطلاعات ماهانه شماره ۲ از مجموعه خانم معصومیان
- ۲۸- تصویر ناصرالدین شاه که روی صندلی نشسته و سمت چپ رقم دارد. رقم کمترین چاکر درگاه ابوالحسن غفاری ۱۲۷۶ در کتابخانه ملی.
- ۲۹- تصویر عمادالدوله بشماره 4938P.7 در بریتیش میوزیوم. در این اثر، عمادالدوله با ریش کم پشت و سبیل مردانه دو زانو روی کلمی نشسته و دست بر روی شمشیر نهاده است، کلاه بوقی زمان بسر دارد و کمربند مخصوص با گل‌های جیغای جواهر نشانش جلب نظر مینماید، بروی لباسها جبه خزداری پوشیده و مدالها و نشان مخصوص را بگردن آویخته است. صورت و پرداز آن استادانه است.
- ۳۰- تصویر محمد شاه به آبرنگ بود که در حراج ساتبی ۹ جولای ۱۹۲۹ لندن به 1at 56 بفروش رفت. در این اثر، محمد شاه در لباس و آرایش سلطنتی به نیکوترین وجهی ارائه شده و رقم داشت (هواله تعالی السلطان ابن السلطان محمد شاه قاجار خلدالله ملکه و سلطانه)
- (رقم ابوالحسن نقاشباشی کاشانی سنه ۱۲۶۳)
- ۳۱- نقاشی بزرگ و پر جلال رنگ و روغنی سلام نوروزی که ناصرالدین شاه در تخت طاووس جلوس کرده و رجال درباری در اطراف وی ایستاده‌اند (مضبوط در موزه ایران باستان) این تابلوی عظیم که از بهترین کارهای نقاش است، در زیر نویس شماره ۵ مشخصات ساختمان و اسامی افراد موجود در تابلو، باختصار جهت علاقمندان ارائه شده است.

۵- به تصمیم میرزا آقا خان اعتماد الدوله صدر اعظم ناصری بسال ۱۲۲۰ ه.ق. بنا شد عمارت پر جلالی در ضلع شمالی باغ نظامیه جهت فرزند خود نظام الملک بسازد - در حدود ۲ سال و اندی طول کشید که ساختمان مزبور باتمام رسید و عمارت نظامیه یکی از بهترین نمونه شاهکارهای آن دوره شد. این عمارت که باصطلاح بر با آسمان می‌سود و مورد رشک فردوس برین بود، در حقیقت موزه کاملی از نقاشی - حجاری - معماری - آینه‌کاری - گچ بری - منبت کاری و طلا کاری بشمار میرفت. این عمارت در دو طبقه ساخته شده بود که طبقه اول آن حوضخانه زیبایشی بود که سنگهای آن از مرمر عفاف و ساق مخصوص تهیه گشته بود.

طلار، بزرگ طبقه دوم که ۱۰ متر طول و ۶ متر عرض و ۶ متر بلندی داشت بانواع نقوش و آینه‌کاری

مزمین گشته بود. در متن سقفها و بعضی دیوارهای آن نقوشی استادانه با طلای اشرفی خالص بقلم میرزا فتح‌الله شیرازی انجام یافته بود که مورد تمجید بود، در کتیبه‌های عمارت اشعاری از شمس الشعرا میرزا محمد علی خان سروش اصفهانی در وصف عمارت و تاریخ ختم بنا بچشم میخورد که بیت آخر آن چنین است. کلک مشکین سروش از پی تاریخ نوشت - ای نظامیه طرب‌زای آباد بیای ۱۲۲۰ ه. ق. شیرازی دیوارهای وسیع تالار بزرگ از هفت تابلوی بزرگ رنگ روغنی اثر دست صنیع الملک غفاری منقوش شده بود که باستادی و شباهت تمام انجام یافته بود، این تابلوها که قیافه تمام قدهشتاد و چهار نفر از معارف - وزراء - امرای لشکر - شاهزادگان - ایلخانان - اعیان - سفرا را بنحو پر مهارتی نشان میداد نمونه شاهکار رنگ و روغنی نقاش‌نشانگر فرم و آرایش لباس و القاب آن دوره بشمار می‌آمد. این عمارت که بعدها به عمارت لقانطه معروف شد و جنبه انتفاعی پیدا کرد، آثار هنری و تزئینات آن نیز بمرور از بین رفت، ولی تابلوی بزرگ و ارزنده آن، در موزه ایران باستان جای گرفت. ما در اینجا اسامی و القاب بعضی از رجال آن دوره را که در تابلوهای عمارت نظامیه (لقانطه) بدست صنیع الملک انجام یافته، جهت اطلاع بیشتر علاقمندان درج مینمائیم، افرادی که مایل باطلاع بیشتر و تحقیق مفصل‌تر میباشند، به مجله مهر شماره ۹ بهمن ماه ۱۳۱۲ سال اول نوشته آقای خواجه نوری مراجعه نمایند. اسامی افراد تابلو:

- از راست به چپ:
- ۱- موسی خان . ۲- سردار علیخان سیستانی . ۳- اسدالله خان معتمدالملک . ۴- میرزا علیخان .
 - ۵- اصلان خان . ۶- انوشیروان خان ناظر عین الملک . ۷- نصرالله خان نظام العلماء . ۸- محسن میرزا میراخور . ۹- عیسی خان والی . ۱۰- حاجی آقا اسمعیل پیشخدمت باشی سلام .

تابلوی دیگر از راست بچپ:

- ۱- میرزا سعید خان وزیر خارجه . ۲- حیدر افندی شارژ دافر عثمانی .
- ۳- لاقسفی شارژ دافر روس . ۴- مسیو گوپینو شارژ دافر فرانسه . ۵- میرزا عباس خان منشی وزارت خارجه .

تابلوی دیگر از راست بچپ:

- ۱- میرزا زمان خان امیر دیوانخانه . ۲- میرزا عبدالله مستوفی . ۳- میرزا فتح‌الله لشکر نویس باشی . ۴- میرزا عنایت امین لشکر . ۵- میرزا محمد قوام الدوله . ۶- میرزا احمد خان مشیر الدوله . ۷- میرزا صادق قائم مقام . ۸- میرزا موسی . ۹- میرزا فضل اله وزیر نظام . ۱۰- حاج قوام الملک شیرازی .

تابلوی دیگر از راست بچپ:

- ۱- موبد الدوله . ۲- امامقلی میرزا عماد الدوله . ۳- احمد میرزا . ۴- ایلدرم میرزا . ۵- لطف الله میرزا شعاع السلطنه . ۶- حمزه میرزا حشمت الدوله . ۷- نصرالدوله . ۸- خانلر میرزا احتشام الدوله . ۹- فرهاد میرزا نایب الایاله . ۱۰- سلطان مراد میرزا حسام السلطنه . ۱۱- اردشیر میرزا رکن الدوله . ۱۲- بهرام میرزا معز الدوله .

تابلوی دیگر از راست بچپ:

- ۱- میرزا محمد خان قاجار دولو کشیکچی باشی . ۲- عزیز خان مگری سردار کل . ۳- محمد خان امیر تومان . ۴- حسینعلی خان معیر الممالک . ۵- جعفر قلی خان قراجه داغی امیر تومان . ۶- آقا محمد حسن مهرداد . ۷- فضان آقا امیر توپخانه . ۸- حاج علی خان حاجب الدوله . ۹- محمود خان ناصر الملک . ۱۰- ذوالفقار خان مستوفی . ۱۱- علیخان امیر پنجه قراقرزو نصره الملک . ۱۲- میرزا محمد حسین دبیر الملک . ۱۳- جعفر قلی خان . ۱۴- یوسف خان سرتیب . ۱۵- میرزا محمد حسین عضدالملک . ۱۶- عباسقلی خان سیف الملک . ۱۷- فرخ خان امین

الدوله . ۱۸- میرزا ابراهیم خان نوری سهام الملک .

در تابلوی دیگر از راست بچپ : ۱- میرزا داود خان پسر صدراعظم نوری . ۲- عبدالصمد میرزا عزالدوله . ۳- محمد تقی میرزا رکن الدوله . ۴- سلطان مسعود میرزا یمین الدوله . ۵- مظفرالدین میرزا . ۶- سلطان معین الدین میرزا ولیعهد .

در تابلوی دیگر جناب مستطاب اشرف امجد افخم میرزا آقاخان صدراعظم شخص اول دولت علیه ایران

۳۲- تصویر آبرنگی زیبا و استادانه از میرزا آقاخان نوری بسال ۱۲۷۱ مجموعه خانم گذار .

۳۳- تصویر آبرنگی آقاخان نوری متعلق بخانم معصومیان .

۳۴- تصویری از میرزا آقاخان نوری با رقم . تصویر شماره (۵)

(تصویر میرزا آقاخان اعتماد الدوله صدراعظم نوری رقم ابوالحسن غفاری نقاشی رجب ۱۲۷۰)

۳۵- تصویر عباسقلی خان معتمدالدوله مضبوط در مجموعه‌ای در تهران .

۳۶- نقاشی صحنه شکار که طرح آنرا صنیع الملک ساخته و استاد بهرام اصفهانی رنگ آمیزی نمود مانند موجود در مرقعات کتابخانه گلستان .

۳۷- تصویر آبرنگی (شبه عالیجاه مقرب الخاقان میرزا عبدالله خان مستوفی خاصه)

(اثر ابوالحسن نقاشی کاشانی غفاری ۱۲۷۳)

۳۸- عکس تصویر بسیار زیبایی را در دست فروشنده‌های دیده و از او فتوکپی گرفته‌ام . در این تصویر

بسیار زیبا و استادانه، ناصرالدین شاه در سمت چپ تصویر نشسته و میزی و گلدانی در دست چپ

دارد . میرزا آقاخان نوری با همان هیبت خالص و کلاه و مدال، کرکی ضخیم پوشیده و نشسته است و در

مقابل ناصرالدین شاه، فرد صاحب مقامی بنا علیخان، مامور دولت علیه روسیه ایستاده و گزارش میدهد (۶)

اصل نقاشی فوق العاده زیبا بوده و مطالب آن که بوسیله ذره بین قرائت شده در زیر نویس ارائه میگردد .

۳۹- تابلوی ملک الاطباء و شاهزاده مؤید الدوله (بنوشته اطلاعات ماهانه شماره ۲ متعلق به

کتابخانه مرحوم خان ملک)

۴۰- دو تابلو، با عکس صورت محمد رضا مستوفی - و مرحوم مستوفی الممالک بزرگ (میرزا یوسف)

در اطلاعات ماهانه شماره ۲

۴۱- کارت پستال جایی از عمله طرب که میرزا علی اکبر تار زن در وسط تاز میزند و عده‌های در

اطراف دیده میشوند . رقم دارد . (صورت مجلس مرحوم آقا علی اکبر است که در سال ۱۲۷۳ میرزا

ابوالحسن خان صنیع الملک کشیده) . اسامی افراد بدین ترتیب است

۶- تصویر ناصرالدین شاه در سمت چپ قرار گرفته و پاهرنه و کاغذ بدست نشسته و شمشیری روی

زانوان دارد، در وسط نقاشی نوشته است، تمثال خورشید جلوس اعلیحضرت جم جاه السلطان بن

السلطان ابن سلطان ابن سلطان ناصرالدین شاه غازی خلدالله ملکه و سلطانه در دارالسلطنه، از

روی عمل جان نثار میرزا ابوالحسن نقاشی، عالیجاه پالکو نیک نقاش اعلیحضرت امپراطور اعظم

قلمی نموده است سنه ۱۲۸۱ .

و برای تصویر آقاخان نوری نوشته - تصویر جناب نواب اجل اعظم امجد ارفع اعتماد السلطنه میرزا

آقاخان صدر اعظم . در سمت راست برای شخص ایستاده نوشته - تصویر جناب امجد مقرب دربار

همایون علیخان از جانب دولت علیه ایران مامور دولت علیه روسیه .

۱- میرزا عبدالله خان علاءالملک . ۲- مسعود میرزا . ۳- حسن خان . ۴- میرزا حیدر علی سرهنگ .
۵- علی اکبر بازگیر . ۶- سلطان خانم . ۷- کوکب خانم .

۴۲- تصویر زیبا و استادانه آبرنگ تکهای که جوان مستوفی روی کلیمی نشسته و کلاه بلندی بسر گذاشته است این اثر که در کادر بیضی شکلی تصویر شده رقم دارد (خلف مهمین میرزا محمد تقی میرزا محمد زکی در سن هفده سالگی) و در سمت چپ و بالا رقم دارد .
(ابوالحسن خان نقاشباشی ۱۲۷۳) مضبوط در مجموعه شماره ۴

۴۳- تصویر فوق العاده زیبای آبرنگ میرزا محمد تقی پدر . مستوفی با کلاه بلند و ریش انبوه پوستین بوته جیقمای بتن کرده و دستها را بکمر نهاده است بخط نستعلیق زیبا رقم دارد .
(مقرب دربار گردون اقتدار میرزا محمد تقی در سن چهل و هشت سالگی)
(رقم میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی سنه ۱۲۷۳)

۴۴- تصویر بسیار زیبا و استادانه درویش با رنگهای پریده و کلاه و موهای بلند افتاده رقم دارد .
(رقم میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی سنه ۱۲۷۳) ۳۵ x ۲۵ سانتی متر مضبوط در مجموعه شماره ۴
۴۵- اثر ارزنده دیگری که حالیه جزو مجموعه شماره ۲ است و این تصویر مربوط به واقعه ایست که در استرآباد اتفاق افتاده و تفصیل آن در شماره ۴۹۴ روزنامه دولت علیه ایران مورخ محرم ۱۲۷۸ درج شده است و آن اینکه یک نفر از اهالی مدعی درویشی شد که دندان او را شکسته است و درویش منکر بود. کار بمحاکمه در محضر آقا سید محمد صادق مجتهد کشید و چون در آن مجلس قسم دروغ خورد، موقعی که درویش در مسجد نماز می گذارد، همانجا وفات یافت. در این تصویر ۲۰ نفر ایستاده اند که به گرد جسد درویش گرد آمده اند و کلاه درویش از سر افتاده و بروی زمین در غلطیده است. این اثر در نوع خود منحصر بوده و تقریباً " اولین کاریکاتور روزنامه ایست که بدست صنیع الملک انجام یافته است .
۴۶- اثر بی نظیر دیگر صنیع الملک که واقعا " منحصر بفرد است، تصویر علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه است که در نوع خود از نفایس است. در این آبرنگ، علیقلی میرزا ، میرزا عبدالله پیشخدمت باشی و میرزا اسمعیل در یک جا ترسیم شده است . در وسط نقاشی، تصویر شاهزاده علی قلی میرزا در سن سی و سه سالگی است که صورت او با پرداز استادانه بی همتائی نقاشی شده و کلاه بوقی بلند مشکی بسر دارد و ریش و سبیل او کم پشت بوده و زلفهای بلندش از پشت سر و زیر کلاه نمایان است. لباس ترمهای بوته جقهای پوشیده و عبای آبی راه راه سفید و الوان بتن کرده است .

شلوار سبز رنگ او جالب است و جوراب سفید بپا دارد، در بالای سر تصویر و زیر پا، بخط زیبای نستعلیق نوشته است (نواب مستطاب اعظم افخم علیقلی میرزا دام اقباله در سن سی و سه سالگی)
(رقم میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی غفاری کاشانی)

تصویر دست راست که میرزا عبدالله پیشخدمت باشی است مرد میان سالی است که ریش و سبیل داشته و کلاه بلندی بسر دارد. روی لباس ترمهای الوانش قبای بلند مغز پستهای پوشیده و دستها را بروی شال کمر رویهم نهاده و آماده خدمت است. تصویر سمت چپ، جوان بالا بلندی است که سبیل زیبایی بصورت داشته و کلاه بلند بسر دارد، او نیز دستها را روی شال کمر گذاشته و لوله کاغذی بشال نصب کرده است. در زیر پای جوان نوشته است میرزا اسمعیل منشی کتابدار . هر سه نفر، جوراب سفید بپا کرده و روی فرش قرمز قرار گرفته اند. آرایش داخلی اطاق و پنجره قرمز رنگ دست راستی اطاق جالب است. این اثر که در اندازه تقریبی ۲۵ x ۳۵ سانتی متر است بچیره دستی نقاشی شده و از آثار ارزنده آبرنگ سازی در ایران می باشد .

۴۷- دیگر آثار صنیع الملک که بصورت چاپ در کتابها و نقاشیهای مجزا و یا اینکه در روزنامههای زمان، از جمله علائم رسمی ادارات دولتی ارائه شده، نمونه ذوق و استعداد نقاش است که بگونه ای

دیگر تجلی یافته است. ما در اینجا چند نمونه چایی رسمی که در مجموعه نگارنده است، جهت شناسائی بیشتر بعلاقمندان ارائه میدهیم .

الف - حکم نظامی، با علائم وسایل جنگی، از قبیل توپ و تفنگ و شمشیر و سر نیزه که در قسمت بالای آن شیر و خورشید جلب نظر مینماید .

ب - آرم فرمان‌های عمومی که در وسط آن جمله (فرمان‌هایم ۱۲۷۷) و در بالا (الملک الله) و در قسمت دیگر شیر و خورشید و حواشی گل و تصویر دو ملائکه .

پ - حکم عدلیه - در وسط نوشته (حکم دیوان عدلیه اعظم ۱۲۷۷) در طرفین تصویر دو فرشته نیمه برهنه و در بالای آن شیری بحالت نشسته، دیده میشود .

۵۷- ابوالحسن بن محمد حسن نقاش

بروایتی فرزند محمد حسن نقاش نامی دوره فتحعلیشاه است که احوال آن در جای خود خواهد آمد . از آثار رقم‌دار این نقاش، قلمدان تابوتی زیبا بود که به مهارت نقاشی شده و با سلیقه بود . تصویر محمد شاه در آرایش سلطنتی بروی آن نقش بسته و تزیینات لباس و نمایش جواهرات به نیکوترین وجهی مجسم گشته بود، حواشی و گوشه‌ها، شکارگاه با صفائی بود که سواران شکارچی با اسبان خود به گشت و شکار مشغول بودند. در قسمت درون نیز، تصویر مردی جلب نظر میکرد و رقم داشت . (رقم ابوالحسن ۱۲۵۸) مجموعه خصوصی ۵

۵۸- ابوالحسن مستوفی غفاری کاشانی

میرزا ابوالحسن مستوفی غفاری کاشانی، عموی پدر صنیع الملک و فرزند میرزا معزالدین محمد حکمران کاشان و نطنز بود و بنقاشی و تصویرگری علاقه زیادی داشت . خاندان این دودمان، طی قرون متمادی شاغل امور قضا و از زمان نادر شاه افشار و دوره کریم خان زند عهده دار مناصب و مشاغل حساس بوده‌اند . ۱ ۱

کتاب گلشن مراد که بنام علی مرادخان زند تالیف شده و از منابع معتبر قرن ۱۲ هـ.ق . بشمار میرود از تحریرات ابوالحسن و محمد باقر غفاری میباشد . بروایت از مرحوم کمال الملک (پدرش میرزا ابوالحسن را عاق کرد، بواسطه همین که نقاش بود ولی نادر شاه و کریمخان وی را تشویق کرده‌اند) ولی با مطالعه آثار محدود و اندک وی با اینکه پدر او را از نقش‌تصویر منع کرده هنرمند شیرین قلمی بوده که در آبرنگ و سیاه قلم دست داشته و در ارائه مجالس تصویری و چهره بردازی و شبیه سازی پر قدرت بوده است .

فامیل معظم غفاری، بحق از معدود خانواده‌های انگشت شمار و هنرمند مین عزیزمان ایران میباشد که در اعمار مختلف، بنحو شایسته‌ای در ترقی و تجلی هنر ملی زحمتهای کشیده و مرارت‌ها دیده‌اند . نگارنده جهت شناسائی بیشتر علاقمندان، شجره کوتاهی از این خاندان ترسیم کرده که در صفحه ۳۶ در معرض دید علاقمندان قرار میگیرد .

آثار بجا مانده وی عبارت است :

۱- تصویر میرزا معزالدین محمد است که قلیان بدست گرفته و کلیجه زری طلائی پوشیده و بروی زمین نشسته است. بر حاشیه بالای طاقچه بخط زیبای ثلث نوشته است . (آرایش این منزل سعادت

مقرون، از نگارش همایون عالیجاه و حکومت پناه امیر الامراء العظام میرزائی میرزامعزالدین محمد) در سمت راست (رقم بنده درگاه خلایق امید گاه ابو الحسن غفاری المستوفی الکاشانی ۱۱۹۶) تصویر ۲ تصویر دیگری از میرزا معزالدین محمد است که با لباس آبی کم رنگ نقاشی شده و قلیانی بدست گرفته و به متکائی که رویوش زری زیبایی دارد تکیه داده است.

این اثر، بدون تاریخ و رقم میباشد.

۳- تصویر قاضی عبدالمطلب جد پدری میرزامعزالدین محمد سابق الذکر است که در شورای دشت مغان بعنوان نماینده رسمی مردم کاشان و نطنز شرکت داشته است. در این آبرنگ او سوار بر استر شده و منشوری بدست گرفته و عازم مقصد می باشد. رقم دارد (۲)

شبهه اقضی القضاة و المتشرعین زایر بیت الله رب العالمین شمس فلک فضیلت شعاری قاضی عبدالمطلب الغفاری الکاشانی که حسب الامر نادری بهجت شوری کبری مغان از منتزعات خلخال عبور فرمودند، میرزا ابوالحسن غفاری الکاشانی محرم الحرام ۱۲۰۹

۴- تصویر کریم خان زند در میدان نقش جهان اصفهان است. در این آبرنگ، کریم خان در هیئت و آرایش سلطنتی عرضه شده و بازو بندهای پهن جواهر نشان به بازو بسته و کمربند و خنجر مرصع بکمر آویخته است. مهتر مخصوص، مشغول تیمار اسب است و در پشت سر منظره عالی قابو و میدان نقش جهان جلب نظر میکنند. بخت نستعلیق رقم دارد.

(شبهه اعلیحضرت شاهنشاه گیتی ستان و خاقان ظل اله علیین آشیان ابوالنصر کریمخان زند) (رقم بنده درگاه خلایق امید گاه ابوالحسن الغفاری المستوفی فی شهر ۱۲۰۹)

۵- اثر دیگر نقاش، شامیل قاضی احمد جد نقاش است که با قیافه نورانی و ریش سفید، قبا سبز پوشیده و عمامه سفید بسر گذاشته و تسبیح بدست بروی سجاده‌های در وسط باغ نشسته است. نوجوانی که او هم عمامه سفید بسر دارد، پشت سر پیر مرد بخواب رفته. رقم دارد. (رقم کمترین ابوالحسن الغفاری المستوفی سنه ۱۲۱۲)

تصویر شماره ۶، قیافه زیبا و استادانه شاه صفی است که دو زانو نشسته و به مخده تکیه داده است. عمامه پهن و ظریفش که بریسه‌های مروارید و جیقه پرپر زیبا مزین است جلوه ممتازی دارد در حاشیه کناره تصویر رقم دارد.

(هو - شبهه جلوس شاه رضوان بارگاه شاه صفی انار الله)

(رقم بنده درگاه خلایق امید گاه ابوالحسن الغفاری المستوفی الکاشانی ۱۲۰۸)

۷- اثر ارزنده دیگر این نقاش، تصویر قهرمانان افسانهای رم قدیم بود که در کمال استادی و رنگ سرخ دلنواز نقاشی شده و رقم داشت.

(مشق کمترین ابوالحسن فی شهر جمادی الثانی سنه ۱۱۸۸)

۸- دیگر از آثار بجا مانده و رقم دار استاد که شاید آخرین نقاشی وی نیز بوده باشد، تصویر شیر پر مهاتی است که بزنجیر بسته و بدرخت مهار شده است. رقم دارد.

۲- باستاند اسناد قدیمی مجموعه نگارنده

الف - نادر شاه اولین نامه را بحکام ولایات روز ۸ رمضان سال ۱۱۴۸ ه. ق. ارسال داشته است. ب - این شورا روز جمعه ۴ شوال ۱۱۴۸ مطابق ۱۷ فوریه ۱۷۳۶ میلادی پنج ساعت از روز گذشته حضور نادر شرفیاب شده و این اثر ۶۰ سال بعد ترسیم یافته است.

پ - چون در رقم زیر اثر زایر ست اله نوشته بعید نیست که جهت بفرح عازم بوده است.

(رقم بنده درگاه ابوالحسن الغفاری المستوفی سنه ۱۲۱۵)

از این اثر تاریخ دار معلوم می‌گردد که این هنرمند تا سالیان ۱۲۱۵ هـ. در قید حیات بوده است. اثر دیگر هنرمند بگفته مرحوم کمال الملک در (جلد ۵ یادداشت‌های دکتر غنی) صورتی بوده است که نادر شاه و محمد شاه هندی با هم تاج عوض میکنند. نگارنده تاکنون اثری از این مراسم ندیده و بعید نیست این اثر همان تاج گذاری رضا قلی میرزا بدست نادرشاه باشد که در این اثر پر جلال، نادرشاه روی تختی نشسته، تاج مرصع را بر سر رضا قلی میرزا میگذارد.

گرز جواهر نشان و ریسهای مروارید و متکای زر اندود و لباسهای زر بفت و رنگین پدر و پسر دیدنی است. در سمت چپ اثر، مرد معممی که ریش سفیدی دارد دو زانو نشسته و لباس راه راه نارنجی بتن پوشیده است در بیرون قصر دو شاهزاده با کلاههای مزین و البسه زیبا دیده میشوند. منظره کوه و دشت و دمن استادانه است و در گوشه راست بخط سفید رقم دارد (ابوالحسن ۱۱۸۹)

۵۹- ابوالحسن میرزا - لال شازاد - شاهزاده لال

بطوریکه تحقیق کردیم، سه نقاش لال در آذربایجان فعالیت هنری داشتند، یکی از آنها در شهر ارومیه و دوتای دیگر ساکن تبریز بوده‌اند. نقاش اول، محمد حسن بیک افشار ارومی بود که فرزندی بنام آقا بیک لر نقاش داشته و نامبرده در یکی از آثار خود پدر هنرمندش را نقاشباشی لال خوانده است. دومین نقاش لال، حیدر قلی میرزا فرزند جعفر قلی میرزا از منسوبان مظفرالدین شاه بود و در اواخر سلطنت احمد شاه قاجار مرحوم شده است. سومین نقاش لال، همین ابوالحسن میرزا نقاش مورد بحث است که گویا از مظفرالدین میرزا لقب نقاشباشی داشته و در تبریز فعالیت می‌کرده است. متأسفانه از احوال و زندگی این هنرمند اطلاعی بدست نداریم، ولی با مشاهده تنها اثر بجا مانده وی، معلوم میگردد که این نقاش در قلمدان سازی و چهره پردازی صاحب قلم بوده و دستی بکمال داشته است. اثر بجا مانده، قلمدان ساده و بی‌پیرایهای است که در داخل سه مدالیون مختلف، تصاویر زیبایی از زنان قاجار تصویر شده و بگل و مرغ زیبا آرایش یافته است، بین گل‌های کناره، منظرهای از شهر تبریز با ستادی نقش بسته و رقم دارد. (ابوالحسن نقاش باشی ۱۲۹۵)

۶۰- ابوالحسن نادر الزمان مشهدی

فرزند رضا کاشانی نقاش معروف است که بلقب مرید باخلاص آقا رضا مصور جهانگیر شاهی مفتخر بوده است. این استاد در یکی از آثار بجا مانده اش خود را نادر الزمان مشهدی خوانده و معلوم داشته که اصلش از ولایت خراسان می‌باشد. جد وی علی اصغر کاشانی نیز از نقاشان صاحب نامی بوده و بطوریکه قاضی میر احمد منشی در گلستان هنر و اسکندر بیک منشی در تاریخ خود از این استاد نام برده و هنر وی را بسیار

ابوالحسن صدیقی: از شاگردان معروف مرحوم کمال الملک بود و در مجسمه سازی تبحر فراوان داشت. احوال این هنرمند در کتاب جداگانهای که مختص هنرمندان معاصر خواهد بود، بیان خواهد گشت.

ستودماند. زندگی اولیه نادرالزمان بر ما مکتوم است ولی آنچه از قرائن بدست می‌آید معلوم میدارد، در بدایت حال، پدر هنرمندش بعلل بی اعتباری در دربار صفویه بار سفر بسته و به‌مراه فرزند خردسالش در حدود سالهای ۱۰۰۷، عازم دیار هندوستان گشته است، علت این پیش‌آمد ناگواری بنوشته قاضی احمد، همانا اختلاط وی با جماعت نامردان و لوندان بوده که بمرور بگاهلی افتاده و اوقات خود را ضایع ساخته و مفلس و پریشان حال گشته بود.

از سن اصلی پدر و پسر، هنگام ورود به هندوستان، اطلاعی نداریم ولی در ذیل اثری از رضا کاشانی که بسال ۱۰۳۰ انجام داده، خود را مردی ۶۰ ساله خوانده و چنین نوشته است.

(در سن ۶۰ سالگی ساخته شد ۱۰۳۰ عمل مرید باخلاص آقا رضا جمهانگیر پادشاهی)

از طرفی قید مشهدی بودن نادرالزمان، در یکی از آثار بجا مانده‌اش معلوم میدارد که او در مشهد زاده شده و این زمانی است که پدرش از دستگاه شاه عباس طرد شده و بمشهد آمده تا عازم هندوستان گردد و اگر قدیمیترین اثر تاریخ‌دار آقا رضا را در هندوستان که می‌نویسد (غلام باخلاص شاه سلیم آقا رضای مصور فی تاریخ ۱۰۰۸) مدرک قرار داده و حدس بزنیم یک یا دو سال قبل از این تاریخ از مشهد کوچ کرده و به هندوستان رفته‌اند، سال تاریخ حرکت آنها بحدس قوی سال ۱۰۰۷ خواهد بود.

نکته مستند دیگری که ما را در آگاهی احوال ابوالحسن یاری می‌دهد، دریافت لقب نادرالزمانی بسال ۱۰۲۷ میباشد و اگر تحقیقا " و حدسا" در این زمانها او را مردی ۳۰ ساله که شایسته دریافت این لقب والا باشد بدانیم، به ترتیب سال تولد وی حدود سالهای ۹۹۷ خواهد بود. پس با این اطلاعات، استاد ابوالحسن سال ۹۹۷ تولد یافته و در ده سالگی بسال ۱۰۰۷ عازم هندوستان شده و در ۳۰ سالگی به لقب نادرالزمانی مفتخر گشته است.

در کتاب تزوک جهانگیری و در صفحه ۲۳۵ (جشن سیزدهمین نوروز) واقعه دریافت لقب را چنین نوشته است: از کتاب تزوک جهانگیری، جشن سیزدهمین نوروز

در این تاریخ، ابوالحسن مصور بخطاب نادرالزمانی سرفراز گشته مجلس جلوس مرا در دیباچه جهانگیر نامه کشیده بنظر در آورد، چون سزاوار تحسین و آفرین بود مورد الطاف بیکران گشت، کارش بعیار کامل رسیده و تصویر او از کارنامه‌های روزگار است، در این عصر نظیر و عدیل خود ندارد، اگر در این روز استاد عبدالحی و استاد بهزاد در صفحه روزگاری بودند انصاف کار او می‌دادند، پدرش آقا رضائی مروی در زمان شاهرادگی من بخدمت من پیوسته او را نسبت خانزادی باین درگاه است، غایتا " او را هیچ آشنائی و مناسبت بکار پدرش نیست، بلکه از یک عالم نمیتوان گفت و مرا نسبت باو حقوق تربیت بسیار است، از صغر سن تا حال خاطر همیشه متوجه تربیت او بوده تا کارش بدین درجه رسیده، الحق نادره زمان خود بوده.

در این زمانها، او هنرمند با اعتبار و پر مهارت دربار هند بود و جهانگیر شاه او را مثل فرزندی گرانمایه عزیز میداشت و همیشه او را در کنف خود قرار داشت و حتی در یکی از آثار باقی مانده‌اش، بخط خود اشارتی کرده و از مهارت نادرالزمان توصیف کرده است.

این هنرمند برادر کوچکی بنام عبید داشته که نقاش بود و در چند اثر بجا مانده، از جمله در دو اثر

۱- (تصویر شاه جهان در پادشاه نامه با رقم (ولد آقا رضا عبید) ۲۳ شعبان)

۲- (تصویر شاه جهان در دربار با رقم (رقم. عبید برادر نادرالزمان مشهدی باتمام رسید) صراحتا " نام پدر و برادر خود را یاد کرده و نسبت خود را بیان نموده است.

نادرالزمان بر پایه ذوق و استعداد وافر که از دوران طفولیت وزیر نظر و آموزش مستقیم پدر

هنرمندش رشد و قوام یافته بود، سرعت هر چه تمامتری مدارج ترقی و تعالی را پیموده و در حقیقت نادره زمان و افتخار دوران گردید.

با غور و بررسی‌های بیشتری که در آثارش بعمل می‌آوریم، عمق و حلاوت و عظمت و گیرائی هنر وی پیش از پیش تجلی کرده و بیننده را به تحسین وامیدارده. نادرالزمان در ارائه مجالس رزمی و بزمی باندازمای مسلط و پر وسواس بود که کوچکترین نکته‌ای را از نظر تیز بین خود دور نمی‌داشت. در شبیه سازی و آرایش لباس و انتخاب رنگها و تشریح حالات و سکناات افراد و ارائه هر چه بیشتر زیباییها و لطافت تصویر بحد ایده‌آل چابکدست و شیرین قلم بود. در منظره سازی و نمود جانوران و پرندگان و تذهیب و تشعیر و آرایش جوانب تصویر، قوی دست و نازک قلم بود.

در صنعت شعر نیز دست داشت، سروده‌های خود را ندرتا " در ذیل آثارش درج می‌نمود. از تنها تصویر دوره جوانی هنرمند که بوسیله دولت نقاش، در کنار یکی از صفحات مرقع گلشن بیادگار است، لباس راه راه زیبا پوشیده و روی زمین نشسته و بتصویر سازی مشغول است. روبروی وی بساط و لوازم و ادوات نقاشی بچشم میخورد، او بسیاق هندیان کلاه مخصوص بسر گذاشته روی کاغذیکه بدست دارد نوشته شده. (شبیه ابوالحسن عمل دولت) تصویر شماره (۹)

از آثار فراوان او آنچه در کتابها و موزهها دیده‌ام، عبارتند از:

۱- هفت تصویر استادانه، چاپ شده در آلبوم آکادمی علوم شوروی در لنین گراد، بترتیب:

الف - (شماره ۷ آلبوم) منظره بتخت نشستن جهانگیر در سال ۱۰۱۴ ه. است، که آیتی از زیبایی بود و فوق العاده با حلاوت است. در قسمت بالای نقاشی، بخط نستعلیق زیبا چنین نوشته:

الله اکبر، اقلیم گرفتن تو با دا مسعود، بر تخت نشستنت مبارک با دا سنه ۱۰۱۴ رقم نقاش بروی یکی از ظروف طلائی است بدین مضمون: (عمل کمترین خاکسران ابوالحسن جهانگیر شاهی)

ب - (شماره ۹ آلبوم) در این اثر چشم نواز، جهانگیر و شاه جهان را در محضر سه عالم روحانی نشان میدهد، آصف خان در کنار ایستاده و همه دست بدعا برداشته‌اند، در قسمت بالا، پیر زنی خمیده و پیر مردی با ریش انبوه سفید در کنار دخمه‌ای بانظار ایستاده‌اند. روی یکی از پایه‌های دخمه رقم دارد. (عمل نادرالزمان)

پ - (شماره ۱۰ و ۱۱ آلبوم که فقط شماره ۱۰ آن رقم دارد)

در این اثر پر جلال، شاه جهان در دو تصویر مشغول بازدید و سان لشگریان خود میباشد رقم دارد. (رقم خانه زاد تمام اخلاص نادرالزمان)

ت - (شماره ۱۲ آلبوم) در این اثر، مردی با لباس فرنگی نشسته و حیوانات باطراف وی جمع گشته‌اند. در انتهای تصویر، یک مرد تنها دیده میشود. منظره زیبای ساختمان جانوران قابل تحسین است، رقم دارد. (رقم ابوالحسن نادرالزمان بن آقا رضا)

ث - (شماره ۱۳ آلبوم لنین گراد) زنی در قیافه زنان فرنگی است که پستان راست خود را بدست دارد. در افق تابلو، منظره صحرا و درخت و حیواناتی از قبیل خرگوش و خارپشت و جماعتی با البسه اروپائی و ساختمانی بشکل کلیسا دیده میشود. رقم دارد، در دو محل مختلف (عمل ابوالحسن ابن نادرالزمان آقا مرید) (شاهنشاه سلطان سلیم پادشاه) ۴

ج - (نقاشی شماره ۱۴ آلبوم لنین گراد) شاهزاده بلند قامت هندی است که بر اسب سوار شده و بازدار مخصوصش که به سپر و کمان مسلح است با او در حال صحبت است. سگ سوارکار، به باز تیز پرواز

۲- نام سلطان سلیم پادشاه بغیر از اسم جهانگیر، در زمان ولی عهدی است، در آن زمان به (شیخ سلیم شاه چشتی) که از صوفیان معروف هند بود نیز شیخ سلیم پادشاه میگفتند.

نگاه میکند، زمینه تصویر منظره کوه و درختان و رودخانه است که در نهایت استادی ترسیم شده و به خط شکسته رقم دارد. (عمل نادرالزمان)

چ - (نقاشی شماره ۸ آلبوم لنین گراد) جلوس آصف خان است که جماعتی در حدود پنج نفر در پائین و دو نفر در بالا دیده میشوند، در حواشی اثر، رقم دارد. (رقم فدوی قدیم نادرالزمان در سنه اول جلوس) شبیه باصلاح آرنده فساد جمله جهان رساننده چتر و تاج بشاهنشاه نواب کامکار کامیاب آصف خان

۲- تصویر کاملاً " شبیه شاه جهان در کمال استادی است که در نمایشگاه آثار هندی موزه ویکتوریا آلبرت لندن ۲۴ آپریل ۱۹۸۲ از نزدیک دیدم. در این اثر شاه جهان، لباس زرد نارنجی خوشرنگ بلند بتن کرده و جیقه جواهر نشان بدست گرفته و بخط نستعلیق در طرفین نوشته.

شبیه مبارک قبله و صاحب عالمیان
عمل غلامزاده میرانی نادرالزمان
در حواشی اثر، اشعاری بخط نستعلیق زیبا کتابت شده که چنین است:

بغیر از او نبود زیر چرخ شاهنشاه
تهمتتی که بیک حمله حاجبان درش
فراز ابلق ایام اوست شاهسوار
هروز رزم ز رستم برآوردند دمار

در طرف راست:

هزار صف پی خدمت ستاده پیش ویند
گهی که تخت نشین میشود سلیمان وار

گر آن ملک بصد گونه شوق و ذوق مدام
بهای بوسی رفته از یمن و یسار ~~بصر~~
۳- دیگر اثر نادرالزمان که در این نمایشگاه از نزدیک دیدم، مردی در قیافه ازبکی بود که با لباس زرد، پروی اسب نشسته و در مقابلش مردی که لباس سفید پوشیده و بدست خود باز شکاری و در کنارش سگ تازی دارد ایستاده است. منظره کوه و درختان فوق العاده بود و در زیر جدول رقم داشت:

(شبیه عبدالله خان اوزبک عمل نادرالزمان)

۴- شاهکار دیگر ابوالحسن که اصل آن در لنین گراد و اندازه اش $۱۵/۴ \times ۲۳/۸$ سانتی متر است، شاه عباس و جهانگیر بعنوان اتحاد و یگانگی روی کره زمین ایستاده و همدیگر را در بغل گرفته اند. پشت سرشان نور خیره کننده ای نمایان شده که نشانهای از حمایت خدای لاینتناهی است. در بطن نقشه مدرجه و روی کره، اسامی شهرهای تبریز و اردبیل بوضوح دیده میشود. حاشیه این اثر، دو رده تذهیب و حل کاری قرمز تیره ای میباشد. کناره بیرونی اثر بعد از تذهیب آرایش گل و مرغی که در حد خود بسیار زیباست بدست استاد هنرمند ایرانی محمد صادق، در سنه ۱۱۶۰ ه. ترسیم شده و حواشی نقاشی، نوشته های مختلفی دارد که اینجا پاکنویس میشود.

الف - مضمون خوابی که حضرت اعلی در چشمه نور مشاهده فرموده بودند.

ب - شاه ما در خواب آمد پس مرا خوشوقت کرد - دشمن خواب من است آنکس که از خوابم ربود.

پ - شاه ما در خواب آمد و این بیت را بزبان معجز بیان فرموده.

ت - چون نوروز قریب بود از روی تعجیل ساخته شد.

ث - عمل مرید زاده باخلاص نادرالزمان - بن آقا رضا.

ج - و صورت مبارک شاهرا (یعنی شاه عباس کبیر را) از جمعی که دیده بودند تحقیق نموده بحدس و قیاس و قرینه هنروری، فی الجملة صورتی داده که اکثر براینند که مانند هست، هوالمصور الاعلم.

۵- دیگر اثر رقم دار این هنرمند، تصویر امیر حمزه است که گلاسه کله شیری بسر نهاده و اسبش در دام ازدها افتاده است. امیر حمزه با شجاعت و قدرت تمام، شمشیری بسر ازدها زده، خود و اسبش را رها کرده است. رقم های پراکنده دارد.

(شبیه حضرت امیر حمزه - رضی الله عنه - مشق فقیر نادرالزمان - فی بلده برهانپور)

ع- دیگر اثر هنرمند، تصویر جهانگیر شاه است که صورت اکبر شاه پدر خود را نگاه میکند. در این مینیاتور، کره زمین در دست اکبر شاه است و روی کره نوشته شده:

(شبه حضرت اکبر شاه عمل نادرالزمان)

اصل نقاشی، تصویر جهانگیر است و در زمینه و زیر دست چپ تصویر نوشته است: (شبه حضرت جهانگیر پادشاه است که در سن سی سالگی ساختن عمل قاسم چهره گشا، اصلاح نادرالزمان) اصل در موزه گیومه پاریس)

۷- دربار جهانگیر است که شاه روی تختی نشسته و پاهای خود را روی کره کوچکی قرار داده است. در مقابل او، سلطان پرویز، دومین فرزندش ایستاده و سلطان خرم (شاه جهان) با لباس راه راه زیبا جلب نظر میکند.

در اطراف آن، اعیان و رجال از قبیل آصف خان - مهابت خان - میرزا رستم خان و سایرین صف کشیده و ایستاده اند. در انتهای اثر سردی (بنام پرنس کاران سینگ قرار گرفته و در طرف دیگر مردیکه کاغذ بدست گرفته، پهلوی نواب اعتماد الدوله ایستاده و روی کاغذ این جمله بچشم میخورد، (صورت است که بخواندن مشغول است)

امضاء نقاش، روی کره کوچک و زیر پای شاه دیده میشود که نوشته: (رقم کمترین ابوالحسن نادرالزمان) روی کمریکی از حاضران که لباس زرد پوشیده، دنباله مطلب را نوشته است (صورت اتمام پذیرفت)

۸- تصویر بر فخامت و مجلل شاه جهان است که روی تخت سلطنتی جلوس کرده و سفرا و وزرا و رجال و اعیان در کنار وی دیده میشوند. وزیر اعظم که پیر مرد مرشدی است، عمامه سفیدی بسر گذاشته و روی تخت کوچکی بالا رفته و گویا هدایای روز عیدی و یا تحف سلاطین دیگر کشورها را به حضور شاه عرضه میدارد. کیسه‌های پول و سکه‌های فراوان بروی سینی‌ها دیده میشود. نفر اول مقابل شاه ایستاده و مشغول دریافت جایزه تقدیمی است. بالای تخت نوشته (شاه جهان)، پهلوی یکی از رجال درج کرده (شبه سید مظفر خان) پسر بچهای که لباس فاخر درباری پوشیده و در حضور ایستاده است ولیعهد شاه جهان میباشد. زیر چهار پایه تخت رقم دارد. (رقم خاندانزاده نادرالزمان مشهدی در سنه)

(۳)

۹- شاهکار دیگری از ابوالحسن در موزه (والتر آرت گالری بالتیمور) است که در این اثر بی عدیل نقاش بر ابتکار، گذشت زمان را فراموش کرده و قیافه سعدی را بمدد حدس ترسیم نموده. که کلیات را بدست گرفته و به جهانگیر شاه هدیه مینماید. شمایل سعدی که پیر مردی تنومند و کوتاه قد ارائه شده در کمال استادی نقش بسته و عمامه سفید و عبای بلند بنفش بتن کرده و کفش سبز رنگ بپا کرده و رقم دارد. (صورت شیخ سعدی شیرازی عمل ابوالحسن)

دیگر میرزا صادق حسینی است که لباس هندی راه راه پوشیده و قلم و کاغذ بدست گرفته است. روی صفحه کاغذ نوشته شده (شبه میرزا صادق حسینی) نفرات دیگر که روی هم رفته ۹ نفر از مشاهیر شعرای مختلف است، در لباس‌های ترکان عثمانی و یکی در لباس درویشی و یکی از آنها در تمایل

۳- این تصویر بشماره ۲۲۹ در کتاب MINIATURES PERSANES که سال ۱۹۱۳ در پاریس چاپ شده منعکس گردیده است در این کتاب بشماره ۲۳۴ اثر نفیس دیگری از این هنرمند چاپ شده که رقم دارد. (عمل کمترین خانه زادان نادرالزمان) در این اثر استادانه و بی نظیر اسامی تمام همراهان شرف حضوری را درج کرده است.

فردوسی دیده میشود. این اثر زیبا که یکی از شاهکارهای شبه سازی و تخیلی نادرالزمان است یکی از بهترین آثار ارزنده هنرمند شمار می آید.

۱۰- تصویر کودکی دومین پسر شاه جهان است که نشسته و بروی دامن خود میوه‌های مختلفی ریخته است، او کلاه پارچهای مخصوصی که از کناره‌هایش مروارید آویزان است بسر گذاشته و رقم دارد.

(رقم بنده با اخلاص نادرالزمان) اندازه ۵/۳ x ۹/۳ سانتی متر

۱۱- دیگر اثر رقم دار این هنرمند در موزه والتر آلبرت گالری

تصویر پر مهارت و استادانه شاه جهان است که بروی تخت سلطنتی نشسته و دستهارا بحالت دعا و احترام رویهم گذاشته و روبرو را نظاره میکند. در چهار نقطه داخل و خارج تخت، این کلمات نوشته شده است:

۲) حکم او بر خلائق عالم همچو حکم خدا روان باشد	پادشاه زمانه شاه جهان (۱) خرم و شاد و کامران باشد
۴) عمل العبدالحقیر نادرالزمان ابوالحسن مشهدی شاه جهانی	۳) بهر سال جلوس او گفتم تا جهان هست در جهان باشد

۱۲- زیبا ترین اثر دیگر نادرالزمان، که به عکس رنگی در شماره ۲۷ PLATE 27 در کتابی بنام: STUDIES IN INDIAN PAINTING که بسال ۱۹۲۶ در بمبئی چاپ شده است.

تصویر کالسکهای است که بدو گاو بسته شده و بتذهیب استادانای مزین شده است. در روی کالسکه، شاهزاده باوقاری با لباس سرخ و کلاه طلائی بردار قرار گرفته و راننده مخصوص، چوب بدست مشغول هدایت کالسکه است. گاوها یکی برنگ فیلی و دیگری برنگ حنائی قرمز که دارای گردن های کوهانی می باشند تصویر شده و روی شاخها آذین گشته است. در بالای تصویر بخط زیبا چنین نوشته:

گشاده باد بدولت همیشه این درگاه - بحق اشهدان لا اله الا الله

رقم نقاشی بخط رفاع ریز در پشت راننده کالسکه دیده میشود که چنین است: (راقمه ابوالحسن)

۱۳- اثری از این هنرمند در مرقع جهانگیر است که بزبانی تمام آرایش یافته و در نوع خود تحسین انگیز است. در این اثر، جهانگیر شاه روی کره زمین سوار شده و سر ملک عنبر حبشی را نشانه گرفته و تیر دوم را بطرف او رها میسازد.

این کلمات در روی نقاشی نوشته شده است:

خانه بوم شده کله شبرنگ نما

باطن که عدوت را چو خوک است

باطن که عدوت را چو خوک است

از خونش سپرسان تو سیر

از خونش سپرسان تو سیر

الله اکبر

خطا نبود در او چون حکم تقدیر

زمین بوسی پلنگ و شیر بچتر

زمین گشته سبک بر گاو ماهی

تفنگ شاه نورالدین جهانگیر

کنند ار سهم جان سپورش بمردم

زمین مقدم ظل آلهی

روبروی کمان نوشته:

هر گاه که در کمال در آئی

عنبر بوم که از نور گریزان می بود

رنگ از رخ دشمنان ربائی

تیر دشمن فکنت کرد ز عالم بیرون

در زیر ترازوی عدل بخطر ریز نوشته:

ز عدل شاه نورالدین جهانگیر مکیده شیر از پستان بر شیر

مطابق عقاید قدما، کره زمین روی شاخ گاوی قرار گرفته و آن نیز روی نهنگ دریا ایستاده است. این موضوع را ابوالحسن در این تصویر به مهارت ارائه داده است. در قسمت فضا نیز دو فرشته زیبا از ابرها بیرون آمده و نیزه و شمشیر خود را بطرف جهانگیر گرفته‌اند. بغل کره زمین یک دسته فولادی است که در بالای آن، مهر اکبر شاه نقاشی شده که چنین است: در این مهر دایره‌های شکل در وسط نام جهانگیر و در حواشی آن در ۸ دایره کوچکتر، اسامی اجداد وی را ثبت کرده است. نوشته‌های متن مهر چنین است:

در بالا بخط ریز نوشته است (نه پشت تو تاجور ز یزدان) بعد در مرکز مهر نوشته (نورالدین محمد جهانگیر پادشاه غازی) بعد به ترتیب در دوایر کوچکتر اطراف نوشته شده (ابن اکبر شاه) (ابن همایون پادشاه) (ابن بابر پادشاه) (ابن شیخ عمر میرزا) (ابن سلطان ابو سعید) (ابن سلطان میرزا محمد) (ابن میران شاه) (ابن امیر تیمور صاحب قرآن)

۱۳- اثر رقم دار دیگر، تصویر جهانگیر شاه است که روی چهار پایه ایستاده و کره‌ای بدست راست گرفته است. جلال کلاه و زیبایی لباسهای سلطنتی و لوازم جنگی، در خور تحسین و تمجید میباشد، در قسمت بالا نوشته شده:

یارب مباد بعد جهانگیر این زمان - ماند ز دهر شاه جهانگیر یادگار

و در روی چهار پایه رقم گذاشته (عمل کمترین مرید زاده‌ها با خلاصی نادرالزمان)

چون در چند مورد، اسمی از آلبوم جهانگیر بمیان آمده این مختصر توضیحا علاوه میگردد.

در کتاب هائی بنام:

THE LIBRARY OF A. CHESTER BEATTY

A CATALOGUE OF THE INDIAN MINIATURES BY: SIR THOMAS W. ARNOLD,

C. I. E. F. B. A., LITT. D.

REVISED AND EDITED BY: J. V. S. WILKINSON 1936.

که جلد سوم آن مخصوص آلبوم جهانگیر و اکبر نامه است، این مشخصات دیده میشود. آلبوم مزبور توسط جهانگیر پادشاه تهیه شده و شامل نقاشی‌های در سبک مغول - ایرانی - دکنی - اروپائی و هندی و راج پوت میباشد. یکی از آلبوم‌ها، بنام مرقع گلشن در ایران است و دیگری که تصاویر و خطوط آن از آلبوم اصلی جدا گشته و بصورت پراکنده، در موزما و مجموعه‌های خصوصی قرار گرفته که عبارتند از

- ۱- مجلس شکار، توسط شریف سال ۹۹۹ . ۲- خط میر علی سلطانی . ۳- جنگ گاو سوار با شیر شاید اثر فرخ بیک . ۴- تصویر شاهزاده جوان با پیر مرد (خط میر علی) ۵- تصویر زنی که بچه خود را شیر میدهد . ۶- تصویر حضرت مریم و مسیح، حاشیه عالی و مرغان ریز . ۷- حضرت یوسف خواب خود را ببدرش میگوید، شاید کار گیسو داش (حاشیه حیوانات و مرغان ریز) .

۸- خط میر علی کاتب که از اشعار سروده خود نوشته (حاشیه گل و برگ تحریر) .

۹- خط میر علی واقعا "حاشیه گل و درخت و انسان و حضرت مریم و مسیح) .

۱۰- خط میر علی (حاشیه درخت و کوه) کوردن (سلطان پرویز و زنتش) ۰۲. از کوردن (میگویند شبیه حضرت صاحب قرآن جهانگیر است) ۰۳. از کوردن (سلطان پرویز با رفقا) - بچتر (با رقم بنده درگاه بچتر) که نوشته، کلید فتح دو عالم بدست شست من است (شبهه محمد رضای کشمیری عمل بچتر) تصویر شاه جهان، از بچتر .

اثری از دیلوارت نقاش (که شبیه شیخ دولت که در کجرات لاهور می باشد)

اثری از هونهار (شبهه رستم خان بهادر)
جلد دوم، همانا اکبر نامه است که باختصار از آثار نقاشان در آن کتاب یاد میشود. مادهو- منظره
(جشن عالی ترتیب دادن و نشستن حضرت بر تخت سلطنت)
لعل- دو اثر از دستگیری ابوالمعالی که در زیر آن بخطرریز چنین نوشته:
(فرمودن حضرت بسی عظیم شاه ابوالمعالی را راست نشستن او و حاضر ساختن مائده و متوجه
شدن شاه ابوالمعالی بدست شستن و از عقب در آمدن تولک خان قوچی و هر دو دست او را از پس
بستن- در صفحه بامر خواجه- اسیر شد) شماره ۶۳ از لعل
سنگر- در زیر صفحه نقاشی نوشته شده: (محاربه نمودن میرزا سلیمان با منعم خان که در کابل متحصن
بود و جنگ صف برپا کردن منعم خان از بالای قلعه توپ و تفنگ را کار فرموده مظفر و منصور برگشتن)
این آثار شیوا اثر نقاشان مغول هند نیز در اکبرنامه (جلد ۳ کتاب آکسفورد) دیده میشود که
باختصار یاد میگردد.

- شماره ۱ اثر دهنراج (اکبر در مقابل مادر)
شماره ۶۷ اثر منوهر (اکبر روی فیل سوار شده راه میرود)
شماره ۷۳ اثر گوردن (اکبر بهرام خان را بحضور پذیرفته و ۱۳۹ آمدن سرداران جوق)
شماره ۷۹ اثر سورداس (اکبر سفیر را می پذیرد و ۱۱۱ اکبر به کجرات رسیده)
شماره ۸۱ اثر منوهر (عدمای منتظر سلامتی اکبر هستند)
شماره ۱۰۲ اثر سانوله (علیقلی سایبانی در مقابل اکبر است)
شماره ۹۶ اثر دهر مداس (علیقلی سایبانی در مقابل اکبر بزمین افتاده)
شماره ۱۱۰ اثر دهر مداس (مجلس تهریک تولد مراد)
شماره ۱۱۲ اثر بالچند (قصر در فتح پور)
شماره ۱۳۱ و ۱۳۲ اثر سورداس (جنگ احمد آباد)
شماره ۱۵۳ اثر دهر مداس (منظره فتح بوسيله شهباز خان و دیگر عبو شهباز خان)
شماره ۱۶۰ اثر مکند (بخشش اکبر شاه بخادمین خود)
شماره ۱۵۳ اثر تقی (اکبر سوار فیل شده به پیش میتازد)
شماره ۱۶۷ اثر سنگ (علمای مسیحی در حضور اکبر صحبت میکنند)
شماره ۱۶۹ اثر عنایت (مظفر خان بپا بوسی آمده)
_____ اثر دولت (خشمگین شدن اکبر از مان سنگ و تنبیه او)

ابوالحسن نقاش لال در محمد حسن بیک افشار ارومی آمده

۶۱- ابوزید

طراح و نقاش و کاشی تراش معروف او اواخر قرن ۷ ه. ق. است. ابوزید همکار کاشی تراش و کج کار
نامی استاد محمد بن ابی طاهر (۶۷۰ ه. ق.) بود و آثارش در مساجد و بقاع متبرکه اصفهان
بیادگار میباشد.

۶۲- ابوطالب شیخ

بنوشته میرزا طاهر در گنج شایگان:

((شیخ ابوطالب فرزند شیخ محمد از مشایخ و مجتهدین بود و هفت قلم خط را نیکو مینوشت او در نقاشی و تذهیب نیز دست داشته و بسال ۱۲۵۳ وفات یافته است.))

۶۳- ابوطالب مدرس همدانی

اهل همدان و مدرس علوم دینی بود. تمام خطوط مخصوصاً " نسخ و رقاع را استادانه می‌نوشت. در نقاشی ابری و قلمدان سازی استاد بود و ابتکارات جالبی نیز در رشته تذهیب و ابری داشت. او اسکلت مقوائی قلمدان را نیز خود می‌ساخت و بدین جهت قلمدان‌های وی از لحاظ زیبایی و استحکام نظیر ندارد.

میرزا ابوطالب امضای خود را اغلب به طلا و خط رقاع مینوشت و حواشی اثر را بزبیبائی تزیین می‌نمود. او جلدها و قلمدان‌ها را در سبک ابر و بادی مخصوصی که خود اختراع کرده و بنام قیامت مشهور بوده است تصویر کرده و ارائه علاقمندان می‌نمود. استاد محمد علی بهار شاعر و مذهب مشهور که در تذهیب استاد کارآمدی بوده، فرزند پیر آوازه این هنرمند است. آثار رقم‌دار وی دیدهام :

- ۱- قلمدان ساده و خوش‌قواره، با زمینه سبز رنگ پریده و خطوط تزیینی سفید که بخطر رقاع رقم داشت : (ابوطالب مدرس ۱۲۷۹) (در موزه هنرهای تزیینی تهران)
- ۲- قلمدان ابری فوق العاده زیبا، با رقم ابوطالب مدرس ۱۲۶۰. در دست فروشنده.
- ۳- قلمدان بسیار زیبای ابری رنگ جگری، در زمینه مرغش‌آلبالوئی و حنائی که حواشی آن با تشعیر نقطه چینی دندانهای، بشکل گل و برگ تزیین یافته و یکی از بهترین آثار این هنرمند است. این قلمدان زیبا که جزو مجموعه نگارنده است. بخطر رقاع طلائی رقم دارد. ابوطالب المدرس ۱۲۷۱ از این هنرمند بیش از ۲۰ عدد قلمدان و جعبه و جلد رقم‌دار و بی‌رقم که اغلب زیبا و در حد خود استادانه بوده‌اند دیدهام که از تشریح و ارائه یکایک آنها صرف نظر مینمایم. تصویر شماره (۲۱)

۶۴- ابوطالب مقیمی

مرحوم مقیمی فرزند حاج محمد حسین تاجر آذربایجان بود که بسال ۱۲۹۱ شمسی در تهران تولد و نشو و نما یافته است. ابوطالب از دوران کودکی علاقه بخطر و نقاشی داشت و روی این علاقه پس از آنکه مقدمات کار و مراحل اولیه هنر را یاد گرفت، برای تکمیل آن وارد مدرسه کمال‌الملک گردید. مرحوم مقیمی در میناتور سازی بشیوه‌های گوناگون شیرین قلم بود و آثار زیادی از خود بیادگار دارد.

۶۵- ابوطاهر بن محمد حمزه بن الحسن

نقاش و طراح ظروف سفالین و تزئینات کاشی حدود قرن ۲ ه.ق. بود که در کاشان می‌زیست. از آثار رقم‌دار وی، بشقاب حنائی زیبائی دیدم که با پیرایش ساده نقاشی شده و بخطر کوفی پیرآموز تزیینی آرایش شده بود. رقم نقاشی که بخطر پیرآموز زیبا نوشته شده بود چنین بود :

(عمل ابوطاهر بن محمد حمزه بن الحسن)

۶۶- ابوالقاسم

نقاش رنگ و روغن کار دوره فتحعلیشاه بود و در شبیه سازی و چهره پردازی دست پر توان داشت. او تصویر زنان را با مهارت میکشید و لوندی و لطافت زنانه نوازندگان مطرب^۱ به دلربائی هر چه

بهتری ارائه میداد.

در اندک آثار باقی مانده وی که حالیه جزو نقاشیهای موزه نگارستان است، قریحه زیبانگاری و بخوبی جلوهگر میباشد. در این تصاویر، کردی صورت و لبان تنگ شکر شکن و چشمان خمار و ابروان پر پشت و حرکات دست و انگشتان بهطننازی پر جلالی تصویر گشته است.

آثار رقم دار وی عبارت است از:

۱- تصویر رنگ روغنی موزه نگارستان بابعاد ۶۹×۱۲۰ سانتی متر که بشماره ۱۹ در کاتالک موزه معرفی شده است. در این اثر طناز، مطربی دایره بدست گرفته و لباس مزین به جواهرات پوشیده و تاج مرصع مرواریدی بسر نهاده و مشغول هنرنمایی است. دستهای حنا بسته نوازنده حالت دلربائی دارد. رقم دارد.

(رقم کمترین ابوالقاسم سنه ۱۲۳۷)

۲- تصویر دوم که بشماره ۲۰ و ابعاد ۷۰×۱۱۶ سانتی متر در موزه مزبور قرار دارد، نقاشی رنگ و روغنی دلربائی است که باستادی تصویر شده است. در این اثر رنگ و روغنی، تاج کلاه پرمدار و گردنبنند زیبای نوازنده که بجواهرات گوناگون آراسته است، جلب نظر میکند. رقاصه زیبا لباس قرمز خوشرنگی پوشیده و ریسهای مروارید از اطراف نمایان میباشد.

دست بندها و نقش بوتله جیقه دامن و ارائه سینه باز و دستهای حنا بستاش، باستادی ترسیم شده و بخط نستعلیق زیبا رقم دارد. (رقم کمترین ابوالقاسم ۱۲۳۷)

۳- اثر دیگر ابوالقاسم در این موزه که اندازه آن ۴۵×۷۴ سانتی متر میباشد، تصویر سینه عریان همان رقاصه قبلی است که بطرز و حرکات دیگری نشان داده است. منگولههای مرواریدی و آرایش تمام عیار لباس مخصوصش که با انبوهی از جواهرات و منگولههای مرصع آذین گشته تحسین آمیز است. این اثر رقم نقاش نداشته ولی طرز قلم و رنگ آمیزی آن نشان میدهد که از بهترین آثار ابوالقاسم میباشد.

۶۷- ابوالقاسم

نقاش جلد و قلمدان ساز اواخر قرن ۱۳ ه. ق. است. با اینکه بنوشته نقاش، صاحب کارخانه‌ای نیز در این رشته بوده است، بیش از یک اثر معمولی بزمی اثر دیگری از وی ندیدم.

در این اثر رقم دار که تابلوی بزرگ روغنی است، جوانی در وسط نشسته و بخوردن غذا مشغول میباشد در مقابل وی میز بزرگی که پر از اطعمه و اشربه گوناگون است دیده میشود. در اطراف وی دختران جوان بمعاشقه و طرب مشغولند. این اثر بزمی که تا حدودی پر مهارت بوده و با رنگهای زنده و شاد آرایش شده است رقم دارد. (در کارخانه آقا ابوالقاسم سنه ۱۲۷۲)

۶۸- ابوالقاسم بن احمد

از احوال خصوصی این هنرمند اطلاع زیادی نداریم، فقط در سنوات حدود ۱۲۹۰، بهمراه اسمعیل جلایر، جزو شاگردان اول نقاشی مدرسه دارالفنون بوده است.

۶۹- ابوالقاسم انجدانی فراهانی

اهل فراهان بود و در تذهیب نقش و گل و مرغ دست داشت.

از آثار او دیدم:

۱- قلمدان تذهیبی زیبا با زمینه فرمز بود که در رویه آن گل و مرغ طلائی و حل کاری افشان تصویر کرده و رقم داشت. رقم حقیر فانی. ابوالقاسم انجدانی فراهانی ۱۳۱۲ مضبوط در موزه هنرهای تزئینی تهران.

۷۰- ابوالقاسم

- نقاش و مذهب دیگری، غیر از ابوالقاسم اصفهانی مذهب باشی بود. از آثار این نقاش دیده‌ام:
- ۱- قلمدان ساده گل و مرغی بود که در حواشی تذهیب زیبایی داشت. در میان حواشی طلائی و تذهیب کناره آن، گل سرخ ریزی نقاشی شده و رقم داشت. (رقم کمترین اقل السادات ابوالقاسم الحسینی ۱۲۹۷)
 - ۲- دیگر اثر این هنرمند، قلمدان گل و مرغی بود که با حلاوت و استادی نقاشی شده و رقم داشت: (ابوالقاسم الحسینی ۱۲۵۷)

۷۱- ابوالقاسم الحسینی الاصفهانی

- بغیر از ابوالقاسم حسینی موسوی اصفهانی، نقاش و مذهب باشی اصفهانی است که احوال آن در جای خود خواهد آمد. این هنرمند نیز از سادات حسینی اصفهان بود و در نقاشی روغنی (لاکی) دست داشت. او نقاش پر کاری بود که اغلب آثار وی را بروی قلمدان - قاب آینه - قاب عکس - میز تحریر - جلد - سپر - حتی گاسه و بشقاب و سایر اشیاء تزیینی نیز مشاهده کرده‌ام.
- آثار رقم دار او را دیده‌ام:
- ۱- در تنها اثریکه خود را حسینی اصفهانی خوانده، جلد گل و مرغی قرآن مجید بود که در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۸۱ در حراج ساتبی لندن بفروش رسید. در این اثر پرکار، تمام جلد به گل و مرغ آراسته گشته بخط طلائی شکسته، رقم داشت (ابوالقاسم الحسینی اصفهانی سنه ۱۳۰۴) با اندازه ۱۳/۵ x ۸/۱ سانتی متر
 - ۲- قاب عکس گل و مرغی شیرین و زیبا با رقم (عمل ابوالقاسم اصفهانی)
 - ۳- دو قاب عکس گل و مرغ متوسط، بخط نسخ رقم داشت: (ابوالقاسم اصفهانی ۱۳۱۸)
 - ۴- میز خوب، با تصاویر گل و مرغ که برای ناصرالدین شاه ساخته شده و رقم داشت: (رقم میرزا ابوالقاسم اصفهانی)
 - ۵- دو جعبه بزرگ با گل و مرغ زیبا و درشت، رقم داشت: (عمل کمترین ابوالقاسم اصفهانی سنه ۱۳۲۰)
 - ۶- گل و بوته ممتاز و دلنواز که برای ناصرالدین شاه ساخته بود، با رقم (رقم میرزا ابوالقاسم اصفهانی)

۷۲- ابوالقاسم الحسینی الموسوی الاصفهانی - ملقب به میرزا کوچک

- از سادات جلیل القدر اصفهان بود و در خط شکسته و تعلیق استاد و در تذهیب و تصویر از نوادر دوران فتحعلیشاه و بلقب مذهب باشی مفتخر بوده است.
- این استاد، در تمام مراحل طلا کاری نازک قلم بود و در ارائه نقوش زیبا پر هنر بود. از شاگردان معروف وی، میرزا محمد تقی مذهب اصفهانی است که بنفشه از استادان ممتاز تذهیب دوره خود بوده است. از آثار او دیده‌ام:
- ۱- اثر خط و حلاوت و استادی تذهیب وی را در فرمانی دیده‌ام که تمام متن و حواشی آن و کناره مهر پادشاه را در نهایت استادی تذهیب کرده و بخط خود امضاء کرده است. این فرمان، مربوط به سید حسین صفاهانی متخلص به مجمر بود که بلقب مجتهد الشعرائی مفتخر گشته بود. (۱) در قسمت

۱- صورت فرمان مجتهد الشعرائی آقا سید حسین مجمر، از منشآت معتقدالدوله نشاط اصفهانی بوده و در صفحه ۴۸۲ مجله ارمان سال دوازدهم شماره ۷، ارائه شده است.

بالای فرمان، مهر فتحعلیشاه جلوه خاصی داشته و در قسمت پائینی و زیر تذهیب سمت راست بخط تعلیق فوق العاده زیبارقم داشت. (مذهب سرکار دیوان اشرف خاقانی ابوالقاسم الحسینی الموسوی الاصفهانی ۱۲۲۳) مجموعه مهندس خلیلی.

۲- اثر دیگر هنرمند، جلد مقوایی روغنی طلائی با حواشی متن زرک که به طرح کتیبه‌ای و برگ انگوری تذهیب شده و در آخر صفحه بعد از رقم خطاط که تاریخ ۱۲۲۲ را داشت، بخط زیبای سفیدابی نوشته بود (حسب الامر الاشرف الاعلی مطاع بزیور لفظ و معنی کلام اله مجید صورت تزئین و اتمام یافت) (ذهبه اقل السادات ابوالقاسم الحسینی اصفهانی)

۳- محمد تقی مذهب باشی در یکی از آثار خود که نقل یکی از آثار استاد می باشد، هنر او را ستوده و چنین نوشته است.

(نقل من عمل الاستاد الاجل الاکرم سید ابوالقاسم مذهب باشی)

۷۳- ابوالقاسم مذهب باشی شیرازی - میرزا ابوالقاسم

مذهب باشی پر آوازه شهر شیراز بود و در تذهیب و حل کاری قلم پر هنر داشت.

از آثار رقم دار و نفیس وی، جلد مذهب و ادعیه خوش خط سراپا طلائی دیدم که رویه آن بطرز پر مهارتی تذهیب شده و داخل آن نیز با شمشه و بوته اندازی و جدول کمند کشی طلائی محصور گشته بود. داخل جزوه که آیتی از زیبایی بود، شروع صفحات اول و دوم مرصع و مذهب و طلا اندازی نفیس داشت. حواشی کتیبه، برنگ لاجوردی پر نقشی زمینه سازی شده و با تذهیب و کمند زرین آرایش شده بود.

این ادعیه علاوه بر خط زیبا و استادانهای که داشت، متن و حواشی تمام صفحات بطرز بارزی تذهیب و ترصیع گشته، سر لوحها و خواص صور نیز تحریر طلائی شده بود.

این اثر که در نوع خود شاهکار مذهب باشی شیرازی بود، در داخل یکی از ترنجهای صفحات اول رقم (ابوالقاسم) داشت.

در آخر جزوه، رضی صنیع همایون که خود از مشاهیر تذهیب زمان بشمار میرفت، بخط خود نوشته بود: «این تذهیب، از کارهای ممتاز میرزا ابوالقاسم مذهب باشی است که از تعریف مستغنی است و من قیمت و ارزش برای او نمی توانم تعیین بکنم» رضی مذهب

و بعد زیر نوشته را مهر زده که سجع مهر وی چنین بود (صنیع همایون ۱۳۱۴) مجموعه مهندس ناصر خلیلی

۷۴- ابوالقاسم مذهب یزدی - سید ابوالقاسم

یزدی بود و در تذهیب دست قوی داشت. این هنرمند با اینکه در هنر حل کاری و آرایش طلائی شیرین قلم بود، چهره را نیز خوب می ساخت و پرداز را نیکو می زد. از آثار باقی مانده وی که از نزدیک دیدهام - شمایل مولای متقیان علی علیه السلام بآب و رنگ بود که باستادی تصویر کرده و حواشی آنرا با دقت پر وسواسی تذهیب کرده و رقم داشت. (سید ابوالقاسم مذهب یزدی)

۷۵- ابوالقاسم ابن میرزا محمد - مینا ساز

فرزند میرزا محمد و از نقاشان شیرین قلم و مینا کار قرن ۱۳ هجری است. از بهترین آثار ارزنده این هنرمند که در موزه نگارستان مضبوط است:

کوزه قلیان مینائی قشنگی است که بطلا و نقره تهیه شده و تصاویر پر حلاوتی بروی آن نقش بسته است. در قسمت گردی شکم کوزه قلیان و در داخل چهار مدالیون مختلف، تصاویری ارائه شده که در

نوع خود بسیار شیوا می باشند. در مدالیون اول، نقش سه دختر زیبا با لباس و آرایش و حالات مختلف مجسم شده و در آن یکی نقش پیر مردی است که با حسرت بسیار بدختر جوان نظاره میکند و در مدالیون سومی، دو نفر مشغول نواختن فلوت و ماندلین هستند و در مدالیون چهارم، مرد جوانی است که یکی از دختران را بغل گرفته و مشغول بوسیدن است.

در زمینه طلائی بالای کوزه قلیان، گل و مرغ پراکنده و رنگارنگی نقاشی شده که بسیار دلچسب است، در قسمت پائینی نیز که بسان گردن بطری جلوهگر است، در چهار مدالیون گوناگون، اشکالی نقش بسته که عبارتند از: در مدالیون اول، تصویر ملکه ایست که تاج مرصع بسر نهاده و در دومی، دختری با کلاه عمامه ایست که گلدانی بدست دارد. در مدالیون سوم، دختر نشسته زیبایی است که گل بدست گرفته، در مدالیون چهارم، تصویر مرد جوانی است که سر قلیان را حمل میکند و زمینه پائینی کوزه قلیان نیز بسیاق تزئینات بالا طلائی و تصاویری از گل و مرغ می باشد. رقم داشت. (ابن میرزا محمد ابوالقاسم)

۲- دومین اثر مینائی این هنرمند که در حراج ساتبی لندن بفروش رسید، سر قلیان مینائی قشنگی بود که در وسط مدالیون بزرگ آن تصویر زن و مردی بود که بنواختن تار و فلوت مشغولند، حواشی سر قلیان نیز به تزئینات گل و مرغی آراسته شده و رقم داشت. (ابوالقاسم)

۷۶- ابوالمعصوم میرزا

بنقل از کتاب گلستان هنر:

((خالوزاده نواب سلطان محمد پادشاه است .

ولد سلطان موصولو است در تصویر دست داشته و در طراحی قرینه ندارد، همیشه اوقات او صرف هنر میگردد. در نقاشی و وصالی و نقاری - فصالی و افشانگری و صحافی و مقوا سازی و حکاکی و خوان تراشی و قاشق تراشی و لاجورد شوئی و سند روس تراشی و دیگر صنایع عدیل و نظیر ندارد. او در سنه ۱۰۰۵ در قم رحلت نمود و در آستانه منوره مدفون است.))

۷۷- ابو محمد

نقاش و مجلد اواخر زندیه و اوایل قاجاریه بود.

از یگانه اثر رقم دار وی که دیدم، جلد کتاب گلستان سعدی مندرسی بود که احتیاج مبرمی به تعمیر داشت. در این اثر دلربا که زمینه آن مرغش البالوئی قشنگ بود، تصاویر گل و بلبل و بیچکهای ریز طلائی باستادی نقاشی شده و رقم داشت. (عمل ابو محمد سنه ۱۲۰۱)

۷۸- ابونصر عراقی

بروایت کتاب (چهار مقاله عروضی)

اولین نقاش شبیه ساز ایرانی بود که تصویر ابن سینا را کشیده و در اثر مهارت نقاش ابوعلی سینا شناخته شده گرفتار آمده است. قصه این تصویر باختصار از کتاب مزبور چنین میباشد. ((بفرمود تا صورت ابوعلی بر کاغذ نگاشت - و نقاشان را بخواند تا بر آن مثال چهل صورت نگاشتند و با مناشیر باطراف فرستادند و از اصحاب اطراف درخواست که مردی است بدین صورت و او را ابوعلی سینا گویند طلب کنند و او را بمن فرستند)) شرح مفصل این قضیه در تاریخ نگارستان احمد بن قاضی کاشانی نیز یاد شده و چنین آمده است.

ابوموسی - فرزند عمار و از مذهب ان شیرین قلم قرن دوم ه. ق. است.

«سلطان محمود شنید، در خوارزم نزد مامون خوارزمشاهی عده‌ای از حکما از جمله ابن سینا مجتمع گشته‌اند. سلطان محمد بطلب ابن سینا امر کرد که در روز موعود پیش او بیاید ولی او بعلت گرفتاری نتوانست در بارگاه سلطان حاضر شود، در این وقت بنوشته کتاب .

(از ابونصر که بقدر کافی از علم تصویر خبیر بود صورت ابن سینا را خواسته و مصوران آنرا تکثیر نموده و ملازمان سلطان او را به اطراف و جوانب بردند و بمردم هشیار سپردند که چون بدین هیئت شخصی ببینند آنرا گرفته بدرگاه رسانند .)

عاقبت بو علی سینا در خفا بگرگان آمده مشغول طبابت شد و شهرت او به قابوس والی آنجا رسید و قابوس فرزند مریش داشت که از علاج آن عاجز بودند، او پی ابن سینا فرستاد، پس از آنکه بو علی آمد و تشخیص مرض را درد عشق دانست گفت علاج این درد منحصر به وصال فلانه است، چون این سخن بقابوس بردند حیرت کرده او را به مجلس خود طلبید، چون او را دید از دور بشناخت چه از آن صورتهای ترسیمی ابونصر یکی نیز باو ارسال شده بود. فریاد بر آورد که تو ابن سینا نیستی؟ مطلب برملا گردید .

از آثار ابن هنرمند که عکس آن در صفحه ۲۷ کتاب گلستان هنر (به اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری) چاپ شده جام مفرغی زیبایی است که در نوع خود بسیار زیبا و منحصر بفرد میباشد .

۷۹- احد الحسینی بن عبدالله - شمشیر ساز

فرزند عبدالله و نگار گرزلات و شمشیر ساز پر مهارت اوایل قرن ۱۳ هجری است .
از آثار رقم دار ابن هنرمند، قمه زیبا و استادانه‌ای در موزه ویکتوریا آلبرت لندن دیدم که رقم داشت . (ابن عبدالله احد الحسینی)

۸۰- احمد

نقاش قلمدان ساز گمنامی، بغیر از احمد ابن آقنچف است .
یگانه قلمدان رقم داری که از این نقاش دیدم، قلمدان جنگی پر نقش و نگاری بود که به رنگهای زنده و حالت استثنائی نقاشی شده و در نوع خود منحصر بود. قیافه افراد رزمی و حالت سوار کاران تا حدودی شبیه شیوه آقا ابراهیم بود و رقم داشت . (یسمی من بعد اسم احمد تاریخ ۱۲۷۰) مجموعه مهندس ناصر خلیلی

۸۱- احمد

نقاش شیرین قلم و استاد پر مهارت اوایل قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ ایران است. از زندگی و خصوصیات خانوادگی وی کوچکترین اطلاعی بدست نداریم، ولی با مشاهده آثار بجا مانده‌اش در می‌یابیم که ابن هنرمند توانا در چهره پردازی و شبیه سازی و بکار برد رنگها و ارائه پرنندگان و مجالس مختلف بزمی دست پر توان داشته و در هنرنگارگری شهره زمان خود بوده است .
ابن هنرمند، در زیبا نگاری و پرداخت رنگها بسان نقاشان زیر دست اروپائی صورتها را چنان ساخته که گوئی تصویر زنده ایست که ساکت و حیران بروی قلمدان نقش بسته است .

در پرداز و آرایش مجالس، مخصوصاً " تذهیب و طلا کاری نیز بر استعداد و قابل تحسین بوده، و امضای خود را باسجع (فخر انبیا احمد) رقم میزد و به نستعلیق نیکو مینوشت . از آثار رقم دار وی دیدم:
۱- قلمدان تصویری ممتازی بود که چندین صورت زیبایی زن و مرد بروی آن نقش بسته بود . در وسط

قلمدان و در داخل یک کادر بیضی شکل، صورت زن لوند و طنازی که بعیار فرنگی‌ها لباس پوشیده و آرایش نموده بود جلب نظر میکرد. زن جوان کودکی به بغل گرفته و رشته‌های مروارید را به زلفهای خود آویزان میکرد. کناره وی، چند دختر جوان و یک پیر مرد که کلاه قرمزی بسر داشت، ناظر صحنه بود. در کناره‌های این تصویر و در داخل دو بیضی کوچکتر، تصاویر دیگری از دختران و زنان زیبا و جذاب فرنگی بود که باستادی نقاشی شده و واقعا " قابل تحسین بود .

در دماغه بالا و نشیمن پائینی قلمدان، تصاویر دل پسندی بهمین عیار نقش بسته و در حواشی نیز، منظره بزم و سماع درویشان و تصاویری از شیخ صنعان و دختر ترسا و مناظر دل انگیز روایی و تذهیب و طلا کاری استادانه بود که ستودن داشت. رقم نقاش، بخط زیبای نستعلیق در رویه قلم دان چنین بود . (فخر انبیا، احمد ۱۳۱۷)

۲- قلمدان دیگری که بهمان اندازه و همان فرم و بهمان استادی نقاشی شده، قلمدان بزمی پر حلاوتی است که در رویه آن، مجلس سماع و عیش و عشرت نوازندگان زن و تار و دنبک است که به نیکوترین حالتی مجسم گشته است. در کناره مجلس بزمی، تصاویر پر نقش و نگار و پرندگانی از قبیل طوطی و پرستو و کبوتر و بلدرچین ارائه شده که روی شاخه‌های شکوفه نشسته و بجست و خیز مشغول میباشند . طرفین و کناره قلمدان نیز تصاویری از مجالس متنوع عشق و طرب و پرندگان زیبا و مناظر دلفریب و تذهیب و طلاکاری روشن ارائه شده که معرف زبردستی و شیرین قلمی استاد میباشد . مجموعه خصوصی ۲

۳- دیگر اثر استاد احمد، قلمدان جذاب گل و مرغی بود که با تذهیب پر قدرتی آرایش شده و قصه معروف شیخ صنعان و دختر ترسا نیز به نیکوترین حالتی عریان گشته بود. متأسفانه بعضی نقوش رویه و کناره قلمدان از بین رفته و احتیاج به تعمیر داشت و رقم نقاش بخط طلائی نستعلیق چنین بود . (فخر انبیا احمد ۱۳۱۴)

۴- قلمدان زیبای دیگری با همان تصاویر و جذابیت و البسه فرنگی و گل‌های متنوع رنگی که بهمان مهارت و کاردانی نقاشی شده و تذهیب گشته بود رقم داشت، بخط نستعلیق زیبا (فخر انبیا احمد ۱۳۱۷) مجموعه خصوصی ۱

احمد هم دوره بهزاد در شیخ احمد آمده

۸۲- احمد

مینا ساز اواسط قرن ۱۳ ه.ق. ایرانی مقیم هند بود که در ترسیم گل و مرغی دست داشت. از آثار رقم دار این مینا ساز، دسته خنجر و غلاف مینائی در زمینه سفید بود که در رویه آن گل‌های تزئینی یک دست و خوش فرمی مینا شده و در وسط ترنجی، بخط رقاع رقم داشت. احمد سنه ۱۲۳۵ در این موزه، غلاف شمیر دیگری نیز بهمین سیاق و آرایش گوناگون نقاشی شده و بخط رقاع رقم محمود را داشت. از طرز کار و شیوه مینائی این دو اثر، چنین بر میآید که این دو هنرمند برادر بوده و در هند می‌زیست‌اند .

۸۳- احمد (قلمدان ساز دوره فتحعلیشاهی)

از نقاشان آبرنگ ساز دوره فتحعلیشاه قاجار بود و در شعر و خط نیز دست داشت. استاد احمد در چهره سازی و منظره بردازی و ارائه مجالس بزمی و رزمی قوی دست بود و خط نستعلیق را نیز نیکو مینوشت . از آثار رقم دار وی دیدم :

- ۱- قلمدان جنگی دشت چالدران بود که سپاهیان دو طرف را به استادی و عظمت تمام نشان داده بود. در وسط رویه قلمدان، شاه اسماعیل با هیئت مردانه، سوار بر اسب ارائه شده و یکی از سرداران عثمانی را از پا در آورده است. حواشی قلمدان نیز مناظر متنوع شکار و صحنه‌های خونین نبرد بود که باستادی تمام تصویر گشته و رقم داشت. (احمد ۱۲۱۱)
- ۲- قلمدان دیگر استاد که جماعتی از فقها و صوفیان را آراسته بود. در حواشی، گل و مرغ زیبا و مناظر دل پسند بود و بخط طلائی نستعلیق رقم داشت. (کمترین احمد ۱۲۲۵)
- ۳- سومین اثر رقم دار هنرمند، جلد روغنی نفیس کتابی موجود در کتابخانه گلستان ایران است که مجلس شعرا را تصویر کرده است. در این اثر تخیلی، فردوسی در وسط صحنه قرار گرفته و شعرای نامی از قبیل کمال اسماعیل و سعدی و نظامی و غیره که هر یک جزوهای بدست گرفته و گویا مشاعره می‌نمایند در اطراف او نشستند.
- در بیرون صحنه و کنار پنجره، دو درویش جوان ایستاده و در حواشی جلد، بخط نستعلیق زیبا ابیاتی درج شده که چنین است:
- تاریخ روزگار، نگارش جو خواست شاه کش روزگار دولت جاوید باد
افکنده سر، به محفلشان زد صبا رقم زبینه مجلس شعرای بزرگوار
- (رقم داشت احمد ۱۲۳۱)
- ۴- از آثار آبرنگی نقاش، تصاویر فتحعلیشاه و محمد شاه در یکی از مرقعات کتابخانه گلستان ایران است که سوار بر اسب بوده و بشکار مشغول میباشند.
- ۵- آبرنگ دیگر این مرقع، تصویر محمد شاه در لباس سلطنتی است که رقم نقاش را داشته و بسیار شبیه و استادانه میباشد.
- ۶- دیگر اثر زیبا و ارزنده این هنرمند، جلد پر بها و استادانه مرقعی بود که در حراج پاریس بفروش رسید. کاتالک رنگی از این حراج در دست داریم که اغلب کار استادان نامی ایرانی و هندی را بهمراه دارد. در رویه این جلد، تصاویری از شعرای نامی ایرانی باستادی درج شده که در حالت مشاعره دیده میشوند و رقم دارد.
- رقم به صفحه به فرمان شاه گیتی زد غلامزاده شاهنشاه جهان، احمد
(بتاریخ بیستم شهر - شوال الملکرم ۱۲۳۷)

۸۴- احمد (نقاش فتحعلیشاهی - رنگ و روغن کار)

- نقاش زبر دست و پرکار رنگ و روغنی دوره فتحعلیشاه و محمد شاه قاجار بود. از آثار بجا مانده وی چنین معلوم است که این هنرمند در شبیه سازی و چهره پردازی و انتخاب رنگها و مجالس رزمی و بزمی، چابکدست و در ارائه ریزه کاریها و اجزاء آن، وسواس بخصوصی داشته است.
- رقم نقاش بخط زیبای نستعلیق کشیده و خوش تراش کتابت شده و معلوم مینمود که در خط نستعلیق نیز دست داشته است.
- از آثار گرانقدر و ارزشمندی که از این هنرمند بدست آمده، گویا نقاش درباری بوده و موضوعات انتخابی خود را از بین تصاویر سلاطین و مجالس رزمی و بزمی مربوط بآنها انتخاب کرده است.
- آثار رقم دار معروف وی عبارت است از:
- ۱- صورت رقاصه زیبای زنگوله بدست که مشغول هنرنمایی است. این اثر در صفحه ۱۲۱ کتاب نقاشی لنین گراد روسی چاپ شده که معرف استادی نقاش می‌باشد. در این اثر، رقاصه فتان سینه بند طلائی بسته و دامن پارچهای گل درشت بتن کرده و دو آویز بلند سرخ رنگ که یکی را بدست گرفته

و دیگری در حال افتادن است به استادی تصویر شده است .

کفشهای مرواریدی بازیگر رقااص و پرده‌های قرمز رنگ پنجره اطاق بسیار جالب و ستودنی میباشد .
رقم نقاش بخت سفید نستعلیق چنین است : (رقم کمترین احمد ۱۲۳۱)

۲- صورت فتحعلی شاه قاجار، نشسته بروی صندلی و اندازه ۱۲۶ x ۲۴۰ سانتی متر، موجود در گالری گل ناچی لندن . در این نقاشی گرانبها، فتحعلیشاه با کلاه و لباس رزمی و گرز بدست، روی صندلی مرصعی نشسته و شمیر و خنجر بکمر بسته و سپر بیغل گرفته است . تمام اجزاء نقاشی یعنی صندلی و لباس و ادوات رزمی، کلا " بجواهرات و سنگهای قیمتی آرایش یافته و بسیار با شکوه و مجلل میباشد . اجرای قوانین پرسپکتیو در صندلی مرصع شاه غلط ارائه شده و معلوم میدارد، نقاش از این هنر بی بهره بوده است . در زمینه آبی بالا نوشته "السلطان فتحعلی شاه قاجار . در زیر گوشه پائینی سمت راست بخت تیره نستعلیق رقم دارد . (رقم کمترین غلام احمد در سنه ۱۲۳۰)

۳- اثر دیگر احمد که در یکی از شاه نشین‌های موزه گلستان بنمایش است، تابلوی با عظمت رنگ و روغنی جنگ غوریان است که محمد شاه سوار بر اسب شده و صدر اعظم و شاهزادگان و رجال و فرماندهان در اطراف او جمع شده‌اند این اثر زیبا که میدان رزم آن دوره را نشان میدهد، مهارت نقاش را در ارائه مجالس رزمی آشکار ساخته و شایسته تحسین می باشد .
این اثر که بسال ۱۲۶۰ ه. ق . انجام یافته رقم احمد را دارد .

(تمثال شهنشه جهانست - هنگامه جنگ غوریان است)

۴- تصویر رقااصای زیبا و ابعاد تقریبی ۱۱۰ x ۱۴۰ سانتی متر که احتیاج به تعمیر داشت، با رقم (کمترین احمد ۱۲۳۸)

۵- تصویر محمد شاه در هیبت پادشاهی و غرق جواهرات گوناگون که صندلی مزین و مرصع را در کنار داشت، با رقم نستعلیق . (غلام کمترین احمد ۱۲۶۰)

۶- در موزه هنرهای تزئینی تهران، نقاشی رنگ و روغنی زن طناز و نوازنده‌های است که به زدن سهار مشغول میباشد . رقم دارد بخت نستعلیق . (رقم کمترین احمد ۱۲) که شاید . حدود سالهای ۱۲۳۰ باشد .

۷- تصویر فتحعلیشاه در سفارت انگلیس تهران که بکشیدن قلبان مشغول است رقم دارد . (رقم کمترین احمد ۱۲۳۸)

۸- نقاشی نیم تنه رنگ و روغنی محمد شاه، با ابعاد تقریبی ۷۰ x ۹۰ سانتی متر که کلاه مشکی نوک تیزی بسر گذاشته . در رویه آن، نشان مرصع و آراستهای جلب نظر میکند، ریش و سبیل شاه تویی و صورت وی گرد است، لباس و پاگون‌ها و حمایل، همه مرصع و جواهر نشان بوده و رقم دارد . (رقم کمترین احمد ۱۲۶) که همان ۱۲۶۰ می باشد .

۸۵- احمد (سیدی احمد نقاش)

دوست محمد هروی در دیباچه مرقع بهرام میرزا در مورد سیدی احمد نقاش چنین می نویسد :
«بایسنقر، سیدی احمد نقاش را از تبریز آورده بود که بر اسلوب مرغوب جنگ سلطان احمد بغداد بهمان قطع و سطر و مواضع تصویر بعین‌ها کتاب ترتیب دهد و کتابت آنها بعهدہ مولانا فرید الدین جعفر باشد و ترتیب جلد بندی آنرا نیز بدست قوام الدین مجلد تبریزی سپرد»

۸۶- احمد (نقاش شیرازی)

بروایتی اهل شیراز بود که در تصویر گری و ارائه مجالس بزمی و رزمی دستنی پر هنر داشت . او

گل و مرغ را نیکو میکشید و در انتخاب رنگ و بکار برد آن توانا بود .
از آثار او دیدمام :

۱- قاب آینه هشت گوش بسیار زیبایی بود که رویه آن تصویر گل و مرغ درشت داشت . داخل آن، تصویری از شیخ صنعان و دختر ترسا بود که با ندیمان و همراهان خود بگفت و شنود مشغول بودند، در قسمت بالا و در زمینه تیره‌ای آن بخطر روشن رقم داشت . (رقم کمترین احمد ۱۲۷۲)

۲- دیگر اثر رقم دار هنرمند، تصاویر جلد ممتاز و بی نظیر کتاب الف لیل است که در مجموعه کتابخانه گلستان می باشد. در این یادگار گرانبها، میرزا احمد با دوبیت شعر نام خود را در ذیل جلد به ترتیب زیر ارائه داده است .

رقم جلد اول : (هم از مانوی خامه احمد آمد بجلدش ریاحین مینو مصور)

رقم جلد دوم : (هم از خامه میرزا احمد آمد بجلدش ریاحین جنت مصور)

۳- از تنها قلمدان رقم دار این هنرمند که دیدمام، قلمدان لولائی و زنجیرهای بسیار عالی در موزه ایران باستان است که در عیار و سبک قدیمی زمان صفویه تصویر شده و از هر حیث زیبا و دلربا می باشد . حواشی قلمدان در زمینه مرغش لکه ابری سیاه و قرمز و زرد بود و در اطراف آن گلهای دلپسند و متنوعی ترسیم کرده بود .

در رویه قلمدان نبرد محمد شاه در هرات بود که بنظر نگارنده یکی از شاهکارهای هنری این نقاش میباید . در این صحنه بر جلال، محمد شاه بروی آب ایستاده و میدان جنگ را نظاره میکند .

فرمانده سپاه که رزم آور جوانی است ، بالباس طلائی و کلاه مخصوص در مقابل شاه قرار گرفته و منتظر فرمان است . در کناره و حوالی، فرماندهان و سربازان و سواران ایرانی که همه به لباس و لوازم جنگی مجهزند، بنظم و آرایش جنگی گوش بفرمان ایستاده‌اند . رده توپها و خیل اسبان، منظره پر ابهتی دارد . رقم دارد . (رقم کمترین احمد ۱۲۵۶)

۴- قاب آینه دیگر این هنرمند که در حراج ساتبی آپریل ۱۹۸۲ بفروش رسید، قاب آینه شیرین و دلنوازی بود که در رویه آن داستان قدیمی شیرین در حمام به استادی تصویر شده و رقم داشت .

(رقم کمترین احمد ۱۲۷۶) تصویر شماره

۸۷- احمد

نگارگر نقاش بروی فلزات بود . تنها اثر رقم دار این استاد را که از نزدیک دیدمام، رویه ساعت فولادی طلائی بود که داخل شش ترنج زیبا، اسامی ائمه اطهار علیه السلام، بخط ثلث استادانهای تراش شده و بههارت پرداخت گشته بود .

رقم هنرمند در ذیل صفحه ساعت چنین بود : (بنده شاه ولایت احمد ۱۱۲۴)

۸۸- احمد بن ابی نصر - مذهب

احمد بن ابی نصر بن العمر بن عتیق از مذهبیان اوایل قرن ۷ هجری بود . از آثار رقم دار این استاد، تذهیب تفسیر قرآنی بخط اسعد بن محمد بن ابی الحسین یزدی است که بسال ۶۰۶ کتابت شده و مضبوط در کتابخانه گلستان می باشد. رقم مذهب که بجداول طلائی نیز آرایش شده ، در آخر کتاب چنین است (فرغ من تذهیب هذا المصحف و تنقیشه ضحوه یوم السبت العاشر من شهر الله الاصح رجب من سنه ثمان و ستمائ العبد المذنب الراجی الی رحمه اله و غفرانه)

احمد بن ابی نصر بن الغمز عتیق - حامدا لله تبارک و تعالی

مصليا على نبیه غفراله لمن نظر فيه واستغفرالله لصاحبه وکاتبه و مذهبه

۸۹- احمد (ابن آقا نجف علی نقاشباشی اصفهانی)

زاده شهر اصفهان و فرزند هنرمند استاد آقا نجفعلی نقاشباشی اصفهانی است. آقا احمد از دوران صباوت در خدمت پدر به فراگیری فنون تصویر سازی آشنا گشته و بمدد استعداد و فعالیت ذاتی خود ریزه‌کاریها و افسونهای ناشناخته نقاشی را دریافته و در هنر خود کامیاب گشته است. او در گل و مرغ و تزیین مجالس مختلف پر آوازه بوده و در شبیه سازی و چهره پردازی و حتی تذهیب و حل کاری و مینا سازی و پخت آن نیز استادی توانا بوده است. در ارقام بجا مانده ذیل آثارش، با درج نام پدر بشاگردی و قرابت وی مفتخر بوده است. از آثار فراوان وی دیدهام :

۱- قلمدان بسیار زیبا که بشیوه میرک و در زمینه مشکی کار کرده و حواشی تصاویر را بطلا اصلاح کرده است. این قلمدان که تصاویر آن برنگ حنائی قرمز ترسیم شده یکی از شاهکارهای استاد می باشد. جوانب و حواشی قلمدان نیز به انواع ریاحین و پروانه آراسته گشته و در زیر و داخل آن، گلهای افشان انگوری زیبا مجسم شده بخط طلائی ریز رقم داشت. (حسب الامر حضرت اشرف ارفع والا حشمت الدوله امیر جنگ روحی فداه ۱۲۸۵) (بنده درگاه احمد بن نجفعلی)

۲- اثر آبرنگی استاد، صورت نیم تنه ظل السلطان پسر ناصرالدین شاه در کادر بیضی شکلی بود که با کلاه ناصری و کت مخصوص نظامی نقاشی شده و به چهار گوشه‌های آن، گلهای زیبای سرخ علاوه گشته بوده. صورت ظل السلطان پرداز پر مهارت داشت و فوق العاده شبیه بود و رقم داشت. (رقم دعاگوی غلام درگاه احمد بن نجفعلی ۱۳۰۳)

۳- اثر مینائی هنرمند، سرقلیان شیوا و استادانهای بود که در زمینه سفید، گل و مرغ آراسته داشت و رقم نقاش چنین بود :

۴- قدیمیترین اثر تاریخ دار نقاش، قلمدان گل و مرغ زیبا بود که حواشی گلهای تزیینی داشت و رقم نقاش چنین بود :

(احمد بن نجفعلی ۱۲۷۹)

۵- دیگر اثر مینائی استاد احمد، سرقلیان زیبایی در زمینه طلائی بود که در داخل چهار ترنج گوناگون، تصاویری از مرویان فرنگی شراب بدست آراسته شده و حواشی کناره، دهانه سرقلیان نیز به گل و مرغ و سایر شکوفهها آراسته گشته بود و رقم داشت. (احمد بن نجفعلی ۱۲۸۸) تصویر شماره ۶- قلیان مینائی زیبا و نفیس بود که رقم احمد بن نجفعلی داشت و نوشته بود.

(قلیان تزیین شد و تصویر شد برای سرهنگ محمد صادق خان)

۷- آخرین اثر رقم دار زیبایی که از این هنرمند دیدهام، قلمدان زمینه ساده‌ای بود که در وسط آن آهوی زیبایی نقاشی شده و حواشی قلمدان گل و مرغ شایسته بود و رقم داشت : (احمد بن نجفعلی ۱۳۰۵) مضبوط در مجموعه شماره ۱

۹۰- احمد (پادشاه)

در آلبوم فاتح ترکیه، تصویری وجود دارد که کار احمد پادشاه بوده این اثر زیبا، طراحی سراسبی بود که بمهارت ترسیم شده و رقم آن بخط طفرائی چنین بود. (اسب جهان گیر من کون و مکان را گرفت)

(کار احمد پادشاه)
(مستعد مستعل)

۹۱- احمد اشتری

بنوشته مرحوم بامداد ((متخلص به یکتا پسر میرزا مهدی خان که در سال ۱۲۹۹ در جوشقان زاده شد و در سال ۱۳۱۹ قمری با پدر خود بتهران آمد، مدتی دادستان و حاکم گیلان و معاون دادگستری و شهرداری را عهده‌دار بوده، او مردی بود با استعداد، نقاش و شاعر، در حقیقت هنرمندی بکمال بود. در سال ۱۳۳۴ خورشیدی در سن ۷۲ سالگی در تهران در گذشت و در صفائیه شهرری بخاک سپرده شد))

بگفته هم سالان و آشنایان، اشتری از شاگردان کمال الملک بود و در شبیه سازی دست داشت. از آثار رقم دار نقاش، تصویر رنگ و روغنی جوانی کمال الملک است که در نهایت دقت و شباهت نقاشی کرده و رقم دارد، بخط نستعلیق. (احمد اشتری ۱۳۱۸ شمسی) مجموعه خصوصی ۲ بنوشته سخنوران ایران چاپ هند، در صفحه ۴۲۳، بغیر از نقاشی، در رشته خطاطی - قالی بافی - گراور سازی و عکاسی نیز استادی صاحب کمال بوده است.

۹۲- احمد افلاکی دده

اولین و قدیمیترین ساعت ساز اسکلتی اوایل قرن ۱۳ ه.ق. عثمانی است. استاد احمد این صنعت را از ساعت سازان استادکار فرانسوی یاد گرفته و در هنر خود شهره بوده است. از جمله آثار هنری وی، ساعتی است که برای سلطان محمود خان ساخته و رقم دارد. (موقت - جنت مکان - سلطان محمود خان - احمد افلاکی دده المولوی ستانه - نومرو) فرزند احمد استاد حسین افلاکی است که مثل پدر او نیز بساختن ساعت‌های اسکلتی پرداخته و در یکی از آثار موجود وی در توپ قابور رقم دارد. (عمل السید حسین خاکی ابن احمد افلاکی ۱۲۴۵) تصویر شماره ۱۳ از شاگردان دیگر احمد دده، محمد شکری است که ساعتی ساخته و رقم گذاشته: (محمد شکری ۱۲۷۳) دیگر از ساعت سازان مشهور عثمانی، استاد مصطفی رفیق است که در روی ساعتی از آثار باقی مانده‌اش بخط نسخ نوشته: (عمل حاجی سید مصطفی رفیق سنه ۱۲۶۷)

۹۳- احمد بن ایزدی

نقاش آبرنگ ساز دوره محمد شاه قاجار بود. از آثار رقم دار وی، منظره آبرنگی عده‌ای از سلاطین و رجال و سفرا و شاهزادگان دیدم که لباس‌های گوناگون ایرانی و فرنگی پوشیده و در مجلسی، به صحبت دور هم قرار گرفته بودند. درخت پهن‌اور و زیبایی در وسط فضا جلب نظر میکرد که میمونی بالای آن رفته و بجست و خیز مشغول بود و رقم داشت: (صنعه خواجه احمد بن ایزدی ۱۲۶۰)

۹۴- احمد بن اویس

(سلطان احمد بن اویس جلایر ایلکانی بغدادی ۸۱۳-۷۸۴)

به نوشته دوست محمد: ((او هنرمندان را می‌پروراند و مینواخت و خود به عربی و فارسی شعر می‌سروده و در تصویر و نذهیب و خاتم‌بندی و موسیقی بی‌مانند و شش‌قلم را خوب می‌نوشته است))

((او شاگرد خواجه عبدالحی بوده و از او تصویر آموخت و او در ابوسعید نامه یک موضع به قلم سیاهی ساخته است))

عبدالمحمد خان ایرانی نیز در کتاب خود از این هنرمند یاد کرده و مرگ وی را بسال ۸۱۲ و بدست قره یوسف ترکمان ثبت کرده است. در تذکره دولتشاهی نیز مختصر احوالی از او نوشته و چنین یاد کرده است: ((او پادشاهی هنرمند و هنرپرور و خوش طبع بوده و اشعار عربی و فارسی نیکو میگفته و در انواع هنر چون تذهیب قوایی و سهامی و خاتم بندی و غیر ذلک استاد بودی و شش قلم خط نوشتی و در علم موسیقی و ادوار صاحب فن است و چندین نسخه در این علم تالیف کرده است و خواجه عبدالله ملازم او بوده گویند که شاگرد اوست)) مستقیم زاده در صفحه ۶۲ تحفه خطاطین در مورد این استاد، چنین نگاشته (ترجمه از ترکی عثمانی)

((از پدر تعلیم دیده و در خط نستعلیق و معارف دیگر دست داشت، برای مصلحت آسایش نفوس، برادرش سلطان حسین را مقتول کرده بتخت نشست، حافظ از او مدح کرده و گفته است:

احمد الله علی معدلة السلطان - احمد شیخ اویس حسن ایلخان)

یگانه کمان کش و مالک خامه تصویر و تذهیب و مهر کنی بود و در اشعار و موسیقی دست داشت، ۲۸ سال سلطنت کرده و در آخر کار، قرایوسف ترکمان قراقویونلو مسلط شده و بتاریخ (شبهستان ۸۱۲) شمع حیاتش پف کرده باد شهادت شده در تبریز و در مدرسه مدفون است، آخر دولت ایلخانی است.

۹۵- احمد تبریزی

نقاش دوره ناصری اهل تبریز بود و در آبرنگ دست داشت

از آثار وی تصویر زن و مرد دلدادهای دیدم که به اهالی قفقاز شباهت داشتند. این اثر زیبا که به آبرنگ بود رقم داشت. (راقم احمد التبریزی)

۹۶- احمد حزین

طفا کش و نقاش و مذهب و مجلد نامی عثمانی زمان سلطان احمد سوم بود.

نقش طغرای سلطنتی و آرایش فرامینی این دوره اغلب بدست این هنرمند انجام یافته و از آن جمله، اثری در موزه توپ قاپو سرای ترکیه است. که رقم دارد. (کتاب و ذهبه الفقیر مجلد احمد حزین)

۹۷- احمد حسینی ساوجی

از شاگردان مرحوم صنیع الملک بود و در آبرنگ سازی و سیاه قلم دست پر هنر داشت. شیوا - ترین اثر آبرنگی این استاد را که از نزدیک دیدم، تصویر سه نفر از رجال دوره ناصری بنام های اصلان خان سرهنگ و محمد علی خان صاحب جمع و عبدالرزاق خان سرهنگ (شاید بغایری) بود که در شبیه سازی و پرداز صورتها مهارت و ظرافت زایدالوصفی داشت. این اثر زیبا در موزه گلستان بود و رقم داشت:

(رقم اقل السادات احمد الحسینی شاگرد مقرب الخاقان صنیع الملک نقاشی)

دیگر اثر هنرمند طرح استادانهای از جان محمد خان سرتیپ بود که بحضور ناصرالدین شاه تقدیم داشته و خود را احمد الحسینی ساوجی خوانده است.

۹۸- احمد خزینه

نقاش و مذهب و مجلد نامی عثمانی اواسط قرن ۱۲ ه. ق. بود. اثر رقم دار این هنرمند که در

رویه جلد طفرائی احمد خان سوم بود، در نوع خود از نقایس زمان هنرمند بشمار میرفت و رقم نستعلیق زیبا داشت .
(کتابه و ذهبه الفقیر مجلد احمد خزینه ۱۱۴۰)
در کناره رقم، این بیت شعر ترکی دیده میشد . (اولوب عمر دولتی افزون - رهین ذاتی)

۹۹- احمد شبلی زاده

بنوشته مناقب هنروران :
از نقاشان عثمانی و شاگرد سنان بیک اهل بورسا است که در شبیه سازی بهترین است .

۱۰۰- احمد بن عبدالغنی - نجار

نجار و طراح نگارگر چوب اوایل قرن ۱۱ ه.ق . است .
از آثار رقم دار این استاد، درب چوبی کم نظیر و پر مهارت یکی از بقاع متبرکه است که به نقوش اسلیمی و ترنجی مشبک-پیراسنه گشته و در نوع خود زیبا و استادانه میباشد . در بالا و داخل مربعات کوچکتر ، نقوشی از ترکیب چهار علی، بخط تزئینی کوفی و در دو مربع بزرگتر چپ و راست، تعاریف (ناد علیا " الی آخر)
بخط ثلث عالی کنده کاری شده که سزاوار تحسین میباشد .
در قرینه پائین تر، ادعیه دیگری بهمان خط و شیوایی کنده کاری شده و بخط رقاع زیبا رقم دارد .
(عمل احمد بن عبد الغنی نجار)
و در مقابل آن، رقم کاتب نیز ثبت شده که چنین است :
(کتابه العبد میر علی بن محمد ۱۰۰۲)

۱۰۱- احمد بن علی المرافی

از مجلدان روغنی معروف او آخر قرن نهم ه.ق . اهل مراغه و مقیم عثمانی است .
از آثار گرانقدر این هنرمند، جلد روغنی استادانه است که در کتاب "الفوائد الفیائیه" (تاریخ ۱۲۶۸ میلادی) قرار گرفته و به طلا آرایش شده است . داخل جلد، برنگ ارغوانی بوده و نقوش آن تحسین انگیز است .

۱۰۲- احمد قاضی

نقاش و صورتگر قرن ۱۰ ه.ق . بود .

۱۰۳- احمد قزوینی

مینیاتور ساز و نقاش گمنام شهر قزوین بود که در سنوات قرن ۱۲ هجری در آن شهر تصویر میساخت .

۱۰۴- احمد مذهب باشی - تهرانی

مذهب استاد تهرانی بود که در تذهیب قرآن و ادعیه و کتب و فرامین و سایر آثار تزئینی دست پر حلاوت داشت - این هنرمند خط نستعلیق را نیکو مینوشت و یکی از استادان طراز اول مجمع الصنایع دوره ناصری بود. از آثار رقم دار وی تذهیب استادانه فرمانی از ناصرالدین شاه قاجار بسال ۱۲۹۵ ه.ق . است که به میرزا علی اصغر خان صاحب جمع امین السلطان صادر شده و او را بدریافت یک قبضه قمه مگلل بالماس مفتخر کرده است . استاد احمد در آرایش این فرمان باصطلاح

سنگ تمام گذاشته و تمام حلاوت‌ها و ریزه‌کاریهای هنر تذهیب را بیک جا بکار برده و حواشی زنجیره ای و گل‌های تزئینی گوناگون و نقوش اسلیمی و خرطوم فیلسی ماهرانه و ریشه گل‌های تو در تو در کناره مهر ناصرالدین شاه انجام داده است .

رقم ریز نقاشی در لابلای ترنج‌های ریز چنین است : (فدوی جان نثار احمد) مضبوط در مجموعه (۲)
۲- دیگر از آثار این استاد، کتاب سفرنامه ناصرالدین شاه مضبوط در کتابخانه مجلس است که تذهیب صفحات اول آن، فوق‌العاده پر مهارت بوده و رقم داشت :

(خانزاد دولت ابد آیت احمد - امید که در پیشگاه حضور ساطع النور مقبول آید در مجموع الصنایع مبارکه دولت ایران اتمام یافت)

۳- سومین اثر رقم دار استاد احمد، جلد مذهب قرآنی در کتابخانه گلستان است که رویه آن بتذهیب استادانهای آرایش یافته و در درون جلد نیز گل‌های اناری پر حلاوتی نقش بسته و بخط نستعلیق زیبا رقم داشت : (رقم بصفحه فرمان شاه گیتی زد غلام افسر شاهن شه جهان احمد)

۱۰۵- احمد مذهب باشی - مشهدی

از استادان و مذهب‌ان نامی آستان قدس رضوی بود و لقب مذهب باشی داشت . این هنرمند در تذهیب قرآنها و کتب و ادعیه دستی بکمال داشت و در قلمدان سازی و آرایش فرامین آستانه متبرکه رضوی که به سلاطین و رجال صادر میگشت، پر هنر و شیرین قلم بود - او در هنر خط نیز سر رشته داشت و خط رقا و تعلیق و شکسته را نیکو مینوشت . آثار رقم دار وی عبارت است از :

۱- قلمدان زمینه مرغش مشکی متمایل به سبز در موزه نگارستان تهران دیدم که گل و مرغ افشان بر مهارت داشت و رقم آن بخط تعلیق ریز و سفید چنین بود .

(بتقدیم حضور جناب جلالت مآب اجل اکرم عالی امجدالسلطنه دام اقباله انجام پذیرفت)

(مذهب باشی آستان قدس احمد ۱۳۲۱)

۲- اثر تذهیبی دیگر، حاشیه فرمانی با سر ترنج‌های زیبا و مذهب بوته اندازی و جداول کمندگشی زیبا بود که با لچک بندهای زرین آرایش شده و به خط رقا استادانه رقم داشت .

(برحسب فرمان حضرت اشرف اقدس ارفع والا موید الدوله فرمانفرمای مملکت خراسان و سیستان و متولی باشی) (استان ملایک پاسبان ادام الله تعالی اقباله و اجلاله تذهیب نمود)

(احمد مذهب باشی آستان قدس ۱۳۱۲)

۳- دیگر آثار ارزنده این هنرمند، تذهیب و تصویر گل و مرغی زیبا و شیرین حواشی قطعه میر علی هروی بود که در حراج ساتبی ۹ جولای ۱۹۲۹ در لندن بفروش رسید. این اثر زیبا که به ۲۷ lat در کاتالوگ مربوطه چاپ شده بود در کناره جدول پائینی بخط ریز رقم داشت :

(احمد مذهب باشی آستان قدس ۱۳۱۱)

۱۰۶- احمد معارف الاسکداری

اهل اسکدار و از نقاشان و مذهب کاران قرن ۱۲ ه.ق. عثمانی است . این هنرمند در گل سازی و تذهیب مهارت داشته و در تنها اثر بیجا ماندماش رقم داشت .

(احمد المعارف الاسکداری ۱۱۸۵)

۱۰۷- احمد موسی

احوال این هنرمند را در هیچ تذکره و نوشته زمان حیات هنرمند نیافتم، فقط دوست محمد هروی

در مقدمه بهرام میرزا، مختصر اشارهای به احمد موسی کرده و چنین نوشته است :
 «استاد احمد موسی که شاگرد پدر خود است، پرده گشای چهره تصویر شد و تصویری که حالا متداول است او اختراع کرد و از جمله مواضع که در زمان پادشاه مشارالیه از او بر صفحه روزگار واقع است، ابو سعید نامه و کلیله و دمنه و معراج نامه بخط مولانا عبدالله صیرفی است»
 اگر نوشته‌های دوست محمد هروی را که حتماً از ماخذ معتبر و قدیمی استناد جسته است صحیح بدانیم، معلوم میدارد که استاد احمد موسی در چهره سازی و تصویر کشی پیشقدم بوده و بطوریکه از آثار بجا مانده‌اش معلوم میگردد، نقاش شیرین قلم و چابکدستی بوده که با مهارت و قوی دستی در تمام سطوح تصویر سازی موفق بوده است. از استادان اولیه این هنرمند، بغیر از پدرش استاد دیگری را سراغ نداریم، ولی از شاگردان مبرزوی که آنها نیز در حد خود استادان توانائی بوده‌اند، استاد شمس الدین مولانا ولی الله و امیر دولت یار غلام ابوسعید میباشد که این امیر دولت یار، از همه شاگردان دیگروی ماهرتر و سرآمد اقران بوده است.
 آثار شناخته و منسوب وی عبارتند از:

- ۱- بروایت غیر مستند، تصاویر کتاب جامع التواریخ خواجه رشید الدین فضل اله، از آثار نامی این هنرمند می‌باشد که به سال ۷۰۷ ه. ق. تصور گشته است.
- ۲- دیگر آثار این هنرمند، شش برگ از مرقع فاتح به ابعاد ۲۷ x ۴۳ سانتی متر است که بسال آذر ماه ۱۳۴۳ از طرف وزارت فرهنگ و هنر ترکیه در تهران بنمایش گذاشته شده بود.
- ۳- دو اثر رقم دار نقاش که هر دو در موزه توپ قاپو سرای ترکیه مضبوط است یکی تصویر جنگ آوران طرفین منازعه بگرد حصار شهری است که همه مسلح به لباسهای آهنی و گرز و شمشیر و سایر ادوات رزمی بوده و حتی اسبها نیز پوشش زرهی محکمی به تن دارند. دیوار حصار با آجر محکمی پوشش شده و دیوار بغلی و کناره آن بطرز زیبا و استادانهای منحرف شده و در تصویر دیواره سمت چپ قوانین مناظر و مرایا به استادی اجرا گشته است. رقم دارد. (کار احمد موسی)
- ۴- اثر دیگر هنرمند در این موزه، منظره بیابانی با چند درخت خشکیده کوچکی است که روی هر یک مرغی نشسته و در طرف دیگر جوی آبی روان مشاهده میگردد. دو نفر سوار کار که کلاه پشمی خز داری بسر گذاشته و روی اسب قرار گرفته‌اند، جهت شکار خرس یا آهوان در کمین ایستاده‌اند. در طرف دیگر، دو آهوی مستاصل و لرزان پشت صخرهای سنگر گرفته و دو خرس وحشی جهت شکار آهوان بجلو نزدیک میشوند. رقم دارد.

(کار احمد موسی)

(پائین تر نوشته: بسیار نیک)

- ۵- اثر دیگر احمد موسی که در موزه توپ قاپوسرای ترکیه از نزدیک دیدم، تصویر حضرت محمد (ص) بود که ملائکه‌های زیبا در اطراف حضرت دیده میشدند. در این اثر فوق العاده زیبا، تمام ملائکه‌ها پره‌های بلندی داشته و در مقابل حضرت ایستاده و مشغول استماع فرمایش بودند. زلفهای بلند ملائکه‌ها بروی سینها ریخته و موی سر حضرت نیز بسان آنها بلند بوده و بروی سینه آویزان گشته بود. عمامه سفید و ریش و سبیل مختصر حضرت در حد خود پرمهاریت و شایسته تحسین بود. در بالای تصویر بخط درشت قرمز و نستعلیق زیبا رقم داشت: (کار استاد احمد موسی است) تصویر (۲۶)
- ۶- دیگر از کارهای احمد موسی که از نزدیک در این موزه دیدم.

تصویر اسفندیار و دیو بود که اسفندیار لباس زرهی پوست پلنگی پوشیده و دست بقبضه شمشیر برده و پشت درخت بلندی بکمین ایستاده بود. ازدهای بزرگ و دهشناکی، سر بطرف اسفندیار آورده و

خشمگین و عصبانی آماده حمله بود. یکی از همراهان، دست اسفندیار را گرفته و گویا او را از مبارزه با دیو بر حذر میداشت؛ جوانک مستخدم و چند اسب و کالسکه سلطنتی در وسط صخره کوهها بانتظار دیده میشدند.

کالسکه‌ایکه بشکل مکعب بود و سقف هرمی شکلی داشت فوق العاده زیبا بود و در وسط سقف کالسکه بخط رقاع رقم داشت. (العزّه الله والافتخار الدوام) عظمت کوهها و صخره‌های پر اسنوار و درخت کهن سال طویل، ستودنی بود و در گوشه سمت چپ رقم داشت. (کار احمد موسی)

۷- دیگر اثر پرهیز احمد موسی که در این موزه دیدم، تصویر تهمینه دختر پادشاه سمنگان است که در اطاق رستم جلوس نموده و به مفازله و صحبت مشغول میباشد.

تهمینه لباس سبز پوشیده و روی قالیچه سفید رنگی نشسته و رستم نیز که ریش و سیبیل داشته و در فیافه شعرا نشسته، پوستینی نصفه بدوش انداخته و زیر آن لباس سبز پوشیده و پیاله شراب را تعارف میکند. زن خدمتکار فضولی در زیر زمین خانه به استراق سمع مشغول است و دوشیزگان دیگر، در حیاط خانه مشغول گوش دادن بداخل خانه هستند. لباس رزمی و همچنین گرز سنگین سر گاوی، روی چهار پایهای در اطاق دیگر قرار گرفته. منظره ساختمان و طرز آرایش داخل آن، با پرده‌های مخصوص و کاشی‌های رنگین، بهترین معرف نشانه‌ها و عیار سابق خانه‌ها در آن زمان‌ها میباشد.

رقم دارد روی زمینه سفیدی کج دیوار: (کار استاد احمد موسی)
در کنار این تصویر، سر انسانی نقاشی شده و با قلم مو نوشته‌اند: (مشق شیخی)

۱۰۸- احمد نیریزی

خطاط ممتاز و استاد زبر دست دوره شاه سلطان حسین صفوی است. با امضای وی قلمدانی بس نفیس موجود است که بشکل تابوتی جعبه‌ای میباشد. در حواشی و رویه آن، خطوطی بخط رقاع استادانه در امتیاز و عظمت خط و کتابت با الهام از فرمایشات امیر المومنین علی علیه السلام درج شده که ستودن دارد. از نحوه کار و تذهیب حاشیه و کتابت الوان خطوط و در مواردی دیگر، تذهیب سر سوره‌های ادعیه و قرآنها که ندرتا از نزدیک دیدم، معلوم میدارد این استاد چیره دست در تذهیب و آرایش و سایر رموزات هنر تزیینی دست داشته و در اجرای آنها نیز قوی دست بوده است. قلمدان مزبور زمینه مرغش طلائی قهوه‌ای داشته و در رویه قلمدان سه ترنج بزرگ و کوچک جلب نظر مینماید. حواشی ترنجها بخط طلائی درشت و خمیری محصور شده و در متن ترنجها فرمایشات مولای متقیان علی علیه السلام باستادی نقش بسته و حواشی قلمدان نیز ترنجهای بیضی شکل ۱۰ تائی دارد. در کنارها نیز بسیاق رویه قلمدان، خطوط رقاع ممتازی در تجلیل امر کتابت برنگهای قرمز و زرد و سبز و سفید کتابت شده و در داخل ترنج انتهائی رقم دارد.

مجموعه شماره ۲

(کتابه المبد احمد النیریزی فی ۱۱۴۴)

۱۰۹- اخلاص

قدیمیترین نقاش روغنی هند است که در قرون ۱۶ میلادی در آن دیار میزیسته است. از آثار رقم دار این استاد که گویا در موزه (ناسیونال موزیوم) میباشد، جعبه صندوق روغنی پر امتیازی است که در کنارها دو دسته آهنی نصب گردیده و در جوانب و رویه صندوق، نقوش طلائی تحریری باستادی نقش بسته است.

یکی از مجالس نقوش که مجلس شکار میباشد، عده‌ای سوار بر اسب در تعقیب شکار خود به تیر اندازی مشغولند. صحنه شکار و مناظر گل و برگ و سایر نکات تزیینی که در متن نقاشی ارائه شده استادانه است. عمق اثر و مناظر حل‌گاری بدیع که بسان میرک هروی، هنرنمایی کرده، نشانه بارز و مهارت نقاش، در امر تصویر سازی و حل کاری است. رقم دارد. (عمل اخلاص)

۲- دیگر اثر تصویر سازی این هنرمند که به ۲۲۲ lat در حراج کریستی اول آپریل ۱۹۸۲، به حراج رفت، تصاویری از فیل‌های معروف به (هاتی) بود که به آب خوردن و استراحت مشغول بودند، رقم داشت در زیر صفحه بخط قرمز (طرح گانها عمل اخلاص) تصویر شماره (۳۰)

ارناوت در علیقلی جباردار آمده

۱۱۰- اسحق الحسینی

نقاش پر ابتکار و خیاط شیرین دست قرن ۱۹ ه.ق. ایرانی است. از آثار رقم‌دار وی که کلاه درویشی بوده و باستانی تمام زینت شده بود، از نزدیک دیدم که ستودن داشت. کتیبه‌های حواشی کلاه، صورتی و زمینه کلاه، هشتی بود. در کتیبه‌ها و ترنج‌های گوناگون، اشعاری در وصف حضرت امیر المومنین علی علیه السلام و عقیدت پارسائی و همچنین تمام عبارات (نادعلیا "مظهر العجایب) الی آخر بخط نستعلیق زیبا، طراحی و درج شده بود که واقعا "عالی بود. و رقم داشت.

(حسب الاشارة جناب میرزا ارسطو - حقیر اسحق الحسینی باتمام رسانید)

۱۱۱- اسحق نیشابوری

نقاش گمنام اوایل قرن ۱۱ ه.ق. اهل نیشابور است. با مطالعه شیوه هنری نقاش در کتابی بنام قصص الانبیاء که در اوایل قرن ۱۱ ه.ق. تصویر شده معلوم میدارد، این هنرمند، در تصویر و چهره پردازی، مکتب شیرین و مخصوصی بخود داشته است. در این کتاب، وقایع طوفان نوح، بسادگی تصویر شده و شمایل حضرت نوح و یاران را که در کشتی بحالت خونسردی نشسته‌اند ارائه میدهد. تصاویر نیم تنه انسان و حیوانات، بسان مجسمه‌هایی بروی زمین پخش شده و در بین آنان نیم تنه قارون و حضرت موسی که در تقسیم اموال بجماعت مومنین راهنمایی مینمایند دیده میشود. در صحنه دیگر، تصویر مریم و مسیح است که زیر درخت خرما نشسته‌اند و چشمه‌آبی در برابر ظاهر شده است.

۲- دیگر از آثار نقاش، تصویر شیخ زاهدی است که در شیوه اصفهان تصویر شده و رقم داشت. (مشق فقیر اسحاق)

۱۱۲- اسداله

شمشیر ساز اصفهانی و کسوفته‌گر طلا و نقره بروی فولاد و فلزات سخت بود. این هنرمند دو پسر، بنام‌های کلب علی و اسمعیل داشت که آنها نیز دنباله رو صنعت فامیلی رفته در هنر خود کامیاب و موفق بوده‌اند.

از سجع ارقامی که در اغلب آثار وی دیده میشود، معلوم میدارد، شمشیر ساز مخصوص درباری بوده و در هنر خود شهره بوده است.

آثار بی تاریخ و رقم‌دار وی زیاد، ولی از آثار رقم و تاریخ‌دار اسداله بیش از دو نمونه ندیده‌ام که هر دورا در اینجا بازگو مینمایم.

۱- شمشیر عالی و زیبایی دیدم که رقم داشت . (بنده شاه ولایت عباس عمل اسداله ۱۱۹۲)
 ۲- دیگر آثار وی یک جفت طاووس نقره کوب مختصر بود که بزبانی عمل آمده و در روی پایها و دم پهن آن، گل‌های ریز و هاشورهای استادانه جلب نظر می‌نمود و در سینه هر دو طاووس بخطر قاع طلائی رقم داشت . (عمل اسداله ۱۱۸۲)

۱۱۳- اسداله

آبرنگ ساز با ذوق و پر حلاوت دوره فتحعلی شاه و محمد شاه بود و نستعلیق را خوش مینوشت. از آثار این هنرمند دو اثر زیبا در کتابخانه گلستان تهران است که یکی از آنها، تصویر بدون ریش فتحعلی شاه در جوانی است که سبیل مختصر و باریکی داشته و کلاه سلطنتی بسر گذاشته و بروی دوشک و متکای مروارید دوزی تکیه داده و البسه فاخر پوشیده و کمر بند زرین و شمشیر جواهر نشان بکمر بسته است . رقم دارد . (رقم کمترین اسداله)

در بالای تصویر این بیت دیده میشود:

جوان بخت فتح علی شاه ترک جهان را جهان پادشاهی بزرگ تصویر شماره (۴)
 دومین اثر هنرمند تصویر نیم تنه محمد شاه است که ریش و سبیل کم پشت داشته و کلاه بوقی و جیقه پر طاووسی بسر گذاشته و نیم تنه ارخالق سرخ رنگ بتن کرده است . حاشیه تصویر، باستادی تذهیب شده و بخط نستعلیق زیبا رقم داشت .

(السلطان بن السلطان محمد شاه غازی سنه ۱۲۵۸)

در پائین تصویر

(رقم خانمزاد شاهنشاه اسداله بنده درگاه)

۱۱۴- اسدالله

نقاش گمنام و کم مایه ناصری بود و در قلمدان سازی دست داشت .
 از آثار رقم دار وی، قلمدانی دیدم که گل و مرغ و منظره ساده داشت و امضایش چنین بود :
 (اسداله ۱۳۰۳)

۱۱۵- اسداله

بر خلاف لقب نقاشی که بدنبال نام خود اضافه می‌نمود ، نقاش گمنام و متوسط روغن کار بود .
 از آثار رقم دار او ، دو اثر بی‌پیرایه متوسطی دیدم که یکی از آنها شکار اسبان وحشی بدست سیاه پوستان زنگی بود و رقم داشت .
 مجموعه شماره ۲

(اسداله الحسینی نقاش باشی ۱۳۴۲)

دیگر، تصویر مرد جوانی با کلاه پوستی بود که روی صندلی نشسته و جلپتفه شالی بونه حقیق‌ای بزیبر عبا پوشیده و سیگار بدست گرفته و رقم داشت :

(عمل اسداله الحسینی نقاشی ۱۳۳۷)
 (تصویر آقا میرزا محمد تقی در سن سی و یک سالگی شهر ربیع الاول ۱۳۳۷)

۱۱۶- اسداله

نقاش و مینیاتور ساز اهل شیراز قرن ۱۱ ه. ق. بود . از این هنرمند دو اثر رقم دار بیادگار مانده که یکی صورت عبد الحمید خان در موزه قاهره است و دیگری تصویر شاهزاده خانمی بنام 'مادر شاه

شجاع میباشد که امضاء دارد. (عمل اسد)

۱۱۷- اسداله

مینا ساز و نقاش شیرین قلم دوره ناصری است. از آثار رقم دار این هنرمند آینه مرصعی در موزه جواهرات بانک ملی است که آینه و قاب طلائی مینائی آن تماما " مرصع به العاس و یاقوت و لعل و مروارید بوده و در میان ترنج بیضی شکل آن، تصویر جوانی ناصرالدین شاه جلب توجه مینماید و رقم دارد. (عمل اسداله شیرازی ۱۲۸۴)

۱۱۸- اسداله خان غفاری کاشانی

بنوشته مرحوم کمال الملک در شرح حال خود: «میرزا ابوالحسن خان سه پسر داشت که هر سه نقاش بودند، یکی یحیی خان که در دستگاه ناصرالدین شاه بود، دیگری اسداله خان و دیگری سیف اله خان» بدین ترتیب معلوم میگردد که اسداله خان فرزند صنیع الملک بوده و در مکتب هنری وی کسب کمال کرده است. از آثار بجا مانده وی تصاویری از آقا رحیم علی بیگ لله باشی - امیر دوست محمد خان و میرزا بیدل کرمانشاهی به آبرنگ و پرداز است که در مرقعی جمع آوری شده و بسال ۱۲۸۳ انجام یافته بود

۱۱۹- اسداله مذهب مهدی

مذهب چیره دست و شیرین قلم شهر مشهد بود. از آثار هنری وی، جلد روغنی کتابی در موزه گلستان است که رویه آن با گل‌های الوان آذین شده و بونه سازی زیبا دارد. حواشی جلد نیز تذهیب ممتاز لچکی است و رقم دارد.

(حسب الفرموده جناب مستطاب شیخ الاطباء)

(بنده درگاه اسداله مذهب مهدی، بتاریخ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۴)

۱۲۰- اسداله مذهب میرزا اسداله مذهب شیرازی

فقط فرصت شیرازی از این هنرمند نام برده و در صفحه شماره ۵۴۸ کتاب خود راجع باین استاد چنین نوشته است:

«برادر میرزا محمود مذهب باشی بن مرحوم میرزا یوسف برادر بزرگتر میرزا علینقی خوش نویس شیرازی است. او در تذهیب و زر نشان استاد است و از نجای روزگار و برادران دیگر میرزا محمد علی حکاک و میرزا محمد حسین و میرزا محمد اخوان صحاف او هستند»

۱۲۱- اسداله بن استاد مهدی زرگر

فرزند استاد مهدی زرگر و طراح نقوش و تصویر بروی فلزات کرانبها و جواهرات در اواسط قرن ۱۳ ه.ق. بود. از آثار ارزنده این استاد، طلا کاری و آذین ایوان حضرت معصومه علیها سلام در قم می باشد که باستانی تهیه شده و در نوع خود ستودنی است.

۱۲۲- اسرار

نقاش سپاه قلم و قلمدان ساز گمنام دوره ناصری است.

او بشیوه آقا فتحعلی نقاش شیرازی تصویر می نمود و رنگها را پریده و خوش حالت می ساخت. از آثار رقم دار اسرار، قلمدان گل و مرغ بر حالی دیدم که برنگهای روشن نقاشی شده و کنارهای نقوش بسیاه قلم اصلاح گشته و در سمت راست رویه قلمدان بخط نسخ رقم داشت: (اسرار)

۱۲۳- اسمعیل

نقاش پر توان اواخر قرن ۱۱ ه. ق. بود و در شیوه رضا عباسی تصویر می آفرید. او صورت و لباس و سایر عوامل تزئینی تصویر را بسان رضا نقش کرده و زمینه حالی آنرا با پردازهای استادانه خود جلوگر می ساخت. از تنها اثر رقم دار این هنرمند که از نزدیک دیدم، قلمدان تصویری زیبایی بود که بسان قلمدانهای صفویه - اندازه بزرگی داشته و زیر و داخل آن برنگ زیبای سرخ طبیعی رنگ شده بود. رویه و حواشی قلمدان، برنگ مشکي مایل بسبز و جوانب و کنارهای آن با تذهیب استادانه دانه تسبیحی و گل و برگهای افشان اسلیمی حل کاری گشته بود. در رویه قلمدان و داخل ترنج بزرگ وسطی، زن و مرد جوانی پیاله بدست باستواری نقش بسته بود و در دو ترنج کوچکتر کنار نیز بهمین سیاق، تصاویر زیبایی داشت. در حواشی و کنار قلمدان نیز در چهار ترنج ناقص کتیبه‌های پهن، چهار زن و مرد جوان بشیوه رضا عباسی ارائه شده بود که سزاوار آفرین بود و بخط نستعلیق غبار سفید رنگ رقم داشت: (عمل اسمعیل ۱۰۸۳)

۱۲۴- اسماعیل

قلمدان ساز دیگری بغیر از اسماعیل نقاش باشی بود. این هنرمند قلمدان را بشیوه روسی و سبک شیرازی استادانه میساخت و خود تذهیب مینمود. از آثار رقم دار اسماعیل، قلمدان گل و مرغ نسبتاً "استادانهای دیدم که گل‌های زیبایی، بسان لطفعلی شیرازی داشت و تذهیبش نیز نیکو بود. رقم داشت. (اسمعیل ۱۲۸۴)

۱۲۵- اسماعیل

طراح نقوش و بافنده چیره دست پارچه بود. او همانند استادان بنام پارچه بافی زمان ۱۱ ه. ق. از قبیل محمد خان - علی - اسمعیل کاشانی - در عصر خود شهره بوده و پارچه‌های چشم نواز و پر نقشی را ارائه می نمود.

۱۲۶- اسمعیل

نقاش قلمدان و قاب آینه بود. از آثار رقم دار وی قاب آینه ساده‌ای دیدم که در حراج ساتبی لندن بفروش رسید و رقم داشت: (رقم کمترین اسماعیل ۱۲۷۱)

۱۲۷- اسمعیل

از سجع انحصاری نام نقاش که در ذیل جلد کتابی دیدم، معلوم گردید که این هنرمند بغیر از نقاشان هم نام خود بوده و بنفسه نقاش جداگانهاست که در کارهای روغنی و جلد و قلمدان سازی دستی بمهارت داشته است. در رویه جلد، گل سرخ خوشرنگی با غنچه‌ها و برگهای سبز ترسیم نموده و حواشی آنرا با تذهیب

استادانهای حل کاری کرده و بخط زیبای نستعلیق رقم داشت
(واذکر فی الکتاب اسمعیل)

۱۲۸- اسمعیل (شمشیر ساز)

شمشیر ساز استاد قرن ۱۱ ه.ق. بود.

از آثار وی شمشیر زیبایی دیدم که باستانی تهیه شده و رقم داشت: (عمل اسماعیل)

۱۲۹- اسماعیل نقاشباشی - محمد اسماعیل

هنرمند پر مهارت و نازک قلم دوران خود بود و در هنرهای روغنی و آبرنگ دستی دلفریب و چشم نواز داشت. از آثار فراوان و برآذین وی که بین سالهای ۱۲۶۴ الی ۱۲۸۸ ه.ق. انجام داده نمایانگر ذوق پر مایه و ابتکاری نقاش است که در حدود ربع قرن در صحنه هنر تزیینی ایران خوش درخشیده و شهره خاص و عام گشته است.

محمد اسماعیل در تصویر و شبیه سازی توانا و در رنگ آمیزی زیب افزا و در آرایش و پرداخت صحنهها پر وسواس بوده است.

این هنرمند تذهیب و ترصیع و سایر نکات زیبا نگاری و حل کاری را خوب میدانست و به نیکوترین وجهی انجام میداد. رویهمرفته این نقاش ذوقنون، در تمام عوامل نگارگری، مخصوصاً " در ارائه مجالس پر جلال و ابهت رزمی و بزمی، تخصص داشت و در گل و مرغ و جانور سازی و منظره پردازی استاد برجسته بود. او در نوشتن خطوط و سرودن شعر نیز دست داشت و اشعار مدرجه ذیل آثارش را خود می سرود و بخط زیبا کتابت مینمود. نگارنده سعی داشته، تمام اشعار مدرج ذیل آثار آقا اسماعیل را، که قرائت آنها مشکلاتی نیز داشته، باز خوانی کرده و بمنزله جمع آوری اشعار نقاش، در زیر هر اثر، پاکنویس نماید.

از شرح و گسترش مجالس پر فروغ و مجلل رزمی و بزمی، که بغنای تمام و اجرای صحیح رموز و دقایق تاریخی انجام داده، چنین برمی آید که گویا نقاش در آن مجالس و دقایق تاریخی حضور داشته و موضوعات مختلف را بعینه از نزدیک دیده است. ولی در حقیقت، تجسم بی پایان و ابتکار پر مایه نقاش است که رموز و دقایق هر مجلسی را با قلم سحر آمیز و دید تیز بین تلفیق کرده و بمدد چابکدستی و مهارت ذاتی حقایق را آنچنانچه در مغز خود پرداخت نموده بروی کاغذ عریان ساخته است. معلوم نیست روی چه علاقه و برداشتی به تصویر قصه معروف شیخ صنعان و دختر ترسا دل بسته و در بیشترین آثار خود، این قصه شیرین را بسط و شرح داده است.

مشتریان اروپائی وی، از جمله علاقمندان پر و پا قرص آقا اسمعیل بودند و سفارشات گوناگون و گرانبهای بوی میدادند. بدین جهت است که در آثار نفیس این هنرمند، مجالس بزمی و رزمی فوق العاده سرشاری از زنان و مردان و آرایش تمام عیاری از قیافه و البسه و سایر عوامل آثار فرنگیان ارائه شده و صحنه تصویر را رنگ اروپائی داده است.

از طرفی پسندیده ترین و وارسته ترین هدایای سلاطین و رجال زمان که من باب مرسوم بخارجیان دوست و مامور ارائه میگشت، همین قلمدانها و قاب آینهها و جعبهها بود که بدست هنرمندان آتش دست ایرانی مخصوصاً " محمد اسماعیل ساخته شده و روانه اروپا میگشت.

آقا اسماعیل در حاشیه و ترنج بندی و جدول سازی اثرها وسواس بخصوص داشت و سعی میکرد با ابتکارات بی عدیل و برآذین خود ملاحظت منظر را مضاعف سازد. او با قدرت تمام حاشیه بندی

موضوعات را به تقسیمات دقیق و خوش منظر بخش می‌نمود و هر یک را به سبک و سیاق مخصوص خود آرایش میداد.

قدیم‌ترین اثر تاریخ‌دار وی، تصویر منوچهر میرزا معتمدالدوله در روی قلمدانی بسال ۱۲۶۴ ه.ق. و آخرین اثر تاریخ‌دار نقاش در سال ۱۲۸۸ ه.ق. می‌باشد. (موجود در موزه ویکتوریا آلبرت لندن) از تاریخ تولد و وفات نقاش کوچکترین اطلاعی بدست نداریم و اگر در زمان خلق قلمدان منوچهر میرزا معتمدالدوله که بسال ۱۲۶۴ ه.ق. و در کمال قدرت و استادی اجرا شده سن وی را تخمیناً ۳۴ سال بدانیم، تاریخ تولد نقاش بحدس غیر مستند، سال ۱۲۳۰ ه.ق. خواهد بود.

از طرفی با تفحص و موشکافی، در آثار بجا مانده و تاریخ‌دار وی، در می‌یابیم که او از سال ۱۲۷۵ هجری از طرف پادشاه وقت ناصرالدین شاه قاجار لقب نقاشباشی دریافت داشته و این لقب را در آثار بعدی خود ثبت و ضبط کرده است.

خوشبختانه قیافه و صورت هنرمند را در رویه دو قلمدانی که بسالیان ۱۲۸۲ و ۱۲۸۳ هجری بدست نقاش انجام یافته و ما یکی از آنها را نیز بعنوان نمونه در صفحات آخر درج کرده‌ایم، بیادگار داریم. در هر دو تالی آنها محمد اسماعیل عینک ذره‌بینی بچشم داشته و کلاه مخصوص زمان بسر گذاشته و ریش‌هایش بسفیدی گزائیده است. اگر سن آقا اسمعیل را باتطابق قیافه و قرائن صورت مردی ۵۲ ساله بدانیم، سال تولد وی بسال ۱۲۳۰ ه.ق. نزدیکتر شده و تا حدودی تأیید میگردد.

بدین ترتیب بعید نیست این نقاش بعد از خلق آخرین اثر موجودش بسال ۱۲۸۸ ه.ق. تا حدود سالیان ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ هجری و یا به‌شتر زنده بوده و منتها بعلت کهولت و ضعف چشم کاری انجام نداده و بقیت عمر خود را بعبادت و استراحت پرداخته است.

در مورد وضع فامیلی و قرابت وی با آقا نجف نقاش نامی آن دوره، عمدتاً را عقیده بر این است که محمد اسماعیل نقاشباشی برادر کوچک آقا نجف بوده و فرزند میرزا بابا میباشد.

ولی با در دست داشتن قبالة ازدواج (۱) صفیه خانم دختر آقا نجف بسال ۱۲۷۱ هجری و درج اسامی فامیل و دوستان آقا نجف که بعنوان شهود، اثر مهر و امضاء داشته و قرابت و نسبت فامیل آنان نیز مرقوم شده، اسمی از محمد اسماعیل یا اسماعیل نقاشباشی که در حقیقت یکی از اقربای طراز اول و نزدیک آقا نجف باید باشد قید نشده و ثبت نگشته است. تنها در ردیف اسامی شهودعادی به نام عالیشان محمد اسمعیل ولد مرحوم آقا بابا نقاش بر میخوریم که بعلت اعتبار شخصی و معروفیت پدر، در زمره شهود در آمده‌اند.

از این ملاحظات در می‌یابیم که صحت برادری آقا نجف و محمد اسماعیل قصای بیش نبوده و تنها برادر آقا نجف، شخصی بنام محمد حسن میباشد که نسبت آنها بیکدیگر در قبالة درج گشته است. تنها اطلاع دقیقی که از وضعیت فامیلی این هنرمند بدست داریم، معلوم میدارد، فرزند میرزا بابا، نقاش نامی بوده و فرزند هنرمندی نیز بنام حیدر علی داشته است. (۲) آقا اسمعیل آثار خود را با سجع‌های گوناگون امضاء می‌نمود که باختصار درج میگردد.

۱- تفصیل این عقد نامه در مجله هنر و مردم شماره ۱۵۹ بوسیله نگارنده منتشر شده و اصل عقد نامه که مضبوط در مجموعه نگارنده است مشروحاً "در احوال نجفعلی نقاشباشی خواهد آمد.

۲- به اثر شماره ۳ حیدر علی نقاش که با رقم (حیدر علی بن محمد اسمعیل نقاشباشی) انجام یافته و احوالش در جای خود خواهد آمد، مراجعه نمائید.

— اسماعیل — راقمه اسمعیل ۱۲۶۴ — عمل اسمعیل — عمل محمد اسمعیل ۱۲۷۲ — عمل کمترین اسمعیل نقاش باشی پاک باز ۱۲۷۵ — کمترین خاندان اسماعیل ۱۲۷۰ — عمل کمترین اسمعیل نقاشباشی ۱۲۷۸ — نقاشباشی اسمعیل — عمل کمترین محمد اسماعیل نقاشباشی فی سنه ۱۲۷۹ — (عین جان زین صور که کردسبیل ثانی اثنین مانی اسمعیل) — (زمانی نژادی اسماعیل نام — براین صفحه آن قصه جست ارتسام ۱۲۶۶) — (یافت زیورچوگلستان خلیل این قلمدان زکک اسمعیل) از آثار فراوان بی رقم و رقم دار وی زیاد دیده و در اینجا به آثار رقم دار وی اکتفا مینمایم .

۱- قدیمیترین اثر وی که تاریخ ۱۲۶۴ ه.ق. دارد قلمدان بسیار زیبایی است که در صفحه اول کتابی بنام *Tafahan pearl of Persia 1974* چاپ ۱۹۷۴ چاپ شده است در رویه قلمدان، منوچهر خان روی مخدماهی نشسته و به متکای بزرگی که در پشت سرش دیده میشود تکیه داده است. از پنجره تالار منظره درختان و فضای سبز باغ دیده میشود.

منوچهر خان و همه حضار با کلاه مخصوص دوره محمد شاهی و البسه زمان مجلس بوده و بغیر میرزا داود که نشسته است، بقیه ۲۵ نفر رجال در حضور وی ایستاده اند. تصاویر افراد و البسه گوناگون آنان به استادی نقش بسته و اسامی هر یک، در کنار تصویر قید شده است. در وسط قلمدان که منوچهر میرزا نشسته در جنب آن، نوشته

(منوچهر خان معتمدالدوله العلیه العالیه) در سمت راست وی مرد قوی هیكلی با لباس بونه جیقمای زیبا ایستاده که نام عالیجاه سلیمان خان سرهنگ دارد و در پهلوی سرهنگ مردی با ریش انبوه قرار گرفته که حاجی ملا احمد ندیم میباشد.

در مقابل منوچهر میرزا میرزا داود خان نشسته و عالیجاه میرزا گرگین خان در کنار ایستاده و بعد از او، میرزا یوسف الی آخر، رجال دیگر آن دوره قرار گرفته اند.

در این قلمدان علاوه بر هنر شبیه سازی، تزیین پر جلال البسه و سایر آرایش زینتی افراد که به نسبت شغل و درجه و اعتبار، پهلوی هم قرار گرفته اند، به استادی نقاشی شده و در زیر پنجره، بخط شکسته زیبا رقم دارد. (راقمه اسمعیل ۱۲۶۴)

۲- دومین اثر، قلمدان رزمی تابوتی نفیسی بود که تمام معرکه و میدان جنگ را که در کنار رودخانهای بوقوع پیوسته و گویا نبرد گروه اعراب چعب با ایرانیان است، بنحو چشم نوازی ترسیم کرده است. منوچهر خان معتمدالدوله که در حقیقت فرمانده کل قوا در این نبرد است، با شباهت تمام، نقاشی شده و سایر رجال و فرماندهان و لشکریان و سواران جنگی نیز به استواری نقش بسته است.

در قسمت بالای میدان، اسب خوش هیكل و خوش تراشی با زین و بیراق طلائی بدون سوار کار توقف کرده و چنان معلوم است که این اسب جهت رکاب محمد شاه و بازدید وی از صحنه نبرد بانتظار ایستاده است.

در طرفین قلمدان نیز تصاویری از منوچهر میرزا و رجال و فرماندهان و در داخل نیز گل و مرغ پخته و تصاویری پسندیده، در مدالیون های مختلف انجام یافته که بسیار پر مهارت و پسندیده می باشد. در رویه و حواشی قلمدان اشعاری ساده بخط زیبای نستعلیق نوشته شده و سجع نقاش در بیت آخر ارائه گشته است.

- ۱- بفرمان دارنده ملک جم محمد شه آن، کاخترانش خدم
- ۲- گروهی بجعب از سران عرب بخلق جهان، روز را کرده شب
- ۳- بحکم شهنشاه گیتی پناه بر آن عرصه زدمعتمد را سپاه
- ۴- شبی تیره چون چشم اسفندیار شبیخون زدند از یمین و یسار

۵- ولیکن از آن صفدر خصم سوز عرب را در آن شب چو شب پشت روز

۶- بفرمان داور خورشید فر که آن معتمد را بجای پسر

- زمانی نژادی، اسماعیل نام - براین صفحه آن قصه جست‌ارتسام ۱۲۶۶ . مجموعه مهندس خلیلی

۳- قدیمیترین اثری که خود را نقاشباشی خوانده قلمدان شیوائی بود که در رویه آن تصویر زن
فرنگی زیبایی ترسیم کرده و حواشی آنرا به تذهیب استادانه و گل و مرغ دلفریب آرایش داده بود و

رقم داشت . (مریم سیرت ، مارا خانم) (عمل کمترین اسماعیل نقاشباشی پاک باز ۱۲۷۵)

۴- اثر دیگر اسمعیل ، قاب آینه بی نظیری بود که از لحاظ طراحی و چهره برداری و فرنگی سازی و

جدول کشی و تذهیب کم نظیر بود . در رویه و داخل مدالیون‌های مختلف آن، تصاویری از
پریریان طنز فرنگی بجا بکستی نقاشی شده و در داخل بیضی بزرگتر، جماعتی از کشیشان و دختران

تارک دنیا و سایر روحانیان بحالت احترام ایستاده و به انجام مراسم مذهبی مشغول بودند .

علم و کتل و صلیب بزرگ و لباده‌های مخصوص و پوشش پر جلال کشیش اعظم جلوه خاصی داشت . در

طرف دیگر، مجلس ضیافتی بود که افسران و رجال اروپائی شیک پوش و خوش لباس سر میز قرار گرفته،
بخوردن و نوشیدن غذا اشتغال داشتند .

در داخل قاب آینه، صورت کاملاً " شبهه میرزا آقا خان نوری با جبه و عبا و لباس ترمهای طلائی جلب

نظر میکرد . او کلاه بوقی بلند بسر داشت و دفتری بدست گرفته و به متکای زربفت طلائی گرانبها

تکیه داده بود و رقم نقاش در داخل قاب آینه چنین بود . (بر حسب سفارش حمزه میرزا از شخص

اول مملکت ایران آقاخان نوری ، عمل اسمعیل ۱۲۷۶)

مجموعه شماره ۳

گرفته اصلی مهمانی رویه قلمدان، جزو مجموعه گردهای نگارنده است که بدست آقا اسمعیل تهیه شده و

در نوع خود منحصر می‌باشد .

۵- از آثار با ارزش دیگر این هنرمند، آرایش جلد قرآنی مضبوط در کتابخانه گلستان است که در

داخل آن شمایل حضرت امیر المومنین علی علیه السلام و حسنین را در درون ترنجی به حسن

سلیقه تمام نقاشی کرده و رقم داشت :

(۱۲۷۹ نقاشباشی اسماعیل)

۶- قلمدان دیگری که صورت یک مرد فرنگی بروی آن نقش بسته بوده، به نیکوترین صورتی آرایش

شده و رقم داشت :

(بر حسب امر حضرت صاحب معلم عمل کمترین اسماعیل نقاشباشی تاریخ ۱۲۸۰)

۷- جلد قرآنی بس دلچسب و نازک قلم مضبوط در کتابخانه گلستان که بوته‌های الوان و حاشیه

زنجیره طلائی داشت، یک زنبق بزرگ نیز در میان ترنجه‌ها جلب نظر مینمود و رقم داشت :

(بر حسب فرمایش نواب اشرف والا احتشام الدوله روحی فداه اتمام پذیرفت)

در پشت جلد نیز، این جملات دیده میشود :

(نقل من عمل الاستاد محمد صادق عمل کمترین اسماعیل نقاشباشی فی سنه ۱۲۷۸)

۸- قلمدان پرمایه دیگری که از این هنرمند دیدم، قلمدان بس پسندیدهای بود که احتیاج بتعمیر داشت .

در رویه قلمدان و بین بیضی بزرگتر و مدالیون‌های اطراف، تصاویری از پریچهرگان و مناظر پر آذین

نقش بسته بود که ستودن داشت، افق زیبا و البسه رنگین افراد و جلوه عمارت و سر سبزی درختان باغ

و دشت و دمن وارسته بود . در حواشی و داخل مدالیون‌های مختلف و کناره قلمدان نیز تصاویری از

صورت مردان و زنان بود که با تذهیب و حل‌کاری استادانهای قلم گیری گشته و جالب بود .

در طرف دیگر صحنه جنگی بود و سربازان اروپائی به شهر دشمن حمله می‌بردند .

داخل قلمدان، تذهیب مرصع ریزی داشت و رقم نقاش بخط شکسته ریز چنین بود :
(حسب الفرمایش سرکار نواب اشرف والا احتشام الدوله روحی فداء صورت اتمام پذیرفت . عمل
کمترین اسمعیل نقاشباشی)

۹- قلمدان دیگری که در حراج ساتبی ۲۰ جولای ۱۹۲۷ بفروش رفت، تصویر حیران شیخ صنعان در
مقابل کشیشان و جماعت زنان و مردان فرنگی بود. در طرف راست رویه قلمدان، چند زن زیبا از
درشکه مخصوص پیاده شده و در قرینه آن نیز زن و مرد اروپائی سوار درشکه شده و جماعت نگهبانان
در اطراف آنها دیده میشدند . رقم نقاش در وسط قلمدان و بالای سر شیخ صنعان در دو سهم
کتابت شده ، چنین بود :

(عمل کمترین اسمعیل نقاشباشی بتاریخ سنه ۱۲۷۹)

در حواشی و داخل قلمدان نیز بعیار آرایش آقا اسماعیل صحنه‌های مختلفی از شیخ صنعان و دختر
ترسا و مناظر گوناگون و تذهیب و سهم بندی استادانه بود که سزاوار تحسین بود. در کنارها و
لبه‌های اطراف قلمدان، اشعاری بمناسبت نوشته شده بود که بذکر اشعار زیر قلمدان بسنده میشود

۱- من شرمنده از مسلمانی شدم آنجا، بگوشای پنهان

۲- پیر پرسید کیست این، گفتم عاشقی بی قرار سرگردان

۳- گفت جامی دهدش از می ناب کرچه ناخوانده باشد این مهمان

۴- ساقی آتش پرست آتش دست ریخت در ساقی آتش ارزان

۵- چون شنیدم نه عقل ماند و نه هوش سوخت هم کفر از او و هم ایمان

۶- مست افتادم و در آن مستی بزبانی که شرح آن نتوان

۷- این سخن می شنیدم از اعضا، هم حتی الوری و الشریان

۸- که یکی هست و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو

۱۰- قلمدان کیانی پر کاری بود که بسان انواع دیگر آن، در وسط تصویر ناصرالدین شاه و رجال و
درباریان دیده میشدند، در حواشی قلمدان تصاویری از پادشاهان افسانهای ایران بنقل از شاهنامه با
فخامت تمام نقش بسته بود. تمام جوانب قلمدان و حتی داخل آن، پر از نقش و نگار مختلف و در
حاشیه بیرونی آن، شرفیایی ابراهیم ادهم به جمع درویشان بود. در دماغه
داخل قلمدان تصویر خود نقاش با کلاه و عینک و لباس کرکی مخصوصش که شبیه به تصویر چاپ شده
داشت دیده میشد و رقم داشت :

(اسمعیل نقاشباشی ۱۲۸۳)

۱۱- قلمدان رقم دار زیبایی دیدم که در وسط آن، شیخ صنعان بحالت پریشان و وارفتگی در مقابل
دختر ترسا ایستاده و جماعتی از ندیمان و علاقمندان زن و مرد، تماشاگر ماجرا بودند. در این
ماجرا، جوانکی سورنا میزد و دو دختر پربروی زیبایی در کنار آن دیده میشدند.

در طرفین مدالیون‌ها، شیخ صنعان زمین افتاده، عده‌های دور و بر او را گرفته به بحث و گفتگو مشغول
بودند. حاشیه و اطراف و حتی داخل قلمدان نیز تصاویری از زنان و مردان ایرانی و فرنگی در
البسه فاخر و رنگین داشت و رقم نقاش چنین بود :
(کمترین اسمعیل نقاشباشی ۱۲۸۱)

۱۲- قلمدان چشم نوازی بود که متاسفانه بعلت نم دیدگی آبله‌گون شده و احتیاج به تعمیر داشت. در رویه قلمدان، صورتهای بسیار دلفریب زنان فرنگی نقش بسته بود که جلب نظر می‌نمود. تصاویر زمینه و اطراف قلمدان نیز دلچسب بود و رقم داشت.

(بر حسب فرمایش آقا میرزا حسن اتمام پذیرفت. عمل اسماعیل نقاش باشی ۱۲۷۸)

۱۳- جلد کتابی، مضبوط در کتابخانه گلستان است که حواشی تذهیب پرمغزی داشته و در وسط آن مجلس درس عرفا باستادی ارائه شده است. در این تصویر عرفانی، شمس تبریزی کتابها را توی حوض انداخته و دیگران به نجات آنها شتافتند. حاشیه گیری و افق دور دست و منظره زیبای بیرون خانه، پخته و دلفریب بوده و رقم دارد. (رقم کمترین محمد اسماعیل نقاش باشی ۱۲۸۶)

۱۴- اثر دیگر، قلمدان زیبایی بود که تصاویر استادانهای از جماعت مسیحیان و دختران زیبا روی ترسا داشت. حواشی اثر بتذهیب و طلاکاری پر آذین حاشیه گیری شده و دو کالسکه با اسبهای خوش تراش در صحنه دیده میشوند، رقم نقاش در قسمت کمره بالا چنین بود: مجموعه شماره ۵ (فرمایش وزیر جلالت مدار اعظم آقا میرزا ابوظالب دام اقباله العالی عمل محمد اسماعیل ۱۲۷۲)

۱۵- قلمدان زیبا و استادانهای بود که در حراج گالری تک تهران بفروش رسید.

در این اثر روغنی و در پنج مدالیون مختلف تصاویر پر حلاوت شیخ صنعان و دختر ترسا و عدای از مریدان و کشیشان و سایر ملازمان به مهارت تصویر شده و رقم داشت: (کمترین اسماعیل نقاش باشی ۱۲۸۱) در حواشی اثر، مجالس مطبوعی از شیخ صنعان و تصویر پریرویان فرنگی و گل و مرغ و تذهیب داشت که بسیار پسندیده بود.

۱۶- اثر دیگر، جلد روغنی زیبای دیوان حافظ بود که در ۲۴ آپریل ۱۹۷۹ در حراج ساتبی لندن بفروش رسید. یکی از مجالس روی جلد، مباحثه دو شاعر شیرین زبان فارسی، نظامی و سعدی بود که در مقابل هم نشسته و بمذاکره و مشاعره مشغول بودند. چند مصاحب همراه و تنی چند از مستخدمان، در اطراف قرار گرفته و نظاره می‌نمایند. کناره صحنه به جدول بندی زیبا و گل و مرغ آرایش شده و رقم داشت: (رقم کمترین محمد اسماعیل نقاش باشی ۱۲۸۴)

۱۷- قاب آینه‌ای شیرین و زیبایی دیدم که طراحی فوق‌العاده داشت.

این اثر بدیع، صحنهای از گردش دسته جمعی بود که زنان زیبا روی فرنگی سوار درشکه شده و به پیشواز شخص محترمی که گویا سفیر دولت خارجی است مشغول عزیمت می‌باشند. در درشکه عقبی نیز مرد و زنی که بهمراه آنها کودکی نیز دیده میشود، جا گرفته و با استقبال در آمده‌اند. در حوالی و یمین و یسار درشکه‌ها، مستخدمین و خدمه مخصوص به تک و پو افتاده و سربازان و گارد مخصوص نیز به پیشواز ایستاده‌اند.

در افق دور نقاشی، جزیرهای آباد و تپه‌های بلند و در کناره نیز قایق و کشتی کوچک دیده میشود. (عمل اسماعیل ۱۲۷۴)

در حاشیه گوشه‌ها، چهار تصویر از زنان فرنگی با لباسها و آذین مخصوص نقاشی شده به گلهای گوناگون رنگارنگ و تذهیب و حاشیه سازی اسنادانه آرایش یافته است. تصویر شماره (۲۵)

۱۸- قلمدان بر کار و بر آذین کیانی دیگری که در حراج ساتبی ۱۳ اکتبر ۱۹۸۰ بفروش رسید. در این اثر گرانبها و در رویه آن در پنج مدالیون مختلف، تصاویری از پادشاهان و سرداران قدیمی ایران بنقل از شاهنامه نقش بسته و در مدالیون وسط، تصویر نشسته ناصرالدین شاه بروی تخت سلطنتی بود که با آرایش و شباهت تمام نقاشی شده و سپهسالار اعظم و سایر وزراء و رجال و شاهزادگان به نسبت و مقام منزلت در کنار وی ایستاده و یا نشسته بودند.

در بالا و پائین این مجلس نوشته بود:

به نزد شه سپهسالار اعظم
این قلمدان که تمام جوانب خارجی و داخلی آن پر زین و آذین بود و به نیکوترین صورتی تذهیب
وحاشیه بندی گشته بود، باختصار معرفی میگردد.

در اطرف راست کناره که از دماغه قلمدان حساب میگردد چنین نوشته:

ای قلمدان نغز و نقش بدیع
بعد در داخل سه مدالیون مختلف که در منظره اول آن، مجلس عشقبازی منوچهر را تصویر کرده، در
کتیبه وسط مجلسین چنین نوشته است:

گلستانز بهار آراید از تودی پر گل بهار آید
در مجلس وسط مجلس انوشیروان عادل بروی تخت بود و قصه معروف زنی، که بعبادت روزانه اش،
توانسته است، گاو پر مهابت و سنگینی را بروی دوش گرفته و بحضور شاه آورد، به استادی تصویر
گشته است.

در مدالیون آخری این ردیف که همانا مجلس عشقبازی است، چنین نوشته است:

از تو در عین معنی است عیان
صورت پیشدادیان و کیان

بر سر سری، بفره گردان
مه منوچهر و مهر افریدن

در دماغه آخری این طرف زنی که به سلطان سنجر تظلم میکند چنین نوشته:

نقش کیخسرو است و کیکاوس
زال و گودرز و گیو و رستم طوس

از این دماغه بطرف چپ قلمدان می‌رسیم که باز مجلس عشقبازی است و زنی در حالت دل‌باختگی
خود را با غوش شاه انداخته و حاضرین تماشاگر ماجرا می‌باشند. در مدالیون وسط نیز همان مجلس
انوشیروان و ذکر داستان زن و گاو است که در طرف راست بصورتی دیگر نقش بسته و در کتیبه وسط
این دو مجلس نوشته است:

دان فلک فر، مناظر بهرام
هفت هر هفت کرده ماه تمام

بزم نوشیروان شیر شکار
ذکر مادینه گاو و زال فکسار

در طرف دیگر مجلس، چنین نوشته:

باز با کسری خجسته رسوم
راز جفدان شوم و ویران بوم

داد اندوز مرزبان سنجر
وان عجوز و زبان چون خنجر

در زیر بیرونی قلمدان نیز سه مجلس مختلف از هفت کتبه بهرام که اغلب بوس و کنار است بسان
مجالس طرفین نقش یافته، در دو کتیبه جداگانه اشعاری که بیت آخر آن رقم نقاش است، درج گشته است.

باز جشنی بود، فریدونی
گشته ضحاک سرکش خونی

صورت هفت کتبه بهرام
وان پری پیکران سیم اندام

در طرف دیگر و در قرینه ابیات اولی، چنین نوشته:

در تو با زین و فر نشان همه
دل فریب این صور که جان همه

عین جان زین صور که کرد سبیل
شانسی اثنین مانسی اسمعیل

حاشیه کناره‌های کتبه داخلی قلمدان نیز تصاویری نقش بسته و ابیاتی بمناسبت در آن درج گشته که
از دست راست، بشرح آنها می‌پردازیم:

در کناره تصویر، شیری که بین دو دانشمند قرار گرفته نوشته است:

شیخ دانشور نشسته نزد پیر
شیر گشته رام آن هر دو فقیر

در مجلس کناره، شمس تبریزی کتابها را توی آب ریخته و دیگران به تعجب نظاره میکنند، در بالا و پائین نوشته:

ریخت چون شمس آن کتب را اندر آب داد از اسرار عشق او در کتاب
در دماغه انتهائی قلمدان، تصویر زن با حجابی است که سوار اسب شده و چند شتر در اطراف دیده میشوند و نوشته:

چون تراشد تیغ سلمانی سرش آید از هر موی بوی عنبرش
در اطرف دیگر تصویر شیخی که بدعا مشغول بوده و یاران نظاره‌گر وی هستند، این ابیات درج شده:
در کنار دجله سلطان با یزید ماند تنها شیخ از جمع مرید
در مجلس دیگر، جماعتی شیخ را گرفته و می‌زنند و این اشعار نوشته شده:
آن مریدان گشته خونی بر با یزید آنجا نشسته بی‌گزند
در زیر کشو داخل قلمدان و در مجلس اول، شیخ روی شیری نشسته و بدست مار گرفته است. در کنارش قید شده است:

شیخ خرقان بود بر شیری سوار تازیانه بر گفش بودی زمار
در تصویر وسط جماعتی نشسته و ابراهیم ادهم در بغل مادر جای گرفته و چنین نوشته است:
دل مادر چو شد شادان و خرم بوصل روی ابراهیم ادهم
در قسمت آخر ماهی‌ها سرشان از آب بیرون آمده و تمام آب‌ها برنگ طلائی است، در حاشیه چنین نوشته:
ماهیان از بحر، بیرون کرده سر بر دهانشان، جمله سوزنهای زر
داخل کشو توئی قلمدان نیزه‌پیر از تصاویر زیبای شکار و مناظر مختلف است، که در گوشه انتهائی آن در یک کادر بیضی شکلی تصویر خود نقاش ارائه شده و در بالا و پائین، این شعر درج گشته است:
یافت زیور، چو گلستان خلیل این قلمدان ز کلک اسمعیل

۱۹- دیگر از آثار ممتاز محمد اسمعیل که به قوی دستی انجام یافته، قاب آینه زیبایی است که در ۹ مجلس مختلف نقاشی شده و بسیار ستودنی است. شرح مجالس آن متضمن توصیف و تعاریف زیادی است که در این مختصر نمی‌گنجد. بدین دلیل به تشریح اختصاری آن بسنده میکنیم.
در مجلس اول و داخل آن، منظره سربازان روسی و ایرانی است که نزدیک شهری، گویا ایروان، منزل کرده و باستراحت نشستند. منظره برج‌های روی شهر و آتش توپها از دور نمایان است:
در مجلس دوم و داخل قاب آینه، تصویر ناصرالدین شاه در کودکی است که روی زانوی تزار نشسته و در مقابل، امیر نظام و وزیر نظام افتحار حضور دارند، در طبقه پائینی عمارت، سربازان و نگهبانان و ناظران و خیل اسبان و سایر مدعوین مجلس، دیده میشوند.

۳- صحنه سوم و داخل قاب آینه، منظره جادرهای سربازان و مستحفظین ایرانی و روسی است که بزیباترین وجهی نقاشی شده است.

۴- در صحنه بالای رویه آن، تصویر کلیسای معروف اچمیازین است که کشیش‌های مسیحی با لباسهای زربفت و رنگین مخصوص در صحن کلیسا قرار گرفته و جماعت زن و مرد فرنگی با لباسهای فاخر در رفت و آمد و مذاکره با هم دیگر دیده میشوند.

۵- در صحنه وسط رویه قاب آینه، منظره شهر و کلیسای معظمی است که با پل زیبایی به آن طرف وصل شده است. زن و مرد جوانی که سوار درشکه چهار اسبه شده با همراهان و دوستان عازم کلیسا میباشند.

۶- در مجلس پائینی رویه قاب آینه، مدعوین و عده‌ای زن و مرد خارجی مقابل میز بزرگ و پر آذینی که بانواع اطعمه و اشربه ایرانی آرایش یافته است، بروی صندلی قرار گرفته و مشغول خوردن میباشند. خدمه‌های مخصوص سرگرم پذیرائی و مستحفظین اسبها در بیرون بحفاظت آنها مشغول میباشند.

۷- مجلس هفتم، نقاشی سمت بالای پشت قاب آینه است. در این مجلس، نزار روی اسب سفید سوار شده و دو شاهزاده خانم با لباسهای زیبای فرنگی سوار بر کالسکه میشوند. مشایعت کنندگان روسی و ایرانی و چند توله سگ در کنار دیده میشوند. افق دورنمای شهر و قایق مسافربری روی رودخانه مجلوه دل انگیزی داره در پشت سر نزار، رقم دارد.
(عمل کمترین اسمعیل ۱۲۷۰)

۸- مجلس هشتم یعنی وسط پشت قاب آینه تصویر سلطان عثمانی است که سوار بر اسب شده و جنگجویان و سربازان و فرماندهان قشون در کنار وی دیده می‌شوند چند عراده توپ در اطراف جلب نظر میکند.

۹- آخرین مجلس یعنی پائین پشت قاب آینه، رده منظم سربازان و فرماندهان است که با استراحت نشسته و توپها بطرف کشتی که در حال آمدن است آتش گشوده‌اند. کشتی بزرگ که چرخهای بزرگی دارد متقابلاً "بطرف آنها شلیک میکند.

حاشیه گیری و تذهیب کنارهای قلمدان و مجالس متنوع آن بهمان شیوه آقا اسمعیل آذین گشته و پر حلاوت می‌باشد.

دو اثر ارزنده هنرمند، در موزه BERN HISTORICAL MUSEUM قرار گرفته که مشخصات و امتیازات هر دو اثر را B.W. ROBINSON در مجله JOURNAL OF PERSIAN STUDIES و کتاب آلمانی VON BOURCHARD BRENTINGES DIE ARABER مفصل یاد کرده است.

۲۰- دیگر از آثار نفیس آقا اسمعیل در این موزه، جعبه روغنی نفیسی بابعاد $۱۱/۶ \times ۲۶/۳ \times ۳۲/۳$ سانتی متر است که بشماره ۷۱/۱۳ مضبوط میباشد.

در این اثر کم نظیر، مناظر مختلفی از جنگ هرات و ترکمنان باستادی نقاشی شده و فریبنده می‌باشد. در روبه جعبه، منظره میدان جنگ هرات است که قشون و سربازان جنگی طرفین بمنازعه پرداخته و در حال نبرد می‌باشند. منظره شهر هرات و ساختمانها و گنبدها و مناره‌های مساجد و برج و با روی شهر از دور جلوه تابناکی دارد. محمد شاه بعیار فرماندهان، در وسط معرکه قرار گرفته و بنزاع مشغول است. نمود خوش تراش اسبها و قیافه تنومند فیلهای جنگی و مناظر چادرها و سورات جنگی طرفین و قشون منظم احتیاط ایرانی که هنوز فرمان حمله را دریافت نکرده‌اند، باستادی نقش بسته است. آرایش و پرداخت صحنه جنگی و افق وسیع میدان رزم و ارائه تمام عوامل موجود در صحنه، بقدرت و خیرت تمام عریان گشته و رقم دارد.
(اسمعیل نقاشباشی ۱۲۸۲)

در روبرو و باصطلاح پیشانی جعبه، صحنه صف آرائی قبل از شروع نبرد است که محمد شاه ایستاده و با رجال و فرماندهان جنگی صحبت میکند. خیل سواران و پیاده نظام جنگی در کناره صحنه بردیف قرار گرفته و در مقابل، توپهای سنگین است که با خدمه مخصوص آماده حمله می‌باشند. در گوشه سمت چپ، دو اسب سلطنتی، در جمع سایر رزم آوران جنگی دیده میشوند. در دو کتیبه کوچک بزیر تصویر نوشته شده:

(تصویر صف آرائی کردن محمد شاه قاجار طاب تراه)

تصویر پشت جعبه، محاربه ایرانیان در غوریان است که در زیر صفحه نوشته:

(تصویر جنگ محمد شاه قاجار طاب تراه در غوریان)

در این نبرد دو لشکر متخاصم بهم تاخته و بجنگ و گریز مشغولند. افق دور و ساختمانهای زیبای شهر دیده میشود. خیل اسبان جنگی و نبرد دلیرانه آرتش ایران به شیوائی مجسم شده و گرد و خاک غلیظی

فضای میدان را فرا گرفته است. در گوشه چپ، محمد شاه سوار بر اسب سفید شده و بهمراهی فرماندهان جنگی نظاره‌گر میدان نبرد است.

ردیف‌های مجهز سواران و افسران احتیاط که بانتظار فرمان پادشاه ایستاده‌اند، جلوه خاصی دارد زیبایی و عظمت تابناک صحنه رزمی بدیع و شایان تحسین است.

تصویر طرفین جعبه، نبرد با ترکمنان یاغی شهرگرگان است. در طرف راست جعبه، ترسیم میدان منازعه است که اسرای دست بسته ترکمنان را بحضور محمد شاه آورده و شاه قاجار باشاره و عتاب با آنها صحبت میکند. منظره رزمی و جماعت درگیر در منازعه و صفوف منظم ارتش ایران وارسته است، در ۱۲ بیت مختلف که ما وقع صحنه می‌باشد، این اشعار نوشته شده است.

در سمت چپ نیز، همان میدان رزم ترکمنان است که سرهای بریده زیادی پیش پای محمد شاه ریخته و عده زیادی اسرای دست بسته در پیش محمد شاه بانتظار سرنوشت ایستاده‌اند.

فرماندهان و رجال و شاهزادگان شرفیاب حضورند و جنگ و گریز و رشادت سربازان ایرانی در تمام نقاط میدان رزم به استادی نقش بسته و بسیاق منظره دست راست اشعاری هم در این صحنه کتابت شده که چنین می‌باشد.

تصویر چپ جعبه:

- | | |
|--|---|
| ۱- چو شهریار جوان خواست نظم دولت و دین | ۲- کمر بهست به نظم جهان، سپه سالار |
| ۳- سپه کشید و در فتنه بست و قلعه گشاد | ۴- نماند فتنه و آشوب در بلاد و دیار |
| ۵- به چشم ترکمنان، تنگ شد زمانه چنان | ۶- که راه دم زدن آنجا (ناخوانا) پاک شده |
| ۷- بسوخت آنکه ز آثار حق (ناخوانا) | ۸- که بر نیارد از این پس، درخت حنظل بار |
| ۹- ز پیش آب و ز پس آتش، این عجب باشد | ۱۰- کز آن میانه کسی زنده جان برد، بکنار |
| ۱۱- بدشت گرگان، گرگان آدمی خوارند | ۱۲- نفوذ بالله، از آشوب گرگ آدم خوار |
- تصویر دست راست جعبه:

- | | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱- اگر شجر بنشانی در آن زمین، تا حشر | ۲- سر بریده شود، برگ و بار آن اشجار |
| ۳- بدفع گرگان، شیری چنین همی باید | ۴- که شرز شیر ز شمشیر او کند زنهار |
| ۵- چنین هژ بر بیاید، بدفع گرگ دمان | ۶- چنین ز مرد بیاید به جذب دیده دمار |
| ۷- چنین امیر بیاید، بکارهای چنان | ۸- چنین نهنگ بیاید، به قلزم و خار |
| ۹- زبخت شاه، بود این خجسته فتح بزرگ | ۱۰- (ناخوانا پاک شده) |
| ۱۱- هزار ملک مسخر کند، بدولت شاه | ۱۲- (پاک شده) سپه سالار |

کنارها و آذین بندی زیبای اطراف مجالس، زیبا و پر مهارت می‌باشد.

در گوشه هر صحنه، دسته گل‌هایی بزبیبائی تمام آرایش یافته و ستودنی است. این جعبه در نوع خود از بهترین کارهای آقا اسمعیل بوده و بسیار چشم نواز می‌باشد.

۲۱- از آثار محمد اسمعیل در موزه BERN HISTORICAL MUSEUM

قاب آینه نمره ۱۳/۲۳ در اندازه ۱۷/۳ x ۲۷ سانتی متر است که در حقیقت آخرین اثر تاریخ‌دار آقا اسمعیل می‌باشد. در رویه قاب آینه و در داخل یک مدالیون بیضی شکل بزرگ، تصویر نشسته محمد شاه بروی تخت سلطنتی است. که با آرایش لباس و کلاه پادشاهی دوزانو نشسته و ناصرالدین میرزا و وزراء و رجال و متاهیر مملکتی در اطراف وی جا گرفته‌اند. حاشیه و کناره تصویر پر گل و تذهیب بوده و به نیکوترین وجهی آذین گشته است، در طرف دیگر، شمایل مولا علی علیه السلام در کمال فخامت و صلابت تصویر شده و در دو مدالیون کوچکتر پائینی حسنین قرار گرفته‌اند.

فرشتگان زیبا، در هیبت دختران پر آذین در بالا سر حضرت و در کنارها قرار گرفته و اشعاری در

- کتیبه‌های کناره جدول نوشته شده که چنین می باشد :
- | | |
|-------------------------------|-----------------------------------|
| ۱- صورت شیر حق، ولی خداست | ۲- یا که آئینه خدای نماست |
| ۳- دید چون عقل، نقش روی علی | ۴- گفت آینه جمال خداست |
| ۵- مظهر نور حق جمال علی است | ۶- واندر او سر صنع حق، بیداست |
| ۷- آنکه از پرتو شمایل او | ۸- جرم خورشید را فروغ و ضیاست |
| ۹- باعث خلقت زمان و زمین | ۱۰- نقشند نقوش ارض و سماست |
| ۱۱- ذات او گرچه نیست ذات خدای | ۱۲- لیک این در پاک از آن دریاست |
| ۱۳- گرد نعلین قنبرش ز شرف | ۱۴- روشنی بخش دیده حور است |
| ۱۵- ذوالفقاش بدست از در در | ۱۶- همچو، در چنگ شیر، از درها است |
| ۱۷- دیده بخت شاه ناصر دین | ۱۸- تا که بر این شمایل زیباست |
| ۱۹- جاودان از جمال دولت او | ۲۰- چشم بد دور و کور و نابیناست |

رقم نقاش داخل ترنجی در پائین صفحه دیده میشود که چنین است :

(محمد اسمعیل نقاشی ۱۲۸۸)

۲۲- گو اینکه تمام مایه‌های تصاویر روغنی با برنگ می باشد ولی آثار آبرنگی محمد اسمعیل فوق العاده اندک بوده و بیش از سه اثر آبرنگی رقم دار، اثر دیگری از او ندیده‌ام. یکی از این تصاویر، صورت یوحنا معروف بود که بهمان شکل و قیافه و حالت بهت و حیران نقاشی شده و رقم داشت :

(عمل کمترین اسماعیل نقاشی) مجموعه شماره ۱

۲۳- دیگر شمایل زیبا و استادانه‌ای در زمینه سفید بود و رقم داشت : (رقم اسمعیل نقاشی ۱۲۸۱)

۲۴- سومین اثر آبرنگی محمد اسمعیل که پرداز پر قدرت داشت، تصویر محمد تقی خان پیشخدمت بود که کلاه و ریش تویی و یقه بلند، لباس چشم نواز و پرداز صورت در منتها درجه بود و رقم داشت. (مقرب الخاقان محمد تقی خان پیشخدمت شاهنشاه روحنا فداء عمل اسمعیل)

اندازه ۳۵ x ۴۰ سانتی متر

۲۵- دیگر تصویر آبرنگی ناصرالدین شاه در بریتیش میوزیوم بارقم : (کمترین خانزاد اسمعیل ۱۲۲۰)

۲۶- دیگر از آثار ارزنده و بی همتای آقا اسمعیل، ۲ گرده قاب آینه و قلمدان ، در مجموعه نگارنده است که از هر حیث پر ارزش و قابل توجه است .

یکی از آنها گرده مجلس مهمانی مجلل و با شکوهی است که در اغلب آثار آقا اسمعیل ارائه و تصویر شده است . دیگر، گرده رویه قلمدانی است که مجلس شادی آور عروسی را به نحو استادانه‌ای سوزنی کرده و در قالب رویه قلمدان، گرده کاری کرده است . تصویر شماره (۲۴) ۶ (۱۵)

۱۳۰- اسماعیل آشتیانی

فرزند شیخ مرتضی آشتیانی و از شاگردان پر استعداد کمال الملک معروف بود. این هنرمند در چهره سازی و انتخاب رنگها مهارت داشت و آثار گوناگونی نیز بیادگار دارد .

در کاتالوگ گالری مهر شاه بمناسبت نمایشگاه آثار کمال الملک و شاگردانش که مقداری از آثار خود نقاش نیز بنمایش بود، احوال مستند استاد نامی خود را به بهترین وجهی ارائه داده که شایان توجه بود. استاد آشتیانی در شعر نیز دست داشت و شعله تخلص مینمود .

از آثار ارزنده نقاش، تابلوی خواب درویش و چند تصویر از چهره هنرمند است که در نوع خود بسیار استادانه میباشد .

۱۳۱- اسماعیل جلایر بن حاجی محمد زمان

اسماعیل جلایر فرزند حاجی زمان خان از نقاشان طراز اول دوره ناصری بود و در تصویر و چهره پردازی دست پر مهارت داشت و نقاشی را در مدرسه دارالفنون و زیر نظر زبیده‌ترین استادان زمان یاد گرفته و در حد خود استادی تام العیار شد. میبوند و ستعلی معیر از رجال عصر ناصری درباره وی چنین مینویسد: ناصرالدین شاه سالی یکبار ببازدید مدرسه دارالفنون میرفت و شاگردان در حضورش از رشته‌های مختلف امتحان میدادند. یکی از روزها، شاهزاده علیقلی میرزا، اعتضاد السلطنه وزیر علوم آقا میرزا اسماعیل نقاش معروف به جلایر را که مردی بسیار خوشرو و شوخ طبع و در فن پرداز و کپی استاد بود، با پرده بزرگی که از شاه و جمعی از وزراء ساخته بود بحضور آورد. شاه پس از آنکه مدتی دراز به پرده نگریسته و تعجب بسیار کرد، اعتضاد السلطنه پیش رفته، شرحی مبنی بر استعداد و قابلیت آقای جلایر ایراد نمود و در پایان مطلب عرضه داشت، اما افسوس که جلایر مجال اتمام سخن را بشاهزاده نداده تعظیمی نمود و عرض کرد، هشتاد تومان هم مقروض است. در صورتیکه چون میرزا اسماعیل عادت بافیون داشت، اعتضاد السلطنه میخواست بگوید که افسوس تریاک میکشد. شاه را هوش و گفته جلایر پسند افتاد و پانصد تومان انعام مرحمت فرمود.

جلایر در اغلب رشته‌های هنری، از قبیل آبرنگ و سیاه قلم و نقطه پرداز و شبیه سازی پر استعداد بود و در نقاشی‌های رنگ و روغنی و قلمدان سازی نیز دست پر مهارت داشت.

عمده آثار شیوای جلایر، بسبب خاص سیاه قلمی خود که پرده سبک رنگ سفیدی را در بطن سیاهی سایه‌ها جلوه‌گر میکرده انجام یافته و در نوع خود متمایز گشته است. در این زمینه معیر الممالک چنین مینویسد:

فن او شبیه سازی و پرداز بود رنگه دورنمایی از روی طبیعت میساخت. رنگهای نسبتاً زنده و تازنده بکار میبرد عکسها و گراورهای بی رنگ را نیز با پرداز رنگ آمیزی میکرد و نیکو از عهده برآمد هر وقت دعای داشت بر سبیل تمریح از خص خوشبو مشهور تقلید میکرد. بدین معنی که با مناد کلمات را مثنوی میکرد و را بوسیله سمبو و رنگ میپرداخت. روزی قطعه‌ای را که از شعر معروف سعدی (بسم اللهی که الله فی آخر) بخط جلی تهیه کرده بود نزد پدرم آورده گفتم: جناب‌خان ملاحظه فرمائید که میر و خطاطان دیگر را خط کرده‌ام؛ برآستی در ظاهر چنین مینمود ولی در واقع بجای قلم قلم‌مو و بجای مرکب رنگ بکار رفته بود.

در زمانی که شاهزاده اعتضاد السلطنه وزارت علوم را بر عهده داشت آقا میرزا اسماعیل جلایر در مدرسه دارالفنون صاحب کارگاه بود. هم‌برده میپرداخت و هم‌شاگردان را تعلیم نقاشی میداد.

جلایر آثار رنگ و روغنی خود را با رنگهای شاد و زنده تصویر مینمود و بعضی اوقات از رنگ سیاه و سفید استفاده می‌جست و رنگ و روغن را بسبب سیاه قلم جلوه‌گر می‌ساخت، او زمینه آثار خود را با گل و برگهای شاد و زنده و ابتکار مخصوص پر کرده و جلوه اثر را دوچندان مینمود.

بیشترین و ممتازترین اثر او شمایل‌های گوناگون بود که در اندازه و سبکهای مختلف ارائه شده بود. در زمینه ایمان و اعتقاد باطنی به مولای متقیان علی علیه السلام، ارادت خالصانه داشته و اغلب

موضوعات هنری را از بین اقطاب و اخوان صفا و قلندران پاکباخته انتخاب و ترسیم مینمود. میرزا اسماعیل اغلب آثار ناخواسته خود را که مورد دلخواهش نبود پاره کرده دور می انداخت. شادروان فتحی در مجله شماره ۵۹ مجله نگین سال ۱۳۴۹ در این مورد چنین مینویسد:

((چون مرحوم اتابک وسواس جلایر را در مورد پاره کردن نقاشی ها می شنود، او را بیارک خود دعوت کرده و بعنوان مهمان از او پذیرائی مینماید و به نوکران خود دستور میدهد که اگر استاد موقعیکه نقاشی خود را بعلت دلخواه نبودنش به جلو و عقب می برد و در حال خیره شدن استفورا "کار را از جلوش بردارند و دیگر پس ندهند. بدین وسیله موفق میشوند تعداد کمی از کارهای او را از خطر نابودی نجات بدهند))

جلایر خط نستعلیق را خوش مینوشت و از روی خطوط میرزا غلامرضا خوش نویس باشی مشق کرده با قلم مو نقاشی میکرد. در یکی از آثار موجود در مجموعه نگارنده که به لاتین امضاء کرده معلوم میدارد در کتابت لاتین نیز دست داشته است. جلایر در هیچ یک از آثار خود بغیر از دواثر تاریخ قید نکرده و بدین جهت سنوات فعالیت هنری وی نامعلوم مانده است. ولی آنچه از آثار باقی مانده وی معلوم میگردد، نشان میدهد که جلایر در دوره سلطنت ناصرالدین شاه در هنر خود درخشیده و بین سالهای ۱۲۸۵ الی ۱۲۹۰ وفات یافته است (تصویر شماره ۱۷) **جلایر و دوستان**.

۱- مجلس چای خوری مفصل و تماشائی بود که بسان قصه معروف یوسف و زلیخا تصویر شده بود. در این مجلس شاد و پر مسرت، همه زنان و دختران حاضر بصرحه با پوشش تمام عیار ایرانی از قبیل شلیته و نیم تنه و چارقد و جوراب بلند ملبس بوده و خود را بشیوه زمان آراسته بودند. در این اثر که در حقیقت مجلس یوسف و زلیخا بسبک خاص جلایر بود، ده دوشیزه جوان و دلربا و یک پسر بقیافه یوسف دیده میشوند.

یوسف با حالتی پر تمنا و شرمساری دست دراز کرده و صراحی شراب را از دست زلیخا دریافت میکند. زلیخا که تمام عیار به لباس پربرویان افسانه ای ملبس است، کلاه مرصع زیبائی بسر گذاشته و زلفهای خود را از زیر کلاه بیرون ریخته و با حالتی عاشقانه صراحی را بدست یوسف میدهد. شلیته دو طبقه ای و چین دار زلیخا و همچنین ساق بلند زیبایش جلوه خاصی دارد. باقی دختران که زیبائی افسانه ای داشته و بهمان عیار زمان، لباس پوشیده اند بخوردن چای مشغولند.

سرپرست دختران که چادر مشکی به زیر چارقد دارد قلیان میکشد و زیبا روی دیگری در سمت راست تار مینوازد. زمینه و افق دور تابلو، باغ پر درخت و پر گل و برگی است که بسبک خاص جلایر نقاشی شده و دلنواز می باشد. در وسط مجلس، سماوری با قوری سفید و تمام سورات چایخوری از قبیل فنجان و نعلبکی و قندان پرقند نقاشی شده و در اطراف وی سینی های پر از نارنج و انار و گلابی و خیار سبز و هنداونه دیده میشود که باستادی تمام تصویر گشته و بخطر زیبای نستعلیق رقم گذاشته:

اسمعیل - (غرض نقشی است کز ما باز ماند)

اصل این تابلو در موزه ویکتوریا آلبرت لندن می باشد. تصویر شماره (۲۲)

۲- اثر دیگر، دو تابلوی زیبا بخط نستعلیق استادانه شش دانگ دیدم که نام و القاب و تعاریف امین السلطان اتابک بود. زمینه هر دو اثر بسیاق انحصاری نقاش از گل و برگ و گیاهان افشان پر شده و در بعضی جاها صورت انسان و حیوان نیز علاوه گشته بود. هر دو اثر بخط زیبا رقم داشت: (اسماعیل)

۳- آبرنگ دیگر، شمایل آبرنگ تیرمای کمرنگ فوق العاده بود که در وسط، حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام با حسنین نشسته و زمینه نقاشی نیز بطرز افسانه ای پر حالتی، از گل و برگ و درخت بسان سبک خاص نقاش آرایش شده بود و بخط نستعلیق زیبا رقم داشت. مجموعه شماره ۱

(رقم کمترین فدویان اسمعیل جلایر)

۴- دیگر، تصویر زیبا و زنانه نورعلی‌شاه بود که با کلاه و لباس درویشی روی تخته پوستی دو زانو نشسته است. این اثر که در موزه کاخ گلستان مضبوط است، رقم دارد: (راقمه الحقیق اسمعیل)

۵- اثر دیگر هنرمند، تصویر زیبا و زنانه نورعلی‌شاه در موزه هنرهای تزئینی تهران است که نورعلی‌شاه در وسط باغ پر گل و ریحانی نشسته و عمای مرصع خود را بدست گرفته است. او کلاه مخصوص درویشی بسر گذاشته و زلفهای خود را بروی گردن ریخته است. این اثر زیبا رقم دارد. (اسمعیل)

۶- اثر ممتاز دیگر هنرمند، تصویر رنگ و روغنی شمایل زیبا و استادانه‌ای که حضرت علی علیه السلام در وسط نشسته و حسنین در اطراف وی قرار گرفته‌اند. قنبر معروف و یکی از صحابه نزدیک پیغمبر با احترام در پشت سر ایستاده‌اند.

این اثر با رنگ ملایم سفید و مشکی در هم نقاشی شده و بخط نستعلیق زیبا رقم داشت: (اسمعیل)
۷- تابلویی که تلفیق خط و نقاشی بود، در موزه هنرهای تزئینی تهران دیدم که اندازه‌ای در حدود ۵۰x۸۰ سانتی‌متر داشت. در این تابلو که هنر خط را به شیوایی تمام با نقاشی تلفیق کرده بود، دو بیت از اشعار سعدی بود. این اشعار که در چهار سهم و بخط نستعلیق شش‌دانگ کتیبه‌ای زیبا تحریر شده "کلا" از نقره ناب بود. در سطر اول عبارت (هنر بچشم عداوت) بچشم می‌خورد که در سمت راست آن منظره قهوه‌خانه و بساط سماور و قوری و سایر متعلقات بود که مشتریان در اطراف وی قرار گرفته بودند و در قسمت بالای خط، زنی تار می‌نوازد و زن دیگری در کنار نشسته و باهنگ آن گوش میکند. در سمت چپ، مجلس عیش و طرب است که زنان دور هم نشسته و بباده گساری مشغولند. سطر دوم که عبارت (بزرگتر عیب است) باستادی تحریر شده و در قسمت چپ بالای آن، مجلس باشکوه زورخانه است که جماعتی از ورزشکاران به میل بازی و چرخش و شنا بروی تخته سرگرمند. در پائین نقاشی، مجلس چای‌خوران و بحث مشتریان است که باستادی ترسیم گشته است.

در سطر سوم، عبارت (گل است سعدی و در چشم) بچشم می‌خورد که بهمان شیوه بالا کتابت شده و زن و مردی روبروی هم نشسته و بمنازعه و گرفت و گیر شیر و آهو که در قسمت چپ تابلو نقاشی شده نظاره مینمایند.

آخرین سطر که عبارت (دشمنان خار است) بعنوان ختم مقال نوشته شده، در زیر آن، دو نفر شکارچی بخیل حیوانات و درندگان که در صحنه شکار دیده میشوند نظر انداخته و برای شکار آنان کمین کرده‌اند. رقم نقاشی بخط زیبایی نستعلیق چنین است:

(هوالعزیز الوهاب حسب الفرمایش سرکار رافت مدار آقای محترم حاجی میرزا عبدالوهاب تاجر از روی خط استاد الاساتید در عهد دولت ابد مدت شاهنشاه جمجاه ناصرالدین شاه آقای آقا میرزا غلام رضای خوش نویس باشی نقل شد.) (عمل اسمعیل جلایر)

۸- تصویر رنگ و روغنی میرزا حسین خان سپه سالار بروی اسب است که باندازه تقریبی ۷۵ x ۹۰ سانتی‌متر میباشد. در این اثر استادانه، صورت تصویر را در شیوه امپرسیونیسم و با تکه رنگهای کوناگون تصویر کرده و از پرداز همیشه خبری نیست.

سپهسالار کلاه پوستی بسر گذاشته و ریش و سبیل کم پشت دارد. مدالها و پاگونها و براق و ملیله دوزی اطراف لباس بطرز بارزی ارائه شده و حمایل سبز رنگش بزیر مدالها مستور مانده است. اسب در نهایت استواری نقاشی شده و پیچش عضلات زیبای حیوان، بنحو بارزی نمودار گشته است. در افق تابلو، بغیر از تصویر نیلگون هوا که مختصر ابری ترسیم شده، زمین خاکی با گل‌های رنگارنگ و علف‌های هرز و وحشی و قدری دورتر، منظره درختان باغ و چند کلبه دهقانی به نیکوترین آرایشی تصویر شده و رقم دارد.

(عمل نقاش دولت علیه ایران اسمعیل بن المرحوم حاج زمان خان جلایر)

۹- سیاه قلم پرداز ناصرالدین شاه بروی اسب با رقم اسمعیل بدون تاریخ. موزه هنرهای تزئینی تهران
۱۰- تصویر رنگ و روغنی (ذبح اسمعیل) در سیاه قلم و ابعاد تقریبی ۱۲۰ x ۲۲۰ سانتی متر مضبوط در موزه هنرهای تزئینی. در این اثر ارزنده، حضرت ابراهیم و اسماعیل و سایر ملائکهها بطرز زیبایی نقاشی شده و قوچ مرحمتی نازل شده از درگاه باری تعالی، در زمینه پر گل و برگ درخت، جلوه خاصی به اثر بخشیده است.

۱۱- تصویر رنگ و روغنی سیاه و سفید (ذبح اسماعیل) که مختصر آبی کمرنگی بآن علاوه شده جلوه آنرا روحانی تر کرده است. در این تابلو، حضرت ابراهیم و اسمعیل و خیل ملائکهها در کمال دلربائی و استادی نقاشی شده و رقم دارد. (اسمعیل)

۱۲- تصویر رنگ و روغنی ذبح اسماعیل در ابعاد بزرگتر است که صورتها و آرایش حضرت اسماعیل و ابراهیم و جماعت ملائکهها باستادی نقش بسته و رقم اسماعیل دارد. مجموعه نگارنده.

۱۳- تصویر آبرنگی ناصرالدین شاه است که بروی صندلی نشسته و کلاه جیقهای پرداز سلطنتی بسر گذاشته است. نیم تنه ساده ترمهای قرمز بتن کرده و گردن بند مرواریدی گرانبها آویزان نموده و حمایل آبی خوشرنگی بروی لباسهای زیری انداخته است. نشان اقدس خورشیدی و کمر بند الماس نشان وی از زیر لباسها جلوه گر است. شمشیر مرصع زیبا بروی دو پا قرار داده و شلوار سیاه و جورابهای آبی بپا کرده و رقم دارد.

(رقم اسمعیل جلایر سلخ ربیع الثانی سنه ۱۲۷۹)

۱۴- تصویر رنگ و روغنی اتابک امین السلطان است که روی صندلی نشسته و لباس ترمهای آویزهدار منگولهای قفقازی بتن کرده است. حواشی لباس مروارید دوزی شده و نشان جواهر نگار تمثال ناصری بسینه آویخته است.

ارائه مثبت کاری کلاسیک سبک فرانسوی صندلی و پارچههای آبی سیر آن و گلدان پر گل چینی و معجزهای چوبی و کاشیهای آبی صیقل یافته اطاق و تصویر فرش اطاق استادانه است.
در افق دور و در فضای آبی خوشرنگش، درختان نارنج و ترنج و میوههای دیگر نقاشی شده و بخط نستعلیق مشکی مخصوصی که کرده سفیدی در اطراف دارد چنین نوشته است.

فیض روح القدس ار یاد مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد

در زمینه باغ و بین گل و گیاه و درختان، شیر و خورشیدی شمشیر بدست نقاشی شده و روی شیر بخط نستعلیق کلمه (زاممداری) و در زیر آن نوشته شده:

(این فرد شعر حافظ فیض روح القدس از روی خط حضرت مستطاب اجل امجد ارفع جناب امین السلطان روحی فداه نوشته شد. همین قطعه تصویر از روی آن چهره مشق شده است)

۱۵- از آثار رقم دار قلمدانی جلایر که بسال ۱۹۷۸ در حراج ساتبی لندن بمبلغ گزافی فروش رفت، قلمدان نفیسی بود که مقداری از آن، توسط مرحوم محمد حسن خان نقاش لال افشار تهیه شده و مابقی آن بدست اسماعیل جلایر اتمام یافته است.

در صحنهای از قلمدان، منظره پر گل و بوتهای بسان باغ پر طراوت و دلنوازی ارائه شده و دو دختر زیبای ایرانی در وسط آن جلوه گر گشته اند. در بین خرمن گلها، بخط زیبای نستعلیق چنین نوشته است: (این قلمدان معروف کار مرحوم نقاشی لال است که دو صفحه بهشت و دوزخ و جنگ ناپلئون کار آن مرحوم است و باقی آن ناتمام مانده بود. باقی مانده را که جنگ هرات است با این صفحه و بعضی فقرات دیگر با تمام رسانید. راقمه العبد المصور المذكور فی یوم یکشنبه هشت شعبان ۱۲۹۶)

بطوریکه اسماعیل جلایر نوشته، رویه آن، منظره بهشت و دوزخ و ترازوی عدل الهی است و در طرفی از کناره‌ها صحنه جنگ ناپلئون است. قسمت دیگر که واقعه‌ای از جنگ هرات است و بدست اسماعیل جلایر انجام یافته، صحنه کارزار طرفین است که با آرایش جنگی، روبروی هم ایستاده و در پیشاپیش ارتش ایران محمد شاه و حاج میرزا آقاسی و سایر امرای لشکر دیده میشوند. این قلمدان در نوع خود از نفایس هنری زمان بوده و بی نظیر می‌باشد.

۱۶- دیگر اثر شبیه سازی جلایر، تصویر غلامرضا خان ندیم باشی است که با لباس و کلاه دوره قاجاری نقاشی شده و در زمینه درخت و برگ و میوه‌های مختلفی از قبیل سیب و گلابی به اسنادی تصویر گشته است.

۱۷- چند آثار بنوشته شادروان نصرآله فتحی در مجله نگین شماره ۱۹ سال ۱۳۴۹.

۱- شمایل سیاه قلم حضرت امیر و حسنین و ابودرغفاری.

۲- صورت سیاه قلم پرداز، مشتاقعلی شاه کرمانی در حال نشسته و قلیان بدست با بعد $11/5 \times 18/5$ سانتی‌متر

۳- صورت سیاه قلم پرداز، باباطاهر در حال نشسته با همان قطع

۴- صورت سیاه قلم باباطاهر عریان، با همان قطع بفر فرورفته و زانو در آغوش کشیده.

۵- صورت سیاه قلم پرداز، میرزا هدایت وزیر دفتر به قطع 9×1595 سانتی‌متر.

۶- صورت سیاه قلم پرداز ناصرالدین شاه در سن جوانی ایستاده با کلاه مشکی نوک تیز بقطع

14×17 سانتی‌متر

۷- صورت سیاه قلم پرداز یک نفر کلاه‌دوز، با دستگاه کلاه مالی بقطع 14×71 سانتی‌متر.

۸- تابلورنگ و روغنی بزم ماشاالله بیک نام که مجلس عیشی است با مظهری چند بقطع $19/5 \times 31/5$ سانت.

۱۸- تصویر سیاه قلم اقطاب صوفیان بشرح ذیل، شیخ شمس الدین تبریزی - اوحدی شیخ سلطان

با یزید - سید معصوم علی شاه - نور علی شاه - مشتاق کرمانی - باباطاهر عریان، با رقم اسماعیل

جلایر ابن الحاجی زمان خان (کتابخانه گلستان تهران)

۱۹- از آثار زیبای منظره سازی و رنگ و روغنی وی از روی طبیعت، منظره چند درخت تکیده کم برگ

است که در جمع گیاهان خودرو و در کنار جوی آبی روان نقاشی شده است. در این تصویر تپه و

ماهور و فضای باز آسمان و افق زیبای آن بزیبائی تصویر شده و بخط لاتین رقم دارد:

موجود در مجموعه نگارنده
F. Dj. alayer

۱۳۲- اسماعیل خوئی - الله قولی

درویش اهل خوی بود و در نقاشی دست داشت.

از آثار رقم دار وی دیدم:

۱- تصویر اول، شمایل علی علیه السلام به آبرنگ بود که حضرت در وسط نشسته و امام حسن و امام

حسین علیه السلام در اطراف وی قرار گرفته‌اند. رقم داشت:

(عمل کمترین اسماعیل خوئی اله قولی ۱۳۰۱)

دیگر اثر هنرمند که آن نیز شمایل مولای متقیان و اصحاب نزدیک بود، تصویری شیرین قلم بود و

رقم داشت:

(انا العبد الخوئی اقل المشایخ استاد الله قولی فی شهر ثوال سنه ۱۳۰۳)

۱۳۳- اسماعیل سیاه - حکاک

حکاک و نگین تراش معروف دوره ناصری و به اسماعیل سیاه معروف بود. او از سال ۱۲۶۰ الی

۱۲۸۰ ه.ق. بشغل حکاکی و نگین تراشی اشتغال داشته و بهترین و زیباترین آثار نگین تراشی این زمان، اثر دست این هنرمند معروف میباشد.

۱۳۴- اسماعیل کاشانی

اهل کاشان و از استادان نقش آفرین بروی پارچها بوده از آثار نفیس و رقم دار این هنرمند، علم پارچهای زیبایی که در وسط آن (سوره اذا جاء نصراله) به شیواترین خطی بافته شده و رقم داشت:

(عمل العبد اسماعیل کاشانی)

در حاشیه ترنج، این بیت اشعار تاریخدار بچشم میخورد که نوشته بود:

رایت نصر من الله بهر اتمام علم

رایت فتح ابد گردید تاریخ شروع

۱۱۰۷

۱۱۰۶

معلوم است که بافت و تهیه علم، بمدت یکسال طول کشیده و بدست هنرمند، آرایش یافته است.

۱۳۵- اسمعیل موسوی

قلمدان ساز دوره ناصری و پیرو شیوه آقا ابراهیم و صنیع همایون بود. در تنها اثر رقم دار وی که تا حدی بزرگتر از اندازه قلمدانهای عادی بود، تصویر درویشی، با کلاه و لباس مخصوص بود که ریش و سبیل پرپشت داشت.

دورنمای پشت تصویر، منظره خانه و دشت و دمن بود که بزبانی رسم شده و در زمینه آن، جماعتی از زنان زیبا و پیرزنی که دو کودک را مراقبت مینمایند، دیده میشوند.

حواشی و دماغه قلمدان نیز، مجالس متنوع شکار و جنگل پر درخت، و تصاویری از حیوانات جنگلی داشت و رقم نقاش چنین بود:

(رقم اسمعیل الموسوی)

۱۳۶- اسمعیل میرزا

چهارمین فرزند از پنج پسر کیکاوس میرزا است که در زمان سلطنت محمد شاه قاجار تولد یافته و به هنر تصویر سازی علاقمند بوده است.

از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدان ابری خوبی دیدم که در رویه آن تصویر زنان طناز و زیبایی نقش بسته که همه لباس فرنگی پوشیده بودند و رقم داشت:

(اسمعیل میرزا)

دیگر اثر هنرمند، تصویر آبرنگی جوانی در قیافه هندی بود که حواشی مذهب و تشعیر استادانه داشت و رقم آن چنین بود:

(اسمعیل میرزا)

۱۳۷- اشرف بن محمد یوسف - بن محمد زمان بن حاج یوسف قمی

در یکی از مرقعات کتابخانه گلستان (تهران) تصویر پرندگان از قبیل قرقاول و کبوتر و لکک و مجموعهای از گلهای الوان ارائه شده که بدست استاد پر مهارتی تصویر شده و رقم داشت:

(هو - به رقم اقل خلق اله ابن محمد یوسف اتمام یافت)

متأسفانه در این اثر، نام اصلی نقاش و تاریخ تصویر قید نشده و بنظر نگارنده، شاید نواده هنرمند معروف، محمد زمان باشد. که احوال آن در جای خود خواهد آمد.

از طرفی تصویر آبرنگی گل و مرغ زیبایی در موزه هنرهای تزئینی تهران است که رقم دارد:

(هو اشرف جان مشق کرد شعبان المعظم ۱۱۱۷ کمترین محمد یوسف)

اشرف زاده - سازنده قندیل از نیک موجود در موزه بریتانیا است که در زیر پایه رقم دارد (اشرف زاده سنه ۹۵۶)

بعید نیست همین نقاش که خود را بنام خلق اله معرفی کرده همین اشرف پسر محمد یوسف فرزند محمد زمان معروف باشد که از درج نام اصلی خود خودداری کرده است.

۱۳۸- اعتماد حضور

نقاش گمنام ناصری بود و در ترسیم تصاویر رنگ و روغنی و آبرنگ دست داشت. از آثار رنگ و روغنی او دیده‌ام:

۱- تصویر نیم تنه امین السلطان اتابک بود که رقم اعتماد حضور بدون تاریخ داشت. دومین اثر نقاش، شمایل مولای متقیان علی علیه السلام برنگ و روغن بود که تا حدی زیبا و استادانه بود. در این اثر رنگی، قنبر در حضور مولا ایستاده و شیر مستاصلی را که بحضرت پناه آورده و امان خواسته، نظاره میکند، رقم دارد. (اعتماد حضور) مجموعه نگارنده

۱۳۹- افضل الحسینی - میرافضل - افضل تونی

بنوشته نقاش، زاده شهر تون و از نقاشان دوره شاه عباس دوم بوده است

او در ترسیم تصاویر پیرو مکتب رضا عباسی بود و از شیوه او پیروی مینمود. افضل در ترسیم نقوش بزمی و رزمی و ارائه تصاویر عاشقانه دست شیرین داشت و در رنگ آمیزی و زیبا نگاری پر استعداد بوده. آثار بجا مانده رقم داروی عبارت است از:

۱- اثر اول، تصویر زیبایی خفته ایست که توله سگ کوچک ملوسی به‌مراه دارد. او روی متکائی دراز کشیده و مختصری از شکم برهنه و شلوار گلدان و جورابهای خود را نشان میدهد.

دستها بزیر سر قرار گرفته و پاهای لخت خود را عریان ساخته، به دلربائی مشغول است. در زمینه، گلدان گل و کاسه و بشقاب نقاشی شده رقم داشت: (رقم کمینه میرافضل تونی)

۲- اثر دیگر، تصویر مرد کشیشی است که کلاهی، بسان کشیشان مسیحی بسر گذاشته و صلیبی بدست گرفته است. حواشی تصویر، در عیار آثار رضا عباسی، برگهای سنبل و چناری و رده‌های ابری داشت. و رقم نقاش بزیر تصویر، چنین بود: (رقم افضل الحسینی)

۳- سومین اثر رقم دار افضل، مینیاتور رزمی زیبایی بود که در صفحه ۱۱۵ کتاب خانم مارا اشرفی بسال ۱۹۷۴ در شوروی چاپ و منتشر گشته است. این اثر که از کتاب شاهنامه، بخط زیبای محمد شفیع بن عبدالجبار ارائه شده. منظره میدان جنگی است که مبارزین مخاصم، بجنگ و گریز مشغولند. البسه و ساز و برگ سربازان و آرایش صفوف و هیبت اسبان، عالی و استادانه است. زمینه تصویر، پر از سنگ ریزه و علفهای بیابانی است که به نیکوترین وجهی ارائه شده و رقم داشت:

(رقم کمینه افضل الحسینی سنه ۱۰۵۴)

۴- دیگر اثر نفیس وی، معاشقه دو دلداده است که با لباس و کلاه عاممای صفوی، بروی بالشی منقش و رنگین لمیده و دست در دست معشوق نهاده است. در این اثر عاشقانه، دخترک عاشق، دو زانو نشسته و دست معشوق را بدست گرفته و نوازش میکند. صراحی و پیاله شراب و ظرف انار پر، در کنار آنان دیده میشود. رقم دارد.

تصویر شماره (۱۸)

۵- نقاشی دیگر، درویشی در مانده و نیمه برهنه است که ریش انبوهی داشته و دستار نازک بسر کرده است. چند زنجیر کوچک به دست و پا زده و در حالت ناراحتی نشسته و کلاه از سر گرفته و بزمین کوفته است. مختصر آتشی در مقابل می‌سوزد. رقم دارد. (مشق بنده اقل افضل)

۱۴۰- الله وردی نقاش افشار

برادر کوچک علی اشرف معروف و از طایفه افشار ارومیه است .

اعتماد السلطنه در المآثر و الاثار، راجع به الله وردی چنین مینویسد :

((ابوالحسن افشار خلف استاد الله وردی نقاش بوده و در صنعت نقاشی و گل و بته سازی و رنگ آمیزی مابین کارهای او و عمش علی اشرف نقاش افشار مشهور تمیزی ممکن نبود))
از این مختصر معلوم میشود که استاد علی اشرف برادر الله وردی بوده و با این طایفه نسبت فامیلی داشته است . الله وردی از نقاشان معتبر دوره زندیه و اوایل قاجار بود . و در رنگ و روغن و آبرنگ مهارت استادانه داشت . فرزند وی ابوالحسن افشار است که بنوشته اعتماد السلطنه نقاش با کمال و صاحب هنر بوده و آثار او را عزیز خان سردار گل برسم ارمغان به تهران می فرستاده و در حدود ۵۰ تومان آن دوره بفروش میرسانده است .

اغلب هنر شناسان، این ابوالحسن را لال دانسته و او را با محمد خان افشار ارومی، پدر آقا بیگلر نقاش یکی دانسته و اشتباه کرده اند .

تنها اثر رقم دار این هنرمند که یادداشت نموده ام، عباس میرزای قاجار است که او را با صورت زیبا و تیپ نقاشی های دوران صفویه نقش کرده که در نوع خود بسیار جالب میباشد . او کلاه قرمز رزمی بسر گذاشته و پیراهن بلند و سبز پوشیده و کفشهایی شبیه نعلین بپا کرده . شال رنگی کرمانی بکمر بسته و جوراب قرمز پوشیده و سینه بند مرصع جواهر نشان بتن کرده است . پوشش و آرایش وی، در حد یک شاهزاده قاجاری تام العیار، زینت یافته و هنر نقاش را بکامل ترین وجهی عرضه کرده است .

در روی یکی از دیوارها، بخط نستعلیق زیبای تیره رنگ، چنین نوشته :

(شبهه نایب السلطنه عباس میرزا دام اقباله)

و در پائین و جنب عصا نوشته شده : (رقم کمترین الله وردی افشار ۱۲۳۶)

۱۴۱- الماس

نقاش ناخنی زمان ناصرالدین شاه بود و در حرفه خود دست پر قدرت داشت .

از آثار وی دیده ام :

۱- اثر اول، تصویر ناخنی زیبای نور علی شاه بود که در قیافه و لباس درویشی روی زمین نشسته و

تبرزین بدست گرفته بود . صورت زنانه و زیبای درویش جالب بود و بخط بدرقم داشت : (الماس ۱۳۱۰)

۲- دومین اثر هنرمند، تصویر ناخنی مولای متقیان علی علیه السلام بود که با وقار و متانت

مخصوصی روی دوشکی دو زانو نشسته و شمشیر خود را بر روی پاها قرار داده بود .

لباس بلند و موج وی، باستادی ارائه شده و رقم داشت : (الماس) مجموعه شماره ۲

۱۴۲- امرالله - خواجه امرالله حکاک

خراسانی و هنرمند نگین تراش بود که فقط در کتاب بدایع الوقایع، مختصر احوالش را قید نموده

و چنین نوشته است :

((مولانا دوست محمد خراسانی، فرمودند که به خواجه امراله حکاک که در خراسان به فهم و هنرمندی

مشهور است، از این فقیر مکتوبی نویسد))

معلوم میگردد، امرالله در زمان خود، حکاک مشهور و نگین تراش نامی بوده است .

۱۴۳- امیربیک ساوجی

بخیر از حبیب الله نقاش ساوجی است که احوال آن در جای خود خواهد آمد. در صفحه ۹۸ کتاب اکبرنامه خطی مجموعه نگارنده، راجع باین هنرمند چنین مینویسد:

((ساوجی - امیر بیک در نقاشی دستی داشت و گاهی شعر می سرود و این شعر از اوست)):

خداوندا ز معنی تنگ دستم
ببخشائی که من صورت پرستم

۱۴۴- امیر خلیل - خلیل میرزا شاهرخی

نقاش گرانقدر و استاد بر مهارت قرن ۹ ه. ق. بود. این هنرمند که با سامی گوناگون (خلیل میرزا شاهرخی - امیر خلیل - خلیل اله و میر خلیل اله هروی) در زمان خود شهره بوده است، تربیت یافته دوران شاهرخی و مورد حمایت و تشویق بایسنقر میرزا و اهل هرات میباشد. دوست محمد هروی در دیباچه مرقع بهرام میرزا راجع باین نقاش چنین مینویسد:

((بدستور بایسنقر میرزا هنرمندان وارد تبریز شدند و فرمود که بر اسلوب مرغوب جنگ سلطان احمد بغداد بهمان دستور عمل نمایند و تزیین و تصویر مواضع آنرا میر خلیل متعهد گردید -

و امیر خلیل در آن وقت بی بدل زمانه و در طریق خود وحید و یگانه بود و او را پادشاه مشارالیه تربیت کلی نموده بود و روز بروز در مراسم رعایتش می افزود، چنانچه موجب حسد ارباب جاه و جلال شده و از جمله وقایع احوال غریب تمثال امیر مشارالیه آنست که، شبی در صحبت پادشاه، بطریق ندما، مزاحی آغاز کرد، امر تقلید بجایی کشید که بی اختیار عقب موزه او بر پیشانی پادشاه آمد و پیشانی آن حضرت بشکست و خون برجهین مبارکش ریخت و چون خدم و حشم و ساکنان آن مجلس فردوس رقم این واقعه را مشاهده کردند، گریبان صبر چاک زده، گرد سر پادشاه گردیدند. در این اثنا، امیر خلیل زار و ذلیل فرار بر قرار اختیار نموده، پای از سر رفته، خود را بیکی از حجره های چهل ستون که حضرت مولانا فرید الدین جعفر در آن حجره کتابت فرمودند، رسانید و در را بر روی خود مستحکم کرده، ازوادی ندیمی گریخته، در پس زانوی ندامت نشسته، پادشاه مرحمت پناه، دید که آب روی سلطنت بر زمین ریخت و جهت دفع آن ترشح خاکستر ادبار بر ناصیه اقبال بیخته شد، فرمود که ابواب آمد شد باغ رامسد و سازند، تا شمه ازین خبر بمسامع والده من نرسد. بعد از آن، درباب رفع جریمه، امیر خلیل کوشید و امیر مذکور را فرمود که حاضر سازند، تا خاطر او ازین ممر آزرده و سر خجالت در گریبان تشویر فرو برده نباشد. مشاعل افروختند و قنادیل سوختند و در اطراف آن باغ می انداختند تا که او را در حجره که مذکور شده یافتند. در را از درون چون اهل جنون، مضبوط بسته بود. چون ملازمان، کمال التفات پادشاه را نسبت باو معلوم داشته بودند، در را نشکستند و بخدمت پادشاه آمده کیفیت بعرض رسانیدند. آن سلطان صاحب درایت، بقدم شفقت و عنایت بدر آن حجره آمد و او را آواز داد، امیر خلیل در را گشاده در پای آن حضرت افتاد. آن حضرت روی او را بوسه داده، همراه بقصر فردوس مثال خود آورده، در مجلس بهشت آیین، انواع حرمت داری و دل جوئی نمود، اشیاء حاضره، مجلس را از نقره آلات و چینی و امثال آن ادوات، با خلعتهای فاخر که کیخسرو و جمشید بآن مفاخر توانند بود، بدو بخشیدند و او را با شنائی مروت، از بحر شرمندگی بیرون آوردند.....

و قبل از آنکه جنگ بایسنغری بانمام رسد، پادشاه مذکور کشتی حیات را از ساحل زندگی در بحر ممت انداخت و ولد بزرگوارش علاءالدوله میرزا، قدم برمسند فضیلت بروی نهاد و داعیه اتمام جنگ نمود و این جماعت را در کتابخانه جمع نموده نوازش کلی فرمود و در همین اوان از عقب خواجه غیاث الدین پیر احمد زرکوب، کسی بمملکت تبریز فرستاد، چون خواجه محسب الحکم، کتابخانه را به یمن قدم و ارواق نقاشی را در هرات بلطف قلم معرز و مکرم گردانید و موضع چند از مواضع جنگ قلم گیری کرد و بالوان فتنه انگیز رنگ آمیز نمود و بخون جگر و آب دیده پاکبزه ابر شستمان فرموده باتمام رسانید .

امیر خلیل بدیده انصاف بر اطراف آن بساتین جنت اتماف بگذشت، منصف و بصف اتماف متصف گشت و همت بر ترک تصویر گماشت و خود را از اندیشه آن معاف داشت .
در صفحه ۲۸۵ نزوک جهانگیری از آثار امیر خلیل تجلیل شده و بدین ترتیب یاد شده است :

((از نفایس و نوادر روزگار که خانعالم آورده، الحق از تائیدات طالع او بود که چنین تحفه بدست افتاده مجلس جنگ صاحبقران است با نقیمش خان و شبهه انحضرت و اولاد امجاد و امراء عظام را که در آن جنگ بسعدت همراهی اختصاص داشتند، کشیده و نزدیک بهر صورتی نوشته که شبهه کیست و این مجلس مشتمل است بر دو بیست و چهل صورت و مصور نام خود را خلیل میرزا شاه رخى نوشته، کارش بغایت پخته و عالی است و بقلم استاد بهزاد مناسبت و مشابهت تمام دارد. اگر نام مصور نوشته نبودى، گمان میشد که کار بهزاد باشد و چون بحسب تاریخ او پیشتر است، اغلب ظن آنکه بهزاد از شاگردان اوست و بروش او متفق گشته، این گرمی تحفه از کتابخانه علیثین مکانی شاه اسمعیل ماضی و یا از حضرت شاه طهماست بسرکار برادر م، شاه عباس انتقال یافته و صادقی نام کتابدار ایشان دزدیده، بدست شخصی فروخته، قضارا در صفاهان این مجلس بدست خانعالم می افتد و بشاه نیز خبر میرسد که او چنین تحفه بدست آورده و بهم رسانیده، به بهانه تماشا ازو طلب میفرمایند، خانعالم هر چند خواست که بلطایف الحیل بگذراند، چون مکرر بمبالغه اظهار فرمودند، ناگزیر بخدمت ایشان فرستاده، شاه بمجرد دیدن شناختن، روزی نزد خود نگاه داشته، غایتاً " چون توجه خاطر مارا بامثال این نفایس میدانند که در چه مرتبه است، از خواستن نیز در کلی و جزوی بحمدالله که مضایقه نیست. حقیقت را بخانعالم ظاهر ساخته، باز بمشارالیه لطف نمودند. در وقتیکه خانعالم را بعراق میفرستادم))

دولت شاه سمرقندی در تذکره الشعراء راجع به مولانا خلیل چنین مینویسد :
(چهار هنرمند در پایتخت شاهرخی بودماند که در ربیع مسکون، بروزگار خود نظیر نداشتماند)

خواجه عبدالقادر مراغی در علم موسیقی
یوسف اندکانی در خوانندگی
استاد قوام الدین در مهندسی و طراحی
و مولانا خلیل مصور که ثانی مانی بود در نقاشی

اما ارزنده‌ترین سند دوران فعالیت امیر خلیل، عرضه داشتنی بخط و انشاء جعفر بایسنغری است که در آن زمانها عهده دار و سرپرست جماعت هنرمندان کتابخانه بوده است. (۱)
در چهارمین سطور اصل سند، از امیر خلیل چنین یاد شده:

((امیر خلیل در موضع دریا، از گلستان، موج آب تمام کرده برنگ نهادن مشغول خواهد شد))

این عرضه داشت که اندازه اصلی آن ۱۲ x ۵۰ سانتی متر میباشد، بسال ۹ سپتامبر ۱۹۷۷ در مجله ترکی *SANAT TARİHI* بوسیله *M. KEMAL OZERGİN* در ۲۷ صفحه یعنی از صفحه ۲۷۱ تا ۵۱۸ و همچنین در مجله هنر و مردم شماره ۱۷۵ توسط آقای دکتر احد پارسای قدس در ایران چاپ و منتشر گردید. ما در اینجا گوشه‌ای از اصل سند و همچنین متن چاپ شده کامل آنرا که از مجله ترکی مزبور اقتباس کرده‌ایم درج مینمائیم.

آثار رقم دار وی عبارت است از:

۱- در صفحه ۱۳ خوش نویسان و هنرمندان تعلیقات مرحوم فکری سلجوقی بر دیباچه دوست محمد هروی چنین آمده است:

«امیر خلیل هروی نقاش معروف عصر بایسنغری و استاد نقاش اصیل هرات بوده که در زمان خود نقاش بی بدل بود» از آثار او تصویری از امیر تیمور است که در صحرائی در خرگاه خویش نشسته و نزدیک خرگاه چند کله منار دیده میشود که کله‌های آدمی را بصورت منار، بالای هم وصل و بصورت منارهای بپا کرده‌اند و پیش روی امیر، یک عود نواز در حال نواختن میباشد. بین اسلیمی‌های حاشیه به امضای روشن و واضح چنین نوشته.

(خلیل میرزا شاهرخی)

۲- اثر دیگر نقاش، تصویری در کتاب شاهنامه بود که اسفندیار با لباس رزم، بر اسب سوار شده و با شمشیر به دو گرگ زخمی حمله مینماید. زمینه استادانه جنگلی و ترسیم درختان گوناگون و کوهها و فضای ابری مینیاتور در خور تحسین بود و رقم داشت:

(کار میر خلیل)

این اثر در توپ قاپو سرای بوده و اندازه آن ۲۸ x ۳۱/۵ سانتی متر میباشد تصویر شماره (۲۷)

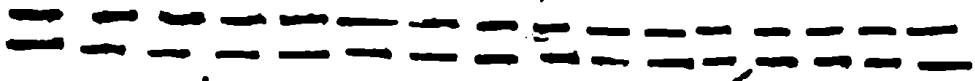
۳- اثر دیگری که از این هنرمند بیادگار است، تصویر مرد چاقی است که لباس قرمز رنگی بتن کرده و چکمه پوشیده و دامن خود را بدست گرفته است، این شخص که ریش سفیدی داشت، در شیوه کارهای استاد محمد سیاه قلم بود و نوشته بود:

(کار میر خلیل)

۱- این سند بخط و انشاء جعفر بن علی تبریزی بایسنغری از معروف‌ترین نستعلیق نویسان قدیم و تربیت یافته شاهرخ بن تیمور گورگانی و مورد توجه و حمایت شاهزاده هنر پرور بایسنغری میرزا (۸۵۲-۸۳۷) میباشد. که بالقاب فریدالدین - قبله الکتاب - کمال الدین معروف و موصوف بوده است. حاصل متن سند، ارائه گزارش کار هنرمندان کتابخانه است که هر یک بهر حرفه و فنی مشغول بوده‌اند در این عرضه داشت، علاوه بر ارائه هنرهای مختلف و اصطلاحات مخصوص و قدیمی آن، اسامی ورشته تخصصی هر استاد را بنحوی بیان کرده است در سطر ۱۹ عرضه داشت تنها نقاشان کتابخانه را ۵۷ نفر گزارش داده که اسامی و احوال خیلی از آنها بر ما مکتوم است و اگر استادان دیگری از قبیل خطاطان و قطاعان و وصلان و مجلدان و سنگ تراشان و غیره را نیز در نظر بگیریم، تعداد هنرمندان صاحب نام کتابخانه بالغ بر دو بیست و اندی خواهد بود، که متأسفانه به احوال اغلب آنها آگاهی نداریم. سند مزبور حالیه در آلبوم فاتح موزه توپ قاپوسرا مضبوط بوده و گرانبهارترین سند هنری دوران بایسنغری میرزا میباشد.

هفت داشت
 خاک بزمگان و عازمان گنجا میون کردید ایستادن اشخار غبار هم نمند
 سایون خون کوشش بنزده دار براند ابرست و از غایت حجت ابرو
 فریاد ای که الهی ذی برب غنا خون ان ربنا نفور شکو بر زوزه ملک میرساند

خواج غاشق آله از سیاهیل موضع	مولانا علی روزه تجر بر عرصه دست	نیر خلیل در موضع دریا بگفتن
جره رسایند و یک موضع انگرود	بطریق دیاجد شمس شول نه وجد	سوج آبت نام کرد برنگ نمان سوال آید
وحالی پیک موضع عکات که بگفتن	چشم او در دیکه کرد	مولانا شهاب دیاجد در دنا بگفتن
بجای کرده اند شتون است	مولانا زام الدین روحی حله سنیا را	دیاجد صورت گری باطلانا دست
مولانا شمس را از تن سیاهیل	حاشیه ایلی بکل کرده عیشی	نعل شمس میان دیاجد را تخریک کرد
خط خواج علیب از رحه	تن جلد را بنام گرفت و قرب	وحالی پیک مرضی که از غایت
یک جزو مانده است	دود آفت بوم شده است و پشت	کاستا و شول است



خرک
 تهر ترق جبارده قطعه و بوزر منت قطعه از جلیان است
 و یک قطعه شش قطعه تمام شده است و نعلهای قطعه
 تمامی دخته شش و ششهای میان قطعه ای خط که صورت
 کیت از جلیان است و یک عدد شش عدد تمام شده و شرف
 و مجلس و حاشیه را قرب یک انگ و نم کار دودخته
 شده کار پسرون خرکا که اصل او شالی است و شش
 او صندل زنب و تخم سیر او زخمه قرب یک انگ و نیم
 بکار دودخته شده و رتمه مشول اند دوت مقله با

II. FARZA-DÂŞT M E T I N

عرضه داشت

[GIRIŞ] عن خاک برگرفتگان و ملازمان کتبخانه میمون که دیده ایشان در انتظار غبار سم سمند همیون چون گوش روزه دار بر «الله اکبر» است و از غایت بهجت و سرور فریاد «الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور» بر ذروه فلك میرسانند

[A]

- [1] امیر خلیل دو موضع دریرا از گلستان موج آب تمام کرده بربک نهادن مشغول خواهد شد
- [2] مولانا علی روز تحریر عرضه داشت، بطرح دیباچه شهنامه مشغول شد و چند روز چشم او درد می کرد
- [3] خواجه غیاث الدین از رسایل دو موضع بجمهره رسانیده و یک موضع دیگر نزدیکست و حالی بیک موضع عمارت که از گلستان ماضی کرده اند مشغول است
- [4] مولانا شهاب دیباچه و چهار لوح و شرف دیباچه صورت گری را طلاء نهاد و هشت نعل شمه میان دیباچه را تحریر کرده و حالی بیک موضعی دیگر از عمارت گلستان مشغول است
- [5] مولانا قوام الدین روی جلد شهنامه را حاشیه اسیمین مکمل کرده و عدش تماشای متن جلد را بقلم گرفته و فریب ده دانگ بوه شده است و پشت و سرو کردن چسبیده و طریق کشیده شده است
- [6] مولانا شمس را از نقل رسایل خصه خواجه غلبه لوحه یک جزوه مانده است
- [7] محمود از ده لوح دیوان حواجو هفت لوح را بوه رسانیده بباقی مشغول است

- [8.] حاجی محمود جلد نقل رسایل را متن رو بوم و تحریر شده بگزار مشغول است
- [9.] خواجه محمود جلد رسایل خف خواجه را پشت و رو مکمل کرده بسرو کردن مشغول است
- [10.] خواجه عطای جدول کش تاریخ مولانا سعدالدین و دیوان خواجهورا تمام کرده بشنامه مشغول است
- [11.] مولانا قطب از تاریخ طبری ده جزو کتابت کرده است
- [12.] خواجه عطاء اجزای کلستان تمام کرده و سه لوح تاریخی که مولانا سعدالدین کتابت کرده دو لوح را بسو رسانیده به تمه مشغول است
- [13.] مولانا محمد مطهر از کتابت شنامه بیست و پنج هزار بیت تمام کرده است
- [14.] خواجه عبدالرحیم بطروح مجلدیان و مذهبیان و خیمه دوزان و کاشی تراشان مشغول است
- [15.] مولانا سعدالدین سر صندوقه بیگم را تمام کرده و یک پهلوی او به پرداخت رسیده است و طبقه در که مانده بود بازده روز دیگر تمام می شود
- [16.] مولانا شمس یک کشتی تمام کرده و یک لوح را از دیوان خواجه بیوم رسانیده است
- [17.] دو کشتی دیگر را حاجی و خطای بخل کاری رسانیده اند
- [18.] یک کشتی دیگر را عبدالسام نزدیک آورده که تمام کند
- [19.] نقاشان ، جمعه هفتاد و پنج خوب خرگاه را برنگ آمیز و شستن مشغول اند
- [20.] استاد سید الدین سلامتت و زحمت او بصحت مبدل شد
- [21.] طرح میر دولتیار بود جهت زین ، خواجه میر حسن نقل کرد و میر شمس الدین بسر خواجه میر حسن و استاد دولتخواجه بصدف تراشی مشغول اند
- [22.] بنده کتر و ذرّه احقر سه جزو و نیم از کتابت شنامه تمام کرده ، آغاز کتابت تذهبه دلارواح کرده است
- [23.] بر دعه اختصار خواهم کرد و از دعه به چه کار خواهم کرد دولت غنم باد محمد و آله

[B] عمارات

خاصه شبانه ارکانه ای بوم اخلود

[1.] درگاه سنک تراشی تمام شده و از کاشی تراشی کتابه و کنگره مانده و درکارند و فرض عمر تمام شده و در دندان صورت خانه نشانده شده و مخارجه نهاده

[2.] قصر قدیم قبه و با دامن نازیر مقرنس نقشی شده ستون جانب شرقی از نو نهاده شد

[3.] کتبخانه که جهت نقاشان بنیاد نهاده تکمیل یافته نقاشان و کاتبان نزول کرده

[4.] سنک تراشان بکار حوض مشغول اند

[5.] باغ جدید دیوار که شش دای فرموده ، بعضی چهار دای و بعضی سه دای شده و در کارند ، ایوان و دالان بنیاد شده شاه بل پیش ایوان تراشیده بر کار خواهند نهاد

[6.] باغ میدان دیوار قبلی سه دای شده و کاشی تراشان که از درگاه سنک دست خنق می کنند بکار ایزاره باغ مذکور مشغول خواهند شد

[7.] کالک خانه را که کن سقف و کج خنک و آهک کاری تمام شده

[C] خرگاه

[1.] تبه ترقی چهارم قطعه و بوزه هفت قطعه از جمله این بیست و یک قطعه شش قطعه تمام شده است

[2.] و نعلهای قطعه تمامی دوخته شده

[3.] و شمهای میان قطعهای خط که صورت گریست از جمله بیست و یک عدد شش عدد تمام شده

[4.] و شرف و محبس و حاشیهارا قریب يك دانك و نیم کار دوخته شده

[5.] کار برون خرگاه که اصل او مثقالی است و نقش او صندوق باف و تحریر او زر حقه قریب يك دانك و نیم کار دوخته شده به نغمه مشغول اند

[6.] دیوات محمد باد

۱۴۵- امیر دولت یار

دوست محمد هروی در دیباچه مرفع بهرام میرزا در مورد این نقاش چنین مینویسد :
 دیگری امیر دولت یار کماز جمله غلامان سلطان ابوسعید بوده، خداینده چنگیزی ۷۳۶-۷۱۷ و بشرف
 شاگردی استاد احمد موسی مشرف شده و در این امر سرآمد شد، خصوصاً در قلم سیاهی که با وجودی
 که مولانا ولی الله که بی نظیر عالم بود، چون کارهای امیر دولت یار را دیده، از روی انصاف به
 عجز اعتراف نمود. ۵.

۱۴۶- امیر شاهی سبزواری

نامش امیر آق ملک و تخلصش سبزواری است . در ابتدا در سبزواری میزیست و سپس به محضر بایسنقر
 رسید و در حضور وی صاحب مقام گردید، پس از مدتی ابوالقاسم بابر، برای تزئین نقاشی و تصاویر
 کوشک گل افشان به استرآباد خواند .
 امیر شاهی بسن هفتاد سالگی و بسال ۸۵۷ در سبزواری درگذشت و در همانجا مدفون گردید، او در فن
 نقاشی و تذهیب مشهور بود و انواع خطوط را خوش مینوشت .

۱۴۷- امیر قاسم

نقاش آبرنگ ساز گمنام اواخر قرن ۱۲ ه.ق. است .
 از تنها اثر رقم دار وی که به آبرنگ است، معلوم میدارد که از پیروان سبک محمد زمان بود ما است .
 در این اثر زیبا، سوار کاری را نشان میدهد که کلاه رزمی بسر گذاشته و پارچه سرخ رنگی بشکل حمایت
 بروی لباسها انداخته است .
 صورت سوارکار تا حدی نا معلوم، ولی ریش و سبیل سیاهش بخوبی دیده میشود، اندام و هیكل اسب
 و سایر ادوات رزمی در کمال قدرت نقاشی شده و رقم داشت . (عمل امیر قاسم)

۱۴۸- امین

نقاش گل ساز قرن ۱۲ ه.ق. بود
 از آثار زیبا و استادانه این هنرمند جلد روغنی کوچک گل و مرغی دیدم که پسندیده بود .
 در این اثر استادانه، زنبق پر حالتی در وسط جلد ارائه شده و کنارهای آن بانواع شکوفهها و گلهای
 وحشی و خوشامی، زینت یافته بود .
 حواشی جلد نیز، تذهیب استادانه داشت و رقم نقاش بخطر ریز چنین بود .
 (رقم ذره بیقدر امین)
 مجموعه شماره ۲

۱۴۹- امینه

از زنان هنرمند پیرو مکتب رضا عباسی قرن ۱۱ ه.ق. بود
 تنها اثر رقم دار این هنرمند که در کتابی چاپ شده بود، تصویر سه پیر مرد خوشحال و خندان بود
 که در مصاحبت یکدیگر پیاله شرابی بدست گرفته و بحالت مستی و خماری دور هم نشسته و بصحبت
 مشغول بودند .
 در زمینه نقاشی، منظره کوهی ارائه شده که پشت صخره‌های آن، قوچ شاخدار و مسخرهای مجلب توجه
 مینماید . در روبرو داخل یک گللابی برگ دار رسیده، رقم دارد .
 (هو رقم کمینه امینه)

۱۵۰- انوپ چتر

نقاش دوره شاه جهان بود که در یک اثر رقم دار،
تصویر تمام قد ملا سعیدالله را کشیده ورقم داشت.
(عمل انوپ چتر)

۱۵۱- اوکتای قآن میرزا

فرزند حسنعلی میرزای شجاع السلطنه والی فارس بود و در آبرنگ و شبیه سازی دست داشت .

ب

بابا - در میرزا بابا نقاشباشی آمده .

۱۵۲- بابا جان تربتی

فقط عبدالمحمد خان ایرانی، در کتاب خود، بابا جان را معرفی کرده و نوشته است :
"بابا جان تربتی از مذهبان و نقاشان سال ۹۱۱ ه.ق . بوده و در موسیقی و شعر نیز مهارت دارد"

۱۵۳- بابا حاجی

از نقاشان تصویرگر سده نهم ه.ق . بود که در دربار سلطان حسین بایقرا با احترام زندگی میکرد.
این بابا حاجی را نباید با بابا صدر نقاش معروف مکتب بغداد، یکی دانست و اشتباه نمود. تنها
حیدر دوغلات، در تاریخ رشیدی، از این هنرمند یاد کرده و چنین نوشته است :
"دیگر استاد بابا حاجی است، در تصویر، قلم پخته دارد، اما اصل طرح وی، بی اندام است . در
تمامی خراسان، در طراحی نقش و زغال گرفتن بی همتاست، و میگویند که در مجلس، برای تعصب پنجاه
و نیم دور کشیده که پرگار ماندند تخلف نکرد و هیچ کدام از یکدیگر، سر موی خورد و کلان نبود،
استاد شیخ احمد، او برادر بابا حاجی است ."

بابا حسینی امامی - در میرزا بابا حسینی امامی آمده .

۱۵۴- باقر- حاج سید باقر- قمصری

در آستان قدس رضوی میان حرم و ایوان طلای صحن قدیم رواق وسیعی است که بنام توحید خانه مشهور میباشد، در این رواق، قصیده مفصلی از حکیم قآنی بخط نستعلیق دیده میشود که پس از تعریف رواق مزبور، راجع به نقاش هنر آفرین نیز اشاره کرده و چنین میگوید: (۱)

بسی باقر شاپور کلک مانی خامه	که شکل پیش کشد نوک خامه اش بیرق
بلوح صنع مجسم کند بدایع کلکش	نسیم مشک و شمیم عنبر و نکهت زنبق
برنگ ریزی کلکش کند عیان به مهارت	نشید بلبل و پرواز سار و جنبش تعلق

و از طرفی اعتماد السلطنه، در کتاب تاریخ مطلع السعدین که اماکن آستانه مبارکه را به تفصیل بیان کرده است، در مورد رواق و نقاش آن چنین می آورد .
بانی تعمیر و تزیین رواق توحید خانه شعبانعلی نام او نقاش آن نیز باقر نامی بوده است .
و بعد چنین مینویسد :

حاجی شعبانعلی پس از آنکه رواق توحید خانه را نیز در مشهد مرمت و تجدید بنا نمود، از هنرمند یگانه کاشان حاجی سید باقر نقاش قمصری که در قلمدان سازی و نقاشی ماهر و مشهور بود، خواهش تزیین و تذهیب آنجا را نمود . و آن هنرمند عالی مقام، چون مردی وارسته و بی نیاز بود، با طیب خاطر آماده و مشغول بکار گردید . حاجی سید باقر در سال ۱۲۵۰ پس از پایان یافتن کارهای او در آستان قدس به زادگاه خویش کاشان بازگشت و در کاشان نقاشی و تزیین بنای عالی مسجد و مدرسه آقا بزرگ را به کمک خطاط معروف کاشان استاد محمد ابراهیم سلمانی بپایان رسانید .
حاجی سید باقر در دوران پیری، در قصر کاشان به باغداری و کارهای روستائی مشغول بوده و در مواقعی نیز علاقمندان هنری از محضر او استفاده می بردند .

از شاگردان با استعداد او، میرزا بزرگ غفاری و میرزا عبدالوهاب غفاری میباشد . پس از فوت حاج سید باقر، یگانه فرزند او بنام حاج میرزا علیرضا قمصری که زیر دست پدرش پرورش یافته بود و در قلمدان سازی و نقاشی آبرنگ مهارت بسزا داشت، گاهی به تحریک ذوق و تفنن، قلمدان یا تابلوئی زیبا می ساخت و بعنوان ارمغان بدوستانش می بخشید .

آثار باقی مانده مستند وی عبارت است از :

۱- تزیین و تذهیب رواق توحید خانه در آستان قدس رضوی . ۲- سرپرستی و تزیین نقاشهای سقف و ستون و کتیبه های مسجد آقا بزرگ و ریزه کاریهای استادانه طاق معلق و سقف های مقرنس سردرب بزرگ مدرسه و محراب گنبد و طرح ترنجی و اسلیمی و نقش نگار داخل گنبد در کاشان .
اثر روغنی وی، که بزعم نگارنده از بهترین کارهای روغنی این هنرمند میباشد . قاب آینه زیبائی بود که در ۲۷ آوریل ۱۹۸۱ در ساتبی بفروش رسید .

نیر رویه آن، زنبق بالا بلندی با چند شاخه نرگس و برگهای پر طراوت، بزیبائی آراسته و در کناره و بالا و پائین آن این ابیات بخط نستعلیق نوشته شده بود :

ای ز آتش جمال تو، چون مجمر آینه	افکنده شمع روی تو، آتش در آینه
تا دیدهام بدست تو، ای دلبر آینه	باشد بیاد روی توام، دل بر آینه
ای ماهر و که بهر عروس جمال تست	نه آسمان مشاطه و هفت اختر آینه

باشد جهان و هر چه دو یکسر آینه
چون جان گرفت عکس ترا در آینه

جز آینه ممکن نشدم چیز دگر
بر من منگر بطلمت خویش نگر
(کمترین باقر سنه ۱۲۶۰)

خوبان کنند جلوه در آئینه و ترا
گر جان نه و راحت روشن دلان چسرا
در بالا و پائین گلها نیز این ابیات نقش بسته بود :
کردم ز پی پیشکشت هر چه نظر
بر درگهت این آینه را آوردم
در دوگنج گوشه پائین رویه قاب آینه رقم داشت :

۱۵۵- باقر ابن میرزا ابوالحسن

بنوشته نقاش، فرزند میرزا ابوالحسن نامی بوده و نقاش گمنام دوران فتحعلی شاه است .
از آثار رقم داری که از این نقاش دیده‌ام. تصویر خوش نقش آبرنگی بود که در حراج ساتبی ۱۹۷۶ ،
بفروش رسید . در این آبرنگ وارسته که بسیاق و شیوه آقا صادق نقاشی شده تصویر مرد جوانی بود که
موهای کله را به معمول زمان تراشیده و کنارهای آنرا پرپشت کرده و بروی گوشها انباشته بود .
عرق چین زیبایی که منگوله‌های نخی آن از اطراف آویزان شده بود، بروی سر داشت .
لباسهای جوان ساده بود و رقم داشت . (مشق کمترین باقر ابن میرزا ابوالحسن ۱۲۲۷)

۱۵۶- باقر اصفهانی

از قلمدان سازان و نقاشان روی چوب بود و در خط نسخ نیز دست داشت . از آثار نفیس او
قلمدان چوبی زیبا دیدم که بخط نسخ عالی رقم داشت . (میرزا باقر اصفهانی ۱۲۸۷)

باقر العلوم در محمد باقر العلوم آمده .

۱۵۷- باقر تبریزی

اهل تبریز بود و بگوش بریده شهرت داشت .
در قلمدان سازی بصیر بود و گل مرغ را شیرین می ساخت .
او بغیر از نقاشی در خط نستعلیق نیز استاد بود . از بهترین آثار خطی وی، کتاب کلیله و دمنه چاپی
است که باشاره و خرج امیر نظام گروسی و خط نستعلیق باقر تبریزی انجام یافته است .
مرگ وی بعد از سالهای ۱۳۳۰ ه. ق. اتفاق افتاده است .

۱۵۸- باقر شیرازی- میرزا باقر نقاش شیرازی

فرصت الدوله در کتاب خود چنین مینویسد :
خلف مرحوم میرزا محمد علی معلم است و برادر علامه العلماء مذکور. در نقاشی و ساختن مجسمه
صورت و کل مسلم است . برهمگنان مقدم، در شعر حسرت تخلص می نماید . این اشعار از اوست :
صبا خواهد چو برهاند ز قید نافه چینم
ترش ابرو نشینی تندگوئی تلخ برخیزی
ز بیداد غمت باکس نباید ماجرا گفتن
که بر رو قصه دل می نگارد اشک خونینم

باقر مینا ساز در محمد باقر مینا ساز آمده .

۱۵۹- باقر نقاش

نقاش گمنام و آبرنگ ساز دوران فتحعلی و محمد شاه است .
تنها اثر رقم دار وی که در حراج ساتی لندن بفروش رسید ، تصویر ارغون خان قاجار است که
لباس اخوان صفا پوشیده و بسلکدرویشان پیوسته است .
رقم نقاش بخط شکسته زیبا چنین بود :
(ز کلک باقر نقاش نوشد
نشان نام ارغون خان قاجار ۱۲۴۴)

۱۶۰- بالچند

- نقاش پر مهارت و نازک قلم دوره عهد جهانگیر بود . (۱۶۲۷ - ۱۶۰۵) که در جانور سازی و
منظره پردازی و ترسیم مجالس مختلف و با شکوه دست پرتوان داشت .
دو تصویر حقیقی از صورت و قیافه نقاش بیادگار مانده که در یکی از این تصاویر، کلاه و لباس زمان
بسر گذاشته و سبیل معمولی دارد . در دقتی که بدست چپ گرفته بروی آن نوشته است (شبیه
بالچند) در تصویر دیگری که گویا در دوران پیری و احیانا " در ۶۰ سالگی ترسیم شده ، لباس پرآذین
هندی پوشیده و خنجر بگمر زده و ریش سپیدی دارد . تصویرشما ره (۳۷)
این هنرمند برادری بنام پیاک داشته که وی نیز از هنرمندان معروف زمان خود بوده است . اصل
آثار این هنرمند را که از نزدیک دیدم ، عبارتند از :
- ۱- در نمایشگاه بریتیش موزیوم ، کتاب خطی پادشاه نامه عبدالمجید لاهوری (۵۸ - ۱۶۲۷) را دیدم
که ۴۴ مینیاتور داشت . این کتاب که بخط محمد امین مشهدی ، سال ۱۰۶۷ ه . ق . ترتیب یافته بود
کتاب بزرگی بود که حاشیه طلائی و متن تیره نخودی داشت . در یکی از صفحات آن ، مجلس زیبای
شاهانه بود که شاه جهان در بالکن قصر نشسته و شاهزاده خرم ، در حین دستبوسی شاه جهان دیده
میشد . در پائین تصویر ، جماعتی از رجال و اعیان و شاهزادگان بافتخار ایستاده بودند .
رقم داشت . (بنده درگاه رقم بالچند)
- ۲- دیگر اثر این هنرمند را که از نزدیک دیدم ، تصویر ایستاده شاه جهان مضبوط در موزه ویکتوریا
آلبرت لندن میباشد . در این اثر ممتاز ، اکبر شاه ایستاده و عصائی بدست گرفته و لباس و دامن
سلطنتی بسیار زیبائی بتن کرده است
در حاشیه طرفین ، شعری بخط غبار نوشته شده که چنین است .
(ثانی شاه جهان ذکر شب نشینان باد
دعای دولت او ورد صبح خیران باد)
در زیر کفش پای چپ بهمان خط غبار رقم دارد . (رقم بالچند)
- ۳- دیگر اثر بی نظیر این هنرمند که جزو آثار کتابخانه چستربیتی بوده و در نمایشگاه ۱۹۸۱
LEIGHTON HOUSE از نزدیک دیدم ، تصویر استادانه و پر مهارت شاه جهان بود که
چند رجال نامی و از جمله یک کودک خردسال که گویا شاهزاده درباری بود ، در کنار وی دیده میشدند
حاشیه اثر ، گللهای نزیبئی فوق العاده داشت و در بالای سر شاه جهان این ابیات جلب نظر مینمود .
ثنای شاه جهان ، ذکر شب نشینان باد
بهر طرف که کشد تیغ ، یک سواره چوبهر
دعای دولت او ، ورد صبح خیزان باد
سپاه خصم ، چو انجم ز هم گریزان باد
رقم داشت . (بنده درگاه رقم بالچند)
- ۴- دیگر ، تصویر سه سوار کار است که در کمال قدرت ترسیم شده و در حواشی آن ، مناظر درختان و کوه
و پرداز مرغان رنگارنگ ، بنحو دلربائی تعبیه شده است . این اثر زیبا که در موزه ویکتوریا آلبرت

لندن می‌باشد. رقم دارد.

(شبه شاه شجاع بهادر اورنگ زیب بهادر و مراد بخش عمل بالچند)

۵- دیگر از آثار پرتره‌سازی هنرمند، تصویر ایستاده باقرخان پدر فاخرخان است که باستادی نقش بسته و رقم دارد.

(شبه نواب باقرخان مرحوم پدر فاخرخان عمل بولچند)

اصل این اثر در INDIA OFFICE LIBRARY است.

۶- اثر دیگر، تصویر زیبا و استادانه اکبر شاه است که در وسط تالار به روی تختی نشسته و با وزراء و رجال درباری صحبت میکند، در تالار پائین، نوکران و مستخدمین و رجال در حال احترام ایستاده و منتظر اجرای فرمان می‌باشند. در کنار افراد تعدادی گوزن زیبا در نهایت ملاحظت و چابک دستی ترسیم شده جلب توجه مینماید.

حاشیه این نقاشی گل و مرغ هندی بوده و فوق العاده غنی است.

در گوشه تخت اکبر شاه و در زیر آن در محل کوچکی نوشته: (عمل بال چند)

و در قسمت بالای تصویر بخط زیبایی مرقوم داشته: (شبه جلال الدین محمد اکبر پادشاه غازی) (عکس و نوشته در کتاب تاج محل)

۷- از آثار متفرقه او چند اثر زیبا در مرقع جهانگیری برلن است که امضاء و رقم بالچند را دارد. ۸- آثار با ارزش و رقم دار دیگر بالچند که مضبوط در کتابخانه گلستان ایران است و موضوعات مختلفی دارد - بترتیب عبارتند از:

الف - مجلس نشست و مصاحبه پادشاه گورکانی.

ب - شبه باقرخان نجم ثانی.

پ - تصویر پادشاهی با لباس و آرایش سلطنتی.

ت - نقاشی دو دلداده در سایه درخت بید مجنون.

۹- دیگر از آثار شناخته شده این هنرمند در موزه‌ها عبارت است از:

الف - تصویر مردی که چپق دود میکند، در موزه FINE ARTS BOSTON

ب - مرد صاحب مقامی با جام شراب طلائی، در دانشگاه هاروارد کمبریج.

پ - جوانی نشسته، در موزه برلین.

ت - تصاویر کتاب سوز و گداز، در کتابخانه ملی پاریس.

ث - شاهنامه، در مونیخ.

۱۶۱- بان والی کورد

از نقاشان مغولی قرن ۱۱ ه. ق. هند است.

او در مینیاتور سازی و شبه پردازی و ارائه مناظر مختلف قوی دست بود و یکی از آثار شیوای وی، در موزه ویکتوریا آلبرت لندن مضبوط می‌باشد.

۱۶۲- باند - باوانی - باگوان - بهاک - بهیم - بهوار

باند و نقاشان شیرین قلم دیگر که در بالا نام برده شده‌اند، از نقاشان پرمهات دوره اکبرتاه هندی می‌باشند که نمونه آثار قلم آنها در کتاب با برنامه معروف جلوه‌گر می‌باشد.

۱۶۳- بچتر

نقاش شیرین قلم و زبردست مغولی هند دوره جهانگیر شاه بود که تا دوره سلطنت شاه جهان و حدود سالهای ۱۶۴۰ میلادی فعالیت درخشانی داشته است.

قیافه حقیقی نقاش که بوسیله خود هنرمند در مینیاتوری مضبوط در FREER GALLERY OF ART V. ارائه شده لباس پوشیده هندی بتن کرده و کلاه سبک زمان بسر گذاشته و تصویری بدست گرفته است. ریش و سبیل وی نوبی و سیاه است و چشمان تیزبین کنجکاو دارد. تصویر شماره (۳۵) از آثار بجا مانده و رقم دار وی، معلوم میگردد که بچتر در تصویر و شبیه سازی استاد و در خلق تصاویر و مناظر مجلل و فرح انگیز، نادره کار و پرمایه بوده است.

بچتر در اجرای حواشی و کناره‌های آثار خود نیز وسواس بی حدی داشت و بجای اینکه تزیینات حواشی را بعهدده شاگردان واگذار کند، خود بشخصه و در کمال هنرمندی انجام میداد. آثار بجا مانده و رقم دار مشهور وی عبارتند از:

۱- تصویر زبیا و بسیار شبیه جهانگیر به روی تختی است که بر ساعت شنی مهار شده و در حال اهدای کتابی به یکی از ندیمان پیر خود میباشد. پادشاه ترک و جمیز اول پادشاه انگلیس، بخوشحالی و شادمانی در ردیف حاضران دیده میشوند.

در گوشه پائینی و کنار جمیز اول، تصویر خود نقاش بشباهت تمام نقاشی شده و مینیاتوری بدست گرفته است. (امضاء دارد)

(الله اکبر - شاهای بقای عمر تو با دای هزار سال عمل بنده با خلاص بچتر)

اندازه ۱۸/۱۰×۲۵/۳ سانتی‌متر و چاپ اثر رنگی آن در صفحه ۱۱۲ کتاب: INDIAN MINIATURES ۲- اثر دیگر بچتر، تصویر شاه دولت است که جامه سفید پوشیده و عمامه بسر گذاشته و عصائی بدست گرفته است.

نور خیره کننده‌ای در اطراف سر وی دیده میشود. شاه دولت، کره بزرگ سبز رنگی بدست گرفته و روی آن تاجی مزین جلوه‌گر است. در روی کره، بخط خوانا نوشته است:

کلید فتح دو عالم بدست شست منم (من است) رقم دارد (بنده درگاه رقم بچتر) کلکسیون چستربیتی ۳- در کتابخانه گلستان تهران، چند اثر زیبای رقم دار، از آن جمله تصویر پادشاه و زنان هندی دارد که (عمل بچتر) در زیر آن مشاهده میگردد.

۴- اثر رقم دار دیگر وی که در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن قرار دارد، تصویر مرد فربه‌ی بنام آصف خان خندان، سپه سالار است که رقم دارد. (عمل بچتر)

۵- نقاشی دیگر بچتر، تصویر پر مهارت نورالدین محمد جهانگیر پادشاه است که سر پا ایستاده و بیکدست شمشیر و در دست دیگر، کره بنفش رنگی گرفته است. لباس و شرابه جلوی آن و کفشهای زرنکاره، فوق العاده چشم نواز است.

دو ریشه مروارید از گردن آویخته، نور پلائی خیره کننده‌ای، بالای سر شاه قرار گرفته است.

در حواشی، اشعاری بخط نستعلیق نوشته و زمینه آنرا گل سازی و تذهیب کرده است.

سطر اول بالا: (چون خویش نگشت معلوم تا سر نکشند سوی ادبار)

در سمت راست نوشته: (عمل بنده درگاه بچتر)

در سمت چپ: (کلید فتح دو عالم بدست مبارک)

و در کناره مرقوم داشته: (شبیه مبارک حضرت نورالدین محمد جهانگیر پادشاه غازی)

۶- دو اثر زیبای بچتر، در آلبوم جهانگیر است که شماره ۷ آن، تصویر ملای سفید پوشی بنام محمد



حرف ب

رضا کشمیری، با ریش بلند و قیافه خندان است که کتاب و عصا بدست گرفته است. سوار بر قاطر، خطوط زیبا و در زمینه آن، گل‌های طلائی فوق العاده دارد. روی عمامه سفید نوشته:

(شبه محمد رضای کشمیری) و در طرف دیگر رقم زده (عمل بچتر)

۷- دیگر اثر پر قدرت و زیبای بچتر را که از نزدیک در نمایشگاه دیدم و عکس آن در صفحه ۴۰ کاتالوگ موزه چستر بیٹی چاپ گشته است، تصویر استادانه اکبر شاه بود که در حین ارائه تاج سلطنتی به شاه جهان دیده میشود. در طرف راست نقاشی، صاحب قرآن ثانی قرار گرفته و برنگ طلائی بالای سرش نوشته شده:

در طرف چپ آن، جهانگیر پادشاه قرار گرفته و در حاشیه نوشته: (شبه حضرت جهانگیر پادشاه) و در گوشه دیگر، خان اعظم را ارائه داده و در کاغذیکه بدست دارد چنین نوشته است:

(شبه خان اعظم - الله اکبر - نصر من الله و فتح قریب آمین یارب العالمین) در قسمت رویه چهار پایه صاحب قرآن ثانی، نوشته: (غلام با اخلاص بچتر سنه)

اندازه ۲۷ x ۳۸ سانتی متر، از آلبوم MINTO تاریخ ۱۶۳۱ میلادی
دیگر از آثار بچتر که از نزدیک در نمایشگاه

در موزه ویکتوریا آلبرت لندن در ۲۴ آوریل ۱۹۸۲ دیدم.

۸- تصویر اکبر شاه بود که تاج تیموری را بشاه جهان ارائه میدهد. در این اثر بی نهایت استادانه، سلاطین بروی سه تخت که بشکل صندلی نقاشی شده در آلاچیق سلطنتی قرار گرفتند. روی جدول نقاشی رقم داشت. (عمل بچتر)

۹- دیگر اثر استاد در این نمایشگاه، تصویر شاه جهان بود که شمشیر بلندی بدست گرفته و بروی دو شیر و کره زمین ایستاده و یک نفر در مقابل، سر به تعظیم فرود آورده است. در بالای سر شاه جهان، دو ملائکه زیبا، تاج سلطنتی را با احترام نگهداشته و خیل رجال و اعیان و فرماندهان و شاهزادگان که در اندازه کوچکتر ولی باستادی نقش بستند، جلوه بس ممتازی را دارد.

در جدول کناره رقم داشت: (عمل بچتر) موجود در چستر بیٹی

۱۰- اثر دیگر وی در این نمایشگاه، تصویر جوانی، بنام پرنس سالم است که آینه بدست گرفته و عمامه سبز بسر گذاشته و لباس مزین بلند هندی پوشیده است. در اطراف مینیاتور، اشعاری بخط نستعلیق زیبا نوشته شده که بیت اول و آخر آن چنین بود:

گر او می برد پیش از آتش سجو بیت آخر
حاشیه تصویر، گل‌های زیبای هندی بود و رقم داشت (رقم بچتر)

۱۱- دیگر اثر زیبای بچتر که در این نمایشگاه جلوه گر بود، تصویر پرفخامت و پر جلال پرنس سلیم بود که باستادی تمام ترسیم شده و بروی گل‌های حاشیه رقم داشت. (عمل بچتر) موجود در چستر بیٹی. آثار مختلف دیگر این هنرمند، در جهانگیر نامه و پادشاه نامه است که امکان ارائه و بسط و تشریح تمامی آنها در این کتاب امکان پذیر نمی باشد.

۱۶۴- بدرالدین - شیخ

از نقاشان معاصر خواجه نصیرطوسی بود و در نقاشی دست داشت.

۱۶۵- بدرالدین علی خان

بنوشته محمد هفت قلمی مولف تذکره خوش نویسان که بسال ۱۲۳۹ ه.ق. تالیف شده، او را جوانی پر هنر و حکاکی بی نظیر معرفی کرده است.

علی خان، لقب مرصع رقم داشت و شاگرد شیخ محمد یار بود.

۱۶۶- برج علی اردبیلی

از شاگردان برجسته و ممتاز سلطان محمد تبریزی است.

او با معیت محمد بیک و استاد حسین قزوینی، در کتابخانه شاهی افتخار شاگردی استاد سلطان محمد را داشتند و در آن کانون هنری، بخلق آثار بدیع و تصاویر زیبا اشتغال داشتند.

۱۶۷- برجی

از نقاشان قرن ۱۶ میلادی است که در تصویر و تذهیب دست پخته داشته است.

از آثار رقم دار وی، مجلس شاهانهای در کتاب شاهنامه است که سلطان بنتخت نشسته و رستم زال و کیکاوس و سایر مشاهیر زمان در مقابل وی قرار گرفته‌اند. در زمینه ساده مینیاتور، تصویر سیمرغ و ازدها نقش بسته و خارج از متن رقم دارد. (برجی)

۱۶۸- بساون

نقاش شیرین قلم و چهره پرداز هند بود و در رنگ آمیزی و طراحی مهارت والائی داشت.

بساون از شاگردان خواجه عبدالصمد شیرین قلم و میر سید علی بود و سبک و شیوه آنها را در اغلب تصویرها بکار می‌بست. او پدر منوهر نقاش معروف است که در حد خود استادی عالیقدر بوده و احوال وی در جای خود یاد شده است. در کتاب آئین اکبری خطی نگارنده، در مورد این نقاش چنین مینویسد: «شگرف یادگار هند، بساون در طراحی و چهره‌گشائی و رنگ آمیزی و مانند نگاری و دیگر گزین کارهای این فن یگانه زمانه شد و بسیاری از دیدموران شنا سابر دسونه (دسوانت) ترجیح دهند.» آثار اصیل وی عبارتند از:

۱- اثر ممتاز بساون، تصویر زیبایی مضبوط در موزه گیومه پاریس است که بشماره ۶۱ و چاپ رنگی در کتاب ماریو بوساقلی چاپ شده است.

در این مینیاتور، دختر زیبای هندی کمانچه بدست گرفته و لباس بلند هندی پوشیده و در کمال دلربائی بروی کله شیری که از دهانش آب فرو می‌ریزد، نشسته است.

حواشی تصویر، تذهیب پر مایه گل و برگ دلربا داشته و رقم دارد. (بساون)

۲- دیگر اثر بساون، تصویر پر جلال و با فخامت سفر پادشاه هند است که اقتباس از موضوعات کتاب جامع التواریخ بوده و در مرقع گلشن مضبوط می‌باشد.

این اثر که در نوع خود بسیار پر آذین و تابناک می‌باشد، رقم دارد. (طرح بساون عمل نانهو)
۳- سومین اثر ارزنده وی، قیافه استخوانی و نحیف مجنون در صحرا است که شاخه خشک درختی بدست گرفته و اسب نحیف و لاغری را میراند. در گوشه دیگر، سگ لاغر و بیحالی ارائه شده و روباه مکاری در طرف دیگر باستادی نقش بسته است. منظره درخت تکیده، استادانه است و رقم دارد.

(عمل بساون) اندازه ۳۶/۴ × ۲۶/۸ سانتی‌متر

۴- دیگر اثر جمعی بساون، تصاویر کتاب رزم نامه جیبور است که بهمکاری نقاشان معروفی از قبیل فاضل - لعل - دسونه و تحت سرپرستی میر سید علی و خواجه عبدالصمد انجام یافته و ستودنی می‌باشد.

۵- یادگار دیگر این هنرمند، مجلس با شکوه دعا بدرگاه باری تعالی است که رقم دارد.

بدرالدین (شیخ) نقاش معاصر خواجه نصر طوسی و در هنر خود صاحب کمال بوده است.

(طرح بساون عمل چتره)

ع- اثر زیبای دیگر وی طمر و سیه و شاپور در جزیره نگار و در آنجا شهری بنا شده و فوق العاده فرح افزا است و رقم دارد. (عمل بساون)

۱۶۹- بشنداس

نقاش سرشناس و مشهور هند بود که بدستور جهانگیر شاه (۱۶۲۷ - ۱۶۰۵) و در تاریخ ۱۰۲۲ به همراه خان عالم بایران اعزام گشت تا از چهره شاه صفوی و رجال درباری وی شبیه سازی نماید بغیر از این مأموریت، بشنداس در نظر داشت هنر تصویر سازی و چهره پردازی را به شیوه استاد بهزاد از هنرمندان ایرانی فرا گرفته و چون ارمقانی با خود به هند ببرد.

در این سفر، چند تصویر از شاه عباس و همراهان قلمی نمود که بگفته جهانگیر تماما " شبیه شاه عباس بوده است. نقاش در مقابل این هنر نمائی مورد محبت پادشاه قرار گرفته و بدریافت خلعت شاهانه نیز نایل گردیده است. در صفحه ۲۸۵ توزک جهانگیر (۱) در این باره چنین می نویسد:

((در وقتی که خان عالم را بعراق می فرستادم بشنداس نام مصوری را که در شبیه کشی از یکتایان روزگار است همراه داده بودم که شبیه شاه و عمده های دولت ایشان را کشیده بیاورد. شبیه اکثری را کشیده بود بنظر در آورد خصوصا " شبیه شاه برادرم را بسیار خوب کشیده بود، چنانچه بهر کس از بنده های ایشان نمودم عرض کردند که بسیار خوب کشیده. هم در این تاریخ قاسم خان با دیوان و بخشی لاهور، دولت زمین بوس دریافتند، بشنداس مصور بعنایت فیل سرفراز شد))

بشنداس تصویر سازی و شبیه پردازی را خوب میدانست و قلم گیری و پرداخت آنرا بشیوه خود انجام میداد. در مجلس آرائی و بسط حالات مشخصه نغرات، وسواس دقیقی داشت و نکات گوناگون و متغیر حاضرین را به استادی نقش می نمود. او در سنین جوانی بعلت لیاقت و ذوق هنری، توانست جزء معدود هنرمندانی باشد که مرقع معروف و نامی گلشن را تصویر نموده اند. در این مرقع، دولت، نقاش برجسته زمان، تصویر بشنداس را در یکی از صفحات آن نقاشی کرده و قیافه و حالت ظاهری وی را تا حدودی ارائه داده است.

در این تصویر، بشنداس جوان باریک اندامی است که بسیاق هندوان لباس پوشیده و کلاه مخصوص بسر گذاشته و بروی زمین بیک پا نشسته است. سبیلش افتاده و قیافه اش متفکر است.

ورقهای بروی پا قرار داده و مشغول طرح تصویر است. در رویه کاغذ رقم استاد دولت دیده میشود که چنین نوشته:

از این عبارت معلوم میگردد که بشنداس برادر زاده نانا مصور (که احوال آن در جای خود خواهد آمد) نیز میباشد. آثار رقم دار معروف وی عبارت است از:

۱- پنج تصویر مختلف رقم دار و بی رقم از شاه عباس کشیده که به ترتیب عبارتند از:

الف - شاه عباس سوار بر اسب شده و نوگری در مقابل وی ایستاده و باز شکاری بدست گرفته است. رقم دارد. (عمل بشنداس) و در گوشه بالای سمت چپ مرقوم شده (شبیه شاه عباس)

ب - تصویر ایستاده شاه عباس که شمیری بکمر بسته و تفنگ بدست گرفته است.

پ - تصویر نشسته شاه عباس بروی صندلی که دو نفر از اعیان در حضور ایستاده اند و شاه باز شکاری بدست گرفته است. رقم دارد. (عمل بشنداس)

۱ - توزک جهانگیری که به جهانگیر نامه و اقبال نامه نیز مرسوم است اولین دفعه بمال ۱۸۶۴ معرفی شده است.

- ت - تصویر شاه عباس، موجود در موزه بوستون .
 ث - تصویر شاه عباس در مجموعه ناگور کلکته .
 ۲- تصویر خدابنده میرزا پدر شاه عباس با رقم (عمل بشنداس)
 ۳- شبیه عیسی خان با رقم بشنداس - تصویر مرد ایستاده‌ای است که دو دست خود را زیر شال کمر پنهان کرده به روبرو نگاه میکند . عمامه سفید بزرگش که به طرز خاصی آرایش شده جالب می‌باشد . لباس بلندش که رنگ بنفش و خوشرنگی دارد، به قد کوتاه و نا متناسب او جور در نمی‌آید . عکس عیسی خان، بچاپ رنگی زیبا در کاتالگ کلکسیون روچیلد طبع شده است .
 ۴- اثر دیگر این نقاش که جزو مرقعات موزه گلستان است، محفل هنرمندان است که عده‌ای نشسته و به کتابت و تصویرگری مشغول می‌باشند . روی یکی از کتابها چنین نوشته است : (الله اکبر عمل بشنداس)
 ۵- تصویر شماره ۲۸ کتاب انوار سهیلی معروف از آثار زیبای بشنداس بوده و موضوع نقاشی آن (سلطان بغداد و دختران چینی) می‌باشد . در بالای صفحه عبارت (لعل می‌گوش بی واسطه باده مست و مدهوش گشت) بچشم می‌خورد . (مشخصات بیشتر این کتاب در جلد اول احوال آننت به تفصیل یاد شده است)
 ۶- از آثار متنوعه بشنداس، یکی تصویر خان عالم است که صراحی زیبایی را که از سنگ یشم ساخته شده به شاه عباس تقدیم میکند .
 دیگر تصویر راجه سورج دائی جهانگیر است و دیگر پرتره بهادرخان از بک حکمران قندهار در مرقع جهانگیر برلین مضبوط می‌باشد و قشنگ‌ترین آثار مهم او منظره باغی را در آگره را نشان میدهد که باهر شاه در گوشه آن لمیده و استراحت مینماید .
 ۷- شبیه شیخ پهلول مغروب که در آگره می‌باشد . عمل بشنداس است که با خط بد تحریر شده و موضوع نقاشی شیخ پهلول دیوانه بوده که لخت و عربان در مقابل خانهای نشسته و عده‌ای او را نظاره میکنند .
 ۸- تماویری در جهانگیر نامه از جمله سالروز تولد جهانگیر است که در کمال زیبایی می‌باشد .
 ۹- آثار دیگر تصویری، در باهر نامه و از جمله - تصویر (اسب شیخ فول) تصویر راجه سراج‌سینگ و بهادر خان اوزبک .

۱۷۰- بقاء شیرازی - ملا علی شیرازی حکاک

بنوشته فرصت در صفحه ۵۵۱ آثار عجم :

((در حکاکی مهر و اسم و انگشتی و نشان، کمال قدرت و تسلط را دارد. هم بروی عقیق و امثاله نقش میکند هم بر روی فلزات و مهرهای منگنه رنگین و بی رنگ را که خطش برجسته باشد نیز در کمال استادی عمل می‌آورد .
 لز شیوه‌ها، شیوه میر عماد را پذیرفته و از جانب قدسی تعلیم گرفته .))

۱۷۱- بندی ولد کرم چند

نقاش چابک قلم دوره ۱۰۰۷ ه. ق . مغول هند است .

تصویر زیبایی از این هنرمند که صفحهای از رزم نامه بود، در نمایشگاه بریتیش میوزیوم دیدم که جلوه خاصی داشت . در این اثر شیوا، دو جنگ‌آور رزمی مقابل هم، روی گاو جنگی که هر کدام را دو اسب حمل میکرد، قرار گرفته و به تیر اندازی مشغول بودند و جماعت تماشاگر نیز از پشت کومه‌ها

نقاره و دهل زنان طرفین را بنزاع و جدال تشویق میکردند، در زیر نوشته بود:
جنگ از جن و بهیمک و رقم داشت بخط قرمز. (بندی ولد گرمچند)

۱۷۲- بنواری خورد

نقاش تصویر ساز هند بود و در ارائه مجالس بزمی و رزمی دست پرتوان داشت.
از آثار ارزنده و پر قدرت وی، تصویر شماره ۱۷ کتاب با برنامه معروف است که گویا اصل آن در برینیش میوزیوم می باشد. (۱)
در این اثر دهنواز که منظره میدان رزم را مجسم ساخته، حالات سواران جنگی و آرایش زرهی اسبها و جماعت نقاره چیان و دهل نوازان بطرز شایسته‌ای نقاشی شده و با رنگ آمیزی چشم نوازی پرازدین گشته است.
حواشی تصویر نیز، بسیاق تذهیب هندی طلاکاری شده و در زیر جدول رقم دارد. (عمل بنواری خورد)

۱۷۳- بنواری کلان

نقاش مغولی هند اوایل قرن ۱۷ میلادی است.
از آثار زیبای این هنرمند که در حراج ساتبی اکتبر ۱۹۸۰ بفروش رسید، تصویر وفات یافتن آباخان است که بشیوایی ترسیم شده است.
در این اثر زیبا، جسد آباخان که مستور به لحاف گلدار تیره است، در وسط اطاق قرار گرفته و حاضران در اطراف به گریه و شیون مشغولند.
در طبقه دوم عمارت که مجلس زنانه است، زنان حرم، دستار از سر گرفته بشیون و پریشانحالی به سر و روی خود می زنند.
در حیاط عمارت، نوکران و مستخدمین، طبقهای نان و حلوا بسر گذاشته و حاجب مخصوص با اشاره دست دستوراتی بآنها میدهد.
در این اثر زیبا، حالات تاجر جماعت حاضرین و رنگ الوان البسه مخصوصاً شکل انحصاری کلاه اعیان و رجال دیدنی است. در زیر جدول بخط قرمز رقم دارد.
(طرح مکنند عمل بنواری کلان)

۱۷۴- بهاء الدین گیلانی

نقاش قرن ۱۱ ه.ق. اهل گیلان بود که در شیوه مغول دست پر قدرت داشت. اثر رقم دار این هنرمند که در حراج سال ۱۹۷۸ کریستی لندن بفروش رسید، مینیاتور پخته، مرد کشیشی، بدون کلاه بود که ریش و سبیل تویی داشت. کشیش دامن خود را بدست داشت و در دست دیگر، عاری که کله آن شبیه ازدها بود بچشم میخورد، زمینه نقاشی منظره دشت و دمن و سنگ ریزه‌ها و علفهای هرز بود و رقم داشت.
(در سنه ستین والف، باتمام رسید. بهاء الدین گیلانی ۱۰۶۰)

۱- این کتاب، معروف به با برنامه بوده (ظهير الدين بابر ۱۵۳۰ - ۱۴۸۳) و دارای ۳۲ تصویر زیبا میباشد، چاپ رنگی این کتاب، بکوشش موزه امیر علیشر نواشی و بسال ۱۹۷۰ در شوروی انجام پذیرفته است.

۱۷۵- بهبود شاهنشاهی

بنوشته مناقب هنروران، از بردگان شاه طهماسب اول صفوی بود که در حرم خاص وی بامر کتابت و نقاشی مشغول بوده است .
و همچنین در کتاب مآثر رحیمی، در صفحه ۱۶۸۱ در مورد بهبود چنین می نویسد :

بهبود

بهبود خاصه خیل این سپه سالار - در وایل حال غلام میرزا باقی فرزند رشید قبله الکتاب مولانا میر علی خوش نویس مشهور بوده و میرزای مومی الهیه تعلیق را بقایت خوب می نوشته - و در نسخ تعلیق بروش پدر خود قطعها نوشته که الحال در جزودان مستعدان هست - و بسیار پسندیدمانند و چون بوسعت آباد هندوستان شتافته بوده و ملازمت این سپه سالار را در یافته، بهبود را که در فن نقاشی و نسخ تعلیق نویسی از بی بدلان روزگارست باین سپه سالار داده بود - و الحال در قید حیاتست - و در کتابخانه عالی بسر می برد - و بزینت و کتب سرکار خاصه و کتابت اشتغال دارد - و در این هر دو فن از بی مثلان زمان خودست - و راقم تصویر و خطایشان را بنظر در آورده
الحق نادره زمان خودست ■

۱۷۶- بهرام (استاد بهرام - نقاش صفوی)

از نادره کاران نقاشی اواسط قرن ۱۱ ه.ق. بود .
او فرزندی بنام جانی داشت که در حدود سالهای ۱۰۹۶ ه.ق. برای KAEMPFER هلندی چند مینیاتور جالب نقاشی کرده است .
از آثار امضاء داروی ندیدمام

۱۷۷- بهرام

نقاش شیرین کار دوره فتحعلی شاه بود و در رنگ و روغن دست داشت . از آثار رقم دار بهرام، تصویر شاهزاده پر جلالی بروی اسب دیدم که دست به قبضه قمه مرصع خود گذاشته و استوار بروی مرکب جا گرفته بود .
تزیین و آرایش لباس و قیافه سوارکار و استواری اسب وارسته بود و بخط نستعلیق رقم داشت .
(بهرام سنه ۱۲۱۷)

۱۷۸- بهرام اصفهانی

نقاش آبرنگ ساز اصفهانی است که بشیرین دستی و رنگ پردازی معروف میباشد .

در مرقعی که در کتابخانه گلستان تهران موجود است، صحنه شکاری از ناصرالدین شاه ارائه شده که طراحی صحنه‌ها را ابوالحسن خان صنیع الملک بعهده داشته و پرداخت و رنگ آمیزی تصاویر را استاد بهرام اصفهانی انجام داده است.

این نقاشی بسال ۱۲۷۴ اتمام یافته و ناصرالدین شاه تفنگ بدست گرفته در پشت درختان، برای شکار کمین کرده است. منظره عمومی و رنگ آمیزی درختان و جمع آهوان پر مهارت است.

۱۷۹- بهرام عباسی

از نقاشان اوایل قرن ۱۲ ه.ق. و بروایتی شاکرد محمد زمان بوده است.

۱۸۰- بهرام قلی

از شاگردان برجسته و پر قدرت بهزاد معروف است.

دو اثر ارزنده وی در یک کتاب خطی نظامی که بخط زیبای محمد ابن علی بن درویشعلی السمرقندی انجام یافته و رقم

(قد فرغ من کتابتها فی مدینه هراة فی شهر شوال عام ۹۱۷ ه.ق.)

دارد تصویر شده و دارای رقم بهرام قلی میباشد.

در یکی از تصاویر، ساختمان زیبایی را نشان میدهد که شاه بروی تخت نشسته و سه خدمه در حضورش بخدمت ایستاده‌اند. در حیاط جمعی بنادی و پختن غذا سرگرمند و در بالای قصر به طلا نوشته شده:

جهانت بکام فلک یاد باد جهان آفرینت نگهدار باد

تصویر دیگر این کتاب، باغ درخت و سبزه‌ایست که دو آلاچیق زیبا در آن احداث گشته است. در داخل سایه‌بان‌ها عده‌ای دور هم نشسته و بباده گساری مشغولند، در بیرون خانه، عده‌ای در مشایعت اسب زیبایی هستند که باستادی نقاشی شده است. این اثر نیز از آثار بی‌همتای بهرام قلی بوده و در مجموعه آقای شریف صبری در قاهره می‌باشد. (اندازه ۳۰×۲۲ سانتی‌متر) (۱)

۱۸۱- بهرام قلی افشار

بنوشته نقاش، از طایفه ایل افشار و در نقاشی پیرو شیوه رضا عباسی بوده. از آثار زیبای او تصویری در ترکیه دیدم که استادانه بود و رقم داشت. (رقم بهرام قلی افشار)

۱۸۲- بهرام کرمانشاهی

بنوشته نقاش در ذیل آثارش، اهل کرمانشاه بوده و از نقاشان چابک دست و شایسته زمان ناصری میباشد، بزعم عده‌ای به خارج از ایران شاید بروسیه سفر کرده و مراحل هنری شیوه کلاسیک را از آن دیار فرا گرفته است.

اعتماد السلطنه در روزنامه ایران سال ۱۲۹۹ ه.ق. از حجره استاد بهرام در مجمع الصنایع یاد کرده و نوشته است، از تصاویر ناصرالدین شاه در شکارگاه هامبونی و پرده تصویر مبارک، و نقاشی‌های دیگر در حجره دیدار کرده است.

استاد بهرام، در نقش تصویر بروی دیوارها و ابعاد بزرگتر نیز مهارت داشته و آثاری نیز در این زمینه

انجام داده است .

از آثار رقم دار وی دیدم :

۱- تصویر نیم تنه رنگ و روغنی کاملاً " شبیه میرزا حسین خان سپه سالار بود که کلاه پوست بره مشکی بسر گذاشته و دست راست خود را بروی صندلی قدیمی که روکش سبز مخملی داشت قرار داده بود . جبه ترمهای سرداری دکمه قیظانی زیری به تردستی نقاشی شده و حوالی یقه و گردن بمروارید و جواهرات گوناگون آذین گشته بود و در روی پشتی صندلی بخط رقاع زیبا رقم داشت :
(عمل بهرام سنه ۱۲۹۲)

۲- دیگر، تصویر رنگ و روغنی تمام قد مردی در هیبت حیوان دیدم که بدن لختش از موی بلند و سیاه پوشیده شده بود، او بسان انسان‌های اولیه قوی و پر قدرت بود . چماق بزرگی بدست داشت و رقم نقاشی بخط نستعلیق چنین بود :
(عمل کمترین بهرام ۱۳۰۴)

۳- دیگر، شمایل رنگ و روغنی حضرت محمد (ص ع) بود که عبای بلندی بشکل شل داشت و علم مخصوص بدست گرفته بود .

گویا این اثر از روی نسخه بسیار مشهوری که در یکی از موزه‌های خارج از ایران قرار دارد نقاشی شده و در نوع خود بسیار شیوا میباشد . رقم داشت :

۴- دیگر، مجالس عیش و سرور دیوارهای خوابگاه ناصرالدین شاه است که باستادی ترسیم کرده و همچنین، نقش انواع و اقسام درنده و چرنده و پرنده است که بر بدنه حوضخانه کوچک شمالی قصر سلطنت آباد ترسیم شده است .

۵- از کارهای دیگر استاد بهرام، ۲۶ مجلس گوناگون و ۴ تصویر از زنان زیبا در تالار باغ معیر بود که اکنون از وجود آنها اطلاعی بدست نداریم

۱۸۳- بهرام میرزا فرزند شاه اسماعیل

جوانی تیز هوش و در خط نستعلیق انگشت نما بود .

در شعر و طراحی و معما بی همتا و در موسیقی دست داشت و جنگ را خوب مینواخت . او سخت به نقاشی شیفته بود و در مشق و تصویر پایه بلندی داشت .

بهرام میرزا بسال ۹۲۳ ه.ق . تولد یافته و در سی و سه سالگی در شب آدینه ۱۹ رمضان سال ۹۵۶ در گذشته است . در گلستان هنر در خصوص وی چنین می‌نویسد :

"نواب ابوالفتح بهرام میرزا، آنحضرت را میل تمام به نقاشی بود و مشق تصویر را به عالی مرتبه رسانیده بود . و در کتبخانه آن اعلیحضرت فردوس منزلت نیز کاتبان و نقاشان سرآمد بودند و همیشه بکار مشغول داشتند و نسخه‌ها برداختند"

۱۸۴- بهرام - نقره کش یا سفره کش

نقاش اواسط قرن ۱۱ ه.ق . و پیرو شیوه محمد زمان و علیقلی جباردار بود .

یگانه اثر رقم دار وی، زیبا روی صفویه بود که بشکل و قیافه زیبا رویان از یک نقاشی شده و استادانه بود . رنگها و آرایش لباس و کلاه جلب توجه مینمود و رقم داشت . (بهرام سفره کش ۱۰۵۰)

۱۸۵- بهزاد (کمال الدین بهزاد سلطانی)

نقاش پر آوازه و افسونگر بی همتای اوایل قرن ۱۰ ه.ق . و استاد مسلم و سرآمد مینیاتور ایرانی است . او با برطرف کردن شیوه محدود و بیروح مغول، مکتب مجلس آرا و پرغنائی خود را که زائیده

تصویرات پر مایه و قدرت معجز نگارش بود، بدنمای تصویرها کشانید .

بهزاد با افکار نوجوئی و کنجکاو خود آرایش بهم تنیده و غیر باور زمان را به دور ریخت و با انتخاب مضامین هم آهنگ، سبک حقیقت جوئی (رتالیسم) را در نقش تصویرها عریان ساخت . در بدعت اولیه، شبیه سازی و نمود حقیقی انسان را بعبار خبرت و بصیرت کامل راهگشا شد . و بمبارزه قدرت نامتناهی زمان برخاست و بصورتها عمر جاودانی و جوانی ابدی بخشید . در ترکیب الوان و ریزه کاریهای نامتناهی نقوش و پیرایش پر آذین زیبائیهای طبیعت که منبع الهام وی بود و همچنین گسترش پرفخامت و عظمت مساجد و قصور و ارائه حالات و سکنات والای انسان و تحرک و لرزانی جانوران و حیوان بدشت و دمن و تذهیب و تحریر و آرایش دلفریب و چشم نواز کناره‌ها، بهرحال و اندیشهای استادی مسلم و نگارگری آتش دست بوده است .
کوتاه سخن آنکه در حقتش بگوئیم .

بهزاد افسونگر توانائی بود که بصدها چشم باطنی از طبیعت لایزال و عظمت پر آذین آفرینش الهام می‌گرفت و بنام مخلوقی کمترین بروی صفحه می‌آورد . و با تردستی و مهارت نادیده‌ها را دید می‌کرد . از شرح حال و زندگی اولیه بهزاد اطلاع چندانی نداریم ولی بروایات گوناگون گویا بسال ۸۴۴ ه. ق. یا ۸۵۴ ه. ق. در شهر هرات تولد و در آن شهر نشو و نما یافته است .

بهزاد دو خواهر و یک برادر داشت که سرنوشت آنها نامعلوم است ولی از خواهر زاده‌های وی که هر یک در حد خود هنرمند صاحب نامی نیز بوده‌اند .

یکی حیدر علی نقاش پدر مظفر علی نقاش تربتی است، دیگر رستم علی خطاط خراسانی معروف است که هنرمند اخیر الذکر بنوشته قاضی احمد، پس از مرگ بهزاد بسال ۹۷۰ وفات یافته است .
عمده‌ترین اسناد ارزنده و قابل تعمق احوال بهزاد، نوشته و روایات مختلفی در کتب گوناگون خطی و چاپی است که زندگی استاد را بیان داشته و ما در این نوشته شمای از آنها را بازگو مینمائیم .
در صفحه ۷۸۳ حبيب السیر خطی مجموعه نگارنده، تالیف مورخ شهیر و هم دوره بهزاد خواند میر چنین مینویسد :

"مظهر بدایع صور است و مظهر نوادر هنر قلم مانی رقمش ناسخ آثار مصوران عالم و تصویرات هنر پروران بنی‌آدم (موی قلمش ز اوستادی جان داده بصورت جمادی)

و جناب استادی بیمن تربیت و حسن رعایت امیر علیشیر باین مرتبه ترقی نمود و خاقان منصور را نیز بآن جناب التفات و عنایت بسیار بود و حالا نیز نادرالعصر صافی اعتقاد و منظور نظر مرحمت سلاطین ایام است و مشمول عاطفت بی نهایت حکام اسلام، بی شبهه همیشه این چنین خواهد بود"
قاضی احمد مورخ مشهور دیگر، در گلستان هنر در مورد بهزاد چنین می‌نویسد :

"نادره دوران و اعجوبه زمان و بهترین نقاشان بود که وی از دارالسلطنه هرات است .

استاد زمانه حضرت بهزاد است کو داد هنر وری بعالم داد است

کم زاد بان مانی از مادر دهر بالله که بهزاد از او بهزاد است

استاد از طفولیت از مادر و پدر مانده و استاد میرک او را برداشته تربیت نمود و در اندک زمانی ترقی فرمود کارش بجائی رسید که تا صورت نقش بسته همچو او مصوری کسی در این روزگار ندیده .

نگار ز غالبش بچابک روی به است از قلم گیری مانوی

اگر مانی از وی خیر داشتی از و طرح و اندازه برداشتی

بود صورت مرغ او دلپذیر چو مرغ مسیحا شده روح گیر

استاد از زمان عشرت نشان پادشاه کامران سلطان حسین میرزا تا چند مدت از اوایل سلطنت و

پادشاهی شاه جنت مکان علین آشیان سید السلاطین و افضل الخواقین شاه طهماسب در عرصه روزگار بودند و آثار معجز نگار ایشان بسیار است."

بنوشه سید احمد آهو چشم خطاط معروف و شاگرد میر علی هروی، در مقدمه مرقع امیر غیب بیک که بزمان شاه طهماسب آرایش یافته و حالیه در کتابخانه خزینه اوقاف اسلامبول میباید:

"اما استادان مشهور خراسان مثل خواجه میرک و مولانا حاجی محمد و استاد قاسم علی چهره گشای و استاد بهزاد شبیه و نظیر ندارند"

از این جمله با استاد بهزاد ملاقات صورت بسته و الحق استاد مذکور بقوت بنان و قدرت بر رقم علی الاکف و الاقرآن فایق بوده و برکات اقلام و حرکات ارقامش بصد هزار آفرین لایق است.

ز کار زغالش بجا بک روی	بهشت از قلم گیری مانوی
اگر مانی از وی خیر داشتی	از و طرح و اندازه بر داشتی
بود صورت مرغ او دلپذیر	چو مرغ مسیحا شده روح گیر
قلم را از آن کار بالا گرفت	که اندر دو انگشت او جا گرفت
قلم چون به تشمیر گیرد دلیر	روان موی خیزد بر اندام شیر

در باهرنامه استاد را چنین توصیف مینماید:

"از مصوران بهزاد بود، کار مصوری را بسیار نازک کرد. اما چهره‌های بی‌ریش را بدمی گشاد غیب او را بسیار کلان میکشید. آدم ریشدار را خوب چهره گشائی میکرد."

از مشاهیر خط و هم عصر استاد، سلطانعلی مشهور است که در شعر نیز دست داشته و در مورد بهزاد ابیاتی دارد، که ذکر آن خالی از فایده نیست.

فرزند عزیز ارجمندم بهزاد	که که گذرش بر این طرف می افتاد
او عمر منست از ره صورت لیکن	عمر یست که از منش نمی آید یاد

حیدر دو غلات در تاریخ رشیدی احوال بهزاد و شاگردان وی را چنین می نویسد:

بهزاد. وی مصور استادیست اگر چه مقدار شاه مظفر نازک دست نیست اما قلم این از وی محکم تر است، طرح و استخوان بندی آن از وی بهتر است، در قدیم الایام در سلسله خواقین هلاکوی که پادشاهان عراق اند خواجه عبدالحی بوده است، اعتقاد اهل این صناعت آنست که وی ولی بوده است در آخر توبه کرده هر جا که از کار خود می یافته است میسخته و میسوخته از آنجهت کارهای وی بغایت کم یابست و در صفای قلم و نازکی و محکمی کلک در همه اوصاف تصویر مثل وی پیدا نشده است. بعد از خواجه عبدالحی و شاه مظفر، دیگر این بهزاد است و بعد از ایشان الی یومنا هذا مثل ایشان دیگری پیدا نشد، این دو تربیت یافتگان امیر علیشیرند، قاسم علی چهره گشای وی شاگرد بهزاد است، کارهای وی قریب با بهزادست و در همه اسلوب کسیکه ممارست بسیار کرده باشد در مییابد که کارهای قاسم علی درست ترست نسبت بکارهای بهزاد، و اصل طرح وی بی اندام ترست و مقضود دویم قاسم علی است و شاگرد بهزاد، قلم او هیچ کسی از قلم قاسم علی ندارد اما اصل طرح و پرداخت وی نسبت بقاسم علی خام است. و مولانا میرک نقاش وی از عجایبات روزگارست و استاد بهزادست، اصل طرح وی پخته تر از بهزادست اگر چه پرداخت وی مقدار بهزاد نیست اما تمام کارهای وی در سفر و حضر از پیش میرزا و در خانه و هوای بیرون میساخته است. هرگز مقید به حجره و کاغذلق نبوده این بسی عجب است.

مصطفی عالی افندی در کتاب مناقب هنروران چنین مینویسد:

... و نامدار و شهرمدار و دیار اوانلرک یعنی مصور لرک سرآمدی و زمره نقاشانک صاحب بخت سرمدی اولاک استاد "بهزاد" در که هر وی در و صنعتک او ایلی سلطان حسین بیقرا عصرینده و

اواخری شاه اسماعیل پورحیدر زماننده کمال رغبتله پدیدار و نقاش چین کمی نقش و نگاری مشهور دار و دیار اولدی. اگر چه اتی الذکر پیر سید احمد تبریزینک تلمیذ خاصی در. ولکن رواج ورغبتنه و نقش و تصویر ینگ مهارتینه باعث سابق الذکر پادشاه لرك التفات عالیه لرینه اختصاصیدر .

ترجمه - ((سر آمد مصوران استاد بهزادست که هروی و در زمره نقاشان صاحب بخت سرمدی است . اوایل صنعت او، در عصر سلطان حسین بایقرا و اواخر صنعت وی، در روزگار شاه اسماعیل بن حیدر بود . ظهور او مواجه شد با کمال رغبت عام، و از اینرو نقش و نگار وی مانند کار نقاش چین مشهور دار و دیار گردید، اگر چه وی تلمیذ خاص پیر سید احمد تبریزی است، اما باعث بر مهارت نقش و رواج تصویرش التفات عالیه پادشاهان سابق الذکر است .

دیگر نوشته دوست محمد هروی در مرقع بهرام میرزا است که بشماره ۲۱۵۴ در کتابخانه خرینه اوقاف استانبول مضبوط بوده و دارای ۱۴۸ ورق میباشد .

نسخه چاپی این اثر، با تعلیقات مرحوم فکری سلجوقی بسال اول سنبله ۱۳۴۹ در مطبعه دولتی کابل چاپ شده و در صفحه ۱۶ آن بروایت از اصل دیباچه در مورد بهزاد چنین نوشته است .

"دیگر شاگرد خلف سید مشارالیه، افضل المتأخرین فی فن التصوير قدوه المتقدمین فی التذهیب و التحریر نادر العصر استاد کمال الدین بهزاد است و تعریف و توصیف مومی الیه بر قوم قلم عجائب او در این موقع ظاهر است و بشرف ملازمت کتابخانه عطارذ آشیانه اعلی حضرت سکندر حشمت جام جاه دین پناه سلیمان سپاه ظل الله قهرمان الماء و الطین عون الاسلام و المسلمین ناصب رایات العدل والاحسان قانع بنیان الظلم و الطغیان، السلطان بن السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب المصوفی الموسوی الحسینی بهادر خان مشرف گشته و انواع رعایت و تربیت یافته و هم درین آستان ملائک پاسبان ودیعت حیات سپرده در جنب مقبره شکر گفتار شیرین مقال معدن وجد و حال شیخ کمال نور مرقده در تبریز آسوده "نظر افکن بخاک قبر بهزاد" تاریخ وفات اوست که سیادت مآبی امیر دوست هاشمی گفته ."

در تزوک جهانگیری و در صفحه ۲۸۵ جشن چهارمین نوروز، چون بمناسبتی اسمی از بهزاد برده شده باختصار ثبت میگردد :

"از نفایس و نوادر روزگار که خان عالم آورده الحق از تائیدات طالع او بود که چنین تحفه بدست افتاد، مجلس جنگ صاحبقران است باتقتمش خان و شبیه آنحضرت و اولاد امجاد و امراء عظام را که در آن جنگ بسعادت همراهی اختماس داشتند کشیده و نزدیک بهر صورتی نوشته که شبیه کیست و این مجلس مشتمل است بر دویست و چهل صورت، و مصور نام خود را خلیل میرزا شاهرخی نوشته . کارش بنهایت پخته و عالی هست و بقلم استاد بهزاد مناسبت و مشابهت تام دارد، اگر نام مصور نوشته نبودی گمان میشد که کار بهزاد باشد، و چون بحسب تاریخ او بیشتر است اغلب ظن آنکه بهزاد از شاگردان اوست ."

دیگر از مآخذ قدیم در مورد بهزاد، کتاب بدایع الوقایع زین الدین (۱) است که در صفحه ۱۴۵ آن چنین مینویسد :

"پادشاه مغفور مبرور نورالله مرقده از میان هنرمندان این صنعت و سحر آفرینان این حرفت

۱ - کتاب بدایع الوقایع از آثار ارزنده زین الدین محمود بن عبدالجلیل المشهور بواصفی اس که سال ۸۹۰ ه. ق. تولد یافته و کتاب را به غربت در ماواراء السهر نوشته است .

(جو میوه هلست سخن های واصفی دریافت ز باغ عمر خوری بر جو بشنوی سخنش)

این کتاب به تصحیح الکساندر بلدرف بوده و انتشارات بنیاد فرهنگ ایران آنرا نشر کرده است .

استاد بهزاد نقاش را که مصوران هفت اقلیم سر تسلیم پیش او فرود آورده بودند و صورت دعوی مسلمی را علی العموم بدو سپرده بودند اختیار فرموده بود. او را مانی ثانی لقب نموده هر گاه که این پادشاه عالیجاه را غمی یا المی پیرامون خاطر گردیدی و غبار قبضی بر مرآت ضمیر منیر رسیدی استاد مشارالیه صورتی برانگیختی و پیکری بر آمیختی که بمجرد نگاه کردن حضرت پادشاه در وی آینه طبعش از زنگ کدورت و صفحه خاطرش از نقوش متنوعه بخود همراه داشتی که بوقت حاجت بکار بردی و اکثر صورت امیر بابا محمود را که از جمله امرای عظیم الشان و کبرای سترگ رفیع المکان درگاه عالم پناه بود باوضاع مختلفه تصویر مینمود و میر مذکور صورت عجیب و هیات غریب داشت.

..... القصة روز بروز و ساعت بساعت هنر و مرتبه استاد در ترقی بود بهر نقش که میکشید او را از پس پرده غیب صورت فتح ور شدی روی مینمود. مشهور است که استاد مذکور صحیفه مصور بمجلس فردوس آئین سپهر تزیین امیر کبیر امیر علیشیر آورد و صورت حال آنچنانکه باغچه آراسته بود مشتمل بر درختان گوناگون و بر شاخسارش مرغان خوش صورت بوقلمون و بر هر طرف جویبارها جاری و گلبن‌های شکفته زنگاری و صورت مرغوب، میر آنچنانکه تکیه بر عصای زده، ستاده و برسم ساجیق طبقهای پر زر در پیش نهاده، چون حضرت میر آن صورت‌ها را مشاهده و ملاحظه نمود آن صحیفه لطیف ریاض باطنش را بگلکهای بهجت و سرور و اطراف حیاض خاطرش را باشجار فرح و حضور بیار است و از عندلیب طبعش بر شاخسار شوق و ذوق نوای الاحسن الاحسن برخاست بعد از آن روی بحضار مجلس کرد و گفت عزیزان را در تعریف و توصیف این صحیفه لازم التشریف بخاطر چه میرسد؟ مولانا فصیح الدین که استاد میر و از جمله مشاهیر اهل خراسان بود فرمود که مخدوما " من این گلکهای شکفته رعنا را دیدم خواستم که دست دراز کنم و گلی برکنم و بر سر دستار خودمانم . مولانا صاحب دارا که مصاحب و رفیق میر بود گفت مرا نیز این داعیه شده بود اما اندیشه کردم که مبادا دست دراز کنم و این مرغان از سر درختان پرواز نمایند . مولانا برهان که سرآمد ظرفا و قدوه اهل خراسان بود و لاینقطع بجناب میر تعرض و ظرافت مینمود گفت که من ملاحظه کرده دست و زبان نگاه میدارم و دم زدن نیآرم که مبادا حضرت میر در اعراض شوند و روی و ابروی خود درهم کشند حضرت میر فرمودند که عزیزان سخنان خوب گفتند و درهای معانی مرغوب سفتند اگر مولانا برهان آن ناخوشی و درشتی نمیکردند بخاطر رسیده بود که این طبقهای ساجیق را بر سرباران نثار کنیم . بعد از آن استاد بهزاد را اسب با زین و لجام و جامه مناسب و اهل مجلس را هر کدام لباسهای فاخر انعام فرمودند . "

بنوشته مورخان و تذکره نویسان، بهزاد در مکتب استادان بنام و سرشناس تعلیم دیده و بشهرت رسیده است . جهانگیر در تزوک خود نوشته است که خلیل میرزا نامی موفق به کشف هنری او گردیده و فن تصویر را باو آموخت . در نوشته دیگری در مقدمه حمامه نامه، بهزاد را شاگرد ناصرالدین مذهب دانسته و او را استاد اولیه بهزاد معرفی کرده است .

مصطفی عالی افندی در مناقب هنروران، از بهزاد یاد کرده و چنین نوشته است .

« اگر چه وی تلمیذ خاص پیر سید احمد تبریزی بود ولکن رواج و رغبت نقش تصویرش ازالتفات عالیه پادشاهان سابق الذکر است »

دوست محمد هروی در دیباچه مرقع بهرام میرزا، استاد اولیه او را نید امیر روحاله میرک هروی دانسته و چنین یاد کرده است :

« دیگر شاگرد خلف سید مشارالیه (روح اله میرک هروی) افضل المتأخرین فی فن التصوير قدوه المتقدمین فی التذهیب و التحریر نادر العصر استاد کمال الدین بهزاد است و تعریف و توصیف مومی

البه برقوم قلم عجایب او در این موقع ظاهر است و بشرف ملازمت کتابخانه عطار دو آشیانه اعلی حضرت سکندر حشمت جمجاه دین پناه سلیمان سپاه و غیره مشرف گشته و انواع رعایت و تربیت یافته))

در مورد رشد و تعالی موفقیت آمیز استاد بهزاد، این نکته معلوم است که ابتدا در خدمت پادشاه هنر نواز سلطان حسین بایقرا (۹۱۲ - ۸۷۳) و زیر نظر و رعایت‌های پدران و وزیر پر آوازه‌اش امیر علیشیر نوائی و با بهره‌جویی کامل از سرچشمه استادان بنام زمان خود در هرات مدارج هنری را بسرعت طی کرده و بسر منزل مقصود رسید و پس از مرگ سلطان حسین که نواحی خراسان بدست محمد شاه بخت خان شیبانی معروف به شیبک خان افتاد، در خدمت وی نیز مقام پر ارجی پیدا کرده و بخلق آثاری همت گماشت.

پس از قتل شیبک خان بدست شاه اسماعیل و بر چیده گشتن بساط وی بسال ۹۱۶ پادشاه جوان صفوی عدمای از معاریف و مشاهیر هنری هرات چون بهزاد و میرک و قاسمعلی و حاجی محمد را به تبریز انتقال داد و در این شهر بود که بهزاد شهرت زایدالوصفی پیدا کرده و اهمیت و اعتبارش از مرزهای ایران به مالک هم جوار رسید، او که جزو ملازمان شاهی و در سفر و حضر بخدمت بود به سبب کمالات صوری و معنوی مورد محبت شاهانه گشته و در تاریخ ۲۷ جمادی الاول سال ۹۲۸ بریاست کتابخانه پادشاهی منصوب و مشغول کار گردید. (۲) و (۳) (سوادفرمان در صفحه ۱۱۲) پس از مرگ شاه اسماعیل که بسال ۹۳۰ اتفاق افتاد فرزند خردسالش بنام شاه طهماسب (به تاریخ نهمد و سی از هجرت در محل چاشت روز دوشنبه نوزدهم شهر رجب موافق بچین ثیل ترکی جلوس بر سریر جهانبنیانی واقع شده در سن ده سالگی) (۲) به سلطنت نشست.

شاه طهماسب سلطانی هنرپرور و ادب دوست بود و علاقه زیادی بخط و نقاشی و سایر هنرها داشت. اولین معلم نقاشی او به دوران صباوت، سلطان محمد نقاش شاگرد همکار بهزاد بود. او از محضر بهزاد و آقا میرک نیز بهره یاب گشته و بمنابه مرید و مرادی و استادی و شاگردی آنان را عزیز و گرامی میداشت.

بنوشته آقای حسین میر جعفری در مجله هنر و مردم شماره ۴۲، نامهای در آرشو موزه توپ تاپو سرای ترکیه موجود است که بخط بهزاد بوده و متن آن بعقیده اینجانب تقاضای دریافت خرجی است که جهت تصویر و تذهیب و کتابت کتابی بنام تاریخ حضرت شاهی یعنی شاه طهماسب (کلمه شاهی را باحترام کنار نامه می‌نوشتند) میباشد. چون در آن زمان بهزاد رئیس کتابخانه بوده و دریافت مخارج و پیراسن و نوشتن هر اثری بعهد او بوده است. (عکس اصل نامه در صفحه ۱۱۲)

۲- متن فارسی و ترجمه فراسه این سواد در ماهنامه عالم اسلامی جلد ۲۶ بوسیله مرحوم علامه فروسی و سپس متن فارسی آن در کتاب گلستان هنر به اهتمام و نصیح آقای مهدی سهیلی خوانساری صفحه ۱۳۵ درج و منتشر شده که ما عیناً در اینجا شت مینمائیم.

۳- به گفته کتاب سابق هنروران که بیشتر بافسانه شهاخت دارد چنین مینویسد:
 ((شاه اسماعیل بهزاد را زیاده از حد دوست میداشت، در جنگ چالدران گویا شاه محمود سشاپوری و بهزاد حضور داشته‌اند، وقتی شاه اسماعیل احتمال به شکست خود و اختلال احوال آن سامان داد، شاه محمود و بهزاد را در غاری پنهان کرد و پس از خاتمه جنگ نخست بسراغ این دو همرسد آمد و حفظ آن دورا بمال و خزائن خود مقدم داشت))

۴- تذکره شاه طهماسب چاپ برلین صفحه ۸.

سواد فرمان شاه اسمعیل برای کلانتری کتابخانه همایون بنام بهزاد

چون ارادت کارخانه ایجاد و تکوین و مشیت محرر نگارخانه آسمان و زمین که بر طبق کلمه و صور کم فاحسن صور کم نقش وجود غرایب نمود بنی نوع بشر در احسن صور بر صفحه امکان پرداخته قلم قدرت اوست و تصویر صورت تفضیل افراد انسان بر سایر مخلوقات ربانی بمقتضای و فضلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تحریر کرده انامل حکمت او منشور انا جعلناک خلیفه فی الارض را بر صحیفه حلکاری خورشید بخامه عطارد بنام همایون اتسام ما امضا نموده و اوراق سپهر لاجوردی را جهت کتابت روز نامه آثار فتح و نصرت ما با فشان نقره کوب کواکب و جدول شجره گون شفق منقش و مزین فرموده لایق آن و مناسب چنان مینماید که لوح ضمیر الهام پذیر همایون که مطرح اشعه انوار الهی و مظهر صور آثار خیر خواهی است بدینصورت مصور باشد که هر مهم از کرایم مهمات سر کار کامرانی و هرامر از عظیم امور کارخانه جهانبانی بهنرمندی دانا و کاردانی فضیلت انتما که بطراحی ذهن باریک بین و رنگ آمیزی طبع ظرافت آئین طرح ابداع انواع کفایت و نقش اختراع اصناف فراست بر تخته وجود ظاهر تواند نمود و نقاب حجاب از چهره مطلوب و مقصود تواند گشود و مفوض و متعلق باشد بنه علی هذا درین ولا نادر العصر قدوة المتصورین واسوة المذهبین استاد کمال الدین بهزاد را که از قلم چهره گشایش جان مانی خجل شده و از کلک صورت آرایش لوح ارتنک منفعل گشته و پیوسته قلم وار سر بر خط فرمان واجب الاذعان نهاده و بر کارمثال پای در مرکز ملازمت آستان خلافت آشیان استوار کرده مشمول الطاف خسروانه و اعطاف پادشاهانه ساخته حکم فرمودیم که منصب استیفا و کلانتری مردم کتابخانه همایون و کاتبان و نقاشان و مذهبان و جدول کشان و حلکاران و زرکوبان و لاجورد شویان و سایر جماعتی که بامور مذکوره منسوب باشند در مالک محر و سه مفوض و متعلق بدو باشد سبیل امرای روشن ضمیر و وزرای بی شبه و نظیر و نواب درگاه عالم پناه و ایلجیان بارگاه سپهر اشتباه و مباشران امور سلطانی و متصدیان مهام دیوانی عموماً و اهالی کتابخانه همایون و جماعت مذکوره خصوصاً آنکه اسناد مشارالیه را مستوفی و متعهد کلانتری دانسته کارهای کتابخانه را باستیفا و برآورد او رسانند و آنچه برآورد کند بمهر و ثبت او معتبر دانند و از سخن و صوا بدید او که در باب ضبط و ربط امور کتابخانه همایون گوید عدول و تجاوز ننمایند و آنچه از لوازم امور مذکورست مخصوص بدو شناسند و مشارالیه نیز باید که صورت امانت و چهره دیانت بر لوح خاطر و صفحه ضمیر منیر مصور و مرتسم گردانیده بطریقه راستی در این امر شروع نماید و از میل و مداهنه مجتنب و محترز بوده از جاده صدق و صواب انحراف و اجتناب نکند از جوانب برین جمله بروند و چون این حکم همایون بنقش توقیع و قیغ. اشرف اعلی منقش و مشرف و محلی گردد اعتماد نمایند تحریراً فی ۲۷ جمادی الاولی سنه ۹۲۸.

عاشقانه
بنده و مقربین بخدمتتان

بخدمت نوب کویب میرپناه

یارب که مرا صحبت جانان بودی در
زبستی بنیاد بنش بودی در

انجام زده نیکو زمان سینا تو بودی
کوته گویم سخن بیان سینا تو بودی

ثابته غمخیزیدار که در میان مرا صحبت و کوب حضرت حکم شده بود که باین نمر

خوبی و منتهای کجاست تا این حضرت مشغولی نماید زبده صفت برین و پیش رو از دوست

بخدمت نواب رسید که در آن باب پروانه و نشان در پست نماید صید و در پست که در

خط کیمیا ساز مجو نغمه ای که بگویی حکم بهات قیام تواند نمود و نیز مثل بر تفسیر این دو سخن از نشود

انرا پس ایام القات نمود و بنمان ساز که درین جنب پسر از کرد و دو واجب بود و درین

پس این کجاست می نمود سعادت و در نهایتی چشمم بود به لبی و الاله جاد

دی
اصی

نامه بهزاد بشاه طهماسب صفوی

عرضه داشت بنده کمترین بندگان بهزاد .
بعز عرض نواب کامیاب میرساند . که :

یارب که مرا صحبت جان بی تومباد از هستی من نام و نشان بی تومباد
انجام زمانه یک زمان بی تومباد کوتاه کنم سخن ، جهان بی تومباد

ثانیا " عرضه میدارد که در محل مراجعت حضرت شاهی حکم شده
بود که باین فقیر خرجی دهند ، تا بکارهای تاریخ حضرت شاهی مشغولی
نماید . از جهت ضعف بدن و تعجیل دوا زو نتوانست بملازمت نواب
رسید که در آن باب پروانه و نشان درست نماید . امیدوارست که از
گوشه خاطر کیمیا مآثر محو نفرمایند که تا بموجب حکم بهمات قیام
تواند نمود و نیز حمل بر تقصیر این دولتخواه نشود .

التماس آنکه التفات نموده چنان سازند که در این جانب سرفراز
گردد و چون واجب بود بعرض رسانیدن گستاخی نمود .

سعادت دو جهانی مستدام باد ، بالنبی والهالامجاد .

با ملاحظه سطور آخر نامه (چون واجب بود بعرض رسانیدن گستاخی نمود) معلوم میشود که دریافت خرجی جنبه خصوصی نداشته و جهت مصارف کتابخانه سلطنتی بوده است. بدین ترتیب دوران پیری و اواخر زندگی بهزاد در تمام دوره سلطنت شاه طهماسب بخوشی و سعادت مقرون بوده و در کمال رفاه و آسایش خاطر بخلق آثار جاویدان اشتغال داشته است. شاگردان و مشتاقان پیرو شیوه بهزاد که هر یک به تنهایی استادان عالی مقامی نیز بوده‌اند طبق روایات و اسناد بدست آمده عبارتند از:

۱- جلال الدین میرک اصفهانی - اصلاً اصفهانی و در هرات و تبریز شاگرد و همکار وی و پس از مرگ بهزاد رئیس کتابخانه شاه تهماسب شده و تا روز وفاتش کتابدار سلطنتی و مقرب دربار وی بوده است.

۲- میر مصور اهل سلطانیه بوده و استاد نقاشی میرزا زین العابدین اصفهانی می‌باشد.

۳- ملا یوسف ۴ مقصود دوست دیوانه ۵ مظفر علی.

باستناد مدرکی در مرقع امیر حسین بیک بخط مالک دیلمی که در مقدمه آن از مظفر علی یاد کرده و نوشته است: "همچنین جناب استاد الدهر و نادر العصر جامع فنون حیثیات علمی و عملی استاد مظفر علی که جناب استاد ابوالبشر معروف الزمان و مشهور الدوران استاد بهزاد را هم شاگرد بلاواسطه و هم خویش است و در جامعیت فنون استادی از و بیش."

۶- ملا درویش محمد نقاش خراسانی (بنوشته مجالس النفایس)

۷ و ۸- رستم علی و حیدر علی خواهر زادگان بهزاد.

۹- خواجه عبدالعزیز پسر خواجه عبدالوهاب.

۱۰ و ۱۱- قاسم علی و سلطان محمد از ممتازترین شاگردان بهزاد.

۱۲ و ۱۳- تراز و بهرام قلی اثرزیبائی از تراز بسال ۹۱۲ و همچنین تصویری از بهرام قلی بسال ۹۱۷ و در شیوه بهزاد در کتابی بنام (صور من مدرسه بهزاد) بشماره‌های ۸ و ۹ چاپ شده که معرف زبردستی و استادی آنان می‌باشد. ۱۴- صادقی بیک.

در مورد تاریخ مرگ و مدفن استاد بهزاد، روایات مختلفی وجود دارد که اغلب با هم مغایرند، قاضی احمد فوت بهزاد را چنین آورده:

"فوتش در دارالسلطنه هرات و در حوالی کوه مختار و در حظیره پراز نقش و نگار مدفون است"

در کتاب تعلیقات مرحوم فکری سلجوقی، که در افغانستان چاپ شده است در صفحه ۱۰۱ کتاب راجع به مرگ بهزاد چنین می‌نویسد:

"در دهلی رسالهای دیدم که تالیف شیخ محمد قمی کتابدار بود، در آن رساله نوشته بود که بهزاد پس از سالها ماندن در قزوین و تبریز جهت دیدار مولانا رستم علی خواهرزاده خود بهرات برگشت و قبل از ورود بهزاد، مولانا رستم علی از جهان رفته بود. و قضا را در همان سال، بهزاد را مرضی عارض شد و از دنیا رفت و پیکر پاک آن استاد نامدار در جوار قبه پرنقش و نگار مختار، پهلوی رستمعلی خواهرزاده‌اش دفن گردید و این شعر از آن رساله است.

استاد زمانه حضرت بهزاد است کو داد هنروری بعالم داده است

کم زاد بسان مانی از مادر دهر البته که بهزاد از او به زاد است

دوست محمد هروی در دیباچه مرقع بهرام میرزا، در مورد مرگ بهزاد می‌نویسد:

"هم در این آستان ملایک پاسبان (شاه تهماسب صفوی) ودیعت حیات سپرده و در جنب مقبره شکر گفتار شیرین مقال معدن وجد و حال شیخ کمال نور الله مرقد در تبریز آسوده (نظر افکن بخاک قبر بهزاد) تاریخ وفات اوست که سیادت مآبی امیر دولت هاشمی گفته"

در حقیقت نیز نوشته دوست محمد هروی مقرون به صحت بوده و بهزاد بسال ۹۴۲ در تبریز وفات یافته و در باغ کمال جنب قبر کمال خجندی شاعر معروف مدفون می باشد .
قطعه ذیل را که امیر دولت هاشمی سروده بر سنگ مزارش دیده میشود .

ز بطن مادر ایام کم زاد	وحید عصر بهزاد آنکه چون او
قضا خاک وجودش داد بر باد	اجل چون صورت عمرش به پرداخت
بدو گفتم جواب از جان ناشاد	ز من صورت گری تاریخ پرسید
نظر افکن به (خاک قبر بهزاد)	اگر خواهی که تاریخش بدانی

۹۴۲ ه.ق .

قیافه و شمایل بهزاد در تصویری مضبوط در کتابخانه دانشگاه اسلامبول ارائه شده . (۱)
که گویا بدست نقاش و یا توسط شاگردان علاقمند و صمیمی وی ترسیم گشته است .
در این اثر ارزنده که استاد را در اوایل پیری نشان میدهد کلاه عمامای مخصوص بسر گذاشته و قبای بلند و کفش کوچک پوشیده و در محلی ایستاده است .
او بدست چپ وسایل تصویر سازی گرفته و بدست راست کتابی را ارائه مینماید .
صورت و قیافه او نحیف است و ریش و سبیل کم پشتی دارد .
اصل تصویر متعلق به کتابخانه دانشگاه استانبول است که بطن قوی بدست یکی از شاگردان هنرمندش تصویر گشته است .

آثار رقم دار اصیل وی عبارتند از :

۱- عالیترین و اصیل ترین تصاویر بهزاد در کتاب بوستان سعدی مضبوط در کتابخانه قاهره مصر میباشد. این اثر پرمایه که بسال ۸۹۳ الی ۸۹۴ در شهر هرات تصویر گشته، مشخصات آن اخیراً " در کتابی بنام (صور من مدرسه بهزاد فی المجموعات الفنیة بالقاهرة) توسط دکتر محمد مصطفی، بهکس رنگی و زبان عربی چاپ و منتشر گشته است .
در این کتاب کلا " ۱۲ تصویر ارائه شده که لوحه ۱ تا ۶ آن کار بهزاد بوده و بقیه بوسیله شاگردان پیرو مکتب استاد تصویر گشته است .

شماره ۱ و ۲ بی رقم ولی شماره های ۳ و ۴ و ۵ و ۶ برقم بهزاد بوده از کارهای اصیل و ممتاز استاد میباشد . شماره ۸ و ۹ رقم بهرام قلی و شماره ۷ رقم ترماز و بقیه بدست نقاشان صاحب کمال و شاگردان گمنام استاد است که هم جوار شاهکار استاد برشته تصویر درآمده است .
در اینجا ۶ تصویر رقم دار و بی رقم بهزاد را باختصار معرفی مینمائیم .

۱- سلطان حسین میرزا در وسط باغی نشسته و عده ای از دوستان و ندیمان باطراف وی جمع شده و باده گساری مشغولند . در پشت معجر باغ، انبوه درختان پر طراوت، چشم نواز در زمینه طلائی ارائه شده و خانواده دهقانی نیز در گوشه باغ سکنی گزیدمانند . درب ورودی قصر، منقش و مرصع و الوان است و دربان خانه مرد فقیری را از جلو آن دور می سازد . (صفحه ۳۴ کتاب)

۲- مجلس دوم، بساط مهمانی و طرب حسین میرزا با دوستان جوان است که روی دوش سفیدی بروی فرش نشسته و اطرافیان و دوستان به لهو و لعب سرگرمند .
ساختمان شش گوش و برج رنگین و پر پیرایه و چادر منقش که به تصویر انواع طیور و جانوران دیگر آذین شده کم نظیر است .

۳- لوحه سوم ترسیم حکایت دارا و شبان است، که در بالای آن این بیت جلب نظر مینماید :

ملک را دل رفته آمد بجای بخندید و گفت ای نکوهیده رای

در این نقاشی، ملک دارا با لباس پر رنگ و نگار و وسایل رزمی سوار اسب شده و چوپانی در مقابل بگفتگو ایستاده است. در حوالی صحنه، نقش موزون و دلفریب ده راس اسب بزرگ و کوچک دیده میشود که به زبردستی انجام یافته است. منظره کوه و درختان، استوار و دل چسب است و روی جعبه تیر رقم دارد. (عمل العبد بهزاد)

۴- منظره مسجدی با کنبه سبز و کاشی کاری مزین و خطوط لاجوردی و طلائی در کمال آتش دستی تصویر شده و در کنار منبر مسجد، عده‌ای از علماء به صحبت و مذاکره و در تالار جنبی نیز جماعتی به عبادت و تدریس مشغول هستند، در بیرون مسجد که دیواره آن، در کمال استواری و ترکیب است مردی وضو میگیرد و گدای سیاه چرده‌ای از عابر توانگر درخواست پول میکند، امضا بهزاد در کتابی که در داخل مسجد و در دست یکی از علماء است جلب نظر مینماید. در طرف راست کتاب کلمات (ضرب زید) نوشته شده و در مقابل آن رقم (عمل العبد بهزاد) درج گشته است.

۵- لوحه پنجم، جلسه تدریس و بحث و مذاکره در مسجد را نشان میدهد. سردر ورودی داخل مسجد در کمال استواری و فریبندگی نقش گشته و حواشی آن به خطوط و اذعیه خوش، آذین گشته است. داخل مسجد نیز بهمان عیار و حلاوت بیرونی، آرایش شده و از پنجره انتهای اش، درختان پر گل باغ، بخوبی دیده میشود.

جماعتی از مومنین و طلاب علوم، در بیرون و داخل مسجد به گفتگو و بحث و مذاکره مشغولند. در انتهای آخر کتیبه، بخط سفید رقم دارد. (عمل العبد بهزاد فی سنه ۸۹۴)

۶- لوحه ششم، تصویر حکایت یوسف و زلیخا است که بساختن قصری هفت در فرمان داده بود. قصر در کمال استواری و خوش منظری انجام یافته و این بیت در بطن آن درج شده است.

(زلیخا جو گشت از می عشق مست بدامان یوسف در آویخت دست)

تصویر زلیخا در نهایت حلاوت و آراستگی، در بالکن قصر ارائه شده که به اشاره دست با یوسف صحبت میکند. در معجر وسط و کناره اطاق ست چپ رقم دارد. (من عمل العبد بهزاد) و در بالای در ورودی همین اطاق، سنه ۸۹۳ جلب نظر مینماید.

۷- تصاویر خمسه نظامی که بسال ۹۰۰ یا ۸۹۶ ه.ق. تصویر شده و بشماره ۲۵۹۰۰ در بریتیش میوزیوم مضبوط میباشد. یکی از آن تصاویر، لیلی و مجنون در مکتب خانه و دیگر داستان خلیفه مامون در حمام، دیگر ساختمان قصر خورنق، دیگر صحنه جنگلی است که از بهترین کارهای بهزاد بوده و در هرات انجام یافته است. (تصویر قصر خورنق شماره ۳۳)

۸- تصاویر خمسه نظامی که بتاريخ ۹۳۲ در تبریز نقاشی شده و حالیه در موزه متروپولیتن نیویورک میباشد، یکی از آن تصاویر، مجلس رزمی اسکندر و داراب است که بزببائی نقش بسته است.

۹- تصاویر لیلی و مجنون از کارهای آخر بهزاد موجود در موزه شهر لنین گراد.

۱۰- تصویر خلیفه زاده هارون الرشید، عمل بهزاد در صفحه ۶ کتاب LE GUIRLANDE DE L'IRAN که بسال ۱۹۴۸ چاپ شده و در کمال نفاست و زیبایی میباشد.

۱۱- مینیاتور رقم دار بهزاد که تصویر آن در صفحه ۸۱ کتاب PERSIAN PAINTING تالیف روبرت هیلن براند ۱۹۷۷ قرار دارد.

نقاشی فوق العاده نفیس داخل مسجدی را نشان میدهد که حواشی و محراب آن با کاشی‌های زیبای رنگی نقاشی شده و در قسمت بالای آن اشعاری نوشته شده و در گوشه بالای انتهای درب و پنجره

(عمل العبد بهزاد)

دست راست رقم دارد.

در داخل تالار، حضرت محمد (ص ع) با حسنین در وسط نشسته، قنبر و عده‌ای از مومنین ایستاده و نشسته حضور دارند. این میناتور از کتاب بهارستان جامی بوده و تاریخ آن تقریباً سال ۹۳۲ می‌باشد ۱۲- در صفحه‌ای از مرقع گلشن تهران، تصویر پیر مردی است که شترها را به نشستن مجبور میکند و ساربانهای دیگر در این امر وی را یاری مینمایند، رنگ لباسها و روپوش و پوستینه‌های شترها جلوه بس زیبا دارد. در زیر نقاشی نوشته:

«این رقمی است بدیع خلقت مشعر از مضمون (افلاینظرون الی الابل کیف خلقت) که قلم شکسته نهاد فقیر نامراد بهزاد از وصول عمر بدرجه هفتاد، به تجربه قوی در این امر افتاد و المسئول من الله العفوی المعاد»

۱۳- هنر بهزاد در کشورهای هم جوار، بویژه در هند و پاکستان نیز تاثیر بسزائی داشته کما اینکه نانا نقاش هندی بسال ۱۰۱۷ بامر پادشاه نورالدین محمد جهانگیر، تصویر شتر و پیر مرد را از روی عمل بهزاد ساخته و این طور نوشته است (الله اکبر این کار استاد بهزاد را دیده نانهای مصور کرده حسب الحکم. (من حرره جهانگیرین اکبر پادشاه غازی ۱۰۱۷) صفحه ۷ مرقع گلشن

۱۴- عبدالمحمد خان ایرانی در صفحه ۱۴۷ کتاب خود، بنقل از کتابخانه حکومت مصر و از کتاب مصور حکیم نظامی، تصویر جوانی را که نشسته و دست روی دست گذاشته ارائه داده و در بالا نوشته است: شاپور شاه و در پائین رقم بهزاد دیده میشود.

۱۵- اثر دیگر، تصویر گاوی است که در چنگال شیر اسیر شده، گاو زبان بسته از ترس زبان خود را در آورده و مستاصل رومات و حیران مانده است، در افق دور، گرگ و روباهی گرسنه در انتظار پایان ماجرا نشسته و خود را بصرف غذای چرب و نرمی آماده کرده‌اند. در متن تصویر، درخت زیبایی ارائه شده و رقم دارد.

(بفرموده سلطان الاعظم اکرم سلطان مهردا رقم فقیرالحقیر بهزاد سلطانی)

۱۶- تصویر جنگ بر روی جیحون، چاپ شده در صفحه ۱۷ مجله روزگار نو جلد ۵ شماره ۲. و در صفحه ۱۵ همین شماره و در طرف راست آن بار دادن تیمور در هنگام جلوس به تخت سلطنت است. در طرف چپ صفحه، حمله لشکریان تیمور بشهر خیوه که هر دو از کارهای بهزاد میباشد. در روی جلد ۵، شماره ۱ این مجله، در صفحه ۴۶، از نقاشی نسخه ظفر نامه عمل بهزاد ارائه شده است. (۷)

۱۷- تصویر صورت مولانا عبدالله هاتفی، با رقم عمل استاد بهزاد، صفحه ۱۳۴ کتاب گلستان هنر تصحیح احمد سهیلی خوانساری.

۱۸- تصویر امیری با خدمتگذاران است که درکنار سراپرده زیبایی از اسب پیاده میشود. (مرقع گلشن) ۱۹- مجلس بزم سلطان حسین بایقرا است که بانوان و رامشگران ایستاده و در میان آنها زن جوانی نیز دیده میشود. در میان دفتری که زن جوان بدست دارد. نوشته (سراپرده حسین میرزا عمل بهزاد) (مرقع گلشن)

۲۰- منظره قصر زیبایی، در فصل زمستان است که نزدیک ساختمان زیبای آن زن جوانی نامه‌ای بزییر بغل گرفته و شمشیری بکمر بسته و با دربان قصر بگفت و گو مشغول است، رقم دارد. (تصویر بهزاد) (مرقع گلشن) دیگر تصویر سلطان محمد خوارزم شاه است که رقم دارد. (صوره بهزاد) (مرقع گلشن)

۷- در سال ۱۹۲۲ سرتاماس آرنولد نقاشی‌های ظفر نامه کار بهزاد را که سال ۸۷۲ ه.ق. نقاشی شده است چاپ و منتشر نمود.

- ۲۱- تصویر جوان محکومی است که بحالت نیایش نقاشی شده و مراقبین در پشت سر جوان دیده میشوند، این اثر نیز در مرقع گلشن تهران بوده و رقم بهزاد را دارا میباشد .
- ۲۲- تصویر سلطان محمد خوارزم شاه است که شمشیر به زیر بغل نهاده و بحال احترام در مقابل مرشدش زانو زده است، در روبرو و پشت کوهها مهتر مخصوص دهنه اسبها را گرفته و حفاظت میکند، روی کوه بخط نستعلیق رقم دارد . (صوره بهزاد) مرقع گلستان .
- ۲۳- هشت اثر ارزنده بهزاد که در کتاب ظفر نامه است و در آخر کتاب چنین نوشته شده است :
- (لکاتبه تجاوز اله عنہ)

جبران شده در صفای این روح امین
انعام کتابی است فی بضع سنین ۸۷۲))

تحریر جو تقریر به از در یمین
از دست فقیر کمترین شیر علی

در آخر کتاب، جهانگیر پادشاه بخط خود نوشته :

((ظفر نامه بخط شیر علی کاتب مشتمل بر دوازده صفحه تصویر به کار نادره دوران استاد بهزاد مع چهار لوح از بابت پیش کش میر جمال الدین حسین انجو))

در اول کتاب چنین رقم رفته است :

((الله اکبر - کتاب ظفر نامه بخط مولانا شیر علی و هشت مجلس تصویر کار اولین استاد بهزاد که در نفاست نظیر ندارد، از کتابخانه حضرت عرش آستانی پدر بزرگوار من سال اول جلوس مطابق هجری داخل کتب این نیازمند درگاه الهی شد . حرره نورالدین محمد جهانگیر شاه اکبر))

در زیر این نوشته جهانگیر پادشاه نوشته :

((این ظفرنامه شریف که از نوادر دوران است بتاریخ ۲۷ ماه بهمن هشتم شهر جمادی الثانیه سنه ۱۰۳۲ هجری که روز جلوس مبارک است داخل کتابخانه خاصه این نیازمند درگاه شد، چون نهایت نفاست دارد همیشه در حضور می باشد و اکثر اوقات بمطالعه در می آید .
حرره شهاب الدین محمد شاه جهان پادشاه ابن جهانگیر پادشاه))

۲۴- تصویر شیبک خان محمد شاه بخت خان شیبانی .

در این تصویر، شیبک خان با صلابت و قیافه سرداران مغولی چهار زانو نشسته و دستهای خود را روی زانوان قرار داده و به منکای بزرگی تکیه کرده است. وسایل تحریر و کتابت از قبیل قلمدان و کاغذ و دفتر و غیره در کنار دیده میشوند . در گوشه های طرفین بالای تصویر، بخط نستعلیق زیبایی تحریر رقم دارد . (صورت شیبک خان العبد بهزاد)

۲۵- اثر منسوب دیگر، تصویر درویشی با عبا و عمامه مخصوص است که دو زانو نشسته و دستها را بروی هم انداخته است. در قسمت بالا که تذهیب فوق العاده ای نیز دارد، بخط تحریر نوشته :

((صورت درویش بغدادی بعمل حضرت استاد بهزاد))

۲۶- تصاویر ظفر نامه تیموری بخط سلطان محمد نور که بسال ۹۳۵ تصویر شده و مذهب آن شخصی بنام میر عضد بوده و در آخر رقم دارد .

(کتابه سلطان محمد نور و ذهبه میر عضد و صوره بهزاد ۹۳۵)

۲۷- تصویر دو غزال بی شاخ و شاخ بلند که هر دو برگشته و سر به گردن بردماند . در طرفی یک شاخه درخت انگوری تصویر شده و در روی بوته بزرگتر خرگوشی دیده میشود، رقم بزرگ و خط تحریری نستعلیق دارد . (نقل از کار مولانا ولی صوره العبد بهزاد)

۲۸- تصویر استادانده و پر ملاحظت شاه طهماسب در جوانی است که بالای درخت بلندی نشسته و جوان خدمتکاری از نردبان بالا میرود . وزیر و ندیم پیرش که به لباس وزارت ملبس شده، تنگ شراب

را بشاه تعارف میکند .

مهتر مخصوص اسب شاه را گرفته و باز دار سلطنتی باز بدست دارد، پیر مردی که به عصای نازکی تکیه کرده و ناظر صحنه است روی دامنش نوشته است .
(پیری قاپوچی)

در خت بلند و زیبای سروی که بروی آن مرغی نشسته است جلوه دل انگیزی دارد .

در سمت چپ نوشته (شبهه حضرت شاه طهماسب) در گنج نردبان بخطر ریز رقم بهزاد را دارد .

۲۹- تصویر ساده و سیاه قلمی حسین میرزا بروی اسب است که با صورت خندان و سبیل ازبکی کوچک و چشمان نافذ و کلاه عمامای پرداز و در لباس رزم نقاشی شده و از هر نظر استادانه میباشد . در زیر کاندان و زیر شمشیر بلند، در یک ترنج شش پر بخط فوق العاده ریز رقم داشت .

(الفقیر بهزاد) در کناره اثر بخط دیگری نوشته شده (صورت سلطان حسین میرزا) بهزاد
۳۰- در تاریخ ۸ آپریل ۱۹۸۰ در بریتیش میوزیوم نمایشگاهی در مورد رسم ازدها در تصاویر ایران افتتاح شد که یکی از آنها اثری از بهزاد در کتاب خمسه نظامی بود .

این کتاب که بخط نستعلیق غبار زیبا نوشته شده و موضوع آن برداشتی از این بیت شعر بود
(چونک میدان ز ازدها شد تنگ
شه در آمد به ازدها چون نهنک)

که در کناره اثر دیده میشود .

زمینه هوای مینیاتور کلا " طلای ناب بود، کوهها و سنگهای آن با ظرافت خاصی نقاشی شده بود . در بالای کوه صورت خری نقاشی شده بود و اندازه آن با اینکه بالای کوه بود باندازه اسب بهرام گور بود . بهرام گور با زیبایی و طراوت خاصی روی اسب نشسته و با ازدها مشغول مبارزه بود . ازدها خود را بروی درخت تنومندی چسبانده گوئی از بهرام گور ترسیده است، نقاشی در کمال مهارت و استادی بود . بین سطور پائینی بخط نستعلیق رقم داشت .
(صوره العبد بهزاد)

۳۱- تصویر دیگر که در فریر گالری واشنگتن است، تصویر زیبای پیر و جوان در صحراست که به حاشیه گرد دایره‌ای و تذهیب فوق العاده غنی آرایش شده است . پیر که جوان ناآگاه را نصیحت میکند در کناره جوی آبی ایستاده با هم بحث مینمایند، منظره کوه و درختان صحرا و زیبایی و عظمت تذهیب نقرمای و طلائی، قابل تحسین است . رقم دارد بزیر تذهیب .
(صوره العبد بهزاد) ۴۶

۳۲- دیگر اثر ارزنده بهزاد که در مجموعه شاه جهان بیادگار مانده، تصویر مردی است که طناب بگردن شیر انداخته و او را رام کرده است . دو مهر در ذیل تصویر دیده میشود که یکی (بنده شاه جهان اعتمادخان) است و زیر آن نوشته (عمل بهزاد فدائی خان کوله نهم نی قعه ۲۹)

در طرف چپ نوشته (عرض دیده شد) (مرید علی حسینی عالم گیر پادشاه هفتم جمادی الاول سنه ۱۱)
۳۳- اثر دیگر، تصویر شاهزاده ترکی است که بروی زانو نشسته و نقاشی میکند. اصل این اثر توسط جنتیل بلینی سال ۱۴۸۰ میلادی در استانبول تصویر شده و عکس رنگی و سیاه سفید آن در اغلب کتابها چاپ شده است . در کناره آن بخط نستعلیق زیبا نوشته :

(عمل ابن مودن که از استادان مشهور فرنگ است)

بهزاد از روی این تصویر کپی کرده و بهتر از آن در آورده است، در روی صفحهای که روی زانوی نقاش دیده میشود، یک مینیاتور ایرانی نقاشی شده و در کناره آن مهر دایره‌ای شکلی ثبت شده و روی آن بخط نستعلیق نوشته (غلام آل محمد جعفر صادق) این تصویر در حدود سال ۱۵۰۰ میلادی تصویر شده است .

۱۸۶- بهزاد ابراهیمی

هنرمند زیبا نگار اوایل قرن ۱۱ ه.ق . شهر تون حوالی خراسان است .

از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر زیبایی است که در کتاب حافظ خطی مضبوط در موزه استانبول که بسال ربیع الاول ۹۹۴ در شهر تون کتابت شده قرار گرفته است .

در این اثر ملیح که باستادی، حقیقت ابیات

روضه خلد برین خلوت درویشان است

مابه محتشمی خدمت درویشان است

گنج عزلت که طلسمات عجایب دارد

قبح آن در نظر رحمت درویشان است

از خواجه حافظ شیرازی تصویر گشته، دو محتشم پر جلالی را در داخل ایوان پر آذین مجسم کرده و در مقابل و صحن حیاط چند درویش به رقص و پایکوبی سرگرمند، یکی از درویش که پیر مرد سفید موئی است دستار از سرش افتاده و اطرافیان نظاره گر ماجرا میباشند .

منظره کاشیکاری و میناکاری مخصوصاً " کج بریها و کاشی های سرخ رنگ ایوان فوق العاده و تحسین انگیز است . صحن حیاط و درختان پر گل و ریحان و صخره های کوهها جلالت دل انگیزی دارد . در روی یکی از تخته سنگها رقم دارد . (عمل بهزاد ابراهیمی)

۱۸۷- بهگوتی

از نقاشان مغولی هند دوره همایون شاه است .

از آثار رقم دار وی که در بریتیش میوزیوم بیادگار است، تصویر همایون پادشاه است که در وسط صحنه روی دوشکی ساده نشسته و در مقابل کتاب و قلم و قلمدان نهاده است .

او بلباس و کلاه سلطنتی ملبس بوده و دستها را مقابل هم گذاشته و در مقابل حاجیان فاتحه میخواند . دو حاجی نیز کلاه مخصوص بسر گذاشته و در مقابل شاه نشسته دعا میکنند .

در گوشه ای نوشته (حاجیان فاتح میخوانند)

مستخدم جوانی که دستمال بدست پشت سر شاه ایستاده است، نوشته (خوشحالی بیک)

دو نفر دیگر با لباس و کلاه مخصوص در سمت چپ قرار گرفته اند، نوشته (میرزا شام و لشکرخان) در پائین تصویر رقم دارد . (عمل بهگوتی)

۱۸۸- بهگون

از نقاشان دوره اکبر شاه هند است. اثر او در بابرنامه معروفی که بطرح مسکین ترسیم شده، تصویر بسیار زیبایی بابرشاه است که به هیئت سلطنتی روی تختی جلوس کرده، پرچال و افراد و شاهزادگان در اطراف وی دیده میشوند . پیر مردی مشغول صحبت با پادشاه است، نقوش زیبای سایه بانها و فرش روی زمین فوق العاده است . منظره قصر سلطنتی و افق دریای خروشان و درختان سر سبز باغ دیدنی است، رقم دارد . (طرح مسکین عمل بهگون)

۱۸۹- بهوانی

از نقاشان سبک مغول اوایل قرن ۱۱ هجری هند بود و در تصویر درختان و گل و مرغ دست داشت، یک اثر زیبای این نقاش که در سال ۱۹۷۶ در حراج ساتبی بفروش رفت در زیر صفحه بخت خوش نسنعلیق رقم داشت :

(طرح مسکینا عمل بهوانی)

۱۹۰- بولاتی

در ذیل یکی از نقاشی های استاد فرخ بیک، تصویر مرد زاهدی نقش شده که تسبیح بدست گرفته مشغول عبادت بود . در مقابل این عابد پیر و در روی رحل چوبی کتابی قرار داشت که شیخ

مشغول خواندن آن می‌باشد. و در روی یکی از صفحات کتاب نوشته شده است.
عمل بنده بولاقی خانه زاد)

۱۹۱- بیم کجراتی .پم

نقاش قوی دست و شیرین رقم هند بود و تصویر شماره ۶ کتاب بابر نامه معروف مضبوط در انگلیس یکی از آثار شایسته این هنرمند میباشد.

در این اثر زیبا، بابر شاه با آرایش سلطنتی به روی فرش پر نقش و نگاری نشسته و خدمه و سپاهیان و نوازندگان در کناره بصحبت مشغول میباشند، از نوشته‌ایکه بخط نستعلیق، در بطن اثر تحریر شده.

(و در تاریخ نهصد و ده در کنار دریای آمو باقی حنا نیانی آمده مرا ملازمت کرد)
معلوم میدارد باقی حنانیانی بتقاضای عفو و گذشت بدست و پای بابر افتاده طلب پوزش مینماید در خارج از متن، رقم دارد. (عمل بیم کجراتی)

پ

۱۹۲- پاراس

پاراس و پایک و پرم از نقاشان کتاب با برنامه معروف هستند که در زمان اکبر شاه، بزیبائی و استادی تمام تصویر گشته است.

۱۹۳- پراک

از نقاشان استاد عصر جهانگیر بود. از یگانه اثر باقی مانده وی که مجلس شبانمای در نور کم سوی چراغ‌ها می‌باشد، جهانگیر در کنار اکبر قرار گرفته و در مقابل آنها دو مرد بزرگوار نشسته و مشغول صحبت میباشند.

در حواشی دایرهای جلو نقاشی، در حدود دوازده نفر از عرفا و شیوخ و رجال زمین نشسته و مشغول دعا بدرگاه الهی میباشند.

۱۹۴- پردیسی

نقاش و نگارگر قرن ۱۱ هجری است.
از آثار رقم دار وی، تصویر دختر طنازی است که لباس آبی خوشرنگی بتن کرده و بحالت دلربائی

آرمیده و ساقهای عربان خود را بیرون انداخته است .
دختر زیبا، در یک دست چتر گرفته و بدست دیگر کیف توپره مانند دارد .
کف زمین، پرگل و سبزه است و به نستعلیق زیبا رقم دارد .
(عمل پردیسی)

۱۹۵- پروانه

از نقاشان روغن کار (ادرنه کاری) قرن ۱۶ میلادی عثمانی است . از این هنرمند، آثاری بیادگار مانده که رقم پروانه دارد .

۱۹۶- پرویز

نقاش گمنام قرن ۱۱ ه.ق. است .
تنها اثر رقم دار وی که حاکی از ذوق و سررشته هنری وی میباشد، تصویر ساقی دلربائی است که کلاه کوتاه طلائی بسر گذاشته و لباس آبی بتن کرده و رقم زده است . (عمل پرویز)

پسم در بیم کجراتی آمده

۱۹۷- پیاک

نقاش زیبا نگار هند و برادر بالچند نقاش معروف هند بود .
در تصویر زیبایی که در متن یکی از آثار خود و در کتاب پادشاه نامه مضبوط، در کتابخانه ویندسور رسم نموده، قیافه اصلی خود را به نیکوترین وجهی نمایان ساخته است .
در این تصویر، نقاش کلاه و لباس مخصوص هندیان پوشیده و ریش و سبیل کم پشت دارد، پیاک که در این زمانها جوان ۲۵ ساله بنظر میرسد، ورقهای بدست گرفته و بروی آن نوشته است
(الله اکبر برادر بالچند رقم پیاک) تصویرشماره (۳۹)
شاید این تصویر تنها اثری باشد که بصراحت، نام خود را در ذیل آن بیادگار نهاده است. دیگر اثر این هنرمند، منظره رزمی پر کاری در پادشاه نامه است که استادی و مهارت وی را در فن تصویر بیان میسازد .

این هنرمند عالیترین آثار خود را در زمان جهانگیر پادشاه ارائه داده و عمدتترین آنها، تصاویری در بابرنامه و رزمنامه و پادشاهنامه و گلستان سعدی میباشد که بیانگر استادی و مهارت نقاش است . علاوه بر اینها، تصاویری از سفیر ایران و مردان روحانی دارد که بنوبه خود ارزنده است .

پیر احمد زرکوب در غیاث الدین آمده .

۱۹۸- پیرسید احمد باغ شمالی

دوست محمد در دیباچه بهرام میرزا در مورد پیر احمد چنین می نویسد :
"دیگر از شاگردان سرآمد خواجه عبدالحی، پیر احمد باغ شمالی است که در زمان خود نادر بود و کس دیگر در این شیوه بر وی تفوقی نمی توانست نمود، عمرش به پنجاه سالگی رسیده بود که ودیعت حیات به قابض ارواح سپرد"

۱۹۹- پیرسید احمد تبریزی

استاد هنرمند و مذهب نامی دوره شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی بود .
 بروایتی این هنرمند استاد (افضل المتأخرین فی فن التصوير و نادر العصر زمان کمال الدین بهزاد) بوده است که مصطفی عالی نیز در کتاب مناقب هنروران و در احوال بهزاد، باین احوال اشاره کرده و چنین نوشته است .
 "اگر چه وی تلمیذ خاص پیر سید احمد تبریزی بود ولکن رواج و رغبت نقش تصویرش از التفات عالیله پادشاهان سابق الذکر است"

۲۰۰- پیر غلام مینوچهر

نقاش اوایل قرن ۱۲ ه.ق. بود که در تصویر سازی و چهره پردازی و ارائه مناظر زیبا دست پر توان داشت . از آثار رقم دار وی که در حراج ساتبی لندن سال ۱۹۷۸ بفروش رفت .
 قلمدان استادانهای در شیوه صفوی بود که مجلس مذهبی شیوائی بروی آن نقش شده و فرشتگان در روی ابرها دیده می شدند. در کناره و اطراف قلمدان، تصویر عدلهای از معاریف مذهبی و صحنه شکار بود که به چابکدستی تصویر شده و رقم نقاش، بخط قرمز چنین بود . (پیر غلام مینوچهر ۱۱۱۲)

۲۰۱- پیر محمد

نقاش دوره شاه عباس دوم و پیرو شیوه رضا عباسی بود . از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر مردی بود که روی زمین نشسته و دستها را بروی هم نهاده بود . در زمینه نقاشی برگهای سنبل و گیاههای وحشی ریز جلب نظر میکرد و رقم داشت .
 (عمل پیر محمد)
 دیگر، تصویر شتر و مرغ زیبایی بود که رقم داشت :
 (پیر محمد نقاش)

۲۰۲- پیر محمد الحافظ

نقاش دنبالغرو سبک اصفهان، مخصوصاً "معین مصور و رضا عباسی بود .
 تنها اثر رقم دار وی را که در صفحه ۱۱۸ کتاب خانم مارا اشرفی بنام PERSIAN TAJIK POETRY دیده‌ام، تصویر پهلوان باستانی ایران رستم بود که با آرایش رزمی روی زمین نشسته و گوسفندی را بروی آتش کباب میکرد . سوارکار دیگری که گویا بهمن بود با خدمه خود در کنار ایستاده و با رستم صحبت میکرد .
 منظره کوهها و دشت و چمن ستودنی بود و بخط ریزه، ریز سراسب رقم داشت .
 (رقم کمینه پیر محمد الحافظ ۱۰۵۴)

۲۰۳- پیر نقاش . سید پیر نقاش

تصویرگر پر مهارت و شیرین قلم دوره شاه طهماسب است .

۲۰۴- پیری قاسمی

نقاش گمنام دوره شاه تهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ه.ق.) بود .
 یگانه اثر رقم داری که از او دیده‌ام، مینیاتور دلربائی بود که درختی با زیبایی و شکوه تمام تصویر شده و نردبانی بآن وصل شده بود . در روی درخت جوانکی نشسته و فرد دیگری در حال بالا رفتن

بود. پهلوی درخت، گویا شاه طهماسب در جامه و تاج پادشاهی و آرایش پر زرق و برق سلطنتی ایستاده و در کنار آن، شاهزادمای با آرایش و پوشش مخصوص دیده میشد. چند تن از ملازمان و خدمه پادشاه، که یکی دهنه اسب سلطنتی را بدست گرفته و دیگری با دستکش مخصوص، باز شکاری را حفاظت میکرد در اطراف آنها دیده میشدند. در زیر دامن یکی از همراهان پادشاه، رقمی بنام (پیری قاسمی) کتابت شده که با احتمال زیاد نام نقاش بوده است.

ت

۲۰۵- تابعی - ملاتابعی

بنوشته مجالس النقایس، فرزند شهر هرات است و نقاشی کاسه و طبق میکند.

۲۰۶- تابعی نقاش

از صورت گران و نقاشان و موسیقی دانان و شاعران شیرین زبان قرن نهم ه.ق. بود.

۲۰۷- تاج الدین - گره بند

بنوشته مصطفی عالی، در صفحه ۶۸ مناقب هنروران.

اهل حلب است که در زمان سلطان سلیم عثمانی، اضطرارا " به عثمانی کوچانده گشته است. فرزندش حسین بالی میباشد که در صنعت تصویر مهارت دارد.

۲۰۸- تارا کلان

نقاش اوایل قرن ۱۱ ه.ق. هند بود که در ترسیم مجالس بزمی و رزمی و شبیه سازی و چهره پردازی دست پر حلاوت داشت.

از آثار امضاء دار وی، مجلس رزمی با شکوهی بود که سربازان زره پوشیده و بروی اسبها و شترها نشسته و بجنگ و گریز مشغول بودند.

مناظر مختلف صحنه جنگ وفاق دور و عظمت کوهها ستودنی بود و رقم داشت. (رقم تارا کلان)

۲۰۹- تذهیبی - اصفهانی

مذهب و جدول کش نامی شهر اصفهان بود که در الوان و افشان سازی کاغذها و مرقعات دست استادانه داشت. تذهیبی در هنر ابری سازی، بسیاق تلفیق رنگ و روغن استاد بود و از شاگردان

یحیی قزوینی، بشمار میآمد، گویا یحیی قزوینی اولین مرتبه ساختن ابری را از میری محمد ظاهر یاد گرفته و در ایران باب نموده است .
بنوشته صادقی بیک در مجمع الخواص:

"از اصفهان است ، شخصی است درویش نهاد و مصاحب و شوخ طبع در کار تذهیب و جدول کشی و افشان و کاغذ الوان و ابری سازی مهارت دارد . موقعی که حقیر (صادقی بیک) باصفهان رفتم بمناسبت همکاری ملاقات واقع شد . در مدت چند روز که آنجا بودم یک ساعت از احوال من غفلت نکرد و مساعدت از من دریغ نداشت . در واقع مصاحب خوبی است :

این قطعه از اوست :

هنرمندی بهر صد سال آخر
کسی کش درد کاری کارگر نیست
بر و اشکال کار از کارگر پرس
با هل درد دوران مینماید
بنزد عقل، نادان مینماید
که کار، از دور آسان مینماید"

۲۱۰- ترابی

از هنرمندان و تصویر گران نامی اصفهان بود و در مکتب رضا عباسی و معین مصور نقش می آفرید . یگانه اثر رقم داری که از وی دیدم، مینیاتور زیبایی است که در موزه رضا عباسی محفوظ میباشد . در این تصویر، دانشمند پیری در شکاف درخت تنومندی با کلاه و لباس مخصوص خود نشسته و کتابی را بدست گرفته است .

از گوشه چپ درخت پوسیده، شاخ و برگ نازمای روئیده باطراف پخش گشته است . در رویه خشکیده درخت، مرغ زیبای بزرگی بسان درنا و لک لک ایستاده و اطراف را نظاره میکند . در زیر پای پیر مرد رقم گذاشته

در زیر تصویر نوشته :

در کنج عزلت تنها نشستم
در قسمت بالای آن، چنین رقم زده :
چندان که رفتم از یاد مردم
(در کتابخانه نواب قلبا باکو کلتاش تحریر یافت)
اگر این ترابی همان ملا ترابی بلخی شاعر و نقاش باشد، معلوم میشود از مشاهیر عصر شاه عباس بوده که شاه صفوی با فنخار و بزرگداشت او را بزرگشیده است .

۲۱۱- تریا

از نقاشان دوره اکبر شاه معروف هندی است که در بابرنامه مضبوط در برهتانیای اثر هنری دارد .

نسلی شیرازی در رجبعلی آمده

۲۱۲- تغلیسی- ملا

از نقاشان کتاب هنر نامه معروف موجود در توپ قاپو است (H- 1523)
این کتاب که تالیف سید لقمان افندی میباشد، بسال ۹۹۲ ه.ق . بخط سان بن محمد بوسنائی کتابت شده است .

۲۱۳- تقی

نقاش زیبا نگار مغول هند قرن ۱۱ ه.ق . بود .

از نقاشیهای امضاء دار وی، تصویر نحیف و تکیده مجنون بصحرا است که با حیوانات و درندگان وحشی خو گرفته و در جمع آنها قرار گرفته است. منظره دشت و دمن و کوه و صحرا ستودنی است. رقم دارد. (عمل میر تقی)

۲۱۴- تقی (بن سلطان الکتاب)

فرزند سلطان الکتاب محمد رضا شیرازی منخلص به صفا میباشد. این استاد در قلمدان سازی و تذهیب و در مواردی چهره پردازی دست پرهیز داشت و بشیوه کلاسیک علاقمند بود. او برادری بنام علی داشت که او نیز بنفسه نقاش صاحب کمالی بوده است. از آثار او دیدم:

- ۱- قلمدانی بشیوه روسی دیدم که در رویه آن دخترک زیبایی بسبک کلاسیک نقش بسته بود. در قسمت بالا و پائین قلمدان گللهائی برنگهای روشن و شیوه خاص ترسیم شده و زمینه آن ساده و تذهیبش سبک قفقاز بود و رقم داشت. (تقی بن سلطان الکتاب ۱۳۰۹)
- ۲- اثر دیگر نقاش، قلمدانی روشن و صدفی رنگی بسبک کلاسیک روسی بود که زیبایی خاصی داشت. در رویه قلمدان تصویر زن زیبایی دیده میشد که فرزند خود را بغل گرفته و نوازش میکرد. گللهای اطراف و کناره قلمدان سبک قفقاز بود و زمینه آن با اوراق طلائی الوان مستور شده و رقم داشت: (تقی بن سلطان الکتاب ۱۳۱۸)

۲۱۵- تقی (بن محسن)

بروایتی فرزند محمد محسن مینا ساز، از استادکاران و مینا سازان ماهر دوره فتحعلی شاه قاجار بوده است. از آثار مینائی این استاد، سرقلیان مینائی پر آذینی دیدم که تصاویر گل و بلبل داشت. در داخل آرایش گلها، تصاویر بسیار ملیح دختران و پسران جوان بود که به تردستی نقاشی شده و رقم داشت. (کمترین تقی ۱۲۲۵)

۲۱۶- تقی خان- میرزا

فرزند حاجی میرزا احمد خان مجدالملک بود که بسال ۱۲۷۸ ه.ق. با بعرضه وجود نهاده است. بنا بنوشته روزنامه شرف در سال ۱۲۹۱ پس از بازگشت ناصرالدین شاه از سفر فرنگستان بمنصب پیش خدمتی نایل گشته و با بهره گیری از خط و انشاء و بلاغت رسا، بسال ۱۲۹۶ بسمت منشی حضوری و بسال ۱۲۹۹، بلقب مجدالملک مفتخر گردیده و بالاخره در سالیان ۱۳۰۰ رئیس اداره وظایف اوقاف و در سال ۱۳۰۳ رسماً به وزارت وظایف نایل آمده است. او از مردم نور مازندران بود و نسبت خود را به ابو صلت هروی میرسانید. تقی خان شعر هم میگفت و عبقری تحلیس مینمود. در نقاشی و نقاری و حکاکی دست داشت و در خط شکسته استاد ماهری بود. از آثار رقم دار وی، تنها یک آبرنگ زیبا دیدم که ابعاد تقریبی ۶ x ۸ سانتی متر داشت. در این آبرنگ، گربه ملوس و قشنگی را در داخل سبد گلی به مهارت و نازک قلمی نقاشی کرده و به خط شکسته زیبا نوشته بود.

(مشق تقی، منشی، رجب المرجبه ۱۳۰، به آقای نوراله خان دادم)

تقی نقاش هندی - از نقاشان معروف هندی زمان اکبرشاه بود از آثار ارزنده این نقاش - تصویر فیلی در حال فرار در فتح مبارک است که بزیبائی و قدرت تمام آراسته شده است.

۲۱۷- تلسی خورد

تصویرگر نامی و منظره ساز دوره اکبر شاه هندی است. اثر امضاء داروی که در کتاب بابرنامه موزه بریتانیا میباشد، تصاویر درختانی از قبیل قمرک و کرنی است که زیبایی نقش کرده و در زمینه آن، مناظر دلنواز و کوههای افراشته ارائه داده که شایسته تحسین میباشد. رقم دارد. (تلسی خورد)

۲۱۸- تمرار

شاگرد چاک قلم و هنرمند استاد بهزاد است. از آثار رقم داروی که در مجموعه شریف صبری در قاهره میباشد، تصویر استادانه سلیمان نبی پیغمبر است که روی تخت شاهی جلوس کرده و رجال و همراهان در اطراف وی در ایوان نشسته و رامسگران و خدمه درباری به پذیرائی آنها مشغول میباشند. دیو قوی هیگلی تختخواب زن و مردی که بنا محرمی در کنار هم خوابیده‌اند حضور حضرت آورده است. صحن روبرو و طاق نمای مذهب و کاشی کاری قصر واقعا "ستودنی است، کلماتی بخط ثلث زیبا در حواشی طاق کتابت شده که رقم نقاش را نیز دارا میباشد. این اثر در نهایت نفاست بوده و شبیه کارهای بی نظیر بهزاد است. در گوشه بالای خطوط سمت چپ و روی دیوار اطاق که بزحمت قرائت میشد نوشته بود:

(صنعت استاد تمرار ۹۰۲)

اندازه این میناتور ۸/۱۴ x ۲۵ سانتی متر بوده و در مجموعه شریف صبری در قاهره میباشد.

۲۱۹- تورانشاه

طراح و نقاش و حکاک بروی فلزات بود. از آثار رقم دار این هنرمند که برای شخصی بنام (محمد بن عبدالله الخور کام جرجانی) ساخته شده، جام نقره طلائی استادانهای بود که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن از نزدیک دیدار کردم. در این اثر ارزنده، کناره و اطراف جام به نقوش مختلف و ترسیم گوناگون تزیین یافته و سواران جنگی به جنگ و گریز مشغول بودند. این جام، رقم تورانشاه داشت و سال تهیه آن ۷۵۲ ه.ق. بود.

۲۲۰- توفیق مذهب

از مذهبان نازک قلم قرن ۱۳ ه.ق. عثمانی بود. از آثار رقم دار این هنرمند، تذهیب تحسین انگیز قرآنی بخط یحیی حلی در سنه ۱۲۸۳ بود که در حراج سال ۱۹۸۲ کریستی لندن بفروش رسید. رقم مذهب که بعد از دو سال یعنی بسال ۱۲۸۵ انجام یافته بود، در بین صفحات مذهب قرآن دیده میشد که نوشته بود:

(ذهبه توفیق غفرله سنه ۱۲۸۵)

ث

۲۲۱- ثابت تبریزی. مجلد

بنوشته مرحوم تربیت (حاج محمد علی بصنعت صحافی و جلد سازی معیشت می گذرانید و در

تاریخ ۱۳۱۳ ه.ق. شصت ساله و در تبریز فوت کرده و قبرش در آنجاست. دیوانی دارد، مرکب از اشعار پارسی و ترکی)

ج

۲۲۲- جاگانت

جاگانت و جمال از نقاشان کتاب بابرنامه معروف اکبرشاه هندی هستند که در مهارت قلم شهره زمان خود بودماند.

۲۲۳- جان قلی

نقاش دکنی اواخر قرن ۱۶ میلادی است. از آثار رقم دار این هنرمند تصویر پرنس جوانی است که از پدر خود در قصر دیدار میکند. جماعت همراهان که بشادی علم‌ها بدست گرفته و در حوالی شاهزاده قرار گرفته‌اند، ورود وی را گرامی میدارند. منظره ساختمان و باغ پر گل و پر درخت و زمینه کوهها و رنگ آمیزی آنها دیدنی است. در روی در ورودی قصر رقم دارد. (صوره جان قلی)

جانی در میرزا جانی آمده

۲۲۴- جانی (بن استاد بهرام)

فرزند استاد بهرام و از نقاشان گمنام اواخر قرن ۱۱ ه.ق. بود. از آثار شاخته شده این هنرمند چند مجلس زیبایی است که بسال ۱۰۹۶ ه. جهت کامفر (KAMPHER) هلندی تصویر کرده که از هر نظر تحسین آمیز میباشد.

جاهی صفوی در ابراهیم میرزا آمده

۲۲۵- جبارخان

قلمدان ساز شیرین قلم قرن ۱۲ ه.ق. هند بود. از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدان بزرگ و پر کاری دیدم که در حراجی ساتبی لندن بفروش رسید. در این قلمدان، گل و مرغ‌ها بشیوه هندی و در اندازه درشت تر تصویر شده بود که ستودن داشت. تذهیب حواشی قلمدان نیز نازک قلم و پر حلاوت بود و در رویه بالای قلمدان رقم داشت. (جبارخان)

۲۲۶- جعفر

میرزا جعفر از شاگردان و تربیت یافتگان مدرسه دارالفنون بود. که بعدها بنام محمد جعفر خان استاد نقاشی دارالفنون گردید. استاد اولی‌عاش نقاش معروف زمان، صنایع الملک بود که رموز و نکات ابتدائی را از وی فرا گرفت.

این هنرمند در آبرنگ و سیاه قلم و رنگ و روغن زبر دست بود و هاشورها و سایه‌ها را بسیاق هنرمندان خیره اروپائی تمیز و ماهرانه میزد. از آثار او دیدمام:

- ۱- شبیه ناظم دارالفنون بمداد رنگ بود که باپرداز چلیپائی درکمال قدرت تصویر شده و رقم داشت. (شبیه ناظم دارالفنون، عمل میرزا جعفر شاگرد مدرسه دارالفنون ۱۲۸۱)
- ۲- تصویر نیم تنه امین السلطان اتابک به رنگ و روغن که در لباس صدارت و آرایش زمان، نقاشی شده و بخط شکسته زیبا رقم داشت. (رقم کمترین چاکر جعفر) موجود در کتابخانه ملی تهران.
- ۳- نقاشی رنگ و روغنی خوب و شبیه ناصرالدین شاه باندازه تقریبی ۸۰ x ۲۰۰ سانتی‌متر که روی صندلی نشسته است. در این نقاشی کلاهی با جیفه زیبا و مخصوص بسر گذاشته و لباس او با حمایل سبز و جواهرات و مدال‌های گوناگون آراسته شده است.
- شمشیر مرصع و جواهر نشانش بروی پاها قرار گرفته، شلوار و کفش وی ساده میباشد. رقم دارد.
- (عمل کمترین خانزاد جعفر تربیت یافته مدرسه مبارکه دارالفنون سنه ۱۲۹۲) مجموعه شماره ۶
- ۴- اثر دیگر نقاش، قلمدانی برنگ و روغن میباشد که با آبرنگ و سایر فنون هنری پرداخت شده است. این اثر که قلمدان بزرگ تابوتی است، جماعت مومنان را بسبک فرنگی سازی زیبایی در رویه آن عرضه کرده و در قسمت چپ قلمدان درویشی افتاده و بی‌پرواها کلاه و لباس مخصوص خود نشسته و با آن جماعت به بحث و گفتگو مشغول میباشد.
- در حواشی قلمدان، تصاویر حیوانات مختلفی در کمال زبردستی نقاشی شده و رقم داشت.
- (عمل کمترین جعفر ۱۳۰۴) مجموعه شماره ۷

۲۲۷- جعفر بن آقا صادق دوم

فرزند آقا صادق دوم نقاش است که احوال آن در جای خود خواهد آمد. جعفر از نقاشان پر ابتکار و شیرین قلم دوره فتحعلیشاهی است که رموز و فنون تصویر سازی را، از پدر خود بارت برده و در امر نگارگری بمهارت و استادی نایل گشته است. این هنرمند در تصاویر روغنی (لاکی) و رنگ و روغن پر مهارت و شیرین قلم بود و در چهره سازی و شبیه پردازی و ارائه مجالس بزمی دست پر قدرت داشت. از آثار رقم دار او دیدمام:

- ۱- قلمدانی در نهایت استادی از این هنرمند دیدم که زنی با سینه‌های عریان، در رویه قلمدان جلب نظر مینمود و حواشی بیرونی تصاویر گوناگون داشت و حاشیه درونی زرین بود و رقم داشت. (جعفر بن صادق ۱۲۳۱)
- ۲- اثر رنگ و روغنی پر مهارت نقاش که بسال ۱۹۷۸ در حراج ساتبی لندن بفروش رسید، تصویر بزرگ فتحعلیشاه بود که جهت محمد علی میرزای دولت‌شاه ترسیم گشته بود.
- در این اثر زیبا، شاه قاجار با تاج و حمایل و کمر بند و سایر آرایش سلطنتی روی صندلی نشسته و لباسهایش بعبار سایر تصاویرش بجواهرات گوناگون و سنگهای قیمتی تزیین یافته بود و رقم داشت.
- (رقم چاکر دولت جعفر فی شهر رجب المرجب سنه ۱۲۳۶)

۲۲۸- جعفر چهره‌نگار

از نقاشان معاصر بود که در آب رنگ و رنگ روغن و شبیه سازی دست داشت .
از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر رنگ و روغنی ارباب کیخسرو را دیدم که رقم جعفر و تاریخ ۱۳۱۲ شمسی داشت .

۲۲۹- جعفر علی

نقاش دکنی بیچاپور اوایل قرن ۱۷ میلادی است .
از آثار رقم دار این هنرمند که در آپریل ۱۹۲۹ در حراج ساتبی لندن بفروش رسید .
تصویر زن وارسته زیبایی بود که غزال رام شده خود را نوازش مینمود . نزاقت قلم و حلاوت رنگها درخور تحسین بود و رقم داشت .
(کار جعفر علی)

۲۳۰- جعفر بن نجفعلی - محمد جعفر

در عقد نامه دختر آقا نجفعلی نقاشی که بنام صفیه سلطان بوده و اصل قباله نیز در مجموعه نگارنده است، نام این هنرمند را (عالی شان محمد جعفر اخ‌مسماة مزبوره) جزو شهود در مجلس و در جنب نام پدر ضبط کرده که معلوم میدارد این هنرمند فرزند نامی آقا نجف بوده که هنر تصویر سازی را از پدر بارث برده و در تعالی و تکمیل آن کوششها نموده است. از تنها اثر رقم دار وی که (جعفر بن نجف علی) قید کرده و شیوه اجرای آن کاملاً " در مکتب پدر هنرمندش میباشد، معلوم میدارد دنبالمر مکتب پدر بوده و از دیگر برادران خود ماهرتر و استادتر بوده است .
در این قلمدان استادانه، تصویر یوحنا را بعیاری پدر و در کمال مهارت و قدرت ارائه داده و در حواشی و طرفین نیز، تصاویر دو زن دلربا و فتان فرنگی را به تردستی تصویر کرده و بخط طلائی رقم گذاشته
مجموعه شماره ۲ (جعفر بن نجفعلی ۱۲۸۵)

۲۳۱- جعفر بن عمر بن دولتشاه کرمانی

اهل کرمان و سازنده کره آسمانی فلزی است که توسط علی بن محمد قوشچی به سلطان محمد فاتح عثمانی هدیه شده است . اصل این کره که حالیه در رصدخانه استانبول ترکیه است ، مسیر سیارات و سایر نقوش آن بوسیله ابوحسین عبدالرحمن صوفی رسم شده و توسط جعفر کرمانی تهیه گشته است این کره سماوی که یکی از نقایس ستاره شناسی است بخط کوفی پیرآموز رقم دارد .

(رسمت هذه الكواكب بزیاده القمر علی الصور ابوالحسین عبدالرحمن صوفی)

(فی سنه ذقه الهجریه صنعہ جعفر بن عمر بن دولتشاه الکرمانی)

که تاریخ آن بحروف ابجدی ذ ف ه مساوی ۷۸۵ خواهد بود . تصویر شما ره (۲۴)

۲۳۲- جعفر شریف قاینی - محمد جعفر

نقاش شهر قاین و فرزند هنرمند معروف محمود شریف قاینی است .
این هنرمند در مکتب پدر و سایر استادان زمان، فن تصویرگری بیاموخت و خود از استادان شد. جعفر در چهره‌سازی و مجالس بزمی و گل مرغ و حل کاری سررشته داشت و آثار خود را بر آذین و چشم نواز ترسیم میکرد . از آثار رقم دار او دیدم :
۱- قلمدانی در کمال زیبایی بود که رویه آن، منظره دریا و قایق داشت . طرفین قلمدان بر آذین و

مذهب بود و تصاویر زنان و دختران دلفریب داشت، گل و مرغهای اطراف و بکار برد رنگهای گوناگون، ممتاز و ستودنی بود و رقم داشت (چاکر آستان مبارک جعفر الشریف قاینی ۱۳۰۵)

۲- دیگر قلمدان رقم دار این هنرمند، قلمدان عکسی بود که حواشی آن گل و مرغ استادانه داشت و رقمش چنین بود. (جعفر شریف القاینی ۱۳۰۲)

۳- اثر دیگر این نقاش که از نزدیک دیدم، قلمدان مرغش طلائی بود که در رویه و در سه مدالیون مختلف، تصاویری رسم کرده که واقعا "ستودنی بود. در مدالیون وسط، دختر جذاب و دلربائی با سینههای عریان و شیوه فرنگی که گردن بند پر آذینی بسینه داشت جلب نظر میکرد. حواشی قلمدان نیز، در مدالیونهای مختلف، تصاویر دختران و پسران فرنگی که در بین افراد، گل و مرغ نیز علاوه گشته بود دیده میشد که بسیار نازک قلم بود. و رقم داشت:

(کمترین محمد جعفر الشریف القاینی ۱۳۸۲)

۲۳۳ - جلال الدین میرک - میرک الحسینی اصفهانی - میرک دوم

از سادات کثیر الاحترام اصفهان بود و در تهریز بدربار شاه طهماسب اول مقام و الاثی داشت این هنرمند غیر از روح الله میرک هراتی که احوال آن در جای خود خواهد آمد، می باشد.

میرک حسینی از شاگردان پر استعداد استاد اجل بهزاد بود و با همکاری استادانی چون سلطان محمد و سایر نقاشان نامی آن دوره در کتابخانه شاه طهماسبی بخلق آثار جاویدان همت می گماشت. شاه طهماسب بمیرک اصفهانی نظر پر احترام داشت و بنام همراز، مونس و جلیس شاه صفوی بود. قاضی احمد منشی در کتاب خود در مورد جلال الدین میرک چنین می نویسد:

"آقا میرک از سادات دارالسلطنه اصفهان بود، در طراحی قرینه خود نداشت، او در دارالسلطنه تهریز بود و نقاش بی بدل و هنرمند ارجمند و عاشق پیشه و لوند مصاحب و مرد خردمند بود"

در تحفه سامی، آقا میرک را در طراحی و تصویر نادره زمان دانسته و در خدمت حضرت صاحب قرآنی پیشوا و مقتدای طایفه نقاشان معرفی کرده است و در مطلع جامی، این بیت را از او نقل کرده است.

دو هفته شد که ندیدم مه دو هفته خود را کجا روم، بکه گویم غم نهفته خود را

استاد میرک از استادان بنام و پیرو شیوه استاد بهزاد بود. جانور سازی و تصاویر اسبها را بعد اعجاز استادانه و تابناک میکشید. در تذهیب و ترصیع و نقوش ساختمانها و مهارت در تنوع آرایش طبیعت و ارائه چهرهها انگشت نما و پرمایه بود. در ارائه گستاخی صخرههای وحشی در مقابل لطافت و رعنائی گلها، موازنه دلفریبی داشت. در شبیه سازی و گرفت و گیر حیوانات و ارائه حالات جانوران، استادی چابکدست و بی عدیل بشمار میرفت.

این هنرمند، در کتابت انواع خطوط نیز دست داشت و اغلب خطوط زیبای نستعلیق و ثلث تصاویر را خود می نوشت.

دوست محمد هروی در دیباچه بهرام میرزا در مورد سید جلال الدین میرک چنین مینویسد:

"سند السادات، بدرجات وحیدالعصر و فریدالدهر مقرب الحضرت الخاقانی آقا جلال الدین میرک الحسینی اصفهانی که در نقش خانه، تصویر قلم تحریر چون صورت دلپذیرش صورتی ننگاشته و تمثال بی مثالش از نظر دوربین اعیان جز به پیش نظر نداشته.

نظم - تعالی الله ز هی تصویر و صورت عفاک الله ز هی نقاش قدرت"

از شاگردان مشهور وی، همانا خواجه عبدالصمد شیرازی ملقب به شیرین قلم است که احوالش در جای خود خواهد آمد. آثار او در موزهها و کتابخانهها عبارت است از:

۱- خمسه نظامی موجود در موزه، بریتانیا، بخط کتابت و نستعلیق بی نظیر شاه محمود نیشابوری که

صور و مزین و مذهب بوده و یکی از نفایس آثار هنری ایران در زمان شاه طهماسب اول بشمار میآید. این کتاب بمدت چهار سال، کتابت و تزیین شده و تصاویر آن، بدست میرزا علی - میر سید علی - مظفر علی و سلطان محمد و آقا سید جلال الدین میرک انجام یافته و رقم آخر کتاب چنین است. (تمت الكتاب بعون الملك الوهاب علی يد احقر العباد شاه محمود النیشابوری غفرالله)

ذنوبه و ستر عیوبه فی سلخ شهر ربیع الاول سنه سبع و اربعین و تسعائه الهجریه النبویه) خوشبختانه این اثر را به همراه شاهنامه شاه طهماسبی و تمام مینیاتورها، در نمایشگاهی که در بریتیش میوزیوم برپا بود دیدار کرده و یادداشت برداشتم. این آثار از ۱۳ محل مختلف موزهها و کلکسیونهای خصوصی گراوری شده که اسامی آنها در کاتالوگ نمایشگاه چاپ شده. از این مجموعه، مدت سه هفته، متناوبا" و در حد امکان دیدار کرده و یادداشتها برداشتم. صفحه اول کتاب نظامی در کمال نفاست تذهیب شده و در چهار ترنجهای مستطیل بالای آن بخط تحریر در دو صفحه چنین بود

که درج است زینت در او بیشمار

بدین گونه مشکین رقم، خمسای

در صفحه مقابل بود همین محلها نوشته:

مخترع هر چه وجودیست هست

مبدع هر چشمه که جودیست هست

ندیدست ببینش گر روزگار

ندادست انجام آن چار طبع

مشخصات این کتاب و تصویر آثار استاد میرک را که در صفحات ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۶ - ۱۶۷ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۲۷ کتابی بنام WONDERS OF THE AGE نوشته: S. CARY WELCH

میتوانید مطالعه کنید.

در این نمایشگاه بهترین و بیشترین آثار ارزنده میرک را از نزدیک دیدم که مختصرا" در این صفحات ارائه میگردد.

۱- تصویر شماره ۵۸، چاپ شده در صفحه ۱۵۶ کتاب (گوش دادن خسرو، به قصه ساخته شیرین) در این اثر پر جلال و پر زیب و زینت خسرو و شیرین بروی تخت نشسته و سرگرم صحبت میباشند. زیبا رویان خدمتکار، در چپ تصویر نشسته و به خدمت حاضرند. در مقابل آنها عدهای ایستاده و مستخدمین مشغول پذیرائی هستند، یکی از خواجه سرایان، در حین روشن کردن مشعل دیده میشود. در پشت تصویر، عظمت قصر و منظره باغ جلوه شکوفائی دارد. در کتیبه بالای سر در قصر بخط نستعلیق زیبا نوشته شده:

رواق منظر چشم من آشیانه تست کرم نما و فرود آ که خانه خانه تست

حاشیه جدول، حل کاری گل و برگ حیوانات است و زیر پایه شمعدان رقم دارد. (آقا میرک)

۲- دیگر اثر رقم دار میرک در این نمایشگاه که در صفحه ۱۶۷ کتاب مذکور عکس سیاه و سفید آن ارائه شده، تصویر مجنون بدشت و بیابان است که روی زمین نشسته و حیوانات مختلف در اطراف وی جمع آمدهاند. منظره پر مهارت کوهها و صخرهها ستودنی است. شمایل و شباهت حیوانات اهلی و وحشی، در حالات گوناگون واقعا" استادانه است. چند تک درخت دیده میشود. رقم دارد بروی صخرهها (عمل آقا میرک)

۳- شیواترین اثر میرک که در صفحات ۱۴۰ و ۱۴۱ برنگی چاپ شده، تصویر نوشیروان است که در کناره قصر خرابهای، با آواز جغد گوش میکند. در این مینیاتور پرمایه و شایان تحسین، نوشیروان و ملازم همراهش، سوار بر اسب به قصر فرسودهای اشاره میکنند. منظره قصر و استواری و نازک قلمی اسبها و قیافه و حالات کارگران و زمینه غنی و سرشار تصویر بی عدیل است. در زمینه دیوار کچی طاق نمای عمارت مخروبه این بیت درج شده.

عمارتی به از این نیست، در جهان خراب

عمارت دل ویران درد مندان کن

وزیر آن رقم دارد.

(حرره میرک مصور سنه ۹۴۶)

۴- تصویر دیگر این نمایشگاه که عکس سیاه و سفید آن در صفحه ۱۵۳ ارائه شده، مراجعت شاپور بدیدار خسرو، بامضمون اشعاری است که در بطن صفحه قید شده:

ملک سر مست و ساقی باده در دست	نوای بلبلان چون مطرب مست
در آمد گل رخی چون سرو آزاد	ز دلداران خسرو با دل شاد
ز شادی خواست جستن خسرو از جای	دگر ره عقل راشد کارفرمای

در این اثر، خسرو و همراهان در زیر چادری پر آذین دور هم نشسته و شاپور که لباس فاخری پوشیده دیده میشود. جماعت نوازندگان و خیل خدمتگاران در کناره دیده میشوند. منظره کوهها و حالات و آرایش حاضرین صحنه به تردستی تمام تصویر شده، روی زمینه سفید چادر رقم دارد. (آقا میرک)

۵- دیگر از آثار آقا میرک، در خمسه نظامی که در نمایشگاه از نزدیک دیدم و عکس سیاه و سفید آن در صفحه ۱۵۴ دیده میشود. تصویر بتخت نشستن خسرو است. در این اثر پر جلال،

خسرو بروی تخت شاهی نشسته و با اعظم و رجال به بحث و گفتگو مشغول میباشد. جماعت نظار و همراهان و خدمتگاران در داخل و خارج و پشت بام عمارت قرار گرفته و البسه و حالات گوناگون آنها پر مهارت است. مقانت و تابناکی قصر شاهی و تذهیب و آرایش فرشها و سایر مناظر حواشی پخته و کم نظیر میباشد. در پهبانی بالای عمارت، بخط ثلث زیبا نوشته. (اللهم خلد دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم ابن السلطان ابن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب الحسینی بهادر خان الصفوی خلداله تعالی ملکه و سلطانه الی یوم الدین) رقم دارد، بروی آجر فرش.

(عمل آقا میرک)

۶- دیگر اثر میرک که در صفحه ۱۴۷ کتاب یاد شده، بعکس سیاه و سفید چاپ شده، بارگاه شاه طهماسب و رقابت کیمیاگران است. در این مینیاتور، پادشاه در آلاچیق سلطنتی نشسته و خیل محارم و همراهان در کناره صحنه قرار گرفته اند. یکی از آنها که به وسیله گل محمدی مسموم شده و در صحن مجلس افتاده و کیمیاگر قهرمان بحالت استهزا به رقیب شکست خورده خود نگاه میکند، مضمون نقاشی در دو بیت بالای صفحه نوشته شده:

داد بدشمن ز بی قهر او	آن گل پر کارتر از زهر او
دشمن از آن گل که فسون خوان بداد	ترس برو چیره شد و جان بداد

خطوط بالای در باغ و کتیبه آلاچیق استادانه و قابل تمجید است.

WONDERS OF THE AGE

۷- آثار منسوب بمیرک، در این نمایشگاه که عکس تصاویر در کتاب ارائه شده جهت علاقمندان باختصار درج میگردد.

الف - مبارزه فریدون با ازدها صفحه ۶۳

ب - پیدا کردن رستم کیقباد را، صفحه ۷۳

پ - آمدن شنگل هند و رزم کردن با رستم صفحه ۸۵

ت - پیشگوئی جاماسب در مورد سرنوشت آینده گشتاسب صفحه ۹۴

ث - مبارزه خسرو پرویز با سه دلاور ترکی، در نهروان صفحه ۱۱۱

۸- دیگر از آثار منسوب به آقا میرک، که از نزدیک دیدم تصاویری از شاهنامه HOUGHTON بود که از سوم جولای تا ۲۴ اگوست ۱۹۷۹ در گالری THOS-AGNEW AND SONS LTD. در لندن به نمایش بود. این آثار که تصاویر سفید و سیاه آن در صفحات ۳۹ - ۴۱ - ۴۳ کاتالوک نمایشگاه چاپ شده، قدرت قلم و مهارت آقا میرک را در امر تصویر سازی هویدامی ساخت. یکی از آنها مجلس چوگان بازی گشتاسب است که بازی کنان در وسط میدان بازی مشغول بوده و حضار در کناره نظاره مینمایند

دومین تصویر، حضور فردوسی در مقابل سلطان محمود غزنوی است که همراهان در کناره قرار گرفته‌اند. فردوسی با محاسن سفید و عمامه معروف و کتاب و قلمدان، در حضور نشسته و سلطان غزنوی با کمال جلال و البسه و کلاه سلطنتی در آلاچیق زیبایی قرار گرفته است. کتیبه بالای آلاچیق نستعلیق زیبایی بدین مضمون است .

ای دل دیده هر خانه او تو سر خاک من آستانه تو و دولت و سعادت باد
۱۰- دیگر در این نمایشگاه، مجلس به تخت نشستن بهرام است که روی تخت نشسته و بزرگان قوم، از جمله نعمان در حضور او بروی صندلی‌ها قرار گرفته‌اند. البسه زیبا و کلامهای پرداز حاضرین دلنواز و شایسته تحسین می‌باشد .

در خاتمه این مقال، اسامی هنرمندانی که بنام میرک در عرصه هنر ایران خوش درخشیده‌اند معرفی می‌گردد .

- ۱- میرک اول (سید روح اله میرک هروی استاد بهزاد وفات بسال ۹۱۳ ه.ق .)
- ۲- میرک دوم (سید جلال الدین میرک الحسینی الاصفهانی معروف به آقا میرک) فعالیت هنری تا سال ۹۵۰ ه.ق . تصویر شماره (۵۰)
- ۳- میرک المذهب (تذهیب کار نامی که احوال آن در جای خود آمده است)

۲۳۴ - جلال بیک افشانگر

افشانگر معروف و حل کار مذهب استاد، زمان شاه طهماسب اول است . نام این استاد، در ردیف تصویر سازان معروف زمان، از قبیل مظفر علی و ملا مسیح اله مذهب، در دیباچه مرقع امیر حسین بیک، مضبوط در توپ قابو قید گشته است . این مرقع که بدستور امیر حسین و تزئین و آرایش مالک دیلمی خطاط معروف ایجاد گشته، در ذیل نام مظفر علی اشاره‌ای باین استاد کرده و چنین نوشته است :

و همچنین جناب استاد الدهر مظفر علی

تا باندک مدتی بسعی و اهتمام او، نادره فن خود حافظ کلام مجید ملا مسیح اله مذهب جلال بیک افشانگر اوراق این مرقع، بهتر از آنکه در آئینه خیال مرتسم بود، صورت ترتیب یافت و اکثر حواشی آن اوراق مزین و مذهب به حل کاری استاد مظفر علی، مشارالیه شد .

۲۳۵ - جمال - استاد جمال کاشانی

نقاش و طراح و رنگه نویس و کاشی تراش و گچ کار معروف اهل کاشان بود، این هنرمند در بدایت حال، از شاگردان و دستیاران استاد کاشی ساز معروف، محمد بن ابی طاهر بود که اثر دست وی، در پشت مشهد کاشان و کتیبه قبر حبیب ابن موسی بسال ۶۷۰ بیادگار مانده است . از آثار رقم دار استاد جمال که بسال ۷۳۸ انجام یافته، کاشی هشت گوش زیبایی موجود در موزه قم است که رقم دارد (کتبه عاشر ربیع الاخر سنه ثمان و ثلثین و سعمائه بمقام کاشان)

(بکارخانه سید الساده سید رکن الدین محمد بن المرحوم سید زین الدین)

(علی الغضائری عمل استاد الاجل المحترم استاد جمال نقاش)

از این سنه چنین بر می‌آید که استاد عمر طولانی داشته و تا آخرین سالهای حیات، بکار هنری مشغول بوده است .

۲۳۶ - جمال الدین اصفهانی - عبدالرزاق

اولین تصویر ساز و چهره پرداز ایرانی، اهل اصفهان است .

بنوشته راوندی در کتاب راحة الصدور و آية السرور که بسال ۵۹۹ ه.ق. تالیف شده. (سبب تالیف این کتاب آن بود که در شهر سنه ثمانین و خمس مائه خداوند عالم رکن الدنيا و الدین طغرل بن ارسلان را هوای مجموعه‌یی بود از اشعار خال دعاگوی زین الدین می‌نوشت و جمال الدین نقاش اصفهانی آنرا صورت میکرد. صورت هر شاعری میکردند در عقبش شعر می‌آوردند و مضاحکی چند می‌نوشتند و آن حکایت را صورت رقم می‌زدند)

معلوم میدارند، این هنرمند در شبیه سازی دستی پر حلاوت داشته و حالات و سکنات صاحب چهره را بطور استادانهای تصویر میکرده است.

این هنرمند بغیر از صنعت تصویر سازی در تزیین کاشی و فن خط و سرودن اشعار نیز دست داشت. عبدالرزاق اصفهانی که از دوستان نزدیک هنرمند بود در وصف وی چنین میگوید:

ای نقش بند عالم جان اندرین جهان	نی نی که نیست هیچ پذیرای نفس جان
نقش بقای خوب تو بینم منم جمال	نامت جمال نقاش آمد ز بهر آن
ای کلک نقش بند تو آرایش جهان	وی لفظ دلگشای تو آسایش جنان
ای نکته بدیع تو خوشتر ز آرزو	وی گفته رفیع تو بر ز آسمان
نظارگی خط تو نرگس به بست چشم	مدحت سردی فضل تو سوسن بده زبان
هم نثر زیر پای تو افتاده چون رکاب	هم نظم زیر دست تو گشتست چون عنان
اندر سواد خط شریف تو لفظ عذب	آب حیات در ظلماتست بی گمان

..... (الی آخر)

عوفی و هدایت در آثار خود از هنرمند صاحب نام چنین یاد میکنند:

عوفی می‌نویسد: (در لطف طبع یگانه و در فضل و هنر نشانه زرگری که آفتاب در صنعت صیاغت شاگرد خردکاری او بودی و ماه و ملک نور از پرتو ضمیر او ربودی چمن فضایل بزهرات مکارم اخلاق آراسته و از خاشاک رذایل پیراسته)

هدایت در ریاض العارفین می‌نویسد (در فضایل و کمالات یگانه آفاق، جامع معقول و منقول والد کمال الدین اسمعیل اصفهانی است. از تصوف و حکمت بهره وافی و حاصل وافر دریافته و ایام عمر را بعزلت و مجاهدت میگذرانیده، فاضلی است تحریر و ادیبی است بی نظیر، فرزانه‌ایست هوشیار و سخن وری است بزرگوار، در اغلب فنون اهل حرفت نهایت قدرت داشته و دیوانش قریب به بیست هزار بیت) (۱)

این هنرمند بسال ۵۸۸ ه.ق. در اصفهان دار فانی را وداع گفت و از او چهار فرزند بجای ماند که بزرگترین آنها کمال الدین شاعر نامدار میباشد.

۲۳۷ - جمشید چیله

نقاش مغولی زمان اکبر شاه هندی بود که در هنر تصویر سازی دستی به حلاوت داشت. از آثار رقم دار هنرمند که در کتاب بابر نامه معروف بیادگار است، مجلس پذیرائی پر جلال بابر پادشاه است که بابر در محل مخصوصی نشسته و بصرف غذا مشغول میباشد. در این اثر دلپذیر انواع وسایل پخت غذا، از قبیل دیگهای بزرگ و ظروف گوناگون و سفره گسترده مهمانی، در کمال رسائی نقاشی شده و در کنار آنها خدمتکاران و آشپزها به پذیرائی آماده خدمت می‌باشند. رقم دارد.

(عمل جمشید چیله)

۲۳۸ - جنید ناقش سلطانی

زاده شیراز هنرپرور بود و بعلت عزیمت و اقامت در شهر بغداد، به جنید بغدادی موصوف و معروف گشته است. بروایت غیر مستند از شاگردان شیرین قلم استاد شمس الدین شیرازی است که با ارائه و اجرای آثار نفیس و بی همتا از استاد نیز در گذشته است. از کتابت لقب سلطانی، که در بعضی از کارهایش دیده میشود، معلوم میدارد مورد احترام و حمایت سلاطین عهد بوده و بدریافت لقب سلطانی نیز مفتخر گشته است. جنید و عبدالحی، از پایه‌گذاران اصلی مکتب ثانی بغداد هستند که بدنباله و ارائه طریق آنها، مکتب نبریز نزج گرفته و رواج پیدا کرده است. آثار معروف و شناخته شده جنید عبارتند از:

۱- تصاویر صفحات دیوان سلطان احمد موجود در فریر گالری واشنگتن که بسال ۸۰۸ تصویر شده و رقم جنید را دارد.

۲- دیوان مصور خواجوی کرمانی که در تاریخ ۷۹۹ ه.ق. در شهر بغداد کتابت شده و تصاویر آنرا جنید سلطانی رسم کرده است. این کتاب حالیه در موزه بریتانیا بوده و یکی از تصاویر آن، قصه همایون و همای است که همایون بر اسب سوار شده و در بیرون قصر، با محبوبه زیبای خود صحبت میکند. تصویر عمارت بلند و دیوارهای پر نقش و نگار که با کاشی‌های نفیس و الوان مزین گشته پر مهارت و استادانه است. منظره گل و گلزار و درختان سر سبز و فضای پر طراوت باغ قصر، ستودنی و در خور تحسین است. تصویر شماره (۲۸)

۳- دیگر، تصویر بهزاد است که در کتاب خواجوی کرمانی موزه بریتانیا، نقش بسته است. در این اثر، گویا بهزاد زیر درخت ساقه بلند سرو افتاده و دستار و کلاه از سر بدر کرده است. لباس آبی کم رنگ و قیافه حیران وی جالب است، یک زن قرمز پوش بلند قد زیبا و یک مرد جوان که کلاه کوچکی بسر دارد، باین منظره نگاه میکنند. منظره باغ و ساحت پر گل و گیاه و درختان الوان خوش منظر و طراوت جوی باغ که بطرز دلربا و تحسین آمیزی نقش بسته‌ی همتا است.

۴- اثر نفیس و رقم دار جنید سلطانی در کتاب خواجوی کرمانی موزه بریتانیا، مجلس عقد و عروسی با شکوهی است که نمایانگر واقعی مهارت نقاش است. در این مینیاتور، آرایش نقوش عمارت و فرشها استادانه است و معلوم میشود این استاد چیره دست در تذهیب و ترسیم تصاویر هندسی و انواع تزیینات زمان و کتابت خط رقاع و کوفی نیز چابک دست و نازک قلم بوده است. اطاق عروس، با پرده‌های سرخ رنگ گلدار و آویزهای زیبا تزیین شده و کاشی اطاق و نقوش استادانه فرش دلرباست. عروس با عشوه و طنازی تمام لباس عروسی بتن کرده و گلتاج زرین بسر گذاشته و روی تخت نشسته است. ندیمان و خویشاوندان زیبا روی او که بالبه گوناگون و فاخری ملبسند، جهت تدارک سفره عقد و مراسم آن به تک و پو افتادمانند. چراغها و شمع‌ها و فانوس‌های کاغذی الوان و سکه‌های طلا و عطریات و شیشه‌های عود و عنبر و ظروف شربت آلات در اطراف سفره سفید دیده میشوند. در طرف دیگر و در حیاط قصر، داماد بلند بالا و خوش قوارهای که عرق چین بسر گذاشته و لباس بلند پوشیده است، با زن جوان شمع بدست، بدرقه میشود. دوستان و خویشاوندان، سکه‌های طلا را به مبارکی و پیمنت سر داماد ریخته و جوانان برای بدست آوردن سکه‌ها بروی فرش در غلطیدمانند.

جماعت نوازندگان به آوای دف و دایره به شادی پرداخته و رقاصه زیبا برقص و پای کوبی مشغول است. در طرف دیگر، چهار دختر زیبا از پنجره بالای خانه باین جشن نظاره میکنند. در بالای سر عروس و

برده، قرمز رنگ بزرگ کتیبه‌ای که پنج دایره منقش دارد در مستطیل وسط، رقم نقاش دیده میشود که بخطر قاع قرمز رنگ چنین نوشته است. (عمل جنید سلطانی)

در کتیبه بالای ساختمان و در طرف راست، بخطر قاع کتابت شده:

(هذا الدار کعبه الامال هذه الباب قبله الاقبال)

و در کتیبه زیبای طرف راست که بخطر کوفی تزیینی کتابت شده این چنین قید شده است.

(السلطان الاعظم ملک) (بقیه خوانده نشد)

تنها بیت شعر که روی مینیاتور دیده میشود، چنین است:

(در آمیخت با او چو شهد و شکر - بروغن فرو برد خرمای تر)

جواد در سید جواد آمده

۲۳۹ - جواد اصفهانی - محمد جواد

اهل اصفهان بود و در نقاشیهای روغنی (لاکی) دستی بکمال داشت.

محمد جواد در تصاویر رزمی و بزمی و چهره پردازی و شبیه سازی شیرین قلم بود و گل و مرغ را بهتر از همه تصویر مینمود.

از آثار او دیدهام:

- ۱- قلمدان گل و مرغ زیبایی دیدم که در روی آن حیوانات مختلف تصویر شده و زمینه آن، پر گل بود و در حاشیه کناره نیز تذهیب زیبا داشت. رقم نقاش در انتها چنین بود: (راقمه جواد ۱۳۱۴)
 - ۲- قلمدان گل و مرغ دیگری از او دیدم که در چهار مدالیون منظم تصاویری از زنان و مردان فرنگی داشت که بخوبی نقاشی شده و بخطر نسخ رقم داشت. (جودمن کان جواد)
 - ۳- بهترین قلمدانی که از این هنرمند دیدم، تصویر حضرت مسیح و مریم و یکی از حواریون بود که در مدالیون بزرگی در روی قلمدان ارائه شده بود. در کناره این نقاشی، تصاویری از گاو و گوسفند نیز دیده میشود. در طرفین قلمدان، صورت زنان و مردان زیبا و در طرف دیگر، تصاویری از پرندگان از قبیل مرغ و خروس و مرغابی بزیبائی تمام عرضه شده و رقم نقاش بخطر قرمز، چنین بود.
- (کمترین جواد)

۲۴۰ - جوان بخت قاجار

نقاش دوره ناصری بود و در آبرنگ و چهره سازی دست داشت.

از آثار آبرنگی این هنرمند که از نزدیک دیدم، تصویر کشیهای مسیحی بود که لباس و لباده مخصوص بتن داشتند. در این اثر زیبا، کلاه یکی از آنها بشکل گل‌های نخل آرایش شده و بسیار خوش منظر و زیب افزا بود و در سمت چپ بخطر نستعلیق رقم داشت. (جوان بخت قاجار)

این اثر آبرنگ در نوامبر ۱۹۲۶ در حراج ساتبی لندن بفروش رسید.

جواهر رقم کاشی در علی اصفرا کاشی آمده

۲۴۱ - جهان قاجار

مهد علیا ملک جهان خانم مادر ناصرالدین شاه و دختر محمد قاسم خان اعتضاد الدوله قوانلو قاجار بود. او بسال ۱۲۴۴ ه. ق. بهمسری محمد شاه در آمده و ناصرالدین شاه بسال ۱۲۴۷ از او

متولد شد .

مهد علیا زنی هنرمند بود و در صنایع خط و گلدوزی و نقاشی آبرنگ دست داشت . در زمان محمد شاه یک خانم گل ساز فرانسوی را بایران دعوت کردند ، تا فن گل سازی را که مورد علاقه محمد شاه بود بایرانیان و بانوان درباری یاد بدهد . حاج عباس نامی مامور آوردن این خانم شد . مرد نامبرده بیپاریس رفت و با خانم مزبور ملاقات کرد . نتیجه این ملاقات ازدواجی بود که بین مادام اروپائی و حاج عباس انجام گرفت . بعد از مراجعت بایران ، این خانم به مادام حاج عباس معروف گردید . زن مزبور علاوه بر اینکه فن نقاشی و گلسازی را به مهد علیا تعلیم میداد بعلت خوش صحبتی و بذله گوئی انیس و جلیس ملکه ایران نیز قرار گرفت و حتی بعد از مرگ شوهرش نیز کماکان مقرری مخصوصی نیز دریافت میداشت . از آثار رقم دار مهد علیا که نرگس زیبایی بآبرنگ میباشد رقم دارد . (نقشه مهد علیا) مضبوط در مجموعه نگارنده .

۲۴۲ - جهانگیربخاری

اهل بخارا بود و در نقاشی دستی بکمال داشت . این هنرمند در زمان خود شهرت بسزائی داشت و به عمده المصورین انگشت نما بود . پیر سید احمد تبریزی که بروایتی معلم و استاد کمال الدین بهزاد بوده است از شاگردان همین جهانگیر بخاری میباشد .

ج

۲۴۳ - چاتارمونی

از نقاشان مغولی اوایل قرن ۱۶ میلادی هند است . تنها اثر رقم دار این هنرمند را که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن دیدم ، تصویر در کمال شیوائی و دلربائی بود و رقم داشت . (چاتار مونی)

۲۴۴ - چاکری - سید چاکری

نقاش هنرمند و مجلد پاکیزه کار اواسط قرن ۱۲ عثمانی است . از این هنرمند ، جلد زیبایی بیادگار مانده که بانواع تذهیب و آرایش گلها تزیین یافته و رقم دارد . (نمقه الحقیق السید چاکری الساکن قسطنطنیه)

۲۴۵ - چترمن

نقاش مغولی اواسط قرن ۱۷ میلادی هند است .

این هنرمند شبیه ساز متبحر و استاد بود و در رنگ آمیزی و مجلس آرائی دستی پر قدرت داشت. از آثار شیوا و استادانه این هنرمند که در نمایشگاه مخصوص ۲۴ آوریل ۱۹۸۲ در موزه ویکتوریا آلبرت لندن از نزدیک دیدم، تصویر دارا شکوه با سینی جواهرات بود که ستودن داشت. در این اثر، دارا شکوه ریش و سبیل کوتاه داشت و شلوار هندی بنفش رنگ پوشیده بود. کلاهی قرمز رنگ بود و حاشیه طلائی داشت. حواشی اثر نیز گل‌های تزیینی دلفریب هندی داشت. روی جدول حاشیه رقم داشت .

(شبیه خوب بابا دارا شکوه عمل چتر من)

دیگر تصویر که در کتابخانه پیر مورگان نیویورک قرار دارد، اثر دلنوازی از دارا شکوه است که سرپا ایستاده و نیزه بلندی بدست گرفته است. کلاه و لباس مزین و پر زیب و زینت است، شمشیر و سپر بزرگی بکم آویخته و قیافه خندان و شادان دارد. هاله نوری از پشت سر صورت ارائه شده که افسانه‌ای است و رقم دارد .

(خاک پا چتر من)

از این هنرمند، چند اثر نیز در موزه‌های ایران دیده میشود که از آن جمله تصویر پادشاه هندی است که در بارگاه نشسته و با وزر و رجال درباری صحبت میکند. دیگر، تصویر پادشاه هندی است که قوش باز مخصوص در مقابلش ایستاده و باز شکاری بدست گرفته و رقم دارد . (عمل چترمن)

از آثار دیگر هنرمند که در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی بیادگار است، تصاویری از دارا شکوه - علاء الملک تونی فاضل خان و همچنین تصویر جعفر خان و اسلام خان رومی و شاه جهان است که از بحث بیشتر مشخصات آنها خودداری مینمائیم .

۲۴۶ - چکنار مصور

نقاش مغولی هند بود و در شیوه فرنگی سازی نقش می‌آفرید .

از آثار رقم دار این هنرمند که در یکی از مرقعات کتابخانه گلستان تهران مضبوط است، شمایل حضرت مریم است که روی تخت زیبایی نشسته و پاهای خود را بروی بالش مخملی قرمز رنگی تکیه داده است . در یک دست مریم، انجیل مقدس دیده میشود و با دست دیگر بتصویر کودکی مسیح اشاره میکند. در کنار این اثر، مشک‌دان مرصعی قرار گرفته که اسم نقاش بروی آن نوشته شده است .

(عمل چکنار مصور)

ح

۲۴۷ - حاجی (میرزا حاجی نقاشباشی)

بر خلاف لقب نقاش باشی، آثارش زیاد مهم نبوده بلکه متوسط و کم کار نیز هست. از آثار رقم دار وی، تصویر حاجی میرزا عبدالباقی حکیم باشی را دیدم که چندان استادانه نبود، و رقم داشت. (رقم میرزا حاجی آقا نقاشباشی ۱۳۱۴ ه.ق. ۰)

حاج سید باقر قمصری در باقر آمده

۲۴۸ - حاجی عباس اصفهانی - رسام فلزکار

از رسامان و فلزکاران نامی شهر اصفهان بود و در هنر خود شهرت بسزا داشت. از آثار هنری وی، جمعبه فلزی زیبایی دیدم که در رویه آن اسماء مبارکه و ادعیه به مشبک سازی پر مهارتی حکاکی شده و در سینه مقابل جمعبه الفاظ (انا مدینه العلم و علی بابها) به استادی عمل آمده و رقم داشت: (عمل حاجی عباس)

دیگر اثر رقم دار هنرمند کشکول فلزی فولادی بود که حواشی آن نقش اسلیمی پر مهارتی داشت و ادعیه و عباراتی به خط نسخ در رویه آن جلب نظر مینمود و رقم داشت. (عمل فقیر حاج عباس) کشکول فلزی و رقم دار دیگر هنرمند که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن بیادگار است، اثر فوق العاده نفیس از نقوش اسلیمی و خطوط زیبا است که رقم دارد. (عمل حاجی عباس)

دیگر کشکول اثر دست این هنرمند، که حواشی و دهنه آن با تصاویر برجسته و گل‌های اسلیمی زیبا تزیین یافته و اشعاری بخطر قاع استادانه در کناره دارد. رقم (حاجی عباس) را دارا بوده و از بیت اول اشعار چنین معلوم است که برای شاه زمانه انجام یافته است. کشکول دیگر حاجی عباس که در یکی از موزه‌های کپنهاگ مضبوط است، تصاویر گل و مرغی عالی داشته و رقم دارد. (عمل حاجی عباس)

اما بهترین و زیباترین اثر این هنرمند که گویا برای ناصرالدین شاه تهیه شده طاووس فولادی پر مهارتی است که آرایش طلائی داشته و در نوع خود فوق العاده است. جنس فولادیکه در این اثر بکار رفته فوق العاده بوده و طلاها بدرخشندگی تمام در بطن فولاد جا گرفته و جلوه و طنازی آنرا چند برابر کرده است.

در روی پره‌های دم طاووس که به قوی دستی باز شده است چنین نوشته:

(السلطان بن سلطان ابن السلطان ناصر الدین شاه قاجار خلد اله ملکه ۱۲۹۲)

طاووس روی پایه چهار گوش خوش طرحی جا گرفته و در کناره چهار گوشها این ابیات بچشم میخورد این صورت زیبا که بجان مانوس است
ممنوع، ز دست طابع قدوس است
گویند که طاووس برون شد ز بهشت
بزم تو بهشت و این همان طاووس است
در سینه طاووس، رقم نقاش چنین است: (عمل کمترین حاجی عباس) مجموعه مهندس خلیلی

۲۴۹ - حاجی علی - فلزکار

از اسطراب سازان اوایل قرن ۱۳ ه.ق. بود که در تزیین و آرایش فلزات دست پر توان داشت، از آثار رقم دار هنرمند که در موزه کرنویج انگلستان دیدم، چنین رقم داشت. (عمل ثالث عشر صنعه حاجی علی ۱۲۰۸)

حاجی - حل کار معروف دوره بایسنقر میرزا در هرات بود.

۲۵۰ - حاجی مدنی

از نقاشان دوره شاه جهان و داراشکوه بود و بسبب ایرانی و هندی تصویر میساخت .
 یگانه اثر زیبای او، تصویر عروسی مجلل شاهانه شاه جهان و دارا شکوه میباشد که در کتاب تاج محل به عکس رنگی چاپ شده است .
 در این نقاشی که حالات و سکنات شرکت کنندگان و رقاصان و نوازندگان و آرایش لباسهای رنگارنگ آنان، در جشن آتش بازی ترسیم شده ، در غایت دلربائی است . عروس تور زیبا و بلندی بصورت انداخته و داماد در نهایت متانت و پوشش پر جلال در پشت عروس در حال حرکت است .
 عروس و داماد روی اسبهای زیبایی سوار شده و لاله‌ها و چراغهای نورانی با عوالم هیجان انگیز آتش بازی شب را چون روز روشن کرده است .
 این نقاشی در نوع خود بسیار بدیع بوده و دل چسب میباشد .
 رقم نقاش به خط نستعلیق زیبا، در زیر اثر، چنین می باشد :

(عمل حاجی مدنی)

حاجی محمد برادر محرم زمان در محرمین حاج یوسف قلی آمده
 حاجی مراد در مراد خوش قدم آمده

۲۵۱ - حاجی محمد بن علی حافظ - فلزکار

اهل اسفراین و استاد کوفتگر و فلزکار و طلاکوب اوایل قرن ۹ ه.ق . بود. از آثار بی نظیر و فوق العاده ارزنده این هنرمند که آیتی از کمال میباشد، پنجره بی نظیری در آستانه قدس رضوی است که بمهارت تمام شبکه و کنده کاری و طلاکوبی شده و کتیبه‌های زرین و نقوش هندسی فوق عالی دارد .
 این پنجره که روی سنگ مرمر نصب شده و فولادی و زرکوب می باشد، با همکاری استادان نامی زمان انعام یافته و رقم آن چنین است :

(عمل حاجی محمد بن علی حافظ اسفراینی تحت فی شهر محرم ۸۱۷)

در کتیبه دیگر نوشته، عمل استاد شیخ علی خودگر بخارائی، عمل استادان کوفتگر مولانا شمس طیبی و استاد محمود کوفتگر و استاد با سعادت و شرافت خواجه حسین زاهد .

۲۵۲ - حاجی محمد هروی

در کتاب حبیب السیر خطی کتابخانه نگارنده که بسال ۱۰۰۰ ه.ق . کتابت شده در صفحه ۷۷۰، راجع به مولانا حاجی محمد نقاش چنین می نویسد :

"مولانا حاجی محمد، نقاش ذوفنون زمان خود بود و پیوسته بقلم اندیشه امور غریبه و صور عجیبه بر صحایف روزگار تحریر مینمود . در فن تصویر و تذهیب مهارت تمام داشت، چندگاه همت بر پختن چینی قفقوری می گماشت، بعد از تجربه بسیار و ارتکاب مشقت بی شمار، جسم ظروف و اوانی که میساخت با چینی بغایت شبیه گشت اما رنگ و صفایش چنانچه می باید نبود. و از جمله مخترعات مولانا حاجی محمد، صندوق ساعتی است که در کتابخانه امیر علیشیر ترتیب نمود و در آن صندوق، صورتی تعبیه کرده بود که چوبی در دست داشت . و چون یک ساعت از روز می گذشت آن پیکر، چوب را یک نوبت بر نقاره که در پیش بود می زد. و بعد از گذشتن ساعت دوم، دو نوبت آن حرکت میکرد و علی

(حاجی یهود آقا یا با اوف کاشانی) -

یک قالبچه خوب صدساله بود که در وسط تصویر پادشاهی سوار بر اسب بود و حواشی اشعار خوبی داشت .
 در بالای فرش نوشته شده بود کارخانه حاجی یهود و آقا بابا اوف کاشانی

هذالقیاس، و خدمت مولوی مدنی کتاب دار امیر علیشیر بود. آخر الامر از آن جناب رنجیده و در تهور ۹۰۴ که بدیع الزمان به محاصره بلده هرات اشتغال داشت، بگریخت و بشاهزاده پیوست و بهمان منصب منصوب گشت. و در اوایل زمستان واستیلا ابوالفتح خان شیبانی (۹۱۳) درگذشت. خواند میر در خلاصه الاخبار، می نویسد: مولانا محمد عدیمی نیز مانند حاجی محمد هروی صندوق ساعتی ساخته و شب و روز را از او می فهمید.

امیر نظام الدین علیشیر نواهی در کتاب مجالس النفاثس در مورد این نقاش چنین مینویسد. "نقاش متین شهر هرات بوده است و خوش طبع است و خیالات غریب میکند، کم فنی باشد که او را در آن اندیشه بخاطر نرسد خواه راست خواه غلط"

۲۵۳ - حافظ ملا مسیح اله مذهب

از مذهبیان کم نام و نازک فلم اواخر دوره تیموری است.

۲۵۴ - حبیب - صدر الافاضل

بنوشته مرحوم نربیت: صدر الافاضل میرزا حبیب نظام افشار - شاعر و منشی و خوش خط است. در صنایع خط ناخنی و کاغذ بریده و ابری سازی و علاقه بندی و غیره استاد بوده و در هجو و هزل ماهر است.

در اوایل قرن ۱۴ ه. ق. مرحوم شده و بطوریکه در منشآتش اظهار میکند - اصلش از قریه قرا اغاج رضائیه بوده که در یک فرسخی آن شهر واقع شده است. (مقویم مهمل تقویم) از نتایج خاطرات اوست و نصاب الصبیان را نیز تضمین کرده است. این بیت از اوست: خوش بود کز پشت بام افتی و از تو بشکند جید گردن صدر سینه رکه زانو راس سر

۲۵۵ - حبیب اله بن علی بهار جانی

نقاش و نگارگر فلزات بود و در هنر خود دستی پر استعداد داشت.

از آثار رقم دار این هنرمند، ظرف کوچک برنجی نقره کوبی در موزه ویکتوریا آلبرت لندن دیدم که استادانه بود در قسمت بالا و کناره گردن ظرف، بخط ثلث زیبای نقره کوب، الفاظ (لصاحبه السعاده و سلامه و طول عمر) نقش شده و در بالا و پائین بدنه ظرف، تزیینات هندسی و اسلیمی خوش تراشی دیده میشد و در کناره نقوش اشعاری جلب نظر میکرد و رقم داشت. (حبیب اله بن علی بهار جانی ۸۶۶)

در مشخصات ظرف نوشته شده بود، (کار خراسان)

۲۵۶ - حبیب اله ساوجی

بنوشته قاضی میر احمد، در گلستان هنر:

"از شهر ساوه است بغایت آدمی صفت و درویش است، در تصویر و شبیه کشی نظیر ندارد، از ساوه بقم آمده مدتی در قم بکار مشغول بود، از چرب دستی و چابکی مشهور بود و در نقش بندی روز بروز در ترقی بود نواب حسین خان شاملو حاکم قم او را ملازم ساخته به هرات برد.

سپس شاه طهماسب او را از خان گرفته در اصفهان مشغول کار است و در سلک نقاشان خاصه است" در کتاب خطی تاریخ اکبر نامه مجموعه نگارنده، این شعر از حبیب اله ساوجی درج شده است.

حافظ حاجی - از قارئین خوش آواز مرد مطهر امام رضا (ع) در اول قرن دهم ه. ق. بود.

بیدرد را شراب محبت کجا دهند

کیفیتی است عشق بنان تا کجا دهند

خداوندا ز معنی تنگدستم

ببخشائی که من صورت پرستم

از آثار این نقاش، تصویری در موزه تزیینی تهران است که دو سوار کار در نهایت استادی نقاشی شده و رقم حبیب دارد. اولین تصویر رقم دار این هنرمند را که از نزدیک دیده‌ام، نقش شتری در کمال استادی بود که روپوش طلائی زیبایی با حواشی سبز رنگ به پشت داشت.

ساربان بخاطر راحتی و بی‌قیدی، دم حیوان را با طنابی به پشتی شتر بسته و خود مشغول نخ ریسی بود. کلاه و لباس ساربان و چوب عصائی که زیر شال خود محکم کرده، ستودنی بود.

این اثر در دو محل جداگانه رقم داشت.

تصویر شماره (۲۳)

۱- رقم نقاش بخطر رفاع (حبیب) روی بدن شتر

۲- رقم دوم بخط طفره در گوشه پائینی سمت چپ، بخط طلائی (عمل فقیر قلاش - حبیب نقاش)

۲۵۷ - حبیب الله شیرازی. میرزا

از نقاشان زیر دست و گمنام شیراز و در آبرنگ و تصویر سازی استادی بی‌همتا و در شبیه سازی چیره دست بوده است. یگانه اثر رقم دار موجود او که حالیه جزو مجموعه نگارنده است، تصویر محمد خان دشتی شاعر شیرازی است که در اول کتاب تحفه الحرمین خطی الصاق شده و شبیه‌ترین تصویری است که در کمال قدرت و ارائه مشخصات کامل از صورت شاعر ارائه گشته است.

این نقاشی که در زمان تحریر کتاب بوسیله خطاط معروف زمان محمد حسن قزوینی متخلص به آیت و در ۱۲۸۶ کتابت شده، بدست میرزا حبیب اله شیرازی نقاش تصویر شده است.

در این جا دشتی بروی صندلی نشسته و کتابی بدست گرفته است.

پرداز صورت و ترسیم و آرایش سر و لباس و سایر مراحل ترسیمی اثر در حد خود استادانه است. حواشی صورت او اشعاری در جداول مختلف و در مورد محمد خان کتابت شده که اشعار دست راستی چنین میباشد.

حتی که شمایل محمد خان است

دل بر کف صاحبان ایوان است

(مشقه العبد الاقل میرزا حبیب اله شیرازی)

رقم دارد.

۲۵۸ - حبیب اله مشهدی

نقاش دوره شاه عباس اول بود و در شیوه اصفهان و سبک رضا عباسی نقش می‌آفرید. اثری از این هنرمند در آلبوم شماره ۳۷۰۹۲ اسلامبول و دیگری که در موزه اسلامی برلین بیادگار است، تصویر جوان شکارچی است که لباس بنفش رنگی پوشیده و مچ پیچ راه راه بها بسته و تفنگ خود را بدوش گرفته و دست دیگر خود را بکیف کوچکی کنار باروت دان فرو برده است. قیافه چالاک و شاداب جوان شکارچی و نقوش روی پارچه و سایر آرایش تصویر و زمینه ساده آن ستودنی است. رقم دارد بخط قلم موئی. (راقمه حبیب اله مشهدی) تصویر شماره ۸

مینیا تور دیگری که در مکتب هرات انجام یافته و اندازه آن $4/5 \times 10$ اینچ است، تصاویر بسیار دلربا و رنگین جمع پرندگان صحرائی است که به نیکوترین ترتیبی ارائه گشته است. در این اثر پر

حبیب اله مذهب - خطاط و مذهب زرین قلم او ایل قرن ۱۰ هـ. ق. و اهل مراغه است.

از آثار این استاد قرآنی بخط ثلث و نسخ زیبا دیدم که رقم داشت.

(کتبه و ذمه حبیب اله کاتب المراغی)

حلاوت، طاووس زیبایی پره‌های خود را باز کرده و مرغان متنوع دیگر بحال پراکنده در صحرا دیده میشوند، شکارچی تفنگ بدست، پشت صخره‌ها بکمین ایستاده و منظره تک درخت بلند و نقش کومه‌ها دل انگیز است. رقم دارد. (حبیب اله)

زبان حال طاووس زیبا که خود را برتر از مرغان دیگر پنداشته در دو بیت بالا و پائین چنین آمده است.

هم مرید حضرت و بیک حبیب
هم ز فطنت صاحب اسرار آمدم

گفت ای مرغان منم بی هیچ زیب
هم از آن حضرت خبردار آمدم

حسام الدین در میر حسام الدین آمده

۲۵۹ - حسام الدین هروی

استاد حسام الدین غداره گر هروی نقاش و طراح روی عاج و فلزات بود و در شمیر سازی و تزیین قبضه‌ها و غلاف آن، دست پر توان داشت. این هنرمند اهل هرات بوده و در دوره سلطنت سلطان حسین میرزا به خلق آثار مورد علاقه خود سرگرم بوده است.

۲۶۰ - حسن - (آقا حسن نقاش هراتی)

صاحب گلستان هنره در مورد این نقاش چنین مینویسد: "آقا حسن نقاش از هرات بود در نقاشی بی بدل روزگار افتاده اندرون روضه مقدسه مطهره عرش منزله رضیه رضویه علی مشرفها و ساکنها الف الف صلوة و سلام و تحیه راوی بفرموده مرحوم محمد زمان شرف الدین اوغلی تکلوه نقاشی نموده بود و این بیت را مناسب احوال و حسب حال در برابر ضریح مبارک بر بالای محراب نوشته است. حسن بگردد درت گشته بر طریق طواف
نو کعبه وار همه حاجتش روا کرده
فوتش در دارالسلطنه هرات و در جنب مزار پیر هرات در خانه پر نقش و نگار مدفون است"

۲۶۱ - حسن - (نقاش قاجاری)

نقاش پر مایه دوره فتحعلیشاهی بود و رنگ و روغن را خوب می ساخت. عمده آثار بجا مانده این هنرمند، تصاویر بعضی از رجال و شاهزادگان قاجاری است که در قصر محمد تقی میرزا رکن الدوله در بروجرد، بزرگ و روغن نقاشی شده و حالیه از بین رفته است. از این تابلوها که یکی شمایل نیم تنه فتحعلیشاه و دیگری عباس میرزا بود، از نزدیک دیدم که استادانه بود و ستودن داشت. تنها اثر رقم دارش را که مشاهده کردم، مجلس رزمی ارزندهای بود که از بین رفته و احتیاج به تعمیر داشت و بخط نستعلیق زیبا رقم شده بود. (با امام حسن)

۲۶۲ - حسن - (مینا ساز)

از مینا سازان و نگارگران دوره محمد شاه و ناصرالدین شاه بود و گل و مرغ را عالی می ساخت. تنها اثر رقم داری که از این هنرمند دیدم، سرقلیان طلائی زیبا ولی مخدوش و شکسته بود که جوانب آن، از گل و مرغ پیراسته گشته بود، حرکت پر حالت مرغها و شیوائی و تازگی گلها بخوبی نمایان بود و رقم داشت. (کمترین استاد حسن)

۲۶۳ - حسن (استاد معمار)

اهل قم و سازنده و طراح نقوش ساختمانها بود. از آثار مشهور و بجا مانده این هنرمند، ایوان آینه معصومه قم و صحن مقبره علی اصفرخان اتابک و سایر ساختمانها است که حالیه بیادگار مانده است. همکار نامی این استاد، استاد محمد باقر قمی بود که اغلب با همدیگر به رقابت می پرداختند. کاشی سازان مشهور این دوره که تزیینات داخل و خارج بناها را به عهده داشتند، حاج غلامعلی و استاد محمد شیرازی بودمانند.

۲۶۴ - حسن (بن احمد)

بطن قوی اهل قفقاز بوده و در هاشور زنی مهارت داشته است. از آثار این هنرمند که در کتابخانه گلستان تهران بیادگار مانده، تصاویری در کتاب (تور دوموند) است که بوسیله شخصی بنام علی بخش قاجار تهیه گشته است. در این کتاب تصاویری از قعه زنی و قفل بندی و سینه زنی و تصویر دوزن دهاتی دیده میشود که با هاشورهای دقیق نقاشی شده و رقم داشت. (حسن بن احمد)

۲۶۵ - حسن (بن حسین - زورنازن)

قلمدان ساز و عاج تراش هنرمند عثمانی است. از آثار این هنرمند قلمدان نابوتی و چوب صدفی منقش دیدم که طراحی عالی داشت. این اثر ارزنده که نقشهای گوناگون ترکی داشت در چند کتیبه حواشی و داخل آن اشعاری درج شده بود که بیت اول آن چنین بود:

در قسمت بالای قلمدان بخط طفرائی رقم داشت. (حسن بن حسین ۱۲۲۶)

۲۶۶ - حسن (بن سلیمان اصفهانی)

منبت کار چیره دست و با ابتکار اوایل قرن ۸ ه. ق. بود. از این هنرمند، رحل چوبی بی نظیری بجا مانده که در قسمت بالای آن نشانه پر جلال (الله) بچهار شکل لچکی مقارن حک شده و زمینه و کناره آن با اسلیمیهای استادانهای تزیین شده است. در قسمت پائین و نشیمن رحل چوبی گل و برگهای موزون در کناره متن گلدستهای خطدار به استادی کنده کاری شده و قابل تحسین میباشد. در وسط پایه بخط ثلث زیبایی اسامی ۱۲ امام حکاکی شده و داخل آن نیز به گلهای تزیینی آرایش یافته است. این اثر بی نظیر که در نوع خود منحصر است رقم دارد. (حسن بن سلیمان اصفهانی، تصویر شماره ۴۵)

۲۶۷ - حسن (بن عربشاه نقاش)

از نقاشان و طراحان محراب و کاشی تراش قرن هفتم هجری قمری از آثار بجا مانده وی که حالیه در موزه دولتی برلین می باشد، محراب مسجد میدان کاشان بسال ۶۲۲ ه. ق. است که طراحی و ساختمان آن، بدست این هنرمند انجام یافته است. حاج عبدالغفار نجم الدوله که در سال ۱۲۹۹ از این مسجد دیدار کرده در این مورد چنین مینویسد: (۱) "کاشان شهر آبادی است. آثار قدیم نیز از مساجد و بعضی ابنیه دیده شده بازار مسگری معتبر

دارد. کاشی‌های برجسته خوب و تماشائی دارد. فرنگی‌ها همان را اقلاً " ده هزار تومان می‌خرند " بنوشته. مجله مزبور، این محراب پس از ربوده شدن از محل اصلی، مستر پیریس کنسول انگلیس خریداری کرده به اروپا برده و به سال ۱۹۲۸ تحویل موزه برلین گشته است. در کناره کاشی‌های محراب که در نوع خود ممتاز میباشد، آیاتی بخط کوفی تزیینی و ثلث و رقاع استادانه دیده میشود که در نوع خود ممتاز است. در قسمت پائین، کلمات (حتی مطلع الفجر) جلب نظر میکند. رقم دارد.

(فی اواخر صفر سنه ثلثین عشر و ستمائه عمل الحسن بن عربشاه) ۶۲۳ ه.ق.

عکس رنگی این اثر، در صفحه ۷۰۴ کتاب معروف الکساندر پوپ درج شده است. دیگر اثر رقم دار این هنرمند، کاشی بزرگ قسمتی از کتیبه محراب مسجد میدان کاشان در موزه ویکتوریا آلبرت لندن است که با خطوط استادانه برجسته ترسیم شده و حواشی آن خطوط کوفی تزیینی میباشد. در زمینه کاشی، نقوش اسلیمی که در بین آنها تصاویری از پرندگان نیز دیده میشود به طرافت ترسیم شده و رقم دارد.

۲۶۸ - حسن بغدادی - مذهب

مذهب زبردست و معجز نگار قرن ۱۰ ه.ق. بغدادی الاصل مقیم تبریز بود که در هنر خود سرآمد مستعدان و در رموز و دقائق آن انگشت نما و نادره زمان خود بشمار میرفت. در بدایت حال بندهیب و آرایش روضه مطهره امام حسین علیه السلام مفتخر گشته و در نزد شاه طهماسب اول قدرت و منزلت والا ئی کسب نمود. بدین ترتیب فرمان ریاست جماعت هنرمندان شهر تبریز بوی تعلق یافت و انقیاد و اطاعت از سخن و صلاح وی در فرمان سلطنتی مدلل گردید. ولی با این همه فضایل بی طالع و با پدر خود بیگانه بود و آنچه از دستش بر می آمد در نگوشت و آزار پدر فرو نمی گذاشت. بدین ترتیب پریشان حال و بی مصاحب گشته و آسایش و آرامش خاطر را از دست داد. در اغلب اسناد بجا مانده قدیمی علاوه بر اینکه هنر متعالی وی را ستودمانده، نکات ضعف و نابخشودنی وی را نیز یاد کرده اند که ما بعینه در اینجا نقل مینمائیم.

بنوشته عالم آرای عباسی :

"در فن تذهیب فرید عصر و یگانه دهر بود، مجتلا" فن تذهیب را به سرحد اعجاز رسانیده بود جمیع اسنادان این فن او را در این امر مسلم داشتند، مذهب مولانا یاری که این شیوه را بر طاق بلند نهاده بود و در برابر ریزه کاری و دقیقه پردازی او آب و رنگی ندارد و در اواخر ایام تاه جنت مکان او را گیرانیده همواره تهدید قطع ید او می نمود او بالاخره بجهت آنکه در کنبد مبارک حضرت ابو عبدالله الحسین کار کرده زیب و زینت آن روضه مقدسه داده بود از سیاستش اغماص نموده توبه اش دادند که دیگر مرتکب چنین امری نگردد و در زمان اسمعیل میرزا داخل اصحاب کتابخانه شد و پسرش نیز از هنرمندی پدر بهره یافته تذهیب تصویر را با یکدیگر جمع کرده بود. "

او فرزند قوام الدین بغدادی است که نسبت بپدر محبتی نداشته و همواره پدر را مورد آزار و اذیت خود قرار میداده است.

قاضی احمد منشی در کتاب گلستان هنر، در مورد حسن مذهب بغدادی چنین مینویسد :

"استاد حسن مذهب بغدادی الاصل می باشد اما در تبریز نشو و نما یافته و در تذهیب بی بدل زمان خود بوده و زینت آستانه مقدیه امام همام خامس آل عبا سیدالشهدا ابا عبدالله الحسینی صلوات الله سلام علیه نموده فی الواقع در آن کار ید بیضا نموده. الی انقراض الزمان و ایام ظهور

مظهر موعود منظور عالمیان خواهد بود.

مولانا صادقی بیک در مجمع الخواص (سال ۱۰۱۶) در مورد حسن مذهب چنین مینویسد: "با اینکه پدرش محسنات زیاد داشت وی بر عکس پدر آنچه از دستش بر می آمد اذیت و آزار در حق مردم دریغ نمی کرد. قدی کوتاه داشت و کارهای عجیب از وی سر میزد وقتی مهر شاه اسماعیل ثانی را ساخته بود رسوا شد مورد عفو واقع گشته او سنگ سماقی از پشت بام بلندی بر سر پدرش افکند که اگر بر سرش خورده بود او را با مردگان هزار ساله برابر می ساخت، من این ماجرا را از زبان پدرش شنیدم، مولانا قوام الدین بخط و مهر بزرگان بغداد نوشته می به عراق فرستاده بود که هر کس مذهب را بکشد در دنیا و آخرت من جواب آن را میدهم، غرض مولانا حسن با این هنر که در زمان خویش نظیر نداشته مردی فتنه انگیز و رسوا بوده و ظاهراً "تا آغاز سلطنت شاه عباس حیات داشته است."

صادقی می نویسد: "جوانی بنام (قاسم بیک صحاف) در تبریز مولانای مزبور را بخانه خود محرم می سازد، مولانا پس از آنکه اطمینان حاصل کرد با یک کنیز چوکس مباشرت میکند و بعد از رسوا شدن از ترس کشته شدن آنها بحیلای از جوان می خورد. اکنون از آن کنیز فرزند حلال زاده ای دارد که خود مولانا در هیچ باب شاگرد او نمی تواند باشد"

سواد پروانچه مولانا حسن بغدادی مذهب به انشاء قاضی عبدالله خوبی که در اواخر سلطنت شاه طهماسب اول نگارش یافته و در حقیقت فرمان ریاست و کلانتری او بر جماعت مذهبان و نقاشان و صحافان و طلا کوبان و کاغذ فروشان دارالسلطنه تبریز می باشد. عیناً "از کتاب (گلستان هنر به تصحیح و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری) جهت علاقمندان درج میگردد.

فرمان ریاست جماعت هنرمندان تبریز

چون لوح پرداز صحایف ابداع و صنایع آراز صحایف ایجاد و اختراع که خامه صنمیش بزرنجیر که کشان بر خاشاک چرخ زده شان ترتیب نموده و قاسم قدرش اوراق نه رواق لاچوردی را با زر و ورق نم آیت و سبزه ات که سپهر جدول خطوط شماعی مهر تذهیب فرموده شمس ایوان سادات آینه های ما را زینت مجلدات افلاک گردانیده و دیباچه خلافت و شاهنشاهی ما را از آفات سپیدین ماه و مداد شبیه بر صفحات روز بفلک ثبات و استمرار تحریر کرده چنانچه دهر خرد روشکاف مضمون این قطعه را درین باب رقم زده که قطعه

از کتب خانه اش اوراق نلک دیوانت است که سرو ثبت شده از کرم یزدانی از شهاب و خور و قوس قزح سیاره جدول وشه و شیرازه و ذرافغانی ما بر سایه چتر مکرمت و رشحه ابر مرحمت بر ساحت حال و ریاض آمال جمعی که در طریق هنروری بسر اقران سابق و وادی صنعت گسری از دیگران راجح دقایق باشند انگنده درین ولا که تقوی شعارند در عصری مولانا حسن مذهب بغدادی که با وجود اتصاف و محبت ازلی و جبلی خاندان نبوت و ولایت سمت اخلاص و دعا گوئی این دولت ابدی لغایه در فن تذهیب بی بدل زمان و در دقایق آن حیثیت عجیب بی نظیر و عدیل دورانست بعد از آنکه یاری توفیق و ادراک سعادت ثقیل آستان سلطه نشان

حضرت امام همام معصوم مظلوم ابی عبدالقده الحسین علیمن الصلواة افضلها ومن التسلیمات اكملها من بیان الاثمة من ذریة مصدوق مقال المدعا مستجابته تحت قبة امام الثقلین و قبة الخافقین مشرف سده مضمون این بیت مصداق حال او شده بود نظم:

حسن بگرد درت گشته از طریق طواف تو کعبه وار همه حاجتش روا کرده
 بخدمت نقاشی قبتہ منوره و روضه مطهرة آنحضرت صلوات الله وسلامه علیه فایز
 گردیده چنانچه این قطعه مشتمله بر تاریخ که از نتایج طبع صافی اوست و در آن روضه
 منده مرفوم ساخته شاهد این منی است:

بود چون توفیق نتاش ازل شد تمام اینطرح و نقش از کلك من
 خواستم از هاتنی تاریخ گنت «نقش کرد این قبة زیا حسن» ۹۸۰
 نامه بخت خود را بطفرای غرّ ای سمد من ناستی بنا و منشور عمل خود را بهم
 مهر آثار ان لهم اجراً حسناً مزین و موشح ساخته بز بساط بوسی مجلس هشت آئین مشرف
 و سرافراز گشت و بعضی از کارهای خود که فی الواقع بمقتضای کریمه قل کل يعمل
 علی شاکلة کارنامه مهندسان روزگار و در سلك صنایع اسنادان غرایب نگار است بنظر
 همایون رسانید و با وجود این حالات سیمای صلاح از چهره حالش ظاهر و عکس انوار
 غبار آن عتبه منده از جبهه آمالش باهر بود مشمول عنایت بیغایت شاهانه و عاطفت
 بینهایت خسروانه فرموده تقدّم و ریاست جماعت مذهب ان و کاتبان و مجلدان و نقاشان
 و طلاکوبان و کاغذ فروشان دارالسلطنة تبریز را بدو تفویض فرمودیم که بحقیقت حال
 هر يك از ایشان باز رسیده جمعی که صحایف احوال و جراید آمالشان بطفرای دلکش
 لایمته الا المظهر و ن موشح و مزین نگشته باشد از آیات قرآنی و کلام مجید سبحانی
 ممنوع گردانیده مقرر دارد که بعد از اکتساب آداب طهارت مرتکب این امر جلیل القدر
 شوند و کسانی را که طرح تقوی و برهیزگاری بر لوح افعالشان منتش باشد مرخص
 و ممکن گردانند که بشغل مذکور قیام نمایند و نگذارد که آلات و مصالح مجلدی و مذهبی
 و کتابت که دغدغه نجاست درو باشد در جلد و اجزا و اوراق مصاحف و تفاسیر و احادیث
 و امثال آن صرف کند و از هر کس از جماعت مذکوره بطریقی بی ادبی سرزند منع و
 تأدیب نماید و جماعت مذکوره نادر العصر مشارالیه را رئیس و مقدم خود دانسته
 اطاعت و انقیاد بجای آورند و از سخن و صلاح او تجاوز نمایند . و چون بتوفیق
 رفیع اشرف اعلی مزین و محلی گردد اعتماد نمایند.

اما بهترین و ارزنده ترین آثار این هنرمند که سعادت دیدارش بمن دست داد تذهیب بی نظیر و
 استادانه قرآنی بخط نستعلیق فوق العاده عالی شاه محمود نیشابوری بود که بشماره (HS25 FFIV-2F)
 در کتابخانه توپ قاپو سرای استانبول مضبوط میباشد . اندازه صفحات ۲۶/۷ x ۳۷/۵ سانتی متر و
 تاریخ ختم قرآن چهارده محرم سال ۹۴۵ ه.ق . میباشد . ولی تذهیب و آرایش آن بسال ۹۷۰
 هجری قمری یعنی ۲۵ سال بعد از کتابت قرآن انجام یافته است .
 THE QURAN ART OF CALLIGRAPHY AND ILLUMINATION در کتاب :
 نوشته : MARTIN LINGS چاپ شده و شرح و بسط شیوائی تذهیب آن محتاج مقالات جامعی
 است که در این مقال انجام آن میسر نمی باشد .

از طرفی چون مشخصات و امتیازات این کلام اله که در نوع خود از نوادر جهانی بشمار می‌آید و شرح آن چه در ایران و چه در خاج از ایران در هیچ کتاب و مقاله‌ای معرفی نشده و حتی جزو آثار شاه محمود نیشابوری نیز درج نگشته است، شایسته بود که اطلاعات بدست آمده را بنحوی در این کتاب بعرض علاقمندان برسانم. در یک سفر کوتاهی به استانبول که برای دیدار موزه توپ قاپوسرا ترتیب یافته بود مسئولین موزه، نگارنده را جهت قرائت ارقام بعضی از آثار متفرقه عثمانی که رقم ترکی قدیمی داشته و تا آن موقع ناخوانا مانده بود دعوت بعمل آوردند، پس از قرائت آثار ترکی علاقمند بدیدار قرآن شاه محمود نیشابوری گشتم، با گشاده روئی در اختیارم نهادند با فرصت کوتاهی که داشتم به سرعت به یادداشت مشخصات و ارقام کاتب و مذهب پرداختم و شکر خدای باریتمالی را بجا آوردم که توفیق دیدار این اثر گرانبغدا را بمن ارزانی فرموده است.

امتیازات و مشخصات قرآن مزبور باختصار چنین است:

جلد سوخت قرآن ستودنی و کم نظیر صفحات داخلی با خطوط ساده تزیینی مجزا گشته بود صفحات اول و دوم و سر سوره‌ها و انتهای ختم قرآن و علائم جزوات به اسنادی و در کمال تابناکی و زیب افزائی تذهیب و ترصیع شده و رقم و ترسیم آنها متنوع بود و در آخر، بخط زیبا چنین نوشته شده بود:

(تمت حکمت ربک صدقا" و عدلا" لامبدل بکلماته و هو السميع العليم)

در داخل شمه بخط بحریری عالی و تذهیب بی نظیر قید گشته بود.

(برسم کتابخانه حضرت پادشاه دین پناه، مظهر اسرار، السلطان ظل اله سلطان البرین و البحرین، خادم الحرمین الشریفین، ابوالغازی سلطان محمد بهادر خان، خلداله تعالی ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین برّه و احسانه)

در آخر کلام اله شاه محمود علت تحریر و انجام قرآن را چنین شرح داده بود:

(چون بنویق و اهب متعال و معبود لم یزل و لایزال این فقیر شکسته و حقیر دلخسته در واقعه شریف این کمال یافت که به تقبیل عتبه علیه فاخره حضرت امام معصوم و شهید مظلوم وصی رسول الثقلین و قره عیون البتول و السبطین ابوالائمه المعصومین امام علی زین العابدین صلوات الرحمن علیهم اجمعین مشرف شد و حضرت امام علیه التحیه و السلام به تلاوت کلام ملک علام قیام و اقدام می نمود و چون نظر کیمیا اثر مبارک آنحضرت، بر این بنده قلیل البضاعه افناد، این بنده بیمقدار، از روی خشوع و خضوع شرایط عبودیت بجای آورده سلام کرد آنحضرت از کمال مرحمت و شفقت، تمام جواب سلام این بی سرانجام باز دادند و دست مبارک برداشته جهت این فقیر فاتحه خواندند و امر فرمودند که بکتابت کلام اله اشتغال نمای و بتوفیق الهی و مراحم عواطف پادشاهی این کلام ملک علام بخط نسخ تطبیق آغاز و اتمام پذیرفت، علی ید العبد الضعیف المحتاج الی رحمته الملك الغنی، شاه محمود النشابوری زرین قلم فی یوم الاربعاء رابع عشر من شهر محرم الحرام سنه خمس و اربعین و تسعمائه الهجریه النبویه (۹۴۵) تصویر شماره ۶۷

و رقم مذهب حسن بغدادی در ذیل قرآن چنین بود:

(ذهبها فقیر المذنب حسن بغدادی المذهب غفراله ذنوبه و ستر عیوبه)

(فی شهر سنه سبعین و تسعماء من الهجریه) (۹۷۰ هـ . ق .)

۲۶۹ - حسن بیگ تبریزی - مذهب

بنوشته مناقب در صفحه ۶۷ و سنه ۱۰۰۸:

((تلمیذ صنعت بیز محمد علی تبریزی شاگرد استاد حسن بغدادی است))

۲۷۰ - حسن پا شا - نقاش حسن

نقاش و تصویرگر قرن ۱۰ ه.ق. عثمانی است که بنام حسن نقاشباشی نیز معروف بوده است. این هنرمند تحت حمایت و تشویق حسن وزیر پاشای عثمانی به خلق آثار گرانقدری توفیق یافته و بخوبی از عهده انجام آنها برآمده است.

از آثار بجا مانده وی که اغلب آنها در توپ قاپوسرای ترکیه بیادگار است، تصاویری در شاهنامه آل عثمان و همچنین کتاب عجایب و غرایب و تصاویر شاهنامه سلطان محمد سوم است که بعضی از آنها زیر نظر و شیوه نقاش تصویر گشته است.

در آثار تقریباً زیادی که در دوره سلطان محمد سوم (۷۹ - ۱۵۹۶ م) ارائه شده و حدود ۸۰۰ تصویر دارد، در شش مرقعی بنام (سیاری بنی) جمع آوری گشته و آخرین تاریخ تصاویر آن سال ۱۰۰۲ ه.ق. میباشد. چهار جلد از این مرقعات در توپ قاپو و جلد سوم در آمریکا میباشد.

در یک سند معتبر ترکی که تفصیل آنرا در احوال شاه قولی آورده‌ام، حسن نقاشباشی بالاترین پاداش را که سه هزار آقچه باشد در روز عید از سلطان عثمانی دریافت داشته است.

۲۷۱ - حسن حکاک

مرحوم دکتر بیانی در کتاب خوشنویسان خود در مورد این استاد چنین مینویسد:

(برادر حاج میرزا حسین حکاک و از خویشاوندان محمد طاهر حکاک معروف است از مردم شیراز و معاصر ناظرالدین شاه قاجار بود. در خط نستعلیق و نقل و تقلید خطوط و حک مهر و نقاری و کتیبه نگاری و ترتیب سجع مهر و طغرا سازی مانند برادرش دست قوی داشت و هنگام تالیف کتاب المآثر و الاثر (۱۳۰۶) در گذشته بود)

۲۷۲ - حسن خادم (حسن صدر)

استاد سید حسن صدر، نقاش آبرنگ و رنگ و روغن عهد ناصری بود و در رشته خود ذوق خصوصی داشت. این هنرمند اغلب کارهای خود را بنام (یا امام حسن) و (یا امام حسن مظلوم) امضا می نمود. از آثار رقم دار وی، تصویر پیر مردی عمامه بدست دیدم که بطرز با مهارتی تصویر گشته و رقم داشت. (یا حسن مظلوم)

۲۷۳ - حسن خالد = حسن کفلی

بنوشته مناقب در صفحه ۶۹:

(از شبیه سازان نادره کار و شاگرد استاد کمال است.)

۲۷۴ - حسن خداداد

نقاش دوران زندیه بود و فرزند بنام محمد داشت. از احوال این پدر و پسر اطلاع زیادی نداریم فقط مختصر اشارهای در صفحات ۴۱۰ کتاب رستم التواریخ دیدم که این هنرمندان را

بنام‌های میرزا حسن و میرزا محمد معرفی کرده و آنها را نقاشان زیبا نگار و مصوران شیرین کار و مانی ثانی قلمداد نموده است .

این هنرمند در آثار خود، سجع (حسن کلک حسن خدا داد است) را بکار می‌برد و فرزند هنرمندش نیز (محمد بن خداداد) رقم می‌گذاشت .

از آثار رقم‌دار نقاش قاب آینه زیبایی دیدم که رویه و پشت آن گل و مرغ خوش نقشی بود که فرنگی سازی شده و داخل آن مجلس عیش و شادی آور حجله عروس و داماد بود که به حلاوت تصویر کرده بود . در این مجلس پر سرور، دو کنیزک سفید و سیاه عهده‌دار پذیرائی بودند و نوازندگان و مطربان در کنار حوض به رامشگری و طرب اشتغال داشتند . رقم داشت .

((حسن کلک حسن خدا داد است ۱۱۷۳))

۲۷۵ - حسن دکنی

برادر رحیم دکنی، نقاش معروف دوره فتح‌علیشاهی است . از آثار این دو برادر، دو قطعه آبرنگ دیدم که تصویرهای خودشان بود .

در این اثر، حسن عمامه بسر گذاشته و دارای ریش و سبیل بود . و در روی قلمدان نقاشی مینمود . امضاء داشت . (حسن دکنی ۱۲۳۱)

۲۷۶ - حسن دهلوی

قاضی احمد در گلستان هنر در مورد این نقاش چنین مینویسد :

(میر حسن دهلوی شاگرد و دختر زاده استاد سلطان محمد بود . در تذهیب و تصویر و نقاشی کم از دیگران نبوده در کارخانه شاهی در تمادی عمر بامر نقاشی و خدمتکاری از ترتیب تاج و نقاشی و سایر ضروریات مجلل پادشاهی اشتغال داشت و حاجب مواجب و انعامات بود .)

۲۷۷ - حسن زرین قلم

خوشنویس تصویرگر بود که به هفت قلم خط و کتابت طفرهای تزیینی تسلط کامل داشت . این هنرمند در ابتکار و تلفیق خطوط که در بطن آنها تصاویر مذهبی نیز جا میداد آثار شیرین و دیدنی بوجود می‌آورد .

یک عکس دسته جمعی از این هنرمند دارم که دوستان دیگرش که هر کدام اسم درویشی بخصوصی دارند دور هم قرار گرفته‌اند . در این عکس، زرین قلم که بلقب (نصرت علی شاه) یاد شده شخصی در حدود ۶۵ ساله بنظر میرسد که ریش کم پشت و سبیل بلند داشته و بسیاق اعراب کلاه دوره قیطانی بسر گذاشته و مشغول نوشتن میباشد . (تصویر شماره ۴۳ و ۴۴)

زرین قلم بسیار پر کار و پر ابتکار بود و آثار نقاشی‌خطوی بین رجال و اعیان آن دوره بسیار دیده میشد که بعلت زیبایی و تزیینات ابتکاری باب روز بوده است .

متن آثار میرزا حسن کتابت اسماء باریتعالی و ائمه اطهار و امامان ذوی الاحترام و پادشاهان و رجال و درویشی و اهل طریقت صاحب نام بود که در طفرها و خطوط ابتکاری انجام یافته و در بین مردم متداول گشته بود .

زرین قلم در نظم و نثر نیز دست داشت و تاج الشعرا تخلص مینمود .

۲۷۸ - حسن طباطبائی

گل و مرغ ساز پیرو شیوه نصراله امامی بود و در هنر خود دستی به کمال داشت .
از تنها اثر رقم دار این هنرمند که یادداشت کرده‌ام جلد گل و مرغی پر حلاوت بود که در
محدوده بیضی شکلی انجام یافته و داخل آن تذهیب عالی داشت و رقم نقاش بخط نستعلیق زیبا
چنین بود .

(بر حسب امر بندگان نواب مستطاب سیف الدوله اشرف امجدارفع والا حاجی سلطان محمد میرزا دام
اجلاله العالی سمت اتمام پذیرفت ۱۲۹۱) (عمل الفقیر حسن الطباطبائی سنه ۱۲۹۱)

۲۷۹ - حسنعلی

دوست محمد هروی در دیباچه مرقع بهرام میرزا (در ذکر مصوران) راجع به استاد چنین
می‌نویسد: (دیگر آن خوش رقم نازک قلم محتاج به لطف قادر لم یزلی استاد حسن علی که او
نیز یگانه و سرآمد زمانه است) .

۲۸۰ - حسنعلی مشهدی

اهل مشهد و از نقاشان و وراقان و خطاطان اواسط قرن ۱۰ ه.ق. و از نزدیکان و معاشران
سلطانعلی مشهدی بود .

این هنرمند آرایش و پیرایش مرقعات و صحافی و وصالی قطعات استادان را به تردستی انجام
میداد و حواشی و کناره‌های تصاویر را به نیکوترین وجهی می‌آراست .
از آثار زیبا و استادانه این هنرمند، آرایش حواشی قطعاتی از استادان نامی خطاطی ایران از
قبیل بابا شاه و شاه محمود و سلطانعلی مشهدی دیدم که با نواع تشعیرها و اسلیمی‌های گوناگون و
نقش تصاویر آراسته گشته و داخل ترنجی رقم داشت .

(صاحب و وراق حسنعلی غفرله)

دیگر از آثار رقم دار این هنرمند قطعهای بود که در کربلا انجام یافته و رقم داشت .
(در کربلا نوشته شد - حاجی حسن علی مشهدی)

۲۸۱ - حسن کاشانی

کاشانی و نقاش و فلزکار ممتاز اواسط قرن پنجم ه.ق. بود .
از این هنرمند اثری در موزه (فاین آرت) شهر بوستون بیادگار مانده که به انواع نقوش
تزیینی ترسیم یافته و در کناره‌های آن بخط کوفی نوشته شده:
(السلطان عمود الدین) (بما للعلی الا علا لسلطان المعظم الب ارسلان ادام اله ملکه امدد له
ملکه الزمان قبله اهل المعظمه صنه حسن الكاشانی فی تسعه و خمین و اربعائه)

۲۸۲ - حسن مذهب

از مذهبیان و استادان طلاکار بنام عثمانی بوده و از شاگردان معروف استاد محمد مذهب بشمار میرود .
در صفحه ۱۶۹ کتاب تحفه خطاطین مستقیم زاده می‌نویسد: این هنرمند در ایام پیری
شاگردان زیادی را در رشته تذهیب و حل کاری تربیت کرده و فاتهش در سال ۱۱۴۵ ه.ق. اتفاق
افتاده است .

۲۸۳ - حسن مصری

بنوشته مناقب هنروران :

(حسن مصری از مذهبان نادر العصر زمان سلیم خان عثمانی است)
از شاگردان معروف وی، استاد ابراهیم چلبی و غلظه لی می چلبی (محمی شاه) میباشد که هر
یک بنفسه استادان علی مقامی بودماند.

۲۸۴ - حسین (نقاش هندی)

نقاش و تصویرگر قوی دست هندی است که اثر وی بشماره های ۱۶ و ۱۹ در کتاب انوار سهیلی
مضبوط در موزه بریتانیا جلب نظر مینماید.

تصویر شماره ۱۶ آن مکالمه حیوانات است که با کلمات (بابد نغان مئا به بدی با نیکوان)
شروع میشود. در این اثر زیبا دوازده راس حیوانات گوناگون از قبیل شیر و سگ و خرگوش و غیره
در بالای کوهی به صحبت مشغولند. منظره درختان جلوه بس والائی دارد و در زیر تصویر نوشته
(استاد حسین) دومین تصویر که بشماره ۱۹ در کتاب مزبور ارائه شده، صحبت جغد با پرندگان
است که با جمله (این چه فکر فاسد است و سودای محال) شروع شده است. در این اثر شیوا که
جمع پرندگان را بنازک قلمی و خوش تراشی نقاشی کرده جملگی بروی تپهای قرار گرفته و جغد و
جغد پرنده دیگر بیرواز مشغولند. رویهمرفته ۳۳ پرنده در این صحنه ارائه شده که واقعا "عالی
می باشند. در زمینه نقاشی چند درخت جنگلی بروی تپها نقش بسته و رقم دارد. (حسین)
سومین اثر رقم دار هنرمند که در کتاب بادلیان آکسفورد چاپ شده تصویر شاهزاده های است که
بروی زمین نشسته و سرگرم کار می باشد، در گوشه دیگر، مهتری اسب شاهزاده را گرفته و یک سگ
شکاری در کنار آنها دیده میشود. رقم فوق العاده ریزی دارد که نوشته. (حسین)

۲۸۵ - حسین (شبیه ساز)

استاد شبیه ساز و نقاش آبرنگ کار و قوی دست دوران قاجاری بود.

شاهکار شبیه سازی این استاد، تصویر کاملا " شبیه و استادانه امین السلطان اتابک اعظم بود که به
تردستی تمام انجام یافته و بسیار پسندیده بود.

در این اثر پر هنر، صورت امین السلطان پردازهای ریز و استادانه داشت و تزیین و آرایش لباس
بوته جیقهای وی دلفریب و چشم نواز بود.

کلاه پوستی وی با ارائه سایه های موج، طبیعی بنظر میرسید و در کناره تصویر، گل مرغ های پراکنده
داشت و رقم نقاش چنین بود.

(تصویر مبارک حضرت گردون منزلت اجل اکرم افخم اشرف امجد اعظم آقای امین السلطان دامت
عظمته العالیه. چاکر آستان حسین سنه ۱۳۰۷) مجموعه شماره ۲ تصویر شماره

۲۸۶ - حسین (برادرولی جان)

بنوشته مناقب هنروران و در صفحه ۶۸ :

(برادرولی جان مصور است و از استادان صاحب وظیفه نقاش خانه عتبه علیا است که هنرمند مقبول میباشد)

۲۸۷ - حسین (رسام بافنده)

رسام و پارچه باف استاد قرن ۱۱ ه. ق. بود. از این هنرمند اثری در موزه متروپولیتن بجا مانده

که عاری از توصیف بوده و رقم دارد . (عمل حسین سنه ۱۰۰۸)

۲۸۸ - حسین (فرشباغ)

اهل کاشان بود و در ترسیم و بافت فرش دستی به مهارت داشت .
اثر رقم دار این هنرمند را روی جلد کتابی بنام (RUG AND CARPETS) دیدم که نقوش
متنوع و پرازدینی از حیوانات و انسان و گل و درخت داشت .
در متن بافت خلیفه ، تصویر مردی که گویا شخصی بنام شاه سلطان حسین جلایر بود ، روی پشت فیل
نشسته بود و در وسط رقم داشت .

(خلیفه - عمل بنده حاجی میرزا حسین کاشانی - تصویر شاه سلطان حسین جلایر)

۲۸۹ - حسین (میناساز)

نقاش و مینا کار دوره فتحعلیشاه بود و در ترسیم گل و مرغ و پخت مینا وقوف کامل داشت .
از آثار ارزنده و رقم دار این هنرمند که در حراج کریستی لندن بفروش رفت ، غلاف خنجر مینائی به
بلندی ۴۴/۵ سانتی متر بود که رویه و جوانب آن بانواع گل‌های رنگارنگ آراسته گشته و در لابلای آنها
برگ‌ها و مرغان خوش تراش و سایر طراحی‌های گوناگون بسان خرمنی از گل و برگ سطح اثر را پوشانده
و در رویه غلاف و در یک ترنج کوچک رقم داشت . (رقم کمترین حسین ۱۲۰۹)

۲۹۰ - حسین - آقاسید

نقاش گمنام و شبیه ساز متوسط رنگ و روغنی بود .
اثر رقم دار وی که در مقبره حسینعلی خان ایلخانی و در آرامگاه سران بختیاری قرار دارد، تصویر کم
مایه و متوسط شیخ بهائی و میرفند رسکی است که شیری در کمال استیصال بشیخ عارف پناه آورده و
در کنار او آرام گرفته است . منظره حیاط و باغ و صحرا و خانه بحد ناقص انجام یافته و رقم دارد .
(حسب الفرموده آقا جوهر خواجه حضرت ظل السلطانی عمل آقا سید حسین ۱۲۹۹)

۲۹۱ - حسین الحسینی

قلمدان ساز دوره فتحعلیشاه و محمد شاه قاجار بود که در هنر خود دستی پر مهارت داشت .
از آثار رقم دار این نقاش ، قلمدان گل و مرغی زیبایی در زمینه نخودی سیر دیدم که در وسط و رویه
آن قرنفل آبی خوشرنگی تصویر شده بود . در طرفین نیز گل‌های متنوع رنگین داشت که بین آنها
پروانه‌ها و زنبورها دیده میشدند . تذهیب قلمدان نیز نازک قلم بود و رقم داشت .
(کمترین حسین الحسینی سنه ۱۲۵۰)

۲۹۲ - حسین بن احمد

رسام و منبت کار و نجار اهل ساری مازندران بود .
از آثار این استاد ، درب منبت کاری دقیق و پراسلوب زیبایی بجا مانده که بخط ثلث مشبکی رقم دارد
(عمل استاد حسین بن احمد نجار ساری بتاریخ ۸۷۳)

۲۹۳ - حسین بن اسماعیل

فرزند اسماعیل و نقاش و طراح نقوش بروی فلزات سخت و شمشیر بود .

از آثار وی شمشیر استادانه‌ی دیدم که رویه و دسته آن با طرح‌های اسلیمی و گل و برگ‌ی آرایش یافته و رقم داشت .
(حسین بن اسماعیل)

۲۹۴ - حسین بن بدیع

نقاش معاصر خواجه نصیر طوسی بود که بسال ۶۲۲ ه.ق . وفات یافته است .

۲۹۵ - حسین بن شهاب البیرجندی

هنرمند اهل بیرجند و مقیم عثمانی بود که در نقش و تصویر بر روی فلزات دست پر هنر داشت . از بهترین آثار وی ، کوزه برنزی زیبایی در موزه توپ قاپو سرا قرار گرفته که در کمال نفاست و استادی انجام یافته و به انواع گل‌های تزیینی آرایش شده و رقم دارد .
(کاتبه و ناقشه و فارغه حسین بن شهاب البیرجندی فی ربیع الاول سنه احدى و سبعین و ثمان مائه ۸۷۱)

۲۹۶ - حسین بن علی - بافنده

طراح نقوش پارچهای و خود از بافندگان نامی اوایل قرن ۱۲ ه.ق . بوده است . اثر رقم دار این هنرمند بافت پارچه خوش ترکیبی است که بخطوط زیبا و متنوعی آرایش یافته و در قسمت بالا و بخط ثلث طفرائی (انا فتحنا لک فتحا" مبینا) بافته شده و در حواشی و داخل ترنج‌های کشیده که بقریه زوجی ترتیب یافته کلمات (نصر من اله و فتح قریب) دیده میشود که جلوه روح پروری دارد و رقم هنرمند بخط نستعلیق چنین است .
(یا حسین بن علی ۱۱۲۳)

حسین بن علی در محمد حسین بن علی شیرازی آمده

۲۹۷ - حسین بن علی بن احمد

نقاش و طراح و کجبر و کاشی تراش نامی قرن ۷ ه.ق . ایران بشمار میرفت . از آثار بجا مانده وی صحراب زیبا و استادانه‌ایست که بدست هنرمند مزبور طراحی و انجام یافته که حالیه زینت بخش موزه متروپولیتن در نیویورک میباشد .

۲۹۸ - حسین بن علی - نجار

سازنده و طراح نقش آفرین درب چوبی فوق العاده عالی مسجد آفوشته است که در نوع خود مرتبه والالی دارد . در این اثر چشم نواز و در داخل دو مربع بالاتر نقوش هندسی زیبایی بسان نقش‌های جلد سوخت ارائه شده که در نوع خود کم نظیر میباشد .

در بین تزیینات مربعی این اثر اشعاری درج شده که چنین است .

چو در بسته گردد گشاینده اوست - چوره یاوه گردد ناپهنده اوست

در مربع دومی و در بالا نوشته :

این در بشاد کامی دائم خجسته باد - بر دوستان گشوده و بر خصم بسته باد

زیر این بیت نوشته :

(صاحبه و مالکه السید حسین فی رمضان السنه احدى و ثلاثین و ثمان مائه ۸۳۱)

در زیر مربع اولی رقم دارد . (حسین بن علی نجار نقار قریه العبادی)

۲۹۹ - حسین بن مبارکشاه

طراح نقوش بروی فلزات و طلا و نقره آلات و اهل هرات در دوره تیموری بود .
از آثار رقم دار این هنرمند، بشقاب طلا و نقره کوب اسنادانهای بود که در حراج ساتبی آپریل ۱۹۸۳ لندن بفروش رسید که در وسط بشقاب رقم داشت .

(عمل العبد حسین بن مبارکشاه)

۳۰۰ - حسین بهزاد

فرزند فضل اله اصفهانی قلمدان ساز بود که بسال ۱۲۷۳ شمسی تولد یافته و در زمان خود نقاش پرآوازه و شهره خاص و عام بوده است .

در تعریف هنر بهزاد، تجلیل بی پیرایه ژان کوکتو نقاش و نویسنده شهیر فرانسوی بهترین گواه مقام والای هنرمند است که عیناً " از مجله هنر و مردم شماره ۷۰ بازگو میگردد .

(بهزاد پیغمبر افسونگری است از مشرق زمین داستان سراء، اگر همیشه مشرق زمین با قصه‌های شیرین هزار و یکشب کاخهای کهن افسانه‌ای و کنیزکان سیه چشم ماهرویش برای ما داستان میگفته این بار مردی با موهای سپید و چشمان بانفوذ و اندامی تکیده بیاری خطها و رنگهای سحر آمیزش نقش‌های افسون کنندهای در برابر دیدگان ما گشوده است - بدون شک در عرصه هنر مینیاتور قرن ما از جهت قدرت طرح و رنگ آمیزی تنها یک استاد وجود دارد و او حسین بهزاد هنرمند ساحر سرزمین هزار و یکشب است)

بهزاد آناتومی و پرسپکتیو را وارد مینیاتور کرده و رنگ آمیزی را آزاد گذاشته و از ریزه کاریهای زیاد صرف نظر کرده است .

این هنرمند آثار زیادی داشته و در حدود ۲۰ نمایشگاه موفق در ایران و خارج از ایران برپا نموده که تصاویر شاهنامه فردوسی و فتح بابل از بهترین آثار جاودانی استاد میباشد . احوال بیشتر این هنرمند در کتاب جداگانهای که مخصوص هنرمندان معاصر ایران خواهد بود به تفصیل بیان خواهد شد .

۳۰۱ - حسین پورصناعی

نقاش زیبا نگار قلم کار و پارچه بود . از این هنرمند قلم کار زیبایی دیدم که قصه معروف یوسف و زلیخا را به زیبایی تصویر کرده بود . دیگر از آثار این هنرمند که در مجموعه نگارنده است قلم کار زیبایی باندازه ۳ x ۴ متر مربع میباشد که وقایع جنگ چالدران را بنحویزبائی نقاشی کرده و رقم دارد .
(رقم حسین پور صناعی)

۳۰۲ - حسین چلبی - مجلد

بنوشته مناقب هنروران در صفحه ۷۳:

برادر کوچک محمد چلبی مجلد باشی سلطان سلیم عثمانی است که در هنر خود از نوادر است او برادری بنام مصطفی نیز داشته که در این صنعت پر استعداد بوده است .

۳۰۳ - حسین - حسینقلی خان

نقاش و طراح و بافنده زری و قالی در اوایل قرن ۱۱ ه.ق . بود .
این هنرمند مبتکر و طراح مخصوص نقوش مختلفه بروی پارچهها و فرشها و سایر هنرهای بافتنی

حسین حسینی - مازندرانی و از نقاشان و سوزنی دوزان دوره فتحعلیشاه قاجار بود .

بود که بنام وی به (طرح حسینقلی خانی) معروف گشته بود. از آثار رقم دار استاد حسین که بوسیله او طراحی و بافته شده پارچه زربفت شاه عباسی بود که رقم حسین و تاریخ ۱۰۰۸ را داشت.

۳۰۴ - حسین حکاک

مرحوم دکتر بیانی در جلد دوم کتاب احوال خوش نویسان و در مورد این حکاک چنین مینویسد: (برادر حاج میرزا حسن حکاک سابق الذکر و از بستگان محمد طاهر حکاک شیرازی معروف است اصلاً شیرازی است که به آذربایجان رفت و مدت چهل سال در تبریز زندگی کرد. در خط نستعلیق و نقل و حک و نقر و کتیبه نگاری و سجع مهر و طنرا سازی و ترکیب بندی در عصر خود بی نظیر بود. در الماثر و الاثار آمده که مهر ناصرالدین شاه و بسیاری از شاهزادگان و بزرگان و رجال بدست او حک شده است و آنچه پول در دوره ناصری ضرب شده سر سکه آنها او کنده است و لقب حکاک باشی با فرمان بنام او صادر گردیده است. بسن هشتاد سالگی بسال ۱۲۹۰ در تبریز درگذشت)

حسین دهلوی در میر حسین دهلوی آمده.

۳۰۵ - حسین زاهد - فلزکار

خواجه حسین زاهد رسام و زرکوب و فولادکار اوایل قرن ۹ ه.ق. بود. عمده ترین آثار هنرمند پنجره زرکوب و فولادی موزه آستان قدس رضوی در قم میباشد که بکمک جمعی از هنرمندان آن دوره انجام یافته و رقم دارد. (استاد با سعادت و شرافت خواجه حسین زاهد)

۳۰۶ - حسین فخاری

نقاش شیرین قلم اصفهانی بود و در نقاشیهای رنگ و روغنی و تصاویر قلم کاری دست پر مهارت داشت. از آثار این هنرمند قلم کارهای تصویری زیبایی دیدم که شرح همه آنها امکان پذیر نمی باشد. یکی از آنها که تصویر وقایع روز عاشورا بود و در نوع خود از نفایس هنری قلم کاری محسوب میگردد اثری ارزنده بود و رقم داشت. (اصفهان ساخت حسین فخاری)

این هنرمند نگارستانی بنام حسین فخاری داشت که علامت شیر بالدار را بعلامت آرم مخصوص نگارستان خود در ذیل هر اثری نصب می نمود. وفات وی در حدود سالهای ۱۳۲۰ ه.ق. اتفاق افتاده و در اصفهان مدفون گشته است.

۳۰۷ - حسین قزوینی

شاگرد پرهیز سلطان محمد تبریزی و نقاش دربار شاه طهماسب اول بود. این هنرمند و همکاران نامی دیگرش از قبیل محمد بیک استاد رضا عباسی و برج علی و مولانا محمد و محمد معین الدین خراسانی از شاگردان پرهیز استاد سلطان محمد هروی بودند که زیر نظر و تحت سرپرستی وی بخلق آثار گرانقدر و ارزشمندی نایل گشته و در زمان خود شهره خاص و عام بودمانند.

حسین شیخ: شاگرد کمال الملک و از هنرمندان بنام معاصر بود که احوال وی در کتاب جداگانهای بیان خواهد گشت.

حسین حکاک - حکاک نامدار و معروف دوره اکبر شاه هندی و پدیر علی احمد دهلوی متخلص به نشانی است

۳۰۸ - حسین مذهب

اهل شیراز و مذهب شیرین نگار اواخر قرن ۱۰ ه. ق. بود .
از آثار ارزشمند وی، تصاویری در نسخه خمس نظامی مضبوط در توپ قاپو است که تاریخ ۲۷ ربیع الثانی و سنه ۹۲۵ را داشته و بخط زیبای مرشد الکاتب شیرازی میباشد .
این اثر ارزنده که دارای ۲۰ تصویر پر حلاوت میباشد ، یکی از آنها رقم مذهب حسین بوده و تاریخ انجامش سال ۹۲۷ میباشد . در این اثر پر ملاحظت که حمام فرشتگان گیسو بلند و پیر داری را در حوض آب نشان میدهد، پیر مردی بروی درختی نشسته و در حسرت ایام جوانی ناظر صحنه میباشد .

۳۰۹ - حسین مصورالملکی

حاجی حسین مصور الملکی اهل اصفهان و یکی از معارف مشهور هنر نقاشی ایران بشمار میآید
این هنرمند در اغلب رشتههای هنری دستی بکمال داشت و از شاگردان زبده آقا ابراهیم نقاشباشی بشمار میرفت . آثار فراوان و بجا مانده وی که معرف استعداد ذاتی و عظمت هنری وی میباشد ، در اغلب موزهها و مجموعههای خصوصی بیادگار مانده که در نوع خود شیرین و پسنندیده و حاکی از قدرت قلم نقاش میباشد .
از بهترین آثار این هنرمند، صحنه اسب دوانی میدان شاه در مقابل عالی قاپو است که بسیار ستودنی بوده و درخور تحسین میباشد . احوال و آثار بیشتر این هنرمند در کتاب جداگانهای که مخصوص هنرمندان معاصر ایران خواهد بود به تفصیل بیان خواهد گشت .

۳۱۰ - حسین نقاش هندی

نقاش هندی و مسلمان دوره اکبر شاه بود .
از آثار رقم دار این هنرمند، جلوس پر جلال و درباری بابر شاه در اطاق پر نقش و نگاری بود که پیر مردی در مقابل شاه ایستاده و دادخواهی می نمود . در کناره و اطراف تخت سلطنتی ، شاهزادگان و وزراء و رجال با احترام ایستاده و نفرات دیگر که البسه رنگین و آرایش مخصوصی داشتند در گوشه دیگر جلب نظر میکرد . تذهیب و نقوش زیبای فرش و همچنین البسه رنگین و گوناگون حضار ستودنی بود و رقم داشت .
(عمل حسین نقاش)

۳۱۱ - حسینعلی

نقاش معروف چاپخانهها بود و در تصویر و تزیین کتابها دست داشت .
این هنرمند که در اوایل سنوات قرن ۱۴ ه. ق. فعالیت می نمود ، آثار ساده و کم عیار داشت و نام خود را بشیوه ظفرائی و در بعضی موارد بحروف لاتین رقم می نمود . در بین آثار معمولی و باصطلاح بازاری او تصویر فرضی و تخیلی میرزا تقی خان امیر کبیر بود که در صفحه ۲۸۴ کتاب امیر کبیر و دارالفنون ارائه و بنام این هنرمند چاپ شده که تا حدودی استادانه میباشد .

۳۱۲ - حسینعلی (میناساز)

استاد مینا ساز دوره ناصری بود و در چهره سازی مینائی قدرت پر توان داشت .
از آثار بجا مانده این هنرمند، سرقلیان مینائی پر جلالی دیدم که تصاویر دلربا و فتان زنان قاجاری را در مدالیونهای مختلف ترسیم کرده بود که بسیار پخته و پرمایه بود . زمینه سرقلیان نیز طلائی بود و گل و مرغ شیوا داشت و رقم نقاش چنین بود .
(چاکر حسینعلی)

۳۱۳ - حسینعلی بیگ - سمیعا بروجردی

بروجردی بود و در آبرنگ و طراحی دست داشت .
تصویر اسب نحیف و لاغری از این هنرمند در کتابخانه گلستان مضبوط است که بسبب و ابتکار
خاصی ترسیم شده و بخط شکسته غبار امضاء دارد .
(حسینعلی بیگ (سمیعا بروجردی)

۳۱۴ - حسینعلی مصور

بنوشته عالم آرای عباسی :
(از نقاشان عهد شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴) و استاد سیاوش بیگ گرجی است)

۳۱۵ - حسینعلی مصور - قاجاری

آبرنگ ساز دوره فتحعلیشاه قاجار و بحدس قوی همان حسینعلی میرزا فرزند فتحعلیشاه است که
به تصویر سازی و صورت پردازی علاقه وافری داشته است .
از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر زن زیبا روی ایرانی را در شیوه آقا صادق معروف دیدم که بخط
شکسته زیبا رقم داشت .
(حسینعلی المتخلص به مصور ۱۲۴۴)
یادگار دیگر هنرمند نقش درویشی بحال ایستاده بود که کلاه درویشی بسر نهاده و موهای سر را
به اطراف ریخته بود. لباده بلند و گلدار او سراپای درویش را پوشانده و کشکولش پر از گل‌های سرخ
بود، در دست راست او چوب مطلانی که در انتهای آن نام مبارک حضرت علی علیه السلام نصب
شده جلب نظر مینمود و رقم داشت .
(رقم حقیر حسینعلی مصور تخلص سنه ۱۲۳۸)

۳۱۶ - حضرتی - نقاش عثمانی

اهل عثمانی و نقاش هنرمند قرن ۱۱ ه.ق . بود .
اثر این هنرمند در صفحه ۲۶ کتاب TURKISH MINIATURE PAINTING ارائه شده که معرف
زبردستی و استادی وی میباشد . در این نقاشی مردی با لباس مخصوصش روی اسبی که آذین مفصل
و چشم نوازی دارد سوار شده و عمامای بسان ترکان عثمانی بسر نهاده و در روی لباسهای زیرین
کولچه بلند پشمی پوشیده است . آرایش زین و یراق لطیف و زیب افزاست و در پشت سر سوارکار، منظره
درختی در شیوه اصفهان و مکتب رضا عباسی دیده میشود که بخط شکسته زیبا رقم دارد .
(رقم حضرتی نقاش)

۳۱۷ - حکیم

نقاش ترکمنی است که با متعلقان خود از جمله فرخ بیگ نقاش نامی ایرانی در راول پندی بخدمت
اکبرشاه رسیده و در دربار آن پادشاه بعز و احترام روزگار گذرانیده و در همان ولایت وفات یافته است .

۳۱۸ - حکتانه

نقاش زیبا نگار هندی دوره اکبر شاه است .
از آثار زیبای وی که در کتاب بابر نامه جلب نظر میکند ، تصویر بابرشاه است که عدهای از سران
لشکری و کشوری در رکاب وی میباشند ، یکی از رزم آوران که گویا سمت فرماندهی دارد، با بابرشاه
صحبت میکند، منظره همراهان و عظمت کوهها و چند شتر باربر که در پائین تصویر نقاشی شده
پسندیده است و رقم دارد .
(عمل حکتانه)

۳۱۹ - حمزه بن محمد العلوی

مذهب شیرین قلم شیرازی و آرایش دهنده قرآن بزرگ شاه چراغ در شیراز میباشد که بخط یحیی الجمالی الصوفی و بدستور ناشی خاتون مادر شیخ ابواسحاق کتابت شده است .
تذهیب و ترصیع این قرآن از عالی‌ترین و ممتازترین نوع طلاکاری انجام یافته که در بالا و پائین صفحات اولیه قرآن با دو ترنج زیبای کنگرهای و گل‌های پرپر آذین یافته و بشاخه گل‌های سرخ رنگی زینت یافته است .
تذهیب این شاهکار بدست حمزه بن محمد العلوی اتمام یافته و یکی از یادگارهای بسیار نفیس این هنرمند بشمار می‌آید .

حمزای در لطف اله حمزوی آمده
حیدر در درویش حید آمده

۳۲۰ - حیدر ذهنی

از نقاشان اواسط قرن ۱۲ ه.ق. است که در هنر خود قوی دست و صاحب ابتکار بوده است .

۳۲۱ - حیدر علی

پسر خاله رستم علی نقاش و خواهر زاده بهزاد معروف است .
این نقاش شاگرد بلاواسطه استاد عالیقدر بهزاد بوده که عوامل و رموز هنری را از استاد فرا گرفته و در حد خود هنرمندی صاحب نام گشته بود .
حیدر علی در جانور سازی شیرین قلم و در ارائه مجالس بزمی و منظره سازی پر ابتکار بود. آثار رقم دار وی عبارت است از :

۱- منظره سماع و رقص درویشان بود که در وسط باغ پر گل و درختی با جماعت نوازندگان تصویر شده است . در این تصویر که در کمال ظرافت ارائه شده، چند درویش با آستین‌های بلند و آویزان برقص درویشی مشغولند، در وسط باغ، درویش از حال رفتن‌های که در حالت جذبه نقش زمین گشته و بدامن یکی از درویشان در افتاده است دیده میشود . در قسمت بالا رقم دارد .

(عمل حیدر علی خواهر زاده استاد بهزاد)

۲- دیگر اثر رقم دار نقاش، تصویر دمسازی مجنون با حیوانات وحشی است که در زیر کوهی نشسته به شمایل و قیافه لیلی که در روی کجاوهای به پشت ستر نشسته و از پیش او عبور میکند بحسرت نگاه میکند . این اثر زیبا که در کتاب خمسه نظامی موجود در کتابخانه گلستان تهران قرار گرفته در زمینه طلائی فضا رقم دارد .

۳- سومین اثر رقم دار این هنرمند، تصویر اسب زیبا و خوش تراشی است که بزین طلائی و آرایش تذهیبی تزیین شده و پیرمردی که کلاه بوقی صفوی به سر گذاشته، مشغول هدایت حیوان می‌باشد . در بالای تصویر و بین حواشی طلائی آن بخط تحریر رقم دارد . (عمل استاد حیدر علی)

۳۲۲ - حیدر علی

در کناره از قرای مرودشت متولد شده و حرفه‌اش نقاشی و قلمدان سازی بود و خط نستعلیق را نیکو می‌نوشت . نام پدرش جعفر بود و فرزند خود را حاجب خطاب مینمود . پدرش اواسط عمر بتهران آمد و حاجب را نیز با خود آورده تا روزگارش سپری شد . وی پس از پدر بشغل نقاشی اشتغال داشت و بعد

از آن از کار دست کشیده بکسوت درویشان درآمد و در انواع و اقسام سخن دستی داشت . در اواخر عمر نزدیک دروازه دولت در اراضی کنار خندق بخاک رفت ، تولد او بسال ۱۲۷۱ و مرگش بسال ۱۳۳۴ ه.ق . اتفاق افتاده است .

۳۲۳ - حیدر علی بن ذوالفقار

اهل اردستان بود و در معماری و طراحی نقوش مساجد و آرایش داخلی و خارجی بنا متبرکه دست پر قدرت داشت .

از آثار این هنرمند، تزیینات و ساختمان زیبای ایوان شرقی مسجد گز در اصفهان میباشد که چنین رقم دارد .

(عمل العبد الی الله العنی حیدر علی بن ذوالفقار المعمار الاردستانی سنه ۹۵۲)

دیگر، ساختمان و تزیینات مسجد جمعه اردستان است که در کج بری نفیس داخل ایوان، چنین رقم دارد .
لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار عمل حیدر علی معمار اردستانی سنه ۹۴۶

۳۲۴ - حیدر علی بن محمد اسماعیل نقاشباشی

بنوشته نقاش در ذیل اثری که در این مقال بشماره ۳ یاد شده است، نام پدر خود را محمد اسماعیل نقاش باشی خوانده که بعلت اشتهار به اسماعیل، احوال پدر را در (اسماعیل نقاشباشی) به تفصیل یاد کرده ایم .

در قباله ازدواج شهر بانو ملقب به صفیه سلطان خانم دختر آقا نجف که تفصیل آن در مجله هنر و مردم شماره ۱۵۹ و همچنین در احوال نجفعلی نقاشباشی یاد شده، نام فرزندان و دوستان و فامیل آقا نجف را که اغلب از هنرمندان زمان نیز بودمانند، بعنوان شهود سر عقد معرفی کرده است .

در آن قباله، نام پدر حیدر علی را بنام (عالیشان محمد اسماعیل ولد مرحوم آقا بابا نقاش) ذکر کرده که بعبار این سند ما می توانیم حیدرعلی را فرزند محمد اسماعیل ولد مرحوم آقا بابا نقاش معروف بدانیم . از طرفی با مشاهده آثار بجا مانده و شیوه تصویری حیدر علی معلوم میگردد که از مکتب شیرین عیار و مجلس آرای پدر هنرمندش که در عهد خود استاد پر آوازه نیز بوده مشق کرده و بحلاوت و ظرافت هنر پدر توفیق یافته است .

رویه مرفته حیدر علی، نقاش صاحب کمال بوده و در تذهیب و گل و مرغ و منظره پردازی و تصویر جانوران و مجالس رزمی و بزمی دستی پر قدرت داشته است .

در قلمدان های کیهانی وی که اغلب تصاویر ناصرالدین شاه و شاهزادگان و رجال درباری و پادشاهان و مشاهیر اساطیری قدیم ایرانی و مجالس پر فروغ اقطاب و صوفیان را بروی قلمدان نقش کرده ، نشانه قدرت قلم و بصیرت و کاردانی نقاش در امر تصویر سازی میباشد .

از طرفی در اغلب آثار حیدر علی اشعاری نیز در وصف شاه قاجار و سایر موضوعات دیده میشود که اثر طبع حساس نقاش میباشد و اگر حلاوت و استادی خط نستعلیق غبارش را نیز در نظر بگیریم باید او را جزو خطاطان شیرین قلم نیز محسوب بداریم .

متأسفانه احوال جامع و کامل این هنرمند را نمیدانیم و فقط با محاسبه سنواتی که در ذیل آثارش بجا مانده معلوم میدارد، این هنرمند از سالهای ۱۲۹۷ تا ۱۲۸۹ نقاش پر آوازه ای بوده و آثاری نیز از خود بیادگار نهاده است .

آثار امضاء دار و اصیل نقاش عبارت است از :

۱- قلمدان زیبا و استادانه‌ای در شیوه آقا نجف دیدم که در رویه آن تصویر یوحنا معروف به استادی عرضه شده بود و در قسمت بالای یوحنا، شاه نعمت اله ولی و تصویر مولای رومی جلب نظر میکرد و رقم داشت. (حیدر علی ۱۲۹۷)

۲- قلمدان زیبای هنری بود که احتیاج به تعمیر داشت. رویه و حواشی قلمدان، تصاویر پر حالت عرفا و صوفیان معروف بردیف ارائه شده و کنارها و دماغه قلمدان، تصاویر گل و مرغ بود و رقم داشت. (رقم حیدر علی)

۳- قلمدان گل و مرغی با طراوت بود که در وسط مدالیون، تصویر زنی زیبا جلب نظر می نمود و رقم داشت. (رقم حیدر علی بن محمد اسمعیل نقاشی ۱۲۸۰)

۴- قلمدان کیانی بی نظیر و فوق العاده بود که در وسط رویه آن، تصویر ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه ولیعهد و ظل السلطان و کامران میرزا و سایر اقبای سلطنتی و رجال و مشاهیر جلب نظر می نمود. در مدالیون‌های مختلفی که بطرز بارزی حاشیه گیری و تذهیب شده بود، مجالس زیبایی از قیافه و البسه پادشاهان قصای شاهنامه ترسیم شده بود که هر یک بعد خود تابلوی زیبایی بشمار می آمد. در رویه قلمدان و بالای سر شاه نوشته بود:

ناصر دین شاه خدیو جهان - صدر نشین همه خسروان

در کشو داخلی قلمدان نیز مجالس صوفیان و درویشان نقاشی شده بود که ستودن داشت.

۵- قلمدان کیانی دیگری که به همین عیار نقاشی شده و مضبوط در موزه ایران باستان است، از کارهای ممتاز حیدر علی میباشد که شعر بالای سر ناصرالدین شاه چنین است:

(شاه منصور ناصرالدین شاه - آنکه زد چتر اقتدار بماه)

(عمل حیدر علی ۱۲۸۹)

رقم بخطر ریز داشت:

۶- قلمدان زیبای دیگری که از این هنرمند دیدم، قلمدان خوش نقش سه نفر از صوفیان بود که به نازک قلمی هر چه تمامتر تصویر شده و کنارها و طرفین نیز بانواع گل و مرغ چشم نواز آرایش یافته و رقم داشت. (رقم حیدر علی)

۷- دیگر اثر دلگرب این نقاش را که در حراج ساتبی ۱۹۷۸ از نزدیک دیدم. قاب آینه پر مهارتی بود که تصویر علی محمد خان قاجار در رویه داشت. در این تصویر، شاهزاده قاجار کلاه بوقی مشکی بسر گذاشته و لباس بوته جیقمای رنگارنگی بتن کرده و غزال زیبایی نیز در کنارش جلب نظر مینمود و رقم داشت. (کمترین حیدر علی سنه ۱۲۷۹)

۳۲۵ - حیدر علی شیرازی

طراح و نقاش اهل شیراز بود. که تا سال مرگ ناصرالدین شاه قاجار ۱۳۱۳ ه.ق. در قید حیات بوده است.

۳۲۶ - حیدر غلام

حیدر غلام یا غلام حیدر قلمدان ساز دوره قرن ۱۲ ه.ق. هند بود. از این هنرمند قلمدان بزرگی دیدم که وضع کهنگی و ظاهری آن به زمان زندیه میرسید. این قلمدان که زمینه سبز داشت، با گل و برگهای طلائی مستور شده و مثل پارچه زربفتی تمام اطراف قلمدان را پوشانده بود. جدول کشی و مقوا سازی و برش زبانه‌های قلمدان نیز استادانه بود و رقم داشت. (حیدر غلام)

۳۲۷ - حیدر نقاش

نقاش شیرین رقم اوایل قرن ۱۱ ه.ق. بود.

این هنرمند در چهره سازی و منظره پردازی و نقوش عمارات و همچنین در ارائه مجالس رزمی و بزمی دست پر مهارت داشت .

یگانه اثر رقم دار و بجا مانده نقاشی ، (نشستن شاه بهرام گور در گنبد سبز رنگ) ارائه شده که در این اثر دلنواز، بهرام گور در گنبد سبز نشسته و حضار با احترام در حضورش قرار گرفته‌اند . تصویر عمارات و البسه رنگارنگ حضار و قیافه و حالات آنها ستودنی بود و رقم داشت .
(حیدر نقاش ۱۰۳۲)

۳۲۸ - حیدرقلی میرزا

فرزند جعفر قلی میرزا از اعقاب مظفرالدین شاه بوده و بنام لال شاهزاده شهرت داشته است . بیشتر آثار سیاه قلمی و شبیه سازی وی را که نزد فامیلش دیدمام، حلاوت و شیرین قلمی شاهزاده را در امر تصویر سازی بیان می نمود . این هنرمند تا حدود ۸۰ سال عمر کرده و در اواخر سلطنت احمد شاه در تبریز وفات نموده است .

۳۲۹ - حیدرقلی - نقاش صفوی

بروایت غیر مستند . از ندیمان و همکاران رضا عباسی و پیرو شیوه استاد مهدی است . در تنها اثر بجا مانده اش که تصاویری در خمسه نظامی میباشد . شیوایی و جلادت قلم نقاش را در امر تصویر سازی برملا میسازد . این کتاب بوسیله عبدالجبار اصفهانی کتابت شده و تاریخ اتمام آن سال ۱۰۳۴ میباشد . در یکی از این مینیاتورها فرهاد اسب سقط شده شیرین را بدوش گرفته و بسوئی در حرکت است . آرایش نقوش و سردرب طلائی و هیبت کوهها و زیبایی و نازک قلمی اسبها شیرین و چشم نواز است . صورتهای تصاویر و البسه شیرین و ندیمان همراهش بشیوه رضا عباسی ارائه گشته و نقوش هندسی استادانهای که در نقش سردرب ترسیم نموده مهارت و قوی دستی نقاش را بنحو بارزی بیان میسازد .

خ

۳۳۰ - خان احمد الحسینی

نگارگر دوران صفوی بود و در جانورسازی و تشعیر و حل کاری دست پر مایه داشت . از آثار این هنرمند که در نمایشگاه هنر اسلامی لندن دیدم، تصویر پر حلاوتی بود که رقم داشت .
(عمل بنده درگاه فلک بارگاه نواب خان احمد الحسینی)

۳۳۱ - خان محمد

نقاش اوایل قرن ۱۱ ه. ق. بخارا و هرات بود و در امر تصویر دست داشت. از آثار رقم دار وی که در کتابخانه اداره هند مضبوط است، تصویر شاهزاده‌های است که کلاه خود مخصوص بسر گذاشته و گلدان گلی بدست گرفته است. لباس و سایر وسایل زینتی وی برنگهای مختلف نقاشی شده و رقم دارد. ۱ (راقمه خان محمد)

۳۳۲ - خداداد خان زند

نقاش دوره ناصری بود و لقب میرزا حکیم داشت. خداداد خان در شبیه سازی و آبرنگ پر استعداد بود و در ارائه جزئیات و سواس بخصوصی داشت. با درج کلمه زند که در یکی از آثارش دیده شده و در دیگری خود را حکیم خوانده معلوم میدارد از طایفه پر شهرت زند بوده و بعلت اطلاعاتی که در طب قدیم داشته به حکیم معروف گشته و چه بسا که بطبابت و درمان نیز مشغول بوده است.

دو اثر رقم دار این هنرمند را که از نزدیک دیدم عبارتند از:

۱- تصویر پر مهابت حضرت علی علیه السلام به آبرنگ بود که با صلابت و وقار نشسته و شمیر ذوالفقار را بروی پاها قرار داده بود. در پشت سر حضرت، دیوار ورودی مسجد و مناره مثلث شکلی آن که به مساجد معمولی شباهت نداشت جلوه گر گشته و رقم داشت. (رقم میرزا خدا داد ۱۲۷۷)

۲- دیگر اثر آبرنگی خدا داد، تصویر تمام قد جوانی بنام میرزا خلیل بود که کلاه بوقی دوره ناصری بسر گذاشته و دست در شال کمر خود کرده بود. لباس بلند و کفش‌های وی در عین سادگی بسیار پخته نقاشی شده و در پشت تصویر، پرده‌های آویزان بود که از لابلای آن افق دور دست دیده می‌شد. معجزهای چوبی و هندسی شکل اطلاق نمودنی بود. و رقم دانت. مجموعه ۵

(صورت جانفرای سرکار آقا میرزا خلیل - رقم میرزا خدا داد حکیم ۱۲۷۷)

۳- سومین اثر آبرنگی میرزا خدا داد که بسال ۱۲۷۳ انجام یافته و خود را زند خوانده است. (صورت شاهنواز خان پسر سلطان احمد خان کابلی در سن بیست و چهار سالگی) میباشد که دوزانو بروی فرش نشسته و قمه بلند و باریکی بروی بازوان نهاده است. (مجله نقش و نگار شماره ۷)

این اثر که با مهارت تمام عمل آمده و برنگهای غنی و پر حالت رنگ آمیزی شده، نشانگر مهارت نقاش میباشد. کلاه عمامه‌ای و لباس‌های راه‌راه رنگی که بسیاق پارچه‌های افغانی است جلوه بس والائی دارد. در پشت سر جوان، پرده قرمز رنگ نیمه بازی ارائه شده که منظره کوه و فضای بیرون را بخوبی نشان میدهد، ترسیم فرش اطاق استادانه بوده و رقم دارد.

(رقم بنده درگاه شاهنشاه عالم پناه خدا داد خان زند ۱۲۷۳)

۳۳۳ - خسروقلی ترک

از نقاشان شیرین قلم زمان اکبر شاه هندی است که از ایران بآن دیار رفته و بکار نقاشی مشغول گشته است.

(خسرو نیشابوری) نقاش و نگارگر فلزات اهل نیشابور بود. از این هنرمند کاسه مسی و منقش استادانه‌ای در کریستی لندن بسال ۱۹۸۲ بفروش رسید که رقم داشت. (عمل خسرو نیشابوری ۱۱۵۲) تصویر شماره (۴۱)

۱- دیگر از این هنرمند تصویر جوانی دیدم که گل بدست گرفته و رقم داشت. (رقم خان محمد مذهب)

۳۳۴ - خضر نقاش

هنرمند تصویر ساز اوایل قرن ۱۱ ه.ق. هند بود که در بعضی از آثار خود را خضر چيله نیز یاد میکرده است.

آثار رقم دار وی را دیده‌ام :

۱- تصویر طوطی رنگینی بود که روی دسته چوب مخصوص ایستاده و زنجیری بها داشت و در روی چوب رقم زده بود. (عمل خضر نقاش)

۲- اثر رقم دار دیگر نقاش، تصویری در بابر نامه است که بابر را در منزل سلطان حسین نشان میدهد. در این مہناتور، دو زن زیبا بنام‌های سلطان و خدیجه بیگم روبروی هم نشسته و بصحبت مشغول میباشند. مطلب اول صفحه که بمناسبت تصویر و بخط نستعلیق زیبا نوشته شده چنین است.

(اول به پاینده سلطان بیگم زانوزده - دریافتم بعد از آن بخدیجه بیگم زانوزده)
تصاویر در کمال مهارت و شیوایی نقاشی شده و رقم داشت. (عمل خضر پبله)

۳۳۵ - خلیل

نقاش آبرنگ ساز پر مهارت عهد محمد شاه قاجار بود و در ترسیم نقوش قلم کاری مهارت داشت. او نام خود را با سجع مخصوص خود (معمور گشت کعبه ز معماری خلیل) رقم میزد و در زمان خود شهره بود.

۳۳۶ - خلیل الله

آبرنگ ساز ماهر و از مجلدان معروف زمان خود بوده است. از این هنرمند، جلد گل و برگی پر حالتی که در درون آن نیز شمایل مولا علی و حسنین جلب نظر مینمود بیادگار مانده که معرف استادی و زبر دستی نقاش میباشد. این جلد بجهت قرآنی که توسط عبدالحسین خطاط و در سال ۱۳۲۱ ه.ق. کتابت شده تهیه گشته و حالیه و در مشهد حضرت رضا علیه السلام مضبوط میباشد.

خلیل اله هروی در امیر خلیل آمده

۳۳۷ - خلیل بن حسن محمد علی

رسام فلزات و اسطراب بود.

از آثار ارزنده استاد که در موزه ایران باستان دیده میشود، اسطراب پرمهارتی است که خطوط آن به خطوط نسخ و کوفی تزیینی انجام یافته و ترسیمات فنی آن نیز دقیق و نازک قلم میباشد. در حاشیه گردان صفحه رویه، عبارت (نادعلیا) تا انتها و در قسمت‌های مجزا از همدیگر کتابت شده که خطوط استادانه است.

این اسطراب که در اصفهان ساخته شده رقم دارد. (خلیل بن حسن محمد علی ۱۱۰۶)

۳۳۸ - خلیفه محمد حیوة

به نوشته قاضی احمد در گلستان هنر:

(در نقاشی و تصویر خلیفه حیوة شبیه و عدیل نداشتند)

خطای - حل کار مشهور دوره بایسنقر میرزا در هرات بود.

در مرقع امیر غیب بیک (۱) استاد را خلیفه محمد حیوة خوانده و در جمع هنرمندان چنین نوشته است: «و استادان فارس و عراق مثل استاد درویش و خلیفه محمد حیوة و میر مصور و پسر میر سید علی و خواجه عبدالرزاق و خواجه عبدالوهاب و پسرش خواجه عبدالعزیز و سید میرک که جمع اطوار و تمامی اطراز این فن بی بدل و به بی مثلی مثل است»

۳۳۹ - خواجه شادمان

نقاش زیبا نگار قرن ۱۲ ه.ق. بود. تنها اثری که از این نقاش دیده‌ام، تصویر آبرنگی دختر جوانی بود که در شیوه (وهبی لونی) نقاش معروف عثمانی نقاشی شده بود. در این اثر دلفریب، زن جوان سینه‌ها را تا حدی عریان ساخته و تور بلند و زیبایی بسر انداخته و لباس گلدارى بتن کرده و بدست خود مختصری از دامن خود را بالا برده بود و در گوشه چپ اثر رقم داشت (خواجه شادمان)

خواجه عبدالحی در عبدالحی آمده
خواجه عبدالعزیز کاشانی در عبدالعزیز آمده
خواجه کاکا در عبدالوهاب آمده

۳۴۰ - خیرات خان

تصویرگر پر اعتبار و هنرمند هند بود که در معیت خان عالم سفیر نورالدین محمد جهانگیر پادشاه به ایران آمده است. در تصویر رقم دار موجود، خان عالم را در حضور شاه عباس کبیر شباهت تمام نقاشی کرده که خان عالم دو زانو نشسته و در کمال ادب شربت تعارفی شاه عباس را دریافت میکند. تصویر شماره ۶۹

شاه عباس نیز دو زانو جلوس کرده و شمشیر و کمان و سایر ادوات رزمی سبک بتن نموده و کلاه معروف خزدار بسر گذاشته است. پشت سر شاه خدمتکار جوانی که بساقي گری مشغول است دیده میشود، در قسمت بالای سمت چپ، بخط نستعلیق زیبا نوشته. (شبهه شاه عباس ماضی و خان عالم) و در زیر نقاشی و گوشه راست رقم زده: (آورده بنده با خلاص خیرات خان)

۳۴۱ - خیرخواه - محمد پناه

نقاش دوره نادر شاه افشار بود که در آبرنگ و شبیه سازی دست پر مهارت داشت. از آثار رقم دار این هنرمند، نادر شاه است که با تمام آرایش و تزیین سلطنتی روی دوشک گلدار زر-اندودی دو زانو نشسته و به متکای زر بفت زیبایی که به کلمهای حیوانات گوناگون مزین شده تکیه داده است. رقم دارد. (تصویر شاهنشاه جم جاه نادر شاه بعمل خیرخواه محمد پناه)

۱ - مرقع امیر غیب عظیمی در کتاب خزینه اوقاف توپ قاپو سرای استانبول است که به شماره ۲۱۶۱ ثبت شده و بکوشش امیر غیب بیک یکی از امرای با ذوق دربار شاه طهماسب اول صفوی فراهم شده و مجموعه‌ای از بهترین قطعات خطوط خوشنویسان و نقاشی صورتگران و تذهیب مذهبان آن عصر میباشد.

د

۳۴۲ - دام

نقاش گمنام هندی اوایل قرن ۱۳ ه.ق. است .

اثر شیرینی از این نقاش در کاتالوگ گل ناچی لندن بشماره ۳۰ چاپ شده که پادشاه و الامقامی در وسط نشسته و شاهزادگان و رجال و وزیران و ندیمان درباری در اطراف وی ایستاده‌اند. این اثر دلنواز که تا حدی استادانه تصویر شده جملاتی به جهت شناسائی افراد در کناره قید شده که قرائت و ارائه آنها در این مقاله خالی از فایده نمی‌باشد .

۱- مبارز زاده نواب حسام الدین حیدر خان بهادر دلاور جنگ

۲- عظیم الدوله حسام الملک نواب محمد میر خان بهادر

۳- عنایت افزون خواجه مراد (کسی که لباس سفید پوشیده و عصای بلند بدست دارد)

۴- مرشد زاده میرزا بلاقی بهادر

۵- مرشد زاده میرزا جهان خسرو بهادر

۶- شبیه صاحب عالمیان میرزا محمد دارا بخت ولیعهد بهادر

در وسط تصویر که شاه را در روی تخت سلطنتی و بجلال تمام و طلاکاری زیبا تصویر کرده چنین نوشته :

۱- سلیمان حشم خسرو کامیاب - جهانگیر شاه همایون جناب (غلامی دو برج شاه جهان)

۲- شده سال این تخت انجم سپاه - سری بر شه عالم تاجدار. در بالا نوشته (در سنه ۲۰ جلوس معلی) طرف چپ نوشته :

۱- شبیه مرشد زاده آفاق میرزا محمد سلطان فخر الدین فتح الملک بهادر شاه .

۲- طفلی که پیش او ایستاده (مرشد زاده آفاق، میرزا فرخنده شاه میرزا بلاقی)

۳- یک انگلیسی با لباس سربازی (صاحب قلعه‌دار)

۴- نواب شمس الدوله مالک بخشی محمد علی خان بهادر ذوالفقار جنگ

۵- رای شکیچند ساهوکار خزانچی (خزانهدار)

۶- نصرت یارخان میر ترک (سفیر ترکیه)

در متن کاتالوگ نوشته بهادر شاه دوم (۱۸۵۸ - ۱۸۳۷) و تاریخ اثر را سال ۱۲۵۵ ه.ق. خوانده که اشتباه است و رقم اصل سال ۱۲۱۷ ه.ق. میباشد.

۳۴۳- داود (رسام فلزات)

رسام فلزات سخت و فولاد و نقره بود.

از این هنرمند، گاهه منقش زیبا و استادانه چهل کلید دیدم که به انواع نقوش آراسته گردیده و با لایحه مختلف مستور شده بود. خط نسخ و ترسیم نقوش هندسی و تصاویر ستاره شناسی درخور تحسین بود و رقم داشت. (عمل داود فی سنه ۹۵۵) مجموعه شماره ۲

۳۴۴- داود

نقاش گمنام و شیرین نگار دوران زندیه است.

این هنرمند در آبرنگ و سیاه قلم دست داشت و جانور سازی را نیکو میدانست. از آثار رقم دار این استاد تصویر گاوی در کمال امتیاز دیدم که رقم داشت. (یا داود)

۳۴۵- داود (ریخته‌گر)

اهل لاهور و از ریخته‌گران ماهر بود.

از آثار امضاء دار این هنرمند پیه سوز فلزی روغنی زیبایی بشکل مخروط ناقص در موزه آستان قدس رضوی است که رقم دارد (عمل فقیر استاد داود ریخته‌گر ساخت لاهور ۹۲۶)

داوری در محمد داوری آمده

۳۴۶- درگه

تصویرگر تصاویر شماره ۱۰ و ۱۳ کتاب انوار سهیلی معروف بریتانیا است که مشخصات بیشتر کتاب را در احوال آننت آورده‌ام.

در تصویر شماره ۱۰ که مکالمه شیر با حیوانات است، شیر دهن باز کرده و مشغول صحبت میباشد. منظره کوه و جوی آب روان دیدنی است و درخت بزرگ و پهناوری در مقابل آنها دیده میشود. در طرف دیگر جانورانی از قبیل روباه و پرندگان با شیر صحبت میکنند. نقاشی در کمال شیوایی است و رقم دارد بخط قرمز (درگه)

تصویر شماره ۱۳ کتاب که موضوع آن (بظهور رسید طریق مروت را مهمل گذاشته) میباشد، مجازات مرد خطاکاری است که در مقابل قاضی ایستاده و مامور دیوانی جوان را تنبیه مینماید. قیافه حاضران و عظمت و زیبایی درخت و رنگ آمیزی تصویر پر مهارت است و رقم دارد. (درگه)

۳۴۷- درویش-استاد

متأسفانه نام اصلی نقاش معلوم نگردید و چه بسا ممکن است همان درویش محمد خراسانی باشد که احوال وی را در جای خود آورده‌ام. قاضی احمد در گلستان هنر نیز مختصر اشارتی در کنار خلیفه محمده حیوة ذکر نموده و چنین یاد کرده. (استاد درویش و خلیفه حیوة شبیه و عدیل نداشتند)

سید احمد آهو چشم در مرقع امیر غیب بیک و در زمان شاه طهماسب اول که حالیه در کتابخانه اوقاف استانبول است از این هنرمند تصاویر و تذهیبات شایستهای مشاهده کرده و یاد نموده است .
 اثر رقم دار این هنرمند که حالیه در توپ قاپو سرای ترکیه موجود است ، تصویر ازدهای قوی پیکر و سهمناکی بشیوه استاد میرک است که حواشی آن با تشعیر و حل کاری جانورانی از قبیل شیر و گاو ارائه شده و بسیار استادانه میباشد ، در بطن کناره‌ها نیز تصاویر درختان سر سبز و مرغان خوش حالت نقش بسته و بخط قلم موئی رقم دارد .
 (عمل درویش)

۳۴۸ - درویش حسن

اهل عثمانی و قلمدان ساز معروف قرن ۱۸ میلادی است .
 تنها اثر بجا مانده این هنرمند، قلمدان مستطیل شکل چوبی است که در داخل درب بالائی قلمدان ، مناظر مختلفی از قبیل ساختمان و کوه و ابرها و درختان تبریزی ارائه شده و در طرف دیگر تصاویری از ساحل اسلامبول و شکارگاه حیوانات و قایق سلطنتی دیده میشود و در زیر قلمدان رقم دارد .
 (ایوبی درویش حسن) اندازه قلمدان $18/7 \times 37/5$ سانتی متر میباشد .

۳۴۹ - درویش حسین

نقاش خوش دست قرن ۱۰ ه.ق. است .
 از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر مردی در قیافه چینی‌ها بود که پوستی بعنوان پوشش به پشت بسته و دو زانو نشسته و شلوار مخصوص رزمی پوشیده و سینه‌هایش عریان بود و در یک مستطیل بخط نسخ رقم داشت .
 اصل این اثر که در موزه فاین آرت بوستن مضبوط است، دو مهر بیضی شکل باسجع (یا علی ادرکنی) در بالا و پائین نقاشی دیده میشود .

۳۵۰ - درویش حیدر

هنرمند زیبا نگار اوایل قرن ۱۱ ه.ق. بود .
 از آثار رقم دار وی ندیدم .

۳۵۱ - درویش علی

از نقاشان هندی اواخر قرن ۱۳ ه.ق. است .
 اثر رقم دار این هنرمند ، ملای ریش بلندی بود که کلاه بوقی بسر داشت و بقرائت قرآن مشغول بود . در مقابل این ملا دو مرد غریبه که یکی قیافه شرقی و آن یکی غربی داشت جلب توجه میکرد . دو نفر مزبور با انگشت خود اشاره به سرپوشی مینمایند که روی آن نوشته شده (یا کرم) ، دو خدمتکار دیگر که یکی لباس هندی و آن یکی لباس کامل عربی به تن کرده در خدمت مشغول هستند . تصویر مناظر بیرون از پنجره نمایان است و رقم دارد .
 (درویش علی ۱۲۶۱)

۳۵۲ - درویش محمد خراسانی

درویش محمد خراسانی که به ملا درویش هروی نیز نامیده میشود از هنرمندان خراسان بود که در نقاشخانه بهزاد و بزمان سلطان حسین بایقرا بامر تصویر سازی اشتغال داشته است .
 در مجالس النقایس از این هنرمند یاد کرده و چنین نوشته است :

«از آدمی زادگان خراسان است و ترکیب نیز دارد کوکلتاش (هم شیر) محمد مومن میرزا بوده اول رنگ و روغن کاری میکرد چون بملازمت استاد بهزاد رسید عشق تصویر و نقاشی پیدا کرد و استاد نیز به تربیت او مشغول شد و در اندک فرصتی کامل شد، طبع نیک دارد»
 حیدر دو غلات در کتاب تاریخ رشیدی راجع بدرویش محمد چنین می نویسد :
 «مولانا درویش محمد که استاد فقیرست شاگرد شاه مظفرست و در باریکی قلم مثل ندارد بلکه از شاه مظفر نیز گذارنیده اما چندان اندام و پختگی و ملاحظت ندارد گرفت و گیرها را بسیار خام میسازد وی صورت سواری ساخته است شیری را بر سر نیزه داشته مجموع آن در یک برنج میماند .»
 فخری سلطان محمد نیز در لطایف نامه از او نامبرده و چنین معرفی کرده است :
 «درویش محمد از نقاشان با استعداد و از اهالی خراسان بود که در نقاشخانه بهزاد در زمان سلطان حسین بایقرا بنقاشی اشتغال داشت ، او از شاگردان با استعداد بهزاد بوده در ابتدا رنگ می ساخت سپس به تصویر نقاشی پرداخت .»

تنها اثر رقم دار این هنرمند ، تصویر دو رزم آور جنگی و در اندازه بزرگتر میباشد که حالیه در آلبوم شماره ۲۱۵۳ // توپ قاپوسرا جلب نظر مینماید . در این اثر زیبا اسبها و سوارکاران بزره های طلائی و فولادین ملبس شده و سوار بر اسب به جنگ و گریز مشغول میباشدند. یکی از سوار کاران سپر حریف را با شمشیر خود سوراخ نموده و ضربه ای بسر وی وارد کرده است . طرف مقابل نیز نیزه خود را بچشم اسب دشمن فرو برده و او را از فعالیت انداخته و مستاصل نموده است . نقاشی در کمال استواری و استادی بوده و بخط نستعلیق زیبا رقم دارد . (عمل استاد درویش محمد) حدود ۱۴۸۰ میلادی

۳۵۳ - دسونه

شاگرد پر استعداد استاد میر سید علی و عبدالصمد شیرازی شیرین قلم بود . او فرزند نامه رسان بی چیز هندی بود که در هنر تصویرگری پیشرفت ها کرده و سرآمد یاران گشته بود . در کتاب آئین نامه اکبری خطی نگارنده از نقاش چنین یاد کرده است :
 «دسونه قهار پسریت در خدمت این کارخانه بسر بردی و بهوس بر دیوارها صورتی نوشتی و نقش نگاشتی و روزی نظر دوربین شاهنشاهی (اکبر شاه هندی) بر آن افتاد و از ژرف نگاهی معنی اوستادی دریافته بخواجه سپردند (خواجه عبدالصمد شیرین قلم) و در اندک فرصتی یگانه زمانه شد و سرآمد روزگار گشت. ظلمت سودا خرد او را پوشیده بزخم خویش سفر عدم گردید» معلوم میگردد این هنرمند از حدت مرض سودا دیوانه شده و در جوانی بسالیان ۱۰۰۵ درگذشته است . از آثار ارزشمند این هنرمند ، تصاویر رزم نامه جیپور است که بسر پرستی میر سید علی و عبدالصمد و توسط چهار نقاش دیگر یعنی دسونه - لعل - فاضل - بسوان تصویر شده و در خور اهمیت میباشد .
 از آثار رقم دار دیگرش که خود را شاگرد عبدالصمد خوانده ، تصویر شاهزاده سلیم با لباس درباری است که با آرایش سلطنتی سوار بر اسب تنومندی شده و بگشت و گذار در صحرا مشغول میباشد .
 تصویر در کمال آراستگی و استادی انجام یافته ولی حاشیماش تذهیب ساده ایرانی دارد . در بالای تصویر بخط قلم موئی نوشته : (شبه مبارک شاهزاده سلیم) و در گوشه سمت چپ رقم گذاشته :
 (عمل دسونه تلمیذ خواجه عبدالصمد شیرین قلم)

۳۵۴ - دلوارت

در آلبوم جهانگیر پادشاه ، اثری از این هنرمند بهادگار است که تصویر بسیار شبیه از شیخ دولت میباشد . در حواشی این تصویر صورت هفت نفر اعیان و رجال هندی را در قیافه های حقیقی و شبیه

سازی تمام ارائه داده که فوق العاده است و رقم دارد .
(شبیه شیخ دولت که در کجرات لاهور میباشد رقم دلوارت)

۳۵۵ - دهرمداس

نگارگر شیرین قلم هندی و تصویر گر مینیاتورهای شماره ۲۶ و ۲۱ انوار سهیلی موجود در انگلستان میباشد . در این دو اثر که یکی با کمک نقاش دیگری بنام (بدارت) اتمام یافته ذوق و مهارت نقاش به نیکوترین مهارتی عرضه گشته است .

اثر شماره ۲۱ که اختلاف دزد و دیوار را رسم کرده این عبارت در بالای صفحه دیده میشود .
(متعذر باشد دیو نیز در فکر افتاده بود که اگر دزد گاو را از خانه بیرون کند)

زاهد در خانه خوابیده و بیرون خانه منظره کوهها و جوی آب روان دیده میشود . درخت زیبای داخل خانه و تصویر دیوارها جالب است . در آن نزدیکی ها دزد و دیو در حال محاوره بوده گاوی نیز در مقابل جلب نظر مینماید . نقاشی بسیاریرحالت و شیرین است و بخط نستعلیق سرخ رقم دارد . (دهرمداس)
دومین اثر نقاش در این کتاب ، تصویر پیرزنی است که وارد خانه شده و دیگری را بر سر گاو خود دیده و خیال کرده که این حیوان عزرائیل است . دختر زیبایی بنام مهستی که در رختخواب بیماری افتاده و در گوشهای استراحت کرده ناظر صحنه میباشد .

ماوقع تصویر چنین میرساند که پیرزن به عزرائیل خیالی التماس میکند که - مرا بگذار و مهستی جوان را با خود ببر - رقم دارد . (دهرمداس)

دیگر اثر زیبا و نفیس این هنرمند ، تصویر زایمان زن توانگری است که داخل اطاق اتفاق افتاده و ماما نوزاد جدید را بدست گرفته و عدمای از خویشاوندان و دوستان در حیاط خانه مشغول طرب و شادمانی هستند ، در بیرون خانه نیز فقیران و درویشان جهت دریافت صدقه صف کشیده و جماعتی مشغول دریافت غذای نذری هستند . رقم دارد . طرح گیسو گلان (عمل دهرمداس)

۳۵۶ - دهنراج

هنرمند زیبا نگار و شیرین قلم قرن ۱۱ ه.ق . هند بود و در شبیه سازی دست داشت .
از آثار رقم دار این هنرمند که در حراج گالری گل ناچی بفروش رسید . تصاویری از پادشاهان معروف هند بود که بین دواپر منظم نقاشی شده و اسامی و امضاهای آنها نیز بخط نستعلیق زیبا در زیر تصاویر درج گشته بود .

در دایره وسطی که تصویر جهانگیر پادشاه ارائه شده بود باز شکاری بدست داشت و در دواپر دیگر تصاویر سلطان خسرو - گرشاسب - جهاندار - داور بخش رستگار - بلند اختر و در طرف چپ صفحه سلطان پرویز - شهریار - کشور گشا - دور اندیش - آزر م . در قسمت پائین تر بهمین نحو خانواده میرزا میران شاه ترسیم گشته بود که عبارت بودند از : خلیل میرزا - میرزا سید احمد - عمر میرزا - سیور غتمشیر میرزا - ایحل میرزا - ابوبکر میرزا - النگر میرزا - چلبی عثمان (محمد سلطان میرزا) تذهیب و تشعیر بالای صفحه استادانه بود و رقم داشت . (عمل دهنراج)

۳۵۷ - دهنو

نقاش دوره بایری بود و در منظره سازی و مجالس بزمی دست پر مایه داشت . اثر زیبایی از این هنرمند چاپ شده بود که باغ وفا نام داشت . در این اثر شیوا باغ پر گل و ریحان و درختان سبز و شاداب در کمال آراستگی دیده میشدند که سه عمله مشغول ساختن دیوار باغ بودند ، در وسط باغ

مزبور، حوضی با مرمرهای سفید جلوه‌گر بود و دو مرغابی رنگین در داخل آن به جست و خیز مشغول بودند، در سطر اول زمینه کتاب نوشته بود.

(میان غرب و جنوب باغ حوض ده در دهی است، اطراف او تمام درخت‌های نارنج است) رقم داشت. (عمل دهنو)

۲۵۸ - دوست محمد اول

در بین تذکرها و اسناد قدیمی، فقط مصطفی عالی افندی در کتاب مناقب هنروران از این نقاش یاد کرده و او را جزو چهل تن هنرمندان دربار بایسنقر میرزا گورگانی (۸۰۲ - ۸۳۷) ثبت نموده است.

۳۵۹ - دوست محمد - دوست دیوانه

نقاش پر آوازه و سیرین نگار اواسط قرن ۱۰ ه.ق. بود که بناهای دوست مصور و دوست دیوانه نیز شهره بوده است.

بطوریکه در تواریخ یاد شده، همایون شاه هندی در سال ۹۵۱ ه.ق. به ایران آمد و در تبریز بحضور شاه طهماسب بار یافت. در یکی از این ملاقات‌ها از شاه تقاضا نمود که به بعضی از هنرمندان رخصت داده شود تا جهت اشاعه هنر ایرانی و همکاری با استادان تصویر ساز هندی بآن دیار عزیمت نمایند. شاه صفوی تقاضای همایون را پذیرفت و فرمان رخصت صادر گردید.

بدین ترتیب دوست محمد نیز در جمع هنرمندان دیگر، بهندوستان عزیمت نمود و در آن دیار مقیم گردید.

قاضی احمد در گلستان هنر در مورد دوست محمد چنین می‌نویسد:

((او از شاگردان بی قرینه استاد بهزاد است و در کمال زیرکی و فطانت بوده و مدتی در خدمت شاه جمشاه رضوان بارگاه شاه طهماسب بسر برد. بعد از آن بجانب هند رفت و در آنجا ترقی کرد)) باز در زیر نویسی قید شده: مولانا دوست محمد بعد از آنکه بهندوستان رفت ملازم همایون پادشاه در نامه‌ای به رشید خان پادشاه کاشغر نوشته فضائل مآب نادره العصر مولانا دوست مصور که نسبت قدیم ملازمت دارد و در تصویر مانی زمان و در تذهیب نادره دوران و در خط‌بری و تحریر بی نظیر است و یک صفحه تصویر قلم سیاهی از کارهای او را برای رشید خان فرستاده.

متأسفانه اطلاع بیشتری از زندگی این هنرمند بدست نداریم ولی پر واضح است تا اتمام دوره سلطنت همایون شاه با احترام و اعزاز تمام زندگی کرده و در هندوستان فوت کرده است.

از آثار بجا مانده وی معلوم میگردد که از بهترین شاگردان استاد بهزاد بوده و در بعضی مراحل حدت قلم و حلاوت رقم استاد را به نیکوترین وجهی جلوه‌گر ساخته است.

قاضی احمد منشی که مختصر احوال وی را یاد کرده، نام یکی از شاگردان برجسته وی را نام برده و چنین نوشته است:

((شیخ محمد سبزواری پسر مولانا شیخ کمال ثلث نویسنده نقاش بی بدل بود، شاگرد استاد دیوانه بود)) عده‌ای این هنرمند را با دوست محمد کوشوانی که خطاط زبردستی بوده و در تصویر سازی نیز سررشته داشته یکی دانستند. ولی در کتاب گلستان هنر که از هر دو نفر اسم برده، دوست مصور را شاگرد بی قرینه استاد بهزاد و دوست محمد کوشوانی را خطاط و شاگرد مولانا قاسم شادیشاه یاد کرده است. از آثار فوق العاده زیبای این هنرمند که در نمایشگاه لندن از نزدیک دیدم. موضوع (خترهفتود و گرم سب) میباشد که بمعیار این ابیات تصویر گشته بود.

چو آن دخترک میوه اندر گزید	-	یکی در میان کرم آمد پدید
بانگشت آن کرم برداشتش	-	بر آن دوکدان نرم بگذاشتش
چو برداشت زان دوکدان پنبه گفت	-	بنام خدا بی یار و جفت

در این مینیاتور جمعی از دختران و زنان ماهرو با البسه رنگین خود روی چمن با صفائی که در اطراف آن درختان زیبا و جویباران با صفا دیده میشد، دور هم نشسته به صحبت و پشم‌ریسی اشتغال داشتند، یکی از دختران، سببی را خورده و کرمی از داخل آن در آمده است. در پشت سر دختر، تصویر کوههای بلندی که بروی آن درختان مختلفی روئیده جلب نظر مینمود. قصر مجللی که در کمال تردستی و آجر کاری منظم ارائه شده، زائیده دنیائی ابتکار و شیرین دستی نقاش بشمار می‌آمد. دو نفر مرد میان سال با عمامه‌های سفید و ریش‌های گندمگون پشت بام قصر نشسته بصحبت مشغول بودند. در گوشه‌های دیگر، جماعتی با قیافه و البسه مختلف هر یک بکاری اشتغال داشتند و منظره دکان قصابی و نانوائی و شخص فروشنده جلوه خوشی داشت. قیافه مودن مسجد که دستها را بگوش نهاده و روی مناره رفته و اذان می‌گفت دیدنی بود. درختان پر طراوت رنگین و مرغان سبک بالی که روی درختان نشسته و زمینه طلائی فضای باز پختگی و استحکام بخصوصی داشت و رقم نقاش چنین بود.

(صوره دوست محمد)

عکس رنگی و سیاه سفید این اثر زیبا در اغلب کتابهای مختلف چاپ و ارائه گشته است.

۲- تصویر رقم دار دیگر هنرمند، تصویر ابوالمعالی بود که روی زمین نشسته و نامهای روی زانو نهاده و بنوشتن اشتغال داشت. شمس المعالی که جوانی حدود ۲۰ ساله بنظر میرسد کلاه عمامهای بسر گذاشته و عبائی بروی لباسها انداخته و چشم‌ها را بروی کاغذ دوخته و این جملات را بخط خوش روی کاغذ نوشته است.

(الله اکبر - جنت آشیانی - این صورت شبیه شاه ابوالمعالی کاشغریست که در خدمت حضرت قرب تمام داشته‌اند - عمل استاد دوست مصور)

۳۶۰ - دوست محمد خان

هنرمند شیرین کار و شبیه ساز دوره شاه عباس ثانی بود.

تصویر استادانمائی که از صورت علی قلی خان سردار هم عصر شاه صفوی نقاشی کرده، معرف نازک قلمی و شبیه پردازی نقاش میباشد.

حواشی این تصویر بخطوط متنوع نستعلیق پیراسته گشته و به تذهیبات و نقوش رنگین آراسته شده و رقم نقاش در یک بیت شعر چنین بود.

(نمود معنی صورت به نطق خامه بیان - کمینه چاکر عباس شه محمد خان سنه ۱۰۲۰)

۳۶۱ - دوست محمد کوشوانی

فرزند سلیمان و اهل هرات و خطاط صاحب نام اواسط قرن ۱۰ ه.ق. بشمار می‌آمد.

دوست محمد در حدود سالیان ۹۵۰ ه.ق. مرقعی بنام بهرام میرزا ترتیب داد که در نوع خود گنجینه پر بهائی از آثار خطاطان و نقاشان ایرانی محسوب میگردد.

دوست محمد بغیر از خطاطی، در نقاشی و تذهیب و صحافی و قطاعی نیز قوی دست بود و آثار خود را بنام‌های دوست محمد قاطع یا دوست محمد مذهب و محرر رقم می‌نمود. مرحوم فکری سلجوقی که دیباچه این مرقع را در کابل چاپ کرده او را جوانی خطاط و نقاشی که در فن تصویر و تذهیب و

تجلید یگانه روزگار بوده توصیف نموده است .

سام میرزا در کتاب تحفه سامی که در زمان حیات پدرش شاه اسماعیل (۹۰۶ - ۹۳۰) ترتیب داده دوست محمد را چنین یاد کرده است :

«اهل کوشان از قرآء هرات و جوانی آدمی و خوش صحبت است در شعر و عروض و معما مهارت دارد و کامی تخلص میکند از صحافی سررشته دارد و نستعلیق را خوب مینویسد .»
قازی احمد در گلستان هنر مینویسد :

«مولانا دوست محمد شاگرد مولانا قاسم شادیشاه است . مصحفی بخط نستعلیق تمام کرده بود شاه رضوان بارگاه (شاه طهماسب اول) را بدو لطفی بود و جمیع کاتبان و نقاشان را از کتابخانه اخراج نمودند بغیر از مولانا که بحال خود باقی ماند . وی تعلیم خط بشاهزاده سلطانم میداد .»

۳۶۲ - دولت مصور - دولت محمد

دولت مصور یا دولت محمد یا شیخ دولت بزرگ نقاش پر مهارت هندی است که در دوره اکبر و جهانگیر شاه هندی خوش درخشیده و شهرت عالم گیری یافته است .

از تاریخ تولد و مرگ و خصوصیات زندگی این هنرمند اطلاعی بدست نداریم فقط با اطلاع از تاریخ اجرای بعضی از آثار بجا مانده اش که بین سالیان ۱۵۹۷ تا ۱۶۰۹ میلادی تثبیت شده معلوم میدارد ، این هنرمند ، نقاش نادره کاری بشمار میآمده و در چهره پردازی بی رقیب بوده است .

دولت در امر تصویرگری شهرین قلم و باریک بین و در چهره سازی و شبیه پردازی و ارائه قیافه حقیقی اشخاص استادی چابک قلم و پر وسواس بوده است .

جهانگیر پادشاه که بامر تصویر و کتابت آثار جاویدان پارسی علاقمند بود ، مشوق اصلی هنرمندان زمان خود از جمله دولت بود که در حمایت و تشویق پادشاه بخلق آثار جاویدان همت می گماشتند . مرقع گلشن که آئینی از نفاست و نابناکی میباشد ، آثار معروف و شناخته شده این دوره بوده و آل‌بوم معروف جهانگیر که حالیه در موزه برلن بایگانی است یکی از شاهکارهای هنری ممتاز این دوره بشمار میآید . دولت در ایجاد این مرقعات زحمات فراوان کشیده و مثلاً " در مرقع گلشن علاوه از تصاویر داخلی مرقع ، آرایش و تزئینات حواشی صفحات را نیز بعهده داشته و در یکی از صفحات آن چنین نوشته است :

(این طلا کاری های زمینه و تپها از کمینه دولت است)
و از طرفی با ارائه تصاویر حقیقی سایر استادان بنام که در امر ایجاد این آثار هنرنمایی کرده اند خدمت پرارزشی بعالم هنر کرده و قیافه اصلی آنانرا ثبت تاریخ نموده است .
اینک باختصار ، تصاویر حقیقی افرادی را که در مرقع گلشن کشیده ارائه میدهم .

۱- در حاشیه و کنار مرقع ، تصویر بسیار شبیه جهانگیر پادشاه قرار دارد که کتابی بدست گرفته و در باغ قصر مطالعه میکند .

۲- تصویر دیگر در این مرقع ، شبیه ابوالحسن نادرالزمان است که بروی دوشکی نشسته و کاغذ بدست گرفته و مشغول تصویر سازی است ، در روی صفحهای که بدست گرفته نوشته شده: (شبیه ابوالحسن از عمل فقیر دولت)

۳- سومین نفر ، تصویر منوهر نقاش معروف هندی است که مردی چاق بوده و مشغول ترسیم موضوعی بروی کاغذ است که در روی آن نوشته شده: (منوهر از عمل دولت)

۴- دیگر تصویر در این مرقع: بشنداس نقاش است که نشسته و صفحه نقاشی را در مقابل خود قرار داده

دوست محمد: سرتیپ دوست محمد خان اعتصام الدوله، برادر دوستعلی معیر بود و در نقاشی آبرنگ و رنگ روغنی مهارت داشت .

و به مرغی که بروی شاخه درختی نشسته نظر دوخته و در روی کاغذ نوشته:

(شبهه بشنداس برادر زاده ننھا مصور عمل دولت)

۵- پنجمین تصویر نقاشی در این مجموعه که در مقابل آن تصویر حقیقی دولت نیز ارائه شده کوردهن نقاش است که به عقب برگشته و بپرسش دوستش پاسخ میگوید، روی کاغذیکه بدست دارد نوشته. (شبهه کوردهن عمل دولت) در مقابل این اثر که در طرف چپ تصویر نقش بسته شکل حقیقی دولت نیز جلب نظر مینماید که مردی سیه چهره ایست که عمامه سفیدی بسر گذاشته و لباس سفید و بلندی بتن کرده و روی آن‌ها لباس تیره پوشیده است. او دوزانو نشسته و صفحه کاغذی بدست گرفته و در روی کاغذی که بدست چپ گرفته و نشان میدهد چنین نوشته:

(الله اکبر - بحکم شاه جهانگیر - نقش این تصویر - نمود بنده دولت - شبهه خود تحریر)

(قائله و راقمه فقیر الحقیق دولت)

۶- سه تصویر دیگری که نام اشخاص قید نشده ولی از بهترین کارهای نقاشی میباشد یکی از این تصاویر نقش جوانی است که سر بمتکا نهاده و دراز کشیده و کتابی بدست گرفته و مطالعه میکند. در روی کتاب نوشته شده:

(عمل کمترین خانه زاد دولت)

تصویر دیگر، پیر مردی با ریش و سبیل سفید میباشد که عمامه حاشیه سفید بسر گذاشته و بروی زمین نشسته و بساط تحریر و چند جلد کتاب به پیش خود نهاده و در روی کاغذی که بدست دارد نوشته شده:

ز دوری تونه مردم چه لاف مهر زخم - که خاک بر سر من باد بر محبت من

(مشق کمترین بنده‌ها دولت)

۷- اثر تاریخ دار این هنرمند، تصویر جوانی با عمامه تیره و لباس سفید است که کتابی بروی رطل گذاشته و بمطالعه مشغول میباشد. در روی کتاب نوشته:

(راقم فقیر الحقیق دولت محمد فی شهر ذی قعدة ۱۰۱۸)

۸- از آثار دیگر هنرمند که در صفحه ۲۱۶ آلبوم حراجی گالری گل ناچی لندن چاپ شده، تصویر سید هدایت اله سید پیری است که عمامه سفید هندی بسر گذاشته و لباس بلند هندی پوشیده و دو دست خود را بکمر زده است. حواشی اثر، گل‌های تزئینی گوناگون زیبایی است که در زمینه آن تصویر هفت نفر رجال و اعیان هندی ارائه شده که بزبانی و شباهت تمام انجام یافته است.

۹- از جهانگیر پادشاه، تصویری در صفحه ۴۱ مرقع گلشن ارائه شده که شاه بحالت نشسته قرار گرفته و با تفنگ خود بشکار مشغول میباشد. روی قنطاق تفنگ نوشته.

(عمل بنده دولت)

۱۰- دیگر اثر هنرمند در مرقع گلشن، تصویر مولانا حاجی، اثر استاد بهزاد است که باستانی کیی کرده و رقم دارد.

(راقم بنده حضرت شاه دولت محمد)

از کارهای دیگر هنرمند، تصاویری در بابرنامه بسالیان ۱۵۹۷ میلادی و در نفحات الانس بتاریخ ۱۶۰۲ میلادی و در اکبر نامه بتاریخ ۱۶۰۴ میلادی و دیگر تصاویر مختلفی در خصمه نظامی است که از تشریح بیشتر آنها خودداری مینمائیم.

۱۱- دیگر تصویر زیبای وی، درویش و نوازنده ایست که درویش دست بروی دست نهاده و مرد نوازنده‌های بحالت شادابی مشغول نواختن ساز میباشد. رقم دارد. (عمل فقیر دولت)

۱۲- در صفحه آخر کتاب خصمه نظامی که بخط عبدالرحیم هروی عنبرین قلم و بسال چهلم جلوس شاه جهانگیر کتابت شده، دولت مرد سیه چرده سفید پوشی است که بزنانوروی دوشکی نشسته و مشغول نقاشی میباشد. و عبدالرحیم هروی در مقابل دولت نشسته و خط می‌نویسد، در کنار دیوار و زیر اثاثیه و در قاب دیوارها چنین نوشته: (تصویر شماره ۷ و شماره ۳۱ و شماره ۳۶ در زمین مختلف)

(الله اکبر بحکم شاه جهانگیر - نقش این تصویر - نمود بنده دولت - شبهه خود تحریر. بفر و جاه

و - الهی موافق چهاردهم سنه
 در زیر نوشته: (قابله و راقمه کمترین خانه زادان فقیرحقیر دولت)
 در روی دفترچه نوشته: (شبهه عبدالرحیم عنبرین فلم از عمل بنده درگاه دولت)
 تصویر رنگی این اثر بشماره ۱۹ در کتاب IMPERIAL MUGHUL PAINTING چاپ شده است.

۳۶۳ - دیوانه نقاش تبریزی

بنوشته مرحوم تربیت:
 ((نقاش از شهر تبریز است. گویند در مجلس سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۸۳ - ۸۹۶) راه ندیمی داشته و این مطلع مشهور از اوست:
 غلط کرده طلب کردیم جاه و سر بلندی را - دریغا ما ندانستیم قدر دردمندی را))

ذ

۳۶۴ - ذکی نقاش

رسام و طراح و سازنده اسباب و ادوات طلا و نقره کوب قرن ۱۲ میلادی بوده است.
 قلمدان نقره کوب و خط داری از این استاد بجا مانده که معرف مهارت و زبردستی این استاد در این حرفه میباشد.

این قلمدان که بشکل مستطیل باریک و دراز و در طرح بسیار زیبایی ارائه شده، حاوی نقوش پرمهارت اسلیمی و همچنین درج اشعاری بخط کوفی تزیینی است که در نوع خود بی‌همنا میباشد.
 اشعار مندرجه کنار قلمدان چنین است:

بیا تا جهان را ببید نسپریم - بکوش همه دست نیکی بریم
 بماند همه نیک و بد پای دار - همان به که نیکی بود یادگار

درشتی ز کس نشنود نرم گوی - بجز نیکوئی در زمانه مجوی
 جهان یادگار است و ما رفتنی - ز مردم نماند بجز مردمی
 در سینه بالای قلمدان و بخط کوفی زیبا نوشته شده. (صاحب محمد بن زنگی)
 و در طرف دیگر و در قرینه نام صاحب قلمدان درج گشته. (عمل ذکی نقاش)

از این قلمدان طرح ساده‌ای برداشته‌ام که در تصویر شماره ۵۴ ارائه می‌گردد.

۳۶۵ - ذوالفقار

نقاش و آبرنگ ساز دوره ناصری بود.

از این هنرمند آثاری در یکی از مرقعات مضبوط در کتابخانه گلستان تهران بیادگار مانده که حاوی ۲۰ قطعه تصاویر گوناگونی است که از جانوران و گل و برگها تشکیل یافته و در یکی از آنها رقم زده. (هو بجهت پیش کش حضور باهر النور بندگان حضرت اقدس ظل اللهی روحی و روح العالمین فداه بیست قطعه مشق نمود کمترین چاکر دولت ذوالفقار ۱۲۷۳)

۳۶۶ - ذهنی نقاش یزدی

در تحفه سامی راجع باین نقاش نوشته:

((از جمله لوندان و خوش طبعان یزد است و سر حلقه ارباب سوز و درد ذهنی صاف و سلیقه وافی داشت)) همچنین در کتاب جامع مفیدی محمد مفید بافقی نیز یاد شده و راجع به ذهنی چنین نوشته است: ((از جمله خوش طبعان یزد و سر حلقه ارباب سوز و درد)) از آثارش ندیده‌ام.



۳۶۷ - رامداس

جزو نقاشان پر مهارت کتاب جامع التواریخ است که تصاویر مغولی آن به‌مراه آثاری از مرقع گلشن در قطع بزرگتری بچاپ رسیده است.

یکی از آثار استادانه این نقاش که طرح آنرا لعل چهر هندی ریخته و تصویر و پیرایش آنرا رامداس اجرا کرده، محاصره شهری است که بوسیله سربازان چنگیزی انجام یافته و سپاهیان طرفین را در حمله و دفاع که الهسه زهی نیز بتن کرده‌اند به نیکوترین ترتیبی نمایش داده و رقم گذاشته. (عمل رامداس - طرح لعل چهر)

دومین اثر رقم دار این هنرمند که بشماره ۳۲ و جزو نقاشی‌های بابر نامه معروف (۱) مضبوط در موزه بریتانیا قرار دارد، بار یافتن سفیر بنگال حضور بابر شاه است که در غرفه سلطنتی نشسته و اعیان و رجال در حضورش قرار گرفته‌اند. سفیر بنگال سر به تعظیم در مقابل بابر فرود آورده و سلاح داران و قوش بازان در اطراف آنها دیده میشوند.

منظره باغ و ساختمان دیدنی است و همراهان سفیر در بیرون قصر منتظر بازگشت ارباب خود میباشند. رقم دارد. (عمل رامداس)

دیگر اثر رقم دار و ارزنده این هنرمند که در گالری کل ناچی لندن دیدم تصویر لکلک یا مرغ ماهیخواری در اندازه بزرگتر بود که رقم رامداس داشت و از لحاظ رنگ آمیزی و هاشور و قدرت قلم کم نظیر بود.

۳۶۸ - رجبعلی

بزعم نگارنده و مقایسه آثار باقی مانده اصیل و رقم دار این سه هنرمند که بیک نام موصوف بوده‌اند سه نقاش هنرمند، بنام رجبعلی در عرصه تصویر سازی ایران هنرنمایی کرده‌اند که هم زمان نیز می‌زیست‌اند. یکی از آنها رجبعلی نقاش پر مهارتی بود که در کارهای رنگ و روغنی دست داشت و عمده آثارش تصاویر صوفیان و درویشان و مشاهیر عظام این گروه بوده که به شباهت تمام نقاشی کرده و امضای خود را با سجع ((حسن کلک رجب علی ز علی است ۱۲۵۶)) زیر آثار خود نهاده است دومین استاد - رجبعلی قلمدان ساز است که نقاش آبرنگ ساز و قلمدان ساز بوده و در رشته آثار روغنی (لاکی) دست پر هنری داشته و سجعش چنین بوده است.

((در آن دمی که شود آفتاب حشر جلی - رجبعلی نشود ملتجی بغیر علی))

سومین استاد - رجبعلی آبرنگ ساز است که بیش از یک اثر رقم دار، تصویر دیگری از وی ندیده‌ام. حال می‌پردازیم به ارائه آثار رجبعلی رنگ و روغن کار که خود درویش مسلک و پای‌بند طریقت صفا بوده و موضوعات نقاشی را از بین شمایل و قیافه اخوان صفا انتخاب کرده و در اندازه درشت‌تر تصویر می‌نموده است. از آثار رقم دار وی دیده‌ام.

۱- نقاشی رنگ و روغنی بزرگ ابوالقاسم میر فندرسکی که رقم آن بخط نستعلیق زیبا چنین بود.

((حسن کلک رجبعلی ز علی است ۱۲۵۶))

۲- تصویر نورعلیشاه بود که زیبایی زنانه داشته و سیبی بدست گرفته و در روی زمین نشسته بود. پشت سر تصویر منظره ساختمانی دیده میشد. تصویر خانه و حیاط که بوسیله معجر چوبی از هم جدا گشته جالب بود. کشکول زرد رنگی بسان کدو تنبل در کنار درویش دیده میشد و رقم داشت.

((حسن کلک رجبعلی ز علی است))

۳- اثر شبیه سازی دیگر هنرمند، تصویر بایزید بسطامی بود که رقم داشت.

((حسن کلک رجبعلی ز علی است ۱۲۵۶))

۴- اثر دیگر، تصویر میر محمد امام جمعه با رقم ((حسن کلک رجبعلی ز علیست ۱۲۵۶))

۵- تصویر دیگر، عطار. هفت شهر عشق را عطار گشت. با رقم.

((حسن کلک رجبعلی ز علیست ۱۲۵۶))

۱- توزک باری که در عصر اکبر شاه هندی بفارسی ترجمه و تصویر و تذهیب شده نسخه نفیسی است که حاله ۵ نسخه از آن کتاب موجود میباشد.

- ۶- اثر دیگر، فاطان العلماء حاجی میرزا حسن . بدون رقم
 ۷- تصویر دیگر، حجه الاسلام حاجی سید محمد باقر . بدون رقم
 ۸- اثر دیگر، تصویر شیخ احمد بحرینی . با رقم . «حسن کلک رجبعلی ز علیست ۱۲۵۶»
 ۹- دیگر تصویر، افضل العرفا شیخ صفی . با رقم . «حسن کلک رجبعلی ز علیست ۱۲۵۶»
 و دیگر آثار متفرقه که در مجموعه‌های خصوصی نگهداری میشود از قبیل: شاه نعمت اله ولی ،
 مولای رومی ، ابراهیم ادهم ، و غیره که از ذکر بیشتر آنها خودداری مینمائیم .

۳۶۹- رجبعلی

قلمدان ساز و آبرنگ کار ممتاز و پراعتبار قاجاری بود و در هنر خود شیوه دلفریبی داشت . این هنرمند خط شکسته را نیز نیکو مینوشت و در گل و مرغ و تصویر سازی قوی دست بود و سجع خود را چنین می‌نوشت : «در آن دمی که شود آفتاب حشر جلی - رجبعلی نشود ملتجی بغیر علی» از آثار او دیدمام :

- ۱- قلمدانی در کمال نفاست بود که در رویه آن تصاویری از مشاهیر و رجال درباری نقش شده بود که ستودن داشت . جوانب و دیواره‌های قلمدان تماما " گل و مرغ دلربا و مرغ انگیز بود و رقم داشت . «در آن دمی که شود آفتاب حشر جلی - رجبعلی نشود ملتجی بغیر علی»
- ۲- دومین اثر رقم‌دار هنرمند ، قاب آینه زیبایی در موزه ایران باستان بود که بحلاوت تمام نقاشی شده و رقم داشت . «در آن دمی که شود آفتاب حشر جلی - رجبعلی نشود ملتجی بغیر علی»
- ۳- سومین اثر رقم‌دار این هنرمند خط کش ابری مایل به سبز در موزه هنهای تزیینی تهران بود . که در کمال استادی و زبردستی ابری سازی شده و رقم داشت .

«هو رجبعلی نشود ملتجی بغیر علی ۱۲۵۳»

مصرع دوم سجع نقاش ، جهت بزرگداشت و احترام بمقام والای علی (ع) از پائین بیالا درج شده بود که کلمه علی در بالا جلوه والائی داشته باشد .

۳۷۰- رجبعلی

بزعم نگارنده این سومین رجبعلی نقاش هنرمندی است که نام وی نیز در شهود قباله ازدواج صفیه سلطان خانم دختر آقا نجف جزو شهود در مجلس عقد قید گشته است . از درج این نکته معلوم میگردد که این نقاش از شاگردان یا از همکاران نزدیک آقا نجف بوده که در مجلس عقد آن خانواده شرکت جسته است . از این هنرمند تصویر یکی از علمای معمم را دیدم که به آبرنگ ترسیم شده و در حد خود استادانه بود و رقم داشت . «رجبعلی ۱۲۸۹»

۳۷۱- رجبعلی

میرزا رجبعلی حکاک ، از سنگ‌تراشان و حکاکان نامی دوره ناصری بود و در جمع و خرجی که از زمان ناصرالدین شاه قاجار بیادگار مانده ، نام این هنرمند نیز جزو مشغولین سرکاری درباری ثبت شده و برقراری مناسبی نیز جهت این حکاک تعیین گشته بود .

۳۷۲- رجبعلی

بذهیب کار شیرازی بود و در شعر تسلی تخلص مینمود .

بنوشته رضا قلیخان در مجمع الفصحا :
 «اسمش آقا رجبعلی و شغلش مذهبی در تذهیب اوراق و تذهیب اخلاق مقبول و مطبوع اهالی افاق بود. این شعر از اوست .

تسلی کر دمی خواهی بگام خویش دوران را - ترا افلاک دیگر باید و سیاره دیگر
 بنوشته فرصت در (آثار عجم) معلوم میگردد، ما در فرصت شیرازی دختر همین رجبعلی مذهب
 بوده و با این عبارات در آن کتاب یاد کرده است .
 «والده ماجده مصنف صبیبه رجبعلی خان مذهب متخلص به تسلی را بزوجیت گرفته شیراز را مسکن
 مالوف می نماید»

۳۷۳ - رحمان قلی

یکی از نگار گران شیرین قلم و پر استعداد کتاب معروف انوار سهیلی مضبوط در موزه بریتانیا
 است که شرح کتاب را در احوال (آننت نقاش) مفصلاً یاد کرده ام .
 از آثار معروف و دلپذیر این هنرمند که بشماره ۲۲ و با عبارات ذیل :
 «و نظاره میکرد که ناگاه مورچه از سقف ایوان بر سینه» ارائه شده تصویر پادشاهی است که
 در رختخواب خوابیده و مورچهای در روی سینه اش بوضوح دیده میشود . میمونی که در اطاق پادشاه قرار
 دارد خنجری بدست گرفته و روی سینه پادشاه نشانه رفته و قصد هلاک وی را داشته که مورچه از سقف
 ایوان بر سینه پادشاه افتاده و او را بیدار کرده است .
 در گوشه دیگر، مردی که در گوشه اطاق کمین کرده دست میمون را گرفته و از این عمل باز میدارد .
 نقاشی در کمال مهارت و تردستی است . ورقم دارد .
 ((رحمان قلی))

۳۷۴ - رحیم

باسج انحصاری (یا رثوف و یا رحیم) معروف گشته و از قلمدان سازان پرهیز دوره فتحعلی شاهی
 میباشد . از آثار رقم دار این هنرمند قلمدان گل و بلبل شیوائی دیدم که باستانی و حلاوت خاصی
 تصویر شده و حواشی و کناره ها نیز تذهیب و حل کاری ماهرانه داشت و رقم نقاش چنین بود .
 (یا رثوف و یا رحیم ۱۲۳۷)

۳۷۵ - رحیم

قلمدان ساز دوره ناصری بود و در آبرنگ نیز مهارت داشت .
 این هنرمند گل و مرغ را بشیوه لطفعلی شیرازی و علی اشرف معروف خوش می کشید و به نیکوترین
 ترتیبی آرایش میداد .
 از آثار او دیده ام .
 ۱- قلمدان استادانه و دلپذیر بود که زمینه زرد نخودی داشت و به گل و مرغ استادانه تصویر شده
 بود این قلمدان که واقعا "هرمایه و چشم نواز بود حواشی برگها و گلها را به طلا اندود کرده ، بروی
 قلمدان رقم داشت . (یا رحیم)
 ۲- دیگر از آثار ارزنده آقا رحیم تصویر گل سرخی به آبرنگ بود که دلربائی خاصی داشت . در روی
 لاله های گل سرخ سه پروانه رنگین که در حال پرواز بودند دیده میشدند که به پرداز استادانه و
 حلاوت تمام ترسیم شده و رقم داشت . (یا رحیم ۱۲۹۵)
 ۳- دیگر اثر این هنرمند قلمدان گل و مرغ استادانه بود که زمینه سیر داشت و در شیوه آقا لطفعلی

عمل آمده و رقم داشت . (کمترین رحیم)
 ۴- شاهکار پر پیرایه این نقاش گل و برگ سیاه قلمی بود که در حاشیه فرمانی از ناصرالدین شاه جلب نظر می نمود که رقم داشت . (یا رحیم)

۳۷۶ - رحیم دکنی - اول

با مشاهده دو نقاش هم نام بنام رحیم دکنی که فعالیت یکی از آنها در سالیان ۱۱۱۸ و دیگری حدود سالیان ۱۲۲۵ ه.ق. مسجل میباشد، معلوم میگردد افراد مزبور نقاشان هم اسمی بوده اند که هر یک در زمان خود خوش درخشیده و آثاری نیز از خود بیادگار نهاده اند.
 ما در اینجا نقاش قدیمی را که از حیث قدرت قلم نیز برتری چشم گیری داشته بنام رحیم دکنی اول و دومی را که رشته فعالیتش در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار بوده بنام رحیمی دکنی ثانی یاد کردیم .

حال به احوال رحیم دکنی (اول) پرداخته و آثار بجا مانده وی را بررسی مینمائیم .
 بطوریکه در ذیل ارقام بجا مانده هنرمند یاد شده اهل دکن بوده و در سالیان اوایل قرن ۱۲ ه.ق. و اواخر قرن ۱۷ میلادی فعالیت هنری داشته است . از طرفی با مطالعه آثار بجا مانده وی معلوم میگردد این هنرمند در مجلس آرائی و چهره پردازی و ارائه قامت رعنا و البسه رنگین هم شهریان و تشعیر و حل کاری و ارائه گل و مرغ و اجرای رموز و دقایق تصویر بتمام معنی صاحب قدرت بوده است .

متأسفانه بیش از این اطلاعات مختصر که از آثار بجا مانده وی معلوم گشته آگاهی زیادی به احوال وی نداشته و در اسناد و کتابهای مربوطه آن زمان نیز کوچکترین نامی از این هنرمند یاد نگشته است .
 از آثار پر مایه و دلغریب این هنرمند که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن مضبوط است، جعبه جواهرات لاکه (روغنی) است که در صحنه یکی از اطراف آن، تصویر نوازندگان فتان و دلبران هندی به حسن سلیقه تمام ترسیم شده و رقاصه زیبا و دلغریبی در وسط باغ هنرنمایی میکند. این اثر برهنر از آثار پر آذین رحیم بوده و از هر نظر شایسته تحسین میباشد .

۲- دیگر از آثار شیوای هنرمند، تصویر شاهزاده جوان هندی است که روی صندلی نشسته و خدمه مخصوص وی در کنار دیده میشود . در روبروی وی، دختر زیبا و پر آذینی که لباس فرنگی پوشیده و کلاه اروپائی بسر گذاشته و با غمزه تمام در مقابل شاهزاده ایستاده، جلب نظر میکند .

این اثر برارزنده که در چستر بیتی دابلین قرار دارد، یکی از بهترین آثار رحیم دکنی است که بخط شکسته قلم موئی رقم دارد .
 (رقم بنده رحیم دکنی)

۳- دیگر از آثار این هنرمند، قلمدان هائی بود که در حراج سال ۱۹۸۱ پاریس بفروش رسید. یکی از این قلمدان ها که شکل بیضی کشیده داشت و جمعبای بود، زمینه سبز سیر داشت، در داخل سه مدالیون رویه قلمدان تصویر شاداب و دلغریب زنان طناز هندی بود که در زمینه سرسبز و برگهای خوشه انگوری جلوه دل انگیزی داشتند، در زیر قلمدان که برنگ قرمز حنائی بود برگهای خوشه انگوری طلائی باستادی نقش بسته و به خط قلم موئی رقم داشت .
 (رقم بنده رحیم دکنی)

قلمدان دیگری که آن نیز بشکل بیضی کشیده داشت، گل و مرغی پر حلاوت بود و در دیواره های آن گل های دستمای زیبا جلب نظر مینمود . در داخل قلمدان و زیر درب بالائی آن که زمینه زرد رنگ داشته و گل و مرغ قرمز خوش رنگ بروی آن نقش بسته بود، بخط شکسته استادانه رقم داشت و تاریخش چنین بود . (فی شهور سنه ۱۱۱۸)

۴- دیگر از آثار چشم نواز هنرمند، قلمدان بسیار ارزنده ای بود که در زمینه سیر آن، برگهای

تشعیری و حل کاری طلائی استادانهای نقش گشته و در سه مدالیون مختلف، مجلس زیب افزای زیبا رویان زن و مرد هندی بود که با البسه و آرایش تمام عیار هندی جلب توجه مینمودند. حواشی و دیوارهای قلمدان نیز گلهای پرآذین بود. و در زمینه لاکه و برگهای خوشه انگوری و حل کاری رقم داشت. (رحیم دکنی) مجموعه مهندس ناصر خلیلی

۳۷۷ - رحیم دکنی - ثانی

نقاش اوایل سلطنت فتحعلیشاهی است که برادری بنام نقاش حسن دکنی داشت. دو آبرنگ مختلف از آثار این دو برادر دیدم که هر کدام تصویر خود را نقاشی کرده و رقم نهاده بودند. در یکی از تصاویر که صورت رحیم دکنی بود، نقاش مزبور کلاه عمامهای بزرگی بسر نهاده بود که حواشی آن ترمه فتحعلیشاهی بود. استاد رحیم که مردی ۴۰ تا ۴۵ ساله بود ریش داشت و مرد میان سالی بنظر میرسید. او لباس بلندی پوشیده و روی زمین نشسته و بنقاشی اشتغال داشت و رقم نقاش چنین بود. (۱۵ ربیع الثانی ۱۲۲۶ - شبیه خود را از دست خود کشیده غلام رحیم دکنی)

دومین اثر هنرمند که قلمدانی در کمال نفاست بود، تصاویر افرادی را در سه مدالیون مختلف نقاشی کرده و در بالا و پائین آنها مناظر دل انگیز و مجلس آرائی ارائه داده بود. حواشی قلمدان گل و مرغ ریز داشت و رقم نقاش چنین بود. (رحیم دکنی ۱۲۲۵)

۳۷۸ - رحیم عباسی

آبرنگ ساز دوره زندیه و اوایل قاجار بود و در گرفت و گیر حیوانات و نقش جانوران سررشته داشت. از آثار رقم دار این هنرمند و در حراج کریستی سال ۱۹۷۶ اثری دیدم که در حد خود بر مهارت بود. در این آبرنگ، شتری در حال استیصال دیده میشد که بچنگ ازدهای قوی هیگلی دچار گشته و در حال جان کندن بود. ازدها با کمال قدرت دهن خود را باز کرده و کله حیوان را بدهان گرفته و خورد میکرد. حواشی اثر، تذهیب دلفریب داشت و رقم نقاش چنین بود. (رحیم عباسی رقم شد)

۳۷۹ - رحیم کاشانی

اهل کاشان و نقاش رنگ و روغن کار و آبرنگ ساز اوایل قرن ۱۴ ه. ق. بود. این هنرمند تصاویر خود را در سبک مخصوصی پردازد میزد و در شبیه سازی دست پرمايه داشت. از آثار رقم دار این نقاش، تصور رنگ و روغنی ناصرالدین شاه را دیدم که سوار بر اسب شده و تا حدودی استادانه بود و رقم داشت. (رقم خلق الله رحیم کاشانی)

دیگر اثر نامبرده، شمایل حضرت محمد (ص) و عموی آن حضرت و شیخ عبدالله انصاری بود که به سبک مخصوصی چهره سازی شده و رقم داشت. (فرمایش قبله گاهی عبدالرحیم عطار. عمل کمترین رحیم کاشانی ۱۳۱۰)

۳۸۰ - رسام ارژنگی (عباس تبریزی)

نقاش شیرین قلم معاصر بود و در آبرنگ و رنگ روغن دست داشت. از آثار استادانه این هنرمند تابلوی باشکوه و پر قدرت نادر شاه افشار است که در کمال فخامت تصویر شده و یکی از بهترین آثار وی بشمار می آید. مرحوم ارژنگی در آب رنگ و گل و مرغ و مجالس

بزمی و رزمی پر ابتکار و پر کار بود و اغلب در شیوه قاجاری تصویر می‌آفرید .
از بهترین آثار آبرنگی این استاد که اصل آن در مجموعه نگارنده است، تصویر دختر دلربای
ایرانی است که با حلاوت تمام بین گلهای سرخ جای گرفته و بهترین نمونه ذوق و قدرت ابتکار نقاش
میباشد . تصویر شماره (۴۲)
استاد ارزنگی در ادبیات نیز دست داشت و شعر را بامزه می‌سرود . احوال بیشتر این هنرمند را
در کتاب جداگانهای که مختص هنرمندان معاصر خواهد بود به تفصیل بیان خواهیم داشت .

۳۸۱ - رستم علی

درویش مسلک بود و در هنر ناخنی دست پر قدرت داشت .
از این هنرمند اثری دارم که در اوایل قرن ۱۲ ه. ق . انجام یافته و در نوع خود بسیار پرمهارت
است . اثر مزبور دسته گل زیبایی است که در میانه آن مرغ درشت هیگلی که بالهای گسترده دارد
جلب نظر میکند . حواشی نیز نقش‌های ناخنی دارد . رقم دارد . و در چهار گوشه تصویر صورت
خورشید خانم دیده میشود . (با صاحب کرم رستم علی)

۳۸۲ - رسول خان

فرزند عزیز خان و نقاش مکتب گلکنده قرن ۱۷ میلادی هند بود .
زیباترین اثر رقم دار این هنرمند که در اواخر قرن ۱۷ میلادی انجام یافته ، تصویر شاهزاده بلند
بالا و خوش قامت ریش‌داری است که بر اسب سوار شده و در صحرا پیش میرود . نقاشی و رنگ آمیزی
آن درخور تعجب بوده و بخطر رفاع ساده رقم دارد .
(العبد الضعیف رسول خان عزیز خان)

۳۸۳ - رشید از زرگر

بنوشته نصر آبادی :

«زرگر از تبارزه عباس آباد اصفهان است ، در فن زرگری و مینا کاری مثل نداشت پس از مدتی
نهید رفته و باعتبار صفت خود در خدمت پادشاه عصر کمال اعتبار داشت »
وفات وی قبل از اتمام کتاب (تذکره نصر آبادی ۱۰۸۱) اتفاق افتاده است .

۳۸۴ - رضا عباسی - رضا اشعر - رضا مصور - رضا

از شرح حال رضا عباسی و استادان دیگر نقاشی در تواریخ و تذکره‌ها ، شرح مبسوط و مستدلی که
روشنگر زندگی و حالات آنها باشد ، اسناد معتبری را سراغ نداریم و اگر شرح کمال مختصری از شعرا
و ارباب قلم که ندرتا " بعنوان تفنن دست بقلم برده و نگارگری کرده‌اند ، در این نوشته‌ها ببینیم
بقدری اندک و بی مایه است که در مقابل عظمت هنری آنان بسان قطره‌ای در دریا میباشد .
رضا عباسی نقاش معجزه‌گر و چهره ساز افسون کار نیز از این نوادر دوران است که ما باحوال او
چنانچه باید و شاید آگاهی نداریم و حتی اسکندر بیک ترکمان که همعصر و همزمان نزدیک او بوده
است گویا بنواد و سهل انگاری نامی از این هنرمند در تاریخ خود نبرده است .
اما با دریافت اطلاعات متفرقه و اندکی که در زیر نویسهای رقم دار آثار این هنرمند دیده میشود ،
مختصری از احوال رضا عباسی را برای ما آشکار میسازد که خود غنیمتی گرانبها میباشد . نزدیکترین

منبع نزدیک به عهد رضا عباسی، کتابی بنام لب خلاصه العلوم است که در زمان زندیه و توسط میرزا محمد کرمانی نگارش یافته و بصراحت از نقاشی بنام رضا عباسی یاد کرده است.

خوشبختانه آثار فراوان و اصیل رضا عباسی، در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی در دسترس بوده و از جمع نکات بجا مانده، از جمله در اثر نیمه کارهای که بدست معین مصور شاگرد با استعدادش با تمام رسیده، مدارک مبهمی را برای ما آشکار می‌سازد.

با همه این احوال، بعضی از محققان داخلی و خارجی آقا رضا فرزند علی اصغر کاشانی را که شرح حال آن در این کتاب یاد خواهد شد، یکی دانسته و بروایت از مقاله خانم زهرا داعی‌زاده در روزگار نو جلد ۴ شماره ۵، علیرضا عباسی خوشنویس دوره صفوی را با رضا کاشانی مقایسه کرده و در شرح حال رضا عباسی ماقع لوندی و ارتباط با نامردان رضا کاشانی را که به هند رفته است، بحساب رضا عباسی گذاشته و راجع به سن پهلوانی او نیز داستانها سر داده‌اند.

و حتی پروفیسور میتوخ در کتابی که بسال ۱۹۱۴ در شهر مونیخ بچاپ رسانده، و تصاویری نیز در این باب ارائه داده، (۱) رضا عباسی نقاش را با علیرضای عباسی خوشنویس یکی دانسته و یکی از آثار رقم دار خطاط را نیز ارائه داده که چنین رقم دارد.

(هوالفرد. کتبه المبد الذنب الاحقر الاقر علیرضا عباسی غفراله ذنوبه فی سنه ۱۰۱۰)

و ما ناگزیریم برای درک و تفهیم بیشتر علاقمندان، شرح حال جداگانه سه هنرمند معروف آن دوره یعنی علیرضا عباسی و آقا رضا کاشانی و رضا عباسی نقاش مورد بحث را که هر یک بنفسه در هنر خود مقام والائی داشته و اغلب احوالات آنها با یکدیگر مخلوط شده و شبهه ایجاد کرده، باختصار بررسی مینمائیم.

۱- علیرضای عباسی خوشنویس دربار شاه عباس بزرگ که در خط ثلث و نسخ و رقاع و نستعلیق مهارت زایدالوصفی داشت و هفت قلم را استادانه می‌نوشت و کوچکترین مطلبی از صنعت تصویر نمیدانست. او معاصر و معارض میرعماد معروف بود و تا سالیان ۱۰۳۸ ه.ق. در قید حیات بوده است.

۲- آقا رضای کاشانی فرزند علی اصغر کاشانی نقاش بوده و شرح حال او را قاضی احمد منشی در گلستان هنر به تفصیل یاد کرده و نوشته که در اول مورد التفات شاه زمانه بوده و بعدها بعلت اختلاط با جماعت لوندان اوقاتش ضایع شده و به هندوستان رفته است. او فرزندی بنام ابوالحسن نادر الزمان داشته که از نقاشان پر مهارت و طراز اول دربار جهانگیر شاهی هند بوده است.

۳- دیگر رضا عباسی نقاش مورد بحث است که نه خطاط بوده و نه به هندوستان رفته و با جماعت لوندان و کشتی‌گیران نیز روابطی نداشته است.

حال که نقاش مورد نظر را از دو همنام هنرمندش متمایز کردیم، باید دنبال مفتاح دیگری باشیم که سن تقریبی و تاریخ تولد و مرگ وی را تا حدودی تعیین نماید. در تصویری که از قیافه حقیقی رضا عباسی بجا مانده و بزعم نگارنده مثل سایر مشاهیر نقاشان قدیمی گویا از روی آینه ترسیم کرده و بوسیله معین مصور اصلاح و اتمام یافته است، در حاشیه آن بوسیله معین مصور چنین قید شده است. (شبهه غفران و رضوان آرامگاهی مرحومی مغفوری استادم رضا عباسی مشهور به رضا عباسی اشعر)

۱- این کتاب قدیمیترین کتاب جایی است که در مورد رضا عباسی منتشر گشته و گویا اینکه در بعضی موارد اشتباهاتی دارد ولی چون حاوی مطالب ارزنده میباشد در نوع خود جالب و ستودنی است. تصاویر این کتاب را اولین بار آقای مظفر بختیار در مجله معارف اسلامی و در تاریخ فروردین ماه ۱۳۵۰ و شماره ۱۲ نشر کرده و بحث نموده است.

بتاریخ شهر شوال باقبال سنه ۱۰۴۴ آبرنگ گردیده بود که در شهر ذوقعده الحرام شهر مذکور از دار فنا بعالم بقا رحلت نمود و این شبیه بعد از چهل سال در چهاردهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۸۴ حسب الفرموده فرزندی محمد نصیرا باتمام رسانید معین مصور غفر عنه ذنوبه).

در نقاشی دیگری که عین نقاشی بالا و بهمان سیاق و ترکیب و بدست معین مصور و بسال ۱۰۸۷ یعنی ۳ سال بعد از تعمیر تصویر استاد خود بسال ۱۰۸۴، همه مراتب رقم بالا را نوشته و در آخر نوشته: (پنجم صفر سنه ۱۰۸۷ بیادگار و بجهت مرقع باتمام رسید مبارک باد مشقه معین مصور غفر عنه ذنوبه) که منظور، در این نوشته، فقط اثر سال ۱۰۸۴ معتبر میباشد. از این مدرک مستند معلوم میگردد که فوت رضا عباسی در شهر ذوقعده الحرام سال ۱۰۴۴ ه.ق. اتفاق افتاده و بعالم بقا شتافته است. از طرفی اگر با دقت بیشتری بصورت و قیافه او کنجگا و باشیم، مردی ۶۰ تا ۶۵ ساله‌ای را می‌بینیم که عینک ذره‌بینی بچشم گذاشته و مشغول نقاشی است. در اینصورت اگر تاریخ تولد او را بحدس ۹۷۹ تا ۹۸۰ بدانیم، معلوم میدارد که این هنرمند بسن ۶۵ سالگی و در سال ۱۰۴۴ وفات یافته است. حال که تاریخ تولد حدسی او معین گردید. بذکر قدیمی‌ترین اثر نقاشی که دارای امضای اصیل و تاریخ‌دار می‌باشد می‌پردازیم. کهن‌ترین اثر رقم‌دار رضا که از آثار معتبر و با ارزش او بشمار می‌رود، تصویر میرزا خواجگی است که در مشهد و در خدمت یاران نقاشی کرده است. از این تصویر دو اثر یکسان بجا مانده که یکی اصیل و دیگری جعلی و از روی اصل ساخته شده است، خوشبختانه تصویر هر دو اثر اصل و بدل در صفحه ۵۶ و ۵۷ مجله هنر و مردم شماره ۱۷۳ را رابرت انگ ارائه و چاپ شده است، ما تصویر شماره ۱ صفحه ۵۶ را جعل و بدل دانسته و صحبت ما روی تصویر شماره ۵۷ می‌باشد که چنین رقم دارد.

(در مشهد مقدس آخر روز جمعه دهم محرم الحرام در دولت خانه و در خدمت یاران

ساخته شد راقمه رضا سنه ۱۰۰۷ خصوصا "صاحبی میرزا خواجگی سلمه الله)

باندازه ۶/۹ x ۱۱/۴ سانتی‌متر. این تصویر مرد معم و چاقی را نشان میدهد که کلاه از سر برداشته و سر خود را میخاراند. در این اثر زیبا، امضا و اصل تصویر اصالت داشته و از بهترین کارهای اوایل رضا عباسی میباشد. (۲)

در میان تصاویر اصیل و بجا مانده رضا عباسی و در سالیان ۱۰۰۷ تا ۱۰۲۰ که اولین سال دریافت لقب عباسی میباشد، متأسفانه آثار رقم‌دار و صحیح او بسیار اندک است و چه‌بسا کار او با تصاویر رضا کاشانی که احوالش در جای خود خواهد آمد، مخلوط‌گشته و شناسائی و تفکیک آنها را از همدیگر مشکل‌تر کرده است.

پر واضح است بغیر از شناسائی و پختگی اثر هر نقاش، شناسائی امضای او در مرحله بعدی قرار گرفته و متأسفانه تاکنون در مورد امضاها و شناخت اسکلت و ترکیب امضای رضا عباسی که دارای نکات مشخصه و متمایز نیز می‌باشد، بررسی و تحقیق نشده است و نگارنده نخستین بار در مجله هنر و مردم شماره ۱۸۰ بشرح علائم و شناسائی آن اقدام نموده که در اینجا نیز مختصراً "یادآوری مینمائیم. (۳) با مطالعه آثار باقی مانده نقاشی، بوضوح در می‌یابیم که رضا عباسی، اغلب امضای خود را با قلم موی نقاشی پس از اتمام تصویر امضا کرده و نقاشی را باتمام میرسانید. او قبل از دریافت لقب عباسی خود را بنام (مشقه رضا - یا رضا مصور و یا رضا و یا کمینه رضا) خوانده و بعد از ملقب شدن به لقب

عباسی که از سال ۱۰۲۰ هجری شروع شده است، با رقم رضا عباسی یا کمینه رضا عباسی مرقوم داشته و بنام خود ثبت کرده است و جعل واقتباس این گونه امضاها فوق‌العاده مشکل بوده و تشخیص صحت و سقم امضاها برای اهل بصیرت بسیار ساده می‌باشد.

دوم - امضاهائیکه با قلم نی و بطریق خط نستعلیق و یا شکسته غبار نوشته شده و پر واضح است که این آثار بنام پادشاه یا وزیر و یا رجال صاحب نامی تصویر شده و نهایت دقت را در مورد امضاها بکار برده است. رویهمرفته میشود گفت که رضا عباسی بغیر از چند اثر شناخته شده بسیاری از رقم‌های خود را بخط شکسته مخصوص خود که علائم زیر را دربر میگیرد ثبت کرده است.

او حرف (ی) را همیشه کشیده نوشته و حروف (س-ش) در اغلب رقم‌ها بی دندان است. کلمه (کمینه) را کشیده نوشته و حرف (ه) مثل کلمه غره یا ذی القعدة بحرف ما قبل چسبیده و تشدید (ب) روی عباسی مطلقاً در امضاها اصیل دیده نمی‌شود.

زیر حرف (س) در تمام نوشته‌های خود سه نقطه گذاشته و این مورد بیش از پنجاه نمونه بارز دارد. بعلاوه رمز انحصاری قابل توجهی که در بیش از صدی نود آثار اصیل او دیده میشود همانا درج کلمه "هو" در بالا و عدد ۵ در پائین است که بعقیده نگارنده درج کلمه "هو" در بالا یادآور نام نامی با عظمت باری تعالی بوده و عدد ۵ بتقارن "هو" در پائین مرقوم شده است و مقصود نقاش از درج شماره ۵ همانا کتابت پنجمین حرف از حروف ابجدی که بشماره ۵ تعیین شده و یا ارائه کلمه (یا قدوس) پنجمین نام از ۳۱ اسماء مبارکه الهی میباشد که بنحو استادانهای در آثار خود بکار برده است.

حال که به چگونگی امضاها و تنوع او واقف شدیم، بهتر است در مورد سبک و شیوه نقاشی او که در حقیقت ابداع کننده مکتب جدیدی در زمان خود می‌باشد بپردازیم.

با درج مطالبی در ذیل یکی از آثار خود که نوشته (این صورت کار استاد محمدی هراتی به مهر اشرف مشرف و مزین گردید) ممکن است یکی از شاگردان استاد محمدی و یا اینکه مقلد آثار او بوده است. ولی با بررسی و تعمق زیاد در آثار او بخوبی در می‌یابیم که رضا عباسی با ترسیم خطوط دورانی و موزون ناپایدار خود که به استادی تمام بر روی کاغذها نقش میبست، تصاویر خیالی و ابداعی بی‌همثالی را که با قدرت تکنیکی پر مهارتی همراه بوده ارائه داده است و اگر مختصر لرزش و پیچش ناشیانه قلم ایجاد می‌گردید، تنوع آرایش نقاشی بهم خورده و یکدستی و یکسانی اثر از بین می‌رفت. همین درک هنر موج و بدیع نقاشی است که برتری هنر او را بر سایرین آشکار ساخته و اصل را از بدل روشن میسازد.

تصاویر ابداعی و شاهکار او که بزعم نگارنده از صورت پریرویان خوش تراش و ساقیان دربار اقتباس شده بسیار جالب است. او قیافه و جمال آن ماهرویان را در نهایت اصالت و دلربائی و با چشمان بادامی و ابروان کمانی تصویر نموده و دهنی چون غنچه و نوشکفته آنان را با چشمانی پرتما به سرمستی و لوندی عرضه کرده است. با دقت نظر به زیبایی رویه لباس و نقش و نگاریکه از جمع سنبل و پهبچک‌های هرز بوجود آورده به استادی رضا عباسی ایمان می‌آوریم و بزبان حال و در عمق ضمیر زمره می‌کنیم که بهتر از این غیر ممکن است.

رضا در جمع اندام‌ها، اندک چاقی چشم‌گیر و شکم مختصر برآمده که زیبایی خاصی بنقاشی میدهد، حالت لوندی و دلربائی زن را با خطوط ساده و استادانه خود طوری برملا ساخته که از عهده نگارگران دیگر میسر نمی‌باشد.

رضا عباسی در رشته‌های دیگر هنری نیز دست شیرین داشت و در گرفت و گیر و جانور سازی و آرایش مجالس رنگی به روی پارچه‌ها و کاشی‌ها استاد نادره کار بود.

یادگارهای شگفت انگیز و دلپذیر او در قطعات و مرقعات و کتابها و جلدها و جنگها که بطرق گوناگون و متنوع آرایش نقاشی کرده است، آثار قلم سحر آفرینش را جاودانی می‌سازد.

نقاشی‌های بزرگ و دیواری او که بعناد و دشمنی خاندان قاجار با هنر دوران با عظمت صفوی زیر خروارها گچ مدفون شده بود که حالیه بیرون آمده و مایه اعجاب و شگفتی ناظران میباشد.

بطور خلاصه تعریف و ارائه تمام آثار ارزنده رضا عباسی در این مختصر امکان نداشته و بهتر است که آثار این هنرمند را در مجموعه‌ها و موزه‌ها بازدید کرده و به مهارت و نازک قلمی وی بیشتر آشنا گردیم.

(اولاد و فرزندان رضا عباسی)

بزعم عده‌ای از هنر شناسان داخلی و خارجی، محمد شفیع عباسی را که از هنرمندان مشهور شاه عباس دوم بوده و از همین پادشاه لقب عباسی گرفته و بسال ۱۰۸۵ در آگره فوت کرده است. فرزند رضا عباسی دانسته و بروایت و ارائه سندی موجود در کتابخانه ملی پاریس که در حاشیه یکی از آثار رضا عباسی قید شده: (به نتیجه محمد شفیع اهدا شد) اتکا نموده و بجهاتی بدون ماخذ و مدرک مستند او را فرزند رضا عباسی خوانده‌اند. بعقیده نگارنده محمد شفیع فرزند رضا نبوده و چه بسا ممکن است از شاگردان علاقمند آخر عمر رضا باشد. زیرا نام بردن ساده و کم عیار استادی بزرگوار، چون رضا عباسی و احياناً "نام پدر مشهور هنرمند خود، که در آن زمان‌ها صاحب القاب والا و ممتازی بوده و بتقرب شاه صفوی نیز مفتخر بوده است، با لفظ معمولی و بی پیرایه زمان (آقا رضا رحمه الله) نمی‌شود یاد کرد. زیرا استاد معین‌مصور که استادی هم طراز رضا عباسی بوده، در حاشیه کار تکمیلی خود که بعد از چهل سال انجام شده او را بهتر از فرزند واهی خود یعنی محمد شفیع ستوده و چنین نوشته است. (شبهه مرحمت و مغفرت پناهی مرحومی جنت مکانی استادم رضا عباسی علیه الرحمه) پس بدین قرائن میشود قبول داشت که محمد شفیع فرزند رضا عباسی نبوده و درج این کلمات در ذیل یکی از آثار خود (به نتیجه محمد شفیع اهدا شد) شاید موهبت استادی رضا بوده که به تبعیت از روش استادان قدیمی که شاگردان را فرزند خود می‌دانستند، او را نتیجه کار خود معرفی کرده است. اما با دقت و بررسی آثار باقی مانده رضا عباسی و قرائت مطالب حواشی تصاویر اصیل او، بحدس بدون ارائه سند معتبر، میشود محمد باقر را فرزند یگانه و منحصر بفرد رضا عباسی دانست.

زیرا در اغلب این آثار تلویحاً " او را فرزند عزیز خود خوانده و در مواردی بقای عمر او را آرزو کرده است. ولی چون بصراحت در این مورد اشاره نکرده، قرابت پدر و فرزندى آنان را بقید احتیاط می‌پذیریم. این آثار عبارتند از:

۱- رقم اصیل در ذیل اثری منتشر شده بشماره ۶۴ کتاب هنر ایران چاپ مسکو به سال ۱۹۶۸ باین مضمون. (هر بجهت اعزى محمد باقر طول الله عمره ابدًا" ساخته شد رقم کمینه عباسی ۵)

۲- رقم اصیل در تصویری چاپ شده و در صفحه ۹۱۷ کتاب پروفیسور یوپ بمضمون.

(هو - فرزندی محمد باقر آنچه سفارش کردم می‌آید از خاطر محو شود که

عذر مستمع نیست انشاء الله تعالی. رقم کمینه رضا عباسی ۵)

در این اثر، تصویر پیر مردی است که سوار بر اسب شده و نیزه و کمان در حمایت دارد. اسب او وارد چشمه شده و مشغول آب خوردن است. یک جوان دیگر که تفنگی بهمراه دارد نشسته و مشغول آب خوردن است و با پیرمرد صحبت میکند. در بالای کوهها یک جوان دیگری که او نیز تفنگ بدست دارد دیده میشود. در دورنمای بالای کوه درختان کوهی و چندین مرغ تصویر شده و معلوم میگردد این افراد شکارچیانی هستند که جهت شکار بصحرا آمده‌اند.

S. IASLENITSYNA

۳- رقم اصیل دیگری که بشماره ۱۱۵ در کتاب آلبوم لنین گراد تالیف چاپ شده و رقم آن چنین است.

(جهت فرزندی اعزی محمد باقر طول الله تعالی اتمام رسید. چهارم رجب سنه ۱۰۲۳ این مشق شد)
(رقم کمینه رضا عباسی عفی عنه) تصویر شماره

در مورد استادان و شاگردان رضا عباسی اطلاع مستند زیادی نداریم، ولی آنچه مسلم است، از آثار نوابغ و تصویر سازان مشهور ایرانی استفاده‌ها برده و در بعضی موارد از روی آثار آنها چهره پردازی مجدد کرده است. در بین آثار بجا مانده‌اش که در این مقال نیز ذکری از آنها خواهد رفت، چند نمونه از بهزاد سلطانی و یک نمونه از استاد محمدی هراتی دیده میشود که بنوشته نقاش از روی آنها چهره گشائی مجدد کرده و به تردستی و مهارت نیز از عهده برآمده است. از طرفی با مطالعه بیشتر آثار این هنرمند و حلاوت و شکوفائی تصاویر او چنین بر میآید که یا از شاگردی استاد محمد هراتی برخوردار بوده و یا اینکه از باز سازی و چهره‌گشائی مجدد آن، رموز و دقایق بی بدل تصویر را یاد گرفته و گوی سبقت را از دیگران ربوده است.

از شاگردان معروف و مشهور رضا عباسی که در حد خود از استادان طراز اول و نادره کار زمان خود بوده‌اند یکی استاد، معین مصور است که در تصویر سازی و نزاکت قلم شهره آفاق بوده است. رضا عباسی معینی مصور را بسیار دوست می‌داشت و او را بمثابة فرزند خود می‌دانست و در بعضی از آثارش از او به نیکی و عظمت یاد کرده و او را فرزندی اعزی معینا خطاب نموده است.

دیگر از شاگردان مشهور وی، شفیع عباسی - افضل مصور حسینی - شیخ محمود و حبیب الله شهدی و شاه قاسم میباشند که احوال آنها در جای خود آمده و یا خواهد آمد.

اینک تعدادی از آثار اصیل و شناخته شده رضا عباسی که رقم اصیل داشته و در مجموعه‌ها و موزه‌ها مضبوط میباشد ارائه میدهیم:

۱- شیر نشسته بسیاه قلم که بسیار استادانه و پر مهارت بوده و رقم داشت:

(هو بهجت فرزندی اعزی معینا مشق شد. رقم کمینه رضا عباسی)

۲- تصویر سیاه قلم گل و برگ زیبا که تمام صفحه را پر کرده و مرغی که سر بزیز انداخته و روی شاخه نشسته و دانه میخورد. این اثر از کارهای اصیل رضا عباسی بوده و رقم داشت.

(هو در شب سنه ۱۰۳۷ از بهزاد علیه الرحمه نقل شد. رقم کمینه رضا عباسی ۵)

۳- جوانی نشسته و شال گردن خود را بدست گرفته و کلاه سبکی به سر نهاده است. پیر مرد خندمرو و پر حالتی خم شده و پیاله شراب را باو تعارف میکند. روی زمینه نقاشی، سیب و گلابی دیده میشود و رقم دارد. (رضا مصور)

۴- از بهترین آثار رضا عباسی در کتابخانه گلستان تهران، تصویر جوان رعنائی بنام درویش بهشتی همدانی است که دو زانو روی پارچهای نشسته و کلاه درویشی قرمزی بسر گذاشته و بشراب خواری مشغول است. رقم دارد بخط نستعلیق زیبا.

(هو - صورت درویش بهشتی همدانی غره جمیدی الاول سنه ۱۰۳۴ با تمام رسید رقم کمینه رضا عباسی ۵)

۵- دو اثر زیبا در کتاب خانم مارا اشرفی بنام PERSIAN TAJIK POETRY در صفحات ۱۱۰ و ۱۱۱ که در صفحه ۱۱۰ جنگ گیو با لهاک است که لهاک پیاده شده و اسبش زخمی شده و در گوشه‌ای افتاده است. فرسید با نیزه باو حمله میکند. سواران و نقاره زنان از پشت کوه دیده میشوند. در روی زین اسب رقم دارد. (رقم کمینه رضا مصور) و در صفحه ۱۱۱، حمله کبخسرو به شهر رومیان است که لشکریان ایرانی، با نفت دروازه شهر را آتش زده و مشغول بازگشائی در قلعه میباشند، در بالای قلعه، مدافعین رومی با تیر و کمان بدفاع پرداخته و سنگ پرتاب مینمایند. رقم دارد به روی درب دروازه. (رقم زد کمینه رضا مصور. یا مفتح الابواب)

ع- تصویر نشی کماندار که مرد بد قیافه و بلند قدی میباشد، شکم او برآمده و پای چپش زخمی شده است، کلاه مخصوص بسر گذاشته و بیک دست کمان و در دست دیگر قلیانش را دود میکند. روی کوزه قلیان عکس جوانی رسم شده و رقم دارد. (هو صورت نشی کماندار) و بقیه رقم نقاشی که پاک شده بود با ذره بین قرائت کردم چنین بود:

(روز چهارشنبه یازده شهر ربیع الاخر با تمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی ۵)

عکس این اثر، در صفحه ۲۹ کتاب آنتونی ولج بچاپ رسیده است. در این کتاب آثار دیگری نیز از رضا عباسی ارائه شده که مختصراً یادداشت میشود.

۷- در صفحه ۲۶ این کتاب. مردی شاخ بزی را گرفته و با او بازی میکند. رقم دارد. (مشقه رضا)
 ۸- ایضا در صفحه ۳۱ آن. جوانی برآزنده تسبیح بدست گرفته و لباس و کلاه صفوی بتن کرده و ایستاده است. حواشی تصویر، تذهیب اسلیمی دارد که با ابیاتی اشعار فارسی به نستعلیق زیبا تلفیق شده است. مهری در گوشه چپ و با سجع (عبده ابوطالب) دیده میشود. رقم دارد.
 (راقمه رضا)

۹- دیگر در این کتاب و در صفحه ۳۲ آن. دو تصویر در یک جا ارائه شده. تصویر اولی، مرغ زیبایی ایستاده‌ای است که کنارهای وی را شاخه و برگها احاطه کرده و رقم دارد. (رقم کمینه رضا عباسی)
 در پائین صفحه، تصویر بسیار زیبایی است که زن و مرد جوانی مشغول معاشقه بوده و ندیمه جوان بآنها شراب میدهد. زمینه تصویر، مناظر ابری و درخت است که روی سنگی رقم دارد.
 (مشقه رضا عباسی)

۱۰- دیگر از آثار رضا در این کتاب، مجلس استحمام شیرین است که در صفحه ۷۵ کتاب چاپ شده است. در این اثر پر ملاحظت، شیرین لخت شده و لباسهای خود را روی درختی انداخته و خسرواز پشت کوهها نظاره میکند، اسب شیرین در کناره جلب نظر مینماید و بیرون از جدول رقم دارد.
 (در روز دوشنبه بیستم شهر صفر سنه ۱۰۴۲ به اتمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی)

۱۱- تصویر جوان رعنائی است که کلاه عمامای بسر گذاشته و پیالهای بدست گرفته و مست شده است. لباس او بلند و افتاده است و شالی بکمر دارد. دست خود را بروی درختی گذاشته و ایستاده است، منظره و شاخه‌های درخت از پشت سر دیده میشود. رقم دارد.
 (مشقه رضا)
 مضبوط در موزه لور پاریس.

۱۲- تصویر جوان بلند بالائی است که با کلاه و لباس بلند دیده میشود. دکمهای لباسش تا شال کمر امتداد یافته و نوشتنهای بدست دارد که روی آن نوشته:
 (هو- نزدیک بمردنم ز شوقت - بگذار ز دور یک نظاره)
 رقم دارد (مشقه رضا)
 مضبوط در کتابخانه دانشگاه اسلامبول.

۱۳- اثر زیبای این هنرمند که در موزه استکهلم قرار دارد، پیر مرد مغولی است که ریش و سبیل بزی داشته و عمامه مخصوص بسر دارد. یقه‌های لباسش باز و دکمه‌دار بوده و شالی بروی آن محکم کرده است. پیر مرد دو زانو نشسته و در مقابلش سیب و گلابی دیده میشود. رقم دارد.
 (رقم کمینه خاکسار رضا)

۱۴- اثر دیگر رضا عباسی، تصویر پیر مردی است که بظن قوی از کارهای اولیه نقاشی بحساب می‌آید. در این مینیاتور، مرد کهن سالی کلاه کوچک عمامای بسر گذاشته و ریش و سبیل افشان دارد. پیر مرد، عبای بلندی که تمام بدن وی را پوشانده بتن کرده و دو زانو بروی زمین نشسته است، این مرد، که گویا نقاش یا خطاط می‌باشد، وسایل کتابت و نقاشی در اطراف وی دیده میشود. رقم دارد.
 (مشقه رضا)

- ۱۵- دیگر از آثار رضا عباسی، تصویر فرهاد عاشق پیننه است که شیرین و اسبش را حمل میکند. کوه و مناظر کناره‌های تصویر، استادانه بوده و رقم دارد. (رقم کمینه رضا عباسی)
- ۱۶- اثر دیگر، تصویر مرد جوانی است که در بالای بلندی نشسته و نی انبان می‌نوازد. کلاه و شلوار و چکمه‌هایش به استادی نقش شده و رقم دارد.
- (هو- بتاریخ سلخ ربیع الثانی مشق شد. رقم کمینه رضا عباسی سنه ۱۰۳۴)
- ۱۷- تصویری از اوایل آثار رضا عباسی بود که مرد مهتری لباس عربی پوشیده و کلاه مخصوص بسر گذاشته و اسب خود را تیمار میکند، کناره‌ها و متن آن تذهیب شیوانی داشته و بخط نستعلیق آرایش شده و رقم داشت. (مشقه رضا)
- این اثر بشماره ۱۶۸ در کتابی بنام THE IMPERIAL IMAGE IN PERSIAN PAINTING چاپ سال ۱۹۷۷ دیده میشود.
- ۱۸- اثر دیگری از این هنرمند که در کتاب ISLAMIC PAINTING و بشماره ۸۱ ارائه شده بود. تصویر نشسته پیر مردی بنام استاد محمد علی مذهب بود که کلاه عمامای سفید بسر گذاشته و عبای سفیدی بروی لباسها انداخته بود. پیر مرد شکم چاق و برجستای داشت و در مقابلش وسایل کتابت دیده میشد و رقم داشت. (رقم کمینه رضا عباسی) و در بالای اثر نوشته بود:
- (صورت استاد محمد علی مذهب شیرازی که از هند آمده بود)
- ۱۹- پرمایه‌ترین اثر دیگر نقاش، تصویر تمام قد جوان خدمتکاری بود که لباس دوره صفویه پوشیده و سینی بدست گرفته و گویا قهوه تعارف میکند. کلاهش پوست سموری پردار زیبا و لباسش با آرایش دلغریب آن دوره که گل و مرغهای شکوفا داشت، در متن لباس جلوه‌گر بود و رقم داشت.
- (هو- در روز پنجشنبه بیستم شهر ذی قعدة سنه ۱۰۳۸ به اتمام رسید - رقم کمینه رضا عباسی ۵)
- ۲۰- اثر دیگر، تصویر دو دل‌داده پر ملاحظت بود که یکدیگر را بغل گرفته و برآز و نیاز مشغول بودند. رقم داشت.
- (هو- در روز سه‌شنبه هشتم شهر شوال با اقبال سنه ۱۰۳۹ به اتمام رسید - رقم کمینه رضا عباسی ۵)
- ۲۱- شیواترین اثر دیگر هنرمند که بعینه شبیه تصویر شماره ۱۹ بوده و منتها ارقام مختلف داشت، قیافه پر حالت و لباس پر آرایش جوان خدمتکاری بود که قهوه درست میکرد. مرد جوان کلاه پردار صفوی بسر گذاشته و در مقابل، ساور قهوه جوش جلب نظر میکرد و رقم داشت.
- (هو- غره رجب المرجب ۱۰۳۹ با اتمام رسید - رقم کمینه رضا عباسی ۵)
- مضبوط در موزه هنرهای تزئینی تهران
- ۲۲- اثر دیگری که از این هنرمند در موزه هنرهای تزئینی تهران قرار دارد، تصویر مرد جوانی است که دو زانو نشسته و بشراب ریختن مشغول است. صورت زیبا و کلاه مخصوص و لباس ابری او جالب بوده و در رویه زمین، سبد پر انار دیده میشود. رقم دارد.
- (هو- در روز شنبه چهارم شوال با اقبال با اتمام رسید - رقم کمینه رضا عباسی ۱۰۳۲)
- ۲۳- آثار اصیل و چشم نواز رضا عباسی که در گالری GOLANCHI لندن بنمایش بود، در یک کتاب خطی بسیار معتبر به خط میر عماد معروف بود که بسال ۱۰۲۳ تحریر شده بود. خوشبختانه جمله این آثار را از نزدیک دیده و یادداشت‌ها برداشتم. و از طرفی همه این تصاویر بچاپ رنگی و سیاه سفید در کتابی بنام (PERSIAN AND MUGHAL ART) منتشر گشته که مختصراً در اینجا ارائه میگردد.
- ۲۴- الف. در صفحه ۶۸ کتاب مزبور، تصویر رنگی پادشاهی است که روی تخت سلطنتی جلوس کرده و به بالش گل‌داری تکیه داده است. خدمه مخصوص که دو تا بحالت ایستاده و دوتای دیگر مشغول

ساقی گری شراب هستند نشسته‌اند. دو بیت، شعر ترکی که شاید از اشعار امیر علیشیرنوائی باشد در این نقاشی دیده میشود. رقم دارد. (رقم کمینه رضا عباسی)

ب. این اثر زیبا، در صفحه ۶۶ کتاب ارائه شده و موضوع آن گم شدن نقدینه پولی است که شخص مزبور هراسان شده و مسئله را از دیگران استفسار مینماید. رقم دارد. (رقم کمینه رضا عباسی)

پ. تصویر سلیمان نبی است که حضار در مقابلش با احترام ایستاده و دیو قوی هیگلی چوب بدست، منتظر فرمان است. رقم دارد. (رقم کمینه رضا عباسی) صفحه ۱۴۰ کتاب

ت. تصویر چاپ شده در صفحه ۱۴۱ کتاب است که جوانی بزیز چادر رفته و شراب میخورد. در چند چادر دیگر که بشیوائی نقاشی شده، عدمای بصحبت مشغول میباشند. از پشت کوه و درخت تنومند،

شتر سواری دیده میشود که نزدیک میرسد. روی پارچه چادر، رقم دارد. (رقم کمینه رضا عباسی)

ث. دیگر اثر چاپ شده در این کتاب، تصویر شاهزاده‌ای است که نشسته و پیر زنی باو نامه میدهد. یک مرشد محرم و یک خدمه جوان در زمینه دیده میشود. رقم دارد. (رقم کمینه رضا عباسی) صفحه ۱۴۲ کتاب.

ج. تصویر دیگر رضا عباسی که در صفحه ۱۴۳ این کتاب چاپ شده، شعیل حضرت یوسف به افسردگی است که در ماتم و دوری یوسف نشسته و فرشته‌ای در حضور قرار گرفته است. دو احباب دیگر که آنها نیز غمناک و دردمند هستند، در بیرون خانه نشسته‌اند. رقم دارد.

(رقم کمینه رضا عباسی)

چ. آخرین تصویر زیبای استاد که در این کاتالوگ چاپ شده. تصویر پیرمرد سر برهنه‌ای است که دو شاخه گل را به جوان سرمستی که سرپا ایستاده و شراب میخورد، تعارف میکند. رقم دارد.

(رقم کمینه رضا عباسی)

۲۵- دیگر تصویر این هنرمند، پیرمردی در کلاه و لباس دوران صفوی بود که ریش و سبیل بلند داشت. این مرد که گویا نقاش یا محرر بود، روی بالشی که زیر بغل داشت، تکیه داده بود و در

مقابلش وسایل کتابت از قبیل قلم و دوات و کتاب دیده میشود و رقم داشت.

(هو- در روز جمعه بیست و یکم شهر جمیدی الاخر شب نوروز)

سنه ۱۰۳۵ با تمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی ۵)

۲۶- اثر زیبای دیگر رضا عباسی را که از نزدیک و در حراج ساتبی سال ۱۹۷۶ دیدم. تصویر پر حالت درویشی بود که کلاه مخصوص پرده‌دار بسر گذاشته و بیک دست عماما و در دست دیگرش چند برگ رنگی

دیده میشود. لباسش بلند بود و در زمینه، مرغ‌های طلائی داشت. زمینه تصویر را با برگهای سنبل و چناری پر کرده بود و رقم داشت. (رقم کمینه رضا عباسی)

۲۷- هشت تصویر بدیع و دلچسب رضا عباسی که در کاتالوگ روسی چاپ مسکو انتشار یافته بود دیده میشود که باختصار در اینجا ارائه میگردد.

الف - تصویر خوش منظر دختران و پسران جوان بروی چمن‌ها بود که سرها از باده ناب گرم شده و بروی زمین باغ افتاده بودند. چند جوان دیگر سرپا ایستاده و یکی دیگر مشغول نوازش زن زیبایی

بود که سرمست بنظر میرسید. در گوشه دیگر، جوانی پیاله شراب را به دست خود تعارف میکرد. منظره درختان و ابرها و همچنین حواشی تصویر در کمال امتیاز بود و رقم داشت.

(هو- رقم کمینه رضا عباسی ۵) تصویر شماره ۵۹ کاتالوگ

ب. تصویر شماره ۶۰ کاتالوگ که واقعا "در نهایت قدرت و زیب افزائی مصور شده بود. مجلس باده گساری و عیش و طرب بود، پیر مردی در گوشه‌ای نشسته و خدمتکاری که بچه خود را به پشت بسته

بود بخدمت مشغول بود. منظره چنار بزرگ و کوه و حواشی آن به حل کاری پرمایه‌ای تصویر شده و رقم داشت.

(هو - در روز دوشنبه غره شهر ذی قعدة سنه ۱۰۲۰ به اتمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی ۵)
پ. تصویر شماره ۶۲ کاتالوگ، پیر مردی است که کلاه دوره صفوی بسر گذاشته و ریش کم پشت دارد. رقم اثر چنین میباشد:

(هو - در روز پنجشنبه ۶ شهر ربیع الاول سنه ۱۰۴۴ به اتمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی ۵)
ت. موضوع شکل ۶۳ کاتالوگ. منظره سیاه قلمی، رقص درویشان بود که در تالار بزرگی برقص و سماع مشغول بودند و رقم داشت.

(در روز جمعه هجدهم شهر شوال با اقبال سنه ۱۰۳۱)

این مجلس آبرنگ شد. رقم کمینه رضا عباسی)

ث. شکل شماره ۶۴ کتاب. تصویر مردی بود که به کلاه مخصوص وی دو پره باریک نصب شده و پالتو بلند پوستی پوشیده بود. پیرمرد بیکدست ظرف کوچکی گرفته و در دست دیگرش چراغ موشی نفتی جلب نظر میکرد. رقم داشت.

(هو - بجهت فرزندی اعزی محمد باقر طول الله عمره ابدًا" ساخته شد. رقم کمینه رضا عباسی ۵)
ج. در شماره ۶۵ کاتالوگ. تصویر چوپانی است که بچوب دستی تکیه داده و مشغول حفاظت بز و گوسفندش می‌باشد. سگ کوچک چوپان نیز در کنار وی دیده میشود. منظره چنار بزرگ در وسط تصویر جالب است. رقم دارد.

(هو - در روز پنجشنبه پنجم شهر ذی الحجه ۱۰۲۳ با تمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی ۵)
ج. ایضا در این صفحه، تصویر پیر مردی بنام درویش عبدالمطلب همدانی بود که لباس بلندی پوشیده و کلاه درویشی بسر نهاده و پارچه سنگینی مثل شال به گردن انداخته بود. آستین‌های بلندش تا زیر زانوان ادامه داشت و رقم نقاش چنین بود.

(هو - صورت درویش عبدالمطلب همدانی غره جمیدی الاول سنه ۱۰۴۱)

به اتمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی ۵)

ح. اثر بی نظیر دیگر رضا عباسی که بشماره ۶۶ در این کاتالوگ چاپ شده بود. تصویر فوق‌العاده زیبای شاه عباس و حکیم شمس محمد بود که در نوع خود برازنده بود. در این تصویر دلفریب، شاه عباس پیاله شرابی را به شمس حکیم تعارف میکند. حکیم که مردی تنومند بوده و عمامه مخصوص بسر گذاشته، پیاله شراب را دریافت میکند. آرایش و پیرایش و همچنین رنگ‌آمیزی صحنه تصویر، بسیار زیب افزاست. خادم جوانی، پشت سر شاه عباس ایستاده و دو نفر دیگر دهنه اسب شاه را بدست گرفته‌اند. درختان تزیینی پرشکوفائی در زمینه دیده میشود و رقم دارد.

(هو - حسب الفرموده حاجبی خداوندی مقرب الخاقانی حضرت جالبینوس

الزمانی حکیم شمس محمد حفظ الله تعالی عین الافات الزمان در روز جمعه

هفدهم شهر رجب المرجب سنه ۱۰۴۲ این مجلس با تمام رسید.

راقم افقر العباد کمینه رضا عباسی عفی عنه)

۲۸- اثر زیبایی از این هنرمند در موزه کتابخانه چار توریسکی لهستان قرار گرفته که رقمش چنین است:

(هو - این مجلس طرح غفران پناهی علیه الصلاة و المنفروه روز پنجشنبه شهر

شوال با اقبال ۱۰۲۹ با تمام رسید. رقم شکسته کمینه رضا عباسی مبارک باد)

۲۹- دو اثر چاپ شده در مجله روزگار نو که اولی، جوانی را بطری بدست‌ودر لباس فرنگی و شغل مخصوص ارائه داده که بسبک خارجیان کلاه لبهدار بسر گذاشته و رقم دارد.

- (هو - در روز یکشنبه پانزدهم شهر شوال با اقبال سنه ۱۰۳۷ با تمام رسید . رقم کمینه رضا عباسی ۵)
دیگر تصویر جوانی است که روی بالشی دراز کشیده و به سگ خود آب میدهد . رقم دارد .
(هو - در روز پنجشنبه بیست و دوم شهر رمضان المبارک ۱۰۲۳ بجهت
با تمام رسید . برهنه پا و سر عشقم دواند . دوان کوچون غلامان فرنگی)
(رقم کمینه رضا عباسی ۵)
- ۳۰- دیگر اثر رقم دار . تصویر مارگیری است که مار میگیرد و یک نفر در انتهای تصویر ناظر صحنه است . رقم دارد .
- (هو - در روز جمعه دهم شهر شوال با اقبال سنه ۱۰۴۱ به اتمام رسید . رقم کمینه رضا عباسی ۵)
۳۱- دیگر اثر استادانه هنرمند که گویا سفارش حکیم شمس اجرا شده بود ، تصویر مرد نخریسی بود که بکار نخریسی مشغول بود و رقم داشت .
- (هو - در روز شنبه یازدهم شهر رجب المرجب این طرح شد . بواسطه جریده صاحبی ام حضرت جالینوس الزمانی حکیم شمس سلمه الله تعالی عن الافات . رضا عباسی ۵)
۳۲- تصویر دیگر شامیل عبدالملک استر آبادی است که به خمیر کردن آرد و پختن نان مشغول میباشد . او کلاه درویشی بسر نهاده و کشکول آهنی وی بروی زمین دیده میشود و رقم دارد .
(هو - غره جمیدی الاول سنه ۱۰۴۱ به اتمام رسید . رقم کمینه رضا عباسی ۵)
و در پائین نوشته . بجهت سلطان الفقرا درویش عبدالملک استر آبادی .
- ۳۳- اثر دیگر ، تصویر جوان منجمی است که در دست کاغذی گرفته و این بیت شعر ، بروی آن جلب نظر مینماید .
مصوران بقلم تار مو کشند - نیاورد از سر حسرت دهان تنگ ترا .
او نیم تنه کردی که دور کردنش پوست سمور دوخته شده به تن کرده و بروی دامن خود پوشیده است .
رقم دارد .
- (حسب الامر صاحبی ام افضل المنجمین میرزا محمد مفیث سلمه الله تعالی
این چهره را گشودم . کمینه رضا عباسی)
- ۳۴- دیگر اثر بر حلاوت نقاش . تصویر مجنون بصحرا است که با حیوانات محشور گشته است . منظره کوه و درختان استادانه بوده و مجنون روی سنگی نشسته و خرگوشی بدست گرفته . رقم دارد .
(هو - روز چهارشنبه دوازدهم شهر ربیع الاول سنه ۱۰۲۸)
این مجلس با تمام رسید . رقم کمینه رضا عباسی عفی عنه)
- ۳۵- اثر دیگر . تصویر چوپانی است که نشسته و کلاه خود را به مزاح روی سر گوسفند انداخته و نظاره میکند . رقم دارد .
- (سلخ ذی قعدة سنه ۱۰۴۱ آبرنگ شد . رقم کمینه رضا عباسی)
- ۳۶- تصویر رقم دار دیگر ، زن چادر بسری است که روی بالشی تکیه داده و نشسته است . زن جوان که آینمای بدست دارد نگاه میکند . وسایل آرایش و عطر گلاب در کناره دیده میشود . رقم دارد .
(هو - در روز سه شنبه دوازدهم شهر ربیع الاخر سنه ۱۰۲۷ با تمام رسید . رقم کمینه رضا عباسی ۵)
- ۳۷- دیگر تصویر تمام قد جوانی است که لباس اروپائی پوشیده و کلاه و شاپوی پرداز به سر گذاشته و شمیری بکمر آویخته است . رقم دارد .
(رقم کمینه رضا عباسی)
- ۳۸- تصویر تمام قد زن پر حالتی که لباس مخصوص پوشیده و چهار قد مشکی بسر کرده و روی آن پر سبز رنگی زده و بادبزی بدست گرفته و صورت خود را باد میزد . رقم داشت .
(رقم کمینه رضا عباسی)

- ۳۹- اثر پر زینتی که در کتابخانه CHESTER BEATTY موجود است. تصویر جوان زیبایی است که کلاه خزدار بسر نهاده و دونیم تنه زرد و بنفش رنگ به روی هم پوشیده و شالی بکمر بسته است. در دو دست جوان، ظرف کروی شکلی دیده میشود که بالای شال کمر قرار گرفته است. شلوار بلند و زیبای وی که زمینه گل و مرغ و ابری دارد، بسیار زینت افزاست. در زمینه نقاشی، درخت سنبل و برگ چناری دیده میشود و رقم دارد.
- ۴۰- دیگر از آثار برجسته این هنرمند، کتاب خسرو شیرین مضبوط در موزه ویکتوریا آلبرت لندن میباشد. این کتاب که بوسیله عبدالجبار نستعلیق نویس مشهور آن دوره کتابت شده، شامل هفده تصویر فوق العاده است که بسال ۱۰۴۲ ه.ق. اجرا شده و رقم رضا عباسی دارد.
- ۴۱- تصویر دیگر که در کاتالوگ گالری محبوبیان چاپ شده، منظره کوه و درختان و ساختمان است که زیبایی نقش بسته است. در گوشه‌های مرد پیری سنگی را از زمین بر میدارد، در طرف دیگر، یک نفر که شمشیر بکمر بسته وارد خانه میشود. بالای ساختمان نیز تصویر پیر مردی جلب نظر مینماید. در سمت راست بخط قلم موئی نوشته: (صورة العبد الفقير بهزاد سلطانی)
- در پائین و در گوشه راست تصویر و در داخل مستطیل رقم دارد.
- (روز دوشنبه بیست و هفتم شهر محرم الحرام سنه ۱۰۲۸)
- استاد بهزاد علیه الرحمه. کمترین بنده درگاه رضا عباسی آبرنگ کرد)
- ۴۲- مینیاتور دیگر، شکل پر مهارت پیرمردی است که روی زمین دراز کشیده و دست راست خود را بزمین تکیه داده است. ریش و سبیل پیر مرد توبی و بلند است و در زمینه برگهای بزرگ چناری دیده میشود. رقم دارد.
- (در روز چهاردهم ذی حجة الحرام سنه ۱۰۳۱ بانعام رسید. رقم کمینه رضا عباسی)
- ۴۳- سیاه قلم دیگر، تصویر استادانه مرد پیری است که به عبا و کلاه عمامهای ملبس بوده و به عصا تکیه داده است. ریش و سیلش سیاه رنگ است و پسرک خردسال پریشانحالی دامن وی را گرفته و در تمنای خواهشی است که از پیر مرد تقاضا مینماید. این اثر که در موزه ایران باستان مضبوط است. رقم دارد.
- (رقم کمینه رضا عباسی)
- ۴۴- دیگر تصویر استاد. تصویر منادیوی است که با ازدهای قوی هیكل صاف میدهد. در این نقاشی دیو بصورت مرد قدرتمندی که قیافه شیر داشته و دندانهایش بیرون آمده با ازدهائی که دست و پای ویرا چسبیده و پایش را گاز میگیرد در حال نبرد است. رقم قلم موئی دارد.
- (هو - در روز سه شنبه دهم شهر شعبان المعظم سنه ۱۰۴۱ بانعام رسید. رقم کمینه رضا عباسی)
- ۴۵- دیگر اثر شیوای استاد که بنام آقا رضا امضا کرده. تمثال زنی است که زیر چادر نشسته و به نخریسی مشغول است. در کنار چادر یک شتر و یک الاغ دیده میشود. در پشت چادر، مرد شبانی است که با پسر خود نمایان است. در وسط تصویر، مرد صاحب مقامی است که سوار بر اسب شده و پوستین پوشیده و عصای بلندی بدست گرفته، با یکی از همراهان صحبت میکند. در انتهای اثر، یک درخت و مردی که کاسه بدست گرفته و آب میآورد، دیده میشود. در بالای تصویر بخط قلم موئی رقم دارد.
- (رسم الخزانة نواب کامیاب اشرف اقدس سمت تحریر یافت. حرره آقا رضا)
- در کنار درخت نوشته: (روز چهارشنبه پنجم شهر شوال الاقبال سنه ۱۰۳۸ آبرنگ شد ۵)
- ۴۶- دیگر از کارهای اصیل رضا عباسی که در کاتالوگ (تالیف S.N. GUPTA و سال ۱۹۲۲ کلکته) دیدم. تصویر دو پیرمردی بود که یکی پا و دیگری سر الاغ را محکم چسبیده و نعلبند مشغول نعل کردن آن

بود قیافه نغرات و شکل یابو و مناظر زمینه در کمال مهارت بود و رقم داشت .

(هو - در روز سه شنبه دهم شهر شوال با اقبال سنه ۱۰۳۷)

از طرح استاد مظفر علی کمینه رضا عباسی)

۴۷- تصویر دیگر که از کارهای بهزاد تقلید کرده بود ، منظره تپه و ماهور بود که تک درخت کهن سال خشکیدهای در مقابل پل رومی دیده میشود . در بالای تپه پیر مردی دیده میشود که چادر بسر کرده و سوار الاغ شده بود . در پیش وی، مردی بسان خاطرهای سابق که گولمه‌بار به پشت و عصای بلند برشانه داشت در پیشاپیش حرکت میکرد . در کنار درختی، جوانی تکیده و افسرده که شاید مجنون معروف بود، سگ نحیف و لاغری را بغل گرفته و روی زمین نشسته بود . این اثر باستانی تمام نقش شده و رقم داشت .

(هو - طرح غفران پناهی استاد بهزاد علیه الرحمه و رقم کمینه رضا عباسی

روز چهارشنبه ۵ شهر جمیدی الاخر سنه ۱۰۳۵ با تمام رسید ۵)

۴۸- دیگر از آثار دلنواز رضا عباسی که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن بیادگار است، تصویر خسرو نامدار است که با مشت آهنین و تک و تنها با شیر مصاف میدهد و دو نفر زن و مرد جوان در کناره ناظر صحنه هستند . منظره عمارت و افق صحرای نیلگون که از پنجره نمایان است دیدنی است . کناره اثر نیز تذهیب شیوانی داشته و رقم دارد . (رقم کمینه رضا عباسی)

۴۹- اما زیباترین آثار این هنرمند را که از نزدیک دیدم، تصویر جوانی بود که بالش منقشی زیر بغل گذاشته و بفکر فرو رفته بود . کلاه خردار و لباس آبی رنگ و پوستین سبز جالب بود .

تنگ شراب و سینی میوه در مقابلش جلب نظر مینمود . در زمینه برگ چناری زیبا دیده میشود. این اثر پر ملاحظت که حتی پوستر بزرگ آن نیز بچاپ رنگی منتشر شده بود، در حراج ۲۱ آوریل سال ۱۹۸۰ در ساتبی لندن بفروش رسید . رقم این اثر ارزنده چنین بود .

(بجهت خدام نتیجه الوزرائی میرزا محمد شفیع سلمه اله ساخته شد -

رقم ذره بیمقدار کمینه رضا عباسی) تصویر شماره (۲۹)

۵۰- دیگر از آثار پر اعتبار و پرمایه رضا عباسی ، چهره جوان برازندهای که روی کرسی چهارگوشی نشسته و کتابی را مطالعه میکند . اصل این تصویر که از آثار شایان تحسین استاد محمدی هراتی است . حسب الامر پادشاه زمان، بوسیله رضا عباسی چهره پردازگی گشته است . صورت پر حالت و زیبایی و حلاوت کلاه و لباس و تزئین زمینه تصویر درخور تحسین است . رقم دارد .

(حسب الامر نواب کامیاب اشرف اقدس اعلی خلد اله ملکه ، این صورت

کار استاد محمدی هراتی علیه الرحمه و المغفره ، فقیر احقر العباد چهره

گشودم و بمهر اشرف مشرف و مزین گردید . رقم کمینه رضا عباسی)

۵۱- دیگر اثر رقم دار رضا عباسی تصویر پیرمرد محترمی است که دو زانو نشسته و ریش و سبیل بلند دارد . دستهای پیرمرد در آستین فرو رفته و لباس و روپوش بستهای بتن کرده است. در مقابل نسخه کتاب و دوات دیده میشود. در مقابل وی جوان شادابی است که پیاله شراب را به پیرمرد تعارف میکند . رقم دارد .

(رقم کمینه رضا عباسی . جهت سلطان الفقرا رحیما ساخته شد)

۳۸۵- رضا عکاسی

فن عکاسی قرین و همدم هنر تصویر سازی است که حالیه نیز بمروور ایام از رده صنعت بیرون آمده و در جرگه هنرها قرار گرفته است .

خوشبختانه در میهن ما نیز همزمان با اشاعه هنر عکاسی در اروپا، رونق بیشتری پیدا کرده و بمرور ایام جزو مشاغل معمولی و مورد توجه مردم قرار گرفته بود.

چون شایسته بود از این هنر و پیش کسوتان اولیه آن نیز نامی برده شود، لذا آقا رضا عکاسباشی را که در این هنر مقام برجسته و ارجمندی داشته و مورد توجه حکومت وقت نیز بوده، باختصار معرفی مینمائیم.

رضا عکاس باشی فرزند آقا اسمعیل بود که به سال ۱۲۸۰ ه.ق. به لقب عکاس باشی و در سال ۱۲۹۰ به سمت آجودان مخصوص و در سال ۱۳۰۳ به اقبال السلطنه ملقب گردید. فرمان آجودانی وی که در کتاب مرآت البلدان یاد شده عینا در اینجا ارائه میگردد.

((آقا رضای عکاس باشی پیش خدمت خاصه که از عهد صبی و اوایل حال در آستان اعلی تربیت شده و در رجوع هر خدمت قابلیت خود را ظاهر کرده و خاطر ما را راضی داشته است، این اوقات منصب تحویلداری وجوه صرف جیب مبارک و جنسی را به عهده او محول فرموده محض رحمت خاطر مهر مآثر او را به سمت آجودان مخصوص حضور مبارک اختصاص دادیم که به این موهبت قرین کمال مباحثات و سرافرازی بوده در خدمت محوله شرایط امانت و صداقت مرعی دارد. فی شهر شعبان المعظم ۱۲۹۰))

مرحوم محمد حسن خان اعتماد السلطنه در مورد صنعت عکاسی و احوال آقا رضا عکاسباشی

چنین می نویسد:

((مسیو کارلیان که برای انتشار علم و عمل عکاسی با فرخ خان امیر الدوله از پاریس به طهران آمد، صنعت عکاسی را شایع کرد و چون خاطر خطیر همایون به رواج و ترقی این علم تعلق گرفت، خود ذات ملکوتی صفات شاهنشاهی بر این علم اطلاع تمام یافته بر آن شدند که یکی از چاکران دربار حضرت شاهنشاهی و خاصان خلوت همایون نیز، در این فن مهارتی تمام یابد که سفر و حضرا به موجب امر قدر قدرت ملوکانه آشنا و غریبه و ابنیه و آثار قدیمه را عکس بردارد و خاطر مبارک همایون در اوقات فراغت بدان مشغول سازد. پس آقا رضا پیش خدمت خاصه که امروز آجودان مخصوص حضور همایون و خازن جیب اعلیحضرت شاهنشاهی و محل وثوق و اعتماد کامل الصفات خسروانی و از خانه زادان حقیقی و تربیت یافتگان این دولت قوی شوکت است، به آموختن این علم شریف بر حسب امر همایون مامور گشت. چندی بر نیامد که از یمن توجهات ملوکانه در این علم تکمیل شد و شناسائی کامل حاصل نمود. خاطر مبارک خسروانی از این معنی خرسند گشته، مشارالیه را به عواطف ملوکانه مفتخر ساخته و از برای انتشار این علم و وسعت در این عمل، یکی از عمارات مخصوص پادشاهی را به عکاس خانه مبارکه اختصاص داده و گاهی که از کارها فراغت حاصل میفرمودند، برای تماشا و ترقی این عملاً به آن جا تشریف میبرند.))

رضا عکاسباشی در سال ۱۳۰۷ و در باغ آجودانیه شمیران که از مستحدثات خودش بود به مرض

سکته درگذشت.

بهتر است در خاتمه مقال، یاد هنرمندان عکاس قدیمی را که به احوال و حالات آنها آگاهی زیادی نداریم، گرامی داشته و معدودی از آنان را که آرم و علامت مخصوص در ذیل اثر خود قید کرده و در بین مجموعه عکسهای قدیمی نگارنده قرار گرفته، جهت اطلاع علاقمندان و درج نام آنها در تایخ هنری ایران خدمت ناقابلی انجام داده باشیم.

برخی از اسامی و القاب و آدرس عکاسان قدیمی که در مجموعه قرار گرفته عبارت است از:

عکاسخانه خانه زاد رضای پیشخدمت و عکاسباشی حضور همایون اعلی ۱۲۸۰ (تصویر شماره ۴۸)

عکاسخانه مسیو آنتوان خان سوریوگین تهران سنه ۱۳۲۴ خیابان علاءالدوله درب میدان مشق طهران.

- عکاسخانه پاپازیانت دوره ناصری
 عکاسخانه چالیک (رشت) ۱۳۴۲
 عکاسخانه آقا میرآقا عکاس باشی آستان قدس ۱۳۲۰
 عکاسخانه عبدالله قاجار دوره ناصری
 عکاسخانه محمد علی قاجار ۱۳۱۵
 عکاسخانه میرزا فرج اله عباد اف مشهد مقدس حدود ۱۳۱۹
 عکاسخانه مبارکه نظامی - دارالخلافت ناصری خانه زاد محمد حسین قاجار
 عکاسخانه میرزا حسن عکاس ۱۳۲۳
 عکاسخانه میرزا مهدیخان خیابان خوش اصفهان ۱۳۳۲
 عکاسخانه مدرسه مبارکه دارالفنون دارالخلافت ناصری عبدالله قاجار
 عکاسخانه مائنه الله خان خیابان ناصریه مقابل شمس العماره طهران سنه ۱۳۲۴
 عکاسخانه شرکت شفق - خیابان پهلوی رشت (عیسی حسین سظوم پور سرباز ساده ۱۳۴۹)
 عکاسخانه شمس خیابان ناصریه سید محمد الحسینی حدود ۱۳۳۰
 عکاسخانه حاج میرزا محمد صالح یزدی دوره ناصری
 عکاسخانه حسین آقا - خیابان ناصریه تهران ۱۳۴۰
 عکاسخانه ابوالقاسم بن محمد تقی نوری ۱۲۹۰
 عکاسخانه مسیوروسیخان تهران خیابان علاءالدوله ۱۳۳۵
 عکاسخانه خانزاد حشمته الممالک ۱۳۲۸
 عکاسخانه میر سید علی طهران دوره ناصری
 عکاسخانه ابراهیم خان ابن میرزا احمد خان صنیع السلطنه عکاس باشی ۱۳۱۰
 عکاسخانه خان بابا حسینی دوره ناصری
 عکاسخانه عکاس منوچهر ۱۳۰۶
 عکاسخانه میرزا احمد عکاس دوره ناصری

۳۸۶ - رضا ابن . علی اشرف

فرزند علی اشرف معروف و قلمدان ساز متبحر و استاد بود .
 طرز کار و شیوه برداخت گلها و تزیین و آرایش جوانب قلمدان معلوم میداشت ، از سر چشمه هنر
 منعالی پدر فیضها برده و خود استادی عالیقدر گشته است .
 از تنها قلمدان بجا مانده و رقم داروی که حالیه جزو مجموعه نگارنده است ، گل و مرغها را در کمال
 ریزه کاری ارائه داده و رویه آنرا به گل سرخ و سوسن و میخک و لاله آرایش کرده بود . حواشی قلمدان
 نیز گل و مرغی بود و رقم داشت . (رضا ابن مرحوم علی اشرف ۱۲۰۲)

۳۸۷ - رضافاریابی

تصویر ساز و شبیه برداز اوایل قرن ۱۱ ه.ق . بود .
 تنها اثر بجا مانده این هنرمند ، تصویر کامران شاه هراتی است که حالیه در کتابخانه ملی قاهره
 در مصر مضبوط میباشد .

۳۸۸ - رضاقلی

در نقاشیهای روغنی و آب رنگ دست داشت و جانور سازی را نیک میدانست .
از تنها اثر این هنرمند ، جعبه انفیة دانی باندازه قوطی کبریت دیدم که در روبه آن تصویر شتری
پر حالت نقش شده و رقم داشت . (رقم رضا قلی سنه ۱۲۷۷) مجموعه آقای منصور افشار

۳۸۹ - رضاقلی شاهرخشاهی

جزو دراویش بود و از نقاشان و خطاطان زبردست ناخنی بشمار میرفت . از آثار ناخنی و رقم دار
این هنرمند ، تصویر جنگ و گریز دو باز شکاری را دیدم که حالت نزاع آنها به تردستی ارائه شده
و حتی پره‌های سبک بال آنها نیز در هوا پخش شده بود . این اثر استادانه که در نوع خود ممتاز
بود رقم داشت . (رضا قلی شاهرخشاهی ۱۲۷۵)

۳۹۰ - رضا کاشانی - آقارضا

کاشانی و از هنرمندان زبر دست اوایل قرن ۱۱ ه.ق . بود که بالقاب و اسامی (آقارضا - آقا
رضا مصور - آقا محمد رضا - کمترین آقا رضا - آقا رضا مرید باخلاص جهانگیر پادشاهی) معروف
گشته است .

قدیمترین احوال مستند این هنرمند که در گلستان هنر یاد شده چنین است :
(آقا رضا ولد مولانا علی اصغر کاشانی است اگر زمانه بوجود با وجود او افتخار نماید می‌شاید،
چون در تصویر و چهره گشائی و شبیه کشی نظیر و عدیل ندارد و اگر مانی زنده بودی و استاد بهزاد
حیات یافتی، روزی یکی صد آفرین بر وی نمودی و دیگری بوسه بر دست وی نهادی، همگی استادان و
مصوران نادره زمان او را باستانی مسلم دارند و هنوز ایام ترقی و جوانی او باقی است، وی در
خدمت اشرف شاه کامیاب مالک رقاب سپهر رکاب سلطان شاه عباس خلد الله ملکه میباشد، اما بغایت
کاهل افتاده و اختلاط نامردان و لوندان اوقات او را ضایع میسازد و میل تمام بتمشای کشتی گیران و
وقوف در تعلیمات آن دارد، یک مرتبه صورتی ساخته و پرداخته بود که شاه عالمیان بجایزه آن بوسه
بر دست او نهادند))

اسناد دیگری نیز در این باب و در کتاب عالم آرای عباسی تالیف اسکندر بیگ ترکمان منشی قید
شده که پدر و پسر را چنین معرفی مینماید :

((مولانا علی اصغر کاشی استاد با قرینه و مصور پاکیزه ساخت و پرداخت و رنگ آمیز مفرد در
کوره پردازی و درخت سازی از اقران در پیش بود، او نیز خدمت سلطان ابراهیم می‌بود، در زمان
اسماعیل میرزا از اصحاب کتابخانه شد، پسرش آقا رضا در فن تصویر و صورت آرای و چهره گشائی
ترقی عظیم کرده اعجوبه زمان گشت در این عصر و زمان مسلم الثبوت است با آن همه نزاکت قلم
به زور آزمائی و ورزش گیری هم مشغول است و نسبت به ارباب استعداد، باین گروه زیاد راه جسته ولی
در این عهد نزدیک از آن هرزه ورزی باز آمده است، البته کار خود نمی‌شود و تنگ حوصله‌گی و بد
مزاجی بروی مستولی شده است . در طبع وی استغنائی عجیب هست، از خدمت حضرت اعلی شاهی
ظل الهی مورد عواطف گردید و رعایت‌های کل یافت، اما از اطوار ناهنجار خود صاحب اعتبار نشد و
همیشه مفلس و پریشان حال است))

در تزوک جهانگیر، راجع به آقا رضا و فرزند هنرمندش مختصر اشاره‌ای کرده و او را هروی و خانه
زاد معرفی نموده، ولی خود آقا رضا که در ایام صباوت و کودکی به جهانگیر پادشاه ارادت داشته و

از او حمایت‌ها دیده بود، خود را جهانگیر شاهی میخوانده و بآن افتخار میکرده است. با مطالعه اسناد بجا مانده مزبور، معلوم گردید آقا رضا مصور کاشانی فرزند علی اصغر کاشانی بود که خود از اساتید و معارف نقاشی زمان بشمار میرفت و در نزد سلطان ابراهیم میرزا مقرب و معزز میزیست. رضا از کودکی در دامن پدر هنرمند خود و سایر استادان آن دوره از جمله عبدالصمد شیرازی پرورش یافته و بعمر ایام جوانی هنرمند بار آمده و بر موز و دقایق هنر تصویر سازی آشنا گشته بود.

آقا رضا در دربار شاه عباس کبیر، بعزت و حرمت تمام میزیست و از آن پادشاه رعایت‌ها میدید و چون بعمر ایام مهارت و استادی وی در امر چهره سازی و نزاکت قلم انگشت نما گردید، پادشاه صفوی جهت اعتلای نام و رفعت مقام وی فرمانی صادر کرد و او را مصور خاصه خود تعیین نمود. سواد فرمان مزبور که در گلستان هنر یاد شده چنین است: (۱)

((چون مصور کارخانه انه مصور الاشیاء و قادر علی مایشاء بمحض قدرت ازلی بقلم لم یزلی نقش نواب فلک جناب ما را به مقتضای آیه احسن صور کم در صفحه جهان و لوح خواطر بنی نوع انسان کالنقش فی الحجر تحریر و تصویر فرمود و پرگار وار کره خاک و دوائر افلاک را در تحت تصرف مکان ما آورد، لاجرم هر نقش مرادی که در صفحه اندیشه طرح و هم نگاشته قلم مانی رقم و بسان خط رخسار خوبان و مثال صفحه حل کاری خورشید پر زینت و زیب بر وفق مقاصد و مطالب چهره گشا میگردد و بشکر این مواهب عظمی همواره ما را نیز در صفحه خاطر خطیر این صورت نقش پذیر گشته که جمعی از هنرمندان نادره کار و نقاشان بدایع نگار که در زمان دولت روز افزون در ظل عواطف تربیت ما نشو و نما یافتند، بر وجهی رعایت و تربیت فرمائیم که پیکر فراغت و رفاهیت ایشان به رنگ حصول امانی و آمال مصور بوده، مرفه الحال و فارغ البال روزگار گذارند. لهداشمهای از مزاحم بی غایت شاهانه را درباره سعادت آثار نادره الزمانی و حید دورانی، آقا رضای مصور خاصه که از عنفوان شباب، آثار قلم معجز نگارش دستور العمل نقاشان نادره کار و مورد تربیت نواب همایون ماست فرموده)) (۲)

پس از مدتی که به لقب مصور خاصگی شاه رسید و بمقامات بالا عروج نمود، ظرفیت نگاهداری و تداوم این افتخار را از دست داد و بنوشته تاریخ نویسان آن دوره، کارش بکاهلی افتاده و بعلت اختلاط با نامردان و لوندان پریشانحال و آواره گشته و از خدمت دربار مطرود گردید. آخر الامر هنرمند کرانمایه و پر احترام که روزی پادشاه مغرور صفوی با احترام بوسه بر دستش نهاده بود، رسوا و در بدر گشته مجبور به جلای وطن گردید و بهمراهی فرزند خردسالش ابوالحسن بدربار شاهان هندی رو آورد. نخستین اثری که در هند ترسیم نموده و خود را شناسانده است، تصویر پر ارزش شاه سلیم است که حالیه جزو ضائم مرقع گلشن در ایران میباشد. این اثر پر هنر که حلاوت و استادی کم نظیری دارد رقمش چنین است: (غلام باخلاص شاه سلیم آقا رضای مصور فی تاریخ ۱۰۰۸) و اگر تاریخ حرکت آقا رضا را یکسال قبل از خلق اثر بجا مانده‌اش بدانیم، یقیناً " سال ورودش به هند حدود سالهای ۱۰۰۷ خواهد بود و از طرفی با بررسی و قرائت امضای یکی از آثار ارزنده‌اش که بروی جلد مجله هنر و مردم شماره ۱۲۱ چاپ شده، بوضوح سن خود را آشکار ساخته و چنین رقم نهاده است: (در سن شصت سالگی ساخته شد، سنه ۱۰۳۰ عمل مرید باخلاص آقا رضا جهانگیر پادشاهی)

۱ - صفحات ۱۵۰ و ۱۵۱ کتاب گلستان هنر به کوشش آقای احمد سهیلی خواساری

۲ - مناسبانه از بقیه فرمان اطلاعی بدست نداریم.

حال که بنوشته خود هنرمند، تاریخ تولدش بسال ۹۷۰ ه.ق. مسجل گردید، ما مینوانیم با مقایسه آثار بجا مانده‌اش سن واقعی وی را در موقع ورود بهند ۳۷ یا ۳۸ ساله بدانیم و نوشته یکی از هنر شناسان معاصر را که مرقوم داشته: (آقا رضا گویا در کهن سالی به شبه قاره آمده بود) اشتباه و بی اعتبار بدانیم.

اکنون که به احوال وی تا حدودی واقف گشتیم، بهتر است مختصر تحقیقی نیز درباره شیوه کار و نکات برجسته آثار وی چه در ایران و چه در هند که شیوه‌هایش فرق کرده داشته باشیم.

آثار قبل از سفر هند او دلربا و فریبنده و معلوم میداشت که پیرو مکتب استاد محمدی هراتی و عبدالصمد شیرازی بوده و در آرایش تصاویر و ارائه زیباییهای طبیعت و چهره پردازی پسندیده و نادره کار بوده است. متأسفانه پس از تغییر رفتار و معاشرت با لوندان و بی مایگان از دربار صفوی طرد گشته و از شهرت و اعتبار اولیه در افتاد و از طرفی با درخشیدن ستاره تابناک جوان دیگری چون رضا عباسی رونق بازاریش کساد گشته و از مقامات والای خود سقوط نمود.

خوشبختانه موقعی که بهند رسید شانس و اقبال مجدداً بوی روی آورده و مورد توجه پادشاهان هنر شناس هند جلال الدین اکبر و فرزندش نورالدین جهانگیر (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷) واقع گردید. چون شاهان مغول هند در آن زمانها آرزومند بودند که در جلال و شوکت و عالم آرائی بر شهریاران صفوی برتری یابند، بدین مقصود تشکیلات هنری معتبر و وسیعی را در اختیار این پدر و پسر هنرمند گذاشته و آنها نیز با لیاقت و کاردانی و با بسط و تلفیق هنر صفوی که از ایران بارمغان برده بودند، موفق بایجاد مکتب پر غنا و پر مایه‌ای شدند که ریشه ایرانی داشته و سالهان منمادی در آن دیار اشاعه و مورد دلخواه علاقمندان بوده است. آقا رضا در این زمانها خود را مرید باخلاص جهانگیر شاه میخواند و فرزندش نادرالزمان نیز به تبعیت از مقام پدر هنرمندش بدرج (مرید زاده‌های باخلاص) مباحی بوده است.

جهانگیر پادشاه در تزوک جهانگیری باین مطلب اشاره کرده و چنین نوشته است:

"در این ایام مصور ابوالحسن ملقب به نادرالزمان سرافراز گشت و مجلس جلوس مرا در دیباجه جهانگیر نامه کشیده بنظر آورد و موجب الطاف فراوان گشت. تصاویر وی شاهکار زمان است، پدرش آقا رضا هروی در شاهزادگی مرا خدمت کرد و خانه زاد بود."

بدین اعتبار آثار بجا مانده‌اش زیب مرقعات سلطنتی و مجموعه‌های ارزشمند آن دوره قرار گرفته و نام پر آوازه‌اش مجدداً رونق تازه پیدا کرده است.

از تاریخ وفات و سن حقیقی وی اطلاع دقیقی بدست نداریم، ولی آنچه مسلم است در سال ۱۰۳۰ ه.ق. مردی ۶۰ ساله بوده و بعد از آن تاریخ معلوم نیست تا چند سال دیگر زنده و در قید حیات بوده است.

متأسفانه به علت شباهت کارهای اولیه این استاد با تصاویر ارزشمند رضا عباسی، که در آن زمانها تنها رقیب و معارض آقا رضا محسوب میشده و رونق بالاتری داشته مخلوط شده و اغلب هنر شناسان را با اشتباه و خطا انداخته که ارائه صحت و سقم تصویرها جز بر ارباب بصیرت پوشیده میباشد. آثار اصیل و رقم دار وی عبارت است از:

۱- تصویر زیبا و نفیس این هنرمند را در یکی از مرقعات موزه ویکتوریا و آلبرت لندن دیدم که رقم (عمل رضا جهانگیر شاهی) داشت. در این اثر موزون، پیر مردی نشسته و عمامه سفیدی بسر گذاشته بود و ریش و سبیل بزی داشت و پیکان تیری که به عکس در دست گرفته بود دیده میشد. پیر مرد به علامت نشانه گیری یک پای خود را بزمین گذاشته و پای دیگر را بلند کرده بود. یک کمان آویزان و یک گرز فلزی بروی پای چپ دیده میشد.

۲- اثر دیگر هنرمند تصویر شماره ۲۹ کتاب انوار سهیلی مضبوط در بریتیش میوزیوم بود که شرح این کتاب را در احوال "آنتنت" نقاش ارائه دادام .

این تصویر، مجلس بزم سلطنتی است که شاه جوان با ندیمان نشسته و صحبت میکند. از نوشته بالای تصویر چنین بر میآید که یکی از خواص نزدیک، طبق زرینی زیر قبای خود پنهان کرده و شاه آنرا فهمیده است. در این اثر شایسته، شاه در وسط تالار نشسته و حلاوت پرآذین فرشها و منظره درختان باغ و صحن مجلس ستودنی است. چند مطرب نوازنده در کنار دیده میشود و عده‌ای از نوکران بخدمت مشغول میباشند. در پائین جدول بخط قرمز رقم دارد. (آقا رضا)

این اثر در مجله هنر و مردم شماره ۱۸۲ چاپ و منتشر گشته است.

۳- نفیس‌ترین و زیباترین اثر دیگر نقاشی که در رویه جلد هنر و مردم شماره ۵۳ و ۱۲۱ بعکس رنگی چاپ شده، تصویر نشسته شاهزاده جوانی است که باز شکاری بدست گرفته و دوزانو در مقابل پیرمرد محترمی قرار گرفته است. مرد تنومندی که گویا از محارم است، در کنار جوی آب دیده میشود. جوان دیگری که روی تخته سنگی نشسته، بناواختن عود مشغول است و اسب شاهزاده در گوشه چپ تصویر جلب نظر مینماید. منظره باغ و شیوائی درختان کاج و تصویر تازی شکاری و جوانک بالای کوه و منظره ساختمان بسیار جالب است و رقم دارد.

(در سن شصت سالگی ساخته شد ۱۰۳۰ عمل مرید باخلاص آقا رضا جهانگیر پادشاهی)

موجود در ضامم مرقع گلشن تهران.

۴- اثر دیگر نقاشی، تصویری در مرقع گلستان است که پادشاهی دوزانو در خدمت پیر مردی لاغر اندام نشسته و صحبت میکند. پیر مرد مزبور در میان برکه آب و درختی بلند دو زانو بروی زمین نشسته و قوش باز و کماندار سلطنتی در پشت سر پادشاه دیده میشود. یکی از ندیمان مرشد، کنار دست وی قرار گرفته و درخت پر برگ زیبایی که بروی آن درخت انگوری پراکنده گشته، نمایان است روی تکه سنگی رقم دارد.

(مرید باخلاص آقا رضا)

۵- اثر پر زینت و زینت دیگر این هنرمند که در کتابخانه گلستان تهران قرار گرفته عبارتند از:

الف - مجلس شاهانه و جمع نوازندگان. با رقم. (عمل رضای مرید پادشاه سلیم) (۳)

ب - تصویر مرد جوانی که نامه میخواند. با رقم.

(بنده با اخلاص آقا رضا)

پ - تصویر شاه سلیم با دوستان خود در صحرا است که رقم دارد.

(آقا رضا مرید باخلاص عمل نادر الزمانی جمعه تمام شد)

۶- تصویر شاهزاده جوانی است که شاهین شکاری بدست گرفته و دو زانو در مقابل مرشد پیر قرار گرفته است. منظره کوهها و درخت جنار تنومند و تصویر چند مرغ و لانه آنها که زیبایی روی درخت ظاهر ساخته و همچنین قیافه استادانه مجسمه سنگی پیر مردی که بالای کوه ارائه شده و چه بسا ممکن است شمایل خود نقاش باشد، در روی سه عدد سنگ رقم دارد.

(بنده باخلاص شاه سلیم رقم آقا رضا)

۷- اثر دیگری که در کتاب ISLAMIC PAINTING ارائه گشته مجلس درباری پر جلالی است که

۳- منظور نقاش از شاه سلیم شیخ سلیم شاه چشتی بود. که از اعظام صوفیه هند بشمار می‌رفته و آقا رضا نسبت باین مرشد حقیقت ضمیر ارادت خالصانه داشته و در اغلب تصاویر قیافه مرشد خود را ارائه داده است. از طرفی باید بدانیم جهانگیر قبل از رسیدن بیادشاهی شاه سلیم نیز خطاب شده است.

شاه و ملکه روی تخت نشسته و دو نوازنده مطرب به هنرنمایی مشغول میباشند. منظره باغ و طراوت درختان سرو فرح افزا است و رقم دارد. (رقم آقا رضا)

۸- دیگر اثر برارزنده این هنرمند که روی جلد مجله هنر و مردم شماره ۶۵ بعکس رنگی چاپ شده، ترسیم مجلس سلطنتی است که جهانگیر پادشاه با آرایش و صلابت پادشاهی در قصر نشسته و دو دختر شناگر در حوض آب بشنا مشغول میباشند. چهار مستخدم مخصوص در صحن باغ دیده میشوند. چشم چران فضولی از طبقه دوم مشغول نظاره است. منظره باغ و تصویر قصر سلطنتی و افق دور و نمایش کوهها پر زیب و زینت است. این اثر ارزنده که در موزه هنرهای تزیینی ایران بیادگار است. رقم دارد. (عمل غلام باخلاص آقا رضا مصور جهانگیر شاهی)

۹- دیگر اثر ارزتمند آقا رضا. تصویر پیر مردی بسیاق کشیشان اروپائی است که کاغذی بدست گرفته و روی آن نوشته شده:

(غلام با اخلاص شاه سلیم آقا رضای مصور در بلده آگره فی تاریخ رمضان ۱۰۰۸)

۱۰- تصویر دیگر، منظره باشکوه و منقش مسجدی در میان باغ پر گل و درخت است که در انتهای آن کوهی جلب نظر مینماید. در روی کوه قصری زیبا ایجاد شده که چند نفر مشغول بالا رفتن هستند. رقم دارد. (آقا رضا)

۱۱- دیگر اثر ارزنده هنرمند. پادشاه سوار کاری است که شاهین بدست گرفته و با ندیمان و همراهان خود عازم شکار میباشد. جماعتی در حدود هشت نفر ناظر صحنه هستند. منظره درختان و کوهها در کمال دلپذیری است و پرندگان رنگارنگ و چشم نوازی از قبیل درنا و لکلك سفید بحال پرواز دیده میشوند. در زیر پارچه سنگی رقم دارد. (مرید باخلاص آقا رضا جهانگیر شاهی)

دیگر از آثار متفرقه هنرمند در موزههای مختلف عبارت است از:

۱۲- یک مرقع نفیس و زیبا از کارهای این هنرمند در موزه بوستون آمریکا.

۱۳- تصاویر نسخهای از حافظ که در موزه بریتانیا مضبوط بوده و تاریخ آن ۱۰۱۷ مییاشد.

۱۴- تصاویر خمسه امیر خسرو دهلوی که در کتابخانه ملی پروس برلین قرار گرفته و از آثار این هنرمند میباشد.

۱۵- دیگر از آثار رقم دار آقا رضا، آرایش سر در باغ خسرو از باغهای سلطنتی قدیم الله آباد در هند است که مناظر داخلی آن نیز بحدس قوی از کارهای این استاد بوده و در رویه سر در آن بخط زیبای عبدالله ترمذی که در دربار اکبر و جهانگیر پادشاه خدمت کرده و ملقب به مشکین قلم بوده چنین قید شده است:

(حسب الحکم شاهنشاه جهان نورالدین محمد جهانگیر باهتمام مرید)

باخلاص آقا رضا مصور این بناء عالی صورت اتمام پذیرفت)

۱۶- زیباترین اثر این هنرمند، تصویر آهوی خوش تراشی است که با شاخهای بلند نقاشی شده و گردن بند و افسار بگردن دارد. شاهزاده جوانی که لباس طلائی شیوه اصفهانی بتن کرده باهو غذا میدهد، در زیر پای جوان رقم دارد. (مشق کمترین رضا)

۱۷- دیگر از کارهای اولیه آقا رضا. تصویر جوان ایستاده ایست که عبائی زیبا بمانند شنل بدوش انداخته و کلاه عامامای صفوی بسر گذاشته و رقم دارد. (مشق کمترین آقا رضا)

۱۸- دیگر اثر هنرمند، تصویر جوانی است که بسنگی نکیه داده و دو زانو نشسته. رقم دارد. (آقا رضا)

۱۹- تصویر دیگری که در گوشه یکی از صفحات کتاب نقاشی شده، تصویر زن و مردی عاشق پیشه است

که همدیگر را بغل کرده و براز و نیاز و رقص و پایکوبی مشغول میباشند. رقم دارد.
(در دارالسلطنه هراه ساخته شد راقمه رضا)

۲۰- پر پیرایه‌ترین اثر آقا رضا، مجلس بزم شاهزاده‌ای است که روی تختی نشسته و نوازندگان و ندیمان در اطراف وی قرار گرفته‌اند. در ساختمان مقابل که در کمال دلپذیری و حسن سلیقه آرایش گشته، حرم سرای شاهزاده دیده میشود. جماعت نوکران و آشپزان دربار که مشغول پخت و پز بوده و عده‌ای نیز سرگرم پذیرائی هستند، جلب نظر مینماید. درخت زیبا و کهن سالی، در وسط منظره دیده میشود. این اثر زیبا که در صفحه ۱۳۱ مرقع گلشن در تهران قرار گرفته. رقم دارد.
(عمل رضای مرید پادشاه سلیم)

۲۱- دیگر اثر هنرمند، تصویر پیر مرد مرشدی است که در مقابلش جوانی نشسته و با او صحبت میکند. حواشی لباسها و سر و صورت پیر مرد نورانی و طلائی است و رقم دارد. (مشقه آقا رضا)
در بالا و پائین تصویر، خطوطی از میر علی کاتب هروی دیده میشود که حواشی عالی و مذهب دارد.
۲۲- دیگر از آثار این هنرمند که در فریر گالری واشنگتن قرار دارد، تصویر دختر شادابی است که لباس سبز خوشرنگ و بلند پوشیده که آستینهای بنفش رنگش از زیر لباس دیده میشود. کلاه سبک بالی بسان پارچهای رنگین بسر انداخته و بند جواهر نشان به پیشانی دارد. دختر جوان که بناز و عشوه تمام ایستاده و دلربائی میکند، بادبزن منقش بدست گرفته و در محلی ایستاده است. در زمینه ساده، چند نگ گل و چند تکه سنگ و در بالای تصویر، یک رده تصویر ابرچینی (چین دومانی) دیده میشود. مهر مخصوص سلطنتی باسجع (بنده شاه ولایت عباس) در قسمت بالا و سمت راست جلب نظر میکند. رقم نقاش بخط فلم موئی چنین است. (مشقه آقا رضا) (تصویر شماره ۳۲)

۳۹۱- رضای قاجار

شاهزاده پر استعداد قاجاری بود و در قلمدان سازی و شبیه پردازی دستی به کمال داشت. از آثار رقم دار وی، قلمدان پر مهارتی دیدم که در روبه آن تصویر بسیار شبیه مظفرالدین شاه قاجار نقش بسته و حواشی و جوانب آن از گل و مرغ پرمايه و رنگین آذین گشته بود. حواشی قلمدان طلائی بود و رقم داشت.
(کمترین رضای قاجار)

۳۹۲- رضا مذهب اصفهانی- میرزارضا

از مذهبان نادره کار و چیره دست اصفهان بود و در تذهیب قرآنها و کتابها و فرامین و مرقعات دست پر قدرت داشت. فرزند میرزا رضا میرزا عبدالعلی است که آن نیز در هنر خود سرآمد گشته و در زمان خود مذهب باشی اصفهان بوده است.

۳۹۳- رضی نقاش

از نقاشان و تذهیب کاران اوایل قرن ۹ ه. ق. بوده و فرزند بنام نظام الدین داشته و در تذهیب از نوادر زمان خود بوده است.

۳۹۴- رضی الدین

نقاش شیرین قلم دوره زندیه بود و در شیوه صفوی آبرنگ و قلمدان می ساخت.
از آثار این هنرمند قلمدان پر مایه‌ای دیدم که در روبه آن تصویر زن و مردی به استادی نقش

بسته بود. کلاه و لباس و سایر مشخصات تصویری و بطور کلی آرایش قلمدان در شیوه صفوی بود و رقم داشت. (رقم کمترین رضی الدین)

۳۹۵ - رضی طالقانی - صنایع همایون

مذهب و نقاش زبر دست قاجاری بود و در ارائه شیوه‌های گوناگون تذهیب، دست افسونگر داشت. میرزا رضی در آرایش و تلفیق گلها، با صورتهای انسانی و تصویر پر آذین جمع حیوانات به طلا و حل کاری، انگشت نما و بی همتا بود. او شبیه سازی و جهره پردازی را خوب میدانست و در ارائه هر چه بهتر آن بحد وسواس قوی دست بود.

در مجمع الصنایع الماسیه ناصری که در آن زمانها مجمع هنرمندان نقاش و سایر رشته‌های هنری دیگر بشمار میرفت، میرزا رضی نیز حجره‌ای مخصوص بخود داشت و در همان محل محقر، بخلق آثار بدیع و بیهمتا همت می‌گماشت. رضی اهل طالقان بود و در ارقام مختلفی که از او بیادگار مانده سعی داشته نام مسقط الراس گرمی خود را بهر ترتیبی که شایسته باشد در جوار امضای خود ثبت نماید. او نام خود را با امضای (اقل چاکران رضی طالقانی) درج می‌نمود و قدیمیترین اثری که لقب (صنایع همایون) را ثبت نموده، سجع مهری است که بسال ۱۳۱۴ ه.ق. تهیه شده و در ذیل اثری بکار رفته است.

اثر این مهر را در صفحات کتابی که تذهیب و تزیین آن، از آثار استاد ابوالقاسم شیرازی بود، دیده‌ام که میرزا رضی صنایع همایون در ذیل همان صفحه بخط خود چنین نوشته و زیر آنرا مهر زده است:

(این تذهیب از کارهای ممتاز میرزا ابوالقاسم مذهب باشی که از تعریف مستغنی است و من قیمت و ارزش برای او تعیین نمی‌توانم بکنم. رضی مذهب) و زیر امضاء خود مهر زده بود. (صنایع همایون)

اندازه این مهر $2 \times 1/5$ سانتی‌متر و سجع آن بخط نستعلیق زیبا چنین بود.

(صنایع همایون ۱۳۱۴)

متأسفانه از احوال و زندگی خصوصی میرزا رضی و تاریخ تولد و مرگ وی کوچکترین اطلاعی نداریم، ولی آنچه مسلم است، این نقاش ذوقنون، از سالیان ۱۲۹۹ ه.ق. تا ۱۳۲۲ ه.ق. که آثار تاریخ‌دار دارد در کمال چابک قلمی و تردستی در اجرای رموز و دقایق صنعت طاقت فرسای تذهیب، موفق و بی رقیب بوده است. از آثار رقم‌دار وی دیده‌ام:

۱- استادانه ترین آثار تذهیبی نقاش، میز فولادی نفیسی بود که شعاع ۳۷ سانتی متر داشت. رویه این میز که در شیوه‌های متنوع و پیچیده تذهیب ترسیم گشته بود، در نوع خود جامع ریزه کاریهای فنی هنر تذهیب بود که در یک جا ارائه شده بود.

در آرایش چشم نواز میز، از نکات مختلفه هنر تذهیب از قبیل پیچک‌های خوشه انگوری و بوته جیقه‌های پر آذین و پر طاووسیه‌های پر مایه و ریشه گل‌های رنگین و شمشه‌های زر افشان و ترنج‌ها و نیم ترنج‌های موزون در تکنیکی ماهرانه استفاده کرده بود که به نفس و درحد خود شاهکار بشمار می‌آید. این میز که جهت میرزا علی اصغرخان اتابک تهیه شده بود، نام وی را بخط رقاع طلائی و در قرینه هشت سهمی، درج کرده و بخط زیبایی نستعلیق رقم داشت. مضبوط در مجموعه شماره ۲

(اقل چاکران رضی)

۲- دیگر از آثار میرزا رضی، میز مدور تذهیبی است که در موزه قصر گلستان قرار گرفته است. این

هنر که بسان میز اتابک به انواع ترنج‌ها و شمشه‌ها و تشعیرها آرایش یافته، جهت ناصرالدین شاه قاجار ساخته شده و در وسط چنین قید شده است :

(السلطان صاحب قران ناصرالدین شاه قاجار ۱۳۰۳)

رقم نقاشی که به نسخ ممتاز و سفیدابی کتابت شده، چنین است :

(در مجمع الصنایع دولتی مبارکه - بنده اقل چاکران رضی طالقانی)

۳- اثر ممتاز و بی‌همتای دیگر نقاشی، تذهیب استادانه و پر حلاوتی است که در موزه ویکتوریا آلبرت قرار گرفته است. این اثر زیبا که در حقیقت مجموعه‌ای از تنوع هنر طلا کاری است، با ارائه لچک‌های زرین و شمشه‌ها و اسلیمی‌های گوناگون که در بطن آنها کله‌های انسان و حیوانات بت‌دستی انجام یافته، معرف زبر دستی نقاشی بوده و بخط غبار شکسته رقم دارد. (مشقه رضی)

در وسط صفحه مزبور، چهار گوشه‌هایی در ابعاد تقریبی یک سانتی متر، ترسیم کرده و نام رضی را بخط طفرائی زیبا در چهار مرتبه درج نموده است.

۴- اثر ارزنده دیگر نقاشی، جلد کتابی در کمال قدرت بود که در حراج ساتبی لندن بفروش رسید. در رویه این جلد و در سه سهم گوناگون، انواع تذهیب‌ها به تردستی انجام یافته که واقعا "ستودنی بود و رقم نقاشی در ذیل اثر چنین بود.

(در مجمع الصنایع دولتی مبارکه - اقل چاکران رضی مذهب سنه ۱۲۹۹)

۵- اثر قلمدانی این هنرمند، قلمدان مذهب و عالی بود که تصویری در رویه داشت و بخط ریز رقم زده بود (رضی صنایع همایون) مجموعه شماره ۱

۶- دیگر از آثار این استاد که رقم (کمترین صنایع همایون) داشت. قلمدانی پرکار و ممتاز بود که بروی نقش‌های اسلیمی و تذهیب‌های گوناگون، تصاویری از کله انسان و حیوان و پرندگان نقش بسته بود که در جمع یکدیگر تلفیق شده و بسیار پر مهارت بود.

۷- شاهکار دیگر هنرمند که بروی تخته اجرا شده، تذهیب زمینه و کنار خطوط مظفرالدین شاه بود که در قصر صاحب قرانیه انجام یافته بود. در این اثر پر هنر، تذهیب اطراف پرنگ لاجوردی بوده و برگهای خوشه انگوری خوش منظر و گل و برگهای مزین در کنار دست نوشته‌ها جلب توجه مینمود. در گوشه بالای سمت راست، تاج سلطنتی ارائه شده و در مقابل آن بخط ریز رقم داشت :

(اقل چاکران رضی صنایع همایون) اصل نوشته متن تذهیب، بروی تخته چنین بود :

(هو - این مشق را که روی این تخته نوشته میشود یادگار قصر صاحب قرانیه است، امروز که روز جمعه ششم جمادی الثانیه ۱۳۲۲ است در طالار هستیم، احتساب الملک عمید حضور، موتمن حضور دکتر خلیل خان اعلم الدوله هم روزنامه ترجمه میکند، فرزند عزیزم اعتضاد السلطنه حاضرند).

۸- از آثار آبرنگی این هنرمند که در نمایشگاه هنری ایران در پکن جلب توجه نمود، چهره کاملاً شبیه یکی از رجال قاجاری بود که رقم داشت. (رقم رضی طالقانی) ۱

۳۹۶ - رفیع - محمد رفیع

تصویر شاهزاده خانم زیبائی، در کمال آراستگی بروی قلمدانی نقش بسته بود که عاری از توصیف بود. این اثر ارزنده که تنها شاهکار بجا مانده و کم نظیر استادی، بنام رفیع یا محمد رفیع بود، با سجع انحصاری (یا رفیع الدرجات) نام والای خود را به پیشانی قلمدان ثبت کرده بود.

اندازه قلمدان تا حدی بزرگ و در نوع خود خوش تراش و محکم بود.

شاهزاده خانم درباری، کلاه لبه‌دار صفوی زیبائی که لبه‌های آن پوست سموری نرم افشان داشت

۱- دیگر از آثار سوخت تذهیبی رضی جلد سوخت بی‌نظیری دیدم که رقم داشت.

(ذهبه رضی طالقانی ۱۳۰۲)

بر گذاشته و بیونیدن گل سرخی که بدست گرفته، مشغول بود. صورت ملیح و فریبنده شاهزاده خانم، حالت رنگ پریدگی داشت و چشمان خمارش، در کمال دلربائی، پرمغزه و فتان جلوه مینمود. شاهزاده خانم با صلابت و وقار، در وسط باغ ایستاده بود، آویزه جواهر نشانی به گردن انداخته و موهای مجعد و بلند خود را بکنار صورت درآویخته بود.

نیم تنه آرخالق طلائی کلفت که زیر و کناره‌های یقه‌اش، به پوست خز مستور شده بود، جلوه بدیعی داشت. تک بونه‌های گل سرخ، بروی زمینه طلائی کلیجه، پر آذین و زیب افزا بود. قنداره پاشنه بلند و سرخ رنگ بپا کرده و شلوار چسبان بلند و گلدار پوشیده بود. زمینه نقاشی، باغ پر سبزه و درخت بود که ساختمانی در آنها جلب نظر مینمود. در قسمت بالای قلمدان که فضای خالی و رنگ زرد نخودی داشت چنین نوشته بود:

(یا رفیع الدرجات)

حاشیه و کناره‌های قلمدان مذهب بود و زمینه سرخ آتشی داشت. دیواره‌های چپ و راست قلمدان، گل و برگ خسته انگوری طلائی داشت که چون کمر بندی زرین بدور قلمدان پیچیده بود. از تیوه و پرداخت کار و همچنین کهنگی و فرسودگی قلمدان، معلوم میداشت که این هنرمند، از قلمدان سازان پر مهارت قرن ۱۱ ه.ق. و همزمان و هم شیوه نقاشان نامی آن دوره از قبیل محمد زمان و علیقلی جبادار و سایرین بشمار آمده که متأسفانه به احوال و دوران فعالیت هنری وی، کوچکترین آگاهی نداشتیم و این قلمدان منحصر بفرد و شایان تمجید که حالیه در مجموعه شماره ۲ مضبوط میباشد تنها اثر ارزنده نقاش است که از آن هنرمند بیادگار مانده و نام ویرا جاودانی ساخته است.

۳۹۷ - رقیه بانو

زن با کمال و هنرمند دربار سلاطین مغل هند بود.

تصویر آراسته مرد جوانی، از این هنرمند در مرقع گلستان تهران است که شایستگی وی را در امر تصویر سازی برملا میسازد. در این اثر زیبا، جوانی با لباس و عمامه رنگین، در باغی نشسته و بالشی بزیر بغل نهاده بخوردن و نوشیدن مشغول میباشد.

کاسه طلائی جنب تصویر و همچنین منظره کوهها، دل پسند و ابرهای تزیینی فضای خالی، در شیوه رضا عباسی است و رقم دارد.

(رقیه بانو)

۳۹۸ - رکن الدین سید

نقش‌های خوب بروی کاشی‌ها می‌آفرید و طراحی و کاشی تراشی نیز خوب میدانست. این هنرمند که در اوایل قرن ۸ ه.ق. زندگی میکرد، آثار ارزنده‌ای از خود بیادگار گذاشته که از آن جمله، چند کاشی زیبای طلائی کوكبی است که در موزه ایران باستان مضبوط میباشد.

۳۹۹ - رمضان شاهی - حسن

نامش حسن و به رمضان شاهی معروف بوده است.

این هنرمند که از فلزکاران و کوفتگران نامی قرن ۹ ه.ق. بشمار می‌آید، قلمدان مستطیل شکل فلزی بیادگار دارد که کناره‌ها و رویه آن به آذین و خطوط زیبای قدیمی آن دوره نقره کوب گشته و رقم دارد.

(عمل حسن رمضان شاهی)

در داخل متن کناره، اشاره به صاحب قلمدان کرده و نوشته است: (لصاحبه والسعادة والسلامة)

۴۰۰ - رمضان علی

از نقاشان با استعداد و پر تجربه اوایل قرن ۱۲ ه. ق. بود. این هنرمند در تصویرهای آبرنگی بخصوص در شبیه سازی دست داشت و در نقاشی های تزئینی که از جمع حیوانات تشکیل میشد، ذوق و قریحه مخصوصی نشان میداد. از آثار زیبای رمضان علی، نقاشی زیبایی دیدم که از تصاویر انسان و حیوان تشکیل شده و در حد خود، خوش حالت و پرباکار بود. دو ملائکه زیبا که یکی سوار بر اسب بوده و دیگری دهنه آنرا بدست داشت، پخته و پسندیده بود و رقم داشت. (عمل رمضان علی سنه ۱۱۹۰)

اثر دیگر هنرمند که در ۲۸ آپریل سال ۱۹۸۱ در ساتبی بفروش رسید، تصویر استادانه شتری بود که از جمع انسان و حیوان تشکیل یافته بود. در این اثر ابتکاری، بلقیس زن حضرت سلیمان، سوار بر شتر شده و ناجی بسر نهاده و چنگی بدست گرفته بود. خدمت‌های در پشت سر بلقیس قرار داشت و منظمًا او را باد میزد. ساربان که کلاه شیطانی بسر داشت، دهنه مار مانند شتر را بدست گرفته و هدایت مینمود. در بالا نوشته بود:

(مانی ز صنعت قلم، در تحیر است - مانا بود به صنعت، این کلک جاودانی)
(بلقیس زن سلیمان پیغمبر، قله چهارم از کوه قاف، عمل رمضانعلی سنه ۱۱۹۰) (تصویر شماره ۴۰)

۴۰۱ - روح اله میرک خراسانی

خراسانی و مقیم هرات و از سلاله سادات کمانگر بود. در ابتدای کار به قرائت کلام الله مجید و کتابت خطوط می پرداخت. پس از مدتی شوق تصویر سازی پیدا کرده و باین هنر دل بست و در تذهیب و نگارگری پسندیده و پر مایه گشت. در مراحل اولیه، بشاگردی استاد ولی الله مفتخر بود و پس از مدتی همکار وی گردید.

استاد میرک مکتب پر اعتبار استاد احمد موسی را نیز درک کرده و از آن فیضها برده است. این هنرمند در تذهیب و تشعیر و کتابت خطوط نازک قلم و چیره دست و در ارائه مجالس چهره سازی و منظره پردازی چابک قلم و شیرین نگار بوده است. او مخترع شیوه گرفت و گیر حیوانات و جانور سازی است، کما اینکه صادقی در قانون الصور باین مطلب اشاره کرده و چنین بنظم در آورده است:

- ۱- کنی گر جانور سازی اراده ز گلگون تصرف شو پیاده
- ۲- بیک سو از طریق بیش و کم باش به راه بیروی ثابت قدم باش
- ۳- بدان صاحب روش از صد یکی را بجو آیین آقا میرکی را
- ۴- مبدا ای در دریای حیرت ندانی جانور سازی صورت
- ۵- بگویم جانور سازی کدام است چه سان و چند هر یک را چه نام است
- ۶- یکی سیمرغ و دیگر هست ازدر هژبر و گاو گنج است ای برادر
- ۷- ولی معلوم این فن بر سه قسم است گرفت و گیر جملش نام و اسم است
- ۸- شوی چون بر گرفت و گیر راغب در این وادی سه چیزت هست واجب
- ۹- ز هستی جانورها دور باید ستون دست و پا بر زور باید
- ۱۰- شوی گر از دو جنگی نقش پرداز نباید بر تن هم پنجه انداز
- ۱۱- مبدا پنجه پیکار باشد در این صورت مگر ناچار باشد

دوست محمد هروی در دیباچه مرقع بهرام میرزا، از این هنرمند چنین یاد میکند:
(دیگر امیر روح الله مشهور بمیرک، نقاش هروی الاصل است و از سادات کمانگر است و در اوایل حال

بحفظ و تلاوت کلام ملک علام و مشق خط اشتغال داشت، بعد از فوت پدر بکنایت کتابه میل کرد و چون از سادات کمانگر بود، آن شغل را نیز ورزید، بعد از آن بخدمت مولانا ولی الله افتاد و بتذهیب و به تحریر مایل گشت و از آن نیز گذشته، میل تصویر در خاطرش گذشت، در این فن بی بدل و در این شیوه بی مثل شد و در زمان حضرت پادشاه مرحوم سلطان حسین میرزا رعایت یافته و از جمله منصب کتابداری خاصه بمعهد او شد)

خواند میر در صفحه ۷۷۱ کتاب حبیب السیر خطی سنه ۹۹۷ مجموعه نگارنده، در این مورد چنین مینویسد:

(خواجه میرک نقاش، در علم تصویر و تذهیب نظیر نداشت و در کتابه نویسی رایت بی مثلی برافراشت، اکثر کتابهای عمارات دارالسلطنه هرات بخط اوست (۱) وفاتش در زمان تسلط محمد خان شیبانی بر ولایت خراسان بوقوع پیوست)

در نائید کتابه نویسی میرک، در حراج ساتبی جولای سال ۱۹۸۰، کتابی دیدم که رقم میرک داشت. چون این امتیاز از نظر نگارنده، حائز اهمیت والائی بود، بدین جهت متن دیباجه و همچنین رقم صفحه آخر کتاب را پاکنویس کرده و بدیدار علاقمندان میرسانم.

(دیباجه دیوان آقا میرک نقاش)

تمجید و تحمید خالقی که قایل کلام معجز نظام لطیفه بر لوح کتاب هنرمندی دیباجه مجموع ادراک و سلیقه سخن پرداز شیرین کلام موشکاف معنی آرا سر حلقه مضمون بندان صاحب تلاش میرک نقاش که بعد از چندی که ارتفاع طبیعت گلهای الوان لفظ و معنی چیده و دسته بسته به بازار قدر شناسی و سخن فهمی آورده و از کمال درویشیهای ذاتی و حسن اعتقاد اخلاصی که به لسان الغیب خواجه حافظ شیرازی داشته، تیمنا و تبرکا در مقام جواب دیوان آن زبانندان رموز غیب در آمده و نقشبندان بدایع نگار معنوی بقوت موزونی نقش ارضی و سمائی را از الفاظ رنگین شاخ و برگ داده در لوح صورت بیان مینمایند و نقاشان صورتخانه خیال به دستیاری طبع موزون پرده از روی افکار معانی سیما نقاش صحیفه الفاظ رنگین و نقشبند دیوان معانی الی آخر.

در صفحه اول نوشته بود:

مدد میخواهد از ارواح حافظ میرک نقاش - کز و هر گوهر نظمش بود در سلک قابلها.
باز در جای دیگر قید شده بود

چون شهید تیغ او گشتی نو میرک فخر کن
بر سر دوش ملک نه پایه تابوت
در آخر همه ابیات، اسم میرک را ذکر کرده و در آخر کتاب رقم گذاشته بود.

(نمت کتاب میرک نقاش)

عبدالمحمد خان ایرانی، در کتاب خود، او را ملقب به مظهر بدیع دانسته و از استادان بهزاد معرفی کرده است. مرحوم فکری سلجوقی، استاد را چنین معرفی کرده و حکایتی نیز از وی نقل کرده: روح الله میرک مردی آزاده مترب و خوش گذران بوده و چنانکه امیر علی شیرنوائی ترسیم مسجد هرات را بوی واگذار کرد چون میرک بعیش مشغول شده و بکار مسجد نمی پرداخت، تا عاقبت میر علی شیر به تنگ آمده و فرمانی از سلطان حسین بایقرا دریافت کرد و آن چنین بود. چون فلان مبلغ باقیات دیوان سلطنتی که بر ذمه شاست، خیلی فوری تحویل خزانه داده و رسید دریافت دارید. بیچاره میرک از این حکم منوش گردیده خود را به امیر رسانده و عرض کرد که هرگز چنین

۱- او در خط نلت و نگارش کناه از نوادر روزگار بوده و کناه نلت مسجد جامع هرات نیز از یادگارهای ارزشمند اس هنرمند میباید که متأسفانه حاله از سین رفته و معدوم گشته است.

پولی باقی نمانده و استدعا نمود که او را از قهر سلطانی نجات دهد. امیر خندید و گفت، تو کار مسجد را تمام کن تا از این امر خلاصی یابی، باین ترتیب، خواجه میرک در کمال سرعت کار کتابه مسجد را بپایان رسانده و قضیه فیصله پیدا کرد.

حالیه آثار میرک در آن مسجد از بین رفته و فقط کتیبه‌ای که روی سنگ رخام سیاه نوشته و القاب سلطان حسین بایفرا می‌باشد در موزه هرات محفوظ می‌باشد.

مدت عمر و سن اصلی او معلوم نیست، ولی وفات وی باتفاق تمام نویسندگان آن دوره، در زمان استیلای تیمک خان به خراسان، و در سال ۹۱۳ ه. ق. اتفاق افتاده است.

حیدر دو غلات در تاریخ رشیدی، از میرک نام برده و چنین معرفی نموده است:

(مولانا میرک نقاش، وی از عجایب روزگار است و استاد بهزاد است، اصل طرح وی پخته‌تر از بهزاد است، اگر چه پرداخت وی مقدار بهزاد نیست، اما تمام کارهای وی در سفر و حضر، از پیش میرزا و در خانه و در هوای بیرون می‌ساخته است، هرگز مقید به حجره و کاغذ لقی نبوده، این بسی عجیب است. مع هذا اشکال و انواع آرزومندیها می‌کرد که مطلقا منظور تصویر و نقاشی است. از این جهت گرفتن اکثر آرزومندیهای درویشی می‌کرد، بآن شهرت داشته است. جمع ساختن تصویر باین امور بسیار غریب است)

شهور ترین شاگرد استاد میرک، بهزاد معروف بود که در بدایت حال، چون پدری صمیمی، در دامان پر مهر خود پرورش داده و بمسند استادی رسانده بود.

آثار اصیل و نادر استاد میرک عبارت است از:

۱- والاترین اثر این استاد را در نمایشگاه بریتیش میوزیوم دیدم که موضوع آن (ملاقات علی فارسی) بود که در صفحه شماره ۴۰۴ کتاب تصویر گشته بود.

این موضوع در دو صفحه جداگانه و روبروی هم نقاشی شده و در صفحه دست راست، جماعتی از هواخواهان، دور علی فارسی گرد آمده و کاغذی بدستش می‌دهند. در صفحه سمت چپ، نوازندگان قرار گرفته و دو نفر خدمه بخدمت مشغول می‌باشند. منظره درخت و چمن و همچنین نقش کلبه و چادر و مخصوصا "نقش قالیچه‌ها زیب افزا بوده و پر هنر می‌باشد و رقم دارد بزرگ جدول.

(عمل میرک خراسانی)

دیگر از آثار شیوای این هنرمند، تصاویری در کتاب گوی و چوگان است که در یکی از تصاویر، چهار ملائکه پر حالت تصویر شده که دونای آنها، شراب و صراحی بدست گرفته و فرشته‌های پائینی مشغول حمل غذا می‌باشند. زمینه اثر، تذهیب بی نظیر اسلیمی بوده و در وسط نقاشی و در یک ترنج بزرگ، بخط نستعلیق زیبا، چنین قید شده:

زو کوی سپهر مستدیر است - چوگان هلال گوشه گیرست

از حکمت اوست در زد و گیر - چوگان قضا و کوی تقدیر

صفحه اولی نیز بان صفحات دیگر به شیوایی ترسیم یافته، منتها در این صحنه، ملائکه‌های بالائی میرقصند و ملائکه‌های پائینی دایره و نی می‌زنند. در وسط تصویر و داخل یک ترنج نوشته:

زان پیش که حسب حال گویم - از خالق ذوالجلال گویم

آن خالق ماه و خور که چون کوی - زو چرخ فتاده در تکاپوی

۴۰۲ - روحی تبریزی - حکاک

بنوشته مرحوم تربیت در (کتاب دانشمندان آذربایجان):

"از حکاکان ماهر بوده و گاهی طبع خود را بشعر آزموده است .
از نگاه غضب آلود تو شد معلوم - که زمن گفته ، حدیثی بتو صاحب غرضی "

۴۰۳ - روشن نگار

درویش اهل هند بود و خطوط ناخنی را خوش مینوشت .
قطعه ناخنی زیبایی از این هنرمند دارم که بسالیان ۱۳۰۰ ه.ق . فرجام یافته و بگل و مرغ
ناخنی آرایش شده و رقم دارد .
(خاکسار مهتاب رای روشن نگار)

رئیس حیدر کاپیتان در نگاری آمده

ز

زرین قلم در عبدالصمد آمده

۴۰۴ - زمان - آقا زمان زرکش

بروایت نصر آبادی در تذکره خود : (اهل اصفهان بوده و در شعر فریبی تخلص میکرد . از پیش
زرکشی ، استفاده نبرده هرگز چیزی عایدش نشد . در آخر بی علاج شده بهند رفته و فوت کرده است)

۴۰۵ - زمانا نقاش

از اهالی اردستان و به راضی نقاش معروف است .
مولف ریحانته الادب در مورد این نقاش چنین مینویسد :
(شاعری است اصفهانی که در نقاشی نیز مهارت داشته و به زمانا نقاش معروف است . یک دیوان
شعر و یک مثنوی دارد . این شعر از اوست .
گر و حشیانه از روش خلق می روم عذرم بسی بجاست که آدم ندیدهام

تا سال ۱۱۱۲ در قید حیات بوده و وفاتش معلوم نیست .
 در آتشکده آذر، زمانا را طور دیگر معرفی کرده و چنین نوشته است :
 (اواز اهالی اردستان است و در اول انوار تخلص میکرد بعد به راضی راضی شد)
 این اشعار از اوست :
 یک خنده چو گل نامزدم بود در این باغ خندید مرا غنچه و آن هم ز میان رفت
 از آثار نقاشی وی ندیده‌ام .

۴۰۶ - زمانانقاش یزدی - سالک

بنوشته جامع مفیدی :
 "مدتی در خطه یزد به قلم اندیشه نقش امور غریبه و صور عجیبه بر صحایف روزگار می‌نگاشت و پیوسته اشعار آبدار بر لوح خیال تحریر مینمود. ناگاه هوای هند بر سرش افتاد و پا در وادی غربت نهاد و دیگر به وطن مالوف مراجعت ننموده در همان بلاد روانه ولایت عقی گشت. و این چند بیت که از تاریخ طبع اوست فی سنه خمس و ثمانین الف ۱۰۸۵ در حیدرآباد به نظر رسیده مرقوم گردید .
 صفحه رخ ز صفای خط او ساده شود - آب در کوزه ز فیض لب او باده شود
 از آثار او ندیده‌ام

۴۰۷ - زین الدین - شیخ

نقاش تیز قلم و پر قدرت قرن ۱۸ ه. ق. هند بود و در هاشور زنی و تصاویر جانوران و پرندگان استادی صاحب کمال بشمار میرفت .
 از این هنرمند دو اثر زیبا در کل ناقی لندن دیدم که هر دو اثر هاشور بسیار دقیق و نازک قلم داشت و رنگها نیز پریده و طبیعی عمل آمده بود . یکی از آنها حیوانی بنام مرکهه بود که در کمال استواری و قدرت قلم سایه پردازی شده و رقم داشت (زین الدین) و دیگری مرغ پر آذین و رنگی بود که روی شاخه برگی گلدار نشسته و از هر نظر قابل تعریف بود و در زیر نوشته بود .
 (ابلخا درخت بن جوئی - زین الدین) حدود سال ۱۷۷۶ م
 دیگر از آثار رقم دار این هنرمند که بیادگار مانده، یکی تصویر پلنگ چیتائی است که در کمال قدرت ترسیم شده و رقم شیخ زین الدین داشت و اثر دیگر که مجموعه و برگهای گوناگون و مرغ سینه باز بود رقم داشت .
 (درخت بن گیاس - شکر خورد - سینه باز - زین الدین)
 دیگر اثر شیوا و پر مهارت این استاد، تصویر موش کوهی بود که از درخت بادام هندی بالا میرفت و رقم داشت .
 (زین الدین) حدود سنه ۱۷۷۸ م

۴۰۸ - زین العابدین

بنوشته اسکندر بیک در عالم آرای عباسی :
 "میر زین العابدین استاد شاه جنت مکان بغایت مرد سلیم النفس نیکو اخلاق بود و در پاکیزه روزگار آهسته روی و حسن ادب شیوه و شعار خود گردانیده در خدمت و ضعیع و شریف معزز بود. نقاش خوب مجلس ساز و مصور بی قرینه پاکیزه کار چهره پرداز بود. شاگردانش کارخانه نقاشی دایر ساخته کار میکردند. اما خود همیشه جهت شاهزادگان و امرا و اعیان کار کرده رعایت میافت و انواع توجه و مرحمت اکابر بر صحیفه حالش می‌نافت . در زمان اسمعیل میرزا که ابداع کتابخانه مجدد نمود

مشارالیه نیز از اصحاب کتابخانه گردید"
از آثار رقم دار او ندیده‌ام

۴۰۹ - زین العابدین اصفهانی

زاده شهر هنر پرور اصفهان و به میر آقا و یا میرزین العابدین معروف بوده است. اسناد میر آقا در قلمدان و قاب آینه سازی و سایر آثار روغنی چابک دست و پرتوان و در مرغش سازی رنگارنگ نیز صاحب کمال بوده است.

این هنرمند گل و مرغ و تصاویر حیوانات مخصوصاً "پرنندگان را بحلاوت تمام رسم مینمود و در آرایش گلها و حل کاری آنها اسنادی بصیر بشمار میرفت.

ادیب الممالک فراهانی در اشعار خود میر زین العابدین را ستوده و چنین بنظم در آورده است:

چندا نقشی که بنمود آشکارا میر خضر آسا ز کنگ چون مسیحا

میر زین العابدین نقاش ایران کش همی خوانند مردم میر آقا

آنکه کلکش ناسخ ارزنگ مانی وانکه نقشش بر شکسته تنگوشا

خامه بر تاریخ تصویرش رقم زد نقش نقاشی نمود این صنع زیبا

بیت آخر شعر، سال اجرای تصویر بوده و بحروف ابجدی سال ۱۳۰۲ می باشد.

از آثار وی دیده‌ام:

۱- قاب آینه پاکیزه و پخته گل و مرغی بود که زمینه مرغی داشت و حواشی و جداول آن بانواع گلها آرایش گشته بود و شیوه گل مرغها استادانه و در سبک علی اشرف بود. داخل قاب آینه نیز تماما "طلائی گشته و در بالای صفحه داخل آن، بخط شکسته و پخته رقم داشت:

(هو رقم کمترین زین العابدین اصفهانی ۱۲۷۵)

۲- دیگر اثر نقاش، قلمدان گل و مرغ فریبنده بود که در وسط و رویه آن تصاویر ریز پروانه، جلب نظر میکرد. در حواشی و دیواره‌های قلمدان نیز، گل و مرغهای رنگین استادانه داشت که در بین مدالیون‌ها، منظره شهری جلوه می نمود. در این مناظر، کوچ شترها و ساربانات بنازک قلمی ترسیم شده و رقم داشت.

(زین العابدین ۱۲۸۹)

۳- دیگر قلمدان از این هنرمند، قلمدان پر اعتباری بود که تصاویر گل و مرغ و پروانه به شادابی و مهارت ترسیم شده و حواشی زیبا و آراسته داشت و رقم نقاش چنین بود. (زین العابدین ۱۲۸۹)

۴- دیگر اثر پر زیب و زینت این هنرمند، قاب آینه مرغی سبز رنگ بود که در رویه آن گل سرخ زیبایی در اندازه بزرگتر ارائه شده و در کناره آن گل‌های میخک و گل‌های سیب بنحو دل انگیزی جلب نظر مینمود. داخل قاب آینه نیز گل‌های رنگین متنوع داشت و بخط شکسته زیبا رقم زده بود.

(رقم کمترین زین العابدین اصفهانی سنه ۱۲۸۰) مجموعه شماره ۲

۴۱۰ - زین العابدین افشار

از ایل افشار و معاصر فتحعلی شاه قاجار است.

از این هنرمند جلد روغنی کتابی در کتابخانه مجلس قرار دارد که زیبایی و مهارت تمام انجام یافته و در رویه آن شیخ محترم و مدرسی را نشان میدهد که با شاگردان خود نشسته و به بحث و فحص مشغول میباشد. از حلاوت و گیرائی قلم معلوم میگردد که از شاگردان ممتاز محمد زمان ثانی بوده و شیوه وی را در امر تصویر سازی پیروی نموده است. رقم دارد.

(کمترین زین العابدین افشار ۱۲۳۵)

دومین اثر رقم دار این هنرمند که در کتابخانه گلستان تهران مضبوط است، تصویر خانه کعبه به آبرنگ است که رقم دارد.

(بجهت عزیزی قلمی شد فی سنه ۱۲۳۵ زین العابدین)

۴۱۱ - زین العابدین خوانساری

اهل خوانسار و از طراحان و نقاشان مثبت کار به روی چوب بود. از این هنرمند محبره زیبایی در موزه هنرهای نزیینی تهران بیادگار است که در وسط آن منظره گرفت گیر شیر و اژدها را در نهایت نازک قلمی کنده کاری کرده و در حواشی و کناره نیز بهمین میزان گل‌های مختلف و تزیینات دیگر حکاکی نموده است. در حوالی گرفت و گیر، این اشعار بخط نستعلیق زیبا دیده میشود: (۱)

گر این محبره نیست گنج گهر کجا اژدها جای گردش بسر
چنان اژدهائی که گاه ستیز نیارد توانائیش شیر نر
تو آهسته زین گنج دربر گشای که یا بی مر این گنج را پر درر
چو در بسته باشد چه داند کسی که خر مهره باشد در آن یا گهر
(عمل زین العابدین ۱۲۷۷)

رقم دارد.

۴۱۲ - زین العابدین - مذهب تبریزی

اهل تبریز و از مذهببان نازک قلم دوره شاه عباس کبیر بود و به میر زین العابدین شهرت داشت. نسخه کتابی بس دلپذیر دیدم که بخط علیرضای عباسی بود و سنه ۱۰۱۰ ه.ق. داشت. حواشی و کناره‌ها را این استاد تذهیب کرده و رقم گذاشته بود. (زین العابدین مذهب تبریزی) دیگر از آثار منسوب باین هنرمند، شاهنامه زیبایی بود که تصاویری از رضا عباسی و صادقی بیک داشت و حواشی و تنظیم صفحات و حل کاری و تزیینات آن اثر دست این هنرمند بود.

۴۱۳ - زینب بنت امین

از زنان هنرمند و نقاش قرن ۱۳ ه.ق. عثمانی است. از این زن هنرمند در موزه توپ قاپو سرای اسلامبول اثری وجود دارد که تصویر گل و برگ بوده و بقلم سیاهی رقم دارد.
(زینب بنت امین)

۴۱۴ - زینل العابدین اصفهانی

اهل اصفهان و شاگرد زیبا نگار استاد مصور و استاد بهزاد بود. یگانه اثر رقم دار این هنرمند که در صفحه ۴۷ کاتالوگ کل ناقي لندن چاپ شده، تصویر رزمی نبرد اسفندیار با تورانیان است که موضوع آن در صفحه تصویر، چنین قید شده.
(گفتار در آگاهی یل اسفندیار از گفتار پدر و رزم او با تورانیان)
در این اثر پرمایه، اسفندیار یکی از پهلوانان دشمن را بقتل رسانده و خیل رزم آوران و

جنگجویان که بمهارت و تردستی تمام تصویر شده، از پشت کوهها سر برآورده و معرکه جنگ را نظاره میکنند. در گوشه تصویر رقم دارد. (زینیل العابدین)

۴۱۵ - زینیل مذهب

از مذهبان نادره کار دوره شاه عباس بزرگ است که در هنر تذهیب دست داشته و در حل کاری نیز صاحب قلم بوده است. آثار رقم دار وی را ندیده‌ام.

س

۴۱۶ - سانوله

تصویرگر شیوا نگار قرن ۱۱ ه.ق. هند بود و با لعل نقاش هندی همکاری می نمود. زیباترین اثر این هنرمند، مجلس پر حالت مکتب خانه قدیمی هند بود که لیلی و مجنون در آن مکتب خانه به تحصیل مشغول بودند. در این اثر زیبا، معلم پیر مشغول تدریس بود و زن چاق و قره‌چی که گویا پرستار دانش آموزان بود بخدمت اشتغال داشت. در گوشه دیگر نیز شاگردان مطالعه میکردند و زن خدمتگاری به پذیرائی سرگرم بود و رقم داشت. (طرح لعل عمل سانوله)

دیگر اثر پر حلاوت این هنرمند، که در نمایشگاه بریتیش میوزیوم از نزدیک دیدم. تصویر لیلی و مجنون بود که مادر مجنون نیز در مقابل آنها دیده میشود. مادر مجنون لباسهای زرد و سفید پوشیده و در مقابل وی نشسته و او را نصیحت میکند. منظره اطراف و شکل حیوانات گوناگون و همچنین عظمت و زیبایی شهر و حل کاری حواشی، ستودنی بود و رقم داشت. (سانوله)

۴۱۷ - ستار - حاجی ستار

فلز ساز و کوفتگر پر مهارت قرن ۱۲ ه.ق. بود و در کتابت خطوط نیز دست داشت. از آثار بجا

مانده این هنرمند، کلاه خود طلا کوبی پر مهارتی بود که در کناره و حواشی آن اسماء متبرکه و اسماء الحسنی جلب نظر میکرد و در پیشانی اسماء کلاه، رقم داشت. (عمل حاجی ستار)

۴۱۸ - ستار - ستار العیوب

آقا ستار از نقاشان و قلمدان سازان گمنام دوره ناصری بود و گل و مرغ را نیکو عمل می‌آورد. از آثار رقم‌دار این هنرمند که تا حدی استادانه بود. قلمدان گل و مرغ شیوایی بود که زمینه و کناره‌های طلائی و مذهب داشت و رقم نقاش چنین بود. (یا ستار العیوب)

۴۱۹ - ستار - نقاش تبریزی

اهل تبریز و از نقاشان پر ابتکار دوره ناصری بود و در نقاشی‌های تزیینی دست داشت. از آثار ابتکاری این هنرمند، تصویر شتری دیدم که از جمع حیوانات گوناگون عمل آمده و استادانه بود. این اثر زیبا که در سیاه قلم نقاشی شده بود، دو نفر بروی شتر نشسته و با همدیگر صحبت میکردند. افسار حیوان را شخص مسئولی که در قدیم باو شاطر می‌گفتند بدست داشت. حواشی تصویر گل‌های الوان داشت و رقم نقاش چنین بود. (رقم کمترین ستار نقاش تبریزی)

۴۲۰ - سراج

نقاش و طراح روی کج بود و از مشاهیر آن هنر بشمار می‌آمد. از آثار رقم‌دار استاد سراج، طراحی نقشه و عمل کرد گج‌کاری بقعه پیر بکران در اصفهان است که رقم دارد. (فی لیلہ ثلث عشرہ شهر ربیع الاول سنہ ثلاث و سبعمائہ عمل سراج) ۲۳۰ ه.ق.

۴۲۱ - سراج‌الدین - سرگین

جواهر ساز مخصوص امیر بخارا بود که در اواسط قرن ۱۴ ه.ق. به ایران آمده و در این دیار بخلق آثار زیبا مشغول گشته است.

۴۲۲ - سراج‌الدین قاسم

از مینیاتور سازان گمنام قرن ۱۰ ه.ق. بود. از آثار رقم‌دار وی ندیدم.

۴۲۳ - سراج‌ای حکاک

تذکره نصرآبادی در مورد این هنرمند چنین می‌نویسد:
 "سراج‌ای حکاک در فن مذکور مانند نداشت. آخر عمر هیچ عینک نمی‌گذاشت. از دست و قلم خط می‌کشید که بنیاد شهرت خوش نویسان را برمی‌افکند. قطع نظر از این، بسیار درویش و ملایم و پرهیزگار بود. در اصفهان برحمت خدا رفت. " این بیت از اوست.
 از گریه بهر جا که گذشتیم چمن شد - وز ضعف بهر جا که نشستیم وطن شد

۴۲۴ - سراج‌ای نقاش - محمد قاسم

نصرآبادی در تذکره خود می‌نویسد: "محمد قاسم نام دارد، در فن نقاشی زرشان بمرتبه‌ای

است که رخسار زرافشان سیم و شان را در عرق شرم دارد و از اثر تردستی اش از ابر تصویر گوهر می بارد، در کوی اهلیت خانه دارد و در گلشن آدمیت و نامرادی سیار است. در اصفهان پیوسته با موزونان محشور و از نمک صحبتش بزم عزیزان پرشور است. تتبع بسیار از متقدمین و متاخرین نموده و در امتیاز سخن، طبعش خالی از دقت نیست."

۴۲۵ - سرون - سلور - سیکر

نقاشان صاحب قلم هندی بودند که سه قطعه از مینیاتورهای دل انگیز کتاب بابر نامه معروف را که در عصر اکبر شاه هندی از ترکی بفارسی ترجمه و مصور و تذهیب شده و بهترین نسخه آن حالیه در لندن میباشد، تصویر کرده و آرایش نموده اند. ما در اینجا سه نمونه از آثار این هنرمندان را که در زمان خود شهره بوده اند جهت علاقمندان ارائه میدهیم.

- ۱- سرون - تصویر ساز اثر شماره ۲۶ کتاب است که دو حیوان بزرگ دریائی را از قبیل - سیار و نهنگ به استادی تمام نقاشی کرده و رقم گذاشته. (عمل سرون)
- ۲- سلور کجراتی - مصور نقاشی شمار ۱۹ کتاب مزبور است که در این اثر زیبا، مجلس مجلل و باشکوه بابر شاه را در کابل نشان داده که جهت زاد روز همایون پادشاه تهیه گشته است. در این مینیاتور که یک مهمانی تمام عیار شاهانه میباشد، بابر و مهمانان نشسته و نوازندگان می نوازند و خدمه مشغول پذیرائی هستند. رقم دارد. (عمل سلور کجراتی)
- ۳- سیکر - تصویر ساز مینیاتور شماره ۱۵ کتاب مزبور است که بدیع الزمان را در خدمت بابر شاه نشان میدهد. در این مجلس مهمانی، مدعوین و رجال درباری در کاخ سلطنتی نشسته و پذیرائی میشوند. نقاشی در کمال دلربائی بوده و رقم دارد. (عمل سیکر)

سعید در میرسعید آمده

۴۲۶ - سعیدی ایزدی

نصرآبادی در مورد سعیدی چنین می نویسد:
"با وجود پیری، زنده دل بود. در فن نقش بندی مهارت زیاد داشت. گاهی شعر می سرود."

۴۲۷ - سلطان علی شوستری

اهل شوشتر و از نقاشان گمنام تیموری بود.
از این هنرمند تنها یک اثر رقم دار می شناسیم که تصویر مرغ ماهیخواری را در کمال استادی ترسیم کرده که در حال پرواز بوده و یک ماهی بمنقار گرفته است. رقم دارد.
(مشقه العبد سلطان علی شوستری)

۴۲۸ - سلطان محمد عراقی - اراکی

بروایات گوناگون و پراکنده ای که تاریخ نویسان قدیمی و هنرشناسان معاصر درباره این هنرمند ذکر کرده اند او را تبریزی یا اصفهانی و یا هراتی دانسته و دقیقاً نتوانسته اند محل تولد و نام سقط الراس حقیقی وی را تعیین و شناسائی نمایند.
صاحب گلستان هنر در کتاب خود وی را تبریزی دانسته و چنین نوشته:

استاد سلطان محمد از دارالسلطنه تبریز است در وقتی که استاد بهزاد از هرات به عراق آمد استاد سلطان محمد روش قزلباش را بهتر از دیگران ساخته بود. وفاتش در دارالسلطنه تبریز بود.

مولانا میرزا علی ولد مولانای مشارالیه است، در فن نقاشی و تصویر و چهره گشائی نظیر و عدیل نداشت و تصویر را بجائی رسانده بود که کم کسی مثل او شد و در ایام پدر در کتابخانه شاه جمجاه شاه طهماسب نشو و نما یافت.

دوست محمد هروی در دیباچه بهرام میرزا، اشارهای به سقط الراس هنرمند نکرده و در ذکر مصوران و نقاشان عظام کتابخانه چنین یاد نموده:

"اول نادر العصر فی الدوران و فرید الاوان فی الزمان المحتاج بلطف الصمد استاد نظام الدین سلطان محمد که تصویر را بجائی رسانیده که با وجود هزار دیده فلک مثلش ندیده، از جمله صنایعش که در شاهنامه اعلی حضرت سکندر حشمت جم جاه ولایت دستگاه دین پناه محرر و مصور است، موضع پلنگ پوشان است که شیر مردان بیشه تصویر و پلنگان و نهنگان کارخانه تحریر از نیش قلمش دل ریش و از حیرت صورتش سر در پیش اند

بکک انامل بلوح بصر کشیده است هر لحظه طرح دگر"

اما بهترین دلیل عراقی (اراک) بودن هنرمند، امضای اصیل خود استاد میباشد که در ذیل دو اثر بجا مانده‌اش دیده میشود.

این دو اثر شیوا و یر پیرایماش که در شماره‌های ۱۵ و ۱۱ این مقال تشریح شده، رقم نقاشی بوضوح جلب نظر میکنند که نوشته: (عمل سلطان محمد عراقی)

بدین ترتیب معلوم گردید که این هنرمند اهل اراک و از هنرمندان صاحب نام آن ولایت بوده و در دوران نیموری و صفوی، در دربار سلاطین مزبور فعالیت داشته و بخلق آثار هنری مشغول بوده است. متأسفانه از دوران کودکی و اوایل جوانی سلطان محمد اطلاعات زیادی بدست نداریم، ولی آنچه مسلم است، در بدایت حال، در کتابخانه امیر علیشر نوائی بخدمت اشتغال داشته و سپس بدربار سلطان حسین میرزا راه یافته و بعد از انقراض تیموریان و روی کار آمدن دودمان صفوی، در معیت استاد بهزاد و سایر هنرمندان نامی دیگر به قزوین کوچانده شده و پس از مدتی به تبریز دعوت شده و در کتابخانه پادشاهی، مشغول ایفای وظیفه گشته است.

دوره اعتلا و شهرت والای نقاشی، در این شهر به عالی‌ترین درجه نهائی خود رسیده، تاجائیکه معلم مخصوص تصویر سازی شاه صفوی تعیین گشته و مورد الطاف و حمایت شاه طهماسب قرار گرفته است. سلطان محمد بی تردید، یکی از ستارگان نابناک و نادره کار هنر ایرانی میباشد که صفحات زرینی را بنام خود ثبت تاریخ نموده است. او در تنوع آرایش، چابک قلم و در ارائه مناظر بزمی و زریمی دست فریبنده داشت و در جانور سازی و منظره پردازی و تذهیب و تشعیر بگانه روزگار بود. کوهها و زمینها و جزئیات تصویر را بحد وسواس، دقیق و پرمایه می‌ساخت. ابتکارات بی‌قرینه و ابداعات نوظهور داشت و در مواردی تصویر حقیقی دوستان و رجال درباری را چون مجسمهای سنگی بگوشه‌های، در کوهها تصویر می‌نمود که خود حلاوتی ابتکاری بشمار می‌آمد.

مختصر اینکه، سلطان محمد بهترین و خوشترین ایام عمر خود را در تبریز و در خدمت یاران هنرمندش، از قبیل بهزاد و میرک گذرانده و سالیانی بعد از مرگ بهزاد بدیاری عدم شتافته است.

مدفن سلطان محمد، در کنار قبر استاد بهزاد سلطانی و در قبرستان باغ شیخ کمال تبریز قرار گرفته است. یگانه اولاد بجا مانده‌اش که قاضی احمد منشی قید کرده، مولانا میرزا علی نقاش است که در مجاورت و معاونت پدر و در کتابخانه شاه طهماسب صفوی بخلق آثار بی همتا مشغول بوده است.

مرحوم فکری سلجوقی از دوست محمد هروی و از دیباچه بهرام میرزا روایت کرده که مولانا محمدی هروی فرزند هنرمند این نقاش میباشد که رضا عباسی و معین مصور پیروان مکتب وی بوده‌اند. ولی نگارنده چنین نسبتی را در دیباچه بهرام میرزا نیافتم و چه بسا ممکن است مرحوم فکری سلجوقی مولانا میرزا علی نقاش، فرزند سلطان محمد را با استاد محمدی هراتی اشتباه کرده و این نسبت جعلی را در کتاب خود قید نموده است. در این مقوله هنرشناسان دیگری نیز اشتباه کرده و سلطان محمد اراکی را با سلطان محمد خطاط نور، یکی دانسته و از آن جمله نسخه نظامی موجود در موزه مترو. پولیتن نیویورک را که بخط سلطان محمد نور بوده و تاریخ کتابتش سال ۹۳۱ ه.ق. میباشد، از آن سلطان محمد نقاش دانسته‌اند.

از شاگردان معروف سلطان محمد عراقی که تاکنون مسجل شده عبارتند از:

۱- محمدی یا محمدی بیک استاد رضا عباسی

۲- برج علی اردبیلی

۳- استاد حسین قزوینی

۴- مولانا محمد

۵- محمد معین الدین خراسانی

۶- میر حسین دهلوی (که گویا داماد سلطان محمد نیز بوده است)

۷- میرزا علی فرزند سلطان محمد.

از آثار بی نظیر این هنرمند آنچه از نزدیک دیده و یا از کتابها یادداشت کرده‌ام عبارتند از:

۱- تصاویر بسیار ارزنده و والای شاهنامه شاه طهماسبی بریتیش میوزیوم که بنام آرتور هوختون نامیده میشود از آثار بنام سلطان محمد عراقی میباشد که در کتابهای بنام:

ROYAL PERSIAN MANUSCRIPTS - WONDERS OF THE AGE -
A KING'S BOOK OF KINGS

چاپ و منتشر گشته و ما در اینجا باختصار آن تصاویر را معرفی مینمائیم. (۱)

در این شاهنامه سلطان محمد چندین اثر ارزنده دارد که هیچ یک از آنها امضا نداشته و فقط شبوه کار و طرز قلم پردازی و جلالت تصاویر معلوم میدارد که از آن این هنرمند میباشد.

۱- شروع کتاب با صفحات مذهب اسنادانه آرایش شده و در صفحه اول نوشته شده (آغاز کتاب شاهنامه) و در صفحه دوم که بدینمنوال تذهیب مزدوج و شمشه‌ای دارد، در برج بالا بخط رفاع سفیدای کتابت شده (باسمه سبحانه و تعالی) در داخل شمشه بزرگتر بهمان رنگ و خط رفاع درج گشته. (برسم کتابخانه سلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم السلطان بن السلطان بن ابوالمظفر السلطان شاه طهماسب الحسینی الصفوی بهادر خان خلد الله تعالی ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین عدله احسانه)

تاریخ کتابت شاهنامه سال ۹۳۴ بوده و کلاً ۲۵۸ مینیاتور داشته که ۷۸ عدد از تصاویر، در اختیار موزه متروپولیتن نیویورک و بقیه در موزه‌ها و کلکسیون‌های خصوصی قرار گرفته است. از این مینیاتورها فقط دو عدد امضا داشته و بقیه منسوب به آثار نقاشان مشهور آن دوره میباشد که عبارتند از: عبدالصمد شیرین قلم - میرزا علی - میر سید علی مصور - آقامیرک دوست محمد - عبدالعزیز - شیخ محمد - مظفر علی - قدیمی - قاسم س علی - سلطان محمد عراقی - عبدالوهاب - باشدان قارا و میرزا محمد.

۱- تصویر اول دادگاه کیومرث است که در کمال زیبایی و قدرت قلم تصویر شده و یکی از بهترین آثار این هنرمند میباشد. در این اثر فوق‌العاده عالی، کیومرث در صدر کوه نشسته و جماعت ندیمان و همراهان گرداگرد وی قرار گرفته‌اند. در زیر تصویر این بیت نوشته شده:

(سر تاج و تختش بر آمد ز کوه پلنگینه پوشید خود با گروه)

که همه همراهان بمصداق این بیت شعر پوستین پوشیده و کنار کیومرث دیده میشوند.

۲- تصویر دیگر کتاب که منسوب به سلطان محمد میباشد، جنگ هوشنگ با دیوان است که پدرش سیامک با البسه و تاج سلطنتی بر اسب سوار شده و هوشنگ در وسط میدان کارزار با دیو سیاه در ستیز و جدال میباشد. منظره زیبای رزمگاه و همچنین ارائه حیواناتی از قبیل شیر و پلنگ و دیوهای کریه المنظر و تصاویر همراهان و فرشته‌های درحال پرواز فوق‌العاده پرزیب و زینت بوده و شایان تحسین میباشد.

۳- دیگر اثر ارزنده هنرمند در کتاب شاهنامه، تصویر قتل پدر ضحاک است که شیطان در قیافه مرد پیری ظاهر شده و ضحاک را به قتل تحریک میکند. منظره باغ و تصاویر افراد و همچنین رنگ آمیزی و حلاوت شاخ و برگها فریبنده و جتم نواز میباشد.

۴- مینیاتور منسوب دیگر، عبور فریدون از روی دجله میباشد که خیل اسبان و سربازان متعاقب فریدون شاه در حرکت هستند. منظره عبور اسبها و لشکریان ظفرمند، به قوی دستی عمل آمده و نمایانگر مهارت نقاش میباشد.

۵- دیگر اثر این هنرمند که بدسنیاری استاد میر سید علی انجام یافته، مرگ ضحاک است که بدست و پای محکم به زنجیر مهار شده و در غار کوهی زندانی گشته است. جمعی از سربازان و محافظین در گوشه و کنار صخره‌ها، هر یک بکاری مشغول میباشند. دو مامور در کنار ضحاک قرار گرفته و یکی از آنها میخ زنجیر را در زمین محکم میکند. عظمت و رنگ آمیزی صخره‌ها و شادابی و لغزندگی ابرها و ترسیم قیافه حاضرین و استواری و خوش تراشی اسبان صحنه، ستودنی و معرف استعداد و ابتکار نقاش میباشد.

۶- ششمین اثر منسوب دیگر هنرمند در این شاهنامه، قتل شاهزاده ایرج است که در خرگاهی ترسیم شده و تور نابکار سروی را از تن جدا میکند. قیافه بهت زده و وحشت کرده حضار و جمع سربازان و هوا داران طرفین که بحالت پراکندگی در صفحه تصویر ارائه شده، پر آذین و تحسین کردنی است.

۷- سه تصویر دیگر که با همکاری سایر نقاشان نامی همکارش عمل آمده، یکی از آنها سفر زال با کاروانیان است که توسط عبدالعزیز و تحت نظر سلطان محمد انجام یافته و در کمال دلربائی است. منظره کوهها و تصویر پر صلابت سیمرغ که آهوئی بدهن گرفته و پلنگی بزیر چنگال دارد، واقعا" استادانه است. تصویر منسوب دیگر که توسط قدیمی نقاش و تحت سرپرستی سلطان محمد ترسیم شده، مراجعت سام از کوه البرز است که در معیت فرزندش زال انجام یافته است. در این تصویر، نیز سیمرغ پر مهابتی، در فضای تصویر ترسیم شده و سام و زال در معیت و همراهی هواخواهان سوار فیل شده و وارد شهر میشوند.

۸- آخرین اثر منسوب به سلطان محمد در این شاهنامه که با معاونت میر سید علی انجام یافته. سنیز قارون با برادر خود بارمان میباشد. در این اثر رزمی، جماعت منازعین به البسه آهنین و سلاحهای رزمی ملبوس شده و در حضور هم قرار گرفته‌اند. چند پهلوان در وسط معرکه به جنگ و گریز مشغول میباشند.

این اثر نیز به عیار سایر تصاویر دیگر، در کمال مهارت و استادی انجام یافته و سزاوار تمجید میباشد.

دیگر از آثار بی نظیر سلطان محمد در این نمایشگاه که از نزدیک دیدار کردم، تصاویر نسخه دیوان حافظ بود که دو عدد از آنها امضای صریح نقاش را داشت و دوتای دیگر منسوب به وی بود.

۹- نخستین اثر امضادار وی، مجلس شادمانی روز عید است که سام میرزا روی تخت مزین نشسته و دوستان و نزدیکانش دایره‌وار دور او حلقه زده و به عیش و نوش و شادی و طرب مشغولند. جماعت نوازندگان و خدمتکاران به شادمانی و خوشحالی سرگرم پذیرائی هستند. جماعتی از مهمانان بالای پشت بام قصر قرار گرفته و مناظر اطراف را نظاره مینمایند. عظمت و چشم نوازی قصر و قیافه شادان حضار و ترکیب و تزیین البسه حاضرین و همچنین آرایش پرزیب و زینت داخل و خارج قصر، استادانه بوده و در کمال امتیاز مییابد.

در کتیبه بالای قصر ابیاتی بخطر قاع استادانه دیده میشود که چنین است:

عید است و موسم گل و یازان در انتظار ساقی بروی شاه به بین ماه و می بیار

خوش دولتی است خرم و خوش خسروی کریم یارب ز چشم زخم زمانش نگاه دار

زیر تخت و پائین پای شاهزاده رقم نقاش در داخل ترنجی جلب نظر میکند که نوشته:

(عمل سلطان محمد عراقی)

و در کناره‌های رقم استاد و در نیم ترنجهای متقارن کلمات (فتح باد - نصرت باد - قدرت باد - دولت باد - فرصت باد) دیده میشود.

در کتیبه بالای در ورودی قصر نوشته (غازی ابوالمظفر سام میرزا) که نقاش هنرمند ما بلفظ ابوالمظفر را با حرف (ص) درج نموده است.

۱۰- دیگر اثر رقم‌دار سلطان محمد در این کتاب، مجلس پر حلاوت باده نوشی و عیش و طرب جماعتی بی پروا است که بمصداق شعر مدرجه بالای تصویر، ترسیم گشته است.

گرفته ساغر عشرت فرشته رحمت ز جرعه بر رخ حور و پری گلاب زده

در این صحنه سماع و سرمستی که جماعت لوندان و عبا شان را در کمال خلصه و شادمانی ارائه داده و همچنین نقوش منظم و پر پیرایه ساختمان خانه که در هر گوشه آن، تصویر موضوع دیگری به ابتکار نقاش تجسم یافته، مبین استادی و حدت قلم نقاش میباشد که او را در صحنه هنر خود شایسته و در خور تحسین مینماید. و حتی دور اندیشی و تخیل سحرانه نقاش، فرشتگان آسمانی را نیز دربر گرفته و بسان انسانهای زمینی، در باده‌کاری شادی آفرین شرکت داده که جامهای شراب را بی پروا سر میکشند. رقم نقاش در کتیبه بالای درب ورودی جلب نظر میکند که چنین نوشته:

(عمل سلطان محمد عراقی)

۱۱- از آثار منسوب به سلطان محمد در این کتاب، تصویر دو دل‌داده درباری است که در آلاچیق پر زیب و زینتی، در وسط باغ پر گل و ریحانی نشسته، معاشقه و منازله مینمایند. جماعت نوازندگان به طرب اشتغال دارند و دو رقاصه باریک اندام و زیبا روی، در پیشاپیش آنها به پایکوبی مشغول میباشند. مستخدم جوانی مامور پذیرائی شاهزاده بوده و جام شراب را بوی تعارف مینماید. نقاشی در کمال آراستگی بوده و شیوه و حلاوت کارهای استاد را دارا میباشد.

۱۲- دیگر از آثار منسوب باین هنرمند که در نمایشگاه دیدم، چهار تصویر در خمسه نظامی بخط شاه محمود نیشابوری بود که سنه (فی سلخ شهر ربیع الاول سنه اربعین و نسعائه) ۹۴۰ داشت.

در تصویر اول که موضوع آن سلطان سنجر و پیر زن سالخورده میباشد. بعبار شعری که در بالای تصویر نوشته شده.

پیر زنی را ستمی در گرفت دست زد و دامن سنجر گرفت

تصویر شده و حاکی از قدرت قلم نقاش میباشد. در این اثر گرانمایه، سلطان سنجر و همراهان سوار

بر اسبها بوده و پیر زن عصا بدست، دامن سنجر را گرفته و تظلم میکند. منظره کوهها و صخره‌های بهم تنبده و درختهای تنومند بالای کوه و جماعت نظار و کیفیت تزیین البسه و ارائه خوش تراشی‌های اسبهای صحنه در نوع خود انگشت نما بوده و پرآذین میباشد.

۱۳- دیگر تصویر رقم دار هنرمند در همین خمه نظامی (حمام شیرین) است که لخت شده و در چشمهای آب تنی میکند. خسرو که در پشت کوهها از نظر شیرین ناپیدا میباشد، سوار بر اسب، انگشت تعجب بدهن برده و محو زیبایی شیرین شده و چشم چرانی میکند. اسب شیرین که در کنار چشمه ایستاده، حالت شیبه بخود گرفته و وجود نامحرم فضولی را در پشت صخره‌ها خبر میدهد. منظره صخره‌های کوه و اطراف چشمه و درخت پر برگ بالای کوه، پر زیب و باشکوه است و روی تکه سنگی رقم دارد. (عمل سلطان محمد)

۱۴- مینیاتور رقم دار دیگر هنرمند در این کتاب، شکار بهرام گور در نخجیرگاه است که بهرام، روی اسب نشسته و بشیری که الاغ زبان بسته را گرفتار کرده حمله می‌برد. در این حمله برق‌آسا، بیگ تیر شیر و الاغ را بهم دوخته و از حال برده است. منظره رنگین و بسیار بدیع کوهها و همچنین قیافه و آرایش حصار در کنارها و ارائه وحشت جانوران در شکارگاه، پر مایه بوده و رقم دارد. (عمل استاد سلطان محمد)

۱۵- آخرین و شیواترین اثر هنرمند در این کتاب که متأسفانه امضا ندارد، تصویر معراج حضرت محمد (ص) است که بر براق سوار گشته و در معیت فرشتگان به آسمان عروج مینماید. حالات و حرکات پر ملاحظت و قیافه و شادابی و تزیین البسه و پره‌های فرشتگان، در کمال فریبندگی بوده و عاری از توصیف میباشد. نور طلائی خیره کننده‌ای که در اطراف حضرت، باطراف ساطع گشته، در زمینه آبی تصویر جلوه بسیار دلپذیری دارد. ابرهای سفید و غلطان که چون موج آبی ملایم، در فضای لاینتناهی در حرکت میباشد، وضع صحنه را روحانی‌تر کرده و حالت باصفائی به تصویر بخشیده است.

این بود مختصر توضیحی در مورد آثار سلطان محمد عراقی که تعداد ۱۶ قطعه از آنها را در نمایشگاه مزبور از نزدیک دیدم. خوشبختانه اغلب این تصاویر بعکس رنگی و سیاه سفید در کاتالوگها و کتابهای گوناگون طبع و منتشر گشته که بیننده را تا حدودی اقناع کرده و بشیوه و مکتب مخصوص هر هنرمند و عظمت و مهارت تصویر ساز آشنا مینماید. حال بهتر است از سایر آثار سلطان محمد عراقی که در منابع دیگری مضبوط شده نظر انداخته و مختصراً تشریح نمائیم.

در کتابیکه راجع به مینیاتورهای ایرانی، در شوروی بوسیله ک- کریم اوف در سال ۱۹۷۰ چاپ شده آثاری منسوب به سلطان محمد دانسته که مجلاً در این گفتار درج مینمائیم.

۱۶- دو تصویر برارزنده و زیبا در صفحات ۴۲ و ۴۳ این کتاب ارائه شده که هر دو تصویر منظره شکارگاهی را مجسم میکند که شکارچیان بر اسب و شتر سوار شده و خیل آهوان را بکمین‌گاه نزدیک کوه هدایت میکنند.

در تصویر دیگر، منظره شکار گاهی است که شاهزاده شکارچی در وسط نخجیرگاه بروی فرشی نشسته و سایه‌بان مخصوص در کنار وی دیده میشود. از شیوه پر ملاحظت وجودت قلم معلوم میشود که از کارهای شیوای سلطان محمد میباشد.

۱۷- دیگر تصویر منسوب به سلطان محمد که در این کتاب ارائه شده، منظره پر جلال کوه و صحرا است که در وسط آن، درخت چنار بزرگی جلب نظر مینماید. شاهزاده جوانی زیر درخت نشسته و بخوردن میوه سرگرم میباشد. همراهان و شکارچیان دیگر در حالت استراحت دیده میشوند.

۱۸- دیگر از آثار منسوب به سلطان محمد، تصاویر چهار تک نفر است که بسیاق و شیوه استاد

محمدی عمل آمده و در نوع خود استادانه میباشد. یکی از این تصاویر، جوانی است که کلاه عمامه‌ای بسر گذاشته روی دوشک و متکا دراز کشیده و مشغول خواندن کتاب است. دیگری، باز تصویر همین جوان شاهزاده است که در محلی نشسته و کتابی را مطالعه مینماید. تصویر سوم، مجدداً این شاهزاده را ترسیم کرده که زیر درخت پر برگ و گل سفید نشسته و بخواندن کتاب اشتغال دارد. تصویر چهارم، شاهزاده دیگری است که ریش و سبیل کوتاهی داشته و کلاه عمامه‌ای پردار زیبا بسر گذاشته و عقابی بدست گرفته و گویا عازم شکار میباشد.

چند اثر استادانه دیگر که در کتاب شاهنامه شاه طهماسبی چاپ شده و منسوب به سلطان محمد میباشد، مختصراً در اینجا توضیح میدهیم.

۱۹- در صفحه ۹۲ کتاب چاپی مزبور که واقعا "در کمال نفاست چاپ شده و بعینه شبیه اصل تصاویر میباشد. مجلس ضیافت کیومرث شاه است که روی قالیچه‌ای نشسته و مهمانان و رجال دیگر به ترتیب مقام در کنار وی جلوس کرده‌اند. در وسط صحنه آتش روشن کرده و در کناره‌ها مهمانان دیگر بپایه نوشی مشغولند. در صحنه جلوتر، چوپانانی بین گله گوسفند و گاو و آهو و سایر حیوانات دیده میشوند. منظره دشت و دمن و کوه و درختان زیب افزا بوده دلنواز میباشد.

۲۰- دیگر اثر منسوب در این شاهنامه، تصویر طهمورث پادشاه است که سوار بر اسب بوده و با دیو سهمناکی نبرد میکند. جمع دیوان که باسارت یاران پادشاه در آمده‌اند، در گوشه تصویر دیده میشوند. منظره میدان کارزار و قیافه و حالات گوناگون همراهان و دیوهای مهیب، در کمال ظرافت و استحکام ترسیم شده و بی بدل میباشد. تصویر صفحه شماره ۹۶ کتاب.

۲۱- دیگر اثر استادانه سلطان محمد که در صفحه شماره ۱۰۴ جلب نظر میکند، تصویر از تخت افتادن ضحاک است که محارم و رجال درباری سعی میکنند او را مجدداً "بهوش بیاورند. منظره تخت طلائی و ترسیم و تزیین طاق نمای قصر و حالات و تجمل البسه حاضرین و سایر نکات برجسته تصویر در کمال استادی عمل آمده و ستودن دارد.

۲۲- تصویر شماره ۱۰۸ کتاب مزبور یکی دیگر از آثار ارزنده این هنرمند است که در شاه نامه شاه طهماسبی جلب نظر مینماید. ماوقع تصویر که برداشتی از این ابیات میباشد.

خبر شد به ضحاک یک روزگار از آن گاو پرمایه و سرغزار

بیامد پر از کینه چون پیل مست مرآن گاو پرمایه را کرد پست

در این داستان، ضحاک بعد از اینکه گاو را می‌کشد، بطرف فریدون رفته و خانه وی را به آتش میکشد. بعد از البرز کوه پائین آمده و پهلوی مادر میرود و از او می‌پرسد.

بگو مرا تا که بودم پدر کیم من بتخم از کدامین گهر

سلطان محمد در این اثر زیبا، هنر خود را به بهترین نحوی عرضه کرده و خیل حیوانات و جماعت نظار را در کمال تردستی نقش نموده و در وسط معرکه ضحاک که سوار بر اسب بوده و شمیر خود را داخل شکم گاو نموده، هزببائی هرچه تمامتری ارائه کرده است. استواری نقوش و ترسیم ابعاد هندسی و کاشیکاری رنگین قصر یک دنیا لطافت بهمراه دارد. در کتیبه‌های بالای قصر که همانا عمارت بهشت آسای فریدون میباشد، این اشعار درج شده است.

بلندی منظر گردون از آن یافت کز آنجا کوکب اقبال شه تافت

فلک قصر فریدون زان سبب ساخت جهان از قیصر و کاوس پرداخت

که تا داد و دهش سلطان غازی شود خورشید اوج سر فرازی

۲۳- تصویر صفحه شماره ۱۱۲ کتاب، دیگر اثر منسوب نقاش است که در کمال قدرت ترسیم گشته است. در این اثر استادانه، ضحاک نگون بخت به بند فریدون گرفتار آمده و زبون و درمانده در وسط صحنه

قصر از پا در افتاده است. محارم سلطنتی و یاران فریدون نظاره‌گر این ماجرا میباشند. منظره قصر فریدون در کمال آراستگی و پر زیب و زینت است. در بالای کتیبه قصر چنین نوشته:

بگام تو بادا همه کار تو خداوند گیتی نگهدار تو
در روی تخت فریدون که یکی از محارم نشسته در بالای آن این بیت شعر دیده میشود.

فریدون فرخ فرشته نبود به عود و به عنبر سرشته نبود

۴۴- اثر دیگر هنرمند در این کتاب که در صفحه ۱۳۲ چاپ شده (رای زدن زال با موبدان در کار رودابه) میباشد. در این اثر دلنواز و فریبنده، زال روی تخت نشسته و موبدان در حضور وی بروی زمین نشستماند. منظره پر طراوت باغ و زمینه طلائی آن روح افزاست. پرده رنگینی پشت سر زال دیده میشود. بقیه حصار در اطراف معجر قرار گرفته و گفتار آنها را گوش میدهند.

۴۵- از آثار متنوعه دیگر هنرمند که در کتاب ترکی امیر علیشیر نوائی بیادگار مانده، تصویر شکار بهرام گور در حضور آزاده است که از کارهای استادانه نقاش بشمار می‌آید.

در این مینیاتور، بهرام گور سوار بر اسب شده و یابوئی را تیر زده است. جانوران وحشی دیگری از قبیل آهو و خرگوش و قوچ و روباه و میمون از مقابل شکارچیان می‌گریزند. یکی از همراهان بهرام، شیری را شمشیر زده و روی صخره‌ها انداخته است. رودابه و دختر زیبای همراهش که بر اسبها سوار گشته‌اند، جنگ و داف می‌نوازند. صراحی و جامهای شراب در دست خدمتکاران مخصوص دیده میشود.

۴۶- دیگر اثر پر هنر این استاد که در بریتیش میوزیوم مضبوط است، تصویر پهلوان نامدار ایرانی، رستم است که روی قالبیچهای دراز کشیده و مبارزه رخس را با شیر نظاره میکند. در این ماجرا، رخس رستم پیروز شده و شیر شرزه را زخمی کرده است. منظره درختان جنگلی، صفا و طراوت بخصوصی داشته و از هر نظر ستودنی میباشد.

۴۲۹ - سلطان محمود بخاری

بنوشته صاحب مناقب هنروران:

"او در تذهیب دست داشت و در خط نویسی شاگرد میر علی هروی بود"

۴۳۰ - سلمان

از تصویر گران گم نام ایرانی است که در زمان اکبر شاه هندی بان دیار عزیمت کرده و بشغل نقاشی مشغول گشته است.

سلیمان در محمد شفیع آمده

۴۳۱ - سلیمان چلبی - مجلد

بنوشته مناقب هنروران:

"فرزند استاد محمد چلبی مجلد باشی سلطان سلیم عثمانی بود و در هنر ترنجه و شمشه سازی بطریقه ملمع و ملون دست نازک قلم داشت و بسیار شیرین کار بود. حدود سنوات ۱۰۵۸ ه.ق.

۴۳۲ - سلیمان قاسم - سید سلیمان قاسم پاشا

نقاش شیرین قلم قرن ۱۱ ه.ق. عثمانی و به سید سلیمان قاسم معروف بود.

از آثار شناخته شده این هنرمند، تصویر ملکه وپرنس جوان عثمانی است که حالیه در موزه اسلامیول مضبوط میباشد. در این اثر دلنواز، هر دو نفر شل سفید رنگی بتن کرده و کلاه عمامای بردار مخصوص بسر نهاده‌اند. تصویر چند نفر شکارچی و در قله بالائی آن دو غزال و چند درخت تکیده بی برگ دیده میشود. در کناره کوه، جوی آبی روان گشته و یک درخت پرگل در جنب آن جلوه‌گر میباشد. اسامی افراد بخطرنگ پریده‌ای نوشته شده و رقم دارد. (سلیمان قاسم)

دیگر از آثار زیبای این هنرمند که در نمایشگاه سال ۱۳۴۳ شمسی در کاخ ابيض تهران دیدار کردم، آرایش و تذهیب فریبنده و چشم نواز کتابی بنام مصور اسلام بود که دارای ۱۹۳ صفحه مصور داشت و سال اجرای آن ۱۰۸۶ بود.

۴۳۳ - سلیم قلی

نقاش پر مهارت دو تصویر از کتاب انوار سهیلی مضبوط در انگلستان است که شرح آن کتاب را جزو احوال آننت مفصلاً یاد کرده‌ام.

یکی از آثار ارزنده نقاش، تصویر سوار کاری است که شکارچی و شیر را با یکدیگر بقتل رسانده و به اجساد افتاده آنها نگاه میکند. از حالت و چهره سوار کار معلوم میگردد که بطمع گرفتن پوست شیر، شکار و شکارچی را با هم بقتل رسانده است. زمینه نقاشی و مناظر درختان اطراف، استادانه بوده و رقم دارد. (سلیم قلی)

دومین اثر هنرمند در این کتاب، تصویر یکی از پادشاهان پر جلال هند میباشد که در آرایش سلطنتی تاجی بسر نهاده و بروی تخت نشسته است. مستخدم مخصوص مشغول باد زدن شاه است. در گوشه دیگر، دو شتر و یک فیل و یک اسب با سورچی‌های مخصوص دیده میشود. مناظر پر گل و ریحان و درختان زیبا و سر سبز باغ باستانی کامل ترسیم گشته و رقم دارد. (سلیم قلی)

سماور سازی در ایران - در مجله یغمای سال ۲۰ مطلب تازه و جالبی از مرحوم ابوالحسن فروغی در مورد سماور دیدم که چون حاوی مطالب هنری تاریخی بود عیناً در اینجا ارائه میگردد.

((شخصی از اعیان که گویا در اوان سلطنت ناصرالدین شاه وقتی در اصفهان بوده برای یکی از دوستان حکایت نموده است که روزی در باغ دیوانخانه اصفهان جلو عمارت مشهور چهل ستون به اتفاق چند نفر دیگر به انتظاری نشسته بودیم. گدای کور پیری عصا زنان پیدا شد و بطرزی سوال کرد که مورد توجه و رقت آمد. هر کس چیزی داد و یکی دو قرانی در دست بیچاره فراهم گردید. پس سائل کور گفت: آقایان شما وجه معاش امروز و امشب مرا کرامت کردید و نقداً از تلاش روزی یک روزه فراغتم دادید. می‌خواهید در این فراغت برای شما قصه بگویم. گفتیم بگو. گفت: "من مردی دواتگر و بی‌بنا بودم و در همین شهر در بازار دواتگران دکانی داشتم. یک روز غفلة دیدم مامورین حکومت آمده تمام دواتگران را به حضور حاکم می‌خوانند و درین امر جد کامل دارند. چندانکه موجب اضطراب شد. لیکن چون چاره از اطاعت نبود دکانها را بستیم و همه از استاد و شاگرد روانه شدیم. ما را به هیات اجماع به محضر حکومت در آوردند. حاکم گفت کلیه دواتگران همین جماعتند و دیگر کسی باقی نیست؟ گفتیم نه. پرسید که شاگردان نیز همراهند؟ گفتیم بلی. گفت ایشان مرخصند بروند. شاگردان رفتند. دیگر بار حاکم گفت استادان در میان خود آنها را که استادترند جدا سازند. چنین کردیم. باز فرمود منتخب شدگان بمانند و دیگران بروند. چون رفتن آنها رفتند به باقی ماندگان گفت شما نیز همان کار کنید و این نحوه چینی تکرار یافت تا من و یک نفر از همکاران بجا ماندیم. به ما نیز فرمود شما هم استادتر را معلوم دارید. رفیق من به من اشاره نمود که این استاد تمام ماست و من شاگرد اویم. پس آن رفیق را نیز مرخص کرد و رو به من

۴۳۴ - سمیع زرگر

بنوشته کتاب جامع مفیدی:

"خواجه سمیع زرگر به جودت طبع و حدت ذهن شهرت تمام داشت. در اوایل حال چند گاه به کسب علوم پرداخته در علم نجوم و ریاضی ماهر گردید. بالاخره به جهت وجه معاش کسب زرگری اختیار نموده در اندک زمان چنان استاد گشت که کوره تفتان آفتاب برای گداز زر او لایق و بونه رخشان ماه کارگاه سیم پالای او را موافق. در جواهر شناسی به مثابهای که به مجرد دیدن صدق قیمت دری که درون او بودی بدانستی و در عیار گرفتن به منزله تجربه محک از غش و صفای زر خبر دادی. نظم:

روز و شب کوشش هنر کرده وز هنر کار خوچو زر کرده

هرچه بتوان ز سیم و زر پرداخت ساختی آن چنان که نتوان ساخت

و در سنه سبع و سبعین و الف به حجاز و یثرب شتافته بعد از گزاردن حج اسلام و طواف مرقد مطهر حضرت خیر الانام به وطن مراجعت کرد و هم در آن ایام پهلو به بستر ناتوانی نهاده رخت هستی به باد فنا بر داد.

۴۳۵ - سنان بیگ

بنوشته مصطفی عالی افندی در کتاب مناقب هنروران:

آورده گفت امیر ترا به تهران خواسته است (مقصود امیر کبیر میرزا تقی خان اتابک اعظم است) آنگاه فرمود نا وجهی برای حرج سفر پیش من گذاشتند و گفت باید هر چه زودتر براه افتی.

من بی آنکه بدانم مقصود چیست با اندیشه بسیار و رعبی که از اسم امیر در دلها بود به تهران شتافتم و به درگاه امیر رفتم و عریضه‌ای که حاکم اصفهان نوشته بود دادم. چون عریضه بعرض امیر رسید مرا به حضور خویش خواست. لرزان به آن محضر باشکوه در آمدم. فرمود از کجائی و چکاره‌ای؟ عرض کردم از اهالی اصفهان و استاد دواتگرم. فرمود رفتند و از صندوقخانه چیزی نادیده آوردند و پیش من گشودند بعداً دانستیم که نام آن چیز سماور است و بیشتر در پختن چای بکار می‌آید. چون سماور گشوده شد و من آن را درست دیدم امیر فرمود می‌توانی نظیر آن را بی کم و کاست سازی؟ عرض کردم بلی. فرمود کوره زدن و فراهم آوردن اسباب و ساختن یک نمونه چقدر مخارج دارد؟ مبلغی گفتم. فرمود تا فوراً حاضر ساختند. و امر نمود تا محلی برای کوره بندی دادند و از هر جهت مساعدت کافی کردند. نظیر سماور را در چند روز ساختم و به خدمت امیر بردم. دید و نحسین بلیغ کرد و منشی را پیش خواند. در همان مجلس فرمانی نگاشتند که مدت ده سال ساختن سماور مخصوص این اسناد است و حکمی به حاکم اصفهان نوشتند که مبلغ صد تومان برای ساختن کوره و دکان و تهیه اسباب در وجه فلان بپردازید و او را در حمایت دولت از هر گونه مزاحمت آسوده دارید تا با خیال فارغ سماور بسازد و به معرض فروش بگذارد.)) و از طرفی در داخل یک قلمدان قدیمی تصویر سمآوری دیدم که قدیمیترین تصویر سماور در نقوش ایرانی بشمار میرفت. اصل اثر رقم ابوالحسن نقاشی را داشت و سال اجرای آن سنه ۱۲۵۶ بود. نگارنده تصویر آنرا از روی قلمدان نقاشی کرده و شماره - ۵۱ - جزو تصاویر آخر کتاب در دید علاقمندان قرار میدهم.

"از مصوران قسطنطنیه زمان سلطان محمد خان فاتح عثمانی است. او از استادان فرنگ دیده عثمانی و شاگرد نقاش معروف فرنگی (ماستوری پاولی) بوده است. از شاگردان معروف وی شبلی زاده احمد است که اهل بوسرا و در شبیه سازی از دیگر استادان برتر بوده است."

بطوریکه در تواریخ زمان نقاش قید شده، برای تعلیم نقاشی به ونیز رفته و مدتی کار هنری نموده و بعد به بوسرا مراجعت کرده است.

از آثار معروف و شناخته شده وی، تصویر سلطان محمد دوم عثمانی است که کلاه عمامهای بسر گذاشته و لباسهای ضخیم رنگ حنائی و بنفش تیره پوشیده و گل سرخی را بدست گرفته و استشمام میکند. اندازه این تصویر ۲۷ x ۲۹ سانتی متر بوده و در آلبوم شماره ۲۱۵۳ موزه توپ قاپو مضبوط میباشد.

۴۳۶ - سنگی علی بدخشی

"بنوشته مناقب هنروران: از شاگردان دوست محمد مصور است که بریده‌های وی بسیار مقبول و مرغوب میباشد"

این هنرمند، قاطعی بی نظیر بوده و طوری در این هنر مهارت داشته که بریده‌های خطوط وی با خطهای نوشته شده معلوم نمی شده است.

از آثار رقم دار این هنرمند، قطعه خط بریده بی نظیری دیدم که رقم داشت.

(کتابه الفقیر میر علی قاطعها سنگی علی بدخشی)

۴۳۷ - سوربه کجراتی

این نقاش اهل هند بود و با هم شهریان هنرمند خود از قبیل سنگر و سیام در مصور ساختن کتاب معروف بابرنامه زمان اکبر شاه هندی، فعالیت هنری داشتند.

از آثار این نقاش، تصاویر گل‌های زیبایی در باطلاق بود که با منظره درختان و کوهها جمع شده و مرغان رنگینی از قبیل لک‌لک در بطن تصویر جلب نظر میکرد و رقم داشت. (سوربه کجراتی)

دیگر تصویر دلنواز در این کتاب، تصویر مختلف ماهیها بود که باستادی نقش شده و در حواشی آن، درختان سر سبز و پر طراوت جلوه‌گر بود و رقم داشت:

(عمل سنگر کجراتی)

از آثار نقاش سیام در این کتاب، تصاویر پر مهارت جانوران گوناگونی از قبیل آهو و گاوه‌های وحشی و غزالان بود و رقم داشت. (عمل سیام)

۴۳۸ - سورداس

از نقاشان زیر دست و زیبا نگار اواخر قرن ۱۱ ه.ق. هند بود که اثر رقم دار وی، زینت بخش صفحات کتاب بابرنامه معروف زمان اکبر شاه هندی گشته است.

۴۳۹ - سیاوش بیک گرجی

گرجی زاده مسلمان و برادر فرخ بیک نقاش بود که در چهره سازی و مجالس بزمی و رزمی و آرایش طلائی و حل کاری و جانور سازی دست پر قدرت داشت.

قاضی احمد در گلستان هنر از او یاد کرده و چنین نوشته است:

"مملوک شاه رضوان بارگاه شاه طهماسب از گرجستان بود. شاه جم جاه او را از طفولیت بنقاش خان"

داده بود. پیش مولانا مظفر علی شاگردی میکرد. در تصویر سرآمد دوران گردید و در آن امر نادره جهان شد. بغایت قادر است. اکنون از آن کار بازمانده و در سلک غلامان شاهی همراه هم شهریان خود در شیراز و در خدمت یساق‌ها اقدام مینماید و بدان کار مشغولی نمی‌کند. اما استاد فن خود است " در عالم آرای عباسی در مورد این هنرمند چنین نوشته:

"غلام شاه جنت مکان شاه طهماسب بود و آن حضرت آثار قابلیت از اطوار او ملاحظه فرموده و او را بکسب نقاشی دادند. شاگرد استاد حسینعلی مصور بود. چون بقدر مهارتی در آن علم یافته نزاکت قلمش خاطر نشان اشرف گردید. بنفس نفیسی متوجه تعلیم گشته، در شاگردی آن حضرت که بر احسن صورکم تصویر یافته قلم قدرت مصور الاشیاء بود، ترقی عظیم کرد، بسیار نازک قلم و دقیقه کار و مصور بی قرینه بود. سیاه قلم و گرده پردازی و تفسیر او را هیچ استادی بدست نمی‌توانست گرفت. مجلس سازی او بی عیب بود و در زمان اسمعیل میرزا از اصحاب کتابخانه شد و در زمان نواب اسکندر شاه او و برادرش فرخ بیک در سلک معتمدان شاهزاده جوان بخت سلطان حمزه میرزا منتظم بودند و در زمان حضرت اعلی شاهی ظل الهی مدتها ملازمت اشرف نموده، در رکاب مقدس آن حضرت عمرشان سپری شد."

و اما در مورد استادان این هنرمند آنچه در تواریخ و تذکره‌ها یاد شده، چنین است:

مصطفی عالی افندی در کتاب مناقب هنروران. او را شاگرد استاد حسن بغدادی رئیس نگارخانه شاه طهماسب دانسته که تذهیب و سایر فنون حل کاری را از او یاد گرفته و در هنر خود سرآمد گشته است. قاضی احمد استاد وی را مولانا مظفر علی دانسته و در احوال وی یاد کرده است. در عالم آرای عباسی معلم اولیه وی را استاد حسینعلی مصور نوشته که بعدها بوسیله خود شاه طهماسب تعلیم یافته است.

بروایت دیگر سیاوش بیک را شاگرد استاد خواجه عبدالحی نیز یاد نموده‌اند.

بدین ترتیب معلوم میگردد این استاد عالی مقام از مسند تعلیم استادان بنام زمان خود بهره‌یاب گشته و در حد خود مصوری پر اعتبار و صاحب امتیاز گشته است.

از شاگردان معروف وی یکی ولی جان تبریزی است که مصطفی عالی در کتاب خود چنین می‌نویسد:

"ولی جان نقاش نوجوان تبریزی شاگرد سیاوش بود و در زمان تالیف مناقب هنروران (۹۹۵ هـ. ق.) از تبریز به عثمانی آمده و موظف بنقاشی شده است. کارهای او نزاکت قلم داشت و سحرآسا و لطیف بود ولی عنفوان شباب و مدایح بی ادراک او را از کار اصلی منحرف ساخت"

دیگر از شاگردان این هنرمند محراب علی و محمد هراتی میباشند که احوال آنها در جای خود یاد خواهد گشت.

آثار بجا مانده رقم دار وی عبارت است از:

۱- تصویری در کمال نفاست و بمثال کارهای میرک هروی بود که ازدهای سهمگینی به سوار کار و همراهش حمله می‌نمود. سوار کار ازدها را نشانه گرفته بود و رفیق پیادهاش در حال فرار دیده میشد. زمینه انتهائی تصویر کوههای افراشته داشت که از پشت صخره‌های آن چند نفری بحالات گوناگون دیده میشدند و حیواناتی در انتها جلب نظر مینمودند، رقم بخط قلم موئی داشت که نوشته بود:

(غلام شاه ولایت سیاوش نقاش)

۲- دیگر اثر ارزنده نقاش، تصویر دو جوان سر برهنه بود که زیر درختی بصحرا نشسته و یکی ساز میزد و آن یکی که کنایه بدست داشت آواز میخواند. رقم داشت.

(غلام شاه ولایت سیاوش نقاش)

۳- دیگر از آثار رقم‌دار و اصیل هنرمند، تصویر استادانه و بسیار نفیس صحنه جنگی اسفندیار با دیو قوی هیگل بود که در کمال تردستی نقاشی کرده که یکی از همراهان وی پا بفرار گذاشته و چند ترسوی دیگر پشت کوهها مخفی گشته‌اند. منظره زمینه، پر طراوت و روح افزا و عظمت صخره‌های کوه فوق العاده بود و در انتهای کوه حیواناتی از قبیل شیر و بز و قوچ وحشی دیده می‌شدند. در روی یکی از صخره‌های پائینی بخط قلم‌موئی رقم داشت:

(غلام شاه ولایت سیاوش نقاش)

دیگر از آثار شیوای این هنرمند که عکس آنها در صفحات ۴۱ و ۱۲۰ الی ۱۲۳ کاتالوک گالری کل ناچی لندن ارائه شده، ارقامی در بیرون جدول و خارج از متن داشت که بظن قوی از بهترین کارهای هنرمند بود که باختصار در اینجا ارائه می‌گردد.

۴- تصویر سیاوش و گرسیوز بود که روی فرش نشسته و به صحبت کردن اشتغال داشتند. دو خدمه کماندار و دو مهتر مخصوص که اسبها را مهار کرده بودند در کنار آنها دیده می‌شدند. منظره کلی تصویر و همچنین نقش کوهها عالی بود و در بیرون جدول رقم داشت. (سیاوش)

۵- تصویر دیگر، عبور کیخسرو و گیو و فرنگیس از رود جیحون بود که در کمال حلاوت و دلربائی نقاشی شده و منظره کوهها و درختان و قیافه چند نفر شکارچی که از پشت کوهها نظاره می‌نمودند باستادی تصویر شده و در بیرون جدول رقم داشت. (سیاوش)

۶- اثر دیگر هنرمند، رفتن کیخسرو پیش کیگوس بود که برداشت زیبایی از این ابیات بحساب می‌آمد
 چو بنشیند کیخسرو از موبدان خوش آمدش گفتار آن بخردان
 سوی گاه کاوس بنهاد روی شهنشاه کیخسرو نامجوی

در این تصویر دو شاهزاده روبروی هم ایستاده و روبروسی می‌کردند. منظره تخت سلطنتی و جماعت همراهان و مناظر دشت و دمن زیبا و ستودنی بود و بیرون جدول رقم داشت. (سیاوش)

۷- تصویر دیگر (گفتار اندر رزم اسفند یار با سیمرغ) بود که اسفندیار در کالسکه سلطنتی جلوس کرده و سیمرغ باو حمله می‌کرد. در مقابل آنها چنار پر مهابتی رسم شده که دو بچه سیمرغ در بالای درخت و در لانه خود دیده می‌شدند. عده‌ای از رزم آوران که پشت کوهها جای گرفته بودند باین نزاع پهلوانی نظاره مینمودند. نیزه‌های ثابت روی کالسکه که مثل زرهی استوار بروی آن سوار شده، تازگی خاصی داشت و در زیر ریشه چنار رقم نقاش جلب نظر می‌کرد که نوشته بود. (سیاوش)

۸- آخرین تصویر رقم‌دار شاهنامه که در این کاتالوک چاپ شده، گفتگوی سهراب، با تهمینه و دربارہ رستم بود که از هر حیث پر مهارت و بی عدیل بود. در این اثر پرمایه، تهمینه به متکاهای رنگین نکیه کرده و روی دوشکی نشسته و با پسرش سهراب که لباس سرخ بتن کرده بود صحبت می‌کرد. دو ندیمه مخصوص بخدمت ایستاده و پیر مردی در بیرون خانه دیده می‌شد. زیر پای پیر مرد رقم داشت: (سیاوش)

۴۴۰ - سیدالشعرا

نام اصلی این هنرمند معلوم نگردید، زیرا در چند اثر گوناگون که از این هنرمند دیدم، در تمام آنها خود را سیدالشعرا معرفی کرده و نام واقعی خود را ذکر نکرده است. این هنرمند، نقاش آبرنگ کار و سیاه قلم و رنگ و روغنی اوایل قرن ۱۴ ه.ق. بود و در این هنرها دست داشت از آثار او دیدم:

۱- تصویر رنگ و روغنی یکی از رجال قاجاری بود که تاحدی جالب بود و رقم داشت. (سیدالشعرا)
 ۲- تصویر آبرنگی دختر جوان و شادابی بود که لباس ایرانی بتن کرده و مشغول نواختن ضرب بود.

(سید الشعراء)

رقم داشت .

۳- دیگر اثر سیاه قلمی این هنرمند که در کتاب عین الوقایع و در صفحه ۱۸۴ آن چاپ شده . تصویر شورش سپاه کابل بر ضد موزر کیوناری سفیر انگلیس بود . که سربازان شورشی با تمام سورات جنگی بسفارت حمله کرده و مامورین سفارت نیز بدفاع از خود مبارزه میکردند . منظره شهر کابل و قیافه سربازان دیدنی بود و در روی یکی از آجرهای سفارت رقم داشت . (عمل سید الشعراء ۱۳۲۲)

۴۴۱- سیدبابا افشانگر

بنوشته مکتوبی از سلطان علی مشهدی که بیکی از فرزندان سلطان حسین میرزا بایقرا ارسال شده ، نام این هنرمند را نیز جزو اسانید زمان قید کرده و بنام استاد افشانگر معرفی نموده است .

۴۴۲- سیدجعفر مذهب

نقاش و مذهب نامی دوره ناصری بود و در ترسیم و تذهیب و حل کاری و طلا اندازی دست پر ملاحظت و پراستعداد داشت . از آثار گرانقدر این هنرمند که از نزدیک دیده‌ام . قلمدان فوق العاده‌ای بود که به تذهیب و آرایش طلائی نقش شده و بخط رفاع استادانه و زیبا رقم داشت .

(ذهبه سید جعفر ۱۲۸۵)

دیگر از آثار پر قدرت این هنرمند که در کتابخانه گلستان ایران بیادگار میباشد . جلد قرآن مذهب و مرصع منازعی است که سر لوحها و حواشی آن پر تشعیر و زرین بوده و ترنج سازی آن بی نظیر و عالی عمل آمده و رقم داشت .

(ذهبه سید جعفر)

۴۴۳- سیدجواد

هنرمند زرگر بود که در تصویر سازی مینائی و آذین بندی جواهرات دست پر مهارت داشت . از آثار شایسته وی قاب طلائی قرآن مزینی دیدم که رقم داشت :

(سید جواد)

۴۴۴- سیدعلی

میرزا سید علی ، نقاش ماهر اهل نائین بود که در تهران اقامت داشت . بنوشته کتاب تاریخ نائین :

"در زمان سلطنت مظفرالدین شاه تصویر اسکناسی جعل کرد که با اصل برابری مینمود . عاقبت اداره بانک مستاصل شده و اعلان نمود که سازنده اسکناس خود را معرفی نماید و با دستمزد کافی برای بانک کار کند . ولی او خود را معرفی نکرد ."

۴۴۵- سیدعلی اصفهانی

از سادات صاحب کمال اصفهان و نقاش قلمدان ساز دوره ناصری بود . از آثار رقم دار این هنرمند ، قلمدان پر کار و استادانمای در موزه هنرهای تزیینی تهران دیدم که نساویر شاهان اساطیری را در اندازه کوچکتر ترسیم کرده بود که قدرت نقاش را برملا میساخت . حاشیه گیری و کناره سازی نساویر نیز با تذهیب پر مایه و شایان تمجید نقش شده و رقم داشت .

(سید علی اصفهانی)

۴۴۶ - سید علی درب امامی

از سادات هنرمند اصفهان بود و بعلت همجواری با امامزاده درب امام (۱) به سید درب امامی معروف و شهره گشته بود.

این نقاش ساده کار و شیرین قلم که آثارش با ابتکارات و شیوه استثنائی ترسیم میشده، بتحقیق از پایه گذاران و مبتکرین مکتب کوبیسم که در آن زمانها ناشناخته بوده و در حد یک خیال واهی و تصویری نافرجام بشمار می آمده محسوب گشته و نا خود آگاه در یک کارگاه محقر استادی گمنام، پا عرصه وجود نهاده است.

باتعمق و موشکافی دقیقی که به دو تابلوی نوپرداز و بجا مانده وی مینمائیم، بسادگی در می یابیم که این نگارگر اصفهانی به ابتکار و ارائه جوهر ذاتی پر مایه اش، موفق بکشف مکتبی گشته که رقیبان نو پرداز اروپائی اش بعد از گذشت سالیان متمادی کور سوی مختصری در این شیوه پیدا کرده و بنام مکتب نوپای کوبیسم در دنیا پخش نموده اند.

این دو اثر پر ارزش و رقم دار که هر دو بیک سبک و یک موضوع ترسیم شده مجلس بزم شاه عباس است که برنگ و روغن تصویر گشته و در اندازه ۱۱۶ x ۲۲۷ سانتی متر میباشد.

موضوع هر دو تابلو بزم شاهانهای است که شاه عباس و معشوقه زیبایش بلباس دوره صفوی ملبس بوده و دست در دست یکدیگر در صدر مجلس قرار گرفته اند.

در وسط تالار دو رقاصه فتان برقص و پایکوبی مشغول بوده و دو مطرب نوازنده تار و دایره رنگی میزنند. در اطراف و حاشیه تابلو دو خدمتکار جوان به پذیرائی مشغول میباشند. رقم دارد.

(بزم شاه عباس) (عمل سید علی درب امامی ۱۲۰۷) مجموعه شماره ۲

طرز ترسیم و ارائه حرکات دورانی، بخصوص شیوه تصویر سازی و قیافه افراد کاملاً "مکتب منحصر بخود داشته و ناکنون با این قدمت و ابتکارات نوظهور در عرصه هنری ایران دیده نشده است. تصویر شماره

۴۴۷ - سید علی - سیدی علی

نقاش پر مهارت و گمنام قرن ۱۰ ه.ق. و در شیوه استاد میرک هراتی نقش می آفرید. در کتابخانه بریتیش میوزیوم لندن جلد روغنی خوش منظری از این نقاش و در اندازه ۱۴/۵ x ۲۴ سانتی متر دیده میشود که در نوع خود پر آذین بوده و شایسته تمجید میباشد.

این اثر زیبا که جلد منقش دیوان ترکی امیر علیشیر نوائی است در زمینه رنگ اناری و روی چرم عمل آمده و حواشی آن تزیینات خرطوم فیلی و حل کاری گلهای گوناگون دارد. در رویه جلد تصویر شاهزادمایست که در روی تختی مزین نشسته و دوستان و ندیمان در کنار تخت وی قرار گرفته اند. یکی از نوکران غذای مورد دلخواه را بدست گرفته و بشاهزاده تعارف میکند. در صحن باغ قصر، دوستان و همراهان به عیش و طرب مشغول بوده و در کنار آنها نوازندگان درباری برقص و طرب سرگرم میباشند.

منظره پر صفای باغ و نقش چند درخت استوار و گلدار و تصویر پر مهابت و استادانه سیمرغی در حال پرواز، پخته و دلغریب بوده و کناره های تمام تصاویر طلاکاری و حل کاری گشته و زیر پله تخت رقم دارد. (عمل بنده درگاه شاه سید علی نقاش)

۱ - درب امام از دوره جهان شاه قراقویونلو پابرجا بوده و امامزاده درب امام مدفن دو امامزاده ابراهیم بطحا و زین العابدین میباشد.

سید علی مصور در میر سید علی مصور آمده.

سید محمد اصفهانی در محمد اصفهانی آمده.

۴۴۸ - سید میرزا

نقاش شیرین قلم و پر مهارت دوره فتحعلی شاه و محمد شاه و ناصرالدین شاه بود و در رشته‌های گوناگون هنر تصویر سازی دست پر قدرت داشت.

این هنرمند در ارائه تصاویر و شبیه سازی اشخاص و سواص فوق‌العاده داشت و در اغلب آثاری که از این استاد بیادگار مانده دقت نظر و استحکام و پختگی اثر بخوبی نمایان میگردد. این سید میرزا شیوه‌های قدیمی را دوست داشت و از مکتب پر بار صفوی و زندیه تقلید مینمود. این هنرمند علاوه بر آبرنگ و رنگ و روغن و کارهای روغنی در صنعت خط نیز صاحب نظر بود و نستعلیق و شکسته را خوش مینوشت.

متأسفانه از احوال بیشتر این هنرمند و سن حقیقی و سال تولد و وفات وی اطلاعی نداریم ولی از آثار تاریخ‌دار و بجا مانده وی که بین سالیان ۱۲۴۰ الی ۱۲۵۸ اجرا شده معلوم میدارد این هنرمند در حوالی این سنوات حیات داشته و به خلق آثار گرانقدر مشغول بوده است.

مرحوم معیر الملک در یادداشت‌های خود هنرمندی بنام سید نقاش معرفی کرده و مختصراً "چنین نوشته: (در اواخر نیز نقاشی معروف بسید نقاش روی کار آمده بود. تصویری از ناصرالدین شاه در آرامگاهش دیده میشود از کارهای اوست) و هیچ بعید نیست این نقاش همان سید میرزا نقاش باشد که درسین پیری این اثر اخیر را انجام داده باشد. آثار رقم دار سید میرزا عبارت است از:

۱- اثری پرمایه و ممتاز آبرنگی وی تصویر جوان خدمتکاری است که بسبک و شیوه دوران صفوی لباس پوشیده و قلبانی بدست گرفته و آماده پذیرائی است. به خط نستعلیق زیبا رقم دارد. (کمترین سید میرزا) مضبوط در مرقعات کتابخانه گلستان تهران.

۲- تصویر رنگ و روغنی نفیس و زیبا بابعاد ۹۳ x ۱۵۷ سانتی متر مضبوط در موزه نگارستان تهران. این اثر شایسته که تصویر حضرت یوسف میباشد، کلاه پوست بره‌ای زیبا بسر گذاشته و موهای سر از پشت سر آویزان میباشد. حضرت یوسف لباس بلند و نعام قد که کنگره‌های طلا پوشی دارد بتن کرده و در گوشه‌های پائین کناره آن، بوته جیقه‌های زیبا جلب نظر میکند. حضرت یوسف دست چپ خود را روی قبضه خنجر جواهر نشان گذاشته و گلی بدست راست گرفته است. منظره باغ و دورنمای ساختمان و درختان، مخصوصاً "تصویر دو آهوک در مقابل یوسف تصویر شده خوش منظر بوده و رقم دارد. (رقم کمترین سید میرزا) و در گوشه چپ بخطر قاع نوشته: (حضرت یوسف)

۳- دیگر از آثار رنگ و روغنی این هنرمند که در حراج سال ۱۹۲۶ در ساتبی لندن بفروش رسید، تصویر سلطان محمد میرزا در کمال قدرت بود که شاهزاده قاجار با لباس سرخ و آرایش جواهر نشان دو زانو روی دوشکی نشسته و شمشیر خود را بروی دوش نهاده بود. تزیینات کلاه و لباس و همچنین ارائه جواهرات متنوع و مخصوصاً "تصویر پر زیب و زینت متکائی که در پشت سر قرار گرفته بحسن سلیقه تمام انجام یافته و رقم دارد. (کمترین سید میرزا) و در قسمت بالای تابلو نام صاحب

چهره را قید کرده و بخط نستعلیق زیبا چنین نوشته:

(نواب سیف الدوله سلطان محمد میرزا)

تصویر شماره ۵۵

۴- دیگر اثر رنگ و روغنی این هنرمند که در موزه هنرهای تزیینی تهران بیادگار است تصویر نیم تنه سیف الدوله در جوانی است که رقم دارد. (رقم کمترین سید میرزا)

۵- از آثار روغنی و قلمدانی این نقاش، قلمدانی در حراج ساتبی دیدم که تصویر گروهی از رجال و شاهزادگان به استادی نقاشی شده و گل و مرغ پرحلاوت داشت و رقم زده بود. (سید میرزا)

۶- دیگر قلمدان این هنرمند که در حراج ۹ اکتبر سال ۱۹۷۸ در ساتبی لندن بفروش رسید، تصاویر سه شخصیت اعیان فرنگی بود که باستادی در روی قلمدان نقش بسته بود. در دو ترنج کوچک بین تصاویر بخط شکسته زیبا درج شده بود.

(السلطان بن السلطان بن السلطان محمد شاه غازی ۱۲۵۸)

و در زیر سمت چپ رویه قلمدان، امضای نقاش دیده میشود که نوشته بود. (کمترین بنده سید میرزا) از درج نام محمد شاه غازی در رویه قلمدان چنین معلوم میگشت، این سه نفر فرنگی شاید مامورین عالرتبده خارجی بوده‌اند که بدستور شاه فاجار تصاویر آنها بروی قلمدان تصویر شده و بنام ارمغان شاهانه هدیه گشته بود.

۷- قلمدان دیگری که توسط این استاد ترسیم گشته، قلمدان زمینه مرغش سرخ رنگ دلفریبی است که در موزه نگارستان تهران دیده میشود. در رویه قلمدان تصاویر زیبا و شبیه پردازی استادانه ارائه شده که در کناره‌ها و متن آن گل و بلبل شکوفا جلوه‌گر میبایند. این قلمدان که در نوع خود بسیار شیوا میباید بخط نستعلیق زیبا و در قسمت بالای قلمدان رقم دارد.

(رقم کمترین بندگان سید میرزا ۱۲۴۰)

۸- از آثار دیگر روغنی این استاد، منظره شکار فتحعلی شاه در شکارگاه است که در معیت رجال و فرماندهان و شاهزادگان و خدمه مخصوص انجام یافته و در نهایت ظرافت است. در این اثر پر پیرایه، فتحعلی شاه سوار بر اسب شده و در وسط میدان بدنبال آهوان روان گشته است. شاهزادگان و رجال همراه نیزه‌هر یک در گوشه شکارگاه در تک و پو میبایند. منظره شکارگاه و قیافه افراد و زیبایی و خوش تراشی اسبان و حیوانات در کمال ممتازی است و در وسط تصویر رقم دارد.

(بنده درگاه سید میرزا)

این اثر زیبا که در اندازه ۱۰ x ۱۴/۵ اینچ میباید، مضبوط در بریتیش میوزیوم بوده و اشعار کناره نستعلیق آن که بقدرت تمام کتابت شده چنین است.

جان اهل دل ز شیرین نکته‌های دلگشت شادمان همچون دل خسرو وصل شکر است

نکته در مضمون تو چونانکه در گل رایحه معنی اندر لفظ تو چونانکه در نی شکر است

جلوه‌گر بر صفحه سیمینت مشکین نقطها هر یکی مانند خالی بر عذار دلبر است

متأسفانه این اثر شایسته تا حدودی از بین رفته و احتیاج میرمی به تعمیر دارد و بقیه ابیات نیز بعلت ریختگی قرائت نگردید. تصویر شماره

۹- از آثار دیگر این هنرمند، دو تصویر جداگانه شاهزاده قاجاری میباید که در صفحه ۱۸۵ جلد دوم کتاب هنری شولتز چاپ شده و رقم سید میرزا و تاریخ ۱۲۴۵ ه.ق. را دارا میباید.

۱۰- دیگر از آثار سیاه قلمی این هنرمند تصویر جوان قاجاری در شیوه آقا صادق بود که در حراج ساتبی سال ۱۹۸۲ بفروش رسید. این اثر زیبا چشم نواز بود و رقم سید میرزا داشت.

۴۴۹ - سیدی احمد

از هنرمندان تصویر ساز و شیرین قلم دوره آق قویونلو بود.

۴۵۰ - سیف‌آرزکش

بنوشته کتاب جامع مفیدی:

"عارف ریاضت کش سیف‌آرزکش به جودت طبع و حدت ذهن شهرت تمام دارد، در بدایت حال چند گاه به کسب زرکشی اشتغال نموده در آن فن بی مثل گشت و بعد از آن اوقات به دانستن علم سیاق مصروف داشته مهارتی به هم رسانید و در اوایل ایام جوانی که او آن تشاط و کامرانی است از ارتکاب مناهی و ملامتی به یکبارگی در گذشت و همت به تحصیل کمالات اخروی گماشت و روش صوفیه را پیشنهاد همت ساخت و در سن جوانی به سلوک طریق درویشان مایل شده به اصفهان شتافت و در آنجا دست ارادت به متابعت شیخ المشایخ خراسان شیخ محمد علی صوفی مشهدی زده در سلک مریدان آن جناب انتظام یافت و بعد از فوت شیخ تقوی دثار به مشهد مقدس معلی رفته چند گاهی در آن ارض مقدس در خدمت درویشان و گوشه نشینان به سر برده، بالاخره به مقتضای حب الوطن متوجه دیار خود گشت و به ادای طاعت و عبادت مشغول گردید."

۴۵۱ - سیف‌الدین خواجه

بنوشته مرحوم فکری سلجوقی در کتاب خود:

"سیف‌الدین نقاشی در عهد بایسنقر بوده و در هرات می‌زیسته است او بخواجه سیف‌الدین معروف بود که علاوه بر فن تصویر و تذهیب طبع شعری نیز داشته و واحدی تخلص میکرده است. در هنگام مرگ بایسنقر مرثیه عالی در مرگ وی سروده است. برخی از مینیاتورهای شاهنامه بایسنقری اثر این هنرمند می‌باشد."

۴۵۲ - سیف‌الدین محمود - نقش‌بند

از نقش‌بندان و تصویرگران نامی است که احوال وی را باختصار از کتاب (جامع مفیدی محمد مفید بافقی در سنه ۱۰۸۲ - ۱۰۹۰ ه.ق.) ارارنه میدهم:

"آن جناب نسبت قرابت قریبه با عندلیب بوستان فصاحت و شیرین کلامی خواجه غیاث‌الدین علی نقشبند یزدی داشت و در اقسام کمالات و هنر و کیاست یگانه روزگار و وحید اعصار بود. در اصابت رای و وقوف و مهارت در امر نقشبندی شبیه و نظیر نداشت. لاجرم کمالات او در السنه و افواه دایر گشته شمای از آن به عرض خاقان زمان و زمین خلاصه اعظام السلاطین ابوالمظفر سلطان شاه صفی ماضی موسوی صفوی رسیده، قامت قابلیت او به تشریف خلعت آراسته، در زمره بندگان انتظام فرمود و به آن التفات پایه قدر و منزلت آن جناب روی در تزیید نهاده، در اندک زمان آن مقدار املاک و رقیبات و باغات بهشت بنیاد و اسباب جمع نمود که کم دولتمندی را میسر شده باشد و در "فراشاه" مزرعه‌ای احداث کرده در آبادانی آن مساعی جمیله به تقدیم رسانید
آخر الامر به التماس زیاد از شاه رخصت مسافرت گرفت و عازم نجف اشرف گردید و چند سال در آن ولایت به عبادت شبانه روزی پرداخت.

و در صحن روضه مقدسه چاهی حفر نمود که مبلغ حاصله را صرف رقیبات خود گردانید. چون چندی در عبادت و طاعت آن عتبات عالیات نموده جهان فانی را وداع کرد و در روضه مطهر مدفون گردید. بنوشته محمد مفید از اقربای نزدیک او خواجه غیاث‌الدین علی نقشبند و فرزند با اعتبارش معزالدین می‌باشند که احوال آنها در جای خود خواهد آمد.

۴۵۳ - سیف علی شیرازی

درویش اهل شیراز و ملقب به سیفعلی شاه بود و در خطوط و تصاویر ناخنی دست پر هنر داشت . دو تصویر ناخنی ارزنده‌ای از این هنرمند در مجموعه دارم که یکی از آنها تصویر زن فتان قاجاری است که لباس بلندی پوشیده و خود را بجواهرات گوناگون آرایش داده است . زن جوان دیگری که در کنار وی قرار گرفته، دامن بلندی پوشیده و سینه‌ها را تا حدودی عریان ساخته است . در بالای تصویر ، نقش چهار مرغ پر حالتی را ارائه داده که یک ماهی را بجنگال گرفته‌اند . رقم دارد (نمقه درویش سیفعلی شاه شیرازی)

اثر دیگر هنرمند تصویر گرفت و گیر دو شتر خشمناکی است که بهم در آویخته و بستیز مشغول میباشند . تزیینات درختان سرو و همچنین منظره چند پرنده که در حاشیه اثر ناخنی گشته استادانه بوده و رقم دارد . (درویش سیفعلی شاه شیرازی)

سید احمد : نقاش پر مهارت قرن ۱۷م عثمانی بود . از این هنرمند جلد روغنی پر مایه‌ای در شیوه میرکی دیدم که در حراج ۱۵ اکتبر سال ۱۹۸۴ سانبی بفروش رسید که رقم داشت . (عمل سید احمد)

ش

۴۵۴ - شاپور

فقط دوست محمد هروی در دیباچه مرقع بهرام میرزا از این هنرمند یاد کرده و چنین نوشته است . "دیگر از متقدمین شاپور بود که چهره خسرو را بقلم سحرانگیز رنگ آمیز نمود و هر روز برنگی عشرت گاه شیرین او را چون گل سوری بر شاخسار قبول جلوه داد"

از آثار رقم دار این هنرمند که در کتابخانه ملی عرب بیادگار مانده ، تصویر زن بلند بالائی است که لباس بلند پوشیده و چهارقد درازی روی سر انداخته و موهای خود را پوشانده است . زن جوان با دست راست، گوشه چهارقد را بالا زده و در دست چپش پیاله شراب گرفته است . زمینه

نقاشی ابری است و چند برگ چنار بروی زمین دیده میشود. در زیر رقم دارد.
(شیرین - عمل شاپور)

در گوشه راست تصویر این اشعار بخط شکسته قید گشته است:
پرده بردار ز رخسار که دیدن داری سر بر آور ز گریبان که دمیدن داری
منت خشک چرا می کشی از آب حیات تو که قدرت بلب خویش مکیدن داری

۴۵۵ - شاذی-نقاش هروی

نقاش هنرمند بروی فلزات بود.

از این هنرمند قلمدان کشوی نقره کوب فولادی مثلثی شکل بود که رویه و زیر آن با ترسیمات اسلیمی و دایرهای، اشکال زیبایی ترسیم شده، در کنارها نیز جملاتی بخط کوفی تزیینی دیده میشود که انتهای سر کشیده‌ها، کله انسان بود.

این تعاریف اغلب در نقره کوبها دیده شده و در اینجا نیز تکرار گشته بود.

(العز و الاقبال و الدوله و سلامه و السعاده و العافیه و الکفایه)

در سینه روبرو و پشت قلمدان رقم داشت.

(عمل شاذی نقاش فی شهر سنه سبعة و ستمائه) ۶۰۷ ه.ق.

۴۵۶ - شاه قولی الوانی قمی

نقاش هنرمند دوره صفوی و اهل تبریز بود که اجداد وی از شهر قم به تبریز آمده و در آن ولایت ساکن گشته‌اند.

این هنرمند در رمالی و طالع بینی و معرفت اسطرلاب نیز دست داشت و در شعر و شاعری شیرین کلام بود و الوانی تخلص مینمود.

در مناقب هنروان از این استاد یاد شده و چنین نوشته است:

"از جمله استادان ممتاز و بدایع پیشه، شاه قولی نقاش که شاگرد آقا میرک است. فاما بگفته شاعر (نقاش نقش آخر بهتر کشد ز اول) در صنعت خود بهزاد زمان است و شهرت دارد. این هنرمند در زمان سلطان سلیمان خان مورد لطف قرار گرفته و در حدود یوز آقچه (صد لیبره طلا) وظیفه در حق وی تعیین شده بود."

شاه قلی در عمده آثار خود شیوه استاد روح اله میرک خراسانی را برگزیده و در کمال بصیرت و آراستگی از عهده انجام آن برآمده است.

این هنرمند در تذهیب و تشعیر و آرایش و حل کاری صاحب کمال بود و در جانور و پرنده سازی و همچنین چهره پردازی قدرت قلم برارنده داشت.

مناسفانه سالهای مسافرت به عثمانی و تاریخ تولد و درگذشت این هنرمند بر ما مکتوم است، ولی آنچه از قراین بر می آید، شاه قولی در قرن ۱۰ ه.ق. در دیار عثمانی شهره بوده و بطوریکه مصطفی عالی افندی نیز در کتاب خود باین امر اشاره کرده، مزد یوز آقچه که در آن زمانها پاداش بسیار

شاه قاسم خطاط - نویسندگان و هنرشناسان اروپائی شاه قاسم خطاط هنرمند معروف اوایل قرن ۱۱ ه.ق. را جزو نقاشان بحساب آورده و تصاویر کتابهایی که بخط وی کتابت شده به وی منسوب کرده‌اند. این هنرمند که از کاتبان مخصوص کتابخانه حسن خان شاملو میباشد، در فن تصویر دست داشته و آثاری نیز از خود بجای نهاده است.

ارزنده‌ای بوده دریافت میکرده است .

آثار رقم‌دار شناخته شده وی عبارت است از :

۱- تصویر ازدهائی با هیبت سهمگین و استحکام کم نظیر در شیوه میرک بود که از هر نظر استادانه و درخور توجه بود . در بالای این اثر و در داخل مستطیلی بخط نستعلیق زیبا رقم داشت .

(عمل شاه قولی علی طریق المسق)

تصویر این اثر در بولتن موزه مترو پولیتن نیویورک که در بهار سال ۱۹۷۵ چاپ شده دیده میشود .

۲- تصویر پرندگان گوناگون و درهم که با چرخش استادانه مخصوصی در کمال قدرت رسم شده و سرهای پرندگان در دور یک بدن باستانی به چرخش دورانی در آمده است . در حواشی اثر نیز تصاویر و آرایش اسلیمی بطریق آثار میرک نقش شده و رقم داشت . (شاه قولی)

اصل این اثر ارزنده را که در نمایشگاه نوامبر ۱۹۸۳ بریتیش میوزیوم از نزدیک دیدم در کمال قدرت تصویر شده و اندازه آن $10/2 \times 15/8$ سانتی متر بود . تصویر شماره

۳- سومین اثر رقم‌دار نقاش، تصویر فرشته بالداری است که بیکدست جام شراب و در دست دیگر صراحی قرار گرفته . این فرشته خوش حالت که در حقیقت حامل آب حیات میباشد، برای تقدیم آن بیک مرد روحانی در حال پرواز میباشد . لباس‌های بلند و موج ملانکه و همچنین کلاه خود مزین مذهب و پرداز پلائی‌اش آیتی از قدرت قلم نقاش میباشد و بخط رقاع ریز رقم دارد .

(عمل شاه قولی)

و اما در یک سند وثیقه ترکی که در توپ قابو سرای ترکیه قرار گرفته و متن آن در مجله ترکی :

TURK SANATI TARIHI ARASTIRMA VE INCELEMELERIE

چاپ شده و حاوی مطالب ارزنده‌ایست که در مورد نقاشان دوره سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰ میلادی) تنظیم شده و نام شاه قولی، نقاش زهر دست ایرانی در والاترین طبقات پاداش و مرزها جا گرفته است .

بدین ترتیب با ارائه اسامی نقاشان گمنام ایران و عثمانی که بگونه‌ای در این سد یاد شده، یاد آن هنرمندان را گرامی داشته و در مواردی که ضرورت پیدا کرده ترجمه فارسی بعضی مطالب سودمند را در کنار مطلب یاد نموده‌ام .

اینک پاکنویس اصل سرنامه که از مجله ترکی مزبور اقتباس شده است .

(سرنامه سیز هدیه دفتری) - (دفتر هدایا)

نقاش عبدالعلی - بیر مصور مجموعه جلدی منقش

نقاش عبدالحمید - بیر کوچک و بیر بیوک منقش طباق

نقاش شاه محمود - کوی و چوگان جلدی منقش

نقاش علاء الدین محمد - بیر منقش ایر

نقاش علاء الدین محمدن باهاسی - بیر منقش طبل باز (پدر این نقاش)

نقاش علاء الدین محمدن قارداشی کمال - بیر منقش طبل باز (برادر این نقاش بنام کمال)

نقاش عبدالخالق - بیر منقش دوات بیر منقش یلباز ۵ (یلبازه یعنی بادبزن)

نقاش حاجی میر - بیر مصور صندوق

نقاش منصور بیک - بیر منقش قبوز بیر منقش طباق (قبوز کیفی است که اسناد را در آن جای میدهند)

نقاش علی بیک - بیر منقش طباق بیر آقا چدان منقش - موم صفراسی

نقاش میرزا - بیر منقش طباق

نقاش عبدالغنی - بیر منقش جلالی دیه نامه بیر مصور یلبازه

دفتر الدور که بیرامده‌ایش گنوروب انعام ورین استاد لر بونلاردی که ذکر اولونور. ترجمه (مطابق دفتر، نام استادانیکه در روز عید کار هنری آورده و انعام دریافت داشته‌اند)
 حسن نقاشی - اوج بین آقچه (۱) و بیربنک کاریفه کافتان (۲) (سه هزار آقچه)
 خواجه بیک نقاش - بیک آقچه (هزار آقچه)
 شاه قولی نقاش - ایکی بین آقچه (دو هزار آقچه)
 ملک احمد تبریزی نقاش - ایکی بین آقچه (دو هزار آقچه)
 عبدالرحمن جدول کش نقاش - ایکی بین آقچه (دو هزار آقچه)
 طورمش نقاش - بیک آقچه (هزار آقچه)
 در وثیقه دیگری که در یک مجله چاپ شده و تاریخ دوم ربیع الاخر ۹۳۲ داشت. از جماعت قالی بافان و سایر حرفه‌ها نام برده بود که از بحث آنها خودداری مینمائیم.

۴۵۷ - شاه محمد اصفهانی

اهل اصفهان و از نگارگران اواخر قرن ۱۰ ه. ق. آن سامان بشمار می‌آید.
 از این هنرمند دو اثر رقم دار بجا مانده که در تیهو استاد محمدی تصویر گشته است.
 یکی از این تصاویر، زن چادر بسری است که در مقابل جوانی که ساز بدست گرفته ایستاده و با آواز ساز گوش می‌دهد. نقاشی، استادانه و پر ملاحظت بوده و رقم دارد. (عمل شاه محمد اصفهانی)
 دیگر اثر رقم دار هنرمند، تصویر جوان عمامه بسری است که در حضور مرشد بزرگواری نشسته و مشغول صحبت می‌باشد. مرشد پیر که شاید سمت معلمی نیز داشته باشد، دو زانو نشسته و تسبیح بدست گرفته و جوان را راهنمایی میکند. رقم دارد. (عمل شاه محمد اصفهانی)

۴۵۸ - شاه محمد بن میر سید علی

فرزند وارسته و هنرمند میر سید علی نقاش معروف است که در هنر نقاشی والا مقام بوده و در صنعت خط نیز دست پر ملاحظتی داشته است.
 در کتاب آئین اکبری خطی نگارنده در مورد پدر این هنرمند چنین نوشته:
 (از پیشروان این شاهراه آگهی میر سید علی از بوم تبریز است)
 بدین ترتیب، شاه محمد نیز اهل تبریز بوده و در معیت پدر و همراه عبدالصمد شیرازی و سایر هنرمندان بهند رفته و در آنجا ماندگار گشته است.
 در کتاب مزبور از شاه محمد نیز یاد کرده و او را در مقام یک صد و پنجاهمی که مقام نسبتاً جالبی می‌باشد قرار داده و هم طراز محمد شریف پسر خواجه عبدالصمد شیرازی محسوب داشته است. از آثار رقم دار وی ندیده‌ام.

۴۵۹ - شاه محمود

نام این نقاش جزو هنرمندان دوره سلطان سلیمان قانونی عثمانی (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰ میلادی) و در سند (سرنامه سیز هدیه دفتری) که تفصیل سند را در احوال شاه قولی آورده‌ام، ثبت شده و اجرا

۱- آقچه یعنی مقدار نصدنه و واحد پول مثلاً " هزار آقچه طلا یا نقره
 ۲- کارغه و کامان یعنی قطعه و السه مخصوص

کننده جلد منقش نسخه کوی و چوگان بوده است .

۴۶۰ - شاه محمود رهی نیشابوری

اهل نیشابور بود و در نقاشی و خط و شعر دست داشت و رهی تخلص میکرد . این هنرمند عمده اوقات زندگی را در مشهد می‌گذرانده و در خط و کتابت، شاگرد سلطانعلی مشهدی و عبدی نیشابوری بوده است .

۴۶۱ - شاه محمود کرمانی - نجار

نجار هنرمند و چیره دست کرمانی بود و در سنه قرن ۱۰۵۰ ق . زندگی میکرد . از آثار ارزنده و ممتاز این هنرمند ، منبر مسجد جامع شهر نائین است که با ارتفاع ۵ متر و عرض بیش از یک متر و بطول قاعده چهار متر کنده کاری شده و در نوع خود پرا امتیاز میباشد . در طرفین منبر مزبور ، نام واقف و استاد سازنده بخط نسخ استادانهای کنده کاری شده که چنین است : (وقف الصدر الاجل المنعم المحترم ملک التجار جمال الدین حسین بن مرحوم مبرور عقیف هذا المنبر علی مسجد الجامع بلده الطیبه النائین فی سنه احدى عشر و سبع مائة) در طرف دیگر منبر نام نجار قید شده که عبارت است از : (عمل افتخار الصناع و النجار شاه محمود الکرمانی - خدایش بیامرزد هر که فاتحه بخواند)

۴۶۲ - شاه مظفر

فرزند استاد منصور معروف بود و در زمان سلطنت ابوسعید تصویر سازی مینمود . ظهیر الدین محمد بابر شاه در تزوک بایری به توصیف هنری شاه مظفر پرداخته و هنر او را ستوده و حتی بر بهزاد نیز برتر دانسته است . در تاریخ رشیدی نیز هنر نقاش را توصیف کرده و نوشته است : "بهزاد مصور استادی است اگر چه مقدار شاه مظفر نازک دست نیست" این نقاش در جوانی و بسن ۲۴ سالگی وفات یافته و در دیار هند مدفون گشته است .

۴۶۳ - شاهی سبزواری

اهل سبزواری و هم عصر سلطان علی مشهدی خطاط و از معاریف زمان خود بود . در کتاب مناقب هنروران از این استاد باختصار یاد شده و چنین آورده است : "در خط و تصویر و تذهیب دقیق و پر قدرت است و در موسیقی و شعر ماهر میباشد"

۴۶۴ - شایسته شیرازی

سید صدرالدین شایسته از بهترین شاگردان کمال الملک بود که در آبرنگ و گل و مرغ به شیوه مخصوص خود دست پر مهارت داشت . در ناممایکه از مرحوم دکتر غنی به نقاشی ارسال شده از عقیده استاد کمال الملک درباره نقاشی یاد کرده و چنین نوشته است . (در آقای سید صدرالدین شایسته روح حافظ و سعدی هست . حال دارد) احوال و آثار بیشتر این هنرمند در کتاب جداگانهای که در احوال نقاشان معاصر خواهد بود به تفصیل بیان خواهد گشت .

۴۶۵ - شجاع بن قاسم اصفهانی - معمار

معمار و طراح بنای معروف جامع کبیر است که بدستور شاه سلیمان صفوی، در سال ۱۰۷۸ ه.ق. بنا گردیده و چنین رقم دارد.

(عمل فقیر شجاع بن مرحوم استاد قاسم البناء اصفهانی)

۴۶۶ - شرف الدین عبدالله - حکاک

بنوشته محمد صالح کنبو در شاهجهان نامه:

"عقیق کن بحسن خط و درستی قلم نگین دار نامدار بوده و هنرمند زبر دست روزگار در شیوه مهر و عقیق کنی کار دست بسته میکرد و مهر حیرت بر دهان اوستادان میگذاشت. خطش که مانند خط خوبان آرایش صفحه حسن است، نظرگه روشناسان معانی و نقش قلمش که چون خط صبح نفسان دیده افروز است سرمایه حیرانی. صورت خطش بلطف معنی و نزاکت یگانه و هر قطعهای بحسن روافسانه. با این همه آن بیدار درون یکه تاز عرضه تفرید بوده و درس خوان شرح تجرید. دایم مزه تر دارد و در هر چشم زدن بگریه می پردازد و اشک مانند، از صحبت مردم دوری میجوید."

۴۶۷ - شرف الدین علی - مذهب

مذهب استاد و شیرین قلم قرن ۱۱ ه.ق. هند بود.

اوعیه پر تذهیبی از این هنرمند در حراج ۲۱ آپریل سال ۱۹۸۰ در سانبی لندن بفروش رسید که خط محمد بن درویش بیک بود و برای صاحب قدرتی بنام .
(حضرت مجلس عظیم و منصب کریم خان جهان خلد الله سلطنته و ایامه و افاض بره و انعامه)
کتابت و تذهیب گشته بود.

این اثر مزین که شش صفحه تذهیب داشت به آرایش شیوائی عمل آمده و رقم داشت.

(شرف الدین علی مذهب)

۴۶۸ - شرف الحسینی یزدی

اهل یزد و از نقاشان گمنام اوایل قرن ۱۱ ه.ق. بود. از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر جوان سوارگاری بود که از اسب پیاده شده و روی تکه سنگی نشسته و بزدن سه تار مشغول میباشد. شیوه تصویری نقاش در مکتب رضا عباسی و استاد محمدی بود و بخط غبار ریز رقم داشت.
عمل فقیر الراجی شرف الحسینی الیزدی سنه ۱۰۰۳)

۴۶۹ - شرف یزدی

ملا شرف یزدی از مذهب نامی و از حل کاران شهره اوایل قرن ۱۱ ه.ق. بود.

صاحب مناقب هنروان از این استاد نام برده و در صفحه ۷۶ کتاب خود چنین آورده است.

(برادر قطب الدین یزدی خطاط معروف و از مذهب نام معروف و استاد عصر است)

۴۷۰ - شریف - محمد شریف

شریف خان فرزند والامقام و پر لیاقت عبدالصمد شیرازی بود و در خط و شعر و نقاشی استعداد والائی داشت.

بطوریکه در تواریخ آمده بخواش همایون پادشاه عدای از هنرمندان ایرانی جهت اشاعه هنر تصویر سازی عازم هند گشته و در آن ولایت متوطن گشتند. تریف خان که در این زمانها دوران صباوت را طی می نمود، در معیت پدر و سایر هنرمندان بسالیان حدود ۹۵۲ و ۹۶۰ ه.ق. وارد هندوستان گردید. در طبقات اکبری از این هنرمند مختصر یاد کرده و چنین نوشته است:

"ولد خواجه عبدالصمد شیرین قلم است، جوان نورسیده تربیت یافته نظر کیمیا اثر حضرت خلیفه الهی است. در تصویر و خط نیز دست دارد"

در آئین نامه اکبری خطی نگارنده، شریف را پور خواجه عبدالصمد دانسته و مقام او را در یک صد و پنجاهمی قرار داده و هم طراز قاسم بیک تبریزی شاعر و خطاط و شاه محمد پسر میر سید علی نقاش ثبت کرده است.

در تزوک جهانگیری بیش از همه، از این هنرمند یاد کرده و مقام والای او را آنچه بایسته بوده بطور مفصل ارائه داده و چنین نوشته است:

"شریف خان که از خورد سالگی با من کلان شده و در ایام شاهزادگی او را خطاب خانی داده بودم، در وقتیکه از الله آباد متوجه خدمت والد بزرگوار خود شدم، نقاره و تومان و توغ بدو مرحمت نموده بمنصب دو هزار و پانصدی او را سرفراز نموده و حکومت و دارائی مو به بهار و حل و عقد آن ولایت بقبضه اختیار او گذاشته بدانصوب مرخص گردانیده بودم. پانزده روز از جلوس گذشته در چهارم رجب سعادت ملاذمت دریافت. از آمدن او خاطر بغایت فرحناک گشت، چرا که نسبت بندگی او بمن جائی است که او را بمنزله برادر و فرزند و یا رو مصاحب میدانم، چون اعتماد کلی بر اخلاص و عقل و دانائی و کاردانی او داشتم او را وکیل و وزیر اعظم ساخته بخطاب والای امیر الامرائی که در نوکریها خطابی مافوق این نباشد و بمنصب پنج هزار بذات و سوار سر بلند گردانیدم هر چند منصب او گنجایش داشت که زیاده بر این مقرر گردد و غایتاً خود بعرض رسانید که تا از من خدمت نمایانی بوقوع نیاید از منصب مذکور زیاده نخواهم گرفت. چون حقیقت اخلاص بندهای پدرم هنور بواقعی ظاهر نگشته و از بعضی تقصیرات و غلط بینیها و اراده ناشایسته که مرضی درگاه خالق و پسند خاطر خلاق نبود، سر زده خود بخود شرمنده و شرمسار بودند و با آنکه در روز جلوس تقصیرات همه را عفو نموده با خود قرار داده بودم که باز خواست امور گذشته نشود. بنابر توهمی که در خاطر از ایشان قرار گرفته بود. امیر الامرا را حافظ و نگهبان خود میدانستم، اگر چه نگاهبان جمیع بندها الله تعالی است خصوصاً پادشاهانرا که وجود ایشان باعث رفاهیت عالم است، پدر او خواجه عبدالصمد که در فن تصویر بی بدل زمان خود بود و از حضرت جنت آشیانی خطاب شیرین قلمی یافته. در مجلس همایون ایشان رتبه مجالست و مصاحبت داشت و از مردم اعیان شیراز است. والد بزرگوارم بنابر سبق خدمت عزت و حرمت او را بسیار میداشتند."

متأسفانه از آثار این هنرمند بیش از یک اثر رقم دار تصویر دیگری نیافتم.

پرواضح است که کسی با این اقتدار و مسئولیت های سنگین حکومتی که زیر نظر داشت، نمی توانست بسان تصویر سازهای دیگر، آثار گوناگونی ارائه دهد و همین یک اثر رقم دار، حاکی از قدرت قلم و استعداد پرمایه این استاد است که نام وی را جزو سایر استادان زمان خود تثبیت مینماید.

تنها اثر رقم دار وی را که یادداشت برداشت تمام عبارت است از:

۱- مجلس شکار جهانگیر پادشاه است که سوار بر اسب شده و در معیت همراهان و دوستان خود در کنار کوهی بشکار کردن مشغول است. در کناره پائین، مردی نشسته و با تفنگ خود چند روباه وحشی را نشانه گرفته است. منظره کوه و درختان و دمن ستودنی است و در بطن تصویر این اشعار بچشم

میخورد که بیت اول آن چنین است .

من کیستم عنان دل از دست داده از دست دل براه غم از پا فزاده
در بالا و پائین تصویر نیز دو بیت شعر بخط نستعلیق زیبا و در داخل تذهیب کنایت شده که چنین است .
چون روان شد شاه شیر افکن بهنگام شکار از برای شیر کشتن گشت بر آهوسوار
کیقباد مملکت کر بندگانش هر یکی رستمی آمد ز بهر کوری اسفندیار
کناره و حواشی اثر که تذهیب و حل کاری استادانه داشت، بطن قوی از کارهای گوردهن بود که
شیرینی و حلاوت مخصوص داشت و رقم نقاش چنین بود .
(عمل مرید در چهار مرتبه اخلاص پای بر جا شریف - بتاریخ شهر فروردین الهی مطابق نه صد و نود و نه)
اشعار متن و حواشی، اثر نقاش بوده و اصل تصویر که باندازه ۲۳/۸ x ۴۱ سانتی متر میباشد، در آلبوم
جهانگیر جا گرفته است .
تصویر شریف خان که در حراجی ۲۱ آپریل سال ۱۹۸۰ ساتی بفروش رسید، جهت ارائه شمایل
حقیقی نقاش در تصویر شماره ۷۰ چاپ میگردد .

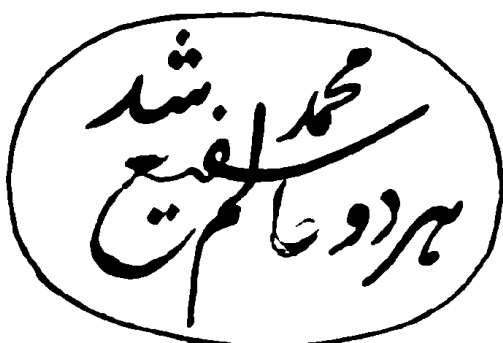
شریف قاینی در محمد شریف قاینی آمده .

۴۷۱ - شعبان مذهب

مذهب نازک قلم عثمانی است و صاحب مناقب هنروران در این مورد چنین می نویسد :
"نادره روم و اعجوبه مکمل و استاد مذهب است"

۴۷۲ - شفیع عباسی

اهل اصفهان و نقاش نازک قلم و پر مایه دربار شاه صفی اول (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ ه.ق.) و شاه
عباس ثانی (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ ه.ق.) است که در دستگاه پادشاهی آنان بعزت و احترام میزیسته و
مورد توجه بوده است .
نام اصلی وی محمد شفیع اصفهانی است که رقم مزبور را در ذیل اثری که بسالیان ۱۰۵۰ و در مدرسه
مولانا عبدالله اجرا کرده، در انتهای آن درج نموده است .
دیگر اثر مسند این هنرمند که نام وی در سجع مخصوص ذکر شده، بنفشه پرگلی است که در سنه
۱۰۵۴ انجام یافته و مهر بیضی شکل خود را بجای رقم در زیر اثر ثبت کرده است .



اثر مهر را که از روی تصویر چاپ کتاب، باشکال
قرائت نمودم، جهت اطلاع علاقمندان و درج در تاریخ
هنری ایران در اندازه بزرگتر ترسیم کردم که سجعش
چنین میباشد. (محمد شد شفیع هر دو عالم)
غیر از این دو اثر رقم دار که ذکر گردید، سایر
آثار محمد شفیع با رقم کمینه شفیع عباسی و از
سالهای ۱۰۴۴ الی ۱۰۶۶ ه.ق. ادامه داشته و
در همه ارقام با لقب عباسی قرین بوده است و اگر
سال ۱۰۴۴ را که اولین اثر بجامانده و رقم دار

عباسی را در نظر بگیریم، این حدس یقین میگردد که این هنرمند در زمان شاه عباس بزرگ (۱۰۳۸ -
۹۹۶) باین لقب مفتخر گشته و حتی در زمان سلطنت شاه صفی نیز ندرتا از این لقب استفاده

میکرده است.

بعقیده بعضی هنر شناسان، محمد شفیع عباسی، فرزند برومند و هنرمند رضا عباسی بوده و نکته اتکائی و دلیلی آنان درج امضائی از رضا عباسی است که در زیر اثری امضا کرده و چنین نوشته است (به نتیجه محمد شفیع اهدا شد)

البته پر واضح است تنها بدلیل یک نکته نامفهوم و غیر مستند نمیشود این امر را پذیرفت و او را فرزند رضا عباسی خواند، چه بسا ممکن است درج این جملات ناشی از محبت پدر و فرزندى اسنادانى باشد که شاگردان خود را بدان فرزندان حقیقی گرامی میداشتند و با جملات محبت آمیزی از قبیل (فرزندى) یا (نتیجه عمرى) و غیره شاگردان خود را مورد تشویق و احترام قرار میدادند. از طرفی این نکته قابل تامل است که سبب چیست که این فرزند نیکونهاد، در هیچ یک از آثار خود نام پدری چون رضا عباسی را که شهره خاص و عام بوده و عالیتترین اتکاء شهرت و غرور برای فرزندش نیز محسوب میشده، کوچکترین یادى نکرده و نسبت خود را با وی ذکر نکرده است و حتی در اثر شماره ۷ این هنرمند که در دنباله این مقال درج شده و از روی کارهای رضا عباسی کپی کرده، نام استاد مزبور را با لفظ سادمای در عبارت (مغفرت پناهی آقا رضا) ذکر کرده و نسبت پدری و فرزندى را که اگر حقیقت میداشت و بهترین محل برای ارائه آن بود فراموش کرده است. با این مختصر می شود پذیرفت، شفیع عباسی هیچگونه نسبت سببی و نسبی با رضای عباسی نداشته و در نسبت شاگردى و استادى و مریدى و مرادى ارادت خالصانه داشته و از محضر پر بار استاد مستفیض میگشته است.

این هنرمند عاشق طبیعت و زیباییهای افسانهای آن بود و در بیشترین آثار خود از حلاوت گلها و پرندگان بتدرستی تمام هنرها آفریده و بنازک قلمی و قدرت تمام از عهده برآمده و با رنگهای چشم نواز و پرآذین جلوهگر ساخته است.

در چند اثر استادانه که از چهره‌های گوناگون و مجالس مختلف چهره پردازی کرده، تبیین استادی و قدرت نقاش است که بیننده را به تحسین واد میدارد. از ارقام ذیل آثارش، معلوم میگردد محمد شفیع در خط نسخ و رقا و نستعلیق نیز استادی شیرین قلم و پر قدرت بوده است. و بروایات مختلف گویا او بهند رفته و در حدود سال ۱۰۸۵ ه.ق. در شهر آگره فوت کرده است.

شفیع عباسی یک پسر هنرمند بنام محمد تقی داشت که در یک اثر بجا مانده اش صراحتاً "خود را فرزند نقاش معرفی کرده و چنین رقم زده است. (محمد تقی بن شفیع عباسی ۱۰۵۶) آثار رقم دار و بجا مانده وی عبارت است از:

۱- تصویر مرغ سینه سرخی بود که روی ساقه نرگس نشسته و آنرا خم کرده است. در این اثر پر ملاحظت، گل و برگهای نرگس با استادی و طراوت خاصی نقاشی شده و دوزنبور عمل و یک پروانه رنگین که بدور نرگس در پرواز میباشند دیده میشود. این اثر استادانه که جهت شاه عباس ثانی انجام یافته رقم دارد.

(در تاریخ هفتم شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۶۲ به جهت نواب کامیاب اشرف اقدس ارفع خلد الله ملکه و سلطانه سمت تحریر یافت کمینه شفیع عباسی)

۲- دیگر اثر پر حلاوت هنرمند که در صفحه ۹۱ کتاب شاه عباسی و هنر اصفهان، بچاپ رنگی زیبا ارائه شده، تصویر بلبلى است که روی شاخه فندق نشسته و دو پروانه در اطراف گل دیده میشوند. رقم دارد.

(بهجت نواب کامیاب اشرف اقدس ارفع اعلى سمت تحریر یافت. رقم کمینه شفیع عباسی سنه ۱۰۶۲)

۳- اثر چهره سازی هنرمند، تصویر یکی از روحانیون مسیحی یا کلیسی بود که کتابی بدست گرفته و به عصای بلند خود تکیه داده بود. طرز پوشش و ردای او بسان کشیشان بود و در زمینه و حاشیه تصویر شاخه‌های درخت سنبل و سپیدار پنجه برگی بسان آرایش رضا عباسی داشت و رقمش چنین بود.

(شفیع عباسی)

۴- دیگر اثر چهره پردازی شفیع عباسی که عکس آن را در یک کتاب روسی تالیف S.MASLENITSYNA دیده‌ام، تصویر پیر مرد نشسته‌ای بود که سر را بین دو دست گرفته و بروی زانوان خم شده بود. این مرد عمامه سفید بسر داشت و پوستین قرمز رنگ زیبایی پوشیده و چکمه‌های راحتی بپا کرده بود و بخط نستعلیق درشت رقم داشت:

(بتاریخ روز یکشنبه غره شهر محرم الحرام سنه ۱۰۶۱ رقم شد کمینه شفیع عباسی)

۵- سه اثر زیبا و پر طراوت این هنرمند در آلبوم رنگی موزه ارمیتاژ لنین گراد چاپ شده که عبارتند از الف، تصویر شماره ۷۱ نقش مرغ شانه بسری است که روی ساقه‌های پر گل نشسته و دو زنبور و یک پروانه در حوالی گلها دیده میشود. این اثر چشم نواز که بشیوایی تمام آبرنگ شده رقم دارد.

(رقم کمینه شفیع عباسی سنه ۱۰۴۴) تصویر شماره

ب - تصویر شماره ۷۲ کاتالوک موزه. تصویر شاداب و پر حالت طوطی است که روی شاخه‌های فندق فرار گرفته و گل‌های ریز و وحشی دیگری در اطراف او دیده میشود. در این اثر خوش منظر، شش پروانه و دو زنبور در لابلای گلها نقش بسته و رقم دارد. (رقم کمینه شفیع عباسی ۱۰۶۳)

پ - دیگر آثار هنرمند در این موزه که عکس آن بشماره ۷ کاتالوک ارائه شده، تصویر کبک چاق و پرگوشتی است که روی شاخه گل سیب نشسته و مشغول آواز خوانی است. رسائی و طراوت گل‌های سیب و همچنین دسته گل فرعی دیگری که در مقابل پرنده تصویر شده، آئینی از کمال بشمار می‌آید. دو پروانه و سه زنبور در فضای خالی اثر دیده میشوند و رقم دارد.

(در روز پنجشنبه دوم رجب المرجب به جهت نواب کامیاب اشرف اعلی سمت تحریر یافت)

(کمینه شفیع عباسی سنه ۱۰۶۶) (تصویر شماره ۵۲)

۶- دیگر از آثار ارزنده استاد که در کتابخانه ملی پاریس قرار گرفته، تصویر آبرنگی گل میخک است که با شکوفائی و شادابی تمام نقش بسته و یک پروانه و دو زنبور در حوالی آن بحال پرواز دیده میشوند. بخط نستعلیق زیبا رقم دارد.

(در تاریخ هفتم شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۶۲ بجهت نواب کامیاب اشرف اقدس ارفع اعلی خلد الله ملکه و سلطانه سمت تحریر یافت. رقم کمینه شفیع عباسی)

۷- از آثار تقلیدی این هنرمند، تصویر زیبایی است که از روی تصاویر رضا عباسی کپی کرده و به قوی دستی از عهده آن برآمده است. در این آبرنگ پر کار، پیر مردی پهلوئی درختی قرار گرفته و زنی که شمیر بکمر بسته وارد خانه میشود. صاحب خانه دم در ایستاده و چوبی بدست گرفته است. یک نفر از اهل خانه از طبقه دوم عمارت ناظر صحنه میباشد. نقش کوه و منظره درختان جالب است و در بالای اثر بخط زیبا چنین قید شده.

(در تاریخ یوم الجمعه غره شهر جمادی الاول سنه ۱۰۶۴ روز سال گردش این مجلس مغفرت پناهی آقا رضا آبرنگ شد. کمینه شفیع عباسی) و در زیر آبرنگ بخط رضا عباسی چنین نوشته شده:

(هو - در روز چهارشنبه سیزدهم شهر صفر ختم بالخیر و الظفر سنه ۱۰۲۸ این مجلس عفران پناهی استاد بهزاد علیه الرحمه، بنده درگاه رضا مصور عباسی اتمام رسانیده آمد)

از درج ارقام زیر معلوم میگردد طرح این آبرنگ توسط رضا عباسی عمل آمده و تکمیل آن بعد از ۳۶ سال بدست شفیع عباسی اتمام پذیرفته است .

۸- دیگر از آثار این هنرمند، تصاویر رقم داری دیدم که در یک کتاب آلمانی چاپ شده بود . یکی از آبرنگها، نقش فوق العاده گل بنفشه بود که دارای ده گل رنگین و برگهای پر داشت و رقم نقاش که خیلی ریز دیده میشد چنین بود . (در روز دو شنبه پنجم شهر محرم الحرام سنه ۱۰۵۴ آبرنگ شد) و بجای امضا مهر بیضی شکل خود را که سجع آن و مشخصات دیگرش در اول این مقال ارائه شده ثبت نموده است .

دیگر در این کتاب ، تصویر گل سنبل پر غنجهای بود که در حدود هفت یا هشت غنچه و گل داشت و رقم نقاش بخط زیبای نستعلیق چنین بود .

(یا هو- در شب چهارشنبه شهر محرم الحرام سنه ۱۰۵۰ در مدرسه مولانا عبدالله آبرنگ یافت .)
(رقم کمینه محمد شفیع اصفهانی)

دیگر اثر شیوای هنرمند که در این کتاب چاپ شده بود ، تصویر گل گندم و شکوفه بود که در لابلای بونهها چند زنبور و پروانه و اردک و خرگوش دیده میشد که تیوه محمد شفیع را داشت ولی رقم صریحش دیده نمی شد .

۹- دیگر اثر رقم دار هنرمند در این کتاب، آبرنگ نیلوفر زیبا و برگهایی خزانی بود که رقم داشت .
(در روز شنبه پنجم شهر جمیع الثانی سنه ۱۰۵۵ آبرنگ شد)

۱۰- دیگر اثر این هنرمند که در این کتاب چاپ شده بود . دسنة گل میخک پر حالتی بود که در گلدان سفالی جا گرفته بود . رقم نقاش که بخط نسخ و رقاع عالی درج گشته بود باشکال قرائت گردید که چنین است .

(در تاریخ یوم الاحد شهر رمضان المبارک - رقم کمینه شفیع عباسی)

دو سطر شعر نیز در زیر اثر دیده میشد که بعلت ریزی و کوچکی آن امکان قرائت میسر نگردید .

۴۷۳ - شفیعه بانو

از بانوان هنرمند و با کمال ایرانی است که در ولایت هند نشو و نما یافته است .

این زن از نقاشان مرقع معروف گلشن بود و در اجرای بعضی تصاویر با هنرمندان تصویر ساز دیگر همکاری مینمود .

۴۷۴ - شکراله مذهب

میرزا شکراله مذهب از مذهبان و تشعیر سازان دوره مظفرالدین شاه قاجار است .

مرحوم تقی دانش در یادداشتهای خصوصی خود در مورد این هنرمند چنین مینویسد :
مرفعی که فرمان مشروطیت را بخط خود نوشته و مشیر الدوله صدر اعظم وقت مظفرالدین شاه آن را ستایش کرده در گوشهای چنین نوشته است .

(میرزا شکراله مذهب حاضر آمد و تا ظهر تمام شد و ظهر بصره شاه رسید)

معلوم میگردد تذهیب و آرایش فرمان مشروطیت بعهد میرزا شکراله مذهب بوده است .

۴۷۵ - شکراله میرزا باشی

فلزکار خوش دست اوایل قرن ۱۱ ه.ق . بود .

شکراله صنیع زاده : از مینا کاران بنام و نواده صنیع همایون معروف بود .

آفتابه خوش طرح و پر آذین اسلیمی از این هنرمند بیادگاه مانده که در کناره دهانه آن رقم داشت .

(شکراله میرزا باشی)

شمس در مولانا شمس بایسنقری آمده ۴۷۶ - شمسی قمی

اهل قم بود و در نقاشی دست داشت .

این هنرمند از نقاشان اواسط قرن ۱۲ ه.ق . ایران بشمار می آمد و سال مرگش معلوم نمیباشد .

۴۷۷ - شمس الدین

بنوشته دوست محمد در دیباچه بهرام میرزا :

"دیگر از شاگردان احمد موسی استاد شمس الدین است که در عهد سلطان اویس تربیت یافت و در شاهنامه بقطع مربع که بخط امیر علی بود مواضع ساخت. چون سلطان اویس بجوار رحمت ایزدی پیوست .

استاد شمس الدین طریق ملازمت کسی دیگر را پیش نگرفت و شاگرد او که خواجه عبدالحی بود بضروریات معیشت او تردد می نمود و استاد مشارالیه در منزل خود بسر برده علی الدوام بلوازم عشرت و فراغت مشغولی می نمود و همت بر تربیت خواجه عبدالحی می گذاشت چنانچه خواجه مشارالیه در زمان پادشاه جم جاه فضیلت پناه سلطان احمد بغداد که چهره جمالش به تربیت ارباب فضل و کمال آراسته بود فلم تفرّو یگانگی برداشته سلطان احمد را تعلیم تصویر کرد، چنانچه سلطان مشارالیه در ابوسعید نامه یک موضع بقلم سیاهی ساختند و چون رایات ملک ستانی تیمور گورگانی پرتو خلافت بر تسخیر ممالک بغداد انداخت و آن دارالسلام را روز چند بقدم سعی و اهتمام مستقر سریر خلافت ساخت، خواجه عبدالحی را همراه عساکر گردون مآثر بدارالسلطنه سمرقند آورده و در آنجا استاد مشارالیه وفات نمود و بعد از وفات خواجه همه استادان تتبع کارهای ایشان کردند" از آثار این نقاش ندیده ام .

۴۷۸ - شمس الدین بن احمد - نجار

نجار اهل ساری بود که در نقش تصویر بروی چوب شایستگی و قدرت تمام داشت .

از آثار رقم دار این هنرمند که در آپریل سال ۱۹۸۳ سانبی لندن بفروش رسید . صندوق چوبی منقش کم نظیری بود که بانواع نقوش هندسی و اسلیمی آراسته شده و از لحاظ کننده کاری و نجاری در خور تحسین بود . این صندوق در نداشت و رقم نجار بخط ثلث و نسخ ساده چنین بود .

"تمت هذه الصندوق فی تاریخ سنه اثنی و تسعمائه عمل شمس الدین بن استاد احمد نجاری باللدانی ساری"

۴۷۹ - شمس الدین حسنی

سید شمس الدین حسنی، نقاش و آرایشگر کاسه و بشقابهای لعابی در اوایل قرن ۷ ه.ق . بود و در هنر خود دست پر مهارت داشت . از آثار زیبای این هنرمند، بشقاب سفالی و لعابی منقش و تصویر داری است که عکس آن در صفحه ۷۰۸ کتابهای معروف پروفیسور پوپ بچاپ رسیده است . در وسط بشقاب، تصویر زیبای خسرو شیرین بملاححت تمام تصویر گشته و شیرین در چشمهای که پر از ماهی بود استحمام میکرد .

خسرو که از اسب پیاده شده، محو زیبایی شیرین شده و پنج نفر خدمه و همراه در لباس و آرایش

مختلف ناظر صحنه بودند. حواشی بشقاب جملاتی بخط تعلیق قدیم داشت و رقم نقاش چنین بود.
(صنعه السید شمس الدین الحسنی فی جمادی الاخر سنه سبع و ستمائه هـ)

۴۸۰ - شمس الدین - کاشی تراش

کاشی تراش و رسام نقوش بروی کاشی ها بود.
از آثار این کاشی تراش، در ایوان مسجد جمعه اصفهان، کاشی ها و تزیینات زیبایی بیادگار مانده که بخط نستعلیق رقم دارد.
(عمل استاد شمس الدین کاشی تراش)

۴۸۱ - شمس الدین مجلد

شمس الدین بن ضیاء الدین الزوشکی از مجلدان و مذهبیان استاد اواخر قرن ۷ ه.ق. بود.
از این هنرمند اثری در کتابخانه مورگان مضبوط است. که در داخل یک شمشه تو در توی شکل گنبدی، بخط رقاغ رقم دارد.
(رسم شمس الدین بن ضیاء الدین الزوشکی ۶۹۷)

۴۸۲ - شمس الدین محمد کاشی

این هنرمند بغیر از استاد شمس الدین میباشد که شاگرد استاد احمد موسی بشمار میرفت.
شمس الدین از تصویر سازان گمنام اواسط قرن ۱۱ ه.ق. بود و در آبرنگ سازی دست داشت. یگانه اثر رقم دار استاد شمس الدین که در کتابخانه گلستان تهران قرار گرفته، تصویر آبرنگی مردی است که چاقو بدست گرفته و مشغول بریدن خربزه میباشد. رقم دارد.
(شمس الدین محمد کاشی ۱۰۴۱)

۴۸۳ - شمس طبسی - کوفتگر

فلز کوب و کوفتگر اوایل قرن ۹ ه.ق. است.
از آثار این هنرمند که با همکاری استادان دیگر پایان یافته، پنجره نفیس فولادی زرکوب در موزه آستان قدس رضوی است که رقم شمس طبسی کوفتگر را دارا میباشد.

۴۸۴ - شهاب - سید روضه خوان

سید روضه خوانی بود که در هنر خط و ناخنی وقوف تمام داشت.
از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر ناخنی بی نظیر و استادانه علی علیه السلام را دیدم که سفارش وکیل الدوله، یکی از رجال دوره ناصری نقش گشته بود.
در این اثر پر مهارت، صورت حضرت پوشیده بود و عمامه و هاله نورانی دور سر، زیبایی ارائه شده بود. حضرت که روی تخته پوستی جلوس کرده و شمشیر ذوالفقار را بروی زانوان نهاده بود، جلوه روحانی داشت و رقم نقاش چنین بود.
(بجهت جناب جلالت مآب اجل اکرم افخم آقای وکیل الدوله.
عمل اقل الذاکرین سید شهاب الدین روضه خوان)

شهاب در مولانا شهاب بایسنقری آمده

۴۸۵ - شهاب‌الدین احمد نقاش

از تصویرگران نامی قرن ۱۱ ه.ق. و در شعر و شاعری نیز صاحب کمال بوده است. تذکره‌های درباب مولانا شهاب‌الدین احمد نقاش که تعریف کشتی را مخصوص قلم گردانیده در صفحه ۲۶۲ مجله ارمغان سال هیجدهم به قلم آقای احمد سهیلی خوانساری درج شده که نظر علاقمندان را بمطالعه آن معطوف میداریم.

۴۸۶ - شهاب‌الدین علی

نقاش قرن ۱۳ ه.ق. بود و در آبرنگ و تصویر گل و مرغ دست شیرین و پر قوام داشت. از آثار آبرنگی وی تصویر گل سرخ با حلاوتی دیدم که مرغی روی آن نشسته و رقم داشت. (شهاب‌الدین علی)
این اثر در حراج سال ۱۹۲۶ سانبی لندن بفروش رسید.

شیرین قلم در عبدالصمد آمده

۴۸۷ - شیخ احمد عودی

استاد شیخ احمد عودی برادر بابا حاجی صورت‌گر بود و در دوه سلطنت سلطان حسین میرزا بايقرا فعالیت هنری داشت.
در تاریخ رشیدی از این هنرمند باختصار یاد کرده و چنین نوشته است:
(استاد شیخ احمد. او برادر بابا حاجی است)
از آثار رقم‌دار این هنرمند که اصل آن گویا در مرقع فاتح اسلامبول میباشد. تصویر مرد کوتاه قد مسلحی است که البسه و لوازم کامل جنگی بتن کرده و کلاه پرده‌دار بسر گذاشته و اسب خود را مهار می‌نماید. اسب خوش تراش و جموش وی که خالهای سفیدی نیز دارد، دستها را بلند کرده و بحالت وحشیانهای با صاحب خود ستیز مینماید. بخط‌زیبای نستعلیق رقم دارد.
(عمل خواجه شیخ احمد عودی)

۴۸۸ - شیخ دولت خان

نقاش گمنام و شیرین دست اواسط قرن ۱۱ ه.ق. هند است.
از این هنرمند تصویر شاهزاده جوانی بیادگار مانده که روی تختی نشسته و مجسمه فلزی را که در مقابل دارد بررسی مینماید.
چند نفر از رجال و از جمله یک پیرمرد سپید موی که شاید وزیر اعظم باشد، در مقابل شاهزاده ایستاده و ناظر ماجرا میباشند. تصویر دو آهوی زیبا در حضور شاهزاده دیده میشود. در اطراف تصویر اشعاری بزیبائی متصل شده و رقم دارد.
(شیخ دولت خان)

۴۸۹ - شیخزاده

از شرح حال و زندگی این هنرمند کوچکترین اطلاعی در منابع و آثار قدیمی دیده نشد، تنها با بررسی تصاویر بجا مانده این هنرمند که در کتابهای دیوان حافظ و امیر علیشیر نوائی بیادگار مانده

معلوم میگردد، از سر چشمه متعالی هنر، سلطان محمد خراسانی سیراب گشته و دنباله‌رو مکتب آن هنرمند بوده است.

بعید نیست این هنرمند، با بهزاد از هرات کوچ کرده و در شهر تبریز ندیم و جلیس استادانی چون میرک و سلطان محمد و بهزاد گشته و یکی از نقاشان صاحب نام اواسط قرن دهم ه.ق. بشمار آمده است. شیخ زاده در چهره سازی و منظره پردازی و مجالس رزمی و بزمی استاد بوده و در تذهیب و تشعیر و حل کاری دست پر قدرت داشته و در صنعت خط نیز صاحب کمال بوده است. آثار شناخته شده این هنرمند عبارت است از:

ROYAL PERSIAN MANUSCRIPTS

چند اثر شیوا و هنرمندانه این اسناد که در کتاب

و در شماره‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۴ بچاپ رنگی زیبا طبع شده، از کتاب ترکی امیر علیشیرنوائی است که باختصار معرفی میگردد.

۱- اثر اول، تصویر صنعان و دختر ترسا است که در مکتب هرات تصویر گشته و در نوع خود بسیار شیوا میباشد. در این نقش دل انگیز، شیخ صنعان در وسط حیاط خانه با جمع محارم و یاران ایستاده با شیرین و ندیمه‌اش که در بالکن خانه ایستاده مشغول صحبت است. قیافه حاضران و تنوع آرایش البسه آنان و نقوش و تزیینات رویه ساختمان که بسان خاتم کاریهای شیراز ترسیم شده و همچنین منظره درخت چنار و درخت گلدار دیگر که در زمینه هوائی طلائی نقاشی شده بسیار خوش منظر و پر مایه میباشد.

۲- دومین اثر منسوب بشیخ زاده که اثر رنگی آن بشماره ۱۲ در این کتاب چاپ شده، تصویر فرهاد کوهکن است که در مقابل شیرین از حال رفته و بر زمین افتاده است. در این اثر دلنواز شیرین و ندیمه زیبایش سوار بر اسب، برای دیدن فرهاد بکوه آمده و فرهاد با دیدن وی نقش زمین شده و سر بدامن دوست خود نهاده است. منظره صخره‌های کوه و تصویر مجسمه‌های سنگی و اسباب و ادوات حجاری و همچنین قیافه و آرایش نفرت در حد خود استادانه بوده و یکی از بهترین آثار این هنرمند میباشد.

۳- دیگر اثر این هنرمند که بشماره ۱۴ در این کتاب طبع شده، منظره رزمی اسکندر کبیر با داریوش است که طرفین با آرایش و پیرایش جنگی بهم‌دیگر حمله کرده و با نیزه و کمان بستیز مشغول میباشند. حالات و قیافه رزم جویان و زیبایی و رنگ آمیزی البسه و وسایل رزمی. مخصوصاً "خوش تراشی و استواری اسبان به استادی تمام ترسیم گشته و در نوع خود ستودنی میباشد. اسکندر در گوشه راست روی اسب زره دار قرار گرفته و لباس طلائی رنگ زره‌دار پوشیده و پرچم سرخی روی کلاه خود نصب کرده است. در طرف دیگر داریوش پادشاه ایرانی، با هیبت و جلال پادشاهی روی اسب نشسته و کلاه عمامه‌ای پر دار بسر گذاشته و با یکی از سرداران صحبت میکند. در این اثر رویهمرفته ۲۱ نفر جنگجو ارائه شده که در کمال قدرت عمل آمده و یکی از بهترین آثار نقاشی بشمار می‌آید.

۴- اما اثر پر قدرت و ممتاز شیخ زاده که دارای امضای اصیل نیز میباشد. در کتاب گلستان سعدی دیده میشود که بعبار شعری که در بالای تصویر قید شده.

واعظان کین جلوه در محراب و منبر میکنند چون بخلوت میروند آن کار دیگر میکنند

نقاشی شده و از ممتازترین آثار پرمایه این هنرمند میباشد. خوشبختانه عکس رنگی این اثر نیز در این کتاب بشماره ۱۶ ارائه شده که توضیح مختصر آن چنین است.

در این اثر پر پیرایه که مجموعه سرشاری از هنر تذهیب و ترصیع و نقوش هندسی بشمار می‌آید، مجلس وعظی است که مومنین اجتماع کرده و گریه و شیون مینمایند. در این مجلس عزافرد صاحب

مقامی در صدر مجلس و روی قالیچه‌های نشسته و یاران در کنار او قرار گرفته‌اند. شیخ معمی بالای منبر رفته و صحبت میکند. جماعت مومنین که در صحن مجلس و بالکن و پشت بام نیز قرار گرفته‌اند، بعزاداری مشغول میباشند. روی رواق به خطر رقاغ زیبا نوشته شده.

(رواق منظر چشم من آشیانه تست)

در سینه بالای رواق بزرگ این بیت درج شده:

(برو بکار خود ای واعظ این چه فریاد است مرا فتاد دل از غم ترا چه افتاد است)

عظمت و گیرائی تذهیب و نقوش متنوع کاشی‌ها و تزیین و آرایش فرش و دیوارها در نوع خود شایسته نحسین بوده و روی یکی از کاشیهای زیر تصویر رقم دارد.

(عمل شیخ زاده) تصویر شماره (۴۹)

ع- دیگر از آثار رقم دار شیخ زاده، تصویر شاهزاده سواره‌ای است که با پیر مردی صحبت میکند. چند اسب و کره زیبایی در مرغزار و چمن‌ها بچرا مشغول میباشند. در پشت کوهها چوپانی از مشک چرمی شیر میگیرد. چوپانهای دیگری نیز در حوالی دیده میشوند. در طرف چپ، مرد سوار کاری در بالای کوه نیزه بدست گرفته و آماده شکار است. در وسط کوه، درخت زیبایی که گل و برگهای مخصوص دارد دیده میشود. در لچک شمالی طرف راست تصویر، این ابیات در بین تذهیب نوشته شده.

بگفت ای خداوند ایران و تور که چشم بداز روزگار تو دور

من آنم که اسبان، شه پرورم بخدمت در این مرغزار اندرم

(عمل شیخزاده)

بیرون حاشیه رقم دارد.

۷- دیگر اثر منسوب بشیخ زاده، تخت نشستن خسرو است که بعبار بیت شعری که در بالای اثر نوشته شده:

(بدین طالع کزو پیروزمند تخت ملک بنشست بر فیروزه گون تخت)
نقش گشته است. در این اثر زیبا که اصل آن در موزه متروپولیتن نیویورک قرار گرفته، پادشاه در آرایش سلطنتی روی تختی مزین قرار گرفته و یک فرش پر آدین در زیر پای وی دیده میشود. سایمان آلاچیق، که تزیینات تذهیبی دل فریبی دارد به استادی ترسیم شده است.

عدمهای از شاهزادگان و خدمه‌های مخصوص و سرداران و رجال در کنار وی ایستاده‌اند یکی از رجال که شاید از محارم نزدیک و یا وزیر اعظم میباشد، در مقابل خسرو نشسته است. منظره باغ و آرایش البسه و همچنین کاشیکاری صحن مجلس ستودنی بوده و یکی از بهترین آثار شیخ زاده بشمار می‌آید. تصویر شماره

۴۹۰ - شیخ عباسی

نقاش زیبا نگار و قوی دست دوران شاه عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۷) بود و در شبیه سازی و چهره پردازی و نقش مجالس رزمی و بزمی و پرنده سازی دست پر حلاوت و چشم نواز داشت. از سجع انحصاری نقاش (بهه) گرفت چو گردید شیخ عباسی) که در جمله آثار بجا مانده‌اش دیده میشود معلوم میگردد، این هنرمند در دوره سلطنت شاه عباس ثانی به قدرت لیاقت و کمال بصیرت در دستگاه شاهانه قرب و منزلتی داشته و پادشاه خود را که همانا لقب عباسی باشد از شاه صفوی دریافت داشته است.

اغلب آثار این هنرمند در شیوه استادان نامی آن دوره، محمد زمان و علیقلی بیک جبادار میباشد که در آن زمانها باب روز بوده و تصویر می شده است.

این هنرمند دو پسر نقاش داشت که احوال آنها در جای خود خواهد آمد. یکی محمد تقی بود که در

یک اثر بجا مانده فقط نام محمد تقی قید کرده و دیگری علی نقی نقاش است که در همه آثارش خود را فرزند شیخ عباسی دانسته و در کنار نام خود قید نموده است .

آثار بجا مانده و رقم دار وی عبارت است از :

۱- اثر رقم دار این هنرمند که در کتاب شاه عباس و هنر اصفهان نیز چاپ شده ، جلوس شاه عباس ثانی است که سفیر هند را بحضور می پذیرد. در این اثر پر جلال ، وز راو و رجال و اعیان و همراهان سفیر در حضور شاه صفوی قرار گرفته و خدمه در حال پذیرائی میباشند . تصویر در کمال تردستی و مهارت ترسیم شده و در قسمت انتهائی آن منظره شهر و درختان و کوهها به حلاوت تمام نمودار گشته و رقم دارد .

(بها گرفت چو گردید شیخ عباسی ۱۰۷۴)

۲- دیگر اثر شیخ عباسی که در کتاب ISLAMIC PAINTING نیز چاپ گشته ، تصویر شاهزاده هندی است که جام شراب بدست گرفته است . این پرئس البسه رزمی پوشیده و ثال طلائی بکمر آویخته و وسایل جنگی از قبیل شمشیر و سپر و غیره بخود آویخته است . انتهای تصویر منظره تپه و ماهور دشت و چمن و درختان است که بطراوت تمام نقاشی شده و بخط نستعلیق رقم دارد .

(بهاء گرفت چو گردید شیخ عباسی ۱۰۸۴)

۳- اثر دیگر هنرمند که در موزه هنرهای تزئینی تهران قرار گرفته ، جمع درویشان و محفل اخوت است که دور هم نشسته و بصحبت مشغول میباشند . قیافه و البسه درویشان در شیوه مغولی هندی است و در روی یکی از کتابها بخط ریز رقم دارد .

(بهاء گرفت چو گردید شیخ عباسی ۱۰۹۸)

۴- دیگر اثر رقم دار این هنرمند جمع جوانان و شاهزادگان است که در بیرون شهر دور هم جمع آمده و بباده گساری مشغول میباشند . در این اثر بزمی که عده نفرات در حدود هفت نفر میباشند . کلاه مخصوص دوره صفوی بسر گذاشته و البسه همان زمان بتن کرده اند . یکی از پرها کلاه از سر برداشته و جام شراب با بیکی از دختران تعارف میکند . در طرف دیگر دو دختر زیبا بزدن سه تار سرگرمند و سینی انار و بطریهای شراب در مقابل آنها دیده میشود .

در انتهای تصویر منظره درختان زیبا و پل دو دهنه قدیمی جلب نظر مینماید و در داخل یک مستطیل رقم دارد .

(بهاء گرفت چو گردید شیخ عباسی ۱۰۸۸)

۵- دیگر از آثار رقم دار و متفرقه این هنرمند تصویر بهمن دلاور است که بشکار مشغول میباشد . این اثر زیبا که در یک شاهنامه قرار گرفته ، تاریخ ۱۰۶۰ ه.ق . و رقم نقاش را دارا میباشد . دیگر تصویر مرغ زیبائی است که بسال ۱۰۸۲ ه.ق . نقاشی شده و از آثار ارزنده این هنرمند بشمار می آید .

۴۹۱ - شیخ علی خودگر بخارائی

کوفته گر فلزکوب اهل بخارا بود که با همکاری استادان دیگر در اول قرن ۹ ه.ق . پنجره زرکوب فولادی ساختماند که حالیه در موزه آستان قدس رضوی مشهد به یادگار میباشد .

۴۹۲ - شیخ محمد امیر مصور

نقاش قرن ۱۹ میلادی هند بود و در تصویر سازی مهارت داشت . شیواترین اثر این هنرمند که در روی جلد کتابی جلب توجه مینمود، تصویر استادانه کودکی بود که

که روی اسب نشسته بود و خدمه و نوکران در کنار وی بحفاظت مشغول بودند. یکی از نوکران نیز چتری بروی سر کودک گرفته بود. رقم داشت.

(شیخ محمد امیرمصور). ساکن کرایا شهر کلکته)

۴۹۳ - شیخ محمد سبزواری

فرزند شیخ کمال و اهل سبزواری است که بغیر از هنر تصویر سازی در کتابت خطوط نیز صاحب قلم بوده است. قاضی احمد در کتاب خود از این هنرمند یاد کرده و چنین نوشته است:

"او از دارالمومنین سبزواری است پسر مولانا شیخ کمال ثلث نویسی مییابد که تعریف او مذکور شد ولی نقاش بی بدل بود، شاگرد استاد دوست دیوانه بود و خط نستعلیق را خوب مینوشت و قلم بر قلم خنثایان در نقاشی داشت. هر چند که در صورت خطا میکرد و در مثنی در داشتن خط استادان را نقل میکرد و بقلم مو اصلاح مینمود بنوعی که فهم نمیشد، مصور و محرر و مذهب خوب بود، در مشهد مقدس در کتابخانه ابراهیم میرزا کار میکرد و ملازم و صاحب انعام بود" در عالم آرای عباسی نیز این هنرمند را معرفی کرده و چنین یاد نموده است:

مولانا شیخ محمد سبزواری مرد بذله‌گوی شیرین سخن قیافه‌و آن خوش اختلاط بود، در فن تدویر رنگ آمیزی یکه صورت دم از یکتائی میزدالحق در آن دعوی صادق و همه استادان نقش پرداز در این ماده با او موافق بودند، نستعلیق را بسیار خوب مینوشت و نقل قطعات استادان چنان میکرد که تمیز آن از منقول عنه نزد دیده وران خطاط بسیار دشوار بود، صورت فرنگی را در عجم اوتقلید نمود و شایع ساخت اما کسی بهتر او گونه سازی و چهره پردازی نکرد، در سبزواری ملازمت سلطان ابراهیم میرزا اختیار نموده در خدمت او بعراق آمد. در زمان اسمعیل میرزا از اصحاب کتابخانه شد و بعد از آن بخراسان رفته ادر اک زمان فرخنده نشان حضرت اعلی شاهی ظل‌اللهی کرده در ملازمت آن حضرت در عمارت نو دولتخانه مبارکه کار میکرد، در بندگی آن استان جان داد.

بروایت مرحوم دکتر بیانی، در کتابخانه خزینه اوقاف ترکیه قطعی بمرکب‌الوان از این هنرمند دیده که رقم داشته. (فقیر شیخ محمد بن شیخ کمال سبزواری غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما ۹۷۶) این هنرمند در انواع تذهیب و نسعیر و حل کاری قوی دست بود و طلای شفاف بکار میبرد. صورتها را فوق‌العاده پر حالت و با وسواس میساخت و سکنات صاحب چهره را بخوبی ترسیم مینمود. از فرنگی سازی وی که در عالم آراء یاد شده اثری مشاهده نکردم و چه بسا ممکن است صاحب عالم آرا تک صورتهائی که یکی از آنها در شماره ۹ این مقال یاد شده ذکر کرده و آنرا فرنگی سازی دانسته که در عجم باب گشته بوده است.

در جانورسازی و تصویر حیوانات نیز صاحب قلم بود و مناظر بزمی و رزمی را باحالت میساخت. امضای وی شکل بخصوصی داشت و نام خود را در جمع یک حرف و داخل یکدیگر جای میداد.

عمده آثار با ارزش این هنرمند، در کتاب هفت اورنگ مولانا عبدالرحمن جامی است که ۲۸ تصویر داشته و نقوش آن بوسیله شیخ محمد و میرزا علی و مظفر علی و غیره انجام شده و حالا در موزه فریرگالری واشنگتن جاگرفته است.

خوشبختانه این آثار در کتاب ROYAL PERSIAN MANUSCRIPTS بچاپ رنگی زیبا طبع شده که منحصر در اینجا تشریح میشود.

۱- اثر اول در این کتاب که بشماره ۱۵۸ یاد شده برداشتی از این ابیات است که در متن تصویر فید شده است.

چند تن را به سینه خاک افکند

چون سگانشان بخون و خاک افکند

داد آن قوم را چو دیو قرار

آخرا زخم نیغ صاعقه بار

جنگ مفلوبهای است که دو گروه بهم تاخته و مشغول نزاع میباشند. طرفین که سوار بر اسبها و شترها میباشند در لباس و آرایش جنگی در وسط معرکه دیده میشوند. عمده تصویر عجیبی که در این

اثر دیده میشود رزم آور جوانی است که بزانو نشسته و تفنگی زیر بغل گذاشته و بطرف متقابل آتش گشوده است. در گوشه دیگر حمل آذوقه و سورات جنگی است که در محل خلوتی قرار گرفته و منتظر فرمان میباشد. منظره جمعی صحنه جنگ و تصاویر پر مهارت و استادانه نغزات و خیل اسبان و شتران وافق زیبا و طلائی یکدست زمینه استادانه بوده و مهارت نقاش را بر ملا میسازد.

۲- دومین اثر شیوای شیخ محمد که بشماره ۱۱۳ در این کتاب چاپ شده مجلس پر جلال معارفه یوسف است که برای ازدواج با زلیخا تشکیل یافته است. در این مجلس پرسرور بزرگان قوم در صدر مجلس نشسته و یوسف در مقابل آنها دوزانو روی دوشکی سفید قرار گرفته است. هاله نورانی طلائی از سر یوسف شعله‌ور میباشد. خدمه و نوکران مشغول پذیرائی بوده و کله قند و نقل و نبات در دست مستخدمین دیده میشود. تذهیب سایه با نها و فرش های اطاق در کمال شایستگی و پر زیب و زینت است. البسه رنگین و حالات شادانه و قیافه خجول یوسف در کمال استادی تصویر گشته است منظره طاق بلند قصر ستودنی بوده و در کتیبه بالای آن نام طلائی (ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا) دیده میشود. تصویر در کمال نفاست بوده و یکی از بهترین آثار شیخ محمد میباشد.

۳- اثر پر شکوه و پر آذین دیگر هنرمند که بشماره ۱۲۳ ارائه گشته، استراق سمع مجنون از خیمه‌گاه لیلی است که در کمال پرکاری و فریبندگی انجام یافته است. در این مجلس پر جمعیت که چادرهای گوناگونی در جمع همدیگر قرار گرفته جماعت همراهان را در حالات و قیافه‌های گوناگون که هر یک بکاری مشغولند تصویر کرده و با استادی از عهده بر آمده است. در گوشه چپ تصویر قیافه تکیده و نحیف مجنون که دست بسینه ایستاده و در آرزوی وصال لیلی در اندوه فرورفته، دیده میشود. در چادر لیلی نیز وضع بدین منوال بوده و لیلی با افکاری پریشان چاره کار را از ندیمه مکار خود سؤال مینماید. تذهیب و آرایش پر کار چادرها و حالات گوناگون نغزات تصویر در کمال قدرت بوده و نشانه خبرت و بصیرت کامل نقاش میباشد.

۴- اثر دیگر نقاش در کتاب هفت اورنگ، مرگ اسکندر است که بشماره ۱۲۷ در این کتاب بچاپ رسیده است در این اثر پر ملاحظت، اسکندر در بستر مرگ افتاده و همراهان و سرکردگان شیون و گریه گنان بسرو سینه خود میزنند. دو مرد جنگی سپرهای خود را بعنوان حمایل بالای سر اسکندر گرفته و از تابش آفتاب جلوگیری مینمایند. در افق تصویر درخت تنومند و کهن سالی با شاخه‌های شکسته و آتش گرفته دیده میشود.

منظره عمومی تصویر و حالت غم و اندوه حاضران و البسه رنگین نغزات، مخصوصا حالت نزع اسکندر به استادی تصویر گشته و نشانه ذوق پر ابتکار نقاش میباشد.

۵- از آثار رقم دار این هنرمند که در نمایشگاه بریتیش میوزیوم از نزدیک دیدم و تصویر آنها در کاتالک موزه بنام WONDERS OF THE AGE در صفحات ۱۹۶-۱۹۷-۲۰۵

۲۱۳ ارائه شده تصویر جوانی است که دوزانو نشسته و بقرائت جزوه‌ای مشغول میباشد. این جوان گل میخکی بدست گرفته و متفکر بنظر میرسد. در داخل جزوه این بیت شعر دیده میشود.

از هوای چمنم آرزوست
جلوه سرو سمنم آرزوست

کلاه و لباس جوان شیوه صفوی بوده و قیافه‌اش ابکی میباشد. در کناره تصویر اشعار ترکی دیده میشود که به نستعلیق نوشته شده وزیر زانوی جوان رقم مخصوص دیده میشود که نوشته (راقمه شیخ محمد) تصویر شماره (۴۲) مضبوط در موزه لور پاریس

۶- دیگر اثر منسوب به این هنرمند که از نزدیک دیدم و تصویر آن در صفحه ۱۹۸ کاتالک ارائه شده، تصویر مردی، گویا رفوچی خان است که با کلاه عمامه و لباس دوزانو نشسته و شمشیر و تیرکمان بکمر بسته و گرز فولادی زنجیری زیر بغل گرفته است.

در زمینه تصویر گل و شاخه پر حالت دیده میشود که شیوه کار استاد شیخ محمد را بخاطر می‌آورد. ۷- دیگر اثر منسوب بشیخ محمد که از نزدیک دیدم و تصویر واقعی کوچکتر از آن بود که در صفحه ۲۰۵ کاتالک نمایشگاه چاپ شده است تصویر از یک جوانی است که لباس بلند و رگه‌دار مخصوص پوشیده و کلاه عمامه‌ای بسر گذاشته و به متکا تکیه داده است. در پشت تصویر، منظره درخت و پرده رنگینی که تصاویر حیوانات گوناگون بروی آن نقش شده دیده میشود. تصویر در کمال استادی بوده

و شایسته تحسین میباشد.

۸- تصویر دیگر این هنرمند که در موزه لوور قرار گرفته وبشماره ۸۴ ودر صفحه ۲۱۳ کاتالگ ارائه شده طراحی دو دل داده است که سراپا ایستاده دست در دست دیگر نهادهاند. حالات صورت و قیافه نوجوان استادانه است ودر شیوه صفوی نقش گشته و پرمهارت میباشد.

۹- دیگر از آثار رقم دار این استاد، تصویر مردی باریش و سبیل بزی است که کلاهی مثل دیگری بسر گذاشته و روی آن شال پارچهای بسته است. این مرد دوزانو نشسته ویک شغل ساده و کوتاه روی لباسها پوشیده است. در زمینه صفحه، تصاویر اسلیمی وبرگ وگل وحل کاری ترسیم شده و تمام صفحه را در بر گرفته است. در قسمت بالای نقاشی بخط فوق العاده زیبای نستعلیق این بیت نوشته شده

باری چو زحمت نگه گرم میدهی
دل آنچنان مبر که توانیم پس گرفت
در زیر زانوی تصویر رقم دارد. (راقمه شیخ محمد)

ش
محمد

۴۹۴- شیخ مذهب

نقاش مغولی قرن ۱۲ میلادی هند بود در تذهیب و تصویر صاحب کمال بشمار میرفت. در تاریخ هشت آپریل سال ۱۹۸۰ در بریتیش میوزیوم نمایشگاهی افتتاح گردید که تصویر ازدها را در هنر مینیاتور سازی ارائه میداد.

از این هنرمند در این نمایشگاه اثر پیرمایه ای دیدم که ستودن داشت. این اثر پر توان که برداشتی از این حکایت بود. (عاملی را شنیدم که خانه رعیت خراب کردی) حاکم صاحب جلالی روی تخت نشسته و عده از مردم در اطراف وی ایستاده بودند. در قسمت پائینی نوازندگان می نواختند و میهمانان و حضار با البسه رنگین و مخصوص خود جلب نظر مینمودند. در وسط ساختمان حوض با صفائی بود که چند مرغابی در آن شنا میکردند. از پشت معجر مطلا و قرمز رنگ، منظره کوهها و درختان خوش تراش باغ دیده میشدند. سایبان بالای سر حاکم با تذهیب پر پیرایه ای آذین شده بود و رقم نقاش به خطر قاع قرمز رنگ چنین بود.

۴۹۵- شیخی بیک نقاش

نقاش اواسط قرن ۱۰ ه.ق. بود و خطرا نیز نیکو مینوشت. در مرقع بهرام میرزا که در کتابخانه خزینه اوقاف اسلامبول قرار دارد. قطعه خطی از این نقاش دیده میشود که خدمت بهرام میرزا (۱) ارسال داشته و چنین نوشته است.
(عرضه داشت بنده خاکسار شیخی بیک نقاش)

۴۹۶- شیخی کرمانی

اهل کرمان بود و در نقاشی و شعر دست داشت.
در کتاب تحفه سامی از این هنرمند نام برده و اختصاراً "چنین نوشته است:
(در نقاشی بی بدل بود و در ملائی مکمل. این شعر از اوست)
طره ات مار خفته را ماند - چهره ماه دو هفته را ماند

۴۹۷- شیخی مذهب

مذهب شیرین قلم و نادره کار اواسط قرن ۱۰ ه.ق. است.

۱- ابوالفتح بهرام میرزا فرزند شاه اسماعیل اول صفوی و برادر شاه طهماسب بود که در سن سی و سه سالگی و تاریخ ۹۵۶ ه.ق. درگذشته است.

از این هنرمند در کتابخانه توپ قابو سرای ترکیه اثری دیدم که در کمال قدرت تذهیب شده و حالت استادانه داشت. در این اثر استادانه، دو دلداده کنار هم قرار گرفته و زن چادر بسری صراحی شراب بدست گرفته و بدیگری عرضه میکند. این مطالب در بالا و پائین تصویر نوشته شده بود. (نقش شیرین روان سنگ دل من این است که خیال رنجش از خاطر فرهاد رود) رقم داشت. (مشقه شیخی مذهب فی سنه ۹۴۵)

۴۹۸- شیخی یعقوبی

نقاش معروف دوره آق قویونلوها است که در خدمت سلطان خلیل (۸۸۳-۸۸۴) و سلطان یعقوب (۸۸۴-۸۹۶) بفر و احترام می‌زیسته و در مکتب تبریز و ترکمان تصویر می‌ساخته است. این هنرمند بعزت قرب و منزلتی که در دستگاه سلطان یعقوب داشته، شیخی یعقوبی امضاء می‌کرده و بآن افتخار می‌نموده است. اغلب کارهای این استاد شبیه کارهای استاد محمد سیاه قلم بوده و تزیینات و آرایش البسه نفرات تا حدودی همسان شیوه چینی می‌باشد. عمده‌ترین و شاید همه آثار بجا مانده این هنرمند، در آلبوم سلطان محمد فاتح قرار گرفته و بشماره H. 2153 در موزه توپ قابو سرای اسلامبول مطبوع است. نگارنده در سفرهای متعددی که برای دیدار آثار هنرمندان ایرانی بآن دیار سفر کرده‌ام. جملگی آثار این هنرمند را از نزدیک دیده‌ام که مختصراً "بشرح آنها می‌پردازم. اثر اول - تصویر دوزن زبها و فتان چینی است که روی صندوقچه‌ای نشسته و در جنب آنها نقش دوکل خوش حالت و با طراوت جلب نظر مینماید. کناره‌های صندوق تذهیب‌هایی بشیوه ایرانی داشته و بخط نستعلیق زیبا رقم دارد. (عمل استاد شیخی نقاش) ۲- دیگر از آثار این هنرمند که از نزدیک دیدم. نقش شاهزاده اسب سواری بود که شیری را با نیزه خود شکار می‌نمود. در کناره این مجلس، نقش گل و برگ در شیوه چینی سازی بود و پرنده زیبائی در حال پرواز دیده میشد و نوشته‌های بخط نستعلیق داشت. (العبد شیخ محمود اصلح اله شانه ابداء)

و رقم نقاش بخط نستعلیق چنین بود: (عمل استاد شیخی)

۳- دیگر از آثار استاد شیخی که در این موزه دیدار کردم. جمع دراویش و گدایان پابرهنه و بدون تلوار بود که در گذرگاهی اجتماع کرده و دو طلبه متفکر و خوش لباس بجمع آنها نظاره میکردند. بخط نستعلیق زیبا رقم داشت. (عمل شیخی الیعقوبی)

۴- چهارمین اثر استادانه این هنرمند را که در این موزه دیدم. تصویر سر و صورت جوانی در کمال استادی بود که در جنب اثر استاد احمد موسی الحاق گشته بود و رقم داشت. (مشق شیخی)

۵- دیگر از آثار این هنرمند، تصویر افرادی است که بسبک چینی لباس پوشیده و خوشحال و صحبت کنان عازم مقصد می‌باشند، دو پیر مرد که لباسهای مخصوصی بتن دارند این سه نفر را مسخره کرده و بآنها می‌خندند. رقم دارد. (کار استاد شیخی نقاش)

۴۴۹- شیوداس

نقاش قرن ۱۱ ه.ق. مغول هند بود و در چهره پردازی و زیبایی‌نگاری صاحب قلم بشمار میرفت. از تنها اثری که از این هنرمند دیده‌ام، تصویر شخصی بنام میر جمله بود که ریش انبوهی داشت و سایه‌ها در کمال قدرت بود. در حواشی اثر نیز خطوطی بخط نستعلیق زیبا کتابت شده بود که

تذهیب زیبا داشت و رقم نقاش چنین بود .
(شبهه میر جمله عمل شیوداش)

ص

۵۰۵- صادق- آقا صادق اول

با تفحص و تعمق کافی در آثار بجا مانده و شیوه هنری نقاشان پرمهارتی که بنا م آقا صادق در عرصه هنری ایران درخشیده اند معلوم میگردد؛ و نقاشی نادره کار و چابکدستی، بنا م های آقا صادق در این مرز و بوم بخلق تصویر پرداخته و آثار ارزنده و پرحلاوتی را نیز عرضه نموده اند .

مانیز در اینجا به نسبت اولویت تاریخی و سبک و شیوه نگارگری و حتی پرداخت و آرایش کار و در بعضی موارد انتخاب مضامین باب روز، آن دو نفر را بنا م های آقا صادق اول و دوم در این مقال یاد کرده ایم .

۱- آقا صادق اول که فعالیت هنری وی حدود سالهای ۱۱۲۸ الی ۱۱۷۸ ه.ق. بمدت پنجاه سال ادامه داشته و با سجع (یا صادق الوعد) و (صادق از لطف علی اشرف شد) معروف و شهره بوده، یکی از شاگردان معروف علی اشرف بشمار میرفته است .
۲- آقا صادق دوم که رشته فعالیتش در میان سالهای ۱۱۶۰ الی حدود ۱۲۲۱ ه.ق. به مدت پنجاه و دو سال ادامه داشته و منحصرًا "با سجع (یا صادق الوعد) در عرصه هنری زمان خود مشهور بوده است .

حال به احوال مختصر آقا صادق اول پرداخته و آثار بجا مانده هنرمند را بررسی مینمائیم . صادق اول که با ارائه سجع معروف خود (صادق از لطف علی اشرف شد) به شاگردی استاد نامدار و معروف زمان، علی اشرف مفتخر بوده، از نقاشان نادره کار و پرابتکارا و اخص فویه و دوران زندیه است که با ابتکار و قدرت قلم پرمایه اش در زمان خود شنا سا بوده است .

این هنرمند مناظروقیافه و حالات نفرات و تزیین و آرایشی البمه و بکاربرد رنگهای سنگین را که تلفیق استادانه شیوه صفوی و زنده بوده به نیکوترین اسلوبی بروی قلمدان ظاهر میساخت و با ستادی پرداخت مینمود. بعیر از سج مذکور، بیه توکل و تبرک اسماء مبارکه، اغلب اوقات رقم (صادق الوعد) را در ذیل آثار ثبت مینمود. آقا صادق در رشته کارهای روغنی (لاکی) اسناد پرمایه بود و در کل و مرغ و آرایش و پیرایش مجالس بزمی و شکار و ارائه حالات انسان و جانوران دست فوی و پرمایه داشت. از آثار رقم دار او دیده ام:

۱- قلمدان نفیسی دیدم که در رویه آن تصویر زنی زیبا جلب نظر میکرد. در انتهای قلمدان، منظره ساختمانی در شیوه صفوی بود که درختان پرتراوت و زیبا کنارهاهی ساختمان را پوشانده بودند. حواشی قلمدان، مناظر گوناگون شکارگاه و جنگل بود که عده ای بشکار و سیاحت اشتغال داشتند. رقم داشت.

(صادق از لطف علی اشرف شد ۱۱۳۰)

۲- قدیمیترین اثر رقم دار این هنرمند را که دیدم، در یک کتاب فرانسوی بود که به سال ۱۹۳۵ میلادی چاپ شده بود. و آن اثر تصویر قلمدان تابوتی شکل پرمهارتی بود که رویه آن، گل و مرغ کا ملا" بشیوه استاد علی اشرف بود و رقم داشت.

(صادق از لطف علی اشرف شد ۱۱۲۸)

۳- دیگر اثر پرمهارت هنرمند که در موزه هنرهای تزیینی تهران قرار دارد، قلمدان زیبائی است که در رویه آن، تصویر زن دلربائی ارائه شده که بیست و شو و آرایش خود اشتغال دارد. زن جوان دیگری که شاید ندیمه وی باشد، جام شراب را بدست گرفته و آماده خدمت است. در گوشه دیگر قلمدان، دختر پرحالت دیگری نیز عرضه شده و در قسمت بالا بخت طلائی، رقم دارد.

(یا صادق الوعد ۱۱۲۴)

۴- قاب آینه استادانه این هنرمند که در حراج شهر پاریس بفروش رسید، قاب آینه بیضی شکلی بود که در رویه آن، تصویر حضرت مریم و مسیح جلب نظر میکرد که دو دختر فتان و زیبا در زیر پای مریم نشسته بودند. در طرف دیگر، پیرمردی که شاید یکی از حواریون بود کبابی بدست گرفته و در مقابل آنها ایستاده بود.

زمینه قاب آینه، درختانی در شیوه صفوی داشت که دو فرشته پرحالت، بحال پرواز در خدمت بودند. در پشت قاب آینه، تصویر مذهبی (ذبح اسمعیل) به تردستی ترسیم شده و رقم بدون تاریخ داشت.

(صادق از لطف علی اشرف شد)

۵- دیگر قلمدانی که از این هنرمند دیدم، قلمدان تابوتی گل و مرغی بود که در شیوه علی اشرف ترسیم شده و در نوع خود تا بنک و دل فریب بود. داخل قلمدان نیز

گل و مرغ بود و در سه هم مجزابه خط نستعلیق زیبا رقم داشت .

(با صادق الوعد در سنه ۱۱۶۲)

۶- اثر دیگر هنرمند آقاب آینه هشت ضلعی آراسته بگل‌های متنوع بود که پختگی و رسائی هنر علی اشرف را بر ملا میکرد. در داخل قاب آینه، دختری با البسه مخصوص دوران زندیه نشسته و پاهای او را روی پا انداخته و صراحی تراب و چند عدد میوه در مقابل وی قرار داشت. در پشت سرش، پسر جوانی با البسه و کلاه شیوه زندیه ایستاده و دختر طناز را نظاره مینمود. رقم داشت .

(صادق از لطف علی اشرف شد ۱۱۷۴)

۷- قلمدان تابوتی دیگر که تصویر شکارگاه با شکوهی در سبک صفوی داشت، از نزدیک دیدم که واقعا "در خور تحسین بود. قیافه و البسه و حالات اسبهای شکارچیان در کمال استادی عمل آمده و متین و استوار بود. حواشی قلمدان، گل و مرغ شیوه زندیه داشت و در داخل قلمدان نیز تصویر جوان کم سن و سالی در شیوه شاهزادگان زندیه جلب نظر مینمود و بخط شکسته زیبا رقم داشت .

(صادق از لطف علی اشرف شد ۱۱۷۶)

۸- اما استادانه ترین اثر رقم دار این هنرمند که متاسفانه فرسوده شده و تاب دیده بود، جمبه گل و مرغی بود که تصویر داخلی آن، منظره شکار اروپائیان بود. این اثر زیبا که در حراج ۲۲ آوریل سال ۱۹۸۰ سائتی لندن بفروش رسید، اندازه : (۲۴ x ۳۴/۵ x ۱۰ سانتی متر) داشت .

رویه آن گل و مرغ پیچیده و جمع شیوه علی اشرف داشت و در داخل آن، صحنه شکار جماعت اروپائی بود که به تردستی تمام نقش شده و در روی قاب آینه رقم داشت .

(صادق از لطف علی اشرف شد ۱۱۷۷) تصویر شماره

۱۵۰- صادق - آقا صادق دوم

دومین آقا صادق که نام اصلی وی محمد صادق بوده و بنا مهای صادق و آقا صادق و محمد صادق در زمان خود شهره بوده و سجعش را (با صادق الوعد) مینوشته و یا تمها به ذکر نام ساده خود اکتفا مینموده است .

این هنرمند نقاش قوی دست و نادره کاری بود که بیش از پنجاه سال، در کمال استواری و پراعتباری در عرصه هنری ایران خوش درخشیده و آثار گرانبغری بجز خود بیادگار نهاده است .

او در رشته های گوناگون نقاشی، از فیل آبرنگ و کارهای روغنی (لاکی) و ارائه تصاویر رنگ و روغنی و تذهیب و ترصیع و حل کاری، صاحب استکار و نقاشی بدیع نگار

بوده است. سجع وی عموماً " (یا صادق الوعد) بود که تشدید بیرونی حرف (ع) می‌گذاشت و یا اینکه با مضای ساده خود بسنده می‌کرد.

آقا صادق در گل و مرغ و شبیه‌پردازی و تک‌چهره‌سازی و مجالس پرجماعت رزمی و بزمی و شکار و جانورسازی و حتی‌فرنگی سازی استاد بود و بر موزون‌دقایق نقاشی تصویر و قوف تمام داشت. و در تذهیب و تشعیر و آرایش حواشی و صنعت خط نیز صاحب قلم بود. این هنرمند با ارائه مجالس عرفا، مخصوصاً "تصویر مجالس بحث و فحش عرفی با پسر شاه سلیم‌هندی که بروایتی شاهزاده‌ای نیکو خصال و با زهد و تقوی بوده، رغبت تمام داشته که نگارنده حدود پنج اثر ممتاز وی را در این مورد از نزدیک مشاهده نموده‌ام. در اغلب این مجالس، شاهزاده با فروتنی تمام و البته سلطنتی زربفت چون مریدی پاک با خسته در حضور مرادش دوزا نونشسته و به نصایح و اندرز پیر عارف گوش می‌دهد.

محمد صادق نقاش پرکار و پرابتکار بود و در ارائه تابلوهای بزرگ رنگ و روغنی و مجالس رزمی از پیش قدمان بشمار می‌آمد. در تصویر جنگ کرنال که با مرآغا محمد خان قاجار و در چهل ستون اصفهان ترسیم گشته روایتی شنیده‌ام که ذکر آن در این گفتار بی‌مناسبت نمی‌باشد.

می‌گویند روزی آقا با قرنقاش جهت دیدار آقا صادق به کاخ چهلستون که در آنجا بکار نقاشی مشغول بوده است می‌رود. بعد از سلام و احوال‌پرسی رو با آقا صادق کرده. می‌گوید: استاد چه کار ساده‌ای ترتیب داده‌ای که با این سرعت و شتاب بی‌پایان می‌رسانی، آقا صادق مکدر شده و جواب می‌دهد: آغا محمد خان کنس و پول پرست است. مزد این نقاشی را ذریعاً بمن می‌دهد و ارائه‌کار بهتر در مقابل این مزد کمتر سفاقت و دیوانگی است. آنوقت برای اینکه هنرش را به آقا باقر نشان بدهد فی‌الغور صورت یکی از رزم‌آوران را در شباهت آقا باقر ترسیم مینماید که ستایش و تحسین ناظران را برمی‌انگیزد.

آقا صادق بغیر از نقاشی در شعر و ادب نیز دست داشته و اغلب ارقام هنری خود را، بنظمی مناسب بشعر درآورده و بخط زیبای خود کتابت می‌کرده است.

در قلمدان زیبایی که از آثار نقاش استاد بنام جعفر دیدم نوشته بود:

(عمل جعفر بن صادق)

از وضع ترسیمی و حالت گل‌آرایی که شباهت زیادی بکارهای آقا صادق داشت معلوم می‌نمود این هنرمند، فرزند هنردوست نقاش بوده که از سرچشمه هنری پدر پسران پرمهارتش فیضها برده و بمقام هنرمندی رسیده است.

از آثار رقم‌دار او دیده‌ام:

۱- اثر ارزنده و بزرگ رنگ و روغنی، جنگ کرنال که در کاخ چهل ستون بیادگسار مانده، تصویر رزمی جنگ آوران ایرانی، بسرکردگی نادر شاه افشار است که با ناصرالدین محمد شاه کورکانی، در محل کرنال بوقوع پیوسته است. این اثر رنگ و روغنی و پرکار، با مرآغا محمدخان فاجار ترسیم گشته و رقمش چنین است.

بحسب الحکم شاهنشاه دوران فریدون فرمحمدخان قاجار
ز کلک صادق نقاش نشو شد نشان و فر نادر شاه افشار
(با صادق الوعد)

۲- دومین اثر بزرگ و رنگ و روغنی آقا صادق که آن نیز در چهلستون قرار دارد. منظره رزمی جنگ چالداران است که شاه اسمعیل صفوی را با سلطان سلیم عثمانی در مقابل یکدیگر تصویر کرده و رزم آوری و دلیری شاه اسمعیل را در مقابل ترکان عثمانی به نیکوترین تریبی ارائه داده است. در پائین و در وسط تابلو رقم دارد
(با صادق الوعد ۱۲۱۰)

۳- سومین اثر رزمی و تاریخی این نقاش، جنگ نادر شاه با ترکان عثمانی است که در یکی از سالنهای گلستان تهران مضبوط میباشد. ما وقع این تابلو تصویر نبرد بیکن پاشا با نادر شاه است که در سال ۱۱۵۸ اتفاق افتاد و بفتح نادر شاه و شکست سپاه عثمانی پایان یافته است.

۴- دیگر اثر این هنرمند که در کتابخانه مجلس قرار دارد، تصویر رنگ و روغنی بهشت است که بابعاد تقریبی ۱۸۰ x ۲۸۰ سانتیمتر ترسیم شده و تما و پرزبانسی از دختران دلربا و اطفال کم سن و سال را در کمال مهارت انجام داده که بسیار پسندیده میباشد.

۵- از آثار ممتاز و رنگ و روغنی دیگر نقاش، تصویر شاهزاده جوانی است که بر اسب سوار شده و با ازدهای سهمناکی نبرد میکند. شاهزاده بیباک، با خنجر دستی به ازدها حمله کرده و حیوان را زخمی ساخته است. منظره سرسبز دشت و دمن و درختان بلند سبز، در افق دور تابلو جلوه پرزینتی دارد. این تابلو که در موزه نگارستان تهران قرار گرفته رقم دارد.
(رقم کمترین محمد صادق)

۶- دیگر اثر رنگ و روغنی هنرمند در این موزه، تصویر زن لوند و دلغریبی است که به شادابی و سرمستی به متکای گلگون تکیه کرده و در کمال تمنا و دلربایی نظاره میکند. آرایش لباس و جواهرات و نیم کلاه مرصع وی استادانه بوده و کیلاس شراب به سستی در حال افتادن است. بطری شراب و چند خیار سبز و در طرفی گربه ملوس و رییسادر زمینه تابلو جلب نظر مینماید. خدمتکار جوان، فنجان قهوه را تعارف میکند رقم دارد.
(کمترین محمد صادق)

۷- اثر دیگر هنرمند را که در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن دیدم، قلمدان دل انگیزی بود که در رویه آن تصویر شاهزاده جوانی با لباسهای زربفت بود که شمشیر بکمربسته و روی اسب سوار شده و به استحمام شیرین نگاه میکرد. در طرف دیگر قلمدان، شیرین و ندیمان به طنای مشغول حمام بودند و پیرزن خدمتکار حوله‌ای را جهت پوشش شیرین بدست گرفته بود. در طرف راست رویه قلمدان، سربازان و محافظین مخصوص شاهزاده دیده میشوند. رقم داشت. (یا صادق الوعد ۱۱۹۰)

۸- قاب آینه دیگری از این هنرمند که در این موزه قرار دارد، میدان رزمی با شکوهی است که لطفعلی خان زند و یاران همراهش با دشمنان ستیز مینمایند. قیافه و حالات مختلف سوارکاران و استواری اسبها و جنگ و گریز رزمندگان در کمال استادی ارائه شده و رقم دارد.

(یا صادق الوعد ۱۱۸۹)

۹- دیگر اثر بزرگ و پرکار این هنرمند، جعبه بزرگی بود که تصویری از شاهان صفوی به زبردستی تمام در روی جعبه ترسیم شده و در اطراف پادشاه حدود بیست تاسی نفر از رزم‌آوران جنگی دیده میشوند. یکی از همراهان، شیری را زخمی کرده و بتله انداخته بود. در اطراف جعبه و در هشت مدالیون مختلف، تما ویر چشم‌نوازی از جمیع زنان و دختران پری پیکرو انبوه شاهزادگان زندگی و صحنه‌های متنوع شکار ارائه گشته و روی جعبه رقم گذاشته بود. (یا صادق الوعد ۱۱۹۸).

ترسیمات داخل جعبه که صحنه پر مهارت شکار فتح‌علیشاه قاجار بود بدست نقاش دیگری بنام محمد اجرا شده و تاریخ ۱۲۳۸ را داشت.

۱۰- قلمدان دیگری نقاش، در آرایش گل و مرغی استادانه‌ای انجام یافته و در مدالیونهای مختلف حواشی قلمدان، نیز مناظر شکار و تما ویر پر حالت دیگر نقاش بسته بود و رقم داشت. (یا صادق الوعد ۱۱۹۳)

۱۱- دیگر اثر آقا صادق، قلمدانی در زمینه تیره رنگ بود که تصویر عرفی و پسر شاه سلیم مقابل مرشد خود نشسته و جماعت همراهان که عبارت از زنان و مردان و کودکان بودند بصحبت آنان گوش میدادند. حواشی قلمدان نیز مجالس متنوع شکار و منظره استحمام شیرین را داشت و رقم آن چنین بود.

(یا صادق الوعد ۱۱۶۵)

۱۲- قلمدان دیگری بهمین نوع و موضوع، از این نقاش دیدم که در کمال استادی و نفاست انجام یافته و حواشی آن کلاً "مناظر شکار و جمع حیوانات شکاری بود. رقم نقاش که به طلای درخشنده در جنب مولانا عرفی دیده میشد، در یک بیت چنین بود. بدین دلکش قلمدان نقش باب از خامه صادق که آن دربار والا را غلامجان فشان آمد

۱۳- قلمدان گل و مرغی کم نظیر دیگر نقاش، قلمدان فریبنده ای بود که گل و مرغ- های ریز و پر گل داشت. در رویه آن دو در سه مدالیون گوناگون، تما و پیر دختران طنز و زنان دلربا بشیوه والیسه دوران زندیه نقش گشته بود که ستودن داشت. در مدالیون وسطی، نوجوانی با کلاه زیبای زندیه که گویا تصویر خود لطفعلی خان زند بود ایسه تر دستی عمل آمده ورقم داشت. در قسمت بالا (یا صادق الوعد) و در قسمت پایین (شهر رجب المرجب ۱۲۱۲)

۱۴- دیگر قاب آینه نفیس هنرمند که در موزه هنرهای تزئینی تهران بیا دکار است، تصویر پیرمهارت حضرت مریم و مسیح بود که یکی از حواریون انجیل بدست گرفته و در مقابل آنها ایستاده بود. داخل قاب آینه نیز تصویر عرفی را داشت که پسر شاه سلیم و جمع یاران در خدمت او بزان نوشتند و بموعظه و اندرز مرشد خود گوش فرامیدادند.

۱۵- دیگر قلمدان این هنرمند که در حراج ساتنی نیویورک و بتاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۸۱ بفروش رسید، قلمدان بز می یوسف و زلیخا بود که یوسف در مقابل زلیخا نشسته و با هم صحبت میکردند. جمع ندیمان و از جمله زلیخا که محوزیبائی یوسف گشته و بیحال افتاده بود، بمهارت ارائه شده ورقم داشت.

(یا صادق الوعد ۱۱۵۲) تصویر شماره ۵۳

۱۶- تصویر آبرنگی و پخته دیگر، تصویر دو دل داده طنز بود که هم دیگر را بغل کرده و ندیمه مخصوص مسئول پذیرائی آنان بود. در توی طشت طلائی میوه ها چیده شده بود و در زمینه نقاشی بطری شراب و دودانه انا رویک گربه ملوس دیده میشد ورقم داشت.

(یا صادق الوعد)

۱۷- آبرنگ دیگر، تصویر زن جذاب و فریبنده ای بود که جزو مرقعات کتابخانه گلستان قرار گرفته ورقم داشت.

(یا صادق الوعد)

۱۸- دیگر اثر آبرنگی نقاش در این کتابخانه، تصویر دختر جوانی بود که دست به سینه و دوزان نوشتند و سر بآسمان بلند کرده و راز و نیاز میکرد. در بین ایرهای فضا، صورت مردی جوان جلب نظر مینمود و ورقم داشت.

(یا صادق الوعد ۱۲۰۰)

۱۹- دیگر اثر از زنده نقاش را که از نزدیک دیدار کردم. تصویر آبرنگ دوزن جوان و طنز بود که یکی به آهو غذا میداد و دیگری به متکای گلدار تکیه کرده و زیر درخت نشسته بود و بخط طلائی شکسته زوی پشتی متکان نوشته شده بود.

(حسب الفرموده عالی شان معلى مكان مخدومی مطاعی)

آقا محمد رفیع خان مشق شد. رقم کمترین صادق سنه ۱۲۰۸

۲۰- آبرنگ دیگر، تصویر زن سر مست و شادابی بود که بروی بازوان مرد جوانی

خوابیده و لباس و شلوار راه راه ترمه ای رنگین بتن کرده و با جوان مزبور معا شقه مینمود. پیرزن معروف که اغلب در کاهای عشقی آقا صادق جلب نظر میکند، در زیر درخت نشسته و بیادایم جوانی و در حسرت روزهای گذشته با بین راز و نبیا ز عشقی نگاه میکرد و رقم داشت. (یا صادق الوعد ۱۲۰۸)

۲۱- دیگر اثر آبرنگی نقاش، تصویر زن زیبا و لوندی در عیار پریریان فرنگی بود که یک گردن بند و یک گل زیبا از گردن آویزان کرده و صورت خود را روی دست چپ نهاده و به دلبری مشغول بود و رقم داشت. (یا صادق الوعد ۱۱۹۷)

۲۲- دو اثر فوق العاده زیبا و رنگین این هنرمند که حواشی دومینا تور قدیمی را آرایش داده و حالیه در مرقعی در لندن قرار دارد. یکی از آنها حاشیه اثری زیبا از ابوالحسن نادر الزمان است که در زمینه طلائی انواع و اقسام گل مرغ را در کمال نفاست و الوان پسندیده انجام داده و رقم گذاشته. (عمل محمد صادق سنه ۱۱۶۰)

صفحه دیگر این مرقع که بهمان اندازه و در حاشیه کار نقاش نامی هندی چترانجام یافته، بهترین نوع آرایش گل و مرغی بود و رقم داشت. (عمل محمد صادق ۱۱۶۰)

۲۳- اثر آبرنگی پر مهارت استاد که در مجموعه نگارنده قرار گرفته تصویر پر مهارت دوشیزه جوانی است که بسان پریریان فرنگی آبرنگ شده و در نوع خود ممتاز میباشد و رقم دارد. (یا صادق الوعد ۱۱۸۷)

۲۴- از کرده های اصیل و استادانه آقا صادق که در نوع خود ارزنده و منحصر بوده و حالیه هفت برگ مختلف آن جزو مجموعه نگارنده است. در سه موضوع مختلف، سوزن اندازی شده که سه تا از کرده ها تصویری از مجالس و عظ عرفی و پیرشاه سلیم و چهار عدد دیگر کرده مجالس بزمی و گل و مرغ بوده که اغلب آنها در آثار گوناگون آقا صادق بکار رفته است.

۵۰۲- صادق

نقاش دیگری بغیر از هنرمندان سابق الذکر است. از سجع انحصاری نقاش که در زیرتنها اثرش نوشته (شده احیا زدم عیسی مریم) وزیر آن فید کرده: (صادق سنه ۱۲۴۰) و روی الفهای وسطی کلمات (احیاء و صادق) مد گذاشته، معلوم نیست این سجع انحصاری نقاشی بنام عیسی بوده و یا اینکه نقاش دیگری بنام صادق است که در حدود سالیان ۱۲۴۰ ه. ق. فعالیت هنری داشته است.

از تنها اثر این هنرمند، تصویر آبرنگی حضرت مسیح بود که روی دامن مریم نشسته بود

در مقابل آنها زنی به حالت احترام زانو زده و سیبی را به حضرت مسیح تعارف میکرد. در دست مریم یک شاخه گل سرخ و در دست مسیح شاخه گل میخک جلب نظر مینمود. قیافه و صورتها استادانه و ترسیم لبها سها که گل و بوته سفید رنگی در زمین سیرداشت، زیب افزا بود و رقم داشت. (شده احیا زدم عیسی مردم. صادق سنه ۱۲۴۰)

۵۰۳- صادق

نامش میرزا صادق و فرزند شخصی بنام حسن بیک بوده است. از احوال خصوصی این نقاش اطلاع زیادی نداریم و فقط اینرا میدانیم که در حدود سالهای ۱۲۹۰ ه. ق. به همراه اسمعیل جلایر جزو شاگردان رتبه اول نقاشی، در مدرسه دارالفنون بوده است.

۵۰۴- صادق

نقاش شیرین قلم دوره اکبر شاه هندی بود و در هنر خود دست با مهارت داشت. از بهترین آثار این هنرمند که در کتابی بنام مرکوب اجرا شده، مجلس بزم پسر حالتی بود که نوازندگان گوناگون در دامن کوهی نشسته و به طرب اشتغال داشتند. در آلاچیق بالای درخت، مردان فسانه‌ای بالدار و جلب نظر مینمود که با زن زیباروئی در آن محل معاشره میکرد. تصویر در کمال شیوایی بعمل آمده و نشانگر مهارت نقاش شمار می‌آید.

۵۰۵- صادق بیک افشار

نقاش و خطاط و شاه عرب‌نویس به تبریزی است که بناهای (صادق، صادق، صادق، صادق بیک، صادق کتابدار) در عرصه هنری ایران شهره بوده و در جلالت و شجاعت نیز متهوری بی باک بشمار میرفته است.

در اسناد و نوشته‌های قدیمی به تفصیل از صادق یاد شده که معرف شهرت زاید الوصف هنرمند می‌باشد. قاضی احمد در مورد صادق بیک چنین مینویسد:

((صادق بیک از او یماق افشار است و در فن نقاشی و تصویر بیهیعدیل و نظیر است و الحال منصب کتابداری پادشاه صاحب قرانی گیتی ستانی ظل سبحانی بسود مرجوعست و شعر را بسیار خوب میگوید و قصاید و غزلیات و قطعه و رباعی بسیار دارد و در تصویر و رنگ آمیزی و چهره‌گشایی بغایت استاد است و تکسیر را بجائی رسانیده که دیده‌ها و لولا ابصار در نظر آن خیره و خیران میگردد و در جلالت و شجاعت نیز خود را کمتر از دلوران روزگار نمی‌شمارد))

آذربیکدلی علاوه بر موارد بالا و را صاحب دیوان و تذکره ترکی، بر احوال معاصرین خود شاه‌گردانسته و چنین نوشته است:

((نظربه مهارت و خطاطی و نقاشی در کتابخانه دیوان ملازم بوده و این دوبیست از اوست :

کر کرده این و خواسته آن است روز حشر - از ما سلام رسان دارالسلام را

از جفا هر کس نصیحت میکنید یا ربرما - میرو دبر من گمان شکوه دلدار مرا))

مرحوم تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان اورا تبریزی خوانده و چنین نوشته است : ((مادیق ازاعظم ایل جلیل خدا بنده لوبوده و از رجال نامی دوره شاه عباس کبیر است . ایل مزبور در آغا ز ظهور شاه اسماعیل اول از دیار شام باراده خودشان بطرف ایران آمده و در عراق و آذربایجان جا گرفته اند . مادیق در سنه ۹۴۰ در شهر تبریز قریب به محله ورجو (ویجویه) تولد یافته . و در بیست سالگی پدرش کشته شده پس از آن مدتی با امیرخان مصلوی و بدرخان و اسکندر خان افشار بوده و در عهد شاه اسماعیل ثانی داخل کتابخانه دولتی شده و از طرف شاه عباس کبیر بمنصب کتابداری سرافراز گردیده است))

اسکندر بیک منشی در کتاب عالم آرای عباسی در مورد مادیق بیک افشار چنین می نویسد : ((مادیق بیک افشار مرد رنگین صاحب طبیعت بود مادیق تخلص میکرد و در آغا جوانی ذوق مشق نقاشی یافته ملازمت شبا نروزی نادر العصری استاد مظفر علی اختیار نمود و آثار قابلیت و ترقی از نامیه ، احوالش مشاهده نموده همت بسر تربیت او مصروف داشت و در شاگردی او بمرتبیه ، کمال ترقی نمود مدتی از غرور - نفس و سرکشی طبیعت که در کار نقاشی رواجی نبود و زمانه بر حسب آرزویش دوران نمینمود ترک آن کار کرده از لباس ظاهر پرستی عریان و بازمزه ، قلندران سیاحت و دوران مینمود ، امیرخان مصلوی در حینیکه حاکم همدان بود از حال او خبر یافته او را از لباس قلندری بیرون آورده ملازم خود کرد و با او سلوک آدمیانه میکرد ، به مقتضای طبع ترکیت و شیوه ، قلبیاتی دعوی جلادت و شجاعت نموده شجاعان آن زمان را بیا بیروت در نمیاوردن در زمان نواب سکندرشان ملازمت بدرخان و اسکندر خان افشار اختیار نمود و در معرکه ترکمانان استرا با دجلادتهای بی عقلانه از او بظهور رسیده اما هیچوقت از نقش غافل نبود در آخر ترقی عظیم کرده مصور بیدل نازک قلم نقاش و طراح بیقرینه شد و بقلم موی شکاف هزاران پیکر بدیع بر توجه () مقصود مینگاشت و بزیور فابلت و استعداد آراسته و بحلیه ، شاعری و سخنوری پیراسته قماید و غزل و مثنویات مرغوب دارد . این بیت مثنوی در جنگ نامه بسیار خوب گفته :

شده مزرع آفت زندگی

یکی را بتیغ و یکی را بمشت

ملخهای پیکان ز پرنده گی

تبرزین همی گشت از روز پشت

چون از زمره، این فن بود، اسم او در سلک شعرا مرقوم نشد و بهمین اکتفا رفت. در زمان اسمعیل میرزا از اصحاب کتابخانه بود، اما در زمان شاه جنت مکان منسوب جلیل القدر کتابداری یافته مورد شفقت و منظور تربیت گردید، اما بغایت بد مزاج و غیور و تنگ حوصله بدخوی زشت و بد مزاجی هرگز او را از اغراض نفمانی آسوده نمی گذاشت و همیشه با یاران و ابنای جنس، بمقتضای طبع عمل نموده بدسلوکی را از حد اعتدال میگذراند و ایشان این متاع کاسد را که از بازار اهلیت نارواست از او بجان خریدار بودند و او پای از دایره و انصاف بیرون نهاده در درشت خوئی با همه کس افراط مینمودند؛ بدینجهت از بساط قرب و منزلت دور و از خدمت مرجوعه مهجور بود اما تا آخر ایام حیات تغییر در منصب او نشد و مواجب کتابداری از دیوان اعلی میگرفت.

مؤلف تذکره نصرآبادی چنین گوید که مرحوم ملاغروری شاعر میگفت که وقتی قصیده، در مدح صادق گفته در قهوه خانه، از نظرشان گذارنیده و میخواندم، قصیده باخر نرسیده مسوده آنرا از فقیر گرفته گفت حوصله ام بیش از این تاب شنیدن ندارد و برخاسته بعد از لحظه ۲۰ مده پنج تومان بدستاری بسته با دو صفحه کاغذ که خود از سیاه قلم طرحی کرده بود بمن داده و گفت تجار هر صفحه کار مرا به سه تومان میخرند (۱) که بهندوستان برند؛ اما دارزان بفروشی، و عذر بسیار خواسته و رفت.

مرحوم امیر خیزی، در مجله ارمغان سال دوازدهم و شماره ۲ شرح مبسوطی با استفاده از منابع قدیمی، در مورد نقاشی ارائه داده که مختصراً "چنین است:

صادق - اسمش صادق بیک از شعرا و نقاشان دوره شاه عباس کبیر است، برخی از صاحبان تذاکر الشعراء ویرا از ظایفه افشار میدانند؛ حقی اسکندر بیک نیز در

۱- در مورد قیمت پنج و سه تومان که صادق به ملاغروری بخشیده، مدرک مستندی از این رماسهایمی در سنه ۱۰۲۱ ه.ق. در آرشیو اسناد قدیمی دارم که یک هزار من روغن کره را مبلغ ۲۲ تومان خریده اند. حال با مقایسه ۲۲ تومان پول آن زمان، که یک هزار من روغن کره خریداری شده است معلوم میگردد؛ صادق چقدر غنای طبع داشته که در مقابل ابیاتی، چنین طه پراررشی را بشاعر هدیه کرده است. و آن سند چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم . مبلغ بیست و دو تومان نصفه یازده تومان
 قیمت یک هزار من روغن کره که بجهت بقالان اردبیل فروخته بموجب نمسک شرعی
 مبلغ مذکور تماماً "وکلا" در نزد رفعت پناه مشارالیه است که بعد از مدت چهل روز
 ساریاب حواله و کلا و نواب مستطاب تولیت پناه نخبته المشایخ الکاملین رسانند .
 حریرا "فی دوم شهر محرم الحرام سنه ۱۰۲۱ .

تاریخ عالم آرا اورا افشاری نوشته است ولی خود (صادقی) در مقدمه، کلیاتش را جمع به نسب خود چنین گوید: "اقل و احقر عبدا ذره، بیمقدار صادق کتابدار معروض میگردد اندکه: بر همگنان روشن و هویدا است که این حقیر از طایفه، اتراکیمت که به (خدا بنده لو) معروف و مشهورند و در آغاز خروج و ظهور عالمگیری و کشورستانی خسرو دادگر

شاه اسمعیل (بن) حیدر حسینی بها در خان از دیا ر شام بمتاسبت و معا و ناست به اراده، خود روی توجه بدرگاه عالم پناه آوردند. چون طایفه، صحرا نشین و صاحب غنایم و مراعی اند در عراق و آذربایجان نیز بطریق معهود قریب بسواد اعظم و شهرستان که مخالف پرورش چهارپایانست کمتر مسکن مینمایند، مگر جمعیکه بسمت روشناسی و ملازمت مثل پدران این حقیر و سایر بریش سفیدان که در پایه، سریرا علی بوده اند میباشند.

(صادقی) در حدود (۹۴۰) در شهر تبریز در قریب محله، (ویجویه) متولد شده و در همان شهر بسن رشد رسیده است، چون سنین عمرش به بیست رسید پدرش کشته شد و ماترکش در میان وراثت به یغما رفت صادق چون دیدان دوخته، پدر بکلی از بین رفت و روزگار تنگدستی فرا رسید در آنصدد که پناه بحمایت بزرگی بردولی بمقام خود نرسد، ناچار رنج سفر بر خود هموار کرده ترک محبت یاران و اقارب بگفت با حال پریش روی بمسافرت آورد و دل از مهر مولد خود برکنند، مدتی روزگار خود را در غربت گذراند و در عرض این مدت با هر قسم از مردم بنای آمیزش گذاشت، گاهی با خوب - رویان نردم محبت میباخت و زمانی با ژنده پوشان و قلندران میباخت، از هر بوستان کلی و از هر خرمن خوشه، میچید تا آنکه (امیرخان مصلوی) که آنوقت حاکم همدان بود از حال وی آگاهی یافته، از بزم دردگشان بمحفل خاصش در آورد، خرجه قلندری از تنش بیرون کرد و تشریف ملازمت بدوشش افکند، مدتی در نهایت خوبی زندگانی میکرد و هر روز بعزتش افزوده میشد.

صادقی بیاداش عنایات مبذوله خان مزبور، قصاید زیادی در مدح وی گفته و مراتب شکرگزاری بجای آورده است.

چندی هم ملازمت اسکندر خان افشار را اختیار نمود و در زمان شاه اسمعیل ثانی در سلک اصحاب کتابخانه، دولتی منسلک بود و در زمان شاه عباس کبیر به منصب کتابداری رسیده مورد شفقت و عنایت سلطانی گردید.

از آنجائیکه طبیعی داشت لجوج و سرکش، لذا با یاران و دوستان همواره طریق لجاج میپیمود و با خویش و بیگانه بخشونت و تندوی رفتار میکرد و این تندوی و سرکشی سبب آن شد که از بساط قریب سلطانی دور و از خدمت مرجوعه مهجور گردید و جو،

این، تار و زمرگ تغییری در منصب وی روی نداد و موجب کتابداری را مرتباً "از دولت میگرفت .

صادقی بعلاوه مقام شاعری، مزایای دیگری را نیز حاصل بود از قبیل: نقاشی و خطاطی و جنگ آزمائی که تفصیل هر یک از آنها اجمالاً در ذیل نگاشته میشود .

نقاشی

شاعر مزبور این فن نفیس را از استاد دیگانه (مظفر علی) که یکی از نقاشان چیره دست دوره صفوی بود فرا گرفته است و تفصیل آنرا خودش در آغاز منظومه (قانون الصور) نظماً "بیان کرده است .

خطاطی

معلوم نیست که صادق در فن خط شاگرد کدام یک از استادان معروف آن دوره بوده و تتبع کدامین استاد ما هر را میکرده است؛ صاحب آتشکده در ضمن شرح حال وی (که من حیث المجموع یک سطر است) مینگارد :

"نظربهارت خطاطی و نقاشی در کتابخانه دیوانی ملازم بود ."

اگر صادق در گفته خود صادق باشد باید خط ویرا بر خط میرعلی و سلطانعلی که هر دو استادان مسلم هستند ترجیح دهیم چنانچه گوید :

مرا بقطعه و کاغذ چه احتیاج بود	که قطعه قطعه شعرم بود چو در خوشاب
رمانه سفله نواز است و رنه بایستی	که صد چومیرعلی بوسه دادیم بکرباب
به پیش من خط سلطانعلی و میرعلی	چنان بود که بگل توده نقش پای غراب
چنان بصورت اهل قلم دهم صورت	که خط گرانش بخوانند قبله الکتاب

شجاعت و رزم آزمائی

اسکندر بیک درباره شجاعت وی گوید: "بمقتضای طبع ترکیت و شیوه قتل - باشی دعوی جلادت و شجاعت نموده شجاعان آن زمان را بیا بیروت (کذا) درنمیآورد و در زمان نواب اسکندر زمان ملازمت بدرخان و اسکندر خان افشار اختیار نمود و در معرکه ترکمنان جلادتهای بیعقلانه از او بظهور رسید . " و خود صادق نیز گاهی بشجاعت و جلادت خود اشاره میکند و در قصیده راثیه که از ممدوح خود گله میکند مزایای خود را بدین نحو می شمارد :

شد چهل سال بلکه افزون تر	که در این عرصه بگیر و ببیار
گاه در رزم کرده ام بیاری	گاه در پزم بوده ام غمخوار
گاه از نوک خامه رنگین	گاه از تیغ کلک نکته گذار
قلب خسرو شکسته ام بمخن	دست بهزاد بسته ام در کار

گاه در نقش صوت و قول عمل کرده ام کار حافظ ادرار
 با چنین دانش و هنرمندی چون توان زیستن بخواری و خوار
 و از ابیات مزبور برمیآید که علاوه بر مزایای مذکوره در فن موسیقی نیز
 دستی داشته و در قصیده مردف بار دیف (من) که در جواب خاقانی گفته اشاره به
 موسیقی دانی خود کرده است .

نیست کار طبع من سر راست با قول عراق
 میکند سوی بیاتی قول روح افزای من
 کربرون تازد برسم هر قلی آوای من
 شور در ایوان بهرام افکنند غوغای من
 گریه آئین رهاوی بگذرم سوی عجم
 زینت نوروها گردد دم گویای من
 پنبه مه می نهدنا هید در گوش از حسد
 هر کجا خیزد نوای نغمه یکتای من

شاعری

قدرت بیان و پایه کلام صادقی بخلاف عقیده خود چندان پر مایه و محکم نبوده
 است اگر چه در میان قاصد و غزلیاتش گاهی مضامین لطیف و معانی دقیق دیده
 میشود ولی در قبال آن ترکیبات سست و مضامین غیر مطبوع نیز در میان قاصدی که
 تتبع کرده بهتر از همه قصیده ایست که در بیست سالگی، در تتبع قصیده «معروف
 کمال الدین اسماعیل بمطلع "روزی و طای کحلی شب بر سر آورم - بگریزم از
 جهان که جهان نیست در خورم" گفته که قریب به هفتاد بیت است"

از آنجائی که دوره زندگانی شاعر هیچوقت یکنواخت نبوده و دائماً "در صعود
 و نزول میباشد لذا افکار وی نیز هیچگاهی در روی اساس معینی گذاشته نمی شود و هر
 وقت بمقتضای حال و مقام چیزی میگوید، گاهی دنیا را با خود مساعدا یافته و اسباب
 عیش و طرب را حاضر میبیند و از جهان و جهانیان خشنود میشود. گاهی دچار فقر و
 تنگی میگردد و دنیا و مافیها را بیدلعه و نفرین میگیرد .

.....
 بالجمله اشعارش یکدست و هموار نبوده پستی و بلندی های محسوسی در آنها
 نمودار است ولی خودش را عقیده بر آنست که در نظم و نثر استاد کاملی بوده و کسی
 از سخنوران رایارای مقاومت با وی ممکن نبوده است . (۲)

صادقی در تاریخ (۱۰۱۰) که عمرش بهفتادرسیده بود را صفهان تالیفات خود را جمع آوری و تدوین نموده و مقدمه، بدان کلیات نوشته که شامل است به ترجمه حال مختصر و اسامی تالیفات خود که در این جا قسمت راجع بکتاب وی بدون تحریف نقل میشود: فی الجملة از مطالعه بمکالمه و از شنیدن بگفتن پرداختم بانسدادک فرصتی بسیاری از هر قسم سخن گرد آمد چون از تعداد این واردات گزیری ندارد بتفصیل مصدع سامعان میگردد:

اول - قصاید که در حمد و نعت و منقبت و مدح پادشاه اسلام که به زبده الکلام موسومست .

دوم - مثنوی در بحر ناهنا که حسب الامر پادشاه زمان که قبل از این زبان قلم و قلم زبان بذکر القاب آنحضرت رطب اللسان کشت که (موسوم) بفتحنا مسه عباس نامدار است .

سیم - مقالات و حکایات بوزن مخزن و بوستان شیخین رحمهما الله که بشرح حال نامزد است .

چهارم - در بحر خسرو شیرین که بسعد و سعید مشهور است .

پنجم - دیوان غزل بترتیب حروف که در ایام عاشقی و بی سروپائی حالی و غیر آن وارد شده بحاصل حیات نشا منمداست .

ششم - (تذکره الشعراء) بنهج مجالس النفاثات امیر کبیر علیشیر المتخاص سنوائی که بمجمع الخواص موسومست (این تذکره بزبان ترکی جغتای نوشته شده و زیاده بر چهارم و پنجمی شعرای زمان خود را در آن نگاشته است)

هفتم - رساله تصویر و نقاشی و اسباب و ادوات آنها که به قانون المور گفته شده است .

هشتم - رساله منشئات و مکاتبات ترکی و فارسی که بملمعات روشناست .

نهم - رساله معما که با اسم شعراء متقدمین و متأخرین حتی معاصرین خود گفته

→ باشیخ شهر قسمت یارانه کرده ام میخانه صادقی زمن و خاقان از او

.....

فورتولمادی و صلیله داخی صادقی غمدن

شیدن بری یوخ چاره سی بو درده دوانک

(قطعه ذیل را در تاریخ ختنه کردن صفی میرزا گفته)

درختنه شاهزاده قدر بلند شد عنجه سرخ بسند شادی پیوند

هم لاله عمر بیرهن کرد قیا هم عنجه تاریخ کله دورا فکنند

(۱۰۰۲)

شده و در بحر رباعی ملتزم است و بتذکره الشعرا نا مزداست .
 دهم - فرین رساله لذات مولانا معین استرآبادی که بتکلیف خوش طبعان
 نوشته و بحظیات (بحظیات) مشهور است .

و سایر نظم و نثر که در تهنیت و تعزیت و ثنا و هجا وارد شده، اگر به ترتیب گفته
 شود ممکن که مستمع را از استماع آنها دلتنگی حاصل آید؟ بدین ترتیب معلوم
 میگردد این هنرمند ذوقنون در آغاز جوانی، رموز تصویرسازی را از استاد مظفر علی
 تربتی که فرزند حیدر علی و خواهرزاده رستم علی معروف بوده فرا گرفته و در نزاکت
 قلم شهره خاص و عام گشته است . استاد مظفر علی که خود از هنرمندان بنام کتابخانه
 شاه اسماعیل دوم و به بهزاد دثانی معروف بوده در تربیت صادق بیک کوششها نموده و
 در اعتلا و اعتبارش اگر خود فرد موثری بشمار میرفته است .

در جریان این فعالیت ها، صادق بیک در دربارشاهی مقام و منزلت والا نی
 یافته و بریاست کتابخانه سلطنتی مفتخر گردیده است .
 در این زمانها که بصادقی کتابدار نیز معروف گشته، بهترین دوره تعالی هنرمند
 بوده که به آرزوی دیرینه خود دست یافته و در بین اقرا ن و رقیبان به عالیترین
 مقام مورد دلخواهش تکیه کرده است

اما طرد ناگهانی این هنرمند که بگفته خود بیش از چهل سال در رزم و بی‌رم
 شرکت کرده و در هنرنگارگری دست بهزاد را بسته و مشنوی فتحنا مه شاه عباس را به
 نظم در آورده و عاقبت با این دانش و هنر، بخواری و نزار در افتاده . علل گوناگونی
 داشته وجه بسا ممکن است به نوشته اسکندر بیک، علت دوری وی از قرب و منزلت
 پادشاهی، همانا افراط در درشت خوئی و تند مزاجی باشد که از خدمات مرجوعه محبور
 افتاده و یا اینکه با آنها سرقت اثر ارزنده‌ای باشد که در تزوک جهانگیری به آن
 اشاره شده است .

این حکایت غیر منتظره و شاید تهمت دروغ، در صفحه ۲۸۵ تزوک جهانگیری که
 اصل آنرا در اینجا مشاهده میکنید .

یافده و صادقی نام کتاب دار ایشان دزدیده بدست شخصی فروخته قضا در مفاها
 این مجلس بدست خان عالم می افتد و شاه نیز خبر می رسد که او چنین تحفه بدست
 آورده و بهم رسانیده به بهانه تماشا از طلب مبرور ایذ خان عالم هر چند خواست که

در ذیل احوال خلیل میرزا شاه رخ قید شده و ما حمل آن چنین است که بیک
 مجلس مینا تور فوق العاده عالی که جنگ ما حبقرا ن با نقیمش خان بوده و دو بیست
 و چهل صورت داشته و مصور نام خود را خلیل میرزا شاه رخ نوشته . این گرامی تحفه
 از کتابخانه شاه اسماعیل و یا شاه طهماسب که بشاه عباس انتقال یافته و صادقی

نام کتابدار دزدیده و بدست شخصی فروخته. اتفاقاً "بدست خان عالم سفیر جهانگیر شاه در دربار ایران افتاده و فرد مزبور ماوقع را بعرض شاه رسانده و مطلب بر ملا گشته است. گویانکه شاه عباس علناً "نقاش را مورد باخواست قرار نداده ولی از قرائن معلوم میگردد از این زمانها، مقام و منزلت صادق در کتابخانه پادشاهی منزلزل گشته و منصب کتابداری را از دست داده است.

منجم یزدی جلال الدین محمد در تاریخ عباسی، از پیشرفت علیرضا عباسی خطاط توصیف کرده و نوشته است که منصب کتابداری را جبراً "وقهراً" از صادق بیک افشار تبریزی شاعر و نقاش که از زمان شاه اسماعیل دوم مدیر کتابخانه سلطنتی بود گرفت و از این زمانها میان علیرضای عباسی و صادق بیک خصومتی پیدا شد. بروایت غیر مستند، رضا عباسی و آقا عنایت وسید محمود از شاگردان معروف ابن هنرمند میباشند. صادق بیک در آخر عمر دل از هنر و فضل خود کشیده و بنوشته خود در مورد وعظ بیکی از منافقان، چنین آورده است:

"ای صادق از قیمت فضل و هنر این است

در دهر بخواری ابدال دهر بمانی

بشکن قلم بخردی و صفحه بسوزان

بشنو که چه خوش گفت سخن ران معانی

رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز

تا داد خود از کهنه و مهتر بستانی"

مرگ صادق بنوشته معین مصور که در موزه لنین گرا در قرار دارد از ابعاد زوالهای

۱۰۰۲ ه.ق. انجام یافته و آن اثر چنین رقم دارد.

(شبهه مرحوم مغفور تیمور خان ترکمان درسنه ۱۰۰۲

مرحوم صادق بیک افشار ساخته بود بنده کمیته معین

مصور درسنه ۱۰۵۹ با تمام رسانید)

که مرحوم تربیت این سنوات را به اشتباه سال ۱۰۰۲ و ۱۰۹۵ کرده است.

میرالهی همدانی فوت صادق را بسال ۱۰۱۷ دانسته و با جمع

(دگر عجب که دم صبح صادق از شب ما) تعیین نموده است.

از جمع آثار تصویر سازی وی که بجای مانده، این هنرمند در چهره پردازی و شبیه سازی تما ویر پرندگان و جانوران استادنازک قلم بوده و در ارائه مناظر کوه و دشت و دمن هنرمندی پرابتکار بوده است.

بنوشته مرحوم فکری سلجوقی، صادق بیک در خط نمتعلیق از شاگردان میرعلی هروی بوده و حتی تا بلوئی نیز از صورت استاد و الامقامش میرعلی کشیده که بسیار

پسندیده بوده است . بطوریکه در صفحات گذشته بیان گردید، مادی در نظم و نثر فارسی و ترکی شاعر و منشی بوده و هر دو زبان را سلیس و روان می‌نوشته است . از جمع آثار گوناگون مادیق بیک که به ده شماره مختلف در این کتاب معرفی گشته، رساله قانون الصور منظوم، یکی از نسخه‌های ارزنده قدیمی است که در صنعت تصویر سازی بنظم درآمده است .

مطالب منظوم این رساله بگونه‌های مختلفی چاپ شده و در دسترس علاقمندان قرار گرفته است . (۳)

از چاپهای اخیر کتاب قانون الصور نسخه ایست که به سال ۱۹۶۳ در باکو بوسیله عادل قاضی اوف و تصحیح عبدالکریم علی زاده طبع و نشر شده است . نسخه اصلی این کتاب که از کتابخانه شخصی اژدر علی اصغر زاده رهبر شعبه متن شناسی استیتوی خاورشناسی باکو مییابد . در اختیار استیتوی معماری و هنرهای زیبای فرهنگستان علوم جمهوری شوروی آذربایجان قرار گرفته و بسه طبع رسیده است .

در مقدمه کتاب از مرحوم محمد علی تربیت که اولین مرتبه درباره رساله مزبور معلوماتی در اختیار همگان قرار داده نام برده و سپس از مرحوم اسمعیل امیرخیزی تبریزی که در شماره سوم مجله ارمغان سال دوازدهم مقاله جامعی نوشته یا کرده و سپس بدرج اطلاعات گوناگون دیگر پرداخته است .

در این نوشته عمر مادیق بیک را هشتاد سال تخمین زده و با دلایل غیر مستقیم مرگ وی را سالیان ۱۶۱۶ - ۱۶۱۲ م. دانسته و سپس بشیوه هنری او پرداخته و چنین نوشته است :

"در آثار صوری وی خصوصیات و اسلوب مینیاتور سازی مکتب تبریزی ۷۱ x و میئل را آلیستی و تحقق مشاهده می‌گردد . بهمین مناسبت رساله قانون الصور که اثر نظری مادیق بیک میباشد قابل دقت و شایان توجه و تقدیر است" .

ما نیز به علت اهمیت خاص این رساله که در رشته هنر تصویر سازی، یکی از منابع

۳-

۱- گلستان هنر با هتمام و تصحیح آقای احمد سهیلی خوانساری .

۲- فهرست آثار و رساله منظوم قانون الصور، هنر و مردم شماره ۹۵ بقلم استاد محمد تقی دانش پزوه .

۳- قانون الصور چاپ باکو سال ۱۹۶۳ م، عادل قاضی اوف .

۴- اطلاعات اولیه در مورد این رساله . بوسیله مرحوم محمد علی تربیت در

مجله ارمغان شماره ۱ .

۵- شرح مفصل بوسیله مرحوم اسمعیل امیرخیزی . شماره سوم مجله ارمغان .

مهمه قدیمی بشما میروودت ما رساله منظوم قانون الصور ابعینه در اینجا میآوریم که موردا استفاده علاقمندان قرارگیرد.

قانون الصور

سلاطین را داد آغاز جوانی
شمردم عار آئین دگر را
ولی گاهی ز طبع نکته زایم
که از قرب سلاطین دوری اولی
مکن این نکته را از من فراموش
بدست آور هنر تا میتوانی
چو شد ذوق طلب هادل هم آغوش
دلم را بخت و دولت رهنمون شد
ولی شها ز طبع چرخ پرواز
بهرکاری که رغبت میفرودش
تمنای دلم این بود پیوست
کشم رخت هوس دد کوی صورت
دلم را کز فن صورت خبر بود
بود ظاهر به پیش مرد هشیار
بدینسان کرد پیر عظم ارشاد
بآین هوس میشد ز هر سو
برغبت هر کرا جویندگی هست
شد آخر هادیم روشن ضمیری
مروت یشیی نیکو نهادی
یکی از وارثان کلک بهزاد
در ایوان قلم بالا نشینی
بچشمی گرمه و خورشید دیدی
خرمدندی که چون گشتی قلمزن
شدی گر صورتی را چهره پرداز
بنثال کسی کردی چو رغبت
بیارستی کسی فرقی نهادن
ز رهنایی چو گشتی صورت آرای
بنقاشی چو سردادی قلم را
دلیری را چو دادی صورت از نقل

بخلمت صرف کردم زندگانی
فرو نگذاشتم رسم پند را
بگوش دل رسیدی این ندایم
ازین بزم هوس مهجوری اولی
که تا باشی بی کسب هنر کوش
که باشد بی هنر کم زندگانی
بکلتی کردم از خدمت فراموش
پی کسب هنر رغبت فزون شد
بهر صیدی نمیشد چنگل انداز
به پیش دیده آسان مینمودش
که گیرد همت بهزادیم دست
شوم معنی طلب از روی صورت
بخود در راه معنی پی سپر بود
که بی استاد گردد کار دشوار
که باید برد اول ره با استاد
دلم استاد بهزادی نب جو
دهد جوینده را یابندگی دست
چراغ امروز رایم دستگیری
فریبد عصر نادر اوستادی
ز شاگردی او بهزاد دلشاد
بآین بصارت دورینی
بمویی هر دو عالم را کشیدی
عطارد را زبان گشتی باحن
توانستی شردی سحر و اعجاز
چنانش ساختی کز اصل صورت
مگر از جنبش و از ایستادن
هوس را پای لغزبندی بصلجای
نمودی نوبت دیگر ارم را
تهور موبایی جسته از عقل

صفا را از حیا خون در جگر بود	برنگ و روغنش هر گه نظر بود
شدم در شیوه خلعت کمر بند	بآیین غلامی مدنی چند
که از صورت بمعنی راه بردم	ره صورتگری چندان سپردم
شدم بر کشور ایمن فن مظفر	چو نام نامی آن پیر سرور ^۱
منور باد روح پر فتوحش	ز لطف حق چو گردد شاد روحش
غریب رحمت فیض بقا باد	ز تقصیرات دنیایی جدا باد

سبب قلم این رساله

که بر راه وفایش داشتم روی	یکی از دوستان آدمی خوری
هنانش را بدست شوق سپرد	دلش را ذوق نقاشی زره برد
نیفزودی کدورت بر کدورت	شب و روز از خیال نقش و صورت
نه جز نقش و صور مشغول کاری	نمشب آرام و نه روزش قراری
در آمد از دم آن بار جانی	شیئی نیکوتر از روز جوانی
ز درج ^۲ بد چنین گوهر لشان شد	دلش را مرهم داغ نهمان شد
خرد را کرده رایت رهنمونی	که ای مشهور علم ذوفنونی
که ذوقم میفزاید روز بر روز	مرا شمع طلب شد رغبت افروز
ترا زینسان تغافل شیوه کار	مرا زینگونه باشد کار دشوار
مرتب ساز قانونی ددین فن	پی پاداش منت داری من
که باشد کز شما ممنون نباشد	اگر این کار بی قانون نباشد
غرض نقیشت کز ماهاز ماند	کسی احوال فردا را نداند
بعند این که المأمور معنور	چو بر ترتیب کارم ساخت مأمور
بقانون الصور کردم نشانند	بدین قانون نوشتم صفحه بی چند
که کرد از خلوت خود جلوه آغاز	الهی ایمن عروس حجله ناز
کتی توفیق مقبولی بنامش	دهی قرب قبول خاص و عامش

فصیحت فرزند

که از فرزند خود دارند تقصیر	مجوو تعلیم ز استادان تصویر
بشاگردی گزایی نا بوردن	اگر فهمت کند سستی درین فن
حد گردد حجاب راه تعلیم	وگر کردی با آسانیش تفهیم
که در قید حد باشد گرفتار	بود مردی نه مرد ریش و دستار
ولی جویای مرد راهبر باش	نمیگویم که خود سر رهبر باش
ز قانون الصور رو برنتایی	اگر زان گونه استادی نیابی
ترا بی مزد و منت اوستادی	که آوردم بهر آیین و دادی
که گه گاهش به نیکویی بری نام	نباشد صادقی را غیر ازین کام
که هستی را نمی بینم بقایبی	همین دارم ز تو چشم دعایبی

در صفت نقاشی و بستن قلم موی

<p>قلم بستن بود اصل مطالب مکن عادت بطور خامه کس که کلکش را کسی دیگر تراشد ولی آن موکه با نرمی گزاید ز یکدیگر بزور شانه واکن که نبود زیر و بالا بکسر مو که نگذاری درو موئی شکسته سه جا باید که بر بنی میانش مبادا خامهات گردد گلوگیر که از پرفراز آسانش براری دمد گلهای امیدی ز خجارت</p>	<p>شود چون شوق نقاشیت غالب مخوان حرف هوس از نامه کس ز کاتب این صفت نیکو نباشد قلم را مو دم سنجاب باید بمقدار قلم از وی جدا کن بچین پهلوی هم زانگونه نیکو دست آندم شود آن خامه بسته چو دادی از شکست سر امانش مشو در عقد اول سخت تدبیر مکن در عقد سیم ست کاری چو بر کف خامه آید غنچه وارت</p>
--	---

در گرفتن قلم

<p>قلم را جایگه ساز از دو انگشت که تحریر قلم سنجیده آید نمیاید قلم را سخت گیری گشایم بر تو از هر سوی بایی تصوف را در دست درازست چگسویم زانکه دارد فرع بیار که هست اسلامی و دیگر خثانی چو نیلوفر فرنگی خواه باشی کسی چون اسم هر یک جای در گوش نگردد بر تو فرع کار دشوار ساوی با ملت هم برنگ و هم بوم که بر گاریش سازی بی کم و کاست ز بیچک کن قیاس ریسمانها ز جوش ریسمان غافل نباشی</p>	<p>قلم گاه گره گیری مکن مشت سه دیگر ستون آن دو باید بگاہ کار میاید دلیری ز نقاشی چو خواهی کام بایی اگر امداد طبعت کار سازست ولی جز مفت نبود اصل این کار چنین کرد اوستاد رهنمائی ز ایر و وان اگر آگاه باشی مکن از بند رومی هم فراموش چو اصل کار دانستی درین کار رقم سازی چو از هر اصل معلوم بگلهای مدور باش سر راست بود با ازک بیجان بسته آنها بطرح کار مستعجل نباشی</p>
---	---

در رنگ آمیزی

<p>یابند رنگهای شسته پاک دو رنگ عاشق و معشوق با هم</p>	<p>برنگ آمیز چون گردی هوسناک بنه گر پیش خواهی ساخت ور کم</p>
--	--

در صفت شستمان

کون پویم طریق شستمان را	نمایم بر تو این راز نهان را
دو طور شستمان نغزست و نیکو	یکی دم شوی دان دبگر میان شو
کئی گز نقش پش رنگ شکفته	مدار آئین دم شورا نهفته
بود برعکس آن گر بوم کارت	بیاید از میان شو دستبارت
از آن پس قید روغن کن باحسن	چو آوردی برون از قید روغن
بگیر از عشت بغدادی جلایش	بده از شست و شو آنگه صفایش
بحل کاری بود زان پس مدارت	که حل کاریست اصل کاروبارت
زحل کاری چو فارغبال گردی	بیایدکز جلا خوشحال گردی

در حل طلا و نقره

اگر از سیم و زر خواهد دلت حل	بدینموال کردم مشکلت حل
که بتان از سریشم پالا و پیش	بخیان و پس آنگه نه بر آتش
بصحنی کرده از چربی تمیزش	چو بگذارد بدان گرمی بریزش
ولی از پیش و کم بودن بیندیش	مکن هر قطره‌یی را یک ورق پیش
ز ملح نیم سوده دانه‌یی چند	درو انماز و میمال ای خردمند
بخشکی دست مالیدن نشاید	چو از تری سوی خشکی گر آید
سر انگشتان بآب گرم ترکن	برو افشان و از سردی حذرکن
زمان مالش او ساعتی پیش	نباید بود ای مرد هنرکیش
ز صحنش چون بشتن شد حواله	سر آبش را بگیرانند پیاله
گرفتی چون سر آب ای مرد آگه	ازو تا نیم ساعت دست کوتاه
بیاید داشت تا برته نشیند	کزو مرد هنرور کام بیند
بکلتی چون نشیند سیم بازار	نماند غیر آب صاف بر سر
بریز آبش اگر بسیار باشد	وگر نه آب هم درکار باشد
زیکو اندک اندک کارگر شو	بملک کامیابی راهبر شو

تعریف صورتگری

اگر صورتگری باشد مرادت	بود پس آنریش اوستادت
ددین وادی تبع ست راثبت	در زحمت بروی خود گنایت
کسی از قید غلط آزاد باشد	اگر مانی وگر بهزاد باشد

در صفت جانورسازی

کئی گر جانورسازی اراده	ز گلگون تصرف شو پیاده
------------------------	-----------------------

یکسو از طریق یش و کم باش
 ز راه و رسم استادان مکش پای
 آن صاحب روش از صد یکی را
 مبادا ای درد در بسای حیرت
 بگویم جانور سازی کدامست
 یکی سیمرغ دیبگر هست از در
 ولی معلوم این فن بر سه قسمت
 شوی چون برگرفت و گیر راغب
 زستی جانورها دور باید
 شوی گر از دو جنگی نقش پرداز
 مبادا پنجه بی یگار باشد
 مکرر ساختن هم نیست مرغوب
 مکرر گرچه سحر آمیز باشد

در بیان رنگ و روغن

براه پیروی ثابت قدم باش
 بسآئین تتبع راه پیمای
 بجو آئین آقا میرکی را
 ندانی جانور سازی ز صورت
 چه سان و چند و هر یک را چه نامست
 هژبر و گاو و گنج است ای برادر
 گرفت و گیر حملش نام واسمست
 درین وادی سه چیزت هست واجب
 ستون دست و پا پر زور باید
 نباید برتن هم پنجه انداز
 در آن صورت مگر ناچار باشد
 ولسی غیر مکرر هست مطلوب
 طبیعت را ملال انگیز باشد

شوی گر رنگ و روغن را طلبگار
 بود این هم دو اصل ای بار جانی
 یکی جسمی و دیگر نقره پوشست
 ازینها خواهی ارکامت برآید
 بیاید بوم کارت را رسانی
 بطانه آستر کار هست در باب
 ز بعد آستر کاری درین فن
 مکرر بایستت کردن سفیداب
 پروا کتون بهر راهی که خواهی

ترا پاکیزگی باید بناچار
 بگویم تا بفکرت در نمایی
 ولی این کار نیش پر ز نوشت
 یکایک با تو گویم آنچه باید
 بسآئین بطانه تا بدانی
 سریشست و سریشم گج بدوساب
 هلاجت از سفیدابست و روغن
 که تا گردد زمین کار نایاب
 بکن هر رنگ دلخواهی که خواهی

طریق رنگ جمی

مرادت گر بود جمی درین کار
 بهیر از لاجوردی رنگها را
 برای لاجوردی بر رخ کار
 زنی کف تا شود هموار و بکندست
 برنگ آستر روغن هم آغوش
 میان باب دگر روز دگر کن
 بروز سیم از روکش صفا ده
 ز کاغذ لث مشو غافل که باریست

بدل از نقره کاری یاد مگذار
 بروغن گیر و رونق ده صفا را
 کشی روغن ولی نه کم نه بیار
 گذاری تا بلند او شود پست
 شود چون ریزیش با پای خرگوش
 ولی از گرد و از باران حند کن
 بچهارم روز از روغن جلا ده
 پی رفع کدورت سازگار هست

و گر روز نویی گردد و غبارست / ترا با قید کاغذ لئ چه کارست

در آداب نقره پوش

و گر از نقره پوشت کام جویتست / مدار هم کارت بر نکویست
 بکش روغن بنه بر آفتابش / و لی خشکی میر از حد بتابش
 چو گردد نیم خشک آور بهنجار / بچبان نقره اش یکدمت هموار
 چو چسباندی و کردی خشک نیکو / ز پیش دست و پا بگذار بکسو
 کون از رنگهای پاک بسی عیب / کشم بر صفحه تقریر لاریب

در قاعده رنگ زنگار

بود چون لاجوردی رنگ زنگار / و لی او را بیاید ربخت یکبار
 مکن زنگار ریزی بی ناسل / بکن از صبح تا پیشین تحمیل
 بریز آنگه بروی کار یکدمت / بمالش پاچه خسرگوش پیوست
 چو گردد خشک از روغن جلاکن / صفای کار خود را بر ملاکن

روش رنگهای سریشمی

ز گلهایی که آید رنگ بیرون / بنفش و ارغوانی زرد و گلگون
 بگیر آبش بهر طوری که دانسی / شود ظاهر ترا راز نهانی
 کتی گر بستان ز اندازه بیرون / و لی سریشش باید بقانون
 چو در رنگ تو باشد چاشنی کم / جدا گردد بگناه خشکی از هم
 و گر بسیار شد جوشش نماید / برین تقدیر با اندازه باید
 رسد گردست چربی بر رخ کار / بشو با اندروت آبش بهنجار
 بکش بر روی هم آن رنگ پیوست / که گردد رنگ تو هموار و یکدمت
 منه زانزونی و قلت بدل بار / که گردد آخر کار تو هموار
 چو گردد خشک روغن کاریش کن / ز کاغذ لئ ولی غمخواریش کن
 درین وادی که نبود از خطر پاک / ترا با باری طبع هوسناک

در ساختن سفیداب و سرفیج

بود مشکل بمنزل راه بردن / بخود سر راه هر منزل سپردن
 کم چون با تو دارم حق باری / ز تعلیمت رفیقی سازگاری
 بگیر از سرب هر چندان که باید / بدیگی از سفالین کن که شاید
 بنه بر دیگدان دیگ مقرر / بکن آتش که گردد آب یکسر
 باهن کفچاش بکسان یا شور / چو خاکسراژ سینالی شود دور
 بان سرمه گردد تیره خاکی / تند آتش دوو از نساهاکی

گشوده راه آتشگاه پسند	بنه سرپوش و محکم دار پیوند
بآب ملح شستن پاک و مرغوب	چو گردد سرمه با بد پختن خوب
بنه نوشاد و با سرکه می‌سای	سه بارش چون بشتی ای نکورای
بکن خشک و دگر میای با آب	بعذب از وی نشادد پاک بستان
پیرداز از خلاصش بار دیگر	چو کردی شستن و سحفتن مکرر
که گردی از صفای او فرحناک	ز بعد آن خلاص او را بشو پاک
بغزایی خلاصی در خلاصش	بری گربار دیگر در خلاصش
برون آید سرنج پاک بیفش	چو فارغبال گردی از دوانش

در زنگار ساختن

صفایح کن تنگ لیک از مس پاک	بکن جامی دوگنز در جای نمناک
که گردد صفحه‌ها ددرکه پنهان	بریز از سرکه ناصاف چنددان
پوشان از کم و بیش میندیش	دو آن چاهش بنه یکمه کم و بیش
شود زنگار خاطر خواه نامی	پس از یکماه بنگر کان تمامی

در شنجرفی پختن

سه مثقال دگر کبریت کن یار	بلمست آور گریزنده سه و چار
شود خاکستر تیره میندیش	بسای اندر صلابه ساعتی پیش
بفروز از همین تا شام آتش	بنه در شیشه مطین دلکش
که شنگرفی شود نیکو و احمر	چو گردد سرد بیرون آرد بنگر

در ساختن لعلی

بنیکویی جدا گردان ز چوبش	ز رنگ لاک بستان نغز و خوبش
بکن در دیگه و آنگه نه بر آتش	بگیر از آب اشنان پاک و بیش
بزن با چوبکی هر لحظه برهم	دو میریز رنگ لاک کم کم
ز لتر سوده در وی ریزانندک	چو خالی گشت لاک از رنگ پیشک
که دل از دهنش گردد فرحناک	پس از ده جوش دیگر صاف کن پاک
زمر باشد ز درد او نگهدار	ز صاف او شود لعلی پدیدار

در پختن روغن گمان

بضرب تیشه فلتق وار بشکن	بگیر از سندروس پاک بکن
بکن بر دیگدان آن دیگ را بار	بدیگی نو که دروی گنجد آن بار
که تا گردن بگل گردد نهان دیگ	بگیر از چار جانب در گل آن دیگ
بر آور کر همه جانب شود تنگ	کار دیگ را از خشت و از سنگ
ز تند و تیزی آتش پرهیز	ز بعد آن بفروز آتش نیز

درون کوره آهن را و فولاد	پشمان دیگ رازانسان که حداد
یفنکن سند روس و کن کناره	درون دیگ گسردد پسر شراره
مرو نزدیک و خود را دار ازان دور	دگر با کفچه آهن یا شور
بریز از روغن بزر ای برادر	چو گسردد سند روست آب پکسر
که در روغن تند آتش یکبار	دو وزن سندروس اما بهنجار
دمی از دپگدان آتش برون کش	وگر طلیان کند روغن ز آتش
چکان در آب اگر شد منعقد آن	چو جوش چند دانی قطره پی زان
بجوشان نا شود ظاهر نشانش	بود پخته و گرنه همچنانش
مقامی دورتر از شهر باید	ولی این کار در منزل نشاید

آثار رقم دار صادق بیک عبارت است از :

۱- اثر زیبایی از این هنرمند در موزه هنرهای تزئینی دیدم که در نوع خود ستودنی بود و رقم (رقم صادقی افشار) داشت. این نقاشی تصویر مردی بود که در شیوه اصفهان ترسیم شده و پشت سرش درخت پرحالتی جلب نظر میکرد و دوبرغ پرحالت خوش منظر، روی درخت دیده میشدند.

۲- دیگر اثر رقم دار وی، تصویر زن زیبایی در شیوه فرنگی بود که دستاری بمان شال کردن، از گردنش آویزان بود و رقم داشت (راقمه صادقی کتابدار ۱۰۱۵)

۳- اثر برازنده دیگر نقاش که در حراج ساتبی سال ۱۹۷۷ در لندن بفروش رسید، تصویر مرغی بود که روی سنگی نشسته بود. منظره کوه و درختان کهن سال خشکیده جلوه خاصی داشت و رقم نقاش چنین بود. (عمل غلامی میرزا صادقی کتابدار)

۴- دیگر اثر رقم دار این هنرمند که در مجموعه کتابخانه لنینین گراد قرار گرفته، تصویر نیمه کاره تیمورخان ترکمان است که شروع آن بوسیله صادقی انجام یافته و سالیانی بعد معین ممو آن را با تمام رسانده و چنین رقم زده است.

(شبه مرحوم مفقور تیمورخان ترکمان در سنه ۱۰۰۲)

مرحوم صادقی بیک افشار ساخته بود بنده کمینه معین

مصور در سنه ۱۰۵۹ با تمام رسانید)

چند اثر رقم دار این هنرمند که صادق امضاء کرده و در کتاب LE PENTURE

تالیف IVAN STCHOVKINE چاپ شده بدین قرار است.

الف- تصویر دختری در شیوه زنان چینی است که لباس مخصوص بتن کسوده و دور گردنش از پوست خزیا سمور پیر شده و شاخه گلی بدست چپش گرفته است. حواشی اثر با خطوط نستعلیق آرایش شده و رقم دارد (صادق)

ب- تصویر جوان رعنائی است که دوزان نوشته و ببوئیدن گلی مشغول میباشد.

- کلاه عمامه‌ای پرداز بر گذاشته و لباس دکمه دار بلند سبک صفوی بتن کرده و شال و کمرونیزه کوچک بمیان بسته ورقم دارد. (مادق)
- پ- تصویر جوان دیگری است که بالباس و کلاه شیوه صفوی، دوزا نونشسته و صراحی و پیاله شراب بدست گرفته و در گوشه پائینی رقم زده. (مادق)
- و در مقابل این صفحه تصویر دیگری چاپ شده که آن نیز تصویر دیگری بمان همین جوان است که کلاه و لباس سبک صفوی بتن کرده و قیافه اش شیوه هراتی است و در گوشه چپ و پائین رقم دارد. (مادق)
- ت- اثر رقم دار دیگری نقاشی که در این کتاب چاپ شده، تصویر پیرمردی در شیوه اصفهان است که آستین های لباس روی دستها آمده و آویزان گشته است.
- ۹- اثر دیگری هنرمند که در کتاب اصفهان تالیف آنتونی ولج چاپ شده، تصویر دختری بالباس بلند چین دار است که روی زمین نشسته و بنوشیدن شراب اشتغال دارد.
- کلاه پارچه‌ای منقش بر گذاشته و قیافه وی در شیوه هراتی میباشد. در بالای اثر، خط نستعلیق میرحسین سهوی تبریزی جلوه گر بوده و رقم دارد. (عمل مادق)
- ۱۰- اثر دیگری که در صفحه ۲۴ همین کتاب چاپ شده و رقم صادق را دارد، تصویر پیرمردی با کلاه عمامه‌ای و ریش بزی و لباس بلند است که روی زمین نشسته و مشغول بستن دکمه‌های لباس خود میباشد.
- ۱۱- اثر بی نظیر و درخور تحسین صادقی بیک که در کتاب پرسیان اند مغول آرت کالری کل ناچی لندن، بجای رنگی چاپ شده، تصویر رستم پهلوان قدیمی ایرانی است که کلاه پرداز سفید بر گذاشته و دیو تیره رنگ سهمناکی را بقتل میرساند. در این اثر پر مهارت، رخسار نیز بکمک ارباب خود شافتته و پشت ازدها را زخمی کرده است. منظره کوه و درختان و تما ویرترسیمی در کمال چابک دستی بوده و در بیرون جدول رقم دارد. (صادقی)
- ۱۲- دیگر اثر هنرمند که در کتابخانه گلستان ایران قرار گرفته، تصویر درختی با شکوفه‌های سفید است که حاشیه آنرا مرغان الوانی جلوه گر نموده و در پهنه زمین و اطراف درخت، گل‌های زیبای وحشی دیده میشود و رقم دارد. (مشقه صادقی)

۵۰۶- صادق شیرازی

آقا صادق اهل شیراز بود و در هنرهای روغنی دست داشت. از آثار رقم دار این هنرمند یک جفت چوب ننوی زیبایی پرکاری دیدم که در داخل ترنجی های مذهب آن، تما ویرزنان دلربا و گل و بلبل شیوانقش بسته و در کنار آنها اشعاری بمناسبت درج گشته بود. زمینها شاعر رنگ سبز داشت و خطوط آن بزرنگ

سفیدابی بود. این اثر پرزیب و زینت که بهترین تلفیق خط و تصویر بود رقم داشت.
(رقم آقا صادق تیرازی ۱۲۷۱)

۵۰۷- صالح مذهب

مذهب و نقاش او اواخر قرن ۱۱ ه.ق. است که در تذهیب و تشعیر و حل کاری و تصویر
قوی دست و نازک قلم بوده است.

۵۰۸- صباحی

طراح و نقاش نازک قلم فلزات سخت بود و در ترسیم نقوش مختلفه اسلیمی، دست
پر قدرت داشت. از آثار رقم دار پر مهارت هنر اسلیمی وی تزیین پر مهارت و استادانه
جام مسی بزرگی بود که بنقوش موزون و دقیق پر مایه انجام یافته و در لبه جام
رقم داشت. (صاحبه محمد، عمل صباحی ۹۸۲)

حواشی و کناره بالائی جام، اشعاری بخط زیبای نستعلیق داشت که چنین بود:

این طاس که خنده میزند بر مه و مهر	شرمنده دور او بود طاس سپهر
تا طاس سپهر باشد و دور فلک	نوشند از او نوش لبان گل چهر
ای صاحب طاس غم فراموش باد	پیوسته مراد دل در آغوش باد
تا طاس سپهر باشد و مهره مهر	هر چیز کزین طاس خوری نوشت باد

۵۰۹- صبوری. محمد حسین

بنوشته مرحوم تربیت:

((اصل وی از دارالسلطنه تبریز است و در شیوه نقاشی، از هنرمندان ایمن
ایالت است. گویند اسم اصلی وی محمد حسین بوده و بحسن اشعار و مکارم اخلاق
سرآمد شعرای آنجا است.)) (خلاصه الاشعار)

در هفت اقلیم هنرمند را چنین توصیف مینماید:

((صبوری ولد قرا بیک زرگراست که خانه اش از در و جواهرمانند دریای عمان
و کوه بدخشان بوده و صبوری در ثروت سخن از نظم و نشر خواه تا ش زمان خود بوده است))
از آثار نقاشی وی ندیده ام.

۵۱۰- صحیفه بانو

بانوی باکمال و پراستعداد او اواسط قرن ۱۰ ه.ق. هند بود و جزو سه بانوی
شناخته شده نقاش مغولی آن دیار بشمار میرفت. بروایتی این زن هنرمند از
ناگردان استاد کمال الدین بهزاد سلطانی بوده و چندی بهره یاب محفل هنری وی

بوده است .

صحیفه با نمودار ارائه حالات گوناگون اشخاص، قوی دست و در منظره پردازی و چهره سازی چابک قلم و شیرین نگار بود . از آثار رقم دار این هنرمند که در یکی از مرقعات کتابخانه گلستان بیادگار مانده ، تصویر ساختمان نیمه کاره ای است که کارگران بروی چوب بست قرار گرفته و مشغول کار میباشند . صاحب خانه که گویا از گرفتاری امر خانه سازی خسته گشته ، دوزانو در گوشه ای نشسته و آنها را نظاره میکند . رقم دارد . (عمل صحیفه بانو)

۲- دومین اثر منسوب باین هنرمند که در حراج کالری کل ناچی لندن بمال ۱۹۷۶ بفروش رفت ، منظره قبرستان عمومی بود که مقبره ای را جهت دفن شخص محترمی آماده میساختند . بناها و کارگران در گوشه ای کار میکردند و تابوت مرده ای که به روی دوش افراد حمل میشد ، از در ورودی قبرستان داخل میکردید . در کناره این جماعت عده ای گریه میکردند و یکی از آنها علم بزرگی بدست داشت که روی آن نوشته شده بود . (حسبنا الله نعم الوکیل ونعم المولی)

در انتهای تصویر چند درخت خشکیده تنومند و منظره یک مقبره دیده میشود . تصویر در کمال مهارت بود و یکی از بهترین آثار نقاش بشمار میآید .

۳- سومین اثر برآزنده این هنرمند را که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن دیدم ، تصویر شاه طهماسب اول (۹۸۴ - ۹۳۰) بود که کلاه مخصوص قزلباشی بسر گذاشته و دستها را روی زانوان نهاده و روی قالبچه ای نشسته بود . شاه طهماسب که ریش داشت با صلابت پادشاهی جلوس کرده و حالات قیافه و تزیین لباسش استادانه بود . زمینه اثر ، درختان نازک و پربریگی داشت و منظره جوی آب روان و سنگهای کناره ای آن جلوه پرمهارتی داشت . در حواشی اثر ، اشعاری به خط نستعلیق دیده میشود که بیت اول آن چنین بود .

(ز ملامت سوخت شاهی کس ستمگردوستان - هرکرا زخمی رسد داغیش بر بالانهند)
زیر خطوط اطراف نوشته شده بود . (شبهه شاه طهماسب رقم صحیفه بانو)

صحاف باشی درویش در زیر نویس آمده . (۱)

۱- نامش درویش و از صحافان و مجلدان او اخرا جاری بود و لقب صحاف باشی داشت بعد از فوت صحافه عیالش یتیم خانه ای بنام وی ترتیب داد و نامش را : (ضیفیه عیال درویش صحاف باشی) گذاشت و با سرمایه اندک خود بتعلیم و تربیت و تغذیه آنها می پرداخت .

۵۱۱- صحیفی شیرازی- مذهب

بنقل از کتاب هفت اقلیم. صحیفی در تذهیب و خط و صحافی و وصالی سر رشته داشته و اهل شیراز می باشد. او منسوب به صوفی ذوالقدر بوده و در اشعار فارسی و ترکی صاحب ذوق بود. تا سال ۵۹۹۶ ه. ق. در قید حیات بوده و مرگ او معلوم نمی باشد.

۵۱۲- صمد (فولاد ساز)

۵۱۲ - فولاد کار و شمشیر ساز پرما به دوره محمد شاه قاجار بود و در تزیین و آرایش طلائی و نقره ای فلزات سخت استاد صاحب کمال بشمار میرفت. از آثار استادانه و رقم دار این هنرمند شمشیر فولادی زیبایی در موزه ویکتوریا آلبرت لندن دیدم که رقم (عبده صمد) را داشت و در نوع خود بسیار ارزنده بود. در روی قبضه عاجی این شمشیر، تمثال منوچهر شاه دیده میشد که ملبس به لباس و کلاه و آرایش زمان خود بود و در قسمت بالای قبضه، نام صاحب شمشیر با سم: (تمثال منوچهر شاه) جلب نظر میکرد که این بیت شعر در کنار آن دیده میشد:

(خدایوپلنگ افکن شیرگیر)

۵۱۳- صمصام خان- مصور الممالک

صمصام خان ذوالفقاری ملقب به مصور الممالک بود و در رشته های رنگ و روغنی و سیاه قلم و آبرنگ دست پر حلاوت داشت. مرحوم معیر الممالک در مورد این نقاش چنین مینویسد:

((صمصام خان مصور الممالک - مردی است خلیق و خوش صحبت و دوستی است بپیریا و با محبت، چنان با شور و حرارت از نقاشی و دقائق آن سخن میگوید که هر غیر نقاش را بر ذوق میآورد و چون از پرده ی نقاشی صحبت میدارد چنان با حرکات دست و سرنقش آنرا مجسم میمازند که گوئی در برابر چشم است.

با مداد کنته و سیاه قلم و همچنین با رنگ روغن شبیه های متعدد و بسیار عالی از حاج علیقلی خان بختیاری سردار اسعد ساخته است در کمال شباهت و لطف که اکنون در آرامگاه آن مرحوم در تخت فولاد اصفهان می باشد.

مصور الممالک سالها در مدارس درجه ی اول سمت استادی نقاشی را داشته و اغلب رجال و بزرگان امروز شاگردان او هستند.

صفرعلی مذهب افشار: از مذهبان شیرین قلم قرن ۱۳ ه. ق. اهل افشار بود و در تذهیب استعداد وافر داشت. از این هنرمند جلد قرآن مذهبی دیدم که در کمال شیوایی تذهیب شده و بخط شکسته طلائی رقم داشت: (حسب الخواش عالیجاه میرزا احمد مستوفی اتمام پذیرفت. راقمه العبد المذنب صفرعلی مذهب افشار ۱۲۴۲)

از صورتگران و نقش پردازانی که در این مختصراً دشته تنها دوست دیرین آقای
صمصا مدرقید حیات است و امید آنکه عمرش دراز باد.))
از بهترین آثار رنگ و روغنی این هنرمند، تصویر دلربا و فتان و نوس در کنار چشمه
بود که با ستادی و حالت تمام نقاشی شده و رقم داشت :
(مصور الممالک صمصا مدوالفقاری ۱۳۱۵ شمسی) مجموعه شماره (۲)

۵۱۴- صنیعی - میرصنعی نیشابوری

هنرمند ذوفنون اهل نیشابور بود و در هنرهای تزیینی دست داشت .
صادقی بیک افشار، در مجمع الخواص از او یاد کرده و چنین نوشته است :
(اهل نیشابور است و در فن علاقه بندی چنان مهارت داشت که مصراعی را
با کاشتن گل دورنگ نوشته بود . بطوریکه از اسلوب و صافی خارج نشده بود . مصرع
این است . (بنگر صنع خدا را بنگر) از رنگ و افشان کاغذ و همچنین از سرنج
و سفیداب و لاجورد شوئی نیز اطلاع داشت .))

صنیع الملک در ابوالحسن غفاری آمده .

۵۱۵- صنیع الممالک زرگرباشی

متأسفانه نام اصلی این هنرمند جوهر ساز معلوم نگردید . تنها اثر استادانه
و رقم دار این هنرمند که در موزه جواهرات ایران مضبوط میباشد ، قداره ای با غلاف
زرین و مرصع استادانه است که بسال ۱۳۱۵ ه.ق. توسط صنیع الممالک مکلل به
زمرد گشته و روی قمه چنین درج شده است . (قمه این قداره را در سال ۱۲۹۱ در سفر
مغان حاجی رضا قلی پیش خدمت پیشکش نموده است و دو سال بعد از جلوس مظفرالدین
شاه مرصع شده است .) از طرفی تزیین و جواهردوزی لباس مخصوص پنجاهمین سال
سلطنت ناصرالدین شاه ، بعد از این زرگرباشی بوده که در کمال ابتکار آرایش کرده
و مورد پسند شاه واقع شده است .

۵۱۶- صنیعی

نقاش کمنا دوره ناصری بود و در قلمدان سازی و کارهای روغنی دست داشت .
قلمدان زیبائی از این هنرمند دیدم که در رویه آن تصاویر دختران جلب نظر
مینمود که یک فرشته دلربا با پرهاى طلائی خود در مقابل آنها نشسته بود و با آنها
صحبت میکرد . در کنار این جمع ، تصویر زن پرحالتی که زلفان بلندی داشت ، نقش
گشته بود که بچه لخت خود را بیغل داشت .

در طرفین صحنه وسط ، دو درخت موزون که یکی برگهای سبز و دیگری زرد پائیزی
داشت دیده میشود و در جنب آنها مجلس پرحالت شیخ صنعان و دختر ترسازک قلمی

استادانه تصویرگشته بود که ستودن داشت. در حواشی قلمدان منظره عمارت و حیوانات گوناگون از قبیل گاو و گوسفند دیده میشود و رقم داشت.
(رقم صنیعی ۱۲۷۰)

ط

۵۱۷- طالب

نقاش دوره صفویه بود در مکتب اصفهان و شیوه رضا عباسی تصویرسازی مینمود از شرح حال و وضع زندگی او در هیچ یک از منابع تاریخی ذکری بمیان نیامده و در تنها اثری که در کتاب (لوپنتور) ارائه شده رقم او را چنین یاد کرده است.
(رقم زد ذره بیقدر طالب ۱۰۷۷)

۵۱۸- طالب - طالب کل عالم

باسج مخصوص خود امضا می‌نهاد و از قلمدان سازان و تصویرگران شیرین قلم دوره ناصری بشمار می‌آمد. از آثار شیوا و رقم دار این هنرمند قلمدانی دیدم که حواشی آن تذهیب پر پر ایه و پراکنده داشت و در وسط و کنارها گل و مرغ زیبا جلب نظر مینمود. متأسفانه این قلمدان بسیار فرسوده بود و احتیاج به تعمیر داشت و رقم نقاش که در رویه بالای قلمدان و بخط طلائی زیبا دیده میشود، چنین بود:
(طالب کل عالم)

۵۱۹- طالب - مذهب

از مذهبان و نقاشان دوره فتحعلیشاه بود و به آرایش و تذهیب کاری کتابهای مصور می پرداخت. یگانها اثر پر جلالت و استادانه وی را که در ذیل صفحات درخشنده و پر جلای کتاب زادالمعاد خطی دیدم، نشانه قدرت و مهارت نقاش بود و در داخل دو مستطیل که به طرفین آن نام پر جلال باری تعالی علاوه گشته بود، بخط شکسته رقم داشت.
(طالب شیوه هلالم من سنه ۱۲۱۴)
ظاهر حکاک - در محمد ظاهر حکاک آمده

۵۲۰- طاهر- طراح و بافنده

بحسب زیادا سازنده و طراح و بافنده قبرپوش ضریح رنگی و بی نظیر حریری مرقد امام رضا (ع) بوده کیدر شهر اصفهان انجام یافته است .
در حواشی این اثر چشم نواز، ادعیه ای بخط برمهارت استاد محمد رضا امامی بافته شده و در وسط آن نیز بهمین کیفیت ادعیه ای بخط ثلث استادانه جلب نظر مینمود.

این اثر نفیس که از طرف شاه سلیمان نذر شده و تقدیم مرقد مطهر گشته یکی از آثار کم نظیر پارچه بافی است که بدین صورت تهیه و در متن آن خطوط زیبا درج گشته است . اشعار پائین قبرپوش که بخط نستعلیق زیبا جلوه گر گشته چنین است .
 صاحب دوران سلیمان پادشاه آنکه با شد دولت و بختش بکام
 کرد نذر مشهد شاه رضا که شده از روی اخلاصی تمام
 کرد ظاهر بهر تاریخش رقم از سلیمان شه شده وقف امام ۱۰۸۰

۵۲۱- طلا مان

نقاش ممتاز و شیرین قلم دوره شاه جهان است .
از آثار ارزنده و رقم دار این هنرمند، مجلس رقص و سماع درویشان است که در باغ بزرگی اجرا شده و شاه جهان و شاهزاده ها و سایر رجال و سپاهیان نامدار در سمت چپ ایستاده و در درویش پیر که از شدت جذبگی بی حال شده اند، توسط دو جوان دیگر حمایت میشوند . عمل طرب و را مشکران درباری و چند درویش عصا بدست این صحنه را نظاره مینمایند .

منظره پاربون سلطنتی که در وسط تصویر نقش شده و همچنین فرش زیبا و خوش رنگی که در زیر پای عرفا در قصر سلطنتی دیده میشود بسیار جالب است . در کنار پائین نقاشی، بخط طلائی نوشته شده . (مجلس سماع صوفیان گرام در باغ حضرت شهاب الدین شاه جهان پادشاه غازی هجری سنه ۱۰۶۰ کار طلا مان)
اندازه نقاشی ۲۸/۵ x ۴۵ سانتی متر بوده و دو مهر بیضی شکل، در طرفین تصویر دیده میشود .

۵۲۲- طهما سب- شاه طهما سب صفوی

پادشاهی صاحب کمال و شیفته هنر بود و در هنر خط و نقاشی دست داشت .
بنوشته روایات قدیمی، در آغاز تاج داری، نقاشی نادره کار و مصوری نازک قلم و سحرنگار و با قلم مانوی بیرنگ، صورت بی جان راجان میداد و با کلک خویش تمثال گلهای گلستان میگشاد .

اسکندر بیک ترکمان در عالم آرای عباسی از شاه طهماسب اول صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴) نام برده و چنین نوشته است :

"آن حضرت شاگرد استاد سلطان محمد مصور بوده و طراحی و نزاکت قلم را به مرتبه کمال رسانیده بود در آغاز جوانی ذوق و شغف بسیار به این کار داشتند و استادان نادره کار این فن مثل استاد بهزاد و سلطان محمد که در این فن شریف طاقند و در نزاکت قلم شهره آفاق و در کتابخانه معموره کار میکردند آقا میرک اصفهانی که از اکابر سادات آنجا بود در این فن منفردا نیست خاص و مونس بزم اختصاص آن حضرت با این طبقه الفت تمام داشتند هرگاه از مشاغل جهان داری و ترددات مملکت آرائی فراغی حاصل میشد به مشق نقاشی تربیب دماغ میکردند"

قاضی احمد منشی در گلستان هنر، از هنر تصویرسازی شاه طهماسب مفصل یاد نموده که باختصار چنین میباشد :

"شاه جنت بارگاه در بدو حال بمشق نستعلیق و مشق تصویر رغبت تمام داشتند و اوقات با برکات صرف آن می فرمودند و استاد بی بیدل گشتند و در طراحی و چهره کشائی بر تمام نقاشان فایق آمدند. تصویر کار آن والا گهر بی نظیر بسیار است و چند مجلس در ایوان چهل ستون دار السلطنه قزوین است، از آن جمله مجلس یوسف و زلیخا و نارنج بری خواتین مروزنان زیبا که در پائین ایوان بر جانب غرب چسبانیده اند و این بیت در آن صفحه مسطور است .

مصریان سنگ ملامت بر زلیخا میزدند - حسن یوسف تیغ گشت و دست ایشان را برید"

اما با این همه تعاریف اغراق آمیز که تاریخ نویسان زمان، از هنر تصویرسازی شاه طهماسب کرده اند، اثر ممتازی از این پادشاه دیده نشده و تنها تصویر رقم داری که از وی بجای مانده، مجلس بزمی است که هیبت آغا داروغه در وسط بیابان و دامنه کوه، سبد میوه ای جلو نهاده و تحفه جان ساقی مشغول پذیرائی است. در جلو تصویر، استاد نعمان نشسته و نی می نوازد و طرفه رقاص که مرد تنومند و چاقی میباشد، در وسط مجلس میرقصد و ایشیک آقاسی قارپوز سلطان که بچوب دستی تکیه داده، پیاله شراب را سرمیکشد. در گوشه راست و دورتر تصویر، مولانا احمدفش که مرد پیر بوده و قیافه نحیفی دارد با این مجلس بزمی نگاه میکند. در مستطیل بالای کوه و در داخل مستطیل، رسم دارد.

(صوره طهماسب الحسینی)

حاشیه اثر محل کاری جانوران مختلف و برگ و گل و درختان است که در کمال شیوایی طلاکاری شده و حتما کار استادان حل کار معروف آن دوره میباشد که جهت آرایش کناره های تصویر شاه صفوی، پرداخت گشته است. در زیر تصویر و بیرون جدول، شاه طهماسب بخط خود چنین نوشته .

(جهت برادر عزیز بهرام میرزا ساخته شد. تم)

این اثر تاریخی که بدست پادشاه صفوی انجام یافته، حالیه در موزه توپ قاپوسرای ترکیه بوده و بشماره H 2154 زینت بخش مرقع بهرام میرزا میباشد.

این اثر بعکس سیاه و سفید در صفحه ۶۱ کتاب A KING'S BOOK OF KINGS چاپ شده و اساسی نفرات که در بالای تصویر درج شده چنین است
 ۱- هیبت آغا داروغه اختمر ۲- تحفه جان ساقی ۳- قار بوز سلطان ایشیک آقاسی
 ۴- مولانا احمد فاش ۵- طرفه رقاص ۶- استاد نعمان نایی

۵۲۳- طورمش نقاش

نام این نقاش جزو نقاشان دوره سلطان سلیمان قانونی (م ۱۵۶۶ - ۱۵۲۰) و در سند معروف (سرنام سیز هدیه دفتری) که تفصیل آن را در احوال شاه قویلی آورده ام، ثبت شده و اجرا کننده آثاری میباشد که در روز عید حضور سلطان عثمانی آورده و مبلغ هزار آچه که در آن موقع مبلغ گزافی بشمار میآید، مدانه نام دریافت داشته است.
 (آچه نقدینه ایست که ممکن است طلا و یا نقره و یا غیره باشد)

ظ

۵۲۴- ظفر

نقاش دوره جهانگیر شاه گورکانی هند بود و در شیوه مغولی هند تصویر سازی مینمود. از آثار این هنرمند که مضبوط در یکی از مرقعات کتابخانه گلستان تهران است، دو قطعه تصویر زیبائی است که یکی از آنها شمایل جهانگیر پادشاه است که در البسه و جلال پادشاهی، سوار بر اسب سفید شده و عازم محلی میباشد. رقم دارد. (عمل ظفر)

ع

۵۲۵- عالم بن محمد طالب

فرزند محمد طالب و از نقاشان معروف دوره جهانگیر (۱۶۲۷- ۱۶۰۵ م) است.

از آثار امضاء دار این هنرمند، دو تصویر در موزه ویکتوریا آلبرت لندن قرار گرفته، که یکی از آنها تصویر همایون پادشاه هندی است که در دربار قمر آگره نشسته و سفرا و وزراء و خدمه های مخصوص در اطراف وی قرار گرفته اند.

همایون ریسه مروارید غلطانی را پشاهزاده جوان که در مقابلش با احترام ایستاده هدیه میکند. در گوشه دیگر، سفرائی که به پادشاه هند خلعت و هدیه آورده اند جلب نظر میکنند.

منظره قصر سلطنتی و تما ویرا فردا و البسه خاصین در کمال قدرت و چشم نوازی نقاشی شده و بخت بسیار ریزی در بالای تصویر نوشته شده:

((در گنبدالوان ستون سنگ دار میان حرم سرای به همایون چهار رقب کمر شمشیر و تنجاق با زین طلا))

(گویا همان اسب کوچک است که در پائین اثر دیده میشود)

((حسین حسن تیمور سلطان و مهدی خواجه و محمد سلطان میرزا هم چارقب کمر شمشیر و خنجرانعام داده شد)) رقم دارد. (عمل فدوی عالم)

۲- دیگر از آثار این هنرمند که عالم بن محمد طالب رقم گذاشته، تصویر شاه جهان است که در اندازه ۲۰ x ۲۷/۵ سانتیمتر انجام یافته است.

در این مینیاتور، شاه جهان با آرایش و البسه رنگین و کلاه سلطنتی، در پشت معجری ایستاده و در مقابل وی یکی از سرداران دلاور که لباس زردی پوشیده و کمان بزرگی بدست گرفته، دیده میشود. حاشیه اثر، گلهای زینتی و دسته ای است و یکی از آثار ارزنده نقاش بشمار میآید.

۳- اثر دیگر هنرمند، که سالیان ۱۶۲۰ م. انجام یافته و اندازه آن ۲۲ x ۳۰ سانتیمتر میباشد، تصویر اکبر شاه هندی است که در پاپیون سلطنتی بروی متکان نشسته و عزیز خان در مقابل پادشاه ایستاده و گزارش روزانه را به اطلاع میرساند.

چند نفر خدمه و نوکر مخصوص در کنار پاپیون دیده میشوند، که در جمع آنها پرنس سلیم نیز قرار گرفته است.

۵۲۶- عالی بیگ

از هنرمندان تصویر ساز دوره رستم آق قویونلو (۸۹۷ - ۹۲۰ ه. ق.) است.

عباس در حاجی عباس آمده

۵۲۷- عباس (حکاک)

بلند قد و آبله رو بود و در زمان خود به میرزا عباس شهرت داشت.

این هنرمند خط نستعلیق را بشیوه و قدرت قلم میرزا کله‌رو میر عمادسیفی قزوینی

بسیار خوش مینوشت و بهمان خلوت در روی مهرها ظاهر میساخت .
از آثار کم نظیر این استاد، مهر سلطنتی احمد شاه قاجار بود که اثر آن مهر را در بالای
فرامین و سایر احکام دولتی میثود رویت نمود .
اغلب مهرهای متفرقه که در این شیوه و خط بسیار راستا دانه و در این زمانها حکاکی
شده، بیقین اثر دست این هنرمند معجزنگار میباید شد که در کمال قدرت حکاکی کشته است .

۵۲۸- عباس (سیدشاهزاده)

به سید عباس شاهزاده معروف بود و از نقاشان مذهبی قرن ۱۴ ه.ق. بحساب میآید.
این هنرمند که همان سید عباس آقا میری و اهل اصفهان است، تزئینات جدید داخل
بقعه هارون ولایت را بخوش قلمی انجام داده و بخوبی از عهده برآمده است .
از نقوش و آثار کونا کونی که از این هنرمند بیا دگار مانده، اغلب موضوعات
و روایات مذهبی است که بشیرینی و کیرائی مخصوصی عمل آمده و در نوع خود
پسندیده میباشد .

۵۲۹- عباس (شاه عباس ثانی)

علاقه زیادی به هنرنقاشی مخصوصاً "آبرنگ" داشت و در فرصت های مناسب که بدست
میاورد با این هنر سرگرم میشد. کثرت علاقه وی به هنرنقاشی تا حدی بود که بدستور
شاه و معرفی شرکت معروف هلندی که در آن زمانها در ایران فعالیت میکردند، دو
نفر نقاش معروف هلندی را بنام های آنژل و لوکارلو با استخدام دربار آورده و
آنها را بسمت نقاشی مخصوص پادشاهی بخدمت گماشته بودند .

از طرفی در این زمانها که علیقلی جبار آرنات تازه از اروپا وارد ایران
شده و بدین اسلام مشرف گشته و بدربار راه یافته بود، بسمت معلم نقاشی شاه مفتخر
شده و گاه و بیگاه وی را تعلیم میداده است .

از آثار باقی مانده وی که در اواسط دوران پادشاهی اش (۱۰۵۲-۱۰۷۷) انجام
یافته، تصویر کبوتری به آبرنگ است که حالیه در موزه قصر گلستان تهران مضبوط
میباشد. در این اثر نسبتاً "جالب که با لطف بوسیله استادان نیز تا حدی حک و
اصلاح گشته، کبوتری بروی درخت است که در کمال شیوایی آبرنگ شده و رقم دارد.
(در قلعه گلا مشق شد شاه عباس بتاریخ چهاردهم شهر رجب ۱۰۴۵)

۵۳۰- عباس (شیرازی)

هنرمند شیرین نگار شیراز بود و در تصویر و شبیه سازی و گل و مرغ و منظره پردازی
قدرت وافری داشت .

استاد عباس صنعت تذهیب را خوب میدانست و به آرایش و حل کاری و سایر فنون متنوع آن وارد بود. این هنرمند مرد آزاده و درویش مسلکی بود که فارغ از دنیای مال اندوزی، در معاشرت و معاشرت یاران یکدل گام مینهاد و تا شور و شوقی در خود نمیدید، دل به هنرنمی بست و دست بقلم نمیزد. بدین ترتیب، خلوت آثار و چشم‌نوازی پر مایه و هنری وی، در اغلب کارهای استاد بخوبی واضح گشته و مبین عشق و احساس حقیقی نقاش بود که به عالترین وجهی بروی تصویرها هر آمده بود. از آثار دلپذیر و پسندیده استاد معلوم میگردد، که این هنرمند، مکتب شیوا و پیرغناهی لطفعلی شیرازی و علی اشرف معروف را درک کرده و حتی ممکن است مفتخر بشاگردی لطفعلی بوده و از سرچشمه متعالی آن استاد نیز بهره‌یاب گشته است. از شاگردان زبردست وی، آقا ابراهیم و مصطفی شیرازی بودند که خود به نفسه از استادان قوی دست‌زمان خود بشمار می‌آمده و پیرو شیوه استاد خود بوده‌اند. روایتی این هنرمند، فرزند هنرمندی بنام حیدر علی داشته که او نیز نقاش شیرین کاری بوده و در نقش تصویر دست داشته است.

از تاریخ تولد و سال مرگ استاد، هیچگونه اطلاع مستندی بدست نداریم، ولی آنچه از تاریخ‌تصاویر بجای مانده‌اش بر می‌آید معلوم میدارند این هنرمند، نقاش با اعتباری بوده و در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بخلق تصویر سرگرم بوده است از آثار رقم‌دار وی دیده‌ام:

۱- قلمدان تابوتی بزرگی بود که پنج مدالیون در رویه و چهار مدالیون در کناره‌ها داشت. در مدالیون وسط، تصویر زن طنازی دیده میشود که در کمال دلربائی بود. در مدالیون اطراف نیز تصاویر دل‌انگیز دختر و پسر جوان جلب نظر میکرد که استادانه بودند.

در دو مدالیون انتهائی رویه قلمدان، منظریه بقاع متبرکه و مساجد و سایر ابنیه تاریخی در کمال قدرت تصویرگشته و رنگهای پرآزین داشت.

حواشی قلمدان نیز بهمان سیاق رویه قلمدان، تصاویر دختر و پسر جوان نقش بسته و در زمینه آنها گل و مرغ و منظره پرمفاد دیده میشود.

داخل قلمدان که برنگ طلائی مزین شده بود، از کارهای ممتاز محمدجواد قلمدان ساز بود که مهر مخصوص وی را در برداشت و رقم نقاش چنین بود.

(رقم عباس شیرازی ۱۲۷۷) مجموعه مهندس ناصر خلیایی

۲- از قلمدان‌های دیگر هنرمند، قلمدان شیوائی بود که در وسط رویه آن، تصاویر مریم و مسیح بود که صورت آنها در آینه نمودار گشته بود. در طرفین رویه قلمدان، دو تصویر زیبای دختران جوان که یکی با دیزن ژاپونی بدست گرفته بود، جلب نظر

میگرد. درکناره‌ها نیز اشکالی از غزالان و حیوانا، دیگر داشت و رقم نقاش چنین بود. (عمل عباس شیرازی سنه ۱۲۹۱)

۳- از آثار رقم دار دیگر این استاد، قلمدان پر صورتی بود که تما ویر عرفا و شیوخ معروف از قبیل شمس تبریزی و مولوی و سلطان سلیم در نهایت قدرت ترسیم گشته و کناره‌های نقوش نیز به تذهیب استادانه‌ای آرایش یافته بود. زیر قلمدان نیز تذهیب فوق‌العاده داشت و رقم نقاش چنین بود.

(رقم کمترین عباس شیرازی ۱۲۹۲)

۴- دیگر اثر ارزنده این هنرمند، قلمدانی بود که در شیوه‌فرنگی عمل آمده و تصاویری از حضرت مریم و مسیح را در رویه داشت.

در بالا و پایین رویه و حواشی قلمدان، مناظر زیبا و دسته‌گل‌های رنگین به دلربایی و حسن سلیقه تمام تصویر و تذهیب گشته و رقم داشت. (عباس شیرازی)

۵- از قلمدانهای دیگر این استاد، قلمدان (الفیه و شلفیه) ای بود که معاشرت زنان و مردان جوان را به دل‌فریبی تمام نقاشی کرده و حواشی را به تذهیب آراسته بود. کناره‌های قلمدان، مناظر نخل و ساختمانهای قدیمی شیراز را داشت و در بین آنها و در چهارمدا لبون مختلف حرکات گوناگون خرگوش را به استادی نقش کرده و رقم داشت. (عباس شیرازی) مجموعه شماره ۲

۶- دیگر قلمدان این هنرمند که رقم (عباس شیرازی) داشت، قلمدان شیرین و پیر خالته بود که تصاویر زن و مرد جوان، بشادابی تصویر شده و زمینه پرانبوه گل و مرغی است. در انتهای بالای قلمدان، تصویر گربه ملوسی جلب نظر می‌کرد و کناره‌ها نیز سان زمینه قلمدان، گل و مرغهای افشان داشت.

۷- تنها اثر آبرنگی این هنرمند را که از نزدیک دیده‌ام، تصویر شاهزاده بدچهره‌ای بود که روی صندلی نشسته و کت ترمه‌ای بافت الوان سرخ رنگ بتن داشت و شلوار وی بسیک دوخت فرنگی بود و در زیر پای شاهزاده بخط ریز رقم داشت.

(رقم کمترین عباس شیرازی) مجموعه شماره ۵

۵۳۱- عباس (قلمدان ساز)

قلمدان ساز گمنام اوایل قرن ۱۲ ه.ق. بود و در ارائه مجالس رزمی قلم شیرین داشت. از این هنرمند قلمدان رقم‌داری دیدم که منظره جنگی بود و طرفین متخاصمین با همدیگر بجنگ و گریز پرداخته و نزاع می‌کردند. حاشیه‌ها و کناره قلمدان، منظره دشت و دمن و گل و مرغ بود و رقم داشت. (عمل کمترین عباس ۱۲۰۹)

عباس کاتوزیان: از نقاشان چهره پرداز و نامی قرن حاضر است که احوال وی در کتاب هنرمندان معاصر بیان خواهد گشت.

۵۳۲- عباس نقاشباشی

نقاش پراستعدادا واسط قرن ۱۲ ه.ق. بوده که به ترغیب و دستور عباس میرزا، جهت یادگیری هنر نقاشی به کشور ایتالیا رفته و در شهر رم ساکن شده است. این هنرمند پس از مدتها که در شهر رم سرگرم کسب هنر گردید، عاقبت در دام عشق زیباروی ایتالیایی گرفتار گشته و تن باز دواج وی در داده است.

آقا عباس با همه مشکلاتی که در دنیا ر غربت داشته به تحصیلات رشته مورد علاقه خود، ادامه داده و پس از هنراندوزی و درک مهارت تصویرسازی با عیال خود به ایران بازگشته است. زندگی و گذران عمر وی بعد از مراجعت از ایتالیا معلوم نیست، ولی آنچه مسلم است لقب نقاشباشی گری را بعد از مراجعت از آن دیار، گویا از عباس میرزا که حامی و مشوق اولیه وی بوده دریافت کرده و مورد عنایت وی نیز فرار گرفته است.

این هنرمند در طراحی و آبرنگ و رنگ و روغن بشیوه کلاسیک مهارت داشته و در مواردی نیز از روی آثار مشاهیر معروف اروپایی کپی میکرده است. شغل رسمی وی معلمی نقاشخانه دولتی بوده و در موسسای که بنام نقاشخانه دولتی دایر گشته بود به تربیت شاگردان هنر نقاشی، سرگرم بوده است.

بطوریکه روایت شده، میرزا عباس در اواخر عمر بعلت نا معلومی از میهن خود آزرده خاطر گشته و با عیال خود بدیار هند مهاجرت کرده و در آن دیار به عالم عقبی شتافته است.

تنها اثر رقم داریکه از این هنرمند دیده ام، تصویر کپی شده از روی کارهای استاد معروف رافائیل بود که به نیکوترین ترتیبی کپی شده بود.

در این تابلو، حضرت مریم و مسیح روی ابرها قرار گرفته و پشت سر مریم، درخشندگی پرنور آفتاب جلب نظر مینمود. در بالای تابلو، جماعت حواریون، در اطراف حضرت مسیح ایستاده بودند و فرشته زیبائی که بدون پوشش بوده و لخت و عریان در میان تابلو قرار گرفته بود، دیده میشد. در مرکز تابلو نیز چهار نفر، به لباسهای گوناگون نقاشی شده بود که یکی از آنها به حضرت مسیح اشاره میکرد. و بخط نستعلیق زیبا، در زیر تابلو رقم داشت.

(رقم میرزا عباس که از روی پرده بزرگ عمل رافائیل نقل نموده است سنه ۱۲۷۸

نقاشخانه دولتی)

دیگر اثری رقم میرزا عباس که شیوه تصویرسازی وی را مشخص میساخت، تصویر پیر مرد سراس و ریش بلندی بود که در یکی از موزه های ایران قرار داشت.

در این تصویر، پیر مرد، به نکته اتکاء نامفهوم، چشمها را بمقابل دوخته و دو دست

پرحالت خود را بروی عصا، قرارداد و بآن تکیه نموده بود. سایه‌ها و تکه‌رنگها، در کمال قدرت بود و یکی از آثار ارزنده نقاش بشمار می‌آمد.

۵۳۳- عباسعلی میناساز

میناساز زبردست و پرمایه‌ا و ایل قرن ۱۳ ه.ق. بود و در چهره‌نگاری و شبیه‌سازی و ارائه گل و مرغ و پرندگان استعداد پرما به داشت. از تنها اثر رقم‌دار این هنرمند که در موزه نگارستان تهران دیده‌ام، سرقلیان خوش منظری بود که در حاشیه و کناره‌های آن، تما و ایرد لر بای زنان و دخترانی که به شیوه‌فرنگی آرایش یافته بودند جلب نظر مینمود. در بین تما ویری که در مدالیون‌های متعدد انجام یافته بود، مرغ سبک‌بال و الوانی دیده‌میشد که در ترنج‌های کوچک نقش بسته بود. در حواشی و زیر آتش‌دان، تصویر خورشید خانم جلوه‌دل انگیزی داشت که با تابش پرفروغ خود زیبایی و جلالت اثر را مضاف میساخت. در زیر یکی از مدالیون‌ها رقم داشت. (عباسعلی)

۵۳۴- عباسقلی

شبیه‌ساز گمنام و نقاش شیرین قلم او اواخر قرن ۱۳ ه.ق. بود. از آثار شیوا و رقم‌دار این هنرمند که در حراج ساتبی ۱۹۷۸ لندن دیدم، تصویر مقرب الخاقان میرزا محمدخان کشیک چی باشی بسال ۱۲۷۲ بود که در حد خود پخته و شیرین بنظر میرسید. در این اثر آبرنگی، صورت میرزا محمدخان پردازا ستادانه داشت و کلاه بلندش جلب نظر مینمود. کشیک چی باشی که پوستین کلفت و بلنسی بدین داشت، رویه‌آن مملو از گل‌های بوته جیقه‌ای بود که به حسن سلیقه تمام نقش گنجه بود.

او روی صندلی نشسته بود و ساعت خود را بدست گرفته نشان میداد.

منظره فرش اطاق و تما ویرتزیینی دیوارها و سایر مناظر بیرون خانه، در کمال استادی بود و رقم‌نقاش بروی فرش داخل اطاق چنین بود. (بنده درگاه عباسقلی)

۲- دیگر از آثار این هنرمند که آن نیز با برنگ بود، تصویر ناصرالدین شاه در شکارگاه بود که بالباسهای سلطنتی سواراسب شده و بشکار سرگرم بود. در پشت سر شاه، میرزا آقاخان نوری صدراعظم و سایر همراهان شکار، شرکت داشتند و شاه را همراهی میکردند.

منظره شکارگاه و تپه‌وما هور و مسیر رودخانه و همچنین تصویر پل قدیمی و درخت

تنومند و جست و خیزتوله های شکاری حلاوت پسندیده ای داشت و رقم نقاش بر روی ریشه بزرگ درخت چنین بود . (مشق بنده کمترین عباسقلی ۱۲۷۳)

۵۳۵- عباسقلی حجار

حجار و طراح هنرمند دوره ناصری بود و با اسماعیل جلاپرو استاد علی اکبر مصور همکاری میکرد. از آثار حجاری این هنرمند، گل و بوته های سنگ قبر مرحوم ناصر الدین شاه قاجار است که صورتها را علی اکبر حجار انجام داده و گل و بوته ها را این استاد تراشیده است .

۵۳۶- عبدالائمه

نقاش فلزات و اسطراب بود که در هنر خود شهرت داشته و به رموز و دقیق بی بدل اسطراب، واقف بوده است . این استاد چیره دست که بطن قوی در هیئت و ستاره شناسی نیز صاحب کمال بوده در نقوش دقیق و ارائه محاسبات افلاکی و درج دوایر بروج به روی فلزات سخت، نازک قلم و استوار بوده و دست پر مایه ای داشته است . از شاگردان نامدار این هنرمند، استاد محمدطا هرین محمدا مین بود که آثاری استادانه از خود بجا دگاردارد . از آثار رقم دار عبدالائمه، اسطراب نفیسی در موزه و بکتوریا آلبرت لندن دیدم که رقم داشت . (صنعه عبدالائمه ۱۱۲۷)

دیگر از آثار اسطرابی این هنرمند، که در موزه گرینویچ انگلستان از نزدیک دیدم . اسطراب پراعتباری بود که رقم داشت . (المحتاج الی رحمه و به الفنی صنعه عبدالائمه)

دیگر در این موزه، اسطراب نفیسی بود که در مرکز اسطراب رقم داشت . (صنعه عبدالائمه)

سومین اسطراب رقم داری که در این موزه از استاد دیدم، اسطراب پرمهارتی بود که روی دایره انتهائی صفحه اسطراب رقم داشت . (صنعه عبدالایمه)

۵۳۷- عبداله بن احمد-حجار

حجاری همتا و سنگ تراش زبردست اوایل قرن ۱۶ ه.ق. است. از آثار گرانبهادر این هنرمند، سنگ تاریخی مزار امام در آستان قدس رضوی است که در کمال قدرت حجاری شده بخت کوفی تزیینی آرایش یافته و در وسط آن این کلمات درج گشته است . ((الله اکبر هذا مقام الرضا علیه السلام اقبل علی صلواتک ولاتکن من الغافلین

سنه شعبان عشر وخمس مائه و در اطراف آن بسم الله الرحمن الرحيم الهم صل على محمد وعلى وفاطمه والحسن والحسين وعلى محمد وجعفر موسى وعلى محمد وعلى و الحسن والقائم الحجة)) ودر خط دیگر نوشته :

((بسم الله الرحمن الرحيم انما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم راكعون)) (عمل عبدالله بن احمد) در حاشیه داخلی سنگ نوشته :

((امر بعمار به مشهد الرضوی علی بن موسی علیه السلام . العبد المذنب الفقیر الی رحمة ابوالقاسم احمد بن علی بن احمد الغلوی الحسینی تقبل اله منه .)) اندازه آن به طول ۴۰ و عرض ۳۰ و قطر ۶ سانتیمتر است . این سنگ قدیمی از بهترین آثار هنر مند بوده و از نفایس ارزنده موزه آستان قدس رضوی بشمار میآید .

۵۳۸- عبدالله اصفهانی

نقاش و قلمدان ساز گمنام اهل اصفهان بود و در سنوات آخر قرن ۱۲ هـ.ق. در آن شهر بکار قلمدان سازی اشتغال داشت .

از قلمدان های رقم داروی، قلمدانی در مجموعه دارم که در کناره های آن منظره پل الله و روی خان و کلیسای جلفای ارامنه را بطرز زیبائی بروی قلمدان ظاهر ساخته است . در رویه قلمدان، تصویر زن طنازی را بدون لباس و پوشش ارائه داده که سربالین طلائی نهاده و در بستر آرمیده است .

در رویه و حواشی نیز تصاویری از مردان و زنان فرنگی را درش مدالین نقاشی کرده و در زمینه مشکی قلمدان، گلهای برگ انگوری استادانه علاوه کرده است . در زیر پایه قلیانی که بدست یکی از زنان دیده میشود رقم گذاشته . (رقم عبدالله)

۵۳۹- عبدالله بخاری

نقاش مشهور دوره حکمرانی سلطان محمد عثمانی (۵۴ - ۱۷۳۰ م) است که اجداد وی از بخارایه عثمانی آمده و در آن دیار رکنی گزیده اند .

استاد عبدالله در آثار روغنی که در اصطلاح عثمانیها، ادرنه کاری میگویند مهارت داشته و جزو دو استاد معروف این رشته یعنی علی اسکداری و مصطفی ارزنجانی بشمار میآمده است .

از آثار معروف این هنرمند، معاشقه عریان زن و مردی را به آبرنگ دیدم که رنگهای جالب داشت و امضای نقاش چنین بود . (عبدالله بخاری ۱۱۵۴)

دیگر آثار این نقاش که به سال ۱۳۴۳ در نمایشگاه آثار عثمانی و در کاخ بیسض

تهران دیدم، دومینیا تور زیبا و استادانه بود که رقم نقاش را داشت و اندازه‌های آنها ۲۲x۱۶ سانتیمتر بود. از آثار دیگر هنرمند که در کتابها یا موزه توپ قا پوسرای، از نزدیک دیدم عبارت است از یک آلبوم کامل با ۲۲ تصویر از زنان و مردان گوناگون که در سنوات (۴۵ - ۱۷۲۶) اجرا گشته و حالیه در کتابخانه دانشگاه اسلامبول مضبوط میباشد. از آثار رقم دار دیگر هنرمند، تصویر زن جوان و چاق شکم برآمده‌ای است که لباس سبز بلندپوشیده و روی لباسها بیش گل‌های ساده طلائی کار شده است. زن مزبور که کلاه بلند عمامه‌ای قوت‌زدار سرخ‌سرگذاشته، گردن بند به سینه آویخته و گلی بدست گرفته است.

رقم دار بخط قلم موئی (رقم عبدالله بخاری)

دیگر از تما ویراین هنرمند که در توپ قا پومضبوط میباشد، تما ویری است که در دو مدالیون انجام یافته، یکی از آنها منظره قصر سلطنتی است و دیگری قصری است که در مقابل آن رودخانه‌ای جریان داشته و پل سفید رنگی بروی آن دیده میشود.

رقم دارد. (رقم عبدالله بخاری)

چهار اثر از زنده دیگر این هنرمند، در کتابخانه دانشگاه استانبول قرار گرفته که عبارتند از:

تصویر زنی است که در شیوه لونی نقاش عمل آورده و جبهه پوستی و کمر نقره‌ای و لباس رنگی پوشیده و گردن بند جواهرنشانی بسینه آویخته و کلاه خردار بسرنهاده و روی مندلی راحتی نشسته است.

در مقابل این زن، دو دختر جوان تردیده میشوند که دست روی دست نهاده و منتظر ایستاده‌اند. کلاه‌های پیچیده پا رچه‌ای بسرگذاشته و نیم تنه بدون آستین پوشیده‌اند. قیافه‌ها و البسه در کمال زیبایی بوده و رقم دارد.

(رقم عبدالله بخاری ۱۱۵۸)

اثر دیگر در این کتابخانه، قیافه همین زن جوان است که کلاه خردار بسرنهاده و پشت پنجره شیشه‌ای ایستاده و سیگار بدست گرفته است. رقم دارد.

(رقم عبدالله بخاری ۱۱۵۸)

سومین اثر هنرمند در این کتابخانه، تصویر زن چاق یا حامله ایست که کلاه سبک بسرگذاشته و نیم کت تنگ پوشیده و دامن بلند بتن کرده است.

این زن که گویا از محارم سلطنتی بوده و به رسیدن نخ مشغول میباشد. رقم دارد.

(رقم عبدالله بخاری ۱۱۵۸)

آخرین اثر هنرمند در این کتابخانه، زن جوان دیگری است که در مقابل زن میان سالی نشسته و گوشه آستین را بدست گرفته و بدلر بانی مشغول میباشد.

رقم دارد. (رقم عبدالله بخاری ۱۱۴۷)

۵۴۰- عبداله خان- معمار و نقاشی

معمار و نقاشی پراعتبار قرن ۱۲ ه.ق. بود و در دستگاه فتحعلیشاه و محمدشاه و اوایل سلطنت ناصرالدین شاه مقام و منزلت والا داشت .
این هنرمند و فنون که در حدود پنجاه سال و خورده‌ای بسه‌پادشاه پیرجلال قاجاری خدمت کرده و هنرها آفریده، از فتحعلیشاه و محمدشاه قاجار لقب پرامتیاز معمارباشی (۱) و نقاشی دریافت داشته و تا پایان عمر نیز در این سمت باقی بوده است .
از دوران صباوت و ایام هنراندوزی و همچنین نام استادان پرمایه‌ای که چنین هنرمند و ارستهای را تربیت کرده و بخدمت آماده ساخته‌اند، اطلاعی نداریم، ولی از درج نام ساده‌نقاش که در زیر یکی از آثارش (زدرقم‌بنده‌شاه عبداله فی سنه ۱۲۲۲) دیده می‌شود، معلوم می‌گردد، در این سنوات نقاش پراعتباری بشمار می‌آمده و ولی نقاشی نبوده است .

از طرفی با مطالعه هنر و قدرت قلم‌تصویر عباس میرزا که در سنوات ۱۲۲۲ ه.ق. به دست این هنرمندانجا می‌افته و نگارنده با فرصت و دقت بیشتری، در حراج ساتبی از نزدیک دیده و امتیازات وی را بررسی کرده‌ام، چنین معلوم می‌کند که این اثر ارزنده، اثر دست هنرمندی می‌تواند باشد که لااقل در سنین ۲۵ سالگی بوده و تجربه و دقت کافی برای نقش‌چنین تصویری را دارا بوده است . و اگر بحدس و قیاس سال تولد عبداله خان را بین سالهای ۱۱۹۷ تا ۱۲۰۰ فرض نمایم، بتقریب در زمان خلق اشرف سلام فتحعلیشاهی، هنرمندی حدود سی ساله و نقاشی دربار بوده است .
در تائید این مطالب، قیافه ظاهری خود نقاش نیز که در انتهای ردیف بالای دست چپ تصویر جلب نظر می‌کند، او را شخصی در حدود سی ساله نشان می‌دهد .

از آثار رقم‌دار عبداله خان به نسبت دوران فعالیت طولانی و موفق وی، آثار چندان زیادی دیده نمی‌شود. ولی از تعداد اندک آثار انگشت شمارش نیز که به یادگار مانده، خلوت و قدرت قلم هنرمند روشن گشته و معلوم می‌دارد، در مواردی شیوه مهر علی نقاشی را دنبال کرده و چه بسا که ممکن است شاگرد و رقیب او نیز بوده است .

۱- نوشته آقای بحیی ذکا در کتاب تاریخچه ساختمانهای ارک سلطنتی تهران، فتحعلی شاه که سحت مفتون رفتار و معلومات و موقع شناسی طاوس خانم شده بود او راتاج الدوله لقب داده به عبداله خان معمارباشی دستور داد تا عمارت چشمه را برای این باو متحدید ساختمان نموده و تخت طاوس را نیز در آن عمارت قرار دهد، همومینویسد: در سال ۱۲۶۷ بدستور امیر کبیر قلعه ارک تجدید عمارت شده و کوجهای آن برای حرکت کالسکه شوسه گردید و این امور معماری عبداله خان معمار باشی آن زمان انجام گرفت .

عبداله خان در چهره سازی و شبیه پردازی دقیق و پرمایه بوده و در رنگ و روغن و آبرنگ و نقش تصویر بر روی مینا دست پر خلوتی داشته است .

از تابلوی عظیم و ارزنده صف سلام فتحعلیشاهی که بدست این استاد انجام یافته معلوم می‌دارد این هنرمند، در خلق مجالس بزرگ رزمی و شبیه سازی صاحب قلم بوده و حوصله و وسواس بخصوصی در ارائه زموذ و دقایق ناشناخته موضوع که با نظر باریک بینی و احساس نقاش توأم بوده بخرج داده و جزئیات را چنانکه با دیدن نا دیده‌ریبان ساخته است .

این هنرمند در طراحی و آرایش داخلی و خارجی قصور سلطنتی و سایر عمارات پر جلال نیز مقامی درخور تحسین و شایستگی رفیب داشته و رئیس و باشی اغلب حرفه‌ها و صنایع بشمار می‌آمده است . از فرمان ارزنده‌ای که اخیراً "توسط سازمان اسناد ملی ایران خریداری گشته و رونوشت آنرا عیناً" از جلد هفدهم راهنمای کتاب در این احوال چاپ کرده‌ایم، استادی وی را در امر نقاشی و طراحی نقشه‌های بیوتات معروف آن دوره مسجل ساخته که مجدداً "به منصب باشی گری معماران و پیشه‌وران و سایر ارباب حرف و صنایع، بمان دوره فتحعلیشاهی مفتخر گشته و تاکید شده که افراد و آحاد و اشراف و اعیان نقاشان و معماران و مهندسان و مینا کاران و نجاران و جاران و فخاران و شیشه‌بران و حدادان و سرایداران و باغبانان و مقنیسان و شاعران وی را کما فی السابق باشی خود دانسته از سخن و صواب دیدار و تجاور ننمانید.

فرمان محمد شاه برای معمار باشی دربار

... آنکه چون عالیجاه مجددت و نجات پناه فرانت و فطانت دستگاه اخلاص و از ادت آگاه مقرب الحضرة العلیه عبدالله خان معمار باشی در بدایت امر و اوایل حال در دربار خاقان مرحوم مفطور طاب ثراه و جعل الجنة منواه معدن خدمات بوده و در سلک نقاشان نقاشخانه همایون سلطانی به اقتضای قابلیت ذاتی و استعداد جبلی نوعی تربیت یافت که در اندک مدت و حید عصر و سرآمد اقران و امثال آمد، به حکم این لیافت و قابلیت و بر حسب امر همایون سلطانی در نقاشخانه اقدس به لقب باشیگری ملقف و به خطان خانیه مخاطب گردید و چندگاه که در صنایع مزبوره اهتمامات موفوره و مساعی مشکوره به ظهور رسانیده محاسن کلردانی و استادی او در نقاشی و طراحی بیوتات معاینه و مشهود شد به منصب

باشیگری معماران و پیشه‌وران و سایر ارباب حرف و صنایع بیوتات
 خاصه سرافرازی یافت تا اکنون که بدو طلوع دولت سرکار اقدس
 همایون ماست در آستان دولت علیه معدن خدمات کلبه گردید
 مانیز نظر به مرام نبی‌شایستگی عالیجاه مشارالیه او را مشمول عوارض
 خسروانه و عنایت بیکرانه شاهنشاهی فرموده در هذمه السنه بیوت ثیل سعادت
 دلیل مناصب مزبور به اکتافی السابق بر عالیجاه مشارالیه مخصوص و موقوف
 فرمودیم که در نهایت اطمینان و دلگرمی به تممیر عمارات خارج شهر از
 قصر قاجار و امامزاده قاسم و قلعهک و ارغوانیه و نگارستان [و] دلگشا و
 لاله زار و بهارستان و باغات و عمارات داخل شهر و خانهای فسطی محلات
 در انخلافه مشغول بوده حس دقت خود را ظاهر سازد.

مقرر آنکه افراد و آحاد و اشراف و اعیان نقاشان و معماران و
 مهندسان و مینا کاران و نجاران و حجازران و فخاران و پیشه‌بران و حدادان
 و سرابداران و باغبانان و مقنبان و شماعان عالیجاه مشارالیه را اکتافی السابق
 باشی بالاستقلال خود دانسته از سخن و صوابدید او تجاوز نمایند.
 عالیجاهان مجددت همراهان مقربو الخاقان مستوفیان عطاء و عالیجاهان
 کتاب دفاتر خلود شرح منشور همایون مبارک را ثبت نمایند و در عهده
 شناسند، تحریر این شهر ذی‌قعدة الحرام [م] ۵ [۱۲۵] (بامهر محمد شاه)

آثار بجا مانده‌وی عبارت است از:

۱- تابلوی رنگ و روغنی بزرگ و طویل صف سلام فتحعلیشاهی که در سالن مخصوص
 کاخ نگارستان فتح‌علی شاه نصب بوده و تفصیل آن چنین میباشد.
 از قصور و عمارات زیبایشی که در زمان فتحعلیشاه و در خارج از تهران ساخته شده
 بود یکی نیز قصر معروف نگارستان بشمار می‌آید که بطراحی و معماری عبداله‌خان
 نقاشباشی که بنوشته‌فرهاد میرزا در صفحه ۱۴۱ کتاب زنبیل، سال ۱۲۲۸ نقاشباشی
 بوده، پایان یافته و محل رسمی بارعام پادشاهی و قمرپذیرائی از مهمانان خارجی
 و سفرا و سایرین بحساب می‌آمده است.

در جنگ خطی منحصر بفردی که بوسیله محمد قاسم خان فروغ، عموی ملک الشعرا
 محمودخان نوشته شده و حالیه جزو مجموعه نگارنده است، در مورد ایجاد این قصر چنین
 مینویسد. ((و از باغات مشتمل بر عمارات عالییه، باغ قصر قاجار و نگارستان است

که الحق در نزت و صفا و وضع علوبنا، نظیره‌یج یک را در هیچ عهدی از عهد نشان نداده اند و تا کس را ملاحظه نیفتد، وصف آنها بتقریر راست نیاید.))
این قصر زیبا و با عظمت که محمد شاه نیز در آن تاج گذاری کرده، بنا و اواخر سلطنت قاجاریه باقی بوده و مدتی در اختیار مدرسه صنایع مستظرفه که تحت نظر مرحوم کمال الملک اداره میشده، قرار داشته و آخر الامر در قسمت شمالی آن، ساختمان فعلی دانشرای عالی احداث گشته و در قسمت جنوبی آن نیز وزارت فرهنگ و هنر فعلی ایجاد گردیده است.

در این قصر بهشت آئین که در تعالی و جلال، با اصطلاح تعاریف آن روز، سربآسمان میسود، بدستور فتحعلیشاه، صف سلامی توسط عبداله خان نقاشباشی تصویر گردید که فتحعلیشاه و شاهزادگان و رجال مملکتی و افسران ارشد، سفرا و نمایندگان خارجی و مستخدمین و نمایندگان قبایل گوناگون و نویسندگان و شعرا و غیره به آرایش رسمی و لباسهای گوناگون، در کمال تردستی و در اندازه بزرگتر ترسیم گشته و بدیوار وسیع قصر نگارستان آویزان گشته بود. این تابلوی عظیم که بتحقیق در سالهای اتمام قصر نگارستان و در سنه ۱۲۲۸ توسط عبداله خان نقاشباشی نقاشی شده، اصل تابلو از بین رفته و فقط نشانه‌های از او بجا دگار مانده که مختصراً " بازگومینمایم.

به زعم نگارنده اولین صف سلام فتحعلیشاهی، تصویری است منحصر بفرد که در آخر کتاب و شماره ۶۰ ارائه شده است.

این عکس که در بین عکسهای قدیمی نگارنده دیده میشود، اختلافاتی با سایر عکسها دارد که در عکسهای دیگر مشاهده نمیگردد و چون اصل اثر را از نزدیک ندیده و بررسی دقیق نکرده‌ام، در صحت مد در صد آن نمیتوانم اظهار عقیده نمایم.
در این عکس که تصویر ۹ نفر از آن تابلوی عظیم بجا دگار مانده، هیچ یک از آنها، با تصاویر دیگری که تا کنون مشاهده شده و فوق نمیدهد. و همچنین خطوطی که نام افراد را نوشته، از لحاظ کتابت خطوط و محل جملات یکسان نمیباشد. در این عکس اسامی را چنین نوشته.

۱- (حاجی محمد حسین) درزیر آن (خان امین السلطان) که میشود.

(حاجی محمد حسین خان امین السلطان)

۲- معتمد الدوله السلطانیه میرزا عبید) درزیر آن (الوهاب) که میشود.

(معتمد الدوله السلطانیه میرزا عبدالوهاب)

۳- (جنرال غار دان ایلچی دولت) درزیر آن (پادشاه فرانسه) که میشود.

(جنرال غاردن ایلچی دولت پادشاه فرانسه)

۴- (موسی ژونه سفیر دولت فرانسه) که در یک ردیف نوشته شده است .
 در این نوشته خلوت خط تا حدی استادانه بوده و بعضی نقطه های حروف را نیز
 درج نکرده است . در روی کاغذی که معتمدالدوله نشاط بدست گرفته ، جملاتی بخط
 نستعلیق زیبا دیده میشود که با ختم رچنین است .
 ((.... پادشاه جم جاه انجم سپاه فلک دستگاه و پادشاه ملایک
 سپاه سلطان الاعظم وال خاقان معظم))
 و اما در تابلوی دومی که بشماره ۲ در این مقال یاد شده .
 تصاویری است که از روی تابلوی اصل گرفته شده و آن هفت قطعه عکس بمال ۱۳۴۰ در
 انتهای کتاب فروغی بسطامی و همچنین بمال ۱۳۵۳ شمسی در شماره ۱۴۴ مجله
 هنر و مردم چاپ گشته و اساسی نفرات تابلونیز درج شده است .
 در این تصویر فتحعلیشاه در وسط قرار گرفته و فرزندان به ترتیب در کنارها
 قرار گرفته اند که عبارتند از :

در طرف راست وردیف بالا : ۱- نایب السلطنه عباس میرزا ۲- محمدقلی میرزا ملک
 آراء ۳- حسینعلی میرزا فرمانفرما .
 در طرف راست وردیف پائین : ۱- علیشاه ظل السلطان ۲- شیخعلی میرزا ۳- عبدالله
 میرزا دارا .

در طرف چپ وردیف بالا : ۱- محمدعلی میرزا دولت شاه ۲- محمدولی میرزا
 محمدتقی میرزا حسام السلطنه .
 در طرف چپ وردیف پائین : ۱- حسنعلی میرزا شجاع السلطنه ۲- علینقی میرزا
 ۳- اماموردی میرزا .

زیر تصویر : ۱- عیسی خان غلام پیشخدمت ۲- محمدحسن خان کماندار
 (حامل تیروکمان) ۳- اسما عییل خان (حامل گرز جواهر نشان) ۴- یوسف خان
 سپهدار (حامل سپر جواهر نشان) ۵- آقا اسما عییل جواهر خان (حامل ظرف مرصع)
 ۶- آقا محمد حسن پیشخدمت (حامل تنگ یا قلیان مرصع و جواهر نشان)
 دیده میشوند که طرز قرار گرفتن مستخدمین حامل اسلحه و جواهرات در بعضی تصاویر
 اختلافاتی دارد که در صفحات بعدی تشریح خواهد شد . تصویر شماره ۵۷
 اساسی افراد کنارها های تصویر رچنین است :

دست راست ردیف بالای تصویر . (یعنی طرف دست چپ فتحعلیشاه)

میرعلینقی خان فندرسکی - نصراله خان امیرآخوینوری - بابا علیخان شاطر
باشی - محمدولی خان افشار - بخشی محمدخان اوزبک - محمدخان کرمانشاهی
زنکنه - مصطفی خان کرمانشاهی زنکنه - عبدالله پاشای بابان والی قلعه
جوالان و شهرزور - عبدالحسین خان ناظر - میرزارحیم حکیمباشی شیرازی -
حاجی رضاخان قاجاردولو - محمدحسین خان قاجارقوانلوکشیک چی باشی -
حاجی محمدحسین خان مروزی - امام قلیخان قاجارقوانلو - محمدابراهیمخان
قاجار دولو - محمدخان قاجارنایب خراسان - مهدی قلی خان قاجاردولو -
محمدقلیخان قاجارقوانلو - شاهزاده اویس - شاهزاده قیصر - شاهزاده فیروز -
شاهزاده داراب - امیرزاده ناصرالدین توره - شاه محمود افغان .

دست راست تصویر ردیف پائین :

محمدخان زسیورک چی باشی - فلیج خان فراشباشی - جعفرقلیخان سرکرده
لارجانی - عبدالله خان سرکرده فیروزکوهی - مطلب خان سرکرده دامغانی - محمد
صالح خان سرکرده عرب - ذوالفقارخان سرکرده سمنانی وجندقی - فاضل خان
جارچی باشی - محمودخان نایب ایشیک آقاسی باشی دنبلی - یحیی خان نایب
نسقچی باشی افشار - جعفرقلیخان قوریساول باشی نواشی - فرج اله خان
نسقچی باشی افشار - نوروزخان ایشیک آقاسی باشی قاجار - شیخ محمدرسول
عبدالله بن السعودوهابی - عوف بن اسدحضرمی فرستاده والی یمن - سیدثابت
علی ایلچی سند - شاکرافندی سفیرعثمانی - حیرت افندی سفیرعثمانی -
موسی ژوبرسفیر فرانسه (M. JAUBERT) - موسی ژونه سفیرفرانسه (موسیو
ژوانن M. JOUANNIN) - جنرال غاردن ایلچی دولت پادشاه فرانسه
(GENERAL GARDANNE) - میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط - حاجی
محمدحسین خان امین الدوله .

طبقه بالای ردیف راست . (یعنی طرف دست راست فتحعلیشاه)

ابراهیمخان سردارکرمان - محمدقاسمخان قاجارسردار - محمدعلیخان قاجار
قوانلو - میرزا محمدخان بیگلربیگی دولو - جان محمدخان ایلخانی دولو -
میرزا رضاقلی منشی الممالک - عبدالله افندی ایلچی عثمانی - ملاعلی اصغر
ملاباشی - میرزاموسی منجمباشی - میرزا احمدحکیمباشی - میرزامحمدخان بیگلر
بیگی کیلان - میرزاموسی نایب - حسینقلیخان بیگلربیگی ارومی - عبدالله
خان بیگلربیگی کاشان واصفهان - عبدالرحیم خان بیگلربیگی یزد - میرزا
یوسف اشرفی وزیرفارس - میرزامحمدرضی صدرتبریزی - فتحعلی خان صبا ملک
الشعراء - آقامهدی ملک الکتاب - میرزامحمدکتاب خوان - میرزاهادی

کلانتر فارس - دوستعلی خان معیرباشی - میرزاتقی خان جواهری - آقا جانی
معمارباشی - عبدالله خان نقاشباشی .

طرف راست پائین تصویر :

میرزا محمد شفیع صدراعظم - میرزا بزرگ قائم مقام - سرگوراو زلی ایلچی
انگلیس - مستر جیمس ایلچی دوم - ملک صاحب ایلچی سوم - تیپو سلطان فرستاده
رای اعظم - حسین خان سردار آذربایجان، بیگلربیگی ایروان - محمد صادق خان
پسر حسین خان دنبلی - الکسندر میرزا والی گرجستان - اسحق خان قرائی سردار
خراسان - ابوالفتح خان جوانشیر - امان الله خان والی کردستان - احمد
خان بیگلربیگی مراغه - محمد خان ایروانی - امیرگونه خان ایلخانی ایل
چمشکرک - الله یار خان قلیچی - محمد حسن خان والی لرستان - محمد حسین خان
عاشق لوقرا گوزلو - نصر الله خان سردسته، حاجی لوقرا گوزلو - نجف علی خان
بجنوردی - محمد نبی خان ملک التجار - محمد خان بیگلربیگی هرذره -
علی خان سرکرده - اصلان خان توپچی باشی .

دومین تابلوی صف سلام که به تحقیق از روی نقاشی اصل عبدالله خان نقاشی شده و
بیا اینکه بدست خود نقاش با زسازی شده و بخارج راه یافته . تابلوی زیبایی است
که در اداره INDIA OFFICE LIBRARY محفوظ میباشد .

در این اثر ارزنده که بسال ۱۲۳۲ انجام یافته ، حالات قیافه ها و رنگ آمیزی تابلو
پرمهارت و استادانه بوده و بسیار پرخلوت میباشد .

عکس رنگی این اثر را که حدود ۲۳ نفر از رجال و سفارانشان داده ، در روی جلد
کتابی که بسال ۱۹۷۷ و وسیله DENIS WRIGHT منتشر گشته ، ارائه داده و چون
متضمن امتیازاتی از قبیل روشنی تما و پرورنگها بود ، در اینجا باختصار معرفی
میکردد .

تصویر شماره ۵۸

قسمت بالا در سمت راست شاه :

۱- ابراهیم خان سردار کرمان - کلاه قرمزوریش و سبیل بلند و کت و نیمچه کت ،
زمینه سفید و زرد

۲- محمد قاسم خان قاجار - کلاه بلند قرمز، ریش و سبیل بلند، لباس قرمز بلند، در زیر،
روی آن، پوستین بدون آستین، زمینه زرد، خز بلند، روی گردن انداخته .

۳- محمد علی خان قاجار و نلو - کلاه بلند زرد - لباس زیر، بنفش رنگ - ریش
و سبیل بلند و خز بلند، بدوش انداخته است .

۴- میرزا محمد خان بیگلربیگی دولو - ریش و سبیل بلند سفید، کلاه بلند تیره ای،
لباس زمینه سبز، در زیر و پالتو آستین بلند، قهوه ای روشن، با گل های کوچک .

۵- جان محمد ایلخانی دولو - ریش و سبیل سفید - کلاه بلند مشکی - لباس زیر

قرمز - پالتو بلندتیره ای؛ با گلر برگ ریز .

۶- میرزا رضاقلی منشی الممالک - کلاه بلندنارنجی - ریش و سبیل بلند - لباس قرمز رنگ، درزیر - پوستین بدون آستین، رمینه زرد و کلهای منفش - خز بلند، بگردن انداخته .

۷- عبداله افندی ایلچی عثمانی - شبیه خواجه هاریش و سبیل خیلی کم، کلاه سبز رنگ مثل عما مه بزرگ، پیراهن سفید - لباس بلندسیر، آرایش اضافی ندارد . قسمت پائین در سمت راست شاه :

۱- میرزا محمد شفیع صدراعظم - لباس بلند زمینه زرد با نقش و نگار سرخ رنگ - روی آن پوستین بلند زمینه قرمز و گل و بوته سبز و گلگون - ریش و سبیل بلند - حناشی - کلاه بلند زمینه سیر - پوست خز بلندی بگردن آویخته - جوراب قرمز .
۲- میرزا بزرگ قائم مقام - کلاه سفید بلند - ریش و سبیل توپی سیر - لباس زیر، قرمز گلدار - رویه پوستین، بدون آستین، زمینه سفید گلدار - کمر آبی - پوست خز بلند، از گردن آویخته - کاغذی بدست گرفته - جوراب قرمز .

۳- سرگور و زلی ایلچی انگلیس و مستر جیمس ایلچی دوم و ملکم صاحب ایلچی سوم . همه این سه نفر، جوراب قرمز رنگ بلندا تا زیر زانو - شلوارها زرد رنگ - کت رسمی، بلند تیره جلو باز و بارنگهای روشن تزیین شده - پاگونها و گسردن بندها، قرمز - صورتها، بدون ریش و سبیل، فقط ملکم سبیل بلند دارد . کلاهها همه برنگ تیره و شکل ناپلئونی .

۴- تیپو سلطان فرستاده رای اعظم - کلاه سفید پهن - ریش و سبیل توپی - جوراب سفید - لباس بلند، قرمز گلدار - چندریمه مروارید در کنار گردن و بازوها دارد - شال آبی رنگ بلند، بکمر بسته . تصویر شماره

سومین تصویر صفحۀ ۱۱۱ فتحعلیشاهی که با این پوزسیون و در اندازه بزرگتر تصویر شده، در مجموعه (THOMAS ALCOCK, Esq. OF KINGSWOOD) قرار گرفته و عکس این اثر بوسیله ROBERT HAVELL در سال ۱۸۳۴ چاپ و منتشر گشته است . عکس چاپی این نقاشی در سال ۱۹۷۷ حراجی ساتبی لندن بفروش رسید که مشخصات آن عبارت است از :

تابلوی وسطی بالای که اندازه آن ۲۴x۵۲ سانتیمتر میباشد، تصویر شاه و دوازده فرزند مورد اعتماد وی، بطرز استادانه ای نقاشی شده که قیافه و حالات آنها در همه تابلوهای مشابه یکسان میباشد .

تابلوی دومی که زیر پای فتحعلی شاه قرار گرفته و اندازه ۲۵x۵۲ سانتیمتر دارد، مخصوص مستخدمین درباری است که قیافه و حالات آنها در تابلوهای دیگر فرقهائی دارد . در این عکس مستخدمین مخصوص، چنین ایستاده اند .

۱- غلام دست بکمرزده ۲- غلام دست بکمرزده ۳- غلام سپر بدست گرفته ۴- غلام گرز بدست گرفته ۵- غلام ظرف مرصع جواهر نشان بدست گرفته ۶- غلام صراحی مرصع بدست گرفته .

در طرفین تابلوی فتحعلیشاه و دوازده فرزندش، دوتا بلوی عظیم و طولی است که اندازه آنها در این عکس ۳۳x۱۳۵ سانتیمتر میباشد .

در این تابلوها روی هم رفته ۹۸ تصویر ارائه شده که اساسی آنها قبلاً ذکر شده و عکس خود نقاش نیز در انتهای ردیف چپ قسمت بالائی تصویر بخوبی دیده میشود . این اثر عکسی، تاریخ و امضای نقاش را نداشته و اساسی نفرات نیز قید نشده است .

چهارمین تصویر صف سلام که در شیوه همان آرایش و قدرت قلم تصویر شده، تابلوئی بود که در صفحه ۱۲۶ کتاب روسی طبع لنین گراد جلب نظر میکرد .

این اثر دل انگیز که رقم نقاش را داشت، با دیگر تابلوها قرین بود و در کنساره تخت فتحعلیشاه در ستون و نقوش مارپیچی داشت .

منظره درختان و برگهای آنها، از پشت سر شاهزادگان دیده میشود و بخت شکسته رقم داشت . (عمل کمترین محمد علی فی سنه ۱۱۲۵۰)

ولی محل و آرایش مستخدمین مخصوص که هر کدام حامل اشیائی بودند، در این تصویر، طور دیگر بنظر میرسد و از تابلوهای دیگر متفاوت بود .

در زیر پایه های تخت فتحعلیشاه، مستخدمین چنین قرار داشتند .

از طرف راست تصویر: ۱- (حامل تیروکمان) ۲- (حامل شمشیر) ۳- (حامل سپر مرصع و مزین) ۴- (حامل گرز جواهر نشان) ۵- (حامل ظرف مرصع و جواهر نشان) نفر ششم در تصویر دیده نمیشد .

پنجمین تصویر سلام فتحعلیشاهی، بنوشته کاتالوک ساتبی در کلکسیون شخصی، بنام LORD STRATHCONA AND MOUNT ROYAL بوده که بتاریخ ۹ دسامبر سال

۱۹۲۵ بشماره ۲۹۱ بفروش رسیده است .

از طرفی در زمان ناصرالدین شاه نیز، صف سلام فوق العاده زیبایی، بسیاق دوره فتحعلیشاه از رجال و مشاهیر آن دوره، توسط صنایع الملک بفرجام رسیده که تفصیل آنرا در ابوالحسن خان صنایع الملک آورده ام .

در زمان مظفرالدین شاه و بامر وی نیز، صف سلامی بعبارت و اندازه آن، توسط مهدی مصور الملک تصویر گردید که حالیه در موزه ایران باستان مضبوط میباشد . ۲

۲- ریباترین و نفیس ترین اثر رقم دار این استاد که در حراج ساتبی ۱۹۷۸ نصیب موزه های ایران گردید، تصویر تمام قد عباس میرزا بود که لباس سرخ رنگی بتن کرده و دست بکمرزده و با دست دیگر کمر بند خود را گرفته بود .

تاج مرصع و کنگره داری که در وسط پیشانی آن، جبقه جواهر نشان پره دار جلبب توجه میکرد، بسرداشت و یک ریشه مروارید غلطان، بحمایل، روی سینه نصب کرده بود. کمر بندش جواهر نشان منگوله ای بود. که خنجر مرصع خود را در آن جا داده و شمشیری که قبضه آن جواهرات گوناگون و تزئین زرفشان داشت بکمر درآویخته بود. در زمینه نقاشی، معجزهای چوبی زیبایی نقش بسته و در هوای خارج قصر و در داخل ترنجی محدود، بخط نستعلیق زیبا رقم داشت.

(شاهزاده عباس میرزا)

و در گوشه پائین تا بلو امضاء گذاشته بود. (زدرقم بنده شه عبداله فی سنه ۱۲۲۲) ۳- از آثار آبرنگی عبداله خان، تصویر شاهزاده خانم طناز و دلربائی بود که در داخل دایره ای نقش بسته بود. در مقابل وی، اندیمه زیباییش به جلالت تمام تصویر گشته بود که جام شراب را بشاهزاده خانم تعارف میکرد. پرداز صورتها و رنگ البسه و مهارت طراحی کم نظیر بود و بخط نستعلیق زیبا رقم داشت.

(رقم عبداله نقاشی)

۴- از آثار منسوب به عبداله خان که شیوه تصویر سازی و مهارت نقاش را بر ملامت میساخت. تصویر خیالی آقا محمدخان قاجار و فتحعلیشاه و جمع شاهزادگان در قصر سلیمانیه کرج بود که در انتهای بار عام کاخ سلیمانیه (۲) قرار داشت.

۲- در یک جنگ خطی مجموعه نگارنده که در همین سالها کتات شده در مورد ابن قصر چنین مینویسد. ((دیگر از بناهای بدیع و عمارات رفیع شهر سلیمانیه است واقع در شش فرسخی دارالخلافت بهران که در مجرای رود کرج طرح بنا ریخته اند و تا کنون قلعه ارک آنجا مشتمل بر سراهای فلک رفعت و حانهای بهشت نزهت و قصور و بروج آسمان دستور در کمال رزانت و غایت متانت سمت اتمام پذیرفته معماران ساعی با تمام شهر مزبور با نهایت وسعت و کمال وضع شهریت ما مورند.))

۳- دیگر از تابلوهای صف سلام نگارستان که با بزرگ کار شده و اندازه

ساعتی متر داشت، تصویر جالبی بود که بسشک از روی تابلوی اصلی عبداله خان کپی گشته بود. صورتها و البسه افراد و همچنین رنگ آمیزی آن شیرین بود و بخط زیبایی نقاش، در زیر تصویر چنین درج گشته بود.

*By their obedient Humble
servant Robt. Havell. London pub. as the directs April 4. 1834
by Robt. Havell, 77, Oxford Street*

عبدالله خان مذهب - اهل تشریح و مذهب و مجلد قرآنی است که بخط اسداله شیرازی سال ۱۲۷۰ ه.ق. کتاب شده و از نفایس کتابخانه گلستان بهران بشمار میآید.

این اثر رنگ و روغنی بعدها به دانشکده کشاورزی کرج انتقال پیدا کرده و حالیه نیز در آن محل مضبوط میباشد .

۵- از آثار ارزنده دیگر نقاشی که نام خود را در بین ابیات مدرجه بروی شمشیر قید کرده ، شمشیر جهان کشای نادری در موزه جواهرات ایران است که بدست عبدالله خان طراحى و میناکارى شده است .

در قیصه شمشیر ، تصویر فتحعلی شاه باریش بلند مثنوی ترسیم شده و در رویه های غلاف آن ، روی هم رفته ۱۸۶۹ دانه الماس فلامکی ، نشانده شده است .
در روی دسته شمشیر این ابیات دیده میشود .

این تیغ جهانگشا که کان گهر است گردون قتال را هلال ظفر است
من این شمشیر ، در سهام برگ مانند و گل و بوته الوان ، تصویر شده و بعنوان
زمینه ، نما م رویه را در بر گرفته است . در مدالیون دیگر ، تصویر نیم تنه عضدالدوله و
در دیگری کا مران میرزا پسر فتحعلی شاه ، بزینبائی نقش بسته و در کنار هر دو
تصویر ، چهار خورشید تان دیده میشود .

در آخر شمشیر ، تصویر عبدالله خان نقاش است که لباس قرمز پوشیده و کلاه بوقی بسر
گذاشته و ریش او تویی سیاه میباشد . در کتیبه بالای سر خود چنین نوشته است .

این چهره که در طراز شاهنشاه است تمثال یکی چاکر کار آگاه است
تا آب بقا بنوشد از کام ملک افتاده بپای شاه عبدالله است

۵۴۱- عبدالله سید . سید عبدالله

صاحب کارخانه هنری بود و در آن کارگاه با همکاری شاگردان و نقاشان دیگر ، به
تصویر و تذهیب و آرایش نقوش متنوع اشتغال داشت .

از آثار رقم دار وی که در کارخانه هنری وی ساخته شده بود ، رویه جلد زیبائی بود که
به تردستی تصویر شده و حواشی آن با شعر مناسب آذین گشته بود .

در وسط جلد ، صحنه پرا بهت شکار فتحعلی شاه قاجار بود که در لباس سلطنتی سوار اسب
گشته و شیری را از پا در آورده بود .

در کنار پادشاه ، قوش با سلطنتی ایستاده و منتظر فرمان بود . در طرف دیگر ، سگهای
شکاری گرازی را مستاصل کرده و آماده حمله آخری بودند .

در میان اشعار کنار و در میان دوا بر زر درنگ ، رقم داشت .

(در کارخانه سید عبدالله نقاش تمام شد بتاريخ یوم جمعه سنه ۱۲۷۲)

۵۴۲- عبدالله طباطبائی

خطاط نامدار و شاکر دمیرزا جعفر بایسنقری است که به روایت صاحب گلستان هنر

دورز افشانی و وصالی نیز مهارت تامی داشته و تا ۵۸۶۷ ه.ق. در قید حیات بوده است.

۵۴۳- عبداله قاطع

قاطع قوی دست و نازک قلم و اوایل قرن ۱۰ ه.ق. بود و از یاران هنرمند سلطان علی مشهدی بشمار می‌آمد. مصطفی عالی افندی در صفحه ۶۳ مناقب هنروران، از این استاد یاد کرده و چنین نوشته است :

((از قاطعان مکمل است که در هنر خود استاد می‌باشد. در راه تولد و در آن شهر نشو و نما یافته و شهرت خاص و عام دارد. فرزندوی شیخ محمد دوست قاطعی است که از پدر خود هنر قاطعی را یاد گرفته و در هنر خود متمایز و قابل تحسین است))

از طرفی در شماره ۱۱ سال سوم مجله موسیقی رقعهای بخط و انشاء سلطان علی مشهدی چاپ شده بود که متضمن عده‌ای از هنرمندان قدیمی بود و چون نام این قاطع هنرمند نیز جزو استادان بنام زمان ثبت شده بود. عیناً "در این مقال ارائه گردید. ((خداوند پوشیده نماند که بندگان سید نجم الدین عودی و شاه درویش نائی و شهاب دمکش و حافظ صابرق با خدام مخدوم زادگی استاد مولانا حاجب مصنف و خواجه عبداله قاطع ماه پاره مجلد و سید با افشا نگر و شکر چارنای و از مقبولان ایثار بیک بینی و از وزیران خواجه ایفور و امیر زادگی قاسم بیک برلاس و طوفان بیک بهادر خان و سلطان خان جلاپروا و محبوبان حورنژاد شاه خانم مهر طلعت و شاه نواز خاتون نغمه سرای و قوامای صاحب صورت و دیگر خوانندگان در با غچه نوا طبعی در میان دارند و انتظار شریف میکشند لطف فرموده توجه فرمایند.))

((بعد از رقم بندگان سیادت پناه‌ها میر شیخ مهیلی و جناب امیر ملک جوینی و خورشید خانم بزم آرا تشریف آوردند که ملک برفلک رشک دارد. عبدکم سلطان علی))

از آثار رقم دار این هنرمند قطعه نستعلیق استادانه‌ای دیدم که بمهارت و استادی تمام بریده و رویه آن را برنگهای گوناگون آرایش داده و رقم زده بود.

(قاطعها شیخ عبداله)

۵۴۴- عبداله بن محمد بن محمود الهمدانی

فرزند محمد بن محمود از اهالی همدان بود و در تذهیب و طلاکاری و کتابت خطوط متنوعه از قبیل محقق و ربیعان و ثلث و نسخ دست پرمهارت و قلم شیوا داشت .

از آثار ارزنده و پرپریرایه این هنرمند، کتابت و تذهیبش جزو زقرآن مجید است که جهت دارال خیرات رشیدیه همدان کتابت شده و حالیه در یکی از موزه‌های مصر بیا دگار می‌باشد .

این کلام اله که در نوع خود واجد مزایای می‌باشد، رقم دارد .

(کتابه وذهبه ممتثلاً" الامر المطاع الداعی عبدالله بن محمد بن محمود
الهمدانی فی شهر سنه ۷۱۳ بدار الخیرات الرشیدیہ بهمدان)

۵۴۵- عبدالله بن محمود

فرزند محمود بود و از نفاشان و طراحان و کاشی‌تراشان پرابتکارا و ایل قرن ۷ ه.ق. بشمار می‌آمد. از آثار رقم‌دار این هنرمند که بسالیان ۶۱۲ انجام یافته، کاشی‌های استادانه و پیرارزش حرم آستانه مبارک قدس رضوی در مشهد است که بدست این استاد طراحی شده و پایان پذیرفته است.

۵۴۶- عبدالله مذهب شیرازی

شیرازی و نقاش و مذهب نازک قلم و کم‌نظیرا و اواخر قرن ۱۰ ه.ق. است.
قاضی منشی در گلستان هنر تذهیب این استاد را ستوده و چنین نوشته است:
(در تذهیب و ترتیب سرلوح‌ها و شمشه‌ها پدید بیضا داشت، رنگ روغن را کسی بهتر از او کار نمی‌کرد. وی مدت بیست سال تمام در کتابخانه شاهزاده بهرام مقام سلطان ابراهیم میرزا خدمت نموده و از مخصومان و معتمدان آن شاهزاده عالمیان گردید. بعد از رحلت آن اعلیحضرت ترک ملازمت کرد و به مشهد مقدس رفته ساکن گردید و آخر فراش حرم محترم آن امام عالم‌وهادی تمامی امور و کافه بنی آدم شد و خدمت سرقبر شاهزاده مشارالیه مینمود.)

در عالم آرای عباسی نیز، یادی از این هنرمند کرده و چنین وصف کرده است:
(مولانا عبدالله شیرازی او نیز مذهب بود و در خدمت سلطان ابراهیم میرزا میبود. در قرب و منزلت از دیگران در پیش و از اقربان پیش بود. بعد از واقعه میرزا از جمله اصحاب کتابخانه اسماعیل میرزا گردید.)

۱- از آثار پرمایه این استاد، نسخه دیوان سلطان ابراهیم میرزا منخلص بجاهی است که جمال مشهدی خط آنرا نوشته و استاد عبدالله تذهیب آنرا بعهده داشته و چنین رقم‌نهاده.

(در مشهد مقدس انور بسعی و ملازم قدیمی نواب مغفرت پناه

سلطان ابراهیم میرزا مولانا عبدالله المذهب الشیرازی

صورت اتمام یافت فی شهر سنه ۹۸۹ کتبه کمال المشهدی

غفر ذنوبه)

دیگر از آثار رقم‌دار این هنرمند، دو اثر شیوا و پرمایه‌ای در گالری کل ناقسی لندن دیدم که هر دو تصویر در کمال نازک قلمی تصویر گشته و در نوع خود دلربا بود. یکی از آن آثار، تصویر شاهزاده با اعتباری بود که در آلاچیق مزین والوانی که پوشش پارچه‌ای آن با انواع نقوش طلاکاری، آراسته گشته بود، نشسته و به پذیرائی از

مهمانان اشتغال داشت .

خدمتکاران و نوازندگان بخدمت سرگرم بودند و وسایل عیش و نوش مهمانان را تهیه میدیدند. تصویر دیگری از این هنرمند که در صفحه مقابل آن جلب نظر میکرد. جمع مهمانان همان شاهزاده بودند که در محل مصفائی گردهم آمده به گشت و گذار و عیش و شادی اشتغال داشتند. در قسمت بالای تصویر، مردی بروی کوه سوار میزد و اسب وی در گوشه‌ای بچرا اشتغال داشت. ورقم نقاش بروی یکی از سنگ ریزه‌ها چنین بود. (عمل عبدالله مذهب)

هر دو تصویر در کمال شکوفائی و پراعتباری تذهیب و ترصیع گشته بودند و از بهترین نمونه شیوه خراسانی بشمار می‌آمدند.

۲- دیگر اثر رقم دار این هنرمند که شماره ۷۸ و در کتاب اسلامیک پینتینگ چاپ شده بود. تصویر مرد رهگذری بود که کلاه ساده سمدی بسر داشت و لباس و کفشهای بیسان شیوه دوران صفوی بتن کرده و عازم مقصدی بود و بخط ریز رقم داشت. (عمل عبدالله مذهب)

۵۴۷- عبدالله مذهب عثمانی

سید عبدالله مذهب چابک قلم قرن ۱۲ ه.ق. عثمانی بود و در هنر خود قلم بسیار شیرین داشت. از آثار ارزنده این هنرمند، جلد مذهب قرآنی است که بسال ۱۱۴۲ ه.ق. تذهیب شده و ورقم نقاش را دارا می‌باشد.

۵۴۸- عبدالله بن مصطفی

فرزند مصطفی و از مذهبان نازک قلم او اویل سنه ۱۲ ه.ق. عثمانی است. از این هنرمند تذهیب قرآنی دیدم که در کمال قدرت و جلالت، آرایش و تذهیب شده و رقم داشت (عبدالله بن مصطفی ۱۱۱۹)

۵۴۹- عبدالله مصور

بنوشته مناقب هنروران :

((اهل خراسان و از شاگردان شیخزاده مصور خراسانی شاکرد استاد بهزاد بوده است.))

۵۵۰- عبدالله مصور اصفهانی

زاده شهر اصفهان بود و در قلمدان سازی و آبرنگ دست داشت. این هنرمند در آبرنگ و روغن و تذهیب کاری نیز شیرین دست بوده و بر اوینی در حدود سال ۱۳۵۰ ه.ق. در اصفهان بدرود حیات گفته است.

از آثار وی دیده ام.

۱- تصویر مبارک حضرت علی علیه السلام را برنگ روغن و در اندازه ۵۰×۳۵ سانتی متر دیدم که تا حدی خوب تصویر کرده و رقم داشت.

(عبداله مصور ۱۳۳۰)

۲- دومین اثر روغنی وی قلمدان جعبه ایست که در مجموعه نگارنده قرار دارد. در رویه قلمدان و در داخل مدالیونهای متعدد، تماویری از عرفا و دراویش، از قبیل نورعلیشاه و میرمعصوم علیشاه و ملای رومی را بشیرین قلمی تصویر کرده و کنارها را با مناظر دریا و کوه و دشت و صحرا آرایش داده و رقم گذاشته است.

(رقم عبداله مصور)

۳- دیگر از آثار رنگ و روغنی این نقاش که در اندازه بزرگتر بود، منظره غدیر خم بود که پیغمبر (ص) روی چند جمازه شتر رفته و حضرت علی (ع) را به جماعت مومنین معرفی مینمود. رقم داشت. (کمترین عبداله مصور اصفهانی)

۵۵۱- عبداله نقاش

طراح نازک قلم نقوش پارچه در قرن ۱۱ ه.ق. بود.

از آثار رقم دار این هنرمند که در کتاب شاه عباس و هنر اصفهان ارائه شده، دو تصویر امضاء دار عبداله است که یکی از آنها، منسوجی با طرح زیبایی است که در شیوه اصفهان بافته شده و ورودیک مرد فرنگی را نشان میدهد.

در این اثر، نوازندگان ایرانی، ورود مرد خارجی را بشادی و هلهله پذیرا شده و استقبال گرمی از وی نموده اند.

تصویر دیگری که بتقارن اثر قبلی چاپ شده، نقش سوارکاری است که دشمن اسیر شده را بطناب کشیده و با خود میبرد. در زمینه پارچه، نقش حیواناتی از قبیل سگ و آهو و قوچ و مرغابی و روباه دیده میشود که بمهارت و نازک قلمی بافته شده و بیخط کوفی و بروی قاب کمان سوارکار، رقم گذاشته. (عبداله)

۵۵۲- عبداله نقاش سلطانی

نقاش والامقام و هنرمند پراعتبار او اواخر قرن ۱۰ ه.ق. و بغیر از عبداله مذهب بود. این هنرمند گویا در دربار پادشاهی قرب و منزلتی داشته که خود را سلطانی خوانده و در ذیل یکی از آثار بجای مانده اش بصراحت از این افتخاریا دکرده است. بیشترین آثار هنرمند، در سبک بخارائی و شیوه خراسانی انجام یافته و در بعضی موارد با خط شاه محمود نیشابوری نیز همراه بوده است. و این امر بحدس ضعیف مبین این نکته ممکن است باشد که استاد اهل خراسان یا بخارا بوده و در مشهد

مقدس نیز پادشاه محمود نیشابوری خطاط معروف انیس و جلیس بوده است .
آثار رقم دار هنرمند عبارت است از :

۱- تصویر دختر جوان و دلربائی بود که لباس آبی گلداری بتن کرده و دوزانودر محلی ایستاده بود . از روی کلاه مشکى اش که سبک خاصى داشت ، شاخه های بلند و افشان گلهاى متنوع ، جوانه زده و تمام تصویر را در میان گرفته بود .
حواشى اثر خط شاه محمود نیشابورى بود و در گوشه چپ رقم داشت .
(صوره عبدالله سلطانى)

۲- دیگر اثر ارزنده هنرمند که در توپ قا پوسرای قرار گرفته ، تصویر شاهزاده جوانى است که در باغى نشسته و با دو همراه مصاحبت مشغول باده نوشى است .
منظره پر طراوت صحرا و درختان سرسبز و گلدان روجوى روان و دلربائى کوهها و مناظر ابرها در زمینه لاجوردى تصویر ، جلوه دل انگیزی دارد .
شاهزاده جوان که دوزانوشسته ، لباس تیره اى پوشیده و عمامه سفیدی با کلاهک سرخ ، پرداز بر گذاشته و مشغول باده نوشى است .
دو نفر از خدمه مخصوص ، مشغول تهیه غذا و کباب کردن گوشتها میباشد . در چهار پایه اى که روی آن شیشه شراب دیده میشود ، مراحل اصولی پرسپکتیور عایت شده و تا حدودى صحیح نقاشى شده است . روی ظرف بزرگتر شراب رقم دارد . (صوره عبدالله)
در انتهای بالائی تصویر و حاشیه طلائی ، این بیت شعر دیده میشود .
ساقیامی ده که ابری خاست از خاور سفید

سرورا سرسبز شد صد برگ را چادر سفید

نقاش هنرمند ، مناظر ابرها را بمان متن شعر ، سفید رنگ ساخته است .

۳- دیگر آثار این نقاش که در کتابخانه گلستان تهران قرار گرفته ، تصویر معاشرت دو جوان خوش گذران است که روی دوشكى نشسته ، به راز و نیاز مشغول میباشد . حواشى این قطعه نیز با خط شاه محمود نیشابورى همراه بوده و رقم داشت .
(مشقه عبدالله)

۴- از آثار دیگر هنرمند که بسالین ۹۸۳ هـ . ق . و در شیوه بخارائى عمل آمده ، تصویر پیرمردى است که با زن زیبای چادر بسرى ، مشغول صحبت است .
در قسمت بالای تصویر ، منظره چشم نواز درختان و استواری کوهها جلب نظر میکنند و این بیت شعر دیده میشود .

خواهر من میرسد اینک ز پی به ز جو من صد سربیک موی وی

در کناره بیت شعر ، بخط ریز رقم زده . (عبدالله)

۵- دیگر آثار رقم دار این هنرمند که در مکتب خراسان انجام یافته ، تصویر دلداده عاشق پیشه اى است که در کنار هم ایستاده و بمعاشقه مشغول میباشد .

زن جوان لباسهای بلندی که رویه آن با اسلیمی های طلائی انباشته شده بتن کرده و نیم تاج جواهرنشانی بمرنهاده و سببی بدست گرفته است .
مرد جوان لباس ولباده نیمه بلندپوشیده و کلاه عمامه ای پره دار طوسی بمرنهاده و شادان ایستاده است . دریک مستطیل مذهب ، بهخط نستعلیق زیبا رقم دارد .
(صوره عبدالله)

دربالای تصویر اشعاری قید شده که چنین است :

ای قدتوسرو ناز پرور دلداده قامت صنوبر
گیرم که بسدره سرکشد سرو باقد تو کی شود برابری
نگرفته ببر نهال قدت از نخل امید کی خورم بر
از اشعار مدرجه ذیل تما ویر که بمناسبتی یاد شده ، معلوم میشود این هنرمند در شعر نیز دست داشته و در بعضی موارد ، در ذیل تما ویر قید میگردد است .

۵۵۳- عبدالله نقاش و فلز کار

طراح و رسام بروی فلزات و اهل قفقاز بود .
از آثار ارزنده و رقم دار این هنرمند ، سینی گران قیمتی دیدم که از طلا و نقره و عاج ساخته شده بود . از امضا ها تیکه در رویه و پشت سینی حک شده بود ، معلوم میداشت طراح و رسام آن عبدالله و سازنده آن استادی بنام محمد بوده است .
رویه بیرونی این سینی از نقوش هندسی و طرحهای اسلیمی و خطائی بهره گرفته و بطرز قریبندگی عمل آمده بود . در دایره وسطی رویه سینی ، دو حرف H و M که بهم نوشته شده و در بالای آن تاج سلطنتی انگلستان جلب نظر مینمود ، دیده میشد .
بطوریکه معلوم میگردد ، این سینی از طرف اهالی قرا باغ قفقاز ، جهت ملکه ویکتوریا ساخته شده ، ولی بعدها بنحوی وارد بازار گشته و بفروش رسیده است .
در جنب بالای دایره وسطی ، بهخط شکسته زیبا رقم داشت (عمل عبدالله) و در پشت سینی و در داخل کنده کاری استادانه ، بهخط نسخ درج شده بود . (صانعها محمد)

۵۵۴- عبدالله نقاش هندی

از هنرمندان زمان اکبر شاه هندی (۹۶۳ - ۱۰۱۴) بود و در جانور سازی و چهره بردازی و منظره آرائی دستی یکمال داشت .
از آثار این هنرمند که در کتاب با برنامم معروف بریتیش میوزیوم بیا دگار است ، تصویر پر مهارت حیوانات شکاری گوناگونی است که در محیطی محصور گرد آورده و برای شکار بابر شاه آماده کرده اند .
در حواشی و کناره های دیوار چوبی اردوگاه ، ما مورین مخصوص و خدمه شکارچی ،

مشغول کوچانیدن حیوانات بداخل حصار میباشند که برای شکار پادشاه مناسب باشد. رقم دارد. (عمل عبدالله)

۵۵۵- عبدالباقی الباکوئی

نقاش او اواخر قرن ۱۵ میلادی آذربایجان و اهل بادکوبه بوده که به عثمانی رفته و در آن دیار مکنی گزیده و بتمویر سازی پرداخته است. از آثار افاضادار این هنرمند که در آلبوم شماره H. 2160 موزه توپ قاپوسرای قرار گرفته تصویر مهتری است که اسب خورا تیمار میکند. حالت و شمایل اسب و همچنین صورت و قیافه مهتر، در کمال استادی عمل آمده و رقم دارد. (عبدالباقی الباکوئی)

دیگر آثار این هنرمند، تصویر پادشاهی است که روی میزشش کوشی در روی متکا نشسته و ریش و سیل معمولی دارد. صاحب دیگرش که قیافه مغولی داشته و سیل کمپشتی دارد، کلاه مخصوصی بسر گذاشته و روی چهارپایه ای نشسته و پیاله شراب را به شاه تعارف میکند. رقم دارد. (عبدالباقی الباکوئی)

عبدالباقی منجم باشی در زیرنویس آمده.

۵۵۶- عبدالجبار بن حاجی علی منشی استرآبادی

در عالم آرای عباسی راجع به عبدالجبار چنین مینویسد:

((مولانا عبدالجبار استرآبادی - تعلیق نویسنده است در اوایل حال کسب فنون نقاشی نموده در آن فن رتبه عالی داشت مشق خط نیز کرده کتابت نویسن خوب بود بسیار مرد رنگین و خوش صحبت بذله گوی شیرین زبان بود از اکا بروا عیان بصحبتش رغبت نموده فرصت کارش نمیدادند. مدتی بگیلان رفته در سلک ملازمان وندمای مجلس خان احمدوالی گیلان منسلک بود. بعد از شورش آن ملک و گرفتاری خان احمدبدار السلطنه قزوین آمده رحل اقامت انداخت. اگرچه کارخانه نقاشی

عبدالباقی منجم باشی - بعلت مهارت در علم اسطرلاب و علوم غریبه منجم باشی دوره محمدشاه قاجار بوده که در سال ۱۲۵۳ بلقب منجم باشی منصوب و تا آخر عمر در این سمت باقی مانده است. فرمان مذکور که در مجموعه نگارنده است در متن آن چنین نوشته: ((..... درباره مشارالیه منظور انظار مهراقتباس آمده در هذه السنه پیچی ثیل خسته دلیل و ما بعدها و اراکماکان منجم باشی دیسوان فدریشان فرمودیم..... لوازم و توقیر و اعزاز لازم دارند و در عهده شناسد ۱۲۵۳.

دایر ساخته بود اما اکثر اوقات خود را صرف مجلس امرا و اعیان نمود و خود بآن کار کمتر پرداختی خواهی نصیر پسرش که ما ننندید بلکه از پدر خلف یافته. نسبت استعداد نموده بود با شاگردان کار می نمودند و زیاده از دیگران با حسینی بیک یوز باشی که سر کرده، سلطان حیدریان بود مربوط و مختلط بود. بنا بر آن در زمان اسمعیل میرزا از خدمت کتابخانه مهجور گشته پسرش در سلک اصحاب کتابخانه منسلک گردید. در زمان نواب سکندرشان که خان احمد بحکومت گیلان نصب شد، مجدداً ملازمت او اختیار کرده بگیلان رفت و در آن ولایت بعالم آخرت پیوست.))

۵۵۷- عبدالجبار بن علی

فرزند علی و نقاش کتابی بنام (کتاب الحشایش) است که در صفر سال ۶۲۶ کتابت شده و تصویر گشته است. این کتاب که سه نقاشی و ۵۶۳ طراحی دارد، برای ملک ابوالفضل محمد که حکمران ایالات اناطولی - دمشق - دیار بکر - ارمان بوده، تصویر و کتابت شده است. نام نقاش با رقم (عمل عبدالجبار بن علی) و تاریخ ۶۲۶ در آخر کتاب دیده میشود. این کتاب بشماره (A.2127 (KARATARY, AY.111, NO.719) در یکی از موزه های ترکیه مصبوط میباشد.

۵۵۸- عبدالحسین

نقاش گمنام و قلمدان ساز شیرین رقم و اواخر قرن ۱۳ ه.ق. است. از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدانی دیدم که در چهار مدالیون رویه آن، تصاویر زن و مرد و طفل خرد سالی زیبایی عمل آمده و در زمینه و حواشی نیز گل و مرغهای استادانه و شکوفائی در شیوه عهد صفوی داشت. این اثر پسندیده که گویا از طرحهای محمد زمان مایه گرفته بود، در کمندهای اطراف و کناره های آن تذهیب مختصر داشت و رقم نقاش چنین بود. (رقم کمترین عبدالحمین ۱۲۷۱)

۵۵۹- عبدالحسین ثابت. میرزا

فرصت در کتاب خود در مورد این نقاش چنین مینویسد: ((میرزا عبدالحسین از مردان هنری است و پیشه اش صورت گری این شعرا و ابوت چون شیر خدا تورا است فریادرسی خوش باش و مکن ز حشر اندیشه بسی البته بورطه هلاکش نه نهند آنکس که بود با عث ایجاد کمی))

۱۶۰۰- عبدالحسین صنیع همایون

میرزا عبدالحسین که بلقب صنیع همایون معروف و مشهور گردیده، از جمله نقاشان اواسط قرن ۱۴هـ.ق. است که در صورت سازی و چهره پردازی نازک قلم و در گل و مرغ و منظره پردازی، پراعتبار و در تذهیب و آبرنگ دست پر تلاوتی داشته است. پدرش مرحوم آقا محمد کاظم، فرزند نقاش نامدار نجفعلی نقاشی بوده که اجداد وی سالیان متمادی در عرصه هنری ایران خوش درخشیده و از شهرت و مقام والاتری برخوردار بوده اند. عبدالحسین جوان نیز، با ذوق خانوادگی و خدادادی در این کانون هنری مشغول هنراندوزی و کسب تجربه گشته، بمرور زمان، در زمره نقاشان صاحب اعتبار و شیرین قلم جا گرفته است.

در ابتدای کار، از پدر هنرمندش فیض ها برده و بمرور که در بین مردم موقعیتی بدست میآورد و در خدمت هنرمندان نامی، از قبیل میرزا آقا امامی و محمد باقر سمیرمی و سایر استادان که اغلب از خویشان و یاران نزدیک خانواده او بوده و شیوه و مکاتیب گوناگونی داشتند، مشغول فیض اندوزی گشته و بر موز و دقایق هنر تصویر سازی آشنا میگردد.

صنیع همایون نقاش پرکار بود و اغلب قلمدان و قاب آینه و جلد کتاب میساخت. از آثار تقریباً "زیادی که از این هنرمند دیده ام، عمده آثار پر تلاوت وی، تصاویر زیبا رویان فرنگی است که در کمال قدرت و تلاوت بروی قلمدان ظاهر ساخته و مبین استادان و مهارت نقاش در امر تصویر سازی میباشد.

استاد عبدالحسین، بغیر از چهره سازی در پرنده سازی و منظره پردازی و تذهیب پر پرایه نیز صاحب مکتب بود و آنرا بسیار شیوا و شاداب میکشید.

سال در یافت لقب صنیع همایونی، نقاش نامعلوم بوده ولی آنچه از قرآئن و تاریخ آثار بجای مانده اش آشکار میگردد، موبداین نکته است که در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار در یافت این لقب مفتخر گشته و بعد از آن خود را عبدالحسین صنیع همایون نامیده است.

از زندگی و احوال بیشتر این هنرمند، اطلاع دقیقی بدست نداریم و فقط این نکته را میدانیم که این هنرمند در سال ۱۲۷۶هـ.ق. در اصفهان پایه عرصه وجود نهاده و پس از مدت ها فعالیت هنری بمال ۱۳۴۰هـ.ق. و در شصت و چهار سالگی دعوت حق را لبیک گفته و بعالم بقاشا فته است.

از آثار فراوان وی چند نمونه از زنده را ارائه داده و از ذکر جمله آثار هنرمند که در موزه ها و مجموعه های خصوصی قرار گرفته اند خودداری مینمائیم.

۱- قلمدان تابوتی بزرگی بود که در داخل مدالیون رویه اش، زن طنناز و دل انگیزی

دراز کشیده و بمتکائی تکیه داده بود. خدمه جوان دیگری، در مقابل زن نشست و آماده خدمتگزاری بود. در دو مدالیون کناره وسط نیز دو دختر جذاب و دلکش به طنازی تمام نقش شده و رویه قلمدان را زیبافزا کرده بود.

در دو دماغه قلمدان تصاویری از شیرشزه را اشته شده بود که در حالت گرفت و گیر دیده میشدند. در کنار ه قلمدان و در داخل هشت مدالیون بزرگ و کوچک نیز تصاویری از زنان زیبا و مناظر دریا و کوه و ساختمان و تصویر چند غزال به شیرین قلمی استادانه نقش بسته بود و بخط طلائی زیبا رقم داشت.

(عبدالحسین صنیع همایون ۱۳۳۸)

۲- دیگر از آثار ارزنده صنیع همایون که در حراج ساتبی سال ۱۹۷۶ بفروش رسید و عکس آن بشماره ۶۵ در آخر کتاب چاپ شده، تصاویر دختران دلربائی بود که نیمه عربیان و در آرایش زنان فرنگی بروی قلمدان تصویر شده و در کمال چشم‌نوازی و استادی بود.

در زمینه‌ها اثر، منظره سرسبز درختان بهر طراوت و کوهسارهای فرح‌افزا و از جمله تصویر چند مرغابی در پائین قلمدان دیده میشدند که بشنا و جست و خیز اشتغال داشتند و رقم‌نقاش در رویه قلمدان چنین بود.

(عبدالحسین صنیع همایون ۱۳۲۲)

۳- دیگر اثر پر جلالت این هنرمند قلمدان استادانه‌ای بود که در مدالیون‌های مختلف رویه قلمدان، تصاویر دلربای زنان و دختران مه‌پیکر، جلب نظر مینمود.

در حواشی قلمدان و در داخل مدالیون‌های گوناگون نیز گل و مرغ‌های شیوا و نقش چند طوطی رنگارنگ و چهار دوشیزه زیبا نقش گشته بود که مهارت نقاش را برملا میساخت و رقم داشت. (عبدالحسین صنیع همایون ۱۳۲۹)

دیگر از آثار ارزنده و پر جلالت این هنرمند، تصاویر پر مهرتیی بود که در روی قلمدانها و جعبه‌های کوچک و جلد کتاب و اوراق آس با ارقام (عبدالحسین - صنیع همایون و عبدالحسین صنیع همایون) و در سنوات بین ۱۳۲۳ الی ۱۳۲۹ ه.ق. تصویر شده و درآموزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی جلوه‌گر بودند که بعلت کثرت و یکنواختی آثار از درج آنها خودداری میکنیم. ولی تنها اثر رنگ و روغنی رقم دار نقاش که شاید کپی خوبی از تابلوهای چهل ستون باشد، مجلس پذیرائی شاه طهما سب از همایون، پادشاه هند است که باندازه بزرگتر عمل آمده و رقم داشت.

(عمل کمترین صنیع همایون)

۵۶۱- عبدالحمید مذهب شیرازی

اهل شیراز و از مذهبان نادره‌کارا و اواخر صفوی بود که در تشعیر و تذهیب سرسوه‌های

قرآن وحل کاری جلدهای سوخته دست پر قدرت داشته است .

۵۶۲- عبدالحمید ملک الکلامی

خطاط با ابتکار و شیرین دست عصر حاضر و فرزند میرزا مجدالدین ملک الکلام کردستانی است که بسال ۱۳۰۲ ه.ق. در سنندج چشم جهان گشوده است . این هنرمند علاوه بر هنر خط، آب رنگ را خوب میساخت و از نقاری و حکاکی بهره وافر داشت و بعضی سرسکه های ضرابخانه دولتی زمان خود را اوتیه مینمود . استاد عبدالحمید، خطوط طفرائی را بسیار زیبا مینوشت و در ساختن مرکب و آهار و مهره کردن کاغذ دست استادانه داشت . این هنرمند بسال مهرماه ۱۳۲۸ شمسی وفات یافته و در تهران مدفون گشته است .

۵۶۳- عبدالحمید نقاش عثمانی

نقاش روغنی (ادرنه کاری) عثمانی، دوران سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰ م) بود و نامش جزو هنرمندان درباری و در سند معروف (سرنام سیزده دپتتری) که تفصیل آنرا در احوال شاه قولی آورده ام، ثبت شده و سازنده یک طبق کوچک و یک طبق بزرگ منقش، برای دربار سلطنتی بوده است .

۵۶۴- عبدالحی استرآبادی

نقاش پراعتبار و اواخر قرن ۸ و اوایل قرن ۹ ه.ق. اهل استرآباد بود که در بغداد نشو و نما کرده و با مرا میر تیمور گورکانی (۸۰۷ - ۷۷۱) و حدود سنوات ۷۹۵ ه.ق. بعد از فتح بغداد دبسمرقند آمده و به خواجه عبدالحی هروی معروف و شهره گشته است . این هنرمند در فن خود کم قرینه و صاحب کمال بود و بیعت اقامت طولانی خود در شهر بغداد به عبدالحی بغدادی شهرت یافته است . از استادان اولیه وی، خواجه تاج الدین سلیمانی و استاد شمس الدین از همه معروفتر هستند که خود از شاگردان مبرز استاد احمد موسی بشمار میآیند . صاحب مناقب هنروران، عبدالحی را در خط و نقاشی یگانه عالم دانسته و شاگرد محمد سیمی نیشابوری یاد کرده است .

در تاریخ رشیدی احوال هنرمند را چنین نگاشته :

((در قدیم الایام در سلسله خواقین هلاکوی که پادشاهان عراق اندخواجه عبدالحی بوده است . اعتقاد اهل این مناعت آنست که وی ولی بوده است ، در آخر توبه کرده هر جا که از کار خود می یافته است میشته و میسوخته ، از آن جهت کارهای وی بغایت کمیاب است و در صفای قلم و نازکی و محکمی کلک درهمه اوصاف تصویر مثل وی پیدا نشده است .))

دوست محمد هروی احوال هنرمند را کا ملترا ز همه بیان کرده و ما آن مطالب را از روی صفحه ۱۳ دیباچه دوست محمد هروی (۱) که اول سنبله سال ۱۳۴۹ در کابل چاپ شده عیناً "نقل مینمائیم .

((..... چون سلطان اویس بجوار رحمت ایزدی پیوست ، استاد شمس الدین ، طریق ملازمت کسی دیگر از پیش نگرفت و شاگردا و که خواجه عبدالحی بود ، بضریحات معیشت او تردد مینمود و استاد مشارالیه در منزل خود بسر میبرد و علی الدوام سه لوازم عشرت و فراغت مشغولی مینمود و همت به تربیت خواجه عبدالحی میگماشت . چنانچه خواجه مشارالیه در زمان پادشاه جمجاه فضیلت پناه سلطان احمد بغدادکی چهره جمالش به تربیت ارباب فضل و کمال آراسته بود ، قلم تفرد و یگانگی برداشته سلطان احمد را تعلیم تصویر کرد . (سلطان احمد بغدادی ۸۱۳ - ۸۷۴)

چنانچه سلطان مشارالیه در ابوسعیدنا مه یک موضع به قلم سیاهی ساخته ، چون رایات ملک ستانی امیر تیمور گورکان پرتو خلافت به تسخیر ممالک بغداد انداخت و آن دارالسلام را روزی چند به قدوم سعی و اهتمام مستقر سریر خلافت ساخت . خواجه عبدالحی راهمراه عساکر گردون مآثر بیدار را المطنه سمرقند آورد و در آنجا استاد مشارالیه وفات نمود . بعد از فوت خواجه همه استادان تتبع کارهای ایشان کردند .

..... دیگر از شاگردان سرآمد خواجه عبدالحی پیر احمد باغ شمالی است که در زمان خود نادری بود و کس دیگر در این شیوه بروی تفوقی نمیتوانست نمود .))

بعد از فتح بغداد ، امیر تیمور کورگانی ، بعضی از هنرمندان طراز اول شهر را که در کار خود تبحر داشتند از جمله نقاشان و مذهبیان و خطاطان را در معیت عبدالحی بسمرقند آورده و در کتاخانه سلطنتی بکارگماشت .

بدین ترتیب آشکارا است که خواجه عبدالحی استرآبادی پایه گذار سبک تیموری در سمرقند است ، که بهمراه استادان تصویر سازی دیگر ، مکتب ثانی بغداد را به سمرقند آورده و سپس بهرات برده و بوسیله سلطان ابراهیم میرزا شاهرخی بشیراز برگشته و در آن دیار توسعه یافته است .

از استادان بعدی وی که شاید از شاگردان وی نیز محسوب میگشته اند ، محمد بن

۱- این کتاب که بنام (ذکر برخی از خوشنویسان و هنرمندان) و تعلیقات مرحوم فکری سلجوقی بر دیباچه دوست محمد هروی نام دارد ، نشر کرده انجمن تاریخ و ادب افغانستان است که تاریخ اول سنبله ۱۳۴۹ در مطبعه دولتی کابل از روی نسخه جابی دیگری که سال ۱۹۳۶ بوسیله آقای محمد عبداله چغتائی قبلا "در لاهور طبع شده بود تجدید چاپ شده و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است .

محمود خیامی است که در ذیل یکی از آثار بجا مانده اش چنین نوشته است .
(نقل از قلم استاد عبدالحی نقاش)

از آثار رقم دار این اسناد تا کنون معرفی نشده ولی از آثار منسوب وی که بشیوه مکتب ثانی بغدادی یا هراتی کشیده شده ، به تعداد خیلی کمی در دست است که قدرت قلم و مکتب هنری استاد را ظاهراً هر میمیزد .

در بین این آثار منسوبه میشود از نسخه دیوان مصور خواجه کرمانی که بسال ۷۹۹ ه.ق. انجام یافته و یا از ماویردیوان سلطان احمد که در سنوات ۸۰۸ ه.ق. اتمام پذیرفته ، نام برد که بهترین نمونه شیوه هنری استاد محسوب میگرددند . دیگر از آثار منسوب وی که به حدس ضعیف از کارهای استاد عبدالحی بشمار میآیند ، چند تصویر از زنده است ، که یکی از آنها را با ستاد نوشته ای که به خط زیبای نستعلیق در بالای تصویر دارد (از جمله کارهای خواجه عبدالحی است) از کارهای عبدالحی دانسته و در شیوه ثانی بغدادی استاد ، بحساب آورده ایم .

در این تصویر جوانی در اطاق خوابیده و فرشته زیبائی از در وارد شده است . در زمینه صفحه ، منظره باغ و معجز چوبی جلب نظر میکند . هشت ملائکه زیبا بسان پرندگان تیز پرواز در هوا پرواز میکنند . زمینه آبی نقاشی فوق العاده بوده و این ابیات در متن تصویر دیده میشود .

در صفر سن و زمان صبا	بود در آینه و قتم صفا
دیدم از این پنجره تاینک	کرده فلک روی با یوان خاک
آمده چون بدر منیرم پیام	سوی من آورد حضرت پیام

منظره داخل خانه و فضای بیرون استادانه است . و در بالای نقاشی به خط نستعلیق زیبا نوشته شده : (از جمله کارهای خواجه عبدالحی است)
دیگر از آثار که تا اندازه ای شیوه و سلیقه نقاش را بیان میسازد ، آثاری است که توسط محمد بن محمود الخیام که شاید از شاگردان استاد نیز بوده باشد ترسیم شده و در خور دقت میباشد . یکی از آنها ، تصویر مرغابی در حال شناست که در کمال زیبایی بوده و رقم دارد .

(نقل از قلم استاد عبدالحی نقاش محمد بن محمود الخیام)

دومین اثر نقاش که از روی آثار استاد عبدالحی نقاشی کرده ، منازعه دوسوارکار رزمی است که خود و اسبان تنومندش زره پوشیده و جنگ و گریز مشغول میباشد . قباچه سوارکاران و آرایش و تزئین اسبها ، بسان تما ویرچینی است که استاد محمد سیاه قلم نیز به تحقیق از این شیوه ها اقتباس کرده و مکتب مخصوص خود را ارائه کرده است . این اثر هرما به و تقلیدی که بی شک قدرت قلم استاد عبدالحی را نیز نمایان میسازد رقم دارد . (نقل از قلم استاد عبدالحی نقاش محمد بن محمود الخیام)

۵۶۵- عبدالخالق نقاش

نگارگر خوش قلم دربار سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰ م) عثمانی بود که در سند معروف (سرنام سیزده دفتری) که تفصیل آن را در احوال شاه قولی نقاش ارائه داده ام، نامی از این نقاش یاد شده و اجراکننده یک دوات منقش و یک یلپازه (بادبزن) خوش نقش و نگار، برای دربار سلطنتی بوده است.

۵۶۶- عبدالرحمن مجدول

جدول کش نازک قلم و نقاش زیبا نگار دربار سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰ م) عثمانی بود که نامش در سند معروف (سرنام سیزده دفتری) که تفصیل آن سند را در احوال شاه قولی آورده ام، قیدگشته و سازنده آثار هنری پر تلاوتی بوده که در روز عید بحضور شاه عثمانی هدیه شده و مبلغ دوهزار آچه انعام دریافت داشته است.

۵۶۷- عبدالرحمن مجلد

مجلدپرا اعتبار و تصویرگر نامی دوره ایلخانی (۷۵۰ - ۶۵۴ ه.ق.) است. از آثار او مضافاً به این هنرمند که نشانه هنر متعالی این مجلد بود، جلدی با ترنجهای زیبا و ستاره چهارپر بود که در میان گوشه های آن، نیم هلالی های زیبا دیده میشود. در بالا و پایین جلد، نیم ترنجهایی بصورت آویز نقش بسته ورقم عبدالرحمن را داشت.

۵۶۸- عبدالرحمن بن محمود دامغانی

اهل دامغان و فرزند محمد نامی بوده و از تذهیب کاران و مذهبیان بی قرینسه قرن ۵ ه.ق. بشمار میآید است.

۵۶۹- عبدالرحمن مذهب

بنوشته مستقیم زاده در تذهیب و آرایش تصویر و صنعت جلدسازی دست داشته و از شاگردان صالح چلبی بشمار میرفته و بسال ۱۰۹۸ ه.ق. وفات یافته است.

۵۷۰- عبدالرحمن مذهب شیرازی

اهل شیراز بود و از مذهبیان نادره کارونازک قلم و اواخر قرن ۸ ه.ق. بشمار میآید این هنرمند بفراتذهیب، در صنعت خط نیز دست داشت و در ثلث و نسخ شیرین قلم بود.

۵۷۱- عبدالرزاق اصفهانی

اصفهان و از نقاشان اواسط قرن ۱۳ ه.ق. است.

ابن هنرمند آبرنگ را شیوا میماخت و در ارائه چهره و شبیه پردازی شیرین قلم بود. بفریز آبرنگ، در کارهای روغنی و فن تذهیب نیز دست داشت و خط نستعلیق را نیکو مینوشت. در اثر نسبتاً "زیبائی که از این هنرمند دیده‌ام، خود را مخترع نوظهور خوانده‌ولی اختراع خود را نشان نداده و چیزی درباره‌اش ننوخته است.

این اثر که انداختن ابراهیم در آتش بود، از طرز کهنگی رنگها چنین بر می‌آید که در زمان محمد شاه قاجار ترتیب یافته و رقم گذاشته است.

(حاجی عبدالرزاق مخترع نوظهور)

دومین اثر دلربای این نقاش را که از نزدیک دیدم و تصویر آن نیز در کاتالوک گالری گل ناگی لندن دیده میشود، تصویر حمام زنانه‌ای است که حدود سی نفر زن و بچه و خدمه گرمابه در حمام پشت و شو سرگرم هستند.

جماعتی از این عده داخل خزینه و گروهی داخل حوض و افرادی مشغول کیسه‌کشی هستند. در این اثر دلغریب که ابتکار تازه‌ای، در ارائه نقوش بکا رفته، وضع داخلی حمامهای قدیم و شیوه استحمام و وسایل تنظیف و لوازم را در نهایت دقت و وضوح ظاهر ساخته است. ستونها و طاقهای مقوس جناقی که در بالای شاه نشین حمام تصویر شده، بسیار استادانه است. نقوش تزئینی دیوارها و طاق نماها بسیار موزون دیده میشود. حواشی تصویر که بدست نقاش تذهیب شده و همچنین خطوطی که نقاش نوشته، در کمال مهارت است. رقم نقاش بین تما و بردیواره‌ها و داخل ترنجها چنین است.

(فی سنه ۱۲۶۶ فی یوم چهارشنبه دهم شهر صفر المظفر عبدالرزاق)

اشعاری که در کناره تصویر دیده میشود عبارت است از:

حناست بزلف دل‌بند هشته‌ای	یا خون عاشقیست که در بند کشته‌ای
حناست بر کف پای مبارکت	یا خون عاشقیست که پا مال کرده‌ای
اگر سر وی ببالای تو باشد	نه چون قد دلارای تو باشد
اگر خورشید در مجلس نشیند	نه پندارم که همتای تو باشد
دو عالم را بیک بار از دل تنگ	برون کردیم تا جای تو باشد
بصورت آفرین اینم گمان است	که پنهان در تماشای تو باشد
سرو قدی میان انجمنی	به که هفتاد سرو در چمنی
ایکه هرگز ندیده‌ای به کمال	جز در آئینه مثل خویشتنی

دیگر اثر هنرمند جلد روغنی ارزنده‌ای است که در اندازه ۲۳×۴۴ سانتیمتر میباشد. در رویه دو طرف این جلد، مناظر رقص و شادمانی، در حضور شاه عباس و خلیفه سلطان سفیر هند و دیگری بهمان عیار بهزم شاهانه شاه عباس با عبدالمحمدخان ازبک است که از روی پرده‌های بزمی بزرگ کاخ چهل ستون اصفهان، آرایش کرده و بیه تردستی از عهده برآمده است.

در این تابلو، شاه با عظمت صفوی، با مهمان عالیقدرش، نشسته و جماعت سرداران و وزراء و شاهزادگان و مهمانان در مقابل نشسته و رامشگران مشغول طرب بوده و رقاصان در وسط مجلس به پایکوبی اشتغال دارند. وضع و قیافه حاضران و البسه رنگین آنها، چشم نواز و استادانه است.

داخل جلد که در زمینه تیره و تذهیب شعیری و ترنجهای و نیم ترنجهای گل سرخ، آرایش یافته شیرین است، و در بین کتیبه‌های کوچک رقم دارد.
(عمل حاجی عبدالرزاق اصفهانی ۱۲۷۶)

این اثر زیبا را به همراه جلد‌های گوناگونی که در ژانویه سال ۱۹۸۴ و در موزه ویکتوریا آلبرت لندن بنمایش بود، دیدار کرده که عکسهای آن نیز بشماره‌های ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ بعکس رنگی در کاتالوگ موزه چاپ شده است.

۵۷۲- عبدالرزاق - خواجه

سید احمد آهوجشم، در دیباچه مرقع امیر غیب بیک که در زمان شاه طهماسب اول ترتیب یافته و حالیه در کتابخانه خزینه اوقاف اسلامبول مضبوط است، اثر زیبایی از نقاشی بنام خواجه عبدالرزاق دیده و در دیباچه مزبور نام این هنرمند را جزو نقاشان زیبانگار قرن ۱۰هـ.ق. یاد کرده است.

۵۷۳- عبدالرزاق نیشابوری

اهل نیشابور بود و در طلا و نقره کوبی، بروی فلزات سخت، از هنرمندان معروف قرن ۸هـ.ق. بشمار می‌آمد.

۵۷۴- عبدالرحیم کشمیری

کشمیری و مذهب و نقاش او اواسط قرن ۱۳هـ.ق. بود و در تذهیب و ترصیع کتابها و تزیین سرلوحها دست پر قدرت داشت.

از آثار ارزنده و رقم دار این هنرمند، تذهیب و آرایش کتاب خمسه نظامی مضبوط در کتابخانه گلستان ایران است که در وسط شمشه آخر رقم دارد.

هو الفتاح (کتاب خمسه تصنیف نظامی مذهب شد بفضل حق تعالی)
(زدست آنکه نام عبدالرحیم است بود کشمیری و آنجا مقیم است)
در سنه ۱۲۵۵ با تمام رسید.

۵۷۵- عبدالرحیم طراح

طراح معروف کتابخانه دربار بایسنقر میرزا (۸۰۲ - ۸۳۷ هـ.ق.) بود و در طرح تصویر و آرایش کتابها دست پر قدرت داشت.

در عرضه داشت معروف جعفریاسنقری که تفصیل آن، در صفحه ۸۹ این کتاب یاد شده، نام این هنرمند نیز جزو طراحان عالی مقام یاد شده و چنین نوشته است :

((خواجه عبدالرحیم بطروح مجلدیان و مذهبیان و خیمه دوزان و کاشی نراشان مشغول است))

۵۷۶- عبدالرحیم نقاشباشی اصفهانی

اهل اصفهان و نقاش خوش ابتکار و چابک قلم قلمدان بشمار میرفت و در مینا - سازی و پخت آن نیز صاحب ذوق بود .

متأسفانه از احوال این هنرمند نیز بسیار هنرمندان دیگر در اسناد و نوشته های قدیمی چیزی نیافتیم، فقط در یک جنگ خطی قاچاری که در مجموعه دارم، در یکی از صفحات آن باختما را از این نقاش یاد کرده و چنین نوشته است .

(میرزا عبدالرحیم نقاشباشی قورخانه است)

چون تاریخ کتابت جنگ مزبور سال ۱۳۰۷ ه.ق. بود، معلوم می‌داشت این هنرمند در بدایت حال معلم نقاشی قورخانه بوده و لقب نقاشباشی داشته و در همین سنوات در قید حیات بوده است از آثار دلربا و ارزنده این هنرمند که در حراج ساتبی سال ۱۹۷۶ لندن بفروش رسید، قلمدان تابوتی شیرین و خوش ابتکاری بود که ستودن داشت .

در این اثر پر پیرایه که مجلس عقد و بله بران عروسی بود، عروس خانم نیم تاج مرصعی بسر گذاشته و خود را در شیوه قاچاری آرایش داده و چهار زانو به روی دوشک نشسته بود . در کنار عروس، خویشاوندان و ندیمه ها و دوستان واقربا و مطربهای زنانه قرار گرفته و همه با انتظار خطبه عقد در تک و پوبودند . در طرف راست اطاق عروس که با پرده سرخ رنگی از هم جدا گشته بود، مجلس مردان نه دیده میشد که عاقد پیر مشغول خواندن خطبه عقد بود و حضار وفامیل در انتظار بله گفتن عروس لحظه شماری میکردند، روی هم رفته صحنه عروسی با ابتکار و رنگ آمیزی استادانهای نقاشی شده بود و رقم داشت .

(عبدالرحیم اصفهانی ۱۳۳۲) تصویر شماره ۶۳

از آثار مینائی این استاد که در مجموعه آقای کرمل القانین قرار دارد، سرقلیان مینائی طلائی است که در زمینه گل و مرغ استادانهای عمل آمده و تصاویر زن و مرد جوانی را بشیوای تمام، در داخل مدالیون ها نقش کرده و رقم نهاده .

(رقم عبدالرحیم)

۵۷۷ - عبدالسلیم

نقاش قرن ۱۷ مغولی بود و جزو نقاشان صاحب اعتبار کتاب معروف انوار سهیلی که شرح آنرا در احوال (آننت) یاد کرده ام، بشمار میآید.

تصویر شماره ۳۲ کتاب که رقم عبدالسلیم را در برداشت، به چابکدستی تمام تصویر شده و معرف مهارت استاد، در شیوه مغولی بود. در این اثر زیبا، سوارکار جوانی که پوست پلنگی را رانیده و به همراه می آورد، اسبش زمین خورده و گردن وی آسیب دیده بود. مناظر کوه سنگی و دودرخت کوچک سرسبز که در بالای کوه دیده میشوند، آستانه بود. سنگ ریزه های درشت و ریز، در منظره پیشا پیش نقاشی جلب نظر میکردند و بخط سرخ رقم داشت. (عبدالسلیم)

۲- دومین اثر رقم داری که از این هنرمند دیده ام، تصویر جوان برآزنده و شادابی بود که کنار هم ایستاده و به هم دیگر گل تعارف میکردند. در پشت دیوار، منظره درختان سرسبز و پرطراوتی جلب توجه میکرد که در سائی هر چه تمامتر ارائه گشته و رقم داشت. (صوره عبدالسلیم)

۵۷۸ - عبدالشکور

نقاش گل و بوته ساز و آخر صفوی است.

از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر گل و بوته زیبا و پر حالتی در کتابخانه گلستان ایران مضبوط میباشد که رقم دارد. (عمل عبدالشکور)

۵۷۹ - عبدالشکور هندی

همزمان منوهر بود و در نگارگری و طراحی و رنگ آمیزی، از تصویرگران با ذوق مغولی هند بشمار میآید و در قرن ۱۰ ه.ق. در آن دیار بخلق آثار زیبا اشتغال داشت.

۵۸۰ - عبدالصمد مشهدی

اهل مشهد و از هنرمندان اوایل قرن ۱۰ ه.ق. و معاصر سلطانعلی خطاط بود. بنوشته مجالس النقایس:

((ملا عبدالصمد از مشهد مقدسه رضویه است. افشا نگر بخوبی او تا بنای این کار است، پیداننده اول کتابت میکرد و بعد ترک کرده و روی به افشانگری و سیاهی سازی و رنگ کاری آورد و در آن باب اشتهار تمام یافت و اختراعات کرد.))

۵۸۱ - عبدالصمد مصور شیرازی - شیرین قلم

مصورگرانقدر و نقاش شیرازی الاصل مفیم تبریز بود که در رشته های گوناگون هنر تصویر سازی، دستی پر مایه و قدرتی چشم نواز داشت.

استاد در ابتدای جوانی مکتب هنراندوزی را، زیر نظر استادان شیرازی فراگرفت و رفته رفته بمدارج عالی هنری نزدیک تر گردید.

بهراندازه که در کارهای هنری جلوتر میرفت، شوق باطنی و عطش نوجوانی در وی نزع میگرفت و هنرمند جوان را به تلاش بیشتری تحریص مینمود. سرانجام تلاشها، ترک دیار اجدادی بود که بدنبال این اندیشه شیراز را ترک کرده به مجمع هنرمندان تبریزی پیوست.

بطوریکه میدانیم در آن زمانها شهر تبریز مکتب پرآوازه‌ای بود که به سرپرستی استاد بهزاد و جمع هنرمندان دیگر، کانون طراز اولی بشمار میرفت که استادان نامدار رشته‌های گوناگون را در اختیار داشت. در تبریز عبدالصمد، مقام منزلت خود را با زیافت و بهین هنرمندان آن دستگاه، مقامی در خود تمجید پیدا نمود. تا جائیکه با میرسیدعلی از جنبه دوستی و همکاری تجا و زکریا در مرحله اخوت و برادری رسید و این مریدی و مرادی تا مراحل آخر عمر تداوم داشت و روز بروز شدت و قوام بیشتری نیز بدست می‌آورد. در این موقع همایون پادشاه هندی (۹۶۳ - ۹۴۷) یعنی در سال ۹۵۱ ه.ق. جهت سیاحت و دیدار شاه طهماسب وارد ایران شده و مشغول گردش بود. او علاقه داشت دربار خود را بهمان دربار با عظمت صفوی رونق بخشد و محفل هنرمندان سازد. و روی این اصل از میان به تبریز آمده و در جمع هنرمندان با آنها دیدار کرد و از جمله افرادی که مورد علاقه و محبت وی واقع گردید، بنوشته اکبرنامه: ((نقاش نادره کار سحر آفرین خواجه عبدالصمد شیرین قلم نیز در این مدینه فاضله به ملازمت استماع ریافت.))

عبدالصمد بود که پادشاه هندی او را رسماً به هند دعوت کرده و مزده ترقی و تعالی را به این هنرمند نوید داد. پس از پایان سفر همایون و دیدار خدا حافظی که در شهر میانه انجام یافت. از شاه طهماسب تقاضا نمود که عده‌ای از مشاهیر هنرنقاشی را جهت اشاعه هنر و تعلیم هنرمندان هندی، بآن دیار رخصت سفر بدهد و اگر ممکن است این امر را جنبه فوری داده و در معیت خود همایون پادشاه انجام یابد. شاه صفوی در عین حالیکه ما خود بحیاگشته و قول انجام این سفر را داد ولی به میرسیدعلی و عبدالصمد اجازه این سفر را صراحتاً "ما در ننمود. بدین ترتیب سفر هنرمندان تا سال ۹۵۵ ه.ق. تا فرجام مانده و بمرحله عمل نرسید. از طرفی چون استادان مزبور علاقه و محبت زاید الوصف همایون پادشاه هندی را میدانسته و حتم داشتند در دربار سلاطین مغول هندی بمقامات عالی‌نایل شده و از احترام شایسته‌ای نیز برخوردار خواهند بود. روی این تصمیم راهی افغانستان شدند تا خود را بدربار همایون پادشاه نزدیک تر سازند.

بدنبال این آرزو، در تابستان سال ۹۵۵ ه.ق. استاد عبدالصمد و استاد میرسید

علی و جمعی از هنرمندان مکتب تبریزی، بدون اجازه و رخصت شاهانه انواع مرارتها خود را بقندها رساندند. متاسفانه گرفتاری همایون پادشاه و جنگی که با دشمنان خود داشت، شرفیابی هنرمندان ایرانی میسر نگشته و بلا تکلیف در قندها باقی ماندند. تا عاقبت بسال ۹۵۶ که همایون پادشاه فراغتی حاصل نمود، آنان را به کابل دعوت کرده و بحضور پذیرفت.

در این شرفیابی همایون شاه، مقدم آنان را گرامی داشته و دستور داده، کارگاههای مجهز و کاغذ ملی در اختیار آنان قرار داده و در سمت ریاست و سرپرستی بر نقاشان هندی، بخدمت مشغول باشند. بدین ترتیب مکتب معروف هند و ایرانی پایه‌گذاری گردید و بعد از ۵ سال بداخل هندوستان راه یافت. در هندوستان همایون پادشاه، کتابخانه‌ای در محوطه قلعه کهنه دهلی دایر نمود که جمع سحرآفرینان ایرانی و زبده نگاران هندی، در معیت یکدیگر بخلق آثار بی همتا، مشغول گشتند.

همایون اغلب از این کتابخانه با زدید می نمود و وسایل تشویق هنرمندان را فراهم میساخت. او عبدالصمد را بسان فرزند خود می پنداشت و وسایل راحتی و تجلی مقام وی را همیشه در مدنظر داشت. لقب شیرین قلمی را در کابل با او عطا کرده بود، کما اینکه جهانگیر این امر را در توژک خود یاد کرده و در احوال شریف خان پسر استاد عبدالصمد چنین نوشته است:

((. پدرا و خواجه عبدالصمد که در فن تصویر بی بدل زمان خود بود و از حضرت جنت آشنایی خطاب شیرین قلمی یافته در مجلس همایون ایشان رتبه مجالست و محاببت داشت.))

بدین ترتیب معلوم می‌گردد، این هنرمند، بسان وزراء و شاهزادگان درباری در مجلس پادشاهی نیز محاببت و محاببت نیز با همایون پادشاه داشته است. پس از مرگ اتفاقی همایون که نقاش هنرمند را نیز آزرده خاطر ساخت، جلال الدین اکبر بسالیان (۱۰۴۰ - ۹۶۳) جانشین همایون گردید و چون مثل پدر، به هنر علاقه مند بود، دنباله رو کارهای وی گشته و در تعالی هنر کوشا گردید. این پادشاه که اصولاً "بهنر نقاشی متمایل بود، در زمان ولیعهدی، شاگرد عبدالصمد بوده، کما اینکه در ذیل یکی از کتابهای کتابخانه درباری بخط خود چنین نوشته:

(در کابل من و پدرم هر دو تحت تعلیم عبدالصمد بودیم) و در نسخه آئین اکبری خطی نگارنده که بسالیان ۱۱۰۰ ه.ق. نگارش یافته، علاقه اکبر شاه را به هنر تصویرسازی یاد کرده و چنین نوشته است:

((خدیو عالم (اکبر شاه) از آغاز آگاهی بدین کار دل نهاد و رواج آن را طلبکار شد و از آن رو این جادو نگاری شکر آرایشی گرفت هر هفته داروغگان کار هر کس

بنظر در آوردند با اندازه خوبی بخشش شود..... از جمله خواجه عبدالصمد شیرین قلم از شیراز است اگرچه این برگرفته و در پیشه فن را بیشتر از زمان میدانست اما با کسیر منش شاهنشاهی رتبه و الیافت و صورت او روی بمعنی آورد و شاگردان او استادان آموزش او پدید آمدند (((۱)

و همچنین در این کتاب ، مقام او را در سیصد و پنجاهی ارائه داده و از کتاب حمزه نامه تصویری که بهم کاری عبدالصمد و یاران هنرمندش مصور گشته ، چنین ضبط کرده است :
 ((..... این حرفه (نقاشی) پایه و الا گرفت و کارهای شگرف آمده گشت و فارسی نامه های نظم و نثر را پیرایه بستند و مجلس های دلگشا تصویر شد و قصه حضرت حمزه را دو از ده دفتر ساخته رنگ آمیز کردند و استادان سحر پرداز ، یک هزار و چهارصد مجلس را حیرت افزای دیده و روان گردانیدند ، با شارت و الا پیکر همگی ملازمان دولت جا وید را تصویر نمودند .

عبدالصمد فرزند و الامقامی نیز داشته که احوال وی را عینا " از توزک جهانگیری در اینجا نقل مینمائیم .

و شریف خان که از حریر مالگی

باسم کلان شده و در آهام شاهزادگی او را خطاب خانگی داده بودم و در وقتیکه از اندام مذوجه خدمت والد بزرگوار خود شدم نقاره و تومار و توفع بدر مرحمت نموده بمنصب دوهزار و پانصدی او را سفیران نموده و حکومت و داریائی صوبه بهار و حل و عقد آن ولایت بقبضه اختیار او گذاشته بدانصوب مرخص گردانیده بودم پانزده روز از جلوس گذشته در چهارم رجب سعادت ملازمت دریافت از آمدن او خاطر بغایت فرحناک گشت چرا که نسبت بندگی او بمن جائیست که او را بمنزله برادر و فرزند و یار و صاحب میدانم چون اعتماد کلی بر اخلاص و عقل و دانیائی و کار دانی او داشتم او را وکیل و وزیر اعظم ساخته خطاب ولای امیر لامرئی که در نوکریها خطابه مأمور این نباشد بمنصب پنجاه روز و سات و سربلند گردانیدم هر چند منصب او گنجایش داشت که زیاده برین مقرر گردد

۱- سپس در این نوشته از سونته یا میکند که شرح آن را در سونته آورده ام و بعد راجع به ساون و کارهای او نوشته و او را ستوده است و بعد از آنها ، اسامی نقاشان گروه هندی دوره عبدالصمد و میر سید علی را یاد کرده و چنین نوشته . گیسو - لعل - مکنند - مسکین - فرخ - قلماق - مادهو - جگن - مهیش - کهمی گرن - تارا - سالونه هر نیش و رام سر آمدنا مورانند و اگر یکا ریک پردازد سخن دراز گردد . در انتهای این نوشته راجع به کتاب حمزه نامه نیز مختصری توضیح داده که در جای خود خواهد آمد .

و نهایتاً خود بعضی رسانید که تا از من خدمت نمایانے بوقوع نیاید از منصب مذکور زیاد نخواستم چون حقیقت اخلاص بندهای پدرم هنوز بواقعی ظاهر نشسته و از بعضی تقصیرات غلط بینی ها و زاده ناشایسته که مرفی درگاه خانی و یمند خاطر خلیق نبود سر زده خود بخود شرمنده و شرمسار بودند و با آنکه در روز جالس تقصیرات همه را عمر زمرده باخود قرار داده بودم که باز خواست امور گذشته نشود بنابر توهمی که در خاطر از ایشان قرار گرفته بود امیرالامرا را حافظ و نگهبان خود میدانم اگر چه نگاهبان

جمیع بندها الله تعالی است خصوصاً بادشاهانرا که وجود ایشان باعث رفاه است است پدر او خواجه عبدالصمد که در فن تصویرگری بدل زمان خود بود و از حضرت جنت اشدانی خطاب شیرین قلمی یافته در مجلس همایون ایشان بقید مجازت و مصاحبت داشت و از مردم اعیان شیراز است و از بزرگ و ازم بدین سبب خدمت عزت و حرمت او را بسیار میداشتند *

از شاگردان معروف عبدالصمد، دسونه است که احوال وی را در جای خود آورده ام . دیگر از شاگردان وی، دارونت و با زوان هستند که هر دو نفر نقاش شیرین کاری بوده اند. خودهما یون و اکبر و جها نگیر شاه نیز، بنوشته اکبر شاه، شاگرد عبدالصمد بوده، کما اینکه جها نگیر در تزوک بشاگردی خود معترف بوده و در صفحه ۱۸ تزوک جها نگیری نوشته است :

((در کابل روزی پیش خواجه عبدالصمد شیرین قلم مشق تصویر میکردم . صورتی در قلم من آمد که اجزای او از یکدیگر جدا و متفرق بود .))

عبدالصمد در رشته های گوناگون تصویرسازی، از قبیل شبیه سازی و چهره پردازی و مجالس بزمی و رزمی و جانور سازی و گرفت و گیر و آرائه کوه و دشت و دمن قوی دست بود و خط نستعلیق را نیکو مینوشت . این هنرمند در سنین آخر عمر نیز از هنر فارغ نبود و در سنین هفتاد سالگی نیز نقش تصویر مینمود . از آثار ممتاز عبدالصمد و میرسید علی و سایریراران هنرمند هندی و ایرانی وی، کتاب معروف حمزه نامه است که بمدت پانزده سال تصویر و آتما م یافته است . بطوریکه در اضافات بعد از تالیف نفائس الاثار می آورد :

((در این و لامیر مذکور رخصت حج گرفته و سرکاری کتاب مذکور به استاد عدیم المثل خواجه عبدالصمد مصورشیرازی مرجوع شد و در خرج آن کفایت نمایان کرد .)) از این نوشته چنین بوی آید که پس از حج رفتن میرسید علی، مسئولیت آتما حمزه نامه بعهدده عبدالصمد گذاشته شده و او در کمال قدرت و مهارت و با معیت هنرمندان دیگر بفرجام رسانده است . این کتاب در دو زده جلد با آتما مرسیده و حاوی ۱۴۰۰ تصویر

بروی پارچه است که اندازه هر یک ۷۶×۷۰ سانتیمتر بوده و از بهترین آثار اوایل مکتب ایران و هند بشمار می آید. باقی مانده این آثار که تا کنون ۱۵۲ مجلس آن شناخته شده، در موزه های مختلف جهان ویا کلکسیون های خصوصی پراکنده گشته است. سالهای آخر عمر عبدالصمد، در کمال راحتی و آسایش خاطر فراوان سپری شده و توأم با عزت بوده است. این هنرمند بسال ۹۸۵ ه.ق. امین دارالضرب فتح پور شده و بسال ۹۹۴ ه.ق. و در سنین کهن سالی، صاحب دیوان ولایت سولتان گشته است. از سالهای دقیق تولد و مرگ این هنرمند، بمثال سایر مشاهیر دیگر آن زمان، اطلاع دقیقی نداریم ولی اگر در سال ورود به هندوستان که سنه ۹۵۵ ه.ق. انجام یافته مردی ۳۵ یا ۴۰ ساله بوده باشد، در زمان صاحب دیوانی، باید فردی ۷۵ یا ۸۰ ساله باید باشد که سنین آخر عمر خود را سپری می کرده است. و اگر پنج یا ده سال دیگر هم زنده مانده باشد، مرگ وی بتقریب در حدود ۸۵ یا ۹۰ سالگی اتفاق افتاده و در همان سنوات نیز بجهان دیگر شتافته است.

آثار رقم دار و بجا مانده وی عبات است از:

بیشترین آثار رقم دار این هنرمند در کتابخانه گلستان تهران قرار گرفته که عبارتند از:

۱- الف. تصویر مرد عمامه ببری است که به همراه اسب خود در صحرا پیش می رود. حالت و خوش تراشی هیكل اسب ستودنی است. در زمینه دور دست تصویر، منظره کوه و تک درخت تنومند جلب نظر می کند و در پشت کوهها خانه های دیده می شود که مردی داخل آن نشسته است.

در فضای زردگونه زمینه رقم دارد. (عبدالصمد شیرین قلم) صفحه ۱۵۱ مرقع گلشن

۲- ب. تصویر درویشی است که در کمال بیداری و هشیاری نقش کرده و گویا الهام پر معنی نقاش از اشعار سعدی است که با ستادی ظاهراً خسته و رقم گذاشته.

(بنده شکسته رقم عبدالصمد شیرین قلم)

۳- پ. مینیا تور شیرین و زیبای دویا رجلس و همدم است که در کنار درخت سرو بلند بالائی نشسته، یکی نقاشی می کند و دیگری ساز میزند.

منظره باغ و کوه و درختان فوق العاده است و در مقابل منظره قیافه نحیف مجنون را رسم کرده که روی تکه سنگی نشسته و حیوانات گوناگون بدور وی جمع آمده اند.

رقم دارد. (عمل نوروزی که در نیم روز ساخته شد ۹۵۸ مولانا عبدالصمد)

۴- ت. تصویر مجنون با حیوانات وحشی است که بصحرا جمع گشته و در گوشه دیگر، تصویر جوانی است که دهنه اسب را گرفته و از حیوان محافظت میکند. رقم دارد.

(عمل نوروزی مولانا عبدالصمد که در نیم روز از صبح تا وقت استوا ساخته ۹۶۵)

۵- ث . دیگر از آثار هنرمند در این کتابخانه ، تصویر رجال معروف هند از قبیل
مظفرخان و نظرکوالیالی و قبا حاش است که در کمال شباهت تصویر شده و رقم دارد .
(عمل بنده درگاه عبدالصمد)

۶- از آثار رقم دار این هنرمند که در آلبوم جهانگیر واقع شده تصویر زیبایی است
که کناره آن بحل کاری زیبایی آرایش یافته و در بالا و پائین آن ، دو شعر بخط
نستعلیق زیبا درج گشته است . در سطر بالا نوشته شده :

بمیدان دانش بر اسب هنر نشین وبه بند از ستایش کمر
و در پائین صفحه قید شده :

وفاترک کن در عرادی بهوش کمان از خرد ساز و خنجر ز هوش
در میان حل کاری کناره ها تصویر بسیار کوچک پرندگان زیبا ارائه گشته که خود
مهارت نقاش را بخوبی آشکار میسازد .
در متن تصویر اشعار معروف جلب نظر میکنند که نوشته :

شنیدم که جمشید فرخ سرشت بمرچشمه بر بستگی نشوشت
نقاش از این شعر الهام گرفته و شاهزاده جمشید را در میان صخره کوه نشان داده که
روی سنگی مینویسد :

در این چشمه چون مابسی دم زدند برفتند و چون چشم برهم زدند
درینا کاهی مابسی روزگار بروید گل و بشکفتد نوبهار

و جماعت همراهان در مقابل ایستاده ، به جمشید نظاره مینمایند . قیافه و حالت
متفکرناظرین و البته پرزیب و زینت حاضرین و عظمت صخره های کوه و جلالت و شادابی
درخت تنومند که در انتهای تصویر ارائه گشته ، مبین استادی و مهارت نقاش در امر
تصویر سازی میباشد . در زیر ابیات مدرجه بالای تصویر ، بخط زیبای نستعلیق
رقم دارد . (صوره عبدالصمد شیرین قلم فی کبر سن) موافق ۹۹۶

۷- دیگر اثر عبدالصمد در آلبوم جهانگیر که حالا در لوس آنجلس و در کانتی میوزیوم
قرار دارد ، صفحه دیگر و مقابل همان تصویر سابق است که کناره ها بهمان طرز و همان
مهارت حل کاری گشته و در بالا و پائین تصویر ، این ابیات بخط نستعلیق زیبا
درج شده است .

چون روان شد شاه شیر افکن بهنگام شکار

از برای شیر گشتن گشت بر آهو سوار

کی قباد مملکت کز بندگانش هر یکی

رستمی آمد ز بهر کوری اسفندیار

و در داخل متن تصویر ، این ابیات دیده میشود .

من کیستم عنان دل از دست داده، از دست دل براه غم از پا افتاده،

دیوانه وار در کمر و کوه گشته، بی اختیار سر به بیا بیا نهاده،

بیرم ز فکر اندک و بسیار فارغیم هرگز نگفته ایم کمی یا زیاده،

این مینیا نور زیبا که صحنه شکار شیر را مجسم میکند، شاهزاده و همراهان، سوار بر اسبها شده و در وسط شکارگاه با انتظار دیده میشوند. یکی از شکارچیها تور مخصوصی، جهت بدام انداختن شکار، کار گذاشته و منتظر فرصت است.

عظمت صخره های کوه و محیط سرسبز شکارگاه و قیافه و تزیین البسه شاهزاده و شکارچیان در خور تمجید بوده و مویده هر مندی نقاش است.

در جلونصویر، یکی از شکارچیان بحالت بز انوشسته و تفنگ بلند و حایل داری را تنظیم کرده و آماده تیراندازی است.

رقم نقاش و همچنین تاریخ ۹۹۹ ه.ق. در کنار ابیات شعر بخط ریز دیده میشود.

دیگر آثار ارزنده هنرمند، تصویر اکبر شاه و هما یون است که هما یون در طبقه بالا قرار گرفته و نوازندگان و خدمتکاران در کنار وی دیده میشوند.

از پله های باغ، بطبقه دوم غذا میبرند و درخت بزرگی که به استادی نقش شده، منظره دلپذیری دارد. در پائین نیز، اکبر شاه با دوستان و رفقای خود نشسته و به عیش پرداخته است.

در بیرون قصر، اسبان خوش تراش و خدمه های نگهبان و یک تازی زیبا دیده میشود. نذهیب و آرایش تصویر، در کمال نفاست است و بخط نستعلیق زیبا، در میان ابیاتی که نام پادشاهان قید شده رقم دارد.

شبه شاه هما یون و شاه اکبر را نگاشت خامه عبدالصمد ز روی هنر

نمود تصویر آنکه تمام این مجلس بمحفه که نماید بشاه شاه اکبر

تصویر خود نقاش نیز که گویا در حیات خانه نشسته و با یکی از افراد پادشاهی صحبت میکند، دیده میشود که قلمدان و دفتری بدست داشته و روی زمینه زرد رنگ دفتر نوشته:

(الله اکبر عبدالصمد شیرین قلم)

۹- مینیا تور ارزنده دیگر این استاد، تصویر جوان مهتری بود که از اسب نگهداری مینمود. پوشش و گرمکن اسب مزبور، بیان پتوی کلفتی بود که راه راه سیاه و سفید داشت. استواری و تناسب هیکل اسب و همچنین تصویر مهتر جوان استادانه بود و بخط تحریر رقم داشت.

(عمل عبدالصمد)

۱۰- دیگر از مینیا تورهای ارزنده هنرمند، تصویر درخت پهنای بود که به عظمت تمام در کنار کوههای عظیم و سربلک کشیده بیا بیا نوجلب نظر مینمود.

درافق دور فضای آسمان، مرغان سبکیالی در گروه دسته جمعی پرواز مینمودند.

درپا ئین تصویر، چادری بود که عده‌ای در داخل آن استراحت میکردند. دوشتر و چند راس اسب در کنار ه دیده میشود.

مرد درویشی که گویا حالت جذب و خلسه با دست داده بود بمصداق این بیت شعر که در بطن تصویر درج شده :

(گفتم این شرط آدمیت نیست - مرغ تسبیخ خوان و من خاموش)

در حال راه رفتن بود و تنها پیراهن خود را در سینه چاک میداد.

و در گوشه پا ئین سمت چپ رقم داشت. (بنده شکسته رقم عبدالصمد شیرین قلم)

۱۱- اثر دیگر هنرمند، تصویر دستگیری شاه ابوالمعالی بود که توسط تولک خان قوچی یا قوشچی انجام یافته و بیلا دچار گشته بود و رقم داشت.

(عمل خواجه عبدالصمد شیرین قلم)

۱۲- دیگر از آثار زرین قلم تصویر دختر جوانی بود که لباس خوش رنگ و خوش حالتی بسان هندیان داشت و حلاوت چهره و زیبای افزائی لباسها در خور تحسین بود و رقم داشت. (کمترین عبدالصمد زرین قلم)

۱۳- تصویر ارزنده دیگر هنرمند که در نمایشگاه سال ۱۳۴۵ ش. از مجموعه آقای غلامعلی سیف ناصری در سالن شرکت نفت دیدم.

ترسیم دسته جمعی عده‌ای از شعرا و دانشمندان و در اویش بود که در نور کم رنگ شبانه دور هم به گرد آتش جمع شده و مشغول بحث و مذاکره بودند.

این اثر نیز، بعبار سایر آثار هنرمند، بقوی دستی و در کمال نازک قلمی ارائه شده و رقم داشت. (عبدالصمد زرین قلم)

۵۸۲- عبدالعزیز بن استاد شرف الدین تبریزی

از نگارگران و حکاکان خوش قلم روی فلزات حدود قرن هشتم هجری است.

از آثار رقم دار و نفیس وی که جام فلزی پایه دار برنزی است، در اسلیمی های گوناگون، تصویر و حکاکی شده و با خطوط زیبای ثلث و کوفی تزئینی، آرایش شده است. عکس سیاه و سفید این اثر که اصل آن در موزه ارمیتاژ لنین گراد است، در کتاب ART OF ISLAM چاپ شده و رقم استاد که خوشبختانه در عکس نیز

نمودار می باشد. چنین است :

(عمل عبدالفقیر الی الله الفنی استاد عبدالعزیز بن استاد شرف الدین تبریزی)

۵۸۳- عبدالعزیز کاشانی

کاشانی الاصل و فرزند عبدالوهاب کاشانی است که در هنر خود شهره بوده و در چهره پرداز و منظره سازی قلم پر قدرت داشته و از نقاشان کتابخانه شاه طهماسب اول

صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ه. ق.) بشمار میآمده است.

قاضی احمد در کتاب خود با ختم را از این نقاش یا دکرده نوشته است :

((خواجه عبدالوهاب و پسرش خواجه عبدالعزیز از کاشانند، در امر تصویربیرینه بودند، شاه جنت مکان رضوان آشیان عبدالعزیز را شاگرد میخواندند و تعلیم تصویر از آن پادشاهی شبه و نظیر داشت. خواجه عبدالعزیز در خدمت اشرف قرب عام داشت، در آخربا جمعی از ناقمان و جاهلان همزمان شده مهر شاه بارگاه را تقلید نموده بدان سبب گوش و بینی بر باد داد.))

مادقی بیک در مجمع الخواص احوال وی را بیشتر نوشته و چنین آورده است :

((از کارمندان کتابخانه شاه مرحوم بود، در فن تصویر و نقاشی شاگرد استاد بهزاد است. میگفت، از کارهای استاد بهزاد آنها را که خوب است یا دگر گرفته ام یعنی بد هایش را تتبع نکرده ام. بدون مبالغه شخصی ذوقنون بود و نقش بندی نیز میدانست موقعی که میرزا محمد فرزند خواجه قباح جراح در عنفوان حسن و جمال بود، با یک دوتن از نقاشان خاصه شریفه او را بر میدارند و عازم هندوستان میشوند، در اشنای راه مهر شاه مرحوم را تقلید کرده یک برات صد تومانی با هم آریاب خود میسازند. وقتی که این وجه چهار دانگ و دودانگ وصول میشود، قورچی و میعاد میدوند و خواجه مذکور را با مولانا علی اصغر گرفته بدرگاه شاه میآورند. در آن اشنا که شاه مرحوم میخواست از کشتنشان بگذرد و کناشان را ببخشد، خواجه قباح سرا سیمه از اندرون بیرون میآید و میگوید دستور ما در شد که بینی و گوشهای خواجه عبدالعزیز و مولانا علی اصغر را ببرند و این حرف بیدرنگ بموقع اجرا گذاشته میشود، سپس در سایه نقاشی برای خود یک بینی ساخته بود که از بینی حقیقی خیلی بهتر بود.

موزون هم بود و گویا این بیت را مناسب حال خود گفته است .

نه میکشند و نه از دست میگذراندم / دماغ کار ندارم چه کار داراندم ((

در مرقع امیر غیب بیک که در زمان شاه طهما سب اول ساخته و پرداخته گشته و حالیه در خزینه اوقاف اسلامبول نگهداری میشود. چندا شریبا از این پدر و پسر دیده شده است .

بنوشته ای که در زیر آثار خود قید کرده . (صوره کمینه شاگرد استاد بهزاد عبدالعزیز) معلوم میدارد از شاگردان آن استاد دعا لیکدر بوده و بروایت مادقی بیک، خوبهای استاد بهزاد را یاد گرفته و بد هایش را تتبع نکرده است .

از شاگردان و همکاران معروف وی، استاد کمال مصورکاشی و میرزا محمد امفهانسی بودند، که خود استادانی صاحب مقام بشمار میرفتند. این هنرمند علاوه بر چهره پردازی و منظره سازی، در تصویر گل و گیاهها و منظره دشت و دمن و حتی در تذهیب و تشعیر نیز قوی دست بود و در خط و تقلید آن، قلم پر قدرت داشت .

از آثار وی دیده‌ام :

۱- از آثار ارزنده این هنرمند که در نمایشگاه بریتیش میوزیوم از نزدیک دیدم و اندازه آن $۱۲/۵ \times ۲۰/۲$ سانتیمتر بود، تصویر پسر میرزا محمد قباحت بود که چهره برداری استادانه داشت .

این مرد، که گویا پسر همان خواجه قباحت جراح باشد که بینی استاد را بریده بود، قدی بلند داشت و حدود چهل ساله بنظر میرسید. او بسیاق هندوان عمامه برداشت و لباس بلندی پوشیده و قمه کوچکی بزیر شال کمر داشت. و کاغذی که بدست گرفته بود، این جملات بخط نسخ زیبا بروی آن دیده میشد .

(یا مالک الملک عمل استادی نادرالعصری خواجه

عبدالعزیز شبیه پسر میرزا محمد قباحت)

در بالای اثر بخط زیبای نستعلیق درج شده بود :

(عمل استادی نادرالعصری خواجه عبدالعزیز شبیه پسر میرزا محمد قباحت)

۲- دیگر اثر منسوب باین هنرمند که در نمایشگاه مذکور دیدم و عکس سیاه و سفید آن در صفحه ۱۰۲ کاتالوگ موزه مزبور چاپ شده بود. تصویری از شاهنامه شاه طهماسبی بود که در کمال حلاوت جلب نظر مینمود. در این اثر زیبا، اردشیر بروی تخت نشسته بود و رجال و ندیمان و شاهزادگان در اطراف وی قرار گرفته بودند .

دو نوازنده چنگ و دف، در مقابل تخت دیده میشدند و چند خدمه مخصوص مشغول خدمت بودند. حالات حاضرین و چشم‌نوازی البسه و تذهیب و تشعیر تخت پادشاهی، جالب بود و در کنار او حواشی تخت، این ابیات بخط ریز جلب نظر میکرد .

ای صاحب بزم و حشمت و جاه و جلال - وی جای تو بر تخت و جوانی و کمال

یارب نرسد به تن و ذات تو زول - بر آنکه شد صورت حال

۳- از آثار منسوب دیگر استاد عبدالعزیز که تصویر رنگی آنها در صفحات ۱۱۶ و ۴۸ کتاب ROYAL PERSIAN MANUSCRIPTS بنظر میرسد .

یکی از تماویر، نقش پر حلاوت زال فرزند سام است که عربان و با موهای سفید سر، در بالای کوه نشسته و به سیمرغ عظیم الجثه‌ای که پلنگ و آهورا بچنگ و دندان گرفته‌اند نظاره میکند. زیبائی و چشم‌نوازی و عظمت کوهها و حلاوت و الوانی بالهای سیمرغ و قیافه و حالات نظار که زال را بهم دیگر نشان میدهند، قوه تخیل و قدرت دست‌نقاش را به نیکوترین ترتیبی بر ملامیسا زد .

دیگر اثر منسوب باین هنرمند که در صفحه ۱۱۶ این کتاب ارائه شده و برگگی از کتاب هفت اورنگ جامی است. تصویر شاهزاده‌ای بایاران است که در آلاچیق زیبائی وسط باغ نشسته و مشغول عیش و طرب میباشدند. تذهیب سایه بان و صحن باغ و نقش درختان و گل و گیاه بسیار استادانه است .

۴- از آثار ارزنده دیگر این هنرمند که در موزه توپ قاپوسرای ترکیه از نزدیک دیدم، اثری در مرقع شاه طهمااسب بود که اندازه $۸/۵ \times ۱۸/۵$ سانتیمتر داشت. در این اثر پر ملاحظه، شاهزاده جوانی که لباس سرمه‌ای خوش رنگی بتن داشت، لباده قرمز پوشیده بود و در دستها، دستمال آبی و گل رنگین داشت. کلاه وی بشیوه قزلباشها پره دار با لوله قرمز بود و صورت وی حالت شاداب و زنده داشت. رمینه نقاشی صورتی بود و تذهیب‌های اسلیمی و گل اناری در شاخه‌های بلند جلب نظر مینمود. در گوشه چپ زیر بخط نستعلیق رقم داشت.

(صوره کمینه شاگرد استاد بهزاد خواجه عبدالعزیز)

حواشی اثر، زمینه لاجوردی بود و منظره درختان پرشکوه و تصویر چند دیو که هر کدام بکاری مشغول بودند و همچنین تصویر حیوانات مختلف، دیده میشدند. دیگر اثر عبدالعزیز که رقم نداشت و در قرینه اثر رقم دار مذکور دیده میشد، تصویر زیباروی جوانی بود که اندازه $۸ \times ۱۷/۵$ سانتیمتر داشت. زن مزبور، چادر نازک آبی رنگ بمر کرده و زیر آن لباس بلند سرخ رنگ بتن کرده بود که رویه آن گل‌های اسلیمی و اناری داشت.

حواشی اثر، ابیاتی بخط نستعلیق و تذهیب شیوا داشت که یکی از آنها چنین بود:

روای صبا و بگو یار دبستان مرا - که وعده‌های دروغ تو سوخت جان مرا

۵۸۴ - عبدالعزیز - مذهب

مذهب زبردست و نازک قلم او اواخر قرن ۶ ه.ق. بود.

از آثار این هنرمند، تذهیب قرآنی دیدم که در کمال قدرت و چابک قلمی انجام یافته و رقم داشت. (کتابه و ذهبه اصغر عبداله تعالی عبدالعزیز بن ابی الغنایم بن ابی الفضایل الکاشی ختم الله له بالحسینی حامدا "لتعالی و مصلیا علی محمد وآله فی شهر سنه ۷۰۳)

تذهیب صفحات اولیه قرآن، مذهب و مرصع هشت ضلعی و زمبینه، نقره‌ای هاشوردار داشت و بطرز نامهارتی انجام یافته بود.

۵۸۵ - عبدالعزیز مراد

مصور و مذهب خوش قلم دوره ازبکان شیبانی بوده و در هنر خود دست با حلاوت داشته است.

۵۸۶ - عبدالعلی - مجلد

نقاش و جلد ساز پرمهارت دربار سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰ م) عثمانی بود که نام وی در سند معروف (سرنام سیزدهم دفتری) که تفصیل آنرا در احوال شاه

قولی یاد نموده ام، ضبط شده و اجرا کننده جلد منقش و مصوری بوده که بحضور شاه عثمانی، بروز عید هدیه گشته است .

۵۸۷ - عبدالعلی بن محمد الجزائی - اسطرلاب ساز

از طراحان و رسامان نقوش هندسی و تزیینی روی فلزات بود و در ترسیم و گرده سازی و کنده کاری بر روی اسطرلاب ها دست پرتوان و دقیق داشت . از یکانه آشکار از زمینداین طراح فلزکار ، اسطرلابی است که با همکاری برادر خود بنام محمدباقر، جهت شاه سلطان حسینی صفوی تهیه و تقدیم شده است، این اسطرلاب که در نهایت دقت و مهارت صورت نجومی، ساخته شده و حالیه در بریتیش میوزیوم قرار گرفته رقم دارد . (صنعه اقل الطلبه عبدالعلی بن محمد الجزائی نمقه اقل الطلبه اخ المانع محمدباقر ۱۱۲۴) در رویه اسطرلاب چنین نوشته :

(بموجب فرمان قضا جریان سلطان سلاطین زمان سیدخواقین دوران پشت و پناه اهل ایمان ولی نعمت عالم و عالمیان مدار سپهر دولت و عدالت قطب ملک اعظم عظمت و جلالت اختر درخشان اوچگیتی ستانی فهرومانان اوسط السماء جهانبانی شاه سلطان حسین صفوی موسوی حسینی مدالله تعالی ظل معدله علی رؤس الانام مدی اللیالی و الایام این اسطرلاب تا صورت انجام یافت فی شهر شعبان ۱۱۲۴) دیگر آثار این هنرمند که با همکاری برادرش محمدباقر انجام یافته و حالیه در موزه شهروین قرار دارد اسطرلاب پرمهارتی است که در آخرین دوا بر رویه اسطرلاب رقم گذاشته . (صنعه اقل الطلبه عبدالعلی) و در محل دیگر قید شده (نمقه اقل الطلبه محمدباقر)

۵۸۸ - عبدالعلی مذهب

میرزا عبدالعلی خلف مرحوم میرزا رضا مذهب اصفهانی است . عبدالعلی در فن تذهیب قادر و در دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار مذهب باشی اصفهان بوده است .

سنکلاخ خراسانی در کتاب قطور خود چنین مینویسد :

((بغیر از فن تذهیب در رنگ آمیزی و شیشه سازی کارش از حد گذشته و به معجزه پردازی رسیده است)) از آثار شناخته شده این هنرمند . تذهیب و تشعیر حواشی کتاب عظیم سنکلاخ که در احوال خط و خطاطان است ، و حتی تصویر سیاه قلمی خود مرحوم میرزا سنکلاخ را که در اول کتاب چاپ شده ، اثر دست این هنرمند بوده و تاریخ ۱۲۹۱ را دارا میباشد .

۵۸۹ - عبدالغفار

نقاش گمنام اوایل قرن ۱۳ ه. ق. بود و در رشته مینا سازی نیز دست پرآرایش داشت. از آثار رقم دار و زیبای وی، تصویر گل و مرغی مینائی دیدم که رقم داشت. (عبدالغفار ۱۲۱۴)

۵۹۰ - عبدالغفار - استاد کمال الدین

بنوشته دوست محمدهروی در دیباچه بهرام میرزا، نقاش پرکار و صورت پرداز ماهر بوده و بنا ما استاد کمال الدین عبدالغفار در حد خود دیگانه و فرزانه بوده است.

۵۹۱ - عبدالغفار - اسطرلاب ساز

طراح و اسطرلاب ساز شهرارومیه بود و در هنر خود دست زیبا نگار داشت. از آثار رقم دار این هنرمند، اسطرلابی پرزیب و زینت دیدم که در رویه آن نوشته شده بود. (هو الله تعالی - حسب الامر بندگان عظیم الشان مرکز دایره نصرت و اقبال و قطب منطقه فتوت و اجلال عفا ده آفتاب شوکت و منظره ارتفاع حشمت نواب علامت مدار اما مقلی خان قاسملوی افشار بیگلربیگی ارومی در بلده مذکوره به تاریخ شهر رجب المرجب من شهر سنه خمس و تسعین و ما تبه بعد الالف اتمام یافت.)

۵۹۲ - عبدالغفار طباطبائی نوری

سید طباطبائی و اهل نائین است که در رشته آبرنگ و رنگ و روغن و تما ویرپشت شیشه‌ای مهارت داشته است. از آثار بجا مانده این هنرمند که بمال ۱۹۷۶ و در حراج کریستی لندن بفروش رسید، تصویر دختران رقاصه‌ای بود که دست در دست هم می‌گیرند و هر قاص و پاییکوبی سرگرم بودند. رقاصه‌ها البسه پرزینتی بتن داشتند و با نواع جواهرات خود را آرایش داده بودند. یکی از آنها کلاه مروارید دوزی بسر داشت که در وسط آن تاج برداری نیز علاوه گشته بود، در گوشه تالار، دسته گل پرطراوتی در گلدان جا گرفته و در انتها پرده ایوان و ستونهای سفید خانه جلب نظر مینمود. در بالا بخط نستعلیق رقم داشت.

(رقم کمترین قاضی نائینی عبدالغفار طباطبائی نوری ۱۲۰۰)

دومین تصویر رقم دار این هنرمند، تصویر رقاصه‌ای فتان در رنگ و روغن بود که با لبه دوره، زندیه مجلس بوده و خود را به زر و زیور و جواهرات گوناگون آراسته بود. این اثر درخشنده که یکی از بهترین کارهای هنرمند بود، بخط نستعلیق رقم داشت. (رقم کمترین عامی نائینی عبدالغفار طباطبائی نوری ۱۲۰۱)

۵۹۳ - عبدالفتاح - طغراکش

طغراکش زبردست و حکاک و سرسکه کن او اواسط قرن ۱۳ ه.ق. بود که در هنر خود دستی پرظرافت داشت و خط نستعلیق و طغرائی را خوب مینوشت .
 طغرای پر قدرتی از این هنرمند دیدم که اسامی اصحاب کهف را به طلای ناب و شیوه طغرائی ترسیم کرده بود و رقم داشت . (کتبه عبدالفتاح ۱۲۶۲)
 از آثار خطاطی دیگر این هنرمند، لوحه‌ای در جامع عالی شهر بوسا قرار گرفته که امضاء دارد . (کتبه عبدالفتاح سرسکه کنان ۱۲۷۷)
 ازرقمی که در ذیل این خط گذاشته، معلوم میگردد این هنرمند سرسکه و همچنین طغرای غروش‌های عثمانی را که در کمال قدرت ترسیم میشده، بدست پر قدرت این هنرمندان جامیافته است .

۵۹۴ - عبدالفتاح مذهب شیرازی

اهل شیراز و از مذهبیان نازک قلم قرن ۱۰ ه.ق. آن سامان بشمار می‌آمد .

۵۹۵ - عبدالکریم - مجلد

مذهب و مجلدگننام او اواخر قرن ۱۳ ه.ق. عثمانی است .
 از آثار رقم دار این هنرمند، جلد مزین و زیبائی در موزه توپ قا پو قرار گرفته که رقم دارد . (مجلد عبدالکریم ۱۲۷۰)

۵۹۶ - عبداللطیف ضنیع همایون

قلمدان ساز شیرین کار او اواسط قرن ۱۴ ه.ق. است که در گل و مرغ و جانور سازی دستی خوش پرداز داشته است .
 قلمدان گل و مرغی خوش طرحی از این نقاش دیدم که بشیوه آقا ابراهیم ترسیم گشته و رقم داشت . (عمل کمترین عبدالطیف ضنیع همایون ۱۳۴۱)

۵۹۷ - عبدالمحمد میرزا جانی

نقاش آبرنگ ساز و سیاه قلم دوره زندیه و اوایل فاجاری بود و در هنر خود سلیقه نیکو داشت . از این هنرمند دو اثر زیبا دیدم که پسندیده بود .
 یکی از آنها، تصویر گل و مرغی شیوا با برنگ بود که رقم داشت :
 (کمترین عبدالمحمد) و دیگری که بهمان سیاق اولیه ترسیم شده و رنگهای خوش داشت، دسته گل پر آرا پشی بود و رقم نقاش چنین بود :
 (کمترین عبدالمحمد میرزا جانی ۱۲۰۵)

۵۹۸ - عبدالحمود

نقاش دوره ناصری و مظفرالدین شاهی بود و در نقاشی تصویرها دست داشت .
فرزندوی شکراله صنایع زاده است که از هنرمندان معاصر بشمار می آید .

۵۹۹ - عبدالمطلب - مطلب

فرزند میرزا حسین اصفهانی است که بنا مهای مطلب خان و میرزا عبدالمطلب خان مستشار پستخانه معروف بوده است . تصویر شماره ۶۴ در دوران صباوت از اصفهان بتهران آمده و زیر نظر استادان فن به تکمیل هنر پرداخت . در ابتدا قلمدان سازی میگرد و گاهی آبرنگ نیز میساخت . چون علاقه خود را برنگ و روغن زیادتر دید ، باین شیوه رو آورد و مورد توجه واقع شد . در سال ۱۲۷۵ ه.ق . به همراهی میرزا حسین خان مشیرالدوله و میرزا علی کبرخان مزین الدوله جزو ۴۲ نفر شاگردان انتخابی ، بفرانسه رفت و در آنجا بعلاقه تمام به نقاشی پرداخته و در سبک کلاسیک صاحب کمال گردید . بنوشته مرحوم با مداد :

پس از بازگشت با ایران که نقاش قابلی شده بود استفاده ای بعمل نیامد ، تا اینکه در پستخانه مشغول کار شد و بنا م میرزا مطلب نقاشی تحویل دار کل پستخانه بود ، در سال ۱۳۰۱ ه.ق . بنا م میرزا مطلب تحویلدار مستشار کل گردید و سپس به سال ۱۳۰۸ ه.ق . میرزا مطلب خان شد و در سال ۱۳۰۹ ه.ق . هم منصب سرتیپی علاوه گشت و از این تاریخ میرزا مطلب خان سرتیپ نامیده شد . در سال ۱۳۱۷ ملقب به مستشار الوزاره شد و در سمت های خود باقی بود ، لکن همیشه در میان مردم معروف بود به مستشار پستخانه و بعد هم سفری به ایتالیا کرد . نا مبرده مردی روشنفکر و هنرمند ، با کمالی بوده و از سال ۱۲۹۵ تا سال ۱۳۱۷ ه.ق . در اداره پست در سمتهای مختلف مشغول بکار بود ، در سال ۱۳۲۱ ه.ق . با میرزا محمود خان حکیم الملک برشت رفت و پس از دوماه وانندی در رشت درگذشت . مسئله مرگ میرزا مطلب گویا به اتفاق ، از اختلاف حکیم الملک و امین السلطان اتابک سرچشمه گرفته و بنوشته مرحوم با مداد ، حکیم الملک هنگام رفتن رشت ، میرزا مطلب خان را هم به همراه خویش برد و ضمنا "بوی گفت مستشار را اگر مرگ میخواهی بیا با هم برویم گیلان ، دوماه وانندی که از حکومتش گذشت ناگهان در ۲۱ جمادی الاول - ۱۳۲۱ ه.ق . درگذشت و دو روز پس از درگذشت او یعنی در ۱۹ جمادی الاول میرزا مطلب خان درگذشته بود . بدین معنی که بفاصله دو روز هر دو نفر درگذشتند ، و معروف شد که اتابک شخصی را برشت فرستاده و آن شخص بتوسط آتش حکیم الملک بوسیله غذا او را مسموم کرده و میرزا مطلب خان هم از همان غذا خورده بوده است .

از آثار او دیده‌ام:

۱- تصویر رنگ و روغنی باغی مشجر بود که دیوار کشی شده و منظره کوه و فضای زمینی وسیع در روبروی باغ دیده می‌شد.

منظره حوض و فواره زیبای آن با ستادی ترسیم شده و قیافه خسته دربان باغ، در انتهای جلوه گر بود. از وضع منظره تا بلوچنمین معلوم بود که نقاش در ایوان قصر باغ نشسته و منظره روبرو را بطریق کلاسیک ترسیم نموده است.

این اثر رنگ و روغنی که در موزه رضا عباسی تهران قرار گرفته رقم دارد.

(بنده درگاه میرزا مطلب)

از آثار دیگر هنرمند، گویا تا بلوچی در مجموعه آقای جعفر سلطان القراشی است که چون عین تا بلورا از نزدیک ندیده‌ام از موضوع و اندازه آن اطلاع صحیحی ندارم. دیگر از آثار هنرمند، به نوشته‌های مرحوم معیر الممالک در مجله یغما چنین است که عیناً "نقل می‌گردد. میرزا عبدالمطلب مستشار:

از شاگردهایی بود که ناصرالدین شاه برای گرفتن فنون نقاشی بفرنگ فرستاد. دخترش خجسته خانم آخرین زنی بود که شاه اختیار کرد. میرزا علی خان امین الدوله در زمان صدارت خود او را به مت مشتر پستخانه برگزید و بدین نام معروف شد. مشتر در شبیه سازی با آب و رنگ استاد بود. در سال جلوس مظفرالدین شاه تصویری با آب و رنگ از او ساخت که سخت نیکو از آبش بیرون آورد و سالها زیب تالار آینه قصر صاحبقرانیه بود.

یکی از آثار روغنی او که از لحاظ ترکیب، رنگ و حال بسیار عالی بود و با اصطلاح

بانیاشاکنده حرف میزد گدائی را مجسم می‌ساخت که در حال تضرع سر بر آسمان و سر کودک خویش را بردامان داشت. این برده بی‌فیس سالها در تالار بزرگ پارك امین الدوله آویخته بود. در آن زمان اروپائیان مقیم تهران بایکی از خانواده‌هایی که حشر داشتند خانواده امینی بود. بارها آنان را مقابل این نقش زنده حیران و آفرین گویان دیدم. آقای رابینو اولین رئیس بانک انگلیس در تهران دختری داشت نقاش. یکی از روزها، که بدین معین‌الست بسر امین الدوله رفته بودم دیدم دوشیزه رابینو با لوازم کار بر اثر برده مزبور شسته و متفون کپی برداشتن از آنست.

یکی دیگر از کارهای قابل ملاحظه مشتر، منظره آب و رنگی بود از استخر پارك امین الدوله و آلاچیق میان آن در موسم گل و گیاه. دو قوه هم در استخر دیده می‌شد. این اثر تا روزهای آخر زندگی خانم فخر الدوله در یکی از اضافه‌های منزلهن باقی بود.

۶۰۰ - عبدالملک نقاش

نقاش و طراح زیبا نگار دربار سلطان مسعود غزنوی بود.

۶۰۱ - عبدالمومن بن محمد النقاش

هنرمند قرن ۵۷. ق. اهل خوی بود و در طرح و ترسیم نقوش اسلامی، بروی فلزات سخت استادی تام العیار بشمار میرفت .
 اثر زیبایی وی، در ب نقره کوبی استادانه‌ای است که در نقوش زیبای اسلیمی و طرح هندسی بعمل آمده ورقم دارد .
 (عمل عبدالمومن بن محمدالنقاش خوئی)

۶۰۲ - عبدالمومن بن شرفشاه نقاش تبریزی

نگارگر معجزنگار او اواخر قرن ۵۷. ق. بود و در کجبری و طراحی نقوش هندسی و شیوه‌های اسلیمی مهارت فوق العاده داشت .
 از آثار بجا مانده این استاد، طراحی و کجبری محراب مسجد جامع رضاشیه است . که در زمان ایلخانی آباقاخان مغول ساخته شده و بخطوط و ادعیه کوفی آرایش یافته است این محراب که با ارتفاع ۷/۸۲ و عرض ۵/۴۸ متر ساخته شده ، قدیمیترین محراب دوره مغولی است که تا این زمانها از گزند ایام در امان مانده است .
 رقم نقاش بخط ثلث رقاعی، در بالای محراب به گجبری استادانه چنین است .
 (عمل عبدالمومن بن شرفشاه النقاش التبریزی فی شهر ربیع الآخر سنه ست و سبعین ستامه)

زمینه خطوط را مثل تذهیب‌های این دوره که زمینه را سوزن کاری کرده و نقاط ریزی احداث میکردند، بهمان ترتیب نقطه دار کرده و زمینه را پر کرده است .
 در طرفین محراب، دو ستون تراشیده گچی دیده میشود که گوئی از چوب ساخته اند تا سنگینی بنا را تحمل نماید .

تزیینات بالای محراب و در وسط یک گوی مشبک فوق العاده استادانه که شمردم، در حدود چهل و پنج سوراخ نامنظم داشت و به نسبت اسلیمی‌های زوجی که در سه اندازه مختلف بود و در کنار گوی بزرگ تعداد ۱۲ گوی بزرگ و کوچک، در حوالی داشت که بمهارت و استادی عمل آمده بود که بسط و تشریح آن در این مختصر نمیگنجد

۶۰۳ - عبدالواحد

طراح و نقاش روی گاسه و بشقاب و ظروف سفالین او اواخر قرن ۱۰. ه. ق. است .
 از این هنرمند بشقابی در موزه دولتی برلین بیادگار مانده که بگل‌های آبی و سیاه تزیین یافته و در حواشی آن، دوازده صورت فلکی را به اشکال مخصوص خود نقاش کرده است . در منطقه الهروج و در تصویر برج اسد، خورشید را در پشت شیر تصویر کرده و بسان علائم امروزی در آورده است .

در وسط دایره‌ای که بخطوط اسلیمی نقش بسته رقم دارد .

(عمل عبدالواحد فی سنه ۹۷۱)

۶۰۴ - عبدالوهاب

میرزا عبدالوهاب ولد میرزا حسین رئیس‌الکتاب بود در نقاشی دست پر حلاوت داشت . از احوال این هنرمند اطلاع زیادی نداشته و فقط در سند معتبری که از این هنرمند و پدرش اسم برده شماره نهم روزنامه ملتی مورخ ۱۲ محرم سال ۱۲۸۴ ه.ق. است که عبدالوهاب را به همراه اسما عیل جلاپرز و شاگردان مرتبه اول نقاشی مدرسه دارالفنون قید کرده است . از طرفی بعید نیست این هنرمند همان میرزا عبید - الوهاب باشد که اعتماد السلطنه در روزنامه ایران ۱۲۹۹ ه.ق. یاد کرده و جزو هنرمندان مجمع صنایع بحساب آورده که به همراه میرزا علی محمد نقاش و درمعبیت میرزا علی صحاف با چهار شاگردش مشغول تذهیب و تصحیف کتاب الف لیله بوده است . آقای یحیی ذکا در کتاب (تاریخچه ساختمانهای ارک سلطنتی تهران) با ستناد منابعی که ذکر کرده در مورد مجمع صنایع و نفرات هنرمندان اطلاعاتی داده که مانیز در اینجا بعینه ارائه می‌دهیم .

اعتماد السلطنه در ذکر وقایع و احداثات سال ۱۲۶۹ ه.ق. در الآثار والاثار می‌نویسد :

«مجمع صنایع مشتمل است بر صنایع دستی از قبیل آپولیت‌سازی و زر دوزی برای مابوس نظام و بریدن و دوختن البسه قشون و ملیله‌سازی عمل چین که زرکشی و زر دوزی مخصوص ممتازی است و نقاشیهای بسیار عالی و تفنگ‌سازی و قداره‌گری و غیر ذلک از اعمال و صناعات و پیشه‌های متعلقه بترتیب لشکر و سوق عسکر در بازار صندوقدار واقمه در دارالخلافه طهران . . . »^۱

در منتظم ناصری در ذکر وقایع سال ۱۲۶۹ ه.ق. نوشته شده :^۲

« این اوقات يك روز جناب صدراعظم (میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری) و جناب نظام‌الملك (میرزا کاظم خان پسر میرزا آقاخان) و آجودان باشی (عزیزخان سردار) و جمعی از امرا و صاحب‌منصبان بزرگ نظام بمجمع صنایع که حسب الامر ، حسینعلی خان ، میرزا ، الملك دایر نموده و انواع اصناف صنعتگران قابل ملاحظه را در آنجا فراهم آورده بود رفته ارباب حرف را تشویق زیاد نموده و خواجه احمد ساعت‌ساز یزدی را که از مشاهیر صاحب‌صنعتان ایران است یکصد تومان اضافه مواجب دادند . »

در يك مجبوعه خطی که گویا در اختیار مرحوم عباس اقبال بود ، گزارشی از هنرمندان و صنعتگرانی که در همین سالها در مجمع صنایع حجره

داشته‌اند ، تنظیم گردیده که چون متضمن اطلاعات جالبی از هنرمندان
و صنعتکاران آن زمان می‌باشد عیناً نقل می‌کنیم .^۲

بسم الله تعالى شأنه المیز

تاریخ پنجشنبه چهاردهم شهر محرم الحرام ۱۲۶۹ ، کارکنان مدرسه
مجمع الصنائع : این قرار می‌باشند : اسناد : ۴۵ ، شاگرد ۱۴۴ .

۱ - کارکنان مدرسه مجمع الصنائع : اسناد : ۳۴ ، شاگرد ۹۵ .

حجره استادعلی . هفتم استاد و ۲۲ شاگرد مشغول تعمیر طباچه‌های
زین‌خانه مبارکه و قفله پیشخدمتان و قداره و تفنگ کالسه‌چیان و دلق شاطران
حضرت اقدس هابون شهریاری روحانفاده و آتش‌کاری و آبگیری و چخساق
و فنداق‌سازی می‌باشند . استاد ۷ ، شاگرد ۲۲ .

حجره خواجه‌احمد ، خود خواجه احمد تعمیر ساعت‌های مجلس
سرکار صدراعظم دام‌اقباله را می‌نمایند و آقامحمد مهدی با دو شاگرد مشغول
تعمیر ساعت طاوس می‌باشد ، استاد ۲ ، شاگرد ۲ .

حجره استاد محمدقاسم و استاد محمد دواتگر : با دو شاگرد مشغول
کاری نمی‌باشند و بیکارند و از دیوان‌اعلی‌هنوز کار بایشان رجوع نشده است .
استاد ۲ ، شاگرد ۲ .

حجره استاد حسینعلی و استاد عباسعلی و استاد حسن : این استاد میناساز
با سه شاگرد مشغول کار متفرقه می‌باشند ، استاد ۳ ، شاگرد ۳

حجره استاد آقا جان و استاد محمدباقر زرکش : با چهار شاگرد مشغول
مفتون‌سازی قبا‌های نظام پیشخدمتان قبله‌عالم روحانفاده می‌باشند . استاد ۲
و شاگرد ۲ .

حجره استاد ابوالقاسم دواتگر : با دو شاگرد مشغول کار متفرقه
می‌باشند . استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

حجره مرادحاصل و بی‌حی نقاش زرگر : با دو شاگرد مشغول ساختن
جای نگین مهر وزیر مختار دولت بهیه روس می‌باشد ، استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

حجره آقاسیدجواد نقاش زرگر : با استاد مهدی و استاد محمد دواتگر
مشغول ساختن قلاب کمر بند کالسه‌چیان قبله‌عالم و عالمیان روح‌العالمین فدا
می‌باشند . استاد ۳ ، شاگرد ۳ .

حجره نقاشان : نقاش‌باشی (ابوالحسن خان منیع‌السلک غفاری) و ۳۴

نفر نقاش مشغول مجلس سازی کتاب الف لیله می باشند و ذوالفقار بیک مشغول
بروغن کاری کالسه است که تازه از مکو آورده اند. نقاش باشی ۱ - سایر ۳۵ .
حجره میرزا عبدالوهاب و میرزا علی محمد : این دو استاد و میرزا علی
صحاف با چهار شاگرد مشغول تذهیب و تصحیف کتاب الفلیله می باشند .
استاد ۳ - شاگرد ۴ .

حجره میرزا خدا رحم : مشغول ساختن ساعت بزرگ آویز بجهت
لات دارالخلافة می باشد . استاد ۱ ، شاگرد ۳ .

حجره حاجی میرزا احمد : باشیخ محمد کاظم مشغول ساختن ساعت
بزرگ آویز بجهت محلات دارالخلافة می باشند . استاد ۲ - شاگرد ۲ .

حجره استاد محمد باقر ، با چهار شاگرد مشغول دوختن قبا و شلوار
پیشخدمتان قبله عالم و عالیان روحی و روح العالمین فداء میباشند . رخوت
تمام شده پیشخدمتان قبا ۵۳۴ ، شلوار ۵۳۴ . استاد ۱ - شاگرد ۴

حجره اسدالله : مشغول ساختن پل جهت کالسه مرصع اقدس همایون
شهریاری روح العالمین فداء میباشند . استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

استاد جعفر آهنگر : با ۳ شاگرد و استاد محمد آهنگر با دو شاگرد
و استاد جعفر نجار با دو شاگرد . این سه استاد با همت شاگرد مشغول ساختن
کالسه عالیجاه آقامیرزا فتح الله لشکر نویس باشی میباشند . استاد ۳ - شاگرد ۷ .

۲ - کارکنان خارج از مجمع الصنایع : استاد ۲۱ ، شاگرد ۴۹ .
آقا محمد قاسم زیندار باشی : با دو شاگرد مشغول ساختن زین مرصع
می باشند . استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

مشهدی جبار و مشهدی رضا : در بازار با چهار شاگرد مشغول ساختن
تکمانو وزین پوش می باشند . استاد ۱ - شاگرد ۲ .

ملا علی اکبر و کربلانی عباس : با چهار شاگرد مشغول ساختن داباغی
و بند یدک کش و رشمه و غیره می باشند . استاد ۲ ، شاگرد ۴ .

کربلانی هادی ترکش دوز : با دو شاگرد مشغول ساختن بنای پاپه های
زین خانه مبارکه میباشند . استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

آقا محمد اسمعیل زردوز : با شش شاگرد مشغول دوختن زین پوش
مروارید بجهت حضرت اقدس همایون شهریاری روحی و روح العالمین فداء
می باشند . استاد ۱ ، شاگرد ۶ .

زر دوزان قبا و شلوار نظام و پیشخدمتان قبله عالم و عالیان روحی و روح العالمین فداه یک استاد و ۲۵ : گرد مشغول دوختن می باشند استاد ۱ ، شاگرد ۲۵ .

مشهدی علی اکبر : با دو شاگرد مشغول مقواسازی قباهای نظام پیشخدمتان حضرت اقدس همایون شهریاری روحی و روح العالمین فداه می باشند استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

آقامحمدعلی نقاش زرگر: مشغول منبت کاری سنگ قبر شاهزاده امبرور مغفور جنت مکان رضوان استان می باشد . استاد ۱ - شاگرد ۲ .

حاج محمدعلیخان هندی : با سه شاگرد مشغول بافتن زنجیره شلوار نظام بنیچه قبله عالم و عالیان روحانفاده میباشند و کمر بجهت بند قمه حضرت اقدس همایون شهریاری روحی و روح العالمین فداه می باشند که الی الیوم تمام شده . استاد ۱ ، شاگرد ۳ .

کارکنان مدرسه مجسم الصنایع و خارج از مجمع جملگی مشغول کارند و آنی غافل نمی باشند و همگی بدعای دوام دولت ابد مدت جاوید عزت حضرت اقدس همایون شهریاری اشتغال دارند .

بر نقاشان کتاب الفلیله بسیار جا تنگ می باشد بواسطه آنکه نقاش زیاد شده و علاوه یک حجره هم بجهت مذهب و صحاف گرفته شده .

۶۵ - عبدالوهاب حمزوی شیرازی

از سادات جلیل القدر حمزوی شیراز بود و در چهره سازی و گل مرغ دست بها جلوت داشت . از آثار این هنرمند ، قلمدان زیبائی دیدم که در وسط رویه آن ، تصویر دختر دلربا و طننازی را با البسه رنگین ترسیم کرده و در بالا و پایین آن ، گل و مرغی در شیوه مصطفی شیرازی ارائه داده بود . حواشی قلمدان نیز منظره و گل و مرغ ساده بود و رقم داشت . (عبدالوهاب حمزوی شیرازی ۱۳۳۶)

۶۶ - عبدالوهاب - خواجه کاکا

مولانا کمال الدین عبدالوهاب اهل شیراز بود و بخواجه کاکا شهرت داشت . دوست محمد هروی در دیباچه مرقع **برامیز** او در ذکر مذهبان کتابخانه علی ، باختصار بادی از این هنرمند کرده و چنین آورده است :
 ((دیگر ، پسندیده ، ولی الالباب ، استاد کمال الدین عبدالوهاب ، هنرور قابل با صفا مشهور به خواجه کاکا که کارش از شیرازیان بصفا ممتاز و درندیمی بی همباز

۶۰۷ - عبدالوهاب کاشانی

از نقاشان قرن ۱۰ هـ. ق. و پدر هنرمند صاحب استعداد، عبدالعزیز بود که احوالش در جای خود یاد گردیده است .
 صاحب گلستان هنر از این هنرمند، در احوال پسرش عبدالعزیز، مختصری یاد کرده و چنین نوشته است :
 ((خواجه عبدالوهاب و پسرش خواجه عبدالعزیز از کاشانند. در امر تصویر بیکرینه بودند)) سید احمد آهوجشم در مرقع امیر غیب بیک که در زمان شاه طهماسب اول ترتیب یافته است، از آثار استادانه ای که از این پدر و پسر هنرمند دیده یاد کرده و هنر آنها راستوده است .

۶۰۸ - عبدالوهاب مذهب باشی شیرازی

مذهب باشی چابک قلم و نادره کار شیرازی است که از طرف ناصرالدین شاه قاجار به لقب مذهب باشی مفتخر بوده است .
 این هنرمند امضای خود را با سجع (یا و هاب) ذیل آثار خود ارائه می‌داد و در مواردی به درج (عبدالوهاب) تنها اکتفا مینمود .
 آثار و هاب در تمام شیوه‌های طلاکاری و تذهیب، از قبیل تشعیر و افشان و حلک‌کاری و ترصیع الوان سرلوحه‌ها، استادی تمام العیار بود و در موزون و دقیق دشوار آنرا به تمام معنی استادانه عمل می‌آورد . بغیر از صنعت تذهیب که رشته مورد علاقه نقاش بحساب می‌آمد، در آبرنگ و قلمدان و جلدسازی استاد بود و در گل و مرغ و تصویر و شبیه برداری نیز دست موزون و نازک قلم داشت .
 متأسفانه سال تولد و مرگ نقاش معلوم نبوده ولی از سنواتی که در زهر آشکار بجا مانده خود قید کرده، معلوم می‌دارد، این هنرمند در سی سال آخر قرن ۱۲ هـ. ق. و دوران سلطنت ناصری، نقاشی موفق و کارآمد بوده و بخلق آثار گرانبه‌ای در سرگرم بوده است . از آثار رقم دار او دیده‌ام .
 ۱- تذهیب و آرایش بی نظیر قرآنی که بیخط میرعلی کاتب شیرازی کتابت شده و حالیه در کتابخانه گلستان ایران مضبوط میباشد . این کلام الهی را در کمال مهارت و تابناکی ترصیع کرده و رقم گذاشته .
 (قد فرغ من تذهیب القرآن فی شهر رمضان انا العبد المذنب عبدالوهاب ۱۲۷۷)
 ۲- از آثار دیگر این هنرمند، قلمدان چشم‌نوازی دیدم که با انواع نقوش اسلیمی و خطائی ترصیع و تذهیب گشته و در وسط رویه آن، دسته‌گل الوانی بنازک قلمی

تصویر گشته بود. و در کمندکناره قلمدان، رقم بسیار ریز داشت که نوشته بود.

(یا وهاب ۱۲۸۹)

۳- دیگر از قلمدانهای شیوای این هنرمند که در موزه هنرهای تزئینی تهران به یادگار است. قلمدان تحسین انکیزی است که در انواع شیوه‌های طلاکاری، تصویر شده و در وسط رویه آن گل و مرغ به حالتی جلب نظر میکند و در کناره‌ها رقم دارد.

(یا وهاب ۱۲۷۱)

۴- از آثار ارزنده دیگر هنرمند، جلد قرآنی دیدم که تذهیب‌های انبوه و افشان گل‌گشیزی داشت. حواشی کناره‌ها و بین کمندهای جلد، نقوش مارپیچی و اسلیمی‌های گرد زرین جلوه‌گر بود. و در تریج وسطی جلد که در زمینه طلای آتشی نقش شده بود، دسته گل زیبایی دیده میشد که آیتی از زیبایی بشمار می‌آمد.

این جلد که بزم نگارنده از شاهکارهای نقاش محسوب میگشت، رقم داشت.

(ذهبه العبد المذنب عبدالوهاب ۱۲۸۲)

۶۰۹- عبدالوهاب یزدانی

کوچکترین فرزند خطاط نامی شیرازی، محمد شفیع، ملقب به میرزا کوچک و تخلص وصال بود. که برادران وی عبارت بودند. ۱- احمد وقار ۲- محمود حکیم ۳- محمد داوری ۴- ابوالقاسم فرهنگ ۵- اسمعیل توحید ۶- عبدالوهاب یزدانی. در کتاب گلشن وصال، در مورد عبدالوهاب یزدانی چنین نوشته است:

((یزدانی شمیم فرزند وصال بوده و نامش عبدالوهاب میباشد) و در سال ۱۲۵۲ زاده شد، خط‌نسخ و نستعلیق و شکسته را خوب مینوشت و در کهنه کردن کاغذ و مرکب دست داشت، علم‌نقاشی را خوب آموخت و بحد کمال رسانید.

یزدانی در نقش‌ونگار با رنگهای روغنی برداوری برتر بود.

برده‌های نفیس تمثال بزرگان و عارفان، از او بیادگار ماند که خداوندان فن

را از دیدار آن شگفتی دست میداد))

بروایات دیگر، هنر فلزکاری نیز میدانست و چند کره افلاکی و چند اسطرلاب زیبا نگار، از خود بیادگار نهاده است. یزدانی سه پسر و سه دختر داشت که از آن میان، علی روحانی، خود از خوشنویسان ما هر بشمار می‌آمد. این هنرمند در سال ۱۳۲۸ ه. ق. و در هفتاد و شش سالگی بمرض استسقاء درگذشته و نزد برادرش فرهنگ و در بقیعه حضرت میرسید محمد مدفون گشته است.

متأسفانه از آن همه آثاری که در کتاب گلشن وصال یاد شده، حتی یک اثر رقم‌دار از این هنرمند ندیده‌ام. تنها اثر بجا مانده این هنرمند، تصویر و تحریر نیمه‌خسرو و شیرین نظامی است که با مرنا صرا الدین شاه و نقش‌ونگار شگفت‌آور، تصویر کرده و

بشاه قاجار هدیه نموده است .

از آثار استادانه خطاطی وی، کتیبه های قسمتی از رواق مطهر حضرت امام رضا علیه السلام است که در کمال استادی کتابت شده و رقم هنر مندرادارا میباشد .

۶۱۰ - عبیدی مصور

نقاش گمنام اواسط قرن ۱۱ ه.ق. هرات است .

از آثار رقم دار این هنرمند که گویا توسط پادشاه وقت سفارش شده، تصویر شخص فرمانروائی بود که ریش و سبیل بزی داشت و کلاه سفید عمای بسر گذاشته بود . این شخص، بنام ادوات و سلاحهای جنگی آن دوره از قبیل زره و شمشیر و خنجر و غیره مجهز بود و چکمه نرنگ بپا داشت . در بالای تصویر بخط نستعلیق نوشته شده بود .

(حسب الحکم حضرت نواب جهاننایی صورت تحریر یافت . بنده دولتخواه عبیدی مصور بدار السلطنه هرات حرست عن الافات والبلیات فی شهر محرم الحرام سنه ۱۰۰۰) تاریخ نقاشی بوضوح دیده نمیشد، ولی حدود ۱۰۵۸ بنظر میرسد .

۶۱۱ - عبید - محمد عبید

پسر آقا رضا و برادر ابوالحسن نادر الزمان، نقاش نامی ایرانی است که بسان پدر و برادر هنرمندش، نقاش صاحب قلم دوره شاه جهان هندی (۱۰۳۷ - ۱۰۶۹) بشمار آمده است . این هنرمند که بی شک مکتب پرغنا و بآواز پدر هنر مند و برادر بیهمتایش را درک کرده، خود تصویرگری شیرین قلم بوده و در شبیه سازی و چهره پردازی و ارائه مجالس رزمی و بزمی قلم پر قدرتی داشته است .

از آثار رقم دار این استاد که در کتاب پادشاهان ما جلب نظر میکند، تصویر پیر جلال شاه جهان است که بروی تخت سلطنتی نشسته و رجال و اعیان در مقابل او ایستاده و قطعه جواهری را بآنها نشان میدهد .

در قسمت پائین و سمت راست تصویر، چند مطرب نوازنده و وعده ای از افسران و رجال درباری دیده میشوند . رقم دارد . (رقم ولد آقا رضا عبید)

دیگر از آثار هنرمند، تصویر شاه جهان در دربار سلطنتی است که در کمال قدرت عمل آمده و رقم دارد . (رقم عبید برادر نادر الزمان مشهدی. در سنه ۶۰ با تمام رسید) از آثار رقم دار این هنرمند که در کتابهای هنری درج شده، یکی تصویر (مرگ خان جهان لودی) در کتابخانه قصر سلطنتی ویندسور انگلستان و دیگری در موزه ویکتوریا آلبرت لندن است که در آلبوم معروف وانتاگ قرار گرفته و رقم (محمد عبید) را دارا میباشد .

۶۱۲ - عبید اله خان

از مصوران و مذهبیان دستگاه ازبکان شیانی بوده و در هنر خودنازک قلم بوده است .

۶۱۳ - عثمان بن ابوبکر زنجانی

زنجانی و از استادان فلزکار و قلمدان سار قرن ۵۷۰ ق. است .
از آثار ارزنده این هنرمند، قلمدان برنجی با مهارتی است که بخطوط و نقوش متنوع اسلیمی آرایش یافته و بیخط کوفی تزیینی، رقم دارد .
(العزوالاقبال والسعاده والتلامه لی ما حبی... مقرب عثمان بن ابوبکر زنجانی)

۶۱۴ - عثمان بن سلمان نخجوانی

فرزند سلمان و هنرمند طراح و نقاش بروی فلزات سخت و اهل نخجوان است .
از تنها اثر رقم دار این استاد که بسال ۵۸۶ ه. ق. انجام یافته ، آفتابه فلزی خوش منظری است که در رویه آن، نقوش و طراحی های شیوه شمال شرقی ایران، با ستادی حکاکی کرده و رقم گذاشته . (عثمان بن سلمان نخجوانی)
مضبوط در موزه لوور پاریس .

۶۱۵ - عثمان - نقاش عثمانی

نقاش بیقربینه و مصور خاصه و آخر قرن ۱۰ ه. ق. عثمانی بود و در تصویر سازی و شبیه پردازی دست پر مایه داشت .
این هنرمند از شاگردان حسن کفه‌گی بوده و در تصویر آرایش کتابهائی که بسفارش سلاطین عثمانی ترتیب می‌یافته ، استادی پراعتبار بشمار می‌آمده است .
احوال دقیق و مستند این هنرمند را حتی در مدارک و اسناد عثمانی نیز بدست نیاوردم ، ولی در اوایل نسخه نفیسی که بنام (قیافه الانسانیه فی شمایل عثمانیه) نامیده میشود و از ده تصویر از نقاشی‌ها داشت و تاریخش سال ۹۸۷ بود ، در بیــــــــــــ
مطالب (سبب تالیف رساله) اشاره مختصری به نقاش کرده و چنین نوشته بود .
(اتفاقاً "بوخاندان عالی‌شانه متعلق اولان سیر سلاطین جهاد آئینیک شمایل لری بولونمغندن کلی اضطراب چکلوب و اول آثارنا مداردخی بولونوب یرلویرنسده مندرج اوالماسی اقصای مآرب ایکن ناگابه بخصوصه مصوران خاصه دن بیقربینه زمان اولان استاد عثمان ابله مطارحه قلوب و بعضیلری الهکتوریلوب وبالجمله فرنگی استاد لره بولندوغی تحقیق اولیجق صدرا عظیم و مشیر معظم حضرت لربینه معروض قلوب اهتام شریف لریله صور مآب که احسن مطالب ایدی میمرا ولوب .)
ترجمه مختصر اینک ، شمایل حقیقی سلاطین عثمانی که در این کتاب ارائه شده ، از

طراحی های نقاش بیقرینه و محور خا مه استاد عثمان و با جمله استادان فرنگی بدست آمده و با هتما م مدرا عظم وقت ، در این نسخه تصویر شده است .

از آثار شناخته شده این نقاش ، تما ویری در کتاب نزهت الاسرار و الاخبار ، بسال ۹۷۶ هـ . ق . است که در نوع خود ستودن دارد .

دیگر از آثار استاد عثمان و همکار هنرمندش استاد علی ، مینیا تورهای در نسخه شاهنامه سلطان سلیمان عثمانی است که بخط الیاس خطیب و سنه ۹۸۸ بوده و حالیه در موزه (فاین آرت بوستون) مضبوط میباشد .

دیگر از تما و پیرزیبای این هنرمند ، آثاری است که در کتاب هنرنامه و بخط محمد بوسنائی و تاریخ ۹۹۲ هـ . ق . جلوه گر بوده و بهمکاری استادان نامی دیگر از قبیل علی - محمد بیک - ولی جان - ملا تغلیسی - محمد برساوی انجام یافته و حالیه در موزه WORCHESTER ART MUSEUM قرار گرفته است .

۶۱۶ - عثمان بن وراق

مذهب نادره کار و بدایع نگار قرن پنجم هـ . ق . است که در خط و کتابت نیز دست پر قدرت و استواری داشته است .

تنها اثر رقم دار این هنرمند ، تذهیب و کتابت سی جزو قرآن مجید مضبوط در کتابخانه آستان قدس رضوی است که در کمال شیوایی و تابناکی تذهیب شده و در نوع خود کم نظیر میباشد . (۱)

در آغاز جزء و سرسوره ها ، صفحات تمام تذهیب و ترصیع در مقابل هم قرار گرفته که طرح و آرایش هریک از آنها ، با نقوش و طرح دیگر جزوها تفاوت دارد . اسامی سور و بسمله ، بخطوط و شیوه معروف زمان ، بخط کوفی و ثلث و رقاع کتابت شده که بیننده را وادار به تحسین مینماید .

رقم عثمان مذهب و خطاط کلام اله در دو صفحه آخر جزوسی ام و جزو پنجم دیده میشود که چنین است . رقم هنرمند در صفحه آخر جزو سی ام

(کتبه ابو عمرو عثمان بن الحسین الوراق الغزنوی غفر الله له و لوالدیه و لجمع امة محمد علیه السلام) و رقم عثمان در صفحه آخر جزو پنجم .

(کتبه و ذهبه عثمان بن الحسین بن ابی سهل الوراق الغزنوی غفر الله له و لوالدیه و لجمع المومنین و المومنات و الفراغ منه فی سنه اربع و ستین و اربعمائه) و در صفحه پشت آن (حامدا لله تعالی علی نعمه و مصلیا علی نبیه محمد المصطفی و علی آلہ و سلم کثیرا " العرفانی و الخط باقی)

استاد عثمان فرزند پرهیزی بنام محمد داشت که در فن تذهیب و خطاطی شایسته بود. از تنها اثر ممتاز استاد محمد که بسیاق و شیوه پدر تذهیب و کتابت کرده، جزوهای از کلام الله مجید است که رقم دارد.

(وذهبه محمد بن عثمان بن الحسین الوراق الفزنوی)

بنظر نگارنده کلمه (کتبه) از اول رقم استاد از بین رفته و پاک شده است.

۶۱۷ - عزیز

مینا ساز شیرین قلم و اخ‌ر زنده بود و در آرا نه گل و بوته دست شیوائی داشت جلد قمه مینا شی و پر حلاوتی از این هنر مند دیدم که در زمینه سفید و آرایش گلهای مختصر و لوزی شکل، که در بین آنها گلهای خوش ترکیب و ریزی جا داده بود، به پاکیزگی تمام نقاشی کرده و بخط طفرائی قرمز رقم نهاده بود. (یا عزیز ۱۲۰۷)

۶۱۸ - عزیز بن محمد

فرزند محمد و از مذهبیان نادره کار و استاد قرن ۵۹۰ ق. بود و در تذهیب و آرایش قرآنها و کتابها دست پرتوان و درخشنده داشت. آثار رقم داروی را ندیده‌ام.

۶۱۹ - عزیز مغل

از قلمدان سازان گمنام و اوایل قرن ۱۳۰۰ ق. کشمیر بود و در تصویر گل و مرغ و ترسیم نفوش ابری و تشعیر طلائی دست داشت. شیوا ترین اثری که از این هنر مند دیدم، قلمدان بزرگ و درشتی بود که گل و مرغهای زیبا و تشعیر طلائی و اسلیمی‌های درهم داشت و رقم نقاش چنین بود. (عزیز مغل) دیگر اثر زیبا و خوش قلمی که از این هنر مند دیدم، جلد منقش و پرکار گل و مرغی بود و رقم داشت. (احقر الناس عزیز مغل ۱۲۲۵)

عضدی بخاری در میر عضدی بخاری آمده.

۶۲۰ - عطاء نقاش

نقاش شیرین قلم و پرکار رکتا بخانه دربار بایسنقر میرزا (۸۰۲ - ۸۳۷ هـ) بود و در نقش تما و بیرنسخه‌های خطی، دست کم قرینه داشت. در عرضه داشت معروف جعفر بایسنقری که تفصیل آن در صفحه ۸۹ این کتاب قید شده، نام این نقاش نیز جزو تصویرگران نامی آن دوره ثبت شده و چنین درج گشته است. ((خواجه عطا، اجزای گلستان تمام کرده و به لوح تاریخی که مولانا سعد الدین کتابت کرده و لوح را بموم رسانیده به تتمه مشغول است.))

۶۲۱ - عطای جدول کش

جدول کش نامی و استاد هنر مند کتا بخانه دربار باربا یسنقر میرزا (۸۰۲ - ۸۳۷ هـ) بود و در آرایش کتا بها دست داشت .

در عرضه داشت معروف جعفر بایسنقری که تفصیل آن در صفحه ۸۹ این کتاب یاد شده نام این هنر مند جزو جدول کشان ثبت شده و چنین قید شده است :
 ((خواجه عطای جدول کش، تاریخ مولانا سعدالدین و دیوان خواجه اتمام کرده به شاهنامه مشغول است))

۶۲۲ - عطاءاله صنیع السلطان

از شرح حال این نقاش رنگ و روغن ساز، در منابع تاریخی زمان رحیسات وی اطلاعی بدست نیامد، ولی با مشاهده آثار بجا مانده رقم داروی معلوم می‌دارد، فعالیت هنری این نقاش در زمان مظفرالدین شاه بوده و چه بسا ممکن است از طرف این پادشاه نیز به لقب صنیع السلطان ملقب شده باشد .

عطاءاله در شبیه سازی دست داشت و صورت رجال و مشاهیر معاصر خود را بر رنگ و روغن، مصور میساخت .

از ارقام لاتینی که در ذیل آثار خود علاوه می‌نمود، بعید نبود که یکی از زبانهای خارجه آشنا بوده و یا اینکه جنبه خود ستائی داشته است .
 از آثار او دیده ام :

۱- تصویر رنگ و روغنی جوانی کمال الملک بود که شبا هت زیادی به استاد داشت و رقمش بفارسی و لاتین چنین بود .

(عطاءاله صنیع السلطان ع - ۱ - ۱۳۲۶) (*Sani es Sultan*)

۲- دیگر دو تصویر رنگ و روغنی از صورت حکیم تولوزان فرانسوی بود که رقم یکی بسان امضای تصویر شماره ۱ بود و دیگری رقم ساده داشت و نوشته بود .

(صنیع محرم ۱۳۲۶) دو تصویر طولوزان، در یکی از حراجهای شهر تهران بفروش رسید و تصویر کمال الملک حالیه در موزه هنرهای تزئینی پایتخت مضبوط میباید .

۶۲۳ - علاءالدین بن شمس محمد بیرجندی

فرزند شمس و اهل بیرجند بود و در فلزکاری و طلا و نقره کوبی دست پرمهارت داشت اصیل ترین اثر رقم دار این هنر مند، مصنوع فلزی پرمهارتی بود که رقم داشت .

(عمل اقل العباد علاءالدین بن شمس محمد البیرجندی فی غره شهر رمضان المبارک سنه ثمان وتسعمائه)

عطا: مذهب شیرین قلم عثمانی است که در اوایل قرن ۱۳ هـ.ق. بتذهیب کتابها اشتغال داشته است.

۶۲۴ - علاء الدین نقاش

نقاش والامقام دوران سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰ م) بود و در معیت پدر و برادرش کمال نقاش در دربار عثمانی فعالیت هنری مینمود.

۶۲۵ - علی اصفهانی

قلمدان ساز گمنام و شیرین قلم اصفهانی بود. آثار این هنرمند قلمدان گل و مرغی خوش نقشی دیدم که در شیوه لطفعلی انجام یافته و رقم داشت. (رقم بنده علی اصفهانی ۱۲۹۶)

علی - در درویش علی آمده.

علی اصفهانی - در میرزا علی آمده.

۶۲۶ - علی بن سلطان الکتاب

فرزند محمد رضا سلطان الکتاب، خطاط دوره ناصری بود و در شعر صفا تخلص مینمود. این هنرمند برادر نقاشی بنام میرزا تقی داشت که آبرنگ و قلمسدان میساخت و تقی بن سلطان الکتاب امضا میکرد.

حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام - بدو روایت کویاگون که در اسناد قدیمی بجای مانده، حضرت علی علیه السلام را نیز در امر تذهیب و نقش شمشه قرآنها، صاحب قلم یا دسموده و مخترع اولیه نقوش اسلامی دانسته اند. گویا اینکه این منظره پرکار بعلمت خدمت بخلق اله و طاعت و عبادت الهی برای آن حضرت ممکن نبوده، ولی جهت اطلاع علاقمندان، عین آن روایات را نقل نموده و از شرح بیشتر خودداری مینمائیم:

۱- در دیباچه مرقع بهرام میرزا و در مقدمه نقاشان و مذهبان ماضی چنین نوشته: ((در احبار چنین آمده است که اول کسی که به نقش و تذهیب زینت امزای کتاب کلام لازم الترهیب تدبیر، حضرت با حضرت امیرالمومنین و امام الموقین اسدالله الغالب و غالب کل غالب و مطلوب کل طالب علی بن ابی طالب کرم الله وجهه بودند و ابواب این بعامت را آن حضرت به مفتاح قلم بروی این طایفه گشودند و چند برگ که در عرف نقاشان با اسلامی معروف است آن حضرت اختراع فرموده اند.....))

۲- سید احمد مشهدی نیز در مقدمه مرقع امیرغیب بیک چنین آورده است:

((چون چهره گنایان بیکر این فن بدایع اثر نسبت این هنر بقلم معجز رقم شمشه آل عباس علی المجتبی درست مینمایند و متمسک بدین اندک که در نقوش اقلام کرامت نظام آن حضرت که بتذهیب ایشان مزین است برای العیون مشاهده نموده اند که قلمی فرموده. (کتابه و ذهبه علی بن ابیطالب).))

استاد علی تذهیب را پرمهارت میساخت و در آبرنگ و چهره پردازی نازک قلم و صاحب کمال بود. از آثار او دیده ام:

۱- تصویرنشسته مظفرالدین شاه به آبرنگ بود که در محدوده بیضی شکلی قرار داشت. در این آبرنگ، شاه قاجار شمشیر بکمرداشت و جواهرات درشت و گران قیمتی بسمینه خود نصب کرده بود. در پشت سر مظفرالدین شاه، پرده قرمز رنگی جلب نظر مینمود و مناظر در دست و درختان سرسبز باغ، از کنار ره آن دیده میشدند. حواشی تمویس، تذهیب و جداول زرین داشت و رقم نقاش چنین بود.

(رقم جان نثار علی بن سلطان الکتاب)

۲- دیگر اثر خوش پرداز این هنرمند که در قطع بزرگ بود و تذهیب و تشعیر آراسته داشت. تمویری از رجال قاجاری بود که البسه و آذین دوره قاجاری داشت و پرداز صورتش فوق العاده بود و رقم داشت.

(علی بن سلطان الکتاب)

۳- سومین اثر آبرنگی این نقاش، تمویری از رجال شیرازی بود که بنازک قلمی عمل آمده و تذهیب خوش نقش داشت.

شخص مزبور که گویا یکی از خاندان معروف نمازی ها بود، لباس بلندی بتن کرده و روی صندلی نشسته بود، رنگ آمیزی صورت و البسه و سایر تزیینات شیوا بود و در داخل ترنجی رقم داشت: (کمترین علی بن سلطان الکتاب)

تذهیب کنار ه های تصویر، خوش قلم و پر قدرت بود و در قسمت بالای آن این اشعار جلب نظر مینمود.

آفرین بر کلک سحرانگیز این صورت نگار

کز مهارت برده معنی ها در این صورت بکار

بی عبارت راز گوی و بی اشارت رازجوی

بی تکلم دلفریب و بی تبسم جان شکار

علی بن سلطان محمد هراتی در میرزا علی آمده.

علی - سید علی در میرید علی آمده.

۶۲۷ - علی بن محمد ابراهیم اصفهانی

اصفهانی و فرزند آقا ابراهیم نقاش شیرین کار اوایل قرن ۱۴ ه. ق. است که

زیر نظر پدر تعلیم یافته و در آبرنگ مهارت پیدا کرده است.

از آثار آبرنگی و امضادا را این هنرمند که حدود ۲۰ x ۳۰ سانتیمتر اندازه داشت، تصویر منجمان و ستاره شناسان بود که به رصد افلاک نشسته و ستاره شناسی میکردند. سایه های اثر، هاشوری بود و رنگ آن خلوت خاصی داشت و رقم نقاش چنین بود.

(علی بن محمد ابراهیم اصفهانی)

۶۲۸ - علی بن محمد بن ابوالقاسم

نگارگر و طراح فلزات سخت در اوایل قرن ۵۷۰ ق. بود و در نقش و نقرتما و پیر، بشیوه نقره و طلا کوبی دست داشت و در قالب ریزی و مجسمه سازی نیز، از استادان بیقرینه زمان بشمار میآید. از آثارش با او استادان این هنرمند، مجسمه فولادی سه حیوان بود که در حالت استثنائی عمل آورده و به تردستی انجام داده بود. در این اثر قالب، گاو و گوساله خود شیر میداد، مورد حمله شیری واقع شده بود که روی پشت گاو نشسته و گاو را و گردن وی را بدهن گرفته و حیوان را متصل کرده بود. این مجسمه استادان که بنوشته خود هنرمند، یک جا قالب گیری شده و اتمام یافته بود، مبین قدرت قلم و ابتکار نگار هنرمند بود که با نداشتن آلات و ادوات مخصوص در آن دوره ها به خلق چنین اثری دست یافته بود. مجسمه این حیوانات که با ستادی از فولاد ساخته شده و نقره کوب گشته بود، در کمال چشم نوازی و قدرت قلم جلوه مینمود، که نقوش زیبایی نیز از گل های گوناگون و خطوط تحریری بروی آن علاوه گشته بود و رقم نقاش که بروی گردن گاو جلب نظر میکرد، چنین بود. (عمل علی ابن محمد ابن ابوالقاسم نقاش بتا ریخ محرم سنه ثلاث و ستمائه) و در کناره درج شده بود.

(ابن گاو و گوساله و شیر هر سه یک باره ریخته شده است)

بعد نام مالک و سفارش دهنده را که شاید پادشاه یا شاهزاده ای بوده باشد داده و ثبت کرده بود. (بتوفیق یزدان دادگر پروردگار مقبل روزبه بن فریدون بزرین. برکته لما حبه. شاه فرزندان ابریدون ابن)

۶۲۹ - علی بن محمد ابوشجاع قمی

کج برو طراح نقوش مساجد و بقاء متبرکه و از اهل قم بود که در خدمت امراء خاندان علی صفی (امراء مستقل قم در قرن ۵۸۰ ق.) بکار احداث و تزیین بناها اشتغال داشت. از آثار ارزنده این استاد، تزیینات بقعه احمد بن قاسم است که در سنه ۵۷۸۰ ق. انجام یافته و معرف زبردستی استاد بشمار میآید.

۶۳۰ - علی بن محمد - کاشی ساز

نامش علی و فرزند محمد بن ابی طاهر بن ابی حسن بود که در تصویر بر روی کاشیها و پخت و لعاب کاری آنان و همچنین در خط نسخ و ثلث و رقاع دست پر مایه ای داشته است. پدر و جد بزرگ و فرزندان وی نیز در این هنر موروثی پراستعداد بودند و از هنرمندان کاشی ساز و صاحب نام زمان خود بشمار میآیند.

استاد علی فرزندی نیز بنا می‌سوزد داشت که در کاشی کاری و آرایش آن، استادی تام‌العبار محسوب می‌گشته و در زمره کاشی سازان متبحر بوده است .
آثار رقم‌دار و منسوب وی عبارت است از :

۱- کاشیهای زیبا و پرمهارت محراب مسجدورا مین در موزه فیلا دلفیا ، که از نفایس هنری کاشی سازی بوده و رقم‌دارد . (کاتبه علی بن محمد بن ابی طاهر)
۲- دیگر ، محراب باشکوه و پراورش مسجدی از شهر قم است که حالیه در موزه دولتی برلین قرار گرفته و رقم‌دارد .

(کاتبه علی بن محمد بن ابی طاهر . عاشر من مفرثات وستین وستما نه)

۳- دیگر ، محرابی در یکی از مساجد شهر مشهد مقدس است که از کارهای علی بن محمد بوده و در نوع خود بسیار زیبا فزایم باشد .

۴- دیگر از آثار پراورش این هنرمند که تاریخ ۶۸۸ را دارا می‌باشد . محراب اما مزاده حبیب بن موسی در کاشان است که حالیه در موزه ایران باستان مضبوط بوده و از نفایس هنر کاشی سازی بشمار می‌آید .

شجره نسب این خانواده را که در اعتلای هنر کاشی سازی میهن ما سهم با اعتباری داشتند از روی کتاب (عرائس الجواهر و نفایس الاطایب) که بکوشش آقای ایسرج افشار منتشر گشته جهت علاقمندان ارائه میگردد .

۱- هبته الله الحسینی حدود ۳۶۳ ه.ق. اثری از وی شناخته‌نشده .

۲- یحیی بن هبته الله الحسینی حدود ۴۱۳ ه.ق. اثری از وی شناخته‌نشده .

۳- محمد بن یحیی بن هبته الله الحسینی حدود ۴۶۲ ه.ق. اثری از وی شناخته‌نشده .

۴- ابوالحسن بن محمد بن یحیی بن هبته الله الحسینی حدود ۵۱۲ ه.ق.

کاشی ساخت این استاد در مرقد امام رضا (ع) در مشهد موجود است .

۵- ابوطاهر بن ابی حسن حدود ۵۶۱ ه.ق. اثری از وی شناخته‌نشده .

۶- محمد بن ابی طاهر بن ابی حسن حدود ۶۱۲ ه.ق. (چهار اثر شناخته شده دارد)

۷- علی بن محمد بن ابی طاهر بن ابی حسن حدود ۶۶۵ ه.ق. (چهار اثر شناخته شده دارد)

۸- عبدالله بن علی - نویسنده کتاب عرائس الجواهر

۹- یوسف بن علی حدود ۷۱۰ ه.ق. (پنج اثر شناخته شده دارد)

۶۳۱ - علی بایسنقری

مولانا علی ، نقاش دوره بایسنقر میرزا (۸۰۲ - ۸۲۷ ه.ق.) بود و در نقاشخانه آن

علی بن عبسی اسطرابی - اسطراب سا پر مهارت اوایل قرن سوم هجری بوده و در سنوات ۲۱۷ ه.ق. بخلق آثار مورد علاقه خود اشتغال داشته است .

پادشاه نقش و تصویر می آفرید. در عرضه داشت معروف جعفر با یسنقری کسه جهت گزارش فعالیت هنری، بعرض با یسنقر میرزا رسیده و تفصیل آن سند، در صفحه ۸۹ این کتاب ارائه شده، نام مولانا علی نیز که مسئول طرح نقوش اولیه شاهنامه بایسنقری بوده، جزو استادان تصویرسازی قدیم و چنین یاد شده است.

((مولانا علی روز تحریر عرضه داشت بطرح دیباچه شهنامه (۱) مشغول شد و چند روز چشم او درد میکرد.))

۶۳۲- علی (حسینعلی) نقاش میناساز

میناسا زهرمه هرات و نقاش چهره پرداز و شبیه ساز دوره فتحعلیشاه قاجار بود و در گل و مرغ و ترمیع جواهرات، نازک قلم و دست پرابتکار داشت.

نغیس ترین و زیباترین اثر مینائی این نقاش که در موزه جواهرات بانک ملی مضبوط است، آینه پراآذین مینائی بیضی شکلی است که حواشی و کناره های آن، مرصع بجواهرات قیمتی بوده و دسته یشم سفید دارد.

در بیضی کوچک تروسط آینه، تصویر پرزیب و زینت فتحعلیشاه نقش شده که با لبسه سلطنتی و جواهر نشان ملبس شده و روی دوشک مروارید دوزی قرار گرفته است.

شاه قاجار به متکای جواهر نشان تکیه داده و مرکز معروف خود را روی زانوان نهاده است. در زمینه بالای تصویر بخط نستعلیق زیبا نوشته شده.

۱- این شاهنامه همان شاهنامه معروف بایسنقری است که چند سال پیش در چا پخانه ۲۵ شهریور تهران در کمال نفاست و زیبایی طبع و توزیع گردید و چون هیچ یک از میبیا توره های کتاب، رقم صریح نقاش را نداشت، هنرشناسان داخلی و خارجی ترسیم آن را به هنرمندان مختلف زمان بایسنقری منسوب دانستند و خوشبختانه با پیدا شدن این سند ذی قیمت، نام بعضی از هنرمندان که در نقاشخانه سلطنتی کار میکردند و بالطبع در نقش تصویر و تذهیب و تجلید و تمحیف آن نیز شرکت داشتند، درج شده بود که اسامی آنها با اختصار نقل میگردد.

۱- (امیرخلیل هراتی نقاش) ۲- (مولانا علی طراح شهنامه) ۳- (خواجه عیانت الدین نقاش) ۴- (مولانا شهاب) ۵- (مولانا قوام الدین مجلد) ۶- (محمود نقاش) ۷- (حاجی محمود نقاش) ۸- (خواجه محمود نقاش) ۹- (خواجه عطا نقاش) ۱۰- (خواجه عبدالرحیم طراح) ۱۱- (حاجی حل کار) ۱۲- (خطای حلکار) ۱۳- (استاد سیف الدین نقاش) ۱۴- (امیر دولت یار طراح و نقاش)

در این سند، تعداد هنرمندان را اعم از نقاش و سایر حرفه ها، رو بهم ۷۵ نوشته که خود جعفر با یسنقری نیز که بت شاهنامه را بعهده داشته است.

ودر حواشی و داخل بیضی بزرگتر، گل و بوته الوان و دلربائی مینائی شده و بروی یکی از گل سرخها رقم دارد. (غلامخانه زادعلی) و در کنارهای کلهای الوان، این اشعار بچشم میخورد.

- (۱) تا ماه بود آینه طلعت خورشید - از کردش این آینه گون چرخ معمر
 (۲) پیوسته بود زیور آئینه دولت - عکس رخ زیبای شهنشاه مظفر
 (۳) هم سایه او ما شطه پرتو خورتید - هم خنجر او عاقله گردش اختر
 (۴) هم حرم گران لنگر او دایه خارا - هم غرم سبک پویه او فایده صرصر
 (۵) هر جا که بر او مشرعه آرامش فردوس - هر جا که بکوش همه هنگامه محشر
 (۶) از خون عدو غا زگر چهره گردون - از کرد سپه سرمه کش دیده اختر
 (۷) جود و دل بخشنده شه موجه دریا - مجد و کهر پاک ملک نفحه و عنبر
 (۸) امن و سخطش غایله خسته جلاب - آزر و کرمش واقعه مسنه و ژاغسر

تصویر رنگی این آینه مینا، در صفحه ۷۱ کتاب جواهرات ایران، تالیف:

V. B. MEEN AND A. D. TUSHINGHAIN که به سال ۱۹۶۸ چاپ شده دیده میشود.

۲- سومین اثر مینائی این هنرمند، تصویر ایستاده فتحعلی شاه است که روی سنگ بشم ارائه شده و جوانب آن مرصع بجواهرات قیمتی میباشد. در حوالی تصویر، گل و بوته های الوان مینائی به استادی ترسیم شده که واقعا "در خور تحسین است". در این تصویر، فتحعلی شاه عمای بلندی بدست گرفته و لباسهای سلطنتی او مزین به سنگهای قیمتی و مروارید میباشد. در روی معجز چوبی اطاق دو گلدان پر گل دیده میشوند و در زیر معجز رقم دارد. (غلامخانه زادعلی)

۳- سومین اثر مینائی نقاش، مدالیون گلابی شکلی با بعد ۵ x ۶ سانتیمتر بود که در حراج ساتبی سال ۱۹۷۸ لندن بفروش رسید. در این اثر ارزنده، تصویر محمد علی میرزا دولت شاه، یکی از پسران فتحعلی شاه که بهمان پدرتاجدارش ریشت بلندی داشته و کلاه جواهر نشان بسر گذاشته، به استادی نقش بسته بود و رقم داشت.

(غلامخانه زاد علی)

۶۳۳ - علی صحاف

بنوشته اعتماد السلطنه در روزنامه ایران، سال ۱۲۹۹ ه.ق. دو استاد دینامهای میرزا عبدالوهاب و میرزا علی محمد مذهب با معیت میرزا علی صحاف و چهار شاگرد دیگر مشغول تذهیب و تصحیف کتاب الف لیه بوده اند.

از این گفته چنین برمیآید که این استاد، صحاف زبردستی بوده و در کتابخانه سلطنتی بکار صحافی اشتغال داشته است.

۶۳۴ - علی - فلزکار عثمانی

طراح و نقاش بروی فلزات سخت بود و اغلب قلمدانهای نقره‌ای میساخت .
از این استاد، قلمدان کم‌نظیر نقره‌ای دیدم که به نقوش و آرایش عثمانی، عمل
آمده و در رویه آن یک یا قوت دلربا نصب گشته بود .
در داخل قلمدان طفرای (یا بدوح) جلب نظر می‌کرد و رقم داشت .
(قد عمل علی سنه ۱۱۳۹)

۶۳۵ - علی قلمدان ساز

قلمدان ساز و مجلد دوره فتحعلیشاه قاجار بود و در ترسیم گل و مرغ و تذهیب
و ترصیع آن، استادی خوش قلم بشمار می‌آمد .
از جلدهای رقم‌دار روی که بگل و مرغ، آرایش و تذهیب شده و به نستعلیق زیبا،
اشعاری در وصف فتحعلیشاه ثبت کرده، در کتابخانه گلستان تهران قرار گرفته که
رقم دارد . (رقم کلک علی بنده خاقان آمد ۱۲۴۱)

علی کاشانی - در میرزا علی کاشانی آمده .

۶۳۶ - علی کله گوش

هنرمند صورت‌نگار و نقاش خوش قلم اواسط قرن ۱۰ ه. ق. است .
قاضی احمد در گلستان هنرازان استاد یاد کرده و چنین نوشته است .
(مولانا علی مشهور به کله‌گوش و نیز گوش در معامله تقلید مهر شاه عالم پناه
شاه طهماسب اول ۹۸۴ - ۹۳۰) همراه یاران (از قبیل عبدالعزیز و علی اصغر
کاشانی) بیاد داده بود، کاشانی است . در مشهد مقدس در کتابخانه نواب میرزائی
بود، کار می‌کرد و مواجب و انعام داشت .)

۶۳۷ - علی - نقاش رنگ و روغنی

از نقاشان اواسط قرن ۱۳ ه. ق. بود و در رنگ و روغن دست داشت . از آثار رنگ
و روغنی وی، تصویری از رجال قاجاری را دیدم که در حد متوسط نقاشی شده و رقم
داشت . (خانه زاد علی سنه ۱۲۶۷)

۶۳۸ - علی - نقاش روغنی

نقاش گمنام و زبردست اوایل قرن ۱۳ ه. ق. بود و با سجع (یا علی بن ابوطالب)
رقم مینهاد . از این هنرمند، تک جلد روغنی و پرمایه‌ای دارم که بشیوه آقا میرکی
انجام یافته و در نوع خود زیبا افزا می‌باشد .

این اثر پرپیرایه که در زمینه نخودی انجام یافته، خرمن رنگینی از گلهل‌سای کوناگونی است که برنگهای سیر و تاریکه نقش گشته و با تشعیر و حل کاری استادانه حاشیه‌گیری شده است. در کنارها نیز بمان گل‌های اندرونی، بنفشه‌های تزئینی رسم شده و حاشیه آنها، حل کاری گشته است. این تک جلد در با و پراژین که در شیوه خاصی انجام یافته، معرف حسن سلیقه و قدرت قلم‌نقاش بشمار می‌آید که بخت شکسته تحریری رقم دارد. (یا علی بن ابوطالب ۱۲۰۲) تصویر شماره ۶۶

۶۳۹ - علی - نقاش دوره صفوی

از نقاشان اواخر قرن ۱۰ ه. ق. بود و در شیوه محمد زمان تصویر می‌ساخت. از آثار رقم دار این هنرمند که در بریتیش میوزیوم دیدم، تصویر شاهزاده جوانی بود که لباسهای راه راه دوره صفوی بتن کرده و تاج بلندی که چندین پره‌های مختلف بروی آن دیده می‌شد، بر سر نهاده بود. در مقابل شاهزاده، دختر طنا زو پرحال‌تی که لباس سینه‌با ز پوشیده و چند ریمه مروارید بگردن آویخته بود، با شاهزاده صحبت می‌کرد و گلی با و تعارف مینمود. کلاه و لباس و حالت چهره و نوع آرایش در سبک صفوی بود و تپه‌های انتهای تصویر، زیبا جلوه می‌کرد و رقم داشت. (رقم غلامزاده قدیمی علی)

۶۴۰ - علی - نقاش ناخنی

تمام ویر حیوانات و گل و مرغ و سایر اشکال مختلفه را در کمال زبردستی و شیوه ناخنی، بمهارت انجام میداد و در نستعلیق و نسخ ناخنی هم، قلم خوش داشت. از آثار پاکیزه و پخته این هنرمند که بروی کاغذهای آهار و شیوه ناخنی انجام یافته، دسته‌کل متنوعی، در مجموعه دارم که در نوع خود از بهترینها بوده و رقم دارد. (عبده علی)، دیگر از آثار شیوای این استاد، که از نزدیک دیدم، تصویر گرفت و گیرگاو وحشی با خرس قوی هیگلی بود که بهم در آویخته و خرس را از میدان بدر کرده بود و رقم داشت. (رقم علی ۱۳۱۰)

قطعه دیگر هنرمند که مبین استادی و مهارت نقاش در امر ناخنی بود. تصویر کودکی لخت و عوری بود که با چوبدستی، با لک لک بلندقندی بازی میکرد و او را پرواز میداد. حالت کودک و آرائش استادانه پره‌های لک لکه ستودنی بود و رقم داشت. (نقشه علی)

۶۴۱ - علی - نقاش هراتی

نقاش گمنام قرن ۹ ه. ق. دوره امیر علی شیر نوائی (۸۴۴ - ۹۰۶) است. از این هنرمند، اثری در موزه خزینه اوقاف ترکیه بیا دگا راست که تصویر علی شیر نوائی را

بالباده قهوه‌ای بلندی که بتن کرده نشان داده است .

در این اثر شبیه پردازی، علیشیربعضا تکیه داده و کلاه عما مه‌ای سفید رنگ انتها سبز، بمرگذاشته و ریش و سبیل سبک دارد . امیربا تدبیر که گویا دل بجمال جوان زیبا روشی، بنا م میرزا چوچوک بسته ،واله وحیران در مقابل جوان ایستاده و شاخه گلی را از دست وی میپذیرد .

جوانک شاد و خندان که بکلاه والیبسه طلائی و شیوه هراتی ملبس شده ، کلاه پرتاوسی و تاج دار بمرگذاشته و لباده مزین و گل داری بروی لباسهای زیرین بتن کرده است . در بالای تصویر بخط ریز نوشته :

(صورت دلپذیر میرزا چوچوک و امیربا تدبیر و نظیرا میرنظام الدین علیشیر)
در گوشه راست پائین تصویر ، رقم گذاشته . (صوره الفقیر علی)

۶۴۲ - علی نگارگر عثمانی

از هنرمندان برجسته و مصورشیرین قلم ، تما ویر نسخه معروف هنرنامه مضبوط ، درموزه توپ قاپوسرای ترکیه است . این کتاب که بخط سنان بن محمدبوسنائی و در سنه ۹۹۲ ه.ق. کتابت شده ، چند تصویر از این هنرمندان را در که تا یسته وقت میباشد . دیگر آثار این هنرمند که بهم کاری استاد عثمان انجام یافته ، تماویری در شاهنامه سلطان سلیم خان عثمانی است که بمال ۹۸۸ و توسط الباس خطیب ، کتابت شده و حالیه درموزه (فاین آرت بوستون) بیادگار میباشد .

۶۴۳ - علی آقا - قاطع و نقاش

کاغذبرچا بک دست قرن ۱۴ ه.ق. بود که نقوش مورد دلخواه را بروی کاغذهای مخصوص طرح کرده و با فیچی و ادوات مخصوص آنرا بریده و حالت میداد .

از آثار بربر و سواس و دقیق کار این استاد ، تزیین و کتابت اسماء مبارکه الهی و امامان ذوی الاحترام بود که بخط استادانه ای طراحی شده و حواشی آنرا بگل های تزیینی بسیار خوش منظرونازک قطعی ارائه داده و در داخل ترنجی رقم نهاده بود .

(علی آقا)

۶۴۴ - علی آقای خوانساری

اهل خوانسار و مذهب چابک قلم و خطاط خوش رقم و ایل قرن ۱۴ ه.ق. بود . از تنها اثر رقم دار این استاد که درموزه هنرهای تزیینی تهران دیدم ، جلد روغنی اندازه رحلی بود که به انواع نقوش تذهیبی و طلاکاری آرایش یافته و در نوع خود ارزنده بشمار میآید .

رقم نقاشی در داخل هشت ترنج گوناگون و بخط رقاع استادانه و رنگ طلائی

جلب نظر میکرد که چنین بود :

(۱) حسب فرمایش سرکار ۲- مقرب الخاقان جلالتمدار ۳- آقا میرزا زکی خان ۴- نوری من طایفه ۵- ویلک ساکن اصفهان ۶- عمل خادم آستان ۷- ارباب صنعت ۸- علی آقای خوانساری (۱۳۰۴)

۶۴۵ - علی احمد دهلوی - نشانی

فرزند حسین نقشی دهلوی است که در علوم هیئت و طبیعی دست داشته و در هنر حکاکی و نگین تراشی از پرهیزان دوره جهانگیری (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ ه.ق.) هند بوده است. این استاد زبردست، علاوه بر عقیق تراشی، همه اقسام خط را استادانسه مینوشت و در شعر (نشانی) تخلص میکرد.

در صفحه ۸۱ تزوک جهانگیری از این هنرمند یاد کرده و چنین نوشته :

((من حقیقت شعری را تفحص میکردم که ملا علی احمد مهرکن که در فن خود از بی نظیران عصر و عهد بود نسبت خلیفه و خدمتگزاری قدیم داشت و در ایام خورد سالیهها که سبق پیش پدر را میخواندم، پیش آمده و چنین نقل کرد که من از پدر خود شنیده‌ام. ملا مشارالیه چون سخن را بدین جا رسانید و کلمه آخر مصرع ثانی که بر سمت کنج کلاهی بر زبانش جاری شد، حال برو متغیر گشته و بیخودانه افتاد.....))
و در آئین اکبری خطی مجموعه نگارنده نیز یادی از این هنرمند کرده و چنین آورده است : ((فولاد را کسی بر او نهارست و خط شناسان او را در این صفت بیهمتای روزگار دانند و از نگارش او ستادی بر سازند. غیر از تعلیق، خطوط به و الاپا یکی رسانید، لیکن نستعلیق را در روی عقیق و نگارگری او بس دلفریب آراید و این پیشه را از پدر خود شیخ حسین برگرفت.))
از ابیات شیرین نشانی که راجع بحرفه و مهارت خود تنظیم کرده این شعر جلب نظر مینماید.

زیرنگین من شده روی زمین تمام - من چون نگین، بدور گریبان سراندرم

۶۴۶ - علی اسکداری

اهل اسکدار عثمانی و مذهب و نقاش نازک قلم ادرنه کاری قرن ۱۲ ه.ق. آن دیار است. مرحوم مستقیم زاده در تحفه خطا طین، از این هنرمندان مبرده و وی را نقاشی بی نظیر دانسته و از شاگردان یوسف مصری معرفی نموده است.
این هنرمند در آرایش جلدها، شیرین عیار بود و در تلفیق رنگها و صنعت تذهیب و تشعیر دست پر قدرت داشت. ادرنه کاری و با ادرنه ایشی، همان تما و پرروغنی لاک است که از تاریخ ۱۲۷۸ میلادی، در کشور عثمانی شروع شده و قدیمترین اثر بجا

مانده از آن دوره، رحل چوبی روغنی است که بشیوایی تمام ترسیم و روغن کساری شده و حالا در موزه مولوی قونیه فرار گرفته است.

این هنرمند زیبا نگار، دوران سلطنت چهار سلطان عثمانی، از قبیل سلطان احمد سوم و محمود اول و سلطان عثمان و مصطفی سوم عثمانی را درک کرده و در زمان آنها فعالیت هنری داشته است. صنعت ادرنه کاری، در زمان این هنرمند اعتبار و الائی داشته و پادشاه و مزدخوبی نیز نصیب هنرمند صاحب قلم میکرده است.

در آرشاقودیمی موزه توپ قاپوسرای ترکیه، سندی دیده میشود که مزدهنرهای روغنی آن دوره را آشکار میسازد. در این سند که بسال ۱۱۴۳ ه.ق. تنظیم شده و توسط فرد مسئولی، بنا به سلیمان آقا داده شده، برای روغن کاری یک جعبه، پنج غروش پرداخت شده و برای استاد دیگری بنا به علی چلبی که کارش تا حدی بهتر بوده، جمعا شصت و سه غروش و چهل پارا تحویل گشته است.

از آثار رقم دار این هنرمند که بسال ۱۷۲۷ میلادی عمل آمده، دوشاخه گل سرخ و حنائی است که به دلفریبی تمام نقش بسته و حالیه در کتبخانه دانشگاه استانبول مضبوط میباشد، دیگر اثر دلربای هنرمند که بروی میز مستطیل شکلی نقش شده و در موزه توپ قاپوسرای قرار دارد، تصویر گلهای رنگارنگ و تذهیب زرنشان است. اندانه ای است که حواشی آنرا، خطوط نستعلیق زیبا احاطه کرده و رقم دارد.

(عمل علی اسکداری)

سومین یادگار روغنی هنرمند، جلد گل و مرغی شیوایی است که بسال ۱۱۲۹ و در زمان سلطان احمد سوم انجام یافته و بهترین نمونه آرایش گلها، در ایستگاه سنوات بشمار میآید. دیگر از این هنرمند، سه اثر کم نظیر و رقم دار موجود است که بین سالهای ۱۱۵۹ تا ۱۱۷۱ ه.ق. اجرا شده، یکی از اینها، جلد نفیس و مزینسی است که برنگهای قرمز و سیاه و آبی نقاشی شده و باطلای خالص رحل کاری گشته است. در وسط خوشه های گلها رقم دارد. (علی اسکداری ۱۱۵۵)

۶۴۷ - علی اشرف - عندلیب شیرازی

فرزند آقا جان و به عندلیب شیرازی معروف بوده است. علی اشرف در قلمدان سازی و تذهیب، دست پر قدرت داشته و بسال ۱۳۳۸ ه.ق. در شیراز وفات یافته و در آن دیار بخاک رفته است.

۶۴۸ - علی اشرف نقاش افشار

از ایل معروف افشار ارومی بود و از نقاشان پرماتیه و ذوقنون قرن ۱۲ ه.ق. بشمار میآید. اعتماد السلطنه در کتاب الآثار و الآثار، از این هنرمند، مختصر

یادی کرده و ضمن احوال ابوالحسن افشار ارومی چنین آورده است :

((ابوالحسن افشار خلف الله وردی نقاش بوده و در صنعت نقاشی و گل و بوته سازی و رنگ آمیزی ما بین کارهای او و عمش علی اشرف نقاش افشار مشهور تمیزی ممکن نبود)) از این نوشته چنین برمی آید که این هنرمند، برادر بزرگ الله وردی نقاش بوده و از طوایف ایل معروف افشار ارومیه محسوب می شده است . این هنرمند فرزند نقاشی نیز بنام رضا داشت که بزینور فضل و کمال و هنر آراسته بود و در مکتب و شیوه پدر نقش می آفرید . تنها اثر منحصر بفرد و ورقم دار فرزندش استاد رضا که در مجموعه نگارنده قرار دارد، قلمدان گل و مرغی استادانه ایست که بخط زیبایی طلائی حاشیه گیری شده و رقم گذاشته .

(رضا بن علی اشرف مرحوم ۱۲۰۲)

دیگر از منابع مستدل و با اطمینان مدارک قدیمی، که مختصر کورسویی با حوال این هنرمند با زمینماید، ارقام گوناگون شاگردان و خود نقاش است که در ذیل آثار و در بطن سجع ها اشاره ای کرده و نام پرافتخارا استاد خویش را بیان کرده است . یکی از این موارد، سجع انحصاری خود نقاش است که اغلب بروی آثار ممتازش رقم زده و نوشته است .

(ز بعد محمد علی اشرف است)

و معمولاً این رقم باید معرف این نکته باشد که استاد از شاگردان نقاش معروف اوایل قرن ۱۲ ه. ق.، محمد زمان اول بوده که در محضرش زانوزده و بافتخار شاگردیش این سجع را رقم داشته که بعد از محمد (استاد محمد زمان اول) علی اشرف از همه اشرف تر و والاتر میباشد . و با اینکه بشاگردی استاد محمد علی پسر محمد زمان اول که بین سالهای ۱۱۲۰ تا ۱۱۴۰ فعالیت داشته، مفتخر بوده و بجهت اعتلای نام استادش رقم زده . (ز بعد محمد علی اشرف است) و معلوم داشته که بعد از استاد محمد علی، علی اشرف بجای وی قرار گرفته و در نقش تصویری رقیب گشته است . ولی چون نحوه کار شیوه آرایش و سایر نکات هنری و چه بسا تقلید مدد در مدو استادانه ای از کارهای محمد زمان اول، معلوم میدارد، از سرچشمه هنر متعالی آن پدر و پسر بهره ها برده و با اصطلاح قلاده شاگردی آنها را بگردن نهاده و به مسند والای استادی عروج کرده است .

از شاگردان نامدار وی که نام استاد را در سجع خود جای داده و بشاگردی اش افتخار کرده اند، سه استاد تصویر ساز هستند که یکی از آنها استاد محمد نقاش است که با درج نام خود به سجع علی اشرف، (صنع محمد ز علی اشرف است) مقام صنعتی خود را از تعلیمات علی اشرف دانسته و زحمات وی را ارج نهاده است .

دیگر از شاگردان وی، آقا باقر اول، نقاش نامی است که با و نیز بسیا ق دوستان هنرمندش، سجعی بشیوه استاد برای خود انتخاب کرده و با درج :

(با قرا ز لطف علی اشرف شد) از الطاف استاد قدردانی کرده و پادشاه را گرامی داشته است.

سومین شاگرد پیر آوازه استاد علی اشرف آقا صادق اول، نقاش است که از محبت و هنر آموزی استاد بهره‌یاب گشته و سجمی هم وزن رقم استاد انتخاب کرده و نوشته است. (مادق از لطف علی اشرف شد)

این هنرمند با میرزا احمد نیریزی، خطاط معجزه‌گرو نامی اواسط قرن ۱۲ ه.ق. نیز جلیس و مونس بود و در بعضی موارد همکاری میکرد، میرزا احمد که علاوه بر صنعت خط، نقش‌تعمیر و تذهیب را خوب میدانست، در بعضی از قلمدان‌ها و جلدهای بجا مانده، تصاویر گل و مرغ و صورتها را علی اشرف میکشید و جداول و ترنج‌سازی و کتابت خطوط شش‌گانه زیبا و رنگین را احمد نیریزی عمل می‌آورد.

علی اشرف عاشق گل و مرغ و زیباییهای طبیعت بود و آرزو داشت، حلاوت و طراوت گلها را از باغات و بهاتین و چمنزارها بخانه آورده و در روی کاغذی بی‌ارزش، پربها کرده و از نو خلق نماید. این استاد در ارائه گل و مرغ و حالت پرندگان و حشرات مهارت داشت و رنگ‌آمیزی و سایه‌پردازی آنها را با پایه طبیعت، پروسواس میساخت و حالت طبیعی میداد. سایه‌پردازیهای غباری علی اشرف که اغلب با افشانی از طلا نیز هم‌خوابه بوده با حالتی سحرآسا بروی گلها می‌نشانید و حلاوت و طراوت آنها را ماضع میساخت. بفریز گل و مرغ و پروانه و زنبور، در چهره‌پردازی و شبیه‌سازی و ارائه مناظر مفرح و دل‌انگیز، نقاشی چابک قلم و مصوری بی‌بدل بشمار می‌آمد.

علی اشرف بفریز هنر تصویرسازی، در رشته‌های زیبانگاری و تنوع‌فن نقاشی، از قبیل تذهیب و ترصیع و تشعیر و حل‌کاری و مرغش‌سازی و روغن‌آرایی و حتی کتابت خطوط نسخ و نستعلیق و شکسته‌ما حب قلم بود و شعر را نیکو میسرود. در رویه جلد، مرقع کم‌نظیر موزه آرمیتاژ لنین گرا دکه جهت میرزا مهدی‌خان منشی‌نادرشاه افشار ترتیب داده، اشعاری در خور تحسین سروده و درج نموده که معرف طبع روان هنرمند می‌باشد.

از آثار متنوع استاد علی اشرف که بعضی از آنها در اینجا ارائه شده، بین سالهای ۱۱۴۰ ه.ق تا سال ۱۱۷۰ ه.ق فرجام پذیرفته و مدت سی سال رواندی، در عرصه هنری ایران و الا مقام بوده و از شهرت زاید الوصفی برخوردار بوده است، و اگر آخرین سنوات عمر نقاش را در حدود ۱۰ سال بعد از اجرای آخرین اثر رقم‌دارش که بمسال ۱۱۷۰ تمام یافته در نظر بگیریم، میتوانیم این حدس را یقین بدانیم که این

هنرمند بمال ۱۱۱۰ تولد یافته و در حدود سالیان ۱۱۸۰ وفات یافته و روی درنقاب خاک کشیده است .

از آثار او دیده ام :

۱- جلد گل و مرغی قرآنی دیدم که در کمال لطافت و ملاحظت بود و بخط شکسته طلائی رقم داشت . (زبید محمد علی اشرف مست ۱۱۳۵)

۲- دیگر از این هنرمند، قلمدان گل و مرغ دلربائی دیدم که گل‌های فشرده و استادانه داشت و زیر قلمدان که برنگ سرخ طلائی نقش شده بود، گل و برگ‌های متنوع و شکوفه‌های طلائی بروی آن جلب نظر میکرد و رقم داشت .

(زبید محمد علی اشرف است ۱۱۶۸)

۳- قلمدان دیگر استاد، قلمدان مرغی قرمز رنگ بود که بروی آن گل و مرغ فریبنده نقش شده و رقم داشت . (زبید محمد علی اشرف است ۱۱۵۹)

۴- دیگر اثر متعالی استاد علی اشرف که با همکاری استاد احمد نیریزی فرجام یافته بود، قلمدان تابوتی مخطوط بود که به مرغش قهوه‌ای و تریاک‌کی رنگ تصویر شده و ریمه گل‌های تزیینی منظم، در محدوده جداول درشت و ضخیم طلائی داشت . در داخل ترنج‌های متنوع و مذهب آن، خطوطی بشیوه رقاعی و در وصف هنر خط که از فرمایشات حضرت علی علیه السلام نقل شده بود، به شیوائی و قدرت تمام و رنگ‌های گوناگون نقش بسته بود که شایسته تحسین بود و رقم داشت .

(العبداحمدا لنیریزی فی ۱۱۴۴) مجموعه شماره ۲

از طرز کار و شیوه گل آرائی چنین معلوم میگردد که نقش گل‌ها و رسم جداول طلائی و پرداخت و مسطح مرغش قلمدان، بعهده استاد علی اشرف بوده و کتابت خطوط و ادعیه مبارکه، اثر قلم معجزنگار میرزا احمد نیریزی بوده است .

۵- یادگار دیگر این استاد که در موزه رضا عباسی تهران قرار دارد، قلمدان تابوتی بزرگ و بی نظیر گل و مرغی است که در حد خود یک شاهکار بشمار آمده و با اصطلاح سنگ تمام گذاشته و رقم نهاده . (زبید محمد علی اشرف است سنه ۱۱۶۴)

۶- از آثار چهره‌سازی و صورت‌پردازی علی اشرف، قلمدان شیوائی دیدم که قصه معروف شیخ صنعان و دختر ترسا بود. در این اثر با ملاحظت، صورت‌ها و آرایش البسه در شیوه صفوی بوده و فریبندگی خاصی داشت، دختر ترسا که در بین یاران خود جلب نظر میکرد، بشیوه دلکشی فرنگ‌سازی شده و نقش همراهان و تنوع آرایش و انتخاب رنگ‌ها در خور تحسین بود و رقم داشت .

(زبید محمد علی اشرف است سنه ۱۱۶۱)

۷- قلمدان نفیس دیگر هنرمند که در رویه آن، شاخه‌های گسترده و پرتراوت

گل فندقی و برگهای سرسبز آن جلوه‌گر بود، اثر بی‌همتائی بود که درزمینه سرخ آتشی انجام گشته بود.

در رویه‌ها و کنارهای قلمدان، انواع گلها از قبیل گل سرخ و گل سیسب و شفتالو بطراوت و استادی تمام جنب‌بکدیگر تصویر گشته و آیتی از خرمن گلها، هوش‌ربا بود و رقم داشت.

(زبعدمحمدعلی اشرف است ۱۱۶۲) مجموعه شماره ۲

۸- از قاب‌آینه‌های هشت‌گوش و زیبای این هنرمند که در مجموعه نگارنده است، اثری ممتاز از تصاویر گل‌های متنوع و زیبائی است که درزمینه مرغش سرخ رنگ اناری و روشن عمل آمده و آیتی از کمال بشمار می‌آید. درسه رویه داخل و خارج قاب‌آینه، گل و مرغهای زیبا و افسانه‌ای، با پرداز بسیار ریز و غباری نقاشی شده و موید قدرت قلم و حسن انتخاب رنگها و عظمت زیبا سازی هنرمند میباشد، رقم نقاشی بخت زیبا و درشت نستعلیق، چنین است.

(هو- زبعدمحمدعلی اشرف است ۱۱۵۲)

۹- دیگر از آثار ارزنده نقاش که در حراج ساتبی سال ۱۹۷۶ بفروش رسید، قاب‌آینه گل و مرغی دهنوازی بود که به تردستی و مهارت انجام یافته و رقم داشت.

(زبعدمحمدعلی اشرف است ۱۱۶۹)

۱۰- دیگر از جلدهای علی اشرف، جلد گل و مرغی بزرگ مرقع معروف ارمیتاز لنین گراد است که تصویر رنگی آن بروی جلد آلوم مزبور جلب نظر مینماید. در رویه جلد و در سه‌ترنج بزرگ و کوچک آن گل و مرغ دل‌پسندی تصویر کرده که مختصر ریختگی و کوفتگی دارد، کنارها و سطح وسیع آن، با گل‌های متنوع پر آذینی تصویر گشته و سطح جلد را پوشانده است.

در حواشی و اطراف جلد که گویا برای میرزا مهدی‌خان منشی نادر شاه ترتیب یافته، اشعار تنظیمی نقاش است که نوشته (کلک خادم بعزم سحر آمد) واقعاً سحر کرده و ابیات را طوری ترتیب داده که هر بیت آن، مبین سنه ۱۱۴۷ هـ ق است که تاریخ پایان جلد مرقع را بحروف ابجدی آشکار می‌سازد. آن اشعار چنین است:

ای نکو طلعت مرقع نام ۱۱۴۷	که شد از جلوه شهره در ایام ۱۱۴۷
نیمت نازش زد لبری بی‌جا ۱۱۴۷	نازنینی است چون نشاط افزا ۱۱۴۷
گاه از حسن خط جلاده چشم ۱۱۴۷	که بحرفه عیان مشابه چشم ۱۱۴۷
که قرین چارسطری زهر سو ۱۱۴۷	طورا و چون بتا نچا را برو ۱۱۴۷
که نماید بچشم تجربه بین ۱۱۴۷	پس هم قطع‌ها چو خلد برین ۱۱۴۷

صفحه را از بنفشه گلریزان ۱۱۴۷	قلم از وصف خط کند زبان ۱۱۴۷
برقی با زجلدبررویش ۱۱۴۷	بسته از جان و دل بهر سویش ۱۱۴۷
جان بتمویر ساده اش داده ۱۱۴۷	برقعش نیز آنکه بگشاده ۱۱۴۷
در شهوار عین بحر کمال ۱۱۴۷	مالکش وقع دولت و اقبال ۱۱۴۷
صدره ما فزون ز آتش قدر ۱۱۴۷	فلک عز و منزلت را بسدر ۱۱۴۷
میرزا مهدی آن ملک فطرت ۱۱۴۷	زینت افزای مجلس از دولت ۱۱۴۷
عالم پیرمحو حالاتش ۱۱۴۷	آن گرامی که از کمالاتش ۱۱۴۷
کلک افسرده شد بکسرلسان ۱۱۴۷	وصف کلکش چون نیست حد زبان ۱۱۴۷
کلک خادم بعزم سحر آسند ۱۱۴۷	یافت اتمام چون به یمن احد ۱۱۴۷
دان زهر مصرع از حساب نشان ۱۱۴۷	از بهی ضبط و اصل زمان ۱۱۴۷
صاحبش راه کا مرانی کار ۱۱۴۷	با دچون خط بماه چهره یار ۱۱۴۷

قسمت داخلی جلد مزبور که زمینه ساده دارد، در سه ترنج مختلف وسط و حواشی بین دو کمند زرین اطراف، گل و مرغ استادانه و بسیار فرح انگیزی تمویر شده و از بهترین آثار سنوآت ۱۱۴۵ هـ ق نقاش بشمار میآید.

از آثار متنوع و ارزنده این هنرمند، بتعداد بسیاری در موزه ها و مجموعه های شخصی داخل و خارج ایران دیده میشود که مابعلت یکسانی و هم طرازی آنها از ذکر تک تک آنها خودداری کرده و بهمین نمونه های یاد شده، اکتفا مینمائیم.

۶۴۹ - علی اصغر اصفهانی

نگارگر و طراح فلزات سخت بود و در هنر خود مهارت فوق العاده داشت.

از آثار ارمادا را این هنرمند، شمشیر کریم خان زند است که بسال ۱۱۸۹ طراحى و عمل آمده و در نوع خود یکی از بهترین ها است.

در رویه شمشیر این ابیات بچشم میخورد.

این تیغ که شیر فلکش شمشیر است شمشیر و کیل آن شه کشور کیر است
پیوسته کلید فتح دارد در دست آن دست که بر قبضه این شمشیر است

۶۵۰ - علی اصغر جواهر رقم

اهل کاشان و پدر رضا کاشانی بود که احوال آن در (رضا) کاشانی به تفصیل باد شده است. این هنرمند که به جواهر رقم نیز شهرت داشته، استادى کم نظیر و مصوری چابک دست بود و از هنرمندان قرن ۱۰ هـ ق بشمار میآید

در بدایت حال خدمت ابراهیم میرزا نقش تمویر میساخت و سپس به کتابخانه شاه

اسماعیل ثانی رو آورده و در کتابخانه شاهی بخدمت مشغول گردید .
 علی اصغر در قضیه تقلید مهر سلطنتی شاه طهماسب بسان باران نزدیکش
 (عبدالعزیز و علی کله گوش) متهم گشته و مورد تنبیه و تادیب قرار گرفت ، تا
 جائیکه گوش و بینی او فی الفور ، توسط خواجه قباح جراح قطع گشته و عبسرت
 ناظرین و حاضرین گردید .
 ماقع این جریان خونآلود ، در احوال عبدالعزیز بتفصیل یاد شده که از تکرار
 مجدد آن خودداری میشود .

در عالم آرای عباسی مختصری از این نقاش یاد کرده و چنین نوشته است :
 ((مولانا علی اصغر کاشی استاد باقرینه و مصور پاکیزه ساخت ، در پرداخت و رنگ
 آمیزی منفرد و در کوه پردازی و درخت سازی از اقران در پیش بود ، او نیز خدمت
 سلطان ابراهیم می بود و در زمان اسماعیل میرزا از اصحاب کتابخانه شد .))
 آثار رقم دار این هنرمند بسیار کم بوده و بندرت دیده میشود . یکی از این
 تما و برکه رقم نقاش را دارا میباشد ، تنها اثر شیوایی است که در پاله گالری
 پاریس جلب نظر میکند .

آثار دیگر این نقاش که رقم ندارد و منسوب با و میباشد . چهار تصویر ارزنده است
 که عکس آنها در صفحات ۱۱۵ الی ۱۱۳ کتاب (پرسیان اند مغول آرت) گالری کل نا قی
 لندن جلب نظر مینماید .

در این آثار که در مکتب قزوین تصویر گشته است ، اسبها به تردستی و مهارت ارائه
 شده و منظره کوه و درختان جلوه دلپذیری دارد . صورت ها و همچنین لباسهای
 سیاه و ورستم و کیخسرو و همراهان دیگرش پر مایه بوده و منظره دشت و دمن باستادی
 ترتیب یافته و مهارت نقاش را در امر تصویر بر ملامت میازد .

۶۵۱ - علی اصغر - مذهب و نقاش

شرح حال این استاد قوی دست و مذهب شیرین قلم را در هیچ تذکره و کتابی
 نیافتم . تنها یادگاری که از این تصویر ساز باقی مانده ، دو اثر شیوایی است که
 بقوی دستی انجام داده و مهارت وی را در شبیه پردازی و قلمدان بازی و ارائه
 طلاکاریهای متنوع و دلپذیر نمایان ساخته است .

در این نقاشی ، آتابک روی مندلی قرار گرفته و لباس بلندی پوشیده و در قمر خود
 در حال استراحت است . در زیر پای آتابک ، این ابیات بخط رقا ع زیبا درج
 گشته است .

در رتبه فزون ز اهل عالم آید
 تمثال جناب صدر اعظم آمد

این روح مجرد که مجسم آید
 ز ببندده سجده گشت چو کعبه ز آنک

(خانه زاد احقر علی اصغر ۱۳۱۲) مجموعه شماره ۲

حاشیه این تصویر، بعد از هلالی‌های زیبا و یک دست طلائی که در اسلیمی‌های گوناگون و متنوع رنگی ترصیع یافته، درشش ردیف کمندی طلائی، انواع واقعا مثنیوه هنر تذهیب کاری ارائه گشته و در نوع خود ستودنی است.

۲- دیگر از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدان مذهب و عالی است که در زمینه زرد نخودی و در اندازه کوچکتر، به تذهیب و تشعیر آرایش شده و استادانه میباید.

در رویه قلمدان، انواع مثنیوه‌های تذهیب کاری، از قبیل خرطوم فیلی و چین دومان‌ی در بین دو ایرگوناگون ارائه گشته و در لابلا و جوار آنها، تصویر پرندگان و جانوران به نازک قلمی نقش بسته است. در زیر دیواره‌های داخلی قلمدان نیز که بهمان رنگ زیبای نخودی عمل آمده، گل و برگهای خوشه انگوری در کمال قدرت نقاشی شده و رقم دارد. (بجهت تقدیم حضور مبارک حضرت مبارک اتابک اعظم.

رقم خانه زاد علی اصغر ۱۳۱۸) مجموعه شماره ۵

۶۵۲ - علی اصغر - میر

به میر علی اصغر مینا ساز معروف بود و در نقش تصویر، بروی بشقاب‌ها و ظروف چینی دست پرنه داشت. از تنها اثر بجا مانده این استاد، تزیین و آرایش بشقاب زیبائی در موزه گلستان تهران است که تصویر ناصراالدین شاه قاجار را به تابلوکی در روی بشقاب نقش کرده و رقم گذاشته است.

(هوالله میر علی اصغر ۱۲۶۹)

۶۵۳ - علی اکبر اصفهانی

اصفهان‌ی و از استادان معمار و طراح نقوش بنای مسجد شاه اصفهان است. این هنرمند که در اوایل سده قرن ۱۱ ه. ق. و در شهر اصفهان فعالیت داشت، طراحی و نقشه‌های درونی و بیرونی بناها و مساجد را بشخصه انجام میداد و در ساخت آنها نیز شرکت مینمود. یکی از آثار مشهور و بجا مانده این هنرمند که بیننده را بتحسین و امیدارد، مسجد با عظمت و پر جلال شاه اصفهان است که نام معمار هنرمند آن نیز در کتیبه سردر مسجد و بخط محمدرضا امامی کتابت شده که چنین میباید.

(قد تمت بعون الله و حسن توفيقه عمارة المسجد الذی

(و به معماریه من فی العمل کالمهندسین و هوالنا در الاوانی استاد علی اکبر اصفهان‌ی)

۶۵۴ - علی اکبر اصفهانی - درویش

درویش اهل اصفهان بود و در تصویر و کتابت خطوط، مثنیوه‌ناختی، کمال مهارت را

داشت. از آثار زیبا و استادانه این هنرمند، تصویر ناخنی ناصرالدین شاه، در یکی از مرقعات کتابخانه گلستان است که در کمال چیره دستی انجام داده و سجع مهر ناصرالدین شاه را بخط زیبای نستعلیق و در شیوه ناخنی، در گوشه تصویر چنین نقش کرده است.

(تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت - صبت داد و معدلت از ماه تاماهی گرفت) و در زیر پای اسب ناصرالدین شاه رقم گذاشته: (علی اکبر) دومین اثر ناخنی این هنرمند، تصویر فرشته (۱) براق است که صورت انسانی داشته و بدنش بسان اسب‌ها می‌باشد.

در این معراج آسمانی، حضرت محمد (ص ع) سوار بر براق شده و بطرف فضا عروج مینماید. تاج مخصوص و بال‌های براق، وزین و باشکوه است و در پائین تا بلسو، تصویر شیری غران دیده میشود که در آرزوی پرواز بی‌بالا پهریده ولی بمقصود نایل نگشته است، بخط نستعلیق ناخنی رقم دارد.

(رقم کمترین علی اکبر) مضبوط در مجموعه شماره ۲

۶۵۵ - علی اکبر چهره ساز

تصویر گروهی شبیه پرداز به مهارت اوایل قرن ۱۱ ه.ق. بود. این هنرمند، در شیوه محمد زمان و مهارت علیقلی جباردار، شبیه‌پردازی و چهره‌سازی میکرد و کناره‌ها و زمینه را بگل و بوته استادانه، آرایش میداد. از آثار رقم‌دار و پر حلاوت این هنرمند، قلمدان پر ماهای دیدم که صورت یکی از شاهزادگان صفوی را در کمال قدرت و نازک قلمی تصویر کرده و رقم گذاشته بود.

(علی اکبر ۱۰۳۵)

۶۵۶ - علی اکبر قلمدان ساز

قلمدان ساز گمنام وقوی دست دوره ناصری بود. از آثار روغنی این هنرمند، قلمدان پرمهارتی دیدم که در زمینه مرغی تیره انجام یافته و به ابر و بادی و تذهیب بسیار شیوا، آراسته گشته و رقم داشته (علی اکبر)

۱- جهت مزید اطلاع علاقمندان، شمایل فرشته براق را از تفسیر شیخ ابوالفتح رازی که از سوره بنی اسرائیل روایت شده ارائه میدهم.

براق - اسی بود از شتر که ترو دنیالش چون دنیال شتر بود و برش چون براسب بود، رویش چون روی آدمیان. دست و پایش چون دست و پای شتر و سما و چون یاقوت سرخ بود و بشتش چون در سفید بود، زینش از زین‌های بهشت بر او نهاده و او را دو پیر بود چون پرتا و بر رفتنش چون برق بود، یک گام او یک چشم بهم زدن بود.

۶۵۷ - علی اکبر مزین الدوله

مرحوم مزین الدوله نطنزی کاشانی، جزو اولین دانش‌آموزانی بود که در دوره ناصرالدین شاه و بسال ۱۲۷۵ ه.ق. برای فراگرفتن فن نقاشی به پاریس اعزام گشته بود. پس از مراجعت از اروپا، بیش از پنجاه سال تمام، معلم فرانسوی دارالفنون و مدرسه علمیه و معلم موسیقی بانوت و نقاشی از روی اصول علمی آن، در مدارس بوده و چندین کتابی نیز در مورد نقاشی و بچاپ سنگی انتشار داده است. او معلم بزرگترین نقاش نامی ایران کمال الملک بود و اولین کسی است که تئاتر را در ایران دایر نموده و بسال ۱۲۸۸ ه.ق. از ناصرالدین شاه لقب نقاشی گرفته است. تصویر شماره ۵۹

این هنرمند تا اواخر سلطنت احمد شاه، استاد نقاشی سلاطین قاجار و شاهزاده‌ها بود و در سال ۱۹۱۴ میلادی از طرف امپراطوری روس، نشان استانیسلاس که از مدالهای پرافتخار آن دپارتمان ریشما می‌گرفته بوی اعطا گردیده که تصویر آن شماره در آخر کتاب عرضه شده است. ترجمه و متن فارسی فرمان که بخط زیبای عمادالکتاب محمد حسین سیفی قزوینی کتابت شده چنین است.

((بخواست خداوند - ما نیکلای دویم امپراطور مقتدر کل روسیه و پادشاه لهستان و شاهزاده کبیر فنلاند غیره و غیره و غیره .

آقای ناظم کلاس اعلیحضرت پادشاه ایران مزین الدوله محض بروز مرحمت مخصوص خودمان نسبت بشما بموجب حکم ۲۲ ژون ۱۹۱۴ یک قطعه نشان مقدس استانیسلاس به انضمام حمایل مخصوص آن از درجه اول موافق این فرمان، حکم کردیم که از ادله نشان نزد شما فرستاده زیب پیکر خود نمائید. درس پترز بورخ مرحمت شد ۱۶ ژون ۱۹۱۴ رئیس کل نشانهای امپراطوری کل ممالک روسیه (قراف فردریک) مدیر فرامین نشانه‌ها و رئیس خلوت دربار اعظم)) مجموعه شماره ۲ تصویر شماره ۶۱
مرحوم معیر الممالک که از دوستان و یاران جلیس هنرمند بود در مورد مزین الدوله چنین مینویسد:

در دوران ناپلئون سوم مدرسه هنرهای زیبای پاریس را دیده بود. برایم حکایت میکرد که در یکی از تالارهای بزرگ قصر "ورسای" در ضیافتی باشکوه شرکت داشتم که خبر جنگ پروس و فرانسه شایع شد و در میان غوغای جشن غوغای دیگری برخاسته بساط سرور و شادی را دیگرگون ساخت. مزین الدوله علاوه بر نقاشی موسیقی نیز آموخته بود و در مدرسه دارالفنون موزیک نظمی درس میداد. بسا آنکه شبیه‌سازی را خوب از عهده برمیآمد، چندان توجهی بآن نداشت و دورنما و گل‌سازی را ترجیح میداد. چند پرده نخبه از او در عمارت پارک اتابک بود که

اغلب بتماشای آنها ایستاده لذت میبردیم.

یکی از روزها که مظفرالدین شاه از ناها ربیغ صدراعظم آمده بود بعد از ناها ر که هرکس بکاری نشست مزین الدوله را دیدم که در گوشه‌ای جا گرفته مدا دوکا غنذر دست دارد و چون نزدیک رفتم مشا هده کردم که از مهمانها درحالات مختلفه طرح برمیدارد. بسیار تند و با سلیقه کار میکرد و قلمهای محکم و استوار بکار میبرد. بمن گفت که میخواهد از طرحهای مزبور بیا دگا ر آن روز پرده‌ای ترکیب کند. پرده را پس از چندی بطور نا تمام نزد پدر او دیدم ولی از نما شده اش هرگز نشان نیافتم.

از آثار استادانه این هنرمند، تصویر نیم تنه شعاع السلطنه را دیدم که اندازه‌ای در حدود شصت سانتی متر داشت و به سیاه قلم و نقطه پردا ز پرما یه‌ای شبیه سازی گشته بود. شعاع السلطنه لباس رسمی پوشیده بود و مدال ها و نشانهای گوناگون بینه آویخته بود. پردا ز صورت، نقطه پردا ز غباری بود و بخط فارسی ولاتین رقم داشت. (خانه زاد علی اکبر) مجموعه آقای دکتر گلزاری

۶۵۸ - علی اکبر مصور - حجار و نقاش

فرزند حاجی محمد علی حجار بود و به علی اکبر حجار شهرت داشت.

در شماره نهم روزنامه ملتی مورخ ۱۲ محرم سال ۱۲۸۴ ه.ق.، نام این هنرمند نیز جزو شاگردان مرتبه اول رشته نقاشی به همراه اسما عیل جلاپرقید شده و بنام میسرزا علی اکبر حجار و فرزند حاجی محمد علی معرفی گشته است.

این هنرمند که بعدها همکار اسما عیل جلاپرقردید، در ابتدا از شاگردان وی محسوب میشده و طراحی و نقاشی را از جلاپر یا دگرفته و او را استاد المصورین خوانده و بنا گردید اش مفتخر بوده است. گویا این نقاش، با کمال الملک با روپا رفتسه و صنعت تصویر و مجسمه سازی را در فرانسه تکمیل کرده و با دست پربا یران بازگشته است. استاد علی اکبر در طراحی و شیوه کلاسیک، نقاشی تیزبین و دقیق بود و رنگ و روغن را بسیار خوش میماخت. از آثار رنگ و روغنی این استاد، تصویر تمام قد ناصرالدین شاه قاجار را دیدم که بحالت تبختر و غرورشانها ایستاده و دست بکمر زده به میل استیلی تکیه داده بود.

در این تابلوی رنگ و روغنی، شاه قاجار، پوستین کلفت و گلداری را روی لباسها پوشیده بود و کلاه بوقی بلندی که جیفه‌های پردا رجوا هر نشانش جلب نظر میکرد، بسر نهاده بود. در سمت راست تصویر، نقاشی کوچکی بروی دیوار دیده میشد که یکی از شمایل‌های اسما عیل جلاپر بود. این اثر زیبا که در نوع خود بسیار پرمهارت بود رقم داشت. (عمل بنده در گاه علی اکبر مصور مشهور به حجار شاگرد استاد المصورین

میرزا اسما عیل جلاپرسنه ۱۲۶۲)

از آثار مجسمه سازی این هنرمند، مجسمه برنزی ناصرالدین شاه سوار بر اسب بود که در وسط استخر باغ شاه جلب نظر میکرد و از کارهای عمده این حجار بشمار میرسد. از آثار دیگر این استاد، صورتهای دورسنگ قبر ناصرالدین شاه قاچار است که بدست وی ساخته شده و گل و بته‌ها بدست استاد عباسقلی حجار فرجام پذیرفته است.

۶۵۹- علی اکبر - نقاش و فلزکار

نقاش و طراح فلزات سخت و فولادی اوایل قرن ۱۲ ه. ق. است.

۱- از آثار رقم دار این هنرمند که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن دیدم، تیغه استادانه قلم فولادی بود که به نقوش و ترسیم موزون اسلیمی آرایش یافته و بخط طلائی رقم داشت. (عمل علی اکبر)

۲- دیگر از آثار فولادی این هنرمند، رحل فولادی و مشبک دقیق و ممتازی بود که در گالری بشیرا ز نزدیک رویت کردم.

این رحل فلزی که در نوع خود همتا نداشت، در کنارها ادعیه و خطوط زیبا جلب نظر میکرد و رقمش چنین بود.

در زمان شهنشه دوران - شاه سلطان دین حسین پرور

ساخت این رحل و گفت تاریخش - بنده کمترین علی اکبر

متن رقم نقاش را که بحساب ابجدی محاسبه نمودم، تاریخ ۱۱۱۴ ه. ق. و زمان شاه سلطان حسین صفوی را تعیین مینمود.

۳- دیگر از آثار این هنرمند، قلمه فوق العاده و ارزنده‌ای دیدم که کنار قیبه آن به اشکال پر قدرت و شیوای اسلیمی، طلاکوب گشته و بخط نسخ طلائی رقم داشت.

(عمل کمترین علی اکبر ۱۱۲۰)

۶۶۰- علی الحسینی - حاج

چهره ساز و تصویر پرداز خوش نگار بود و در گل و مرغ و اراشه مجالس با شکوه قلم پخته و نمکین داشت. قلمدان کیانی پرکاری از این هنرمند دیدم، که تمام جوانبش، تما ویر با شکوه و الوان پادشاهان قدیمی و اساطیری ایرانی بود که از قصه‌های رزمی و بزمی شاهنامه فردوسی اقتباس و تصویر گشته بود و رقم داشت.

(حاجی علی الحسینی) مجموعه شماره ۱

دیگر اثرها حالات این هنرمند، قلمدان زیبایی بود که زمینه زرد نخودی داشت و رویه و اطراف آن از گل و بوته‌های رنگین و متنوع آرایش گشته و در شیوه فتحعلی شیرازی عمل آمده بود و رقم داشت. (کمترین علی الحسینی)

سومین یادگار رقم دار این استاد، قلمدان شیوای گل و مرغی بود که در بیسن

مدالیون ها، تما ویرا ستا دانه و پیر پرداز زنا ن زیبا جلب نظر مینمود و ورقم داشت.

(علی الحسینی ۱۳۰۵)

۶۶۱ - علی بقاء

حکاک و نگین تراش خوش پرداز و خطاط شیرین نگا رشیرازی بود که در شعر بقاء تخلص مینمود. فرصت الدوله شیرازی، در صفحه ۵۵۱ آثار عجم خود، در مورد میرزا علی چنین مینویسد:

((ملا علی ملقب به بقاء در حکاکی مهر و اسم و انگشتی و نشان کمال قدرت و تسلط را دارد. هم بروی عقیق و امثالہ نقش میکند، هم بروی فلزات و مهرهای منگنه رنگین و بیرنگ را که خطش برجسته باشد نیز در کمال استادی عمل میآورد، از شیوه‌ها شیوه میرعما در پذیرفته، از جناب قدسی تعلیم گرفته است.))

۶۶۲ - علی بیک بن مولانا مانی نقاش

نقاش خوش نگار و اواخر قرن ۱۰ ه. ق. و فرزند مانی نقاش بود که پدرش به علت بیحرمتی و بوسیدن ساق پای شاه اسماعیل اول، جان خود را از دست داده و محکوم به مرگ گشته است. این هنرمند که بالطبع تصویرسازی را از پدر خود و سایر استادان زمان فرا گرفته است، در چهره سازی و منظره پردازی و تصویر مجالس گوناگون صاحب ابتکار و بشمار میرفت و در هنر خود سرآمد بود.

از آثار ارزشمند این نقاش، دو تصویر پر حالت و زنده، در کتاب یوسف و زلیخای جامی جلب نظر مینمود که عکس آن در کاتالوگ گالری کل نا قی لندن و شماره ۲۰ ارائه شده و معرف هنرمندی نقاش بحساب میآید.

در این اثر چشم نواز که حواشی آن بتذهیب و ترصیع پیراسته گشته بود، مهمانی و ضیافت سلطنتی، در باغ مصفائی بود که جماعتی از آشپزان و خدمه های مخصوص، بیار کردن دیگر های بزرگ غذا اشتغال داشتند.

در طرف دیگر عده ای به ذبح گوسفندان و درست کردن خمیر رشته و کباب کسردن گوشتها تلاش میکردند و افرادی برای پذیرائی از مهمانان درآمد و شد بودند. ناظر مخصوص که در گوشه ای دیده میشود، عملیات افراد را تحت نظر داشت و آنها را با زدید مینمود. تصویر دومی که در صفحات روبرو و زوجی جلوه گر بود، نقش درخت تنومند و بزرگی بود که در روی تنه پهن و رش آلاچوب (آلاچیق) مصفائی احداث گشته بود که پله های چوبی آن بسطح زمین انمال داشت.

شاهزاده و دلدار زیبا پیش روی آلاچوب بالای درخت نشسته بودند و خدمتکاران مخصوص به پذیرائی اشتغال داشتند. منظره خوش قواره و شاداب درخت سرو و حالات

شادی آوری و جوانان بی قید و سربها که در حوض بزرگ قصر شاهی، آب تنی میکردند و همچنین البسه زیبا و الوان مهمانان و سایر نکات پرآرایش تصویر، زیب افزا و استادانه بود و در انتهای پله چوبی رقم داشت .

(عمل فقیر علی بیک ابن مولانا مانی نقاش)

۶۶۳ - علی بیک نقاش

نقاش زیبانگار دربار سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰ م) عثمانی بود که نامش جزو هنرمندان درباری و در سند معروف (سرنام سیزده دفتری) که تفصیل آن سند را در احوال شاه قولی نقاش یاد کرده ام، قید شده و سازنده (یک طبق و یک آقاچدان منقش و یک موم سفرا سی) جهت دربار سلطنتی بوده است .

۶۶۴ - علی تقی - آبرنگ ساز

آبرنگ ساز زیبانگار و پرورنده سازنازک قلم و اوایل قرن ۱۲ ه. ق. بود . از یادگارهای ارزنده این هنرمند، پرندهای زیبا دیدم که بسیار هنرمندانانه بود و رقم داشت . (علی تقی سنه ۱۱۱۲)

۶۶۵ - علی تهرانی حکاک

بنوشته سپهر، سید علی تهرانی حکاک و خطاط و او آخر قرن ۱۳ ه. ق. بود و در حکاکی و نگین تراشی دست پر قدرت داشت . وفات وی بسال ۱۲۲۵ ه. ق. اتفاق افتاده و در تهران بخاک سپرده شده است .

۶۶۶ - علی جان تبریزی - مذهب

اهل تبریز و برادر استاد قدرت حل کار است . صاحب مناقب هنروران در مورد این استاد چنین مینویسد . ((از شاگردان شاه قولی معروف و مذهب باریک نشان است . در فن خود ما هر و در صنایع و بدایع استاد قادر است و حالیه (در زمان معطفی عالی و سنه ۹۹۵ ه. ق.) در شهر حلب متمکن و برتبه عند المذهبین مشغول کار است .))

۶۶۷ - علی جعفر دکنی

نقاش دکنی و هند مرکزی است که در تصویر حیوانات و صورت سازی متبحر بوده و در سالهای ۱۶۳۰ میلادی در آن ولایت میزیسته است . از آثار رقم دار این هنرمند که بشماره ۶۱ و در حراج ساتبی ۲۴ آپریل سال ۱۹۷۹ بفروش رسید، تصویر زن جوانی بود که لباسهای زیبایتن داشت و غزال شاخ داری را نوازش مینمود .

زن جوان، چادر سرخ رنگی بسر داشت و برآمدگی پستانها نمودار بود.
 در زمینه اثر، تما و بر عمارات و ابنیه قدیمی دیده میشود و روی تکه سنگی در کنار
 گلهای، رقم داشت (کار علی جعفر)

۶۶۸ - علی چلبی نقاش ادرنه کاری

نقاش روغنی و ادرنه کاری عثمانی بود و در اواسط قرن ۱۲ ه.ق. در آن دیار
 فعالیت مینمود. در آرشیو قدیمی موزه توپ قاپوسرای ترکیه، سندی دیده میشود
 که از این هنرمند یاد کرده و مزدوی را که در آن زمانها مبلغ قابل توجهی بوده
 درج نموده است.

در این سند که به سال ۱۱۴۳ ه.ق. تنظیم شده و توسط فرد مسئولی بنام سلیمان
 آقا داده شده، برای روغن کاری یک جعبه پنج غروش و کارهای دیگر استاد علی چلبی
 جمعا " شصت و سه غروش و چهل پارا پرداخت شده است.

۶۶۹ - علی حسینی کاتبی

طراح و نقاش شیرین قلم کاشی بود و کاتبی تخلص مینمود.
 از آثار ارزشمند این هنرمند که در سنوات قرن ۸ ه.ق. انجام یافته، محراب
 مسجدی است که با کاشی های پرزیب و زینتی آرایش شده و حالیه در موزه ارمیتاژ
 لنین گراد مضبوط میباشد.

۶۷۰ - علی خان ولد محمود ملک الشعرا

فرزند هنردوست و خوش قلم استاد محمود خان ملک الشعرا ی کاشانی بود و از
 نقاشان اوایل قرن ۱۴ ه.ق. بشمار میآید.
 رضاقلی خان هدایت از استادان و لیه و پدرا صاحب مقام هنرمند، ملکا الشعرا ی صبا،
 غلوی بی اساس کرده و با درج مطالبی از قبیل (نقوش محمود از تما و بر صادق و
 بهزاد کمتر نیرزد) او را با بهزاد سلطانی هم طراز دانسته و فوق العاده بی انصافی
 نموده است. ولی از اینکه میرزا محمود خان نقاشی با استعداد و با ابتکار بوده و از
 مشاهیر زمان خود بشمار میآید، بحثی بر آن متصور نمیشود.

بدین ترتیب نقاش جوان در کنار پدر و تحت تعلیم مداوم وی، با کتساب علوم و فنون
 تصویرسازی پرداخته و در صنعت نقاشی صاحب نظر گردید. این هنرمند در آبرنگ و
 رنگ و روغن شیرین کار و خوش دست بود و با درج نام پدر پرآوازه اش در جنب ارقام
 خود، کسب افتخار میکرد.

علی خان در دوره ناصرالدین شاه قاجار، برقراری و مواجیبی کافی داشت و جزو
 حقوق بگیران رسمی دولتی بشمار میآید.

بنوشته روزنامه دولت علیه ایران و در سطر ۱۵ شماره ۵۰۲ بدریافت نشان مسی نایل گردیده و مورد محبت و امتیاز نیز واقع گشته است .
از آثار رقم دار وی دیده ام .

۱- تصویر آبرنگی اما مزاده قاسم بود که در دامنه کوهی نقاشی شده و خانه های دهقانی و درختان کوچک و بزرگ را بزبانی آراسته و درپائین آن، قیافه یک مرد دهاتی را که دهه اسب را بدست گرفته و منتظر ایستاده است نشان میدهد . عکس این آبرنگ که در هنر و مردم شماره ۵ و ۶ چاپ شده و اصل آن در موزه هنرهای تزئینی تهران قرار گرفته رقم دارد . (خانه زادعلی ولد محمودخان ملک الشعراء)

۲- دیگر از آبرنگهای این نقاش، تصویر ساده و شیرینی دیدم که ملائی با فرزند خود نشسته و با بیچه ای که در مقابل آنها دیده میشود بخوردن چائی مشغول هستند .
منظره قوری چائی و منقل پر آتش در خور توجه بود و رقم داشت .

(العبد علی ملک الشعراء، ۱۳۲۶)

۳- سومین اثر رقم دار این هنرمند که در مجموعه آقای دکتر پرویز فر قرار دارد، تصویر رنگ و روغنی کبک شکار شده ای است که بوسیله نخ از دیوار آویزان گشته و رقم دارد .
(رقم بنده فقیر علی، ۱۳۲۴)

دیگر از آثار رقم دار این نقاش، تما ویری از میرزا آقاخان کرمانی و روحی دیده ام که ارقام (علی محمود) را داشته که از ذکر جزئیات آن خودداری میشود .

۶۷۱- علی درودی

مذهب شیرین قلم و نقاش خوش پرداز عصر حاضر بشمار میآید . این هنرمند صنعت تذهیب را از عموی خود صنیع همایون یاد گرفته و در کار خود رونق یافته بود . از شاگردان مبرزوی که هر کدام بنفسه تصویرگر ماهری میباشند، آقایان نصرت الله بوسفی و محمدعلی زاویه و استادعلی کریمی از همه مشهورترند .
احوال بیشتر این استاد ، در کتاب جداگانه ای که مخصوص هنرمندان معاصر خواهد بود بیان خواهد گشت .

۶۷۲- علیرضا - آبرنگ ساز

نقاش اوایل قرن ۱۴ هـ ق بود و در گل و مرغ و آبرنگ ، قلم خوش پرداز داشت .
ارتها اثر رقم دار این نقاش آبرنگ خوش نقشی دیدم که رنگ آمیزی آن، حلاوت چشم گیر داشت و رقمش چنین بود .

(حسب الفرموده سرکار مهربان... میرزا علیرضا)

۶۷۳ - علیرضا - مجلد

نقاش و مذهب اوایل قرن ۱۱ هـ ق بود و در حل کاری، هنرها میآفرید. از آثار رقم دار این استاد، جلدخط دار و مزین قرآنی در موزه فاین آرت بوستون است که در کمال هنرمندی آرایش شده و ستودنی میباشد. کناره‌های هر دو طرف جلد، با خطوط بسیار پخته و منخی، کتابت شده و در صحنه داخلی آن، برگهای طلائی و خوشه انگوری که در شیوه حل کاری فرجام یافته، جلب نظر مینمود.

از خطوط پر ترکیب و شیوای هنرمند که در جوانی جلد دیده میشد، مهارت وی را در ارائه خطوط نسخ آشکار میساخت و در گوشه انتهائی جلد رقم داشت. (کتابه علی رضا ۱۱۲۵)

۶۷۴ - علیرضا - حسینی قاینی

فرزند محمد اسمعیل و از سادات حسینی شهر قاین و هنرمند اوایل قرن ۱۳ هـ ق بود که در شیوه‌های ایرانی و فرنگی نقش میآفرید و جلد و قلمدان میساخت. این هنرمند برادری نیز بنام میرزا محمد علی داشت که از خطاطان نامی زمان ناصری بشمار میآمد. مثنوی زیبایی از این دو برادر، در کتابخانه گلستان تهران موجود است که خط آنرا محمد علی قاینی کتابت کرده و جلد روغنی آنرا علیرضا قاضی با تمام رسانده است.

در طرفین رویه‌های جلد، تما ویرد لفریب فرار عیسی و استحمام حضرت مریم و نقش فرشته پر ملاحظتی که در آسمان پرواز میکند، بقدرت تمام نقش بسته و رقم دارد. (رقم کمترین اقل المادات علیرضا بن محمد اسمعیل الحسینی القاینی) دیگر از آثار این استاد، قلمدان دلربائی دیدم که در رویه آن، تصویر کالسکه‌ای بود که مسافری داخل آن نشسته و سوارچی جوانی، دهنه اسب را بدست گرفته و هدایت مینمود. در مدالیون وسط، نقش پر حلاوت دختر فرنگی بود که نیم تنه حاشیه طلائی و گلداربتن داشت و بسان پری رویان دوره زندیه جلب نظر میکرد.

در پائین تصویر، کالسکه‌ای از روی پل عبور میکرد و یک نفر شکارچی نیز در آن حوالی دیده میشد. مناظر اطراف و همچنین نقش ساختمان قدیمی، استادانسه بود و بخط طلائی رقم داشت.

(کمترین علیرضا الحسینی القاینی سنه ۱۲۰۵) مجموعه مهندس ناصر خلیلی

۶۷۵ - علیرضا دکنی

نقاش دکنی و بیجا پور قرن ۱۱ هـ ق هند بود و در تصویر سازی، بشیوه محمد زمان

صفوی، دست پر هنر داشت. از تنها اثر رقم دار این هنرمند که در نمایشگاه هندی (۲۴ آوریل ۱۹۸۲ موزه ویکتوریا آلبرت لندن) از نزدیک دیدم، تصویر مرد شروتمندی بود که عمامه سفیدی بسر گذاشته در کاخ پرتجمل خود نشسته بود. قیافه حضار و آذین درونی و بیرونی ساختمان و تجمل اثاث البیت، عاری از توصیف بود و رقم داشت. (مشفه خانه زاد علی رضا)

۶۷۶ - علیرضا صفا

نقاش و قلمدان ساز دوره ناصرالدین شاه قاجار بود و در شعر صفا تخلص مینمود. از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدان گلومرغی دیدم که رنگ آمیزی زیبا داشت و رقمش چنین بود. (علیرضا صفا ۱۲۹۱)

۶۷۷ - علیرضا عباسی - مذهب و نقاش

هر علاقمند هنرشناسی که نام علیرضای عباسی را میشنود، بی اختیار بیاد علیرضا عباسی، رقیب سرسخت و پیر آوازه میر عماد افتاده و خطوط معجز نگارش را به یاد میآورد که به تردستی و استادی تمام، بروی کاغذها درج گشته است. ولی فارغ از این اندیشه‌ها، علیرضای دیگری نیز در آسمان هنری آن دوره فعالیت میکرد که به عباسی شهرت یافته و همزمان علیرضا خطاط به نگارگری پرداخته و در شیوه معروف هند و پسران نقش میآفریده است.

از آثار رقم داری که از این هنرمند بیادگار مانده معلوم میدارد، این نقاش در تذهیب و تشعیر استادانه کاری بوده و در تصویر و چهره پردازی بشیوه ایرانی و هندی دست توانائی داشته است.

از آثار رقم دار وی دیده‌ام.

۱- قلمدان تابوتی و فوق العاده بود که تذهیب پر مایه و چهره‌های طلائی داشت. در ارائه تذهیب گوناگون، شیوه‌های متنوع صنعت تذهیب و آرایش گل‌های اسلیمی و ختائی را که در مکتب مفویه عمل آمده و حل کاری گشته بود، بروی قلمدان جلوه دلگشی داشت.

در رویه قلمدان و در داخل پنج مدالیون مجزا که زمینه سیاه رنگی داشت، تصاویری، بسبب چهره پردازی رضا عباسی ارائه شده بود که استادانه بنظر میرسید. در مدالیون وسط، مرد جوانی نشسته بود و جام شراب را بدست داشت و در مدالیون‌های دیگر نیز، تصاویری بهمین نحو بود که بشیوایی تمام انجام یافته و رقم نقاش چنین بود. (علیرضای عباسی) مجموعه شماره ۸

۲- اثر دیگر نقاش، قلمدان پرمهارتی، در شیوه هندی بود که در موزه هنرهای تزئینی تهران قرار داشت در رویه قلمدان، تصویر زیباروی هندی، با آرایش و لباس

مخصوص آن دیوار ارائه شده بود که رنگهای بسیار موزون داشت. شاهزاده هندی بادبزن مخصوص بدست گرفته بود و در زیر پای وی، مرغابی خوش حالتی در آب شنا میکرد. در افق منظره، درخت بزرگ و پهنآوری دیده میشد و رقم داشت.

(حقیر علی رضای عباسی)

۳- دیگر اثر رقم دار این هنرمند که در مجله هنر و مردم شماره ۱۴۸ و توسط آقای دکتر مهدی غروی معرفی شده، تصویر مردی بود که به متکا تکیه داده و کتاب و قلمدان در مقابل نهاده بود. کلاهش گرد عمامه‌ای و لباسهای بلند بود و طومار لوله‌ای بدست داشت. در مقابل وی، مردی در قیافه زردشتی‌ها که کلاه مخصوص سرداشته و ریشش بلند بود، ظرف شربتی بلوری، بدست گرفته و آماده خدمت بود. وضع خانه و ترتیب آرایش داخلی آن و نقش استادانه ندیمه مخصوص که در پشت سر تصویر دیده میشد، با مهارت بود و در بیرون جدول رقم داشت.

(رقم خانه زاده علی رضا)

۴- دیگر از آثار ارزنده نقاش که زیارت دیدارش بمن دست داد، کتاب سبزه - الابرار جامی بود که در حراج ساتبی روز ۲۱ آپریل ۱۹۸۰ بفروش رسید. در این اثر پر جلالت، کتابت خطوط و قدرت شعیر و استادی نقاش بطرز چشم‌گیری جلوه‌گر گشته و ثابت مینمود که علیرضای عباسی هنرمندی ذوفنون بوده و در خط و تصویر و تذهیب دست پر قدرتی داشته است.

این نسخه ارزنده که پنج قطعه مینیاتور زیبا داشت، از بهترین آثار نقاش بشمار می‌آید و در قمش چنین بود.

(کاتبه و مصوره و مذهب علی رضا عباسی فی‌بلده ساری ۱۰۲۲)

۵- دیگر از آثار این هنرمند که اسلاید رنگی آن در نمایشگاه آثار روغنی مدرسه شرقی لندن، ارائه شد، دوسینی روغنی پر ملاحظاتی بود که به شعیر و حل‌کاری انسان و گل و مرغ دلنواز، آراسته شده و رقم علیرضای عباسی را دارا بود.

۶- از نقوش دیگر استاد، تصویر نیمه لخت دختر هندی بود که ظروف غذا را بقرینه مساوی به انتهای چوبی بسته و بدوش میکشید. در کنار ه تصویر، دو گوزن خوش نقش، سیاه و سفید جلوه‌گر بود و بظن نستعلیق زیبا رقم داشت.

(رقم علی رضای عباسی)

در متن کتاب نوشته بود. Sa KOUNTALA

۶۷۸ - علیرضا قمصری

فرزند حاج سید باقر قمصری بود و در کاشان اقامت داشت. این هنرمند، نقاش آبرنگ کار و قلمدان ساز دوره ناصری بود و اغلب بشیوه پدر نقش می‌آفرید.

حکیم قاآنی شاعر معروف، اشعاری در وصف پدر هنرمند ذکر کرده که تفصیل آنرا در احوال باقر قمری نقل کرده ام. متأسفانه سال تولد و وفات هنرمند معلوم نگردید و یگانه آثار رقم داری که از این هنرمند دیده ام، قلمدان مرغش ساده ای بود که به طلای ناب، نما ویرگل و مرغی داشت و رقمش چنین بود.

(علیرضا ۱۳۱۲)

۶۷۹ - علیرضا گرگانی

اهل گرگان و فرزند خطاط خوش رقم. محمود ابن میرزا نصرالله ابن میرزا اسمعیل مستوفی گرگانی است. سپهر در تاریخ خود با اختصار از این هنرمند یاد کرده و چنین نوشته است: "او خط شکسته و نستعلیق را خوب مینوشت و از نقاشی بهره داشت و تا سال ۱۳۲۰ هـ ق در قید حیات بود."

۶۸۰ - علی روحانی - وصال

بنویسته کتاب گلشن وصال که خود نقاش تالیف کرده، فرزند یزدان - شمیم و کوچکترین فرزند وصال شیرازی است که بسال ۱۲۵۷ خورشیدی تولد یافته و بغیر از خوشنویسی، در خطوط شکسته و نستعلیق، در نقاشی نیز دست داشته است.

علی فلزکار - در حاجی علی فلزکار آمده

علیشیرنوائی - فرزند امیر کیچکنه بود که بسال ۸۴۴ هـ ق تولد یافته و از او این کودکی با سلطان حسین بایقرا همدرس و هم مکتب بوده و بعدها بوزارت رسیده و بسال ۹۰۶ هـ ق وفات یافته است. این وزیر دانشمند که در اشعار ترکی و فارسی، وائسی و فانی تخلص مینمود، بعلمت ترغیب و تشویق جماعت نقاشان و هنرمندان، گاهی برسم تفنن دست بقلم میبرد و قش میساخت.

از آثار این وزیر صاحب مقام که در آبرنگ ساخته شده و تا حدی شیرین قلم نیز میباشد، تصویر شیر درنده و با هیبتی است که گرفتار دام زنجیر گشته و بدست انسان اسیر شده است. این اثر خوش قلم که حالیه در موزه بوستن آمریکا قرار گرفته، رقم دارد. (عمل میرعلیشیر)

۶۸۱ - علیقلی بحری

تصویرگر عثمانی قرن ۱۲ هـ ق بود و در شیوه رضا و معین مصور نقش میساخت .
 بروایتی این هنرمند ، شاگرد ولی جان بن قاسم بود و از آن هنرمند صنعت
 تصویر میا موخت . از این استاد ، تصویر زیبائی در کتاب (تورکیش مینیا سور)
 دیدم که در شیوه رضا عباسی کار کرده بود که استادانه بنظر میرسید .
 این آبرنگ ، نقش مرد اسیری بود که پالهنک (۱) سنگینی بگردن داشت رقم
 آن چنین بود . (راقمه علیقلی)

۶۸۲ - علیقلی جببادهار - آرنات

بنام های علیقلی بیک فرنگی و علیقلی جببادهار عباسی و علیقلی آرنات
 و علیقلی ، در صحنه تصویر سازی ایران شهره بوده و آثار فراوان و کراتقدری
 نیز از خود بیادگار نهاده است

قدیمترین سند معتبری که از این نقاش نام برده ، کتاب آتشکده آذر ، تالیف
 لطفعلی آذربیکدلی است که در احوال خلف هنرمندش محمد علی بیک یاد کرده و
 چنین نوشته است :

"علی - اسمش محمد علی بیک خلف ابدال بیک نقاشی و جدایشان علیقلی بیک
 فرنگی است و در فن نقاشی ثانی مانی است . در دولت سلاطین صفویه بشرف اسلام
 مشرف و مشغول خدمات سلاطینی بوده و"

بدین ترتیب معلوم میگردد ، این هنرمند در سنین جوانی از دیار اجسادای
 خود دل بریده و بایران آمده و در دستگا ههای دولتی صاحب شغلی گشته است
 از طرفی در اغلب امضاهای بجا مانده نقاش ، به ارقام علیقلی آرنات (۲)
 و علیقلی جببادهار عباسی میخوریم که خود متضمن حدسیاتی میشود که ممکن است
 صحیح هم باشد .

۱- پالهنک از آلات شکنجه قدیمی است که بشکل مثلث بوده و گردن محکوم در
 داخل آن قرار میگرفته و دستهای اسیر نیز به آن قفل میشده است این آلات
 شکنجه ، در امپراطوری عثمانی سابق متداول بوده و سالیان منمادی اسباب
 آزار بوده است .

۲- در مورد کلمه آرنات ، در کتابی بنام MILITARY COSTUME OF TURKEY
 که بسال ۱۸۱۸ توسط سفیر ترکیه در لندن بنام (آرتوناکی رضانی) چاپ شده
 بود ، در یکی از صفحات آن ، تصویر یک سرباز آرناتونی را چاپ کرده و نوشته
 بود ، در زمان قدیم و جزو معالک آلبانیان نزدیک یوگوسلاوی که آخرین پادشاه



نگارنده عقیده دارد، عقیلی بیگ جوان حادشه جوی آرناتوتی و اهل البانی بوده که در زمان شاه عباس دوم صفوی (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ ه.ق) بدنبال سرنوشت پرا می‌دخود، به ایران آمده و در بدایت حال به جبهه خانه (۳) دولتی راه یافته و مشغول کار گشته است. و یا اینکه قبل از آمدن بایران، خودش در جبهه خانه البانی کار میکرده و چه بسا ممکن است این لقب جیاداری، نام فامیلی و حرفه، اجدادی وی بوده و به توارث به او رسیده و هنگامیکه بایران آمده، بنام جیادار معروف و موصوف گشته است.

بهر حال آنچه مسلم است، این جوان، هنرمندی قابل بوده و موقعی که بایران آمده، بمرور هنر تصویر سازی وی بین مردم هواخواهانی پیدا کرده و چون جوان صاحب نام و دنبال شهرت بوده، بمرور آشنایانی در دستگاه دولتی پیدا کرده و حتی بدربار شاهی نیز راه یافته است.

کثرت محبت‌ها و موفقیت در کارهای هنری و تشویق رجال و شاهزادگان درباری، چه بسا خود شاه عباس دوم که در صنعت تصویر دست داشته و صاحب علاقه نیز بوده، نقاش جوان را بترک دین اجدادی و قبول دین اسلام تشویق و تحریص نموده و در نتیجه بافتخار مسلمانی نایل آمده است.

در اغلب ارقام بجا مانده آثار نقاش که خود را کمترین غلامان و غلامزاده قدیمی ذکر نموده بین سنوات دوران جوانی علیقلی است که غلام وار، در حلقه ارادت و حمایت شاه عباس دوم قرار گرفته و بعضاً "خود را جبه دار عباسی نیز معرفی نموده است. بعدس نزدیک به یقین و پس از تشریف بدین اسلام، نام علی قلی را که شاید خود شاه عباس برای وی انتخاب نموده، مسمی به علی قلی شده و دررده غلامان مولای متقیان علی علیه السلام قرار گرفته است.

آن (لینک لگا) بوده، ناحیه ای بنام آرناتوت بوده که اهالی و مخصوصاً سربازان آن محل، فوق العاده قوی و جسور بودند. نژاد این افراد، از نسل اسپارت‌ها بودند که افتخار قهرمانی داشته و در راه پیمائشهای طولانی خیلی صبور و پراستقامت بودند، ولی نظم و دیسیپلینی نداشتند و اغلب بحرفه قمار اشتغال داشتند و درجات اینها تا، مین باشی ترقی میکرد. هر سربار آرناتوتی، دو عدد طبانچه در کمرویک قمه در طرف دیگر و یک تفنگ در دوش داشت.

۳- جبه خانه اسب آلات و ادوات جنگی از قبیل سرب و باروت و گلوله و سایر لوازم جنگی بوده و عمله و کارگران جبه خانه را جیادار میگفتند که در ساحت و حفاظت آلات رزمی سزدارای تخصص بودند.

واما در مورد ایام گذشته و ارائه نام میهن اصلی نقاش که از تیره آرناتوتی بوده، سعی داشته در بعضی از آثار هنری خود، علیقلی آرناتوت امضا کرده و بنحوی خود را از آن ناحیه دانسته و معلوم کرده که ابتدا مسیحی اهل آرناتوت آلبانی بوده و بعد از تغییر مذهب نام اصلی او به علیقلی آرناتوت تبدیل گشته است.

متاسفانه از آثار تاریخی و علیقلی، در زمان شاه عباس ثانی، تا کنون شری دیده نشده و معلوم نگشته که این هنرمند در چه تاریخ و سنی بدر بار راه یافته و تغییر مذهب داده و به علیقلی شهرت یافته است، ولی دوا اثر ارزنده و زیبا از آن سنوات بدست هست که معلوم میگردد، و تا ویرا در زمان شاه عباس دوم انجام داده و بدرج رقم ساده نام خود، اکتفا کرده است.

یکی از این تما ویر که اصل آن در موزه معروف ارمیتاژ لنین گرامضبوط بوده و به شماره ۷۷ در آلبوم نفیس و رنگی آن موزه جلب نظر مینماید. مجلس بزم شبانه ای است که عده ای از شاهزادگان و تفنگچیان مخصوص و صاحب منصبان قشون و شیوخ عالیرتبه و رجال درباری، در مقابل پیر مرد سفیدموی اهل طریقت، با احترام نشسته و بفرمایشات و وعظ وی گوش میدهند. منظره درختان و سایر آرایش زمینه، در کمال قدرت عمل آمده و رقم دارد.

(غلامزاده شاه عباس ثانی کمینه علی قلی)

دیگر اثر استادان از این زمانها، تصویر سه کودک خردسال چارلز اول انگلیس است که از روی اثر نقاشان اروپائی کپی کرده و بخوبی از عهده برآمده است. شباهت شاهزاده های انگلیسی و رنگ آمیزی البسه آنها استادانه بوده و به خط فوق العاده ریز رقم دارد. (هو. غلامزاده شاه عباس ثانی کمینه علیقلی)

تصویر رنگی این اثر، در صفحه ۳۵ کاتالوگ حراج فرانسوی روز ۲۳ جون ۱۹۸۲ در (آرت اسلامیک) دیده میشود.

با ارائه این دوا شروا شرومی که جزو کارهای نقاش در آخرین مقال ارائه شده ورقم انحصاری (علیقلی جبه دار عباسی) دارد، معلوم مینماید، این نقاش در زمان شاه عباس دوم با ایران آمده و ملقب به علیقلی جبه دار عباسی گشته است. ولی از جمع آثار رقم داری که از این هنرمند بجا مانده، مبین این نکته است که نقاش، بیشترین آثار خود را در دوره شاه سلیمان صفوی انجام داده و در بعضی موارد، بعنوان تداغی خدمات گذشته اش خود را غلامزاده قدیمی خوانده و عاقبت پس از مدت ها تلاش هنری و رسیدن بسنین کهولت، پس از حمله افغانه و درهم پیچیدن حکومت پر قدرت صفوی از بین رفته و با فسانه ها پیوسته است. بطور کلی از تاریخ تولد و سال مرگ و همچنین تاریخ صحیح ورود وی با ایران، هیچگونه مدرک مستند و قابل اعتمادی را سراغ

نداریم، مگر اینکه حدس بزنیم این هنرمند بسالیان حدود ۱۰۴۵ ه.ق. در آلبنانی و ناحیه آرناوت تولد یافته و در حدود ۲۰ سالگی یا بیشتر، ترک یار و دیار کرده و با بران آمد و در حدود سنوات ۱۰۶۵ ه.ق. تغییر مذهب داده و بدربار راه یافته و در زمان سلطنت سه پادشاه صفوی یعنی شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷) و شاه سلیمان اول (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) و شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵ - ۱۱۳۵) مشغول انجام وظیفه بوده و در سنین کهن سالی نیز بین ۸۵ تا ۹۰ سالگی وفات یافته و بعالم بقاء شتافته است. از فامیل و اقربای نزدیک نقاش حتی استادان و شاگردان معروف وی نیز هیچگونه اطلاع صحیحی بدست نداریم. تنها دلیل مستند و قابل قبولی که در اول این گفتار نیز، مختصراً تارتی بیان شده، نوشته کتاب آتشکده آذربیکدلی است که از فرزند ونوه هنرمند و حتی خود نقاش یاد نموده و چنین نوشته است:

((علی - اسمش محمد علی بیک خلف ابدال بیک نقاش باشی وجد ایشان علیقلی بیک فرنگی است و در فن نقاشی ثانی مانی است. در دولت سلاطین صفویه بشرف اسلام مشرف و مشغول خدمات سلاطینی بوده و خود نیز در اصفهان نشو و نما یافته و در عهد شاه طهماسب ثانی صفوی و زمان سلطنت نادر شاه نقاشی بوده و آخر الامر ضعف با صره بهم رسانیده و در مازندران در سنه ۱۱۷۲ بدرود عالم فانی کرده با کشر کمالات صوری و معنوی آراسته. خصوص در فن تصویر نگانه آفاق بود و در میان فقیر (آذربیکدلی) و ایشان کمال رفاقت و خصوصیت بود.))

بدین ترتیب معلوم گردید، فرزند هنرمند جبار دار، ابدال بیک نقاشی بوده و ونوه هنرمندش محمد علی بیک نیز، مقام نقاش باشی گری داشته و در زمان خود از مشاهیر نقاشان بشمار میرفته است.

در مورد شیوه هنری و سبک نقاشی وی، نگارنده را این عقیدت است که این هنرمند، شیوه کلاسیک اروپائی را با مکتب پرغنائی هنرمینیا تور سازی ایرانی درهم آمیخته و از زیبا شیها و حلاوت هنرمغولی نیز استمداد جسته، مکتب پرظرافت و دلفریب خود را که در لفافه احساس و تخیلات فوق العاده قوی نقش میبسته بجهان هنر عرضه کرده است. گوا اینکه این شیوه ها، بهمراه فعالیت جبار دار، بوسیله رقیب صاحب ذوق و قریحه اش محمد زمان نیز نزع می گرفته و تولد یافته، ولی ناگفته نماند، هر دو هنرمند، در اشاعه این مکتب نوظهور، ملازم و هم رکاب بوده و در اعتلا و پیشبرد آن نفرات اولیه بوده اند. بطوریکه میدان نیم هر دو هنرمند، میدان پرغنائی هنری خارج از ایران را که در آن زمانها مبداء اصلی و منبع الهام تشنگان هنر بوده، درک کرده و در ایران زمین با خبرت و بصیرت کامل، با هنر شرقی درآمیخته و شیوه نسو یافته ای را ارائه داده اند که در اندک زمانی طرفدارانی پیدا کرده و تا سالیان

متمادی و حدود اوایل سلسلهء قاجاریه، مبداء تقلید و علاقه هنرمندان بوده است. در عمق بعضی از آثار رجا مانده و آرایش پررنگ و با ابتکار رجا دار گوشه ای از هنسراسر منولی و با اصطلاح شیوه هند و پیرسان جلوه گر بوده و رنگ آن دیا را بخود گرفته است. پرواضح است این اخذ و تقلید که در بعضی موارد زیباییهای پرما یه ای نیز به اثر بخشیده، همانا حسن روابط همجواری و تشویق پادشاهان هردو کشور و مخصوصاً "اکبر وجهانگیر پادشاه" است که بحق در حق شناسی و بزرگداشت هنرمندان شهرت بسزائی داشته و شاید تنها و یا بیشترین عامل و محرک هنرمندان، در امر تصویرسازی بوده اند. علیقلی پس از مرگ شاه عباس ثانی، بدربارشاه سلیمان راه یافته و عمده آشناسارو شاید بتوان گفت بهترین آنها را در زمان وی و تحت حمایت و تشویق این پادشاه انجام داده است.

عمده ترین آثار رجا مانده علیقلی، در آبرنگ بوده که در کمال زبردستی و وسواس تمام انجام یافته و تحسین ناظران را برانگیخته است، ولی با مشاهده تعداد کمی که از آثار روغنی (لاکی) این استاد دیده ام، معلوم میدارم رجا دار، در این شیوه نیز صاحب کمال بوده و در ارائه بعضی قلمدانها نازک قلم و قوی دست بوده است.

علی قلی در چهره سازی و شبیه پردازی و ارائه مجالس بزمی و رزمی، استادی دقیق کا رو کم فرینه بوده و در نقش حیوانات و پرندگان شیرین قلم و پرما یه و در منظره سازی و گسترش دشت و دمن مخصوصاً "در تصویر پر و سواس اجزاء درختان و گلها، نقاشی شایان تمجید بشمار میرفته است. این هنرمند قوا عد پر سپکتیو و مناظر و مرابا رانیکو میدانست و در تذهیب و حل کاری نیز مکتبی پسندیده داشت. از آثار ارزنده و متنوع رجا دار آنچه از نزدیک دیده و یا از نشریات گوناگون یادداشت کرده ام، از همه مهمتر، تماویری است که در آلبوم بزرگ موزه ارمیتاژ لنین گراد قرار گرفته که به ترتیب عبارتند از:

۱- شماره ۷۶ آلبوم مزبور شامل دو تصویر است. یکی اجتماع در اویش و نوازندگان در مهتاب شبانه است که عرفا و در اویش در صحن باغی جمع شده و با هم صحبت میکنند. در گوشه دیگر، دو نفر تا روکمانچه میزنند و پیرمردی در مقابل آنها نشسته به نغمه آنها گوش میدهد. منظره زیبای باغ و بزم شبانه، در خور تحسین است و رقم دارد.

(عمل علی قلی بیک جبا دار)

۲- اثر دیگر نقاشی در این صفحه، مجلس شیوخ و عرفای صاحب مقامی است که شبانگاه در باغی نشسته و نوازندگان در حضور می نوازند. در گوشه دیگر باغ، درویش پیر و سر برهنه ای در کنار کلبه ای نشسته و شیری در کمال آرامی، در مقابل او نشسته است. منظره درختان و کوهها، در شب تاریک منظره دل انگیزی داشته و رقم دارد.

(عمل علی قلی بیک جبا دار)

۳- دیگر اثر موجود در این موزه که کتیبه تذهیبی استادانهای نیز در بالای صفحه دارد. مجلس و اجتماع شیوخ و شعرا و دانشمندان است که هر یک کتابی در مقابل قرار داده به بحث و فحص سرگرمند. مرد نوازنده و خوشحالی، در مقابل عرفاسازی بدست گرفته و مشغول نوازدگی است. قیافه افراد در شیوه مغولی بوده و منظره عمارات و درختان و فضای ابری و تیره تصویر، ستودنی است و رقم دارد.

(رقم کمینه علیقلی ارناوت) شماره ۷۸

۴- شماره ۹۵ آلبوم مذکور، یکی از آثار دل انگیز و پر مهارت علیقلی در شیوه فرنگی سازی است که در نوع خود کم نظیر است. این اثر، تصویر زن جوانی است که با زیبایی پرشکوهی تصویر شده و سینه های برجسته و دلربای وی عریان گشته است. زن جوان که شاید یکی از شاهزادگان درباری است. نیم ناچ جواهرنشانی بسر گذاشته و در روی چهارپایه ای نشسته و کیلاس شرابی بدست گرفته است. دو خدمه جوان خوش لباس که در آرایش چشمگیری نقاشی شده اند، در خدمت حاضر میباشند. یکی از آنها شاخه گلی را بملکه هدیه مینماید. تصویر درختان و ابرهای آسمان بدیع و موج است و به تخیل پرغنا و نفاس زن زیبای دیگری روی ابرهای فضالمیده و کتابسی بدست گرفته است. در روی ابرها رقم دارد. (رقم علیقلی جبا دار)

و در زیر تصویر بخط نستعلیق زیبا نوشته شده. (بتاریخ شهر صفر ختم بالخیر والظفر در دار السلطنه قزوین مرقوم شد. رقم کمترین غلامان علیقلی جبا دار سنه ۱۰۸۵)

۵- شماره ۹۶ مرقع مذکور، اثر برجسته علیقلی در پرندسازی است. در این آبرنگ پر مهارت، باز شکاری پر قدرتی را ارائه داده که گردن بند مخصوص بگردن دارد و رقم نقاش چنین است. (هو. غلامزاده قدیم علی قلی جبا دار)

۶- تصویر شماره ۹۸ آلبوم یاد شده که بزعم نگارنده تصویر شبیه سازی از شاه سلیمان است. در کمال قدرت نقاشی شده و با لباس و آرایش سلطنتی، روی قالبیچه، پر نقش و نگاری نشسته و کلاه ترک دار عمامه ای و پرده قرمز لبا شی، بسر گذاشته است. در حضور وی خدمه جوانی زانورده و پیا له شراب را بدست شاه میدهد. در گوشه راست تصویر، جوانی با صلابت و وقار مخصوص دست بکمر زده و جبه زیبای خود را بسدوش انداخته و بخدمت ایستاده است. نقش و نگار رنگین فرشها ستودنی بوده و شاخه های انتهائی درختان از زیر معجزه های چوبی ایوان جلوه بی قرینه دارد و رقم نقاش در زیر تصویر چنین است. (هو. غلامزاده قدیم علیقلی جبا دار)

۷- اثر شماره ۹۹ آلبوم یاد شده مجلس جلوس شاهانها است که در کمال چابکدستی ترسیم شده و یکی از شاهکارهای جبا دار بشمار میآید. در این مجلس پر جلال، تمام قیافه و افراد ایرانی بوده و بمان مکتب محمد زمان ترسیم گشته است. شاه سلیمان با لباس و کلاه مخصوص سلطنتی که در کمال فخامت و بی عدیلی تصویر شده، بخوشی

و شادابی در روی فالجهای نشسته و قلیان دود میکند. در کناره‌ها و طرفین پادشاه، وزرا و شاهزادگان و رجال و درباریان و فرماندهان قشونی و خدمتکاران مخصوص با احترام در جای خود قرار گرفته و چند خدمه و نگهبان مخصوص که تفنگ و کمان بدست گرفته‌اند، بخدمت ایستاده‌اند. چند درباری محترم و یافرای ممالک خارجی که اسامی آنها به لاتین و در بالای سرشان نوشته شده، در آرایش و لباس مخصوص دیده میشوند. زیبایی ساختمان و نقش چشم‌نواز فرش قصر و منظره دشت و دمن و ستونهای مارپیچی عمارت ستودنی بوده و رقم دارد.

(هو. غلامزاده قدیم علیقلی جبادار)

در دنباله آثار رقم دار علیقلی که در این آلبوم ارائه شده، چندین آثار منسوب بوی نیز در شماره‌های ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ چاپ شده که باختما رچنین است:

۸- یکی از آنها تصویر را نمودن و شکار کردن اسب‌های وحشی است. در این اثر بسیار دلچسب، پادشاه در وسط بیابان و روی صندلی نشسته و وزراء و شاهزادگان و رجال و مستخدمین در اطراف وی قرار گرفته‌اند. در گوشه دیگر، افسران و فرماندهان نظامی تفنگ بدست گرفته و آماده خدمت هستند. تصویر اسبها و همچنین قیافه و حالات حضار در کمال استادی عمل آمده و دقت قلم‌علی‌قلی را محرز می‌آورد.

۹- دیگر در این آلبوم، تصویر پادشاهی است که سوار بر اسب شده و در شکار گشاه پر درخت و سبزه‌زار، شکار سربازان خود را تماشا میکند. در کناره پادشاه، سربازان مخصوص و خدمه درباری تفنگ و سرنیزه بدست گرفته و آماده فرمانبرداری هستند.

مستخدم مخصوص چتر بزرگی بر پادشاه گرفته است. در افق دور، تصویر فیل بانان و شکارچیان که بشکارگراز مشغولند دیده میشود، چند شیر اهلی که زنجیریکی از آنها را شربان بدست گرفته، گرازی را شکار کرده و بزمین کوفته است.

۱۰- دیگر تصویر بقرم جبادار در این آلبوم، تصویریکی از پادشاهان سالخورده ایرانی است که کلاه‌پردار عمامه‌ای بسر گذاشته و قبای بلند و زیبای گلدار پوشیده و سوار بر اسب گشته است. ارائه حالت سوارکار و همچنین خوش‌تراشی و استواری اسب در کمال قدرت بوده و یکی از بهترین آثار علیقلی بشمار می‌آید. از آثار دیگر علیقلی، دو تصویر زیبا بود که در یک کتاب روسی دیده میشد. این کتاب که بسال ۱۹۶۸ در مسکو بطبع رسیده بود، دو اثر رقم دار و اصل از جبادار داشت.

۱۱- یکی از این تما و بر که بشماره ۷۵ در آن کتاب ارائه شده بود، تصویر با زدار سلطنتی بود که کلاه‌عمامه‌ای بسر داشت و ریش و سبیلش کم‌پشت بود. مرد با زدار، پوستین پشمی بدون آستین بتن کرده و با زشکاری زیبایی بدست داشت و رقم نقاش چنین بود. (هو. صورت میرزا جلال رقم غلامزاده قدیم علیقلی)

۱۲- دیگر اثر رقم دار هنرمند در این کتاب که شماره ۷۶ معرفی شده بود، تصویب مهر کوتاه قد و بد هیبتی بود که اسب زیبا و تنومندی را سوار شده و در صحرای پیش می‌تاخت. این اثر استادانه که یکی از بهترین کارهای جیادار بود، رقم داشت.

(عمل علی قلی بیک جیادار)

در کاتالوگ حراج فرانسوی (آرت اسلامیک) که در روز ۲۳ جون ۱۹۸۲ انجام شد آثار زیبایی از این نقاش چاپ شده بود که مختصراً "چنین است".

۱۳- اثر نفیس جیادار که در صفحه ۱۵ این کاتالوگ بعکس رنگی جلب نظر می‌کرد، دست بوسی شاهزاده خردسالی بود که بحضور شاه اسما عیال اول رسیده و دست وی را بوسه می‌زد. این اثر پرمایه و کم‌نظیر که با اندازه (۲۷/۲ x ۱۷/۵ سانتیمتر) در آلبوم مذکور جا گرفته بود، شاه اسما عیال و چند همراه سوارکار وی که محارم سلطنتی و خدمتکاران پادشاه بودند در سمت چپ تصویر با ستادی نقش بسته بود. در طرف راست تصویر، جماعت همراه با بر شاهزاده هندی ایستاده و ماجرا را نظاره می‌کردند. منظره زمینه تصویر و قدرت قلم نقاش و همچنین رنگ آمیزی پرزیب و زینت البسه در کمال فریبندگی بود و بخط شکسته زیبا رقم داشت.

(حسب الامر ارفع الاقدس الاعلی، تصویر شاهزاده امجدعالیمقدار و الاتیار با بر شاهزاده هندی سرافراز و بشرف دستبوس آسمان جلال و عظمت اقتدار و حشمت الخاقان صاحب قرآن سکندرشان شاه اسما عیال اناراله برهانه. بعمل کمترین بنسندگان علیقلی جیادار..... بمدت یکسال با تمام رسید) متأسفانه به علت ریزی و کوچکی و از طرفی درهم بودن خطوط شکسته قرائت مطالب با شکال صورت گرفت و چند جمله و همچنین تاریخ اثر ناخوانا ماند. تصویر شماره

۱۴- دیگر اثر پر حلاوت و پرمایه جیادار در این آلبوم، تصویر عربیان سوزان و مسرد پیری بود که بعد از استحمام از چشمه بیرون آمده و دو مرد پیر در پوشش حوله با و کمک می‌کردند. در این تصویر، ارائه حالات گوناگون افراد، در کمال تابناکی ارائه شده و منظره تک درخت پربزرگ و صخره‌های پراستحکام کوهپایه‌ها و شادابی و دل‌فریبی البسه آنها در کمال قدرت عمل آمده و بخط سفید آبی و نستعلیق، رقم داشت.

(هو. رقم غلامزاده حقیقی علیقلی جیادار)

۱۵- دیگر اثر این هنرمند که به سال ۱۹۷۶ در گالری کل ناکی لندن بفروش رفت، تصویر زنی زیبا، در آرایش فرنگی بود که میوه‌های مختلفی بدامن داشت. بیرون قصر منظره پرسبز درختان و در انتهای عظمت کوهها و رودخانه جلب نظر می‌کرد که عده‌ای بشکار حیوانات سرگرم بودند. ورقم داشت. (رقم کمینه علیقلی جیادار)

۱۶- از آثار اولیه نقاش که خود را عباسی نیز خوانده، تصویر پرند زینتی بود که روی ساقه درخت بلوط نشسته و از هنر نظر استادانه بنظر میرسد. این اثر ارزنده که

در موزه رضا عباسی تهران قرار گرفته رقم داشت . (علیقلی جبه‌دار عباسی)
 ۱۷- دیگر از آثار کپی نقاش، تصویر (ماگدالنا) بود که در داخل محدوده دایره
 شکلی جلب نظر میکرد. صورت زیبای زن، بسان کارهای رافائیل بود که با آسمان نگاه
 میکرد. زلفهای طلائی وی بروی شانه ریخته و در بستر دار زکشیده بود. پوشش لباسش
 آبی کم‌رنگ بود که بروی آن پارچه قرمز رنگی علاوه گشته بود. منظره بیرون و
 درختان فضا از روبرو دیده میشد و رقم داشت . (رقم علیقلی)

۱۸- تصویر استادانه و پرمهارت شاهزاده فرانسوی بود که از روی اثر نقاش معروف
 فرانسوی (فیلیپ دو شامپانی) کپی کرده و به تردستی از عهده برآمده بود. در این
 آبرنگ شاهزاده از پشت پرده‌ها، به جمع سربازان که در میدان نظامی مشغول
 تعلیمات رزمی بودند نظاره میکرد. شاهزاده نیز لباسهای رزمی وزره دار بستن
 کرده و موهای بلندش از اطراف سر آویزان بود و در کنار ه رقم داشت .
 (رقم کمترین علیقلی جبه‌دار)

۱۹- دیگر اثر این هنرمند که معلوم میکرد در زمان شاه عباس ثانی نقش بستنه ،
 تصویر پرند سبک بالی بود که روی درخت بلوط نشسته و بسیار استادانه بنظر میرسید
 و رقم داشت . (علیقلی جبه‌دار عباسی)

این اثر گرانبقدر که در موزه هنرهای تزیینی تهران قرار دارد، از آثار علی قلی،
 در زمان شاه عباس ثانی است که عباسی امضا کرده و در نوع خود منحصر مییابد .
 ۲۰- از آثار دیگر این هنرمند که در کتاب شاه عباس و هنر ایران چاپ شده، یکی،
 تصویر دو مرد جوان است که در صحرا، بچرای گوسفندان خود سرگرمند و یکی از آنها
 نیزنی مینوازد. منظره عمارات و گنبد مساجد داخل شهر و همچنین شادابی و استواری
 درختان تنومند و مصفا که در کنار ه اثر، نقاشی شده بسیار جالب است و رقم دارد .
 (علیقلی جبه‌دار)

۲۱- اثر دیگری در این کتاب که با اندازه ۱۲x۸ اینچ بوده و در کلکسیون آقای
 صدراالدین آقاخان مضبوط است. تصویر سفیر روسی، بنام آرتمی پتروویچ ولنسکی
 است که از طرف پتر کبیر و سال ۱۷۱۵ میلادی سفارت ایران تعیین و اعزام گشته
 است. سفیر لباسهای مخصوص روسی بتن کرده و کلاه پوست سموری بسر گذاشته و ریش
 و سبیلش پر پشت است. جبه‌پوشتن مانند نندی که بروی لباسها پوشیده، بمطابقت تمام
 تصویر گشته و رقم دارد . (رقم علیقلی سنه ۱۱۲۹)

۲۲- یادگار دیگر هنرمند، قلمدان نفیس و زیبایی در مجموعه مهندس خلیلی است
 که در زمینه زرد آن تصویر پر جلالت و آراسته دختر شاهزاده‌ای جلب نظر میکند.
 زن جوان کلاه مخصوص بسر گذاشته و لباس تن نمای بلندی پوشیده و با دبزن چرخ
 بدست گرفته است. پشت سروی، درخت تنومند و پراستواری که برگهای پائیزی دارد

دیده میشود. دومرغابی در چشمه روبرویشنا مشغولند و رقم دارد.

(بر حسب امر اشرف اعلیٰ علیقلی سنه ۱۱۱۲) تصویر شماره ۶۲

۲۳- دیگر از آثار و غنی جبادار، قلمدان زیبا و پرمایه‌ای در مجموعه نگارنده است که بسان قلمدان بالا، شاهزاده جوان و فریبنده‌ای که به آرایش موهای بلند خود سرگرم است در رویه قلمدان نقش بسته است. درختان تنومند و پربرگ باغ، بسیار دلکش و مصفا است. در زیر پای دختر جوان، انواع گل‌های ریز به تردستی ارائه گشته است. لباس طلائی شاهزاده در کمال چشم‌نوازی بوده و بیخط ریز رقم دارد. (علیقلی)

۲۴- دیگر اثر آرنات، قلمدان استادانه‌ای بود که تصویر شاهزاده سوارکاری را که نیزه بدست گرفته و بشکار مشغول بود. در رویه قلمدان به چابک دستی نقش کرده و در چهارمدالیون گوناگون اطراف نیز، تما ویرزان فریبنده و ملیح را در شیوه‌فرنگی سازی ارائه داده بود. مناظر زیبای اطراف و همچنین زیبائیهای شکارگاه و حرکت سوارکاران بشکوه تمام نقاشی شده و در روی قلمدان رقم داشت.

(علیقلی آرنات سنه ۱۱۱۴)

۲۵- دیگر از آثار این هنرمند که بسیار قلم‌نقش بسته و مختصر رنگی بروی آن ظاهر ساخته، تصویر مجنون بود که بشکل مرتاضی لاغر اندام دیده میشود. یکی از چشمهایش نیم‌بسته بود و حالت خستگی را ظاهراً میساخت. یکی از دستها بالابود و گنجشکی بروی دست چپ وی نشسته بود. مجنون که در حالت افسردگی، بروی زمین قرار داشت، کاسه غذایش را بین دو پاها گرفته بود و سگ همراهش که در شیوه اروپائی نقش بسته بود دیده میشود. ورقم داشت. (رقم کمترین آرنات ۱۰۹۹) مجموعه شماره ۸

۶۸۳ - علیقلی خوئی

اهل خوی بود و از نقاشان ساده کار و خوش دست دوره ناصری بشمار می‌آمد. آثار این هنرمند، در اغلب کتابهای چاپی آن دوره عرضه شده و معرفی علاقمندی وی به صنعت تصویر بوده است. اثر چاپی ورقم دار این هنرمند، تما ویرچاپی شاهنامه - ایست که در دوره ناصری چاپ شده و در یکی از آن تما ویر که اسپرشدن خاقان چین را بدست رستم نشان میدهد. رقم دارد. (رقم میرزا علی خوئی)

۶۸۴ - علیقلی - قلمدان ساز

قلمدان ساز گمنام دوره ناصری بود و در گل و مرغ و صورت سازی استعداد داشت. از این نقاش قلمدان حاشیه گل و مرغی دیدم که شیرین بود و در وسط رویه قلمدان، تصویر دختر زیبائی دیده میشد که سگ خود را بیغل داشت و رقم نقاش چنین بود.

(رقم کمترین علیقلی ۱۲۹۷)

۶۸۵ - علیقلی ماهردامغانی

نقاش و حکاک اهل دامغان بود و در انواع صنایع و فنون مختلفه منزلتی والا داشت. نصرآبادی در مورد علیقلی چنین مینویسد:

((از اهل دامغان بوده و بار دبیل آمده بشفل عطاری مشغول شد و دست انا بست به حاجی ابراهیم که مرید استاد محمد حسین حکاک بود داده مدتی در خدمت او بود. بعد از آن به تبریز آمده و در این مدت انواع صنایع را بمرتبه اعلی رسانید. مثل قناری و نقاشی و خطاطی، چنانچه از قلم مونس تعلیق مینویسد که بنیاد خوشنویسان را کننده و در فن مذکور تصرفات نمکین نموده است. و آلاچوبی که مرحوم علیقلی خان سپهسالار ساخته بود و تصرف نموده با وجود عدم سواد شعر میگوید و ما هر تخلص میکند. این شعر از اوست.

شکسته رنگی ماهر ز شعر او پیداست

مگر بسیلی تحسین کنند یاران سرخ

علی قلی خان سواد بسیار نداشت و قبل از سال ۱۱۷۰ ه.ق. فوت کرده است ((

۶۸۶ - علیقلی بن محمد

تصورگر شیرین نگار و اواسط قرن ۱۱ ه.ق. و بغیر از علیقلی جبا داراست. از این هنرمند تصویری موجود است که از روی یک اثر فرنگی نقاشی کرده و آن تصویری، منظره یک خانه و پل قدیمی است که با دقت ترسیم شده و مردی که بسته و بارهای خود را با یا بویش حمل میکند دیده میشود. در مقابل درب خانه مردی ایستاده و با مرد دیگری که سوار بر اسب است به صحبت سرگرم است. در آن طرف تپه و کناره عمارت مسکونی چوپانی دیده میشود که به همراه گله، از گوسفندان حراست مینماید. در داخل رودخانه چند مرغابی بشنا مشغولند و آن طرف تر چند سنگ درشت هیکل و وحشی و یک گراز جلب نظر میکند، در روی قطعه سنگ داخل رودخانه، رقم دارد.

(رقم کمینه علیقلی بن محمد ۱۰۵۹)

دیگر اثر ارزنده این هنرمند که تاریخاً جرا و حدود سنوات آن با تصویر گذشته تطبیق مینماید، تصویر مجنون بصر است که از روی اثر نقاش نامی هند، گوردهن کپی شده و بخوبی از عهده برآمده است. در این اثر دلپذیر، مجنون بحالت عربان، ظرف آبی را که با برگ درختان مستور گشته، بسر گذاشته و در حال راه رفتن است. منظره قافله لیلی که چادرهای گوناگون و خیل حیوانات اهلی از قبیل شتر و گاو و اسب در کنار آنها دیده میشود، بزیبائی تصویر شده و بیخط نستعلیق زیبا رقم دارد.

(رقم کمینه علیقلی سنه ۱۰۶۸)

تصویر رنگی این اثر، در صفحه ۱۲ کا تا لوگ (آرت اسلامیک) که در ۲۳ جون ۱۹۸۲ در پاریس

۶۸۷ - علیقلی مصور

بنوشته مرحوم رضاقلی هدایت :

((نامش حاجی علیقلی و در سال ۱۲۲۷ ه.ق. در تهران تولد یافته و در مشهد متوطن گردید. تحصیل علم نقاشی کرده و در مصوری دستی قوی داشت. مردم عقول و مهربان بود و در شعر مصور تخلص مینماید.))

از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر پیر مرد چوپانی دیدم که بعما تکیه داده و چند کوسفند را حراست مینمود. آبرنگ مزبور شیرین قلم بود و رقم داشت.
(عمل علی مصور تخلص)

۶۸۸ - علیقلی نقاش قاجاری

نقاش شبیه ساز دوره محمد شاه قاجار بود و در خط نسخ نیز قلم شیوا داشت. شمایل زیبایی از این نقاش دیدم که اندازه ۱۲×۱۷ سانتیمتر داشت و در بالا و پائین آن بخط زیبایی نسخ این جملات درج شده بود.

بلغ العلی بکماله کشف الدجی بجماله
حسنت جمیع خصاله صلوا علیه وآله

در این تصویر مذهبی، حضرت علی علیه السلام با وقار و ولایت خاص خود نشسته بود و شمشیر ذوالفقار را بروی زانوان نهاده بود. در طرفین وی، حضرت امام حسن و امام حسین علیه السلام با البسه سبز و قیافه آرام بدوزان نشسته بودند و فرشته پرمتانته، هاله نورانی و چشم نوازی را در بالای سر حضرات افکنده بود و در کنار هپائین آن به خط ریز رقم داشت. (رقم ذره بیمقدار علی قلی ۱۲۵۳)

۶۸۹ - علیقلی همدانی

اهل همدان و نقاش گل و مرغ دوره ناصری بود.

این هنرمند در تصویر و شبیه سازی نیز دست داشت و در جا نور سازی و نقش ساختمانها شیرین کار بشمار میآید. از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدان گل و مرغی زیبایی دیدم که در رویه آن، تصویری از رجال قاجاری که گویا سفارش دهنده قلمدان بوده به استادی نقش بسته و رقم داشت. (علیقلی همدانی)

۶۹۰ - علیقلی هندی

نقاش مغولی کتاب جامع التواریخ رشیدالدین (۱۶۰۰ - ۱۵۹۶ م) بود که با همکاری نقاشان نامدار این دوره همکاری مینمود. یک صفحه مینیاتور زیبا و

استادانه‌ای از این هنرمند، دیدم که در حراج ساتبی لندن ۱۴ اکتبر ۱۹۸۰ بفروش رسید. در این اثر ارزنده که موضوع آن (صورت تختگاه آبا فا خان بن هولاکو خان بن تولوی خان بن چنگیز خان) بود، آبا فا آن روی تخت زرین نشسته و جماعت ملازمین و سرداران جنگی و سایر افراد درباری در کناره‌ها ایستاده و یا نشسته بودند و خدمتکاران و ساقی‌گران مخصوص به پذیرائی مهمانان اشتغال داشتند. تمام حضار، کلاه‌های برگ دار مخصوص معولی بپرداز شدند و لباس‌های متنوع و رنگین پوشیده بودند. نقاشی در کمال جلالت و قدرت بود و در زیر جدول رقم داشت.

(طرح و چهره‌نامی فرخ عمل علیقلی) تصویر شماره ۵۶

تصاویر این کتاب که بدست نقاشان نامی آن دوره تصویرگشته، اغلب در موزه‌های مختلف دنیا پخش شده و عمده‌ترین تصاویر آن، در کتابخانه گلستان تهران مضبوط می‌باشد. دیگر آثار این هنرمند که در صفحات ۸۸ و ۸۷ جلد سوم کاتالوگ کتابخانه چتربیتی که بسال ۱۹۳۶ م و در سه جلد چاپ شده دیده می‌شود، تصویر با عظمت و پسر جلال، مجلس بزمی عالی است که شاه و شاهزاده مشغول باده‌گساری هستند و جماعتی از ندما و دوستان در این بزم شاهانه شرکت داشته و را مشگران و عمله‌آشپزخانه به پذیرائی و خدمت سرگرم می‌باشند. در گوشه دیگر، دو شخصیت فرنگی با هم صحبت می‌کنند و را مشگر جوانی مشغول ساقی‌گری است. نقاشی در کمال مهارت بوده و در زیر یکی از پرده‌های سایه‌بان، بخط نستعلیق زیبارقم دارد. (علیقلی ۱۰۲۵)

علی مجد منشی - در میرزا علی منشی آمده

۶۹۱ - علی محمد ایرانی

نقاش شیرین قلم و نازک کار ایرانی بود و در دیار هند بخلق آثار روغنی همت می‌گماشت. این هنرمند که اصلش از شیراز بوده، شیوه دلربا و پیر حلاوت ایرانی را با سبک خاص هندی درآمیخته و سبک پرشکوفه و چشم‌نوازی را به عالم هنر هدیه کرده است. علی محمد فرزند هنرمندی نیز بنام محمد حسین ایرانی داشت که در دنیا له‌رو مکتب پدر بوده و آثاری را نیز در شیوه و مکتب پدر عرضه نموده است. از آثار رقم دار این هنرمند جعبه مدور و بیضی شکلی در مجموعه دارم که بسال ۱۹۷۶ از حراجی ساتبی لندن خریداری کرده‌ام. این جعبه پرآذین که عکس آن در صفحه ۱۴۷۶ کتابهای معروف آلکساندر پوپ چاپ شده و عکس کارت پستالی آن نیز بشماره ۶۸ در آخر کتاب ارائه می‌گردد، بکل و مرغ پرآذین تصویرگشته و در کمال هنرمندی نقاشی گشته است. در کناره‌ها و حاشیه‌های روشن با لایپا ثین در ب جعبه، اشعاری در مورد وصف گلها و رابطه آن با زیباییهای طبیعت و بوی محمدی درج شده که کلاً ارائه می‌گردد.

گل گفت که من مذهب و دینی دارم - باروی رسول هم نشینی دارم
 رنگم چو محمد است و بویم چو علی - خلق حسن و خوی حسینی دارم
 گل را دیدم نشسته بر تخت شهی - گفتا بشنوراستی از مرد رهی
 من طفلم و بی گنه مرا می سوزند - ای وای بتو که پیری و پیرگنهی
 گل گفت اگر دستگهی داشت می - بگریختی اگر رهی داشت می
 بایی گنهی مرا چنین می سوزند - ای وای بمن گر گنهی داشت می
 (عاقبت خیر باد) (عمل میرزا علی محمدایرانی در سنه ۱۲۱۷)

در لبه پائینی این اشعار دیده میشود.

آلهی بخت تو بیدار بادا - ترا دولت همیشه یار بادا
 گل اقبال تو، دایم شکفته - بچشم دشمنانت خار بادا
 الهی در جهان باشی باقبال - جوان بخت و جوان دولت جوان سال
 الهی بخت و طالع یار بادت - بدنی دولت بسپار بادت
 که تا گیتی است گیتی بنده بادت - همیشه سال و مه فرخنده بادت
 زمین بادا که او شادت نخواهد - خراب آن کس که آ بادت نخواند
 تا بود زندگی خضر بگیتی جاوید - سبز بادا چمن عمر تو از آب حیات

از اشعار مدرجه بالای جعبه چنین بر میآید که این جعبه بمسافرش مرد صاحب مقامی تهیه شده و خود اشعار نیز از طبع نقاش میباشند که در بطن اشعار، بخت و اقبال و عمر جاویدانی را برای صاحب اصلی آن آرزو کرده است.

۲- دیگر از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدان گل و مرغی زیبائی در شیوه همان جعبه دیدم که رقم داشت. (علی محمدایرانی)

۳- از یادگارهای دیگر استاد علی محمد، صراحی مقوائی شیرین کاری، درزمینه تیره ای دیدم که در حراج ساتبی ۱۹۸۳ لندن بفروش رسید. در رویه صراحی، مجالس پرازدها مضافت اعیان و سرشناسان هندی، نقش بسته و درزمینه آن، گل و مرغهای ریز و پرنقش علاوه گشته بود و رقم داشت. (علی محمد شیرازی ۱۸۲۵م)

۶۹۲ - علی محمد حکاک

برادر میرزا محمود مذهب باشی شیرازی بود و در حکاکی و مهرکشی دست پر قدرت داشت. فرصت شیرازی در صفحه ۵۵۱ کتاب آثار عجم خود، مختصری از این هنرمند یاد کرده و چنین نوشته است:

((جناب میرزا علی محمد در حکاکی هنرمند است و در این فن بی نظیر و مانند

مثالیه میرزا محمود مذهب باشی را برادر است و بصنعت خویش مشهور.))

۶۹۳ - علی محمد قانع

فرزند علی محمد بود و در شعر قانع تخلص مینمود.
این هنرمند از نقاشان و شعرای دوره ناصری بشمار میآید و در آبرنگ و قلمدان سازی دست با حلاوت داشت. از آثار رقم داروی، تصویر درویش پا برهنه‌ای به آبرنگ دیدم که نسبتاً "خوب بود و رقم داشت." (علی محمد ۱۳۱۳)

۶۹۴ - علی محمد کاشی پز

نقاش کاشی کار و هنرمند اهل اصفهان بود و نزدیک دروازه شاه عبدالعظیم نهران کارخانه کاشی پزی داشت. از آثار رقم دار این هنرمند که به تزیینات زیبا آراسته گشته بود، کاشی بزرگی بود که نقوش متنوع داشت و در وسط آن، تصویر کلنل رابرت مورداک اسمیت جناب صاحب بشباهت تمام جلب نظر مینمود.
حواشی کاشی‌ها به نقش و نگار ساده آذین شده بود و رقم داشت.
(علی محمد کاشی پز اصفهانی در دار الخلافه ناصره تهران ۱۳۰۴ کارخانه کاشی در دروازه شاه زاده عبدالعظیم)
این سری کاشی‌های تزیینی که چهار عدد از آنها را دیده‌ام، همگی بسفارش کلنل مورداک تهیه شده و همه آنها امضاء علی محمد اصفهانی را داشت.

۶۹۵ - علی محمد مذهب

مذهب و نقاش شیرین قلم دوره فتحعلیشاهی بود.
از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدان تابوتی بزرگی دیدم که تذهیب استادانه داشت. رویه قلمدان به گل و مرغ رنگین آذین شده و در بین آنها گرفت و گیرشیر و پلنگ به طرز استادانه‌ای مصور گشته بود. از حل کاری و طلا نندازی و همچنین شیوه گل و مرغها و تاریخ ۱۱۵۰ ه.ق. معلوم بود، این قلمدان از آثار مشاهیر هنرمندان صفوی بوده و استاد علی محمد حواشی و کناره آنرا تعمیر کرده و رقم گذاشته (علی محمد ۱۳۲۵)

۶۹۶ - علی محمد مذهب

بغیر از علی محمد تذهیب کار دوره فتحعلیشاهی است.
بطوریکه اعتماد السلطنه در روزنامه ایران و سال ۱۲۹۹ ه.ق. یاد کرده. میرزا عبدالوهاب و میرزا علی محمد و میرزا علی صحاف با چهار شاگرد، مشغول تذهیب و تصحیف کتاب الف لیله میباشند.

علی محمد حیدریان: شاگرد کمال الملک و از نقاشان بنام قرن حاضر بود که احوال وی در کتاب جداگانه‌ای بیان خواهد شد.

۶۹۷ - علی مختاری

فرزند اسداله و اهل گلپایگان است .

این استاد از شاگردان مدرسه کمال الملک بود و شبیه سازی روی چوب را با مهارت انجام میداد . احوال بیشتر این هنرمند ، در کتابی که مخصوص هنرمندان معاصر خواهد بود ، بیان خواهد گشت .

علی مصور - در میرسید علی مصور آمده .

۶۹۸ - علینقی

آبرنگ ساز استاد بود و در قلمدان سازی و نقاشی های روغنی (لاکی) دست پرمایه داشت . از آثار بها مانده ورقم داروی ، تصویر حضرت علی علیه السلام به آبرنگ است که جیقه و تاج سلطنتی را بدست مبارک به محمد شاه قاجار عطا مینماید . در این تصویر ، شاه قاجار با کمال فروتنی ، در مقابل حضرت ابستاده و تاج مرحمتی را دریا فست مینماید . صورت حضرت و همچنین قیافه محمد شاه ، در کمال استادی نقاشی شده و قابل تحسین میباشد . محمد شاه لباس زرد رنگ و نفیسی به تن کرده و شمشیر مرصع بکمر آویخته و در کمال خضوع در مقابل حضرت قرار گرفته است . این آبرنگ زیبا که در کمال سلیقه انجام یافته بود . رقم داشت .

(رقم کمترین غلام علی نقی سنه ۱۲۵۲)

۶۹۹ - علینقی زرگرباشی

طراح و نگارگر استاد به روی فلزات گرانبها بود و به میرزا علی نقی زرگرباشی شهرت داشت . از آثار گراند زرگرباشی ، شمشیر جواهرنشانی بود که بسفارش امین السلطان اتابک و جهت تقدیم بنا صراالدین شاه قاجار ، تهیه و ترصیع شده بود . نقاب زرین شمشیر ، مرصع به زمرد و الماس و جواهرات گوناگون بود و آرایش و قلمزنی آن در حد خود عالی و عاری از توصیف بشمار میآید . این شمشیر پربها که حالیه جزو جواهرات موزه های ایران قرار دارد ، در مدالیون روی شمشیر قید شده . (السلطان صاحبقران ناصرالدین شاه قاجار) و در محل دیگر رقم زده . (بمبارک و میمنت جهت وجود مسعودا علی حضرت قدر قدرت ظل الهی الارضین شاهنشاه عالم بناه در زرگرخانه مبارکه نما شد . میرزا علینقی زرگرباشی ۱۳۰۶) (۱)

۱- در مورد مقام زرگرباشی ، جملی کارری که در سال ۱۶۹۴ م با ایران سفر کرده ، در سفر



۷۰۰ - علینقی بن شیخ عباسی

فرزند شیخ عباسی و برادر محمد نقی نقاش است که احوال آن در جای خود خواهد آمد. از شیوه کار و وحدت قلم نقاش چنین بر می آید که این هنرمند، مکتب نوپسرد از محمد زمان و علیقلی جبه دار را درک کرده و در سبک آن استادان نقش می باخته است. متأسفانه احوال این هنرمند نیز بساں صورتگران قدیمی دیگر، ناشناخته مانده، ولی در اغلب آثار ارزنده اش که خود را فرزند شیخ عباسی و یا غلام خاصه خوانده نام می برد و مقام درباری خود را با شارتی مختصر آشکار ساخته است.

علی نقی در چهره سازی و ارائه مجالس بزمی، خوش ابتکار و قوی دست بود و در پرند سازی و تذهیب و نقوش هندسی نقاشی شیرین قلم و چابک دست بشمار می آید. سال تولد و مرگ این هنرمند دقیقاً "معلوم نگردید، ولی از تاریخ آخرین اثر نقاش که بسالین ۱۱۱۲ اجرا شده چنین بر می آید که در این سنوات حیات داشته و چند سالی نیز بعد از این تاریخ بخلق آثار زیبا مشغول بوده است.

آثار ممتاز و رقم دار وی عبارت است:

۱- تصویر استادانه مرد پیری بود که با برنگ و شیوه اصفهانی و تا حدی شبیه کارهای رضا عباسی عمل آمده و حواشی آن به طلا کاری و تذهیب استادانه ای تزیین گشته بود. کنارهای تصویر شعاری دیده میشود و رقم نقاش بروی کاغذی که بدست پیر مرد قرار داشت، چنین بود. (علی نقی ابن شیخ عباسی)

۲- دیگر اثر رقم دار هنرمند، تصویر پرشاهت سلطان بایزید بود که روی زمینی جلوس کرده و شیراهلی و باوقاری، در مقابل وی آرام گرفته بود. آرایش تزیینی و همچنین تذهیب پرما یه اثر، فوق العاده بوده و در داخل مستطیل کوچکی رقم داشت (علی النقی غلام خاصه ۱۰۹۶)

۳- دیگر اثر هنرمند که رقم اصیل و تاریخ ۱۱۱۲ ه. ق. را دارا بود، تصویر پرند ه ای بود که با ستادی عمل آمده و در کمال مهارت تصویر گشته بود.

۴- از آثار دیگر هنرمند که در یک نسخه شاهنامه جلب نظر مینمود، تصاویر زیبائی بود که بعد از اتمام شاهنامه و حدود سی سال بعد از آن اجرا گشته بود. این شاهنامه که حالیه در موزه متروپولیتن آمریکا قرار دارد، بخط ابن شمس الدین شیخ محمد و



سأمه خود اطلاعاتی داده که ارائه آن خالی از فایده نیست.

زرگریاشی، رئیس بافندگان فرشهای است که دریافت آنها سیم و زر بکار میرود و محل کار آنها را کارگاه گویند. در کارگاه علاوه بر تهیه پارچه های زربفت مورد نیاز خانه شاه، شمشیر - نیزه - کمان و انگشتریهای نقره ای نیز ساخته میشود.

در سالیان ۱۰۷۹ ه.ق. کتابت شده و چند تصویر دلربا از علی نقی دیده میشود که عبارت است از:

الف - عروسی سیاوش با فرنگیس دختر افراسیاب - در این مینیاتور چشم‌نواز، عروس و داماد روی تخت چوبی زیبایی نشسته اند که پوشش سقف آن در کمال زیبی افزائی تصویر گشته است. در صحنه وسط تالار، که بفرش رنگارنگی آراسته شده، جماعت نوازندگان و مدعوین دختر و پسر به احترام نشسته و بپا ده‌گماری و طرب مشغول میباشند. پیرزن عجوزه‌ای که در گوشه تخت نشسته، صحنه عروسی را زیر نظر گرفته و مشغول چشم‌چرانی است. نقش چهره‌ها و ترسیمات پرزیب و زینت البسه حاضرین و سایر آرایش تصویر، در کمال دلفریبی بوده و زیر پایه‌گلدان رقم دارد.

(علی نقی شیخ عباسی ۱۱۰۴)

ب - تصویر دیگری در این کتاب، جلوس افراسیاب روی تخت سلطنتی شش‌گوشی است که در کمال قدرت ارائه شده و رجال و اعیان در حضور وی نشسته‌اند. شاهزاده سیاوش که سوار بر اسب شده و مشغول هنرنمایی است، سپری را بکمان نشان گرفته و بوسط هدف میخکوب نموده است. حالت چهره‌ها و آرایش البسه و نقش و نگار زمینه فرش و استواری اسب، در کمال زیبایی است و در وسط آجرهای جلو قصر، رقم دارد.

(علی نقی شیخ عباسی ۱۱۰۴)

پ - دیگر اثر رقم‌دار هنرمند در این کتاب، تصویر فریدون نامدار است که در مقابل جسد فرزندش بیتابی مینماید. در این اثر حزن انگیز، فریدون کلاه از سر گرفته و در مقابل سرفرزند، جامه‌های خود را پاره میکند. همراهان دیگر وی که بنحوی در این ماجرا سهیم میباشند، شیون وزاری کرده و عزاداری مینمایند. نقاشی در کمال قدرت تصویر شده و در وسط ابیات پائین رقم دارد.

(علی نقی ابن شیخ ۱۱۰۸)

دیگر از آثار علی نقی، چند تصویر ارزنده، در موزه توپ‌قا پوسرای ترکیه است که از بحث مفصل آنها خودداری مینمائیم.

۷۰۱ - علینقی مذهب

مذهب نازک قلم و چیره دست دوره افشاری و زندیه بود و در هنر خودمهارت بخصوصی داشت. از آثار رقم‌دار علی نقی، تذهیب برارزنده و پرمایه قرآنی دیدم که به حسن سلیقه تمام آرایش و تذهیب گشته و رقم داشت.

(تم التذهیب علی نقی المذهب سنه ۱۱۵۷)

۷۰۲ - علی هجرانی

نقاش و تصویر ساز گمنام قرن ۱۰ ه.ق. است که به احوال و آثار وی آگاهی نداریم.

۷۰۳ - عماد نقاش

میرزا عماد نقاش و تصویر ساز دوره شاه سلیمان صفوی بود و مدتی ریاست و کلانتری نقاشان کتابخانه سلطنتی را بعهده داشت. از احوال بیشتر این هنرمند و همچنین مدت عمر و سال مرگش اطلاع بیشتری نداریم و آثاری نیز از این نقاش مشاهده نکرده ایم.

۷۰۴ - عنایت - نقاش جهانگیر شاهی

تصویرگر چاک قلم و جانور ساز پر مهارت دوره جهانگیری (۲۷- ۱۶۰۵م) است که آثار زیبایی وی زینت بخش موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی گشته است. از آثار پسندیده وی که در یکی از مرقعات موزه ویکتوریا آلبرت لندن بیادگار مانده، تصویر یک بز وحشی است که بزبان افغانی آنرا ما رخوار میگویند. حیوان با شاخهای بلند و قیافه جسور و نا آرام، در کمال نازک قلمی تصویر شده و رقم داشت. (کار عنایت)

دیگر آثار این هنرمند، تصاویر خوش منظری در موزه چستربیتی بود که مبین اسنادی و قدرت قلم نقاش بشمار میآید. این اثر از زنده که بشماره ۳۷ و در کاتالوگ موزه چستربیتی بسال ۱۹۳۶ معرفی شده، بارگاه سلطنتی اکبر شاه است که مظفر خان بحالت خمیده، تعظیم کرده و دیگران نیز با احترام، در کنارها ایستاده اند. منظره ساختمان و انبوه جمعیت و قیافه‌های حیران اطرافیان به زبردستی ارائه شده و رقم دارد. (عنایت)

۷۰۵ - عنایت الدین مذهب سبزواری

سبزواری و مقیم مشهد بود و از سید احمد مشهدی و مانی نقاش کسب هنر می‌کرد و نقش تصویری آموخت. این هنرمند در صنعت تذهیب و نقش تشعیر و سایر فنون طلا و حل کاری، دست پر قدرت داشت و از هنرمندان صاحب نام و آخر قرن ۱۰ه.ق. بشمار می‌آید.

۷۰۶ - عنایت اله اصفهانی

اهل اصفهان و به آقا عنایت معروف بوده و از مینیا تورسا زان قرن ۱۱ه.ق. به شمار می‌آید. شیوه کار عنایت اله در مکتب اصفهان بوده و در آرایش و پرداخت تصاویر دست پر خلوت داشته است. از آثار رقم دار عنایت اله، تصویر ازدهای قوی هیکلی بیادگار مانده که از درخت خشک و تکیده‌ای بالا می‌رود. زمینه مینیا تور، نقش کوهها و بیابان است که بشیوه خاصی انجام یافته و بخط بدر رقم دارد. (رقم آقا عنایت اله اصفهانی)

۷۰۷ - عنایت اله نقاش هندی

از مصوران شیرین قلم و زیبا نگار هندا است که احوال وی در کتابی بنام (صفات کائنات) که بسال ۱۲۹۵ ه.ق. در شهر لکنهوی هند چاپ شده، یادگشته است :

((عنایت اله مصوری سحرکار جادو قلم، صورت ربع مسکون و اشکال کوه و هامون بر برگ سمن چنان نقش بستنی که بیک نظرازمعاینه اش بی رنج تردسیر هفت اقلیم رونمودی..... و در پوست پسته، مجلس پیکار و هیکل پیلان کوه تمثال و لشگری گران و انبوه ظاهر ساختی..... چون او استاد چایک دست معجزنگار بدیده تصور و چشم خیال ندیده و نشنیده..... اگر مانی ارژنگ نگار بر صفحه هستی نقش وجود داشتی، برگرد هر نقطه آن جادو آفرین گفتم.))

۷۰۸ - عیسی شیرازی

طراح و رسام نقشه تاج محل معروف و از اهل شیراز بود. طبق مدارک مستندی که بدست هست، او نقشه کش بوده و امانت خان شیرازی کتیبه ها را مینوشته و محمد حنیف قندهاری میر عمارت، یعنی ناظر خرج ساختمان بوده است و هر یک از ایشان استادکاران هزار روپیه در ماه مقرری داشتند. به روایت پدر ما نریک از کشیشان پرتغالی، معمار تاج محل را پرتغالی دانسته و بنام جرونیمو ورونثویا دنموده است در منابع ترکی، معمار و مهندس تاج محل را یوسف و عیسی نوشته که با بر شاه، این هنرمندان را از اسلامبول به هند دعوت کرده و بساختن تاج محل ما مور نموده است. و ضمناً "یادآور شده که معماران مذکور از شاگردان معمار نامی و مشهور ترک، سنان پاشا بوده اند. بنوشته دکتر محمد عبداله جغتائی، سازنده و طراح تاج محل، لطف اله و پدرش احمد هستند که از معماران سرشناس هند بشمار میآمدند و در روایت دیگری، استاد احمد و استاد حمید که از معاصرین شاه جهان بودند، سازنده اصلی این بنای معروف قلمداد گشته اند. ولی آنچه مسلم است استاد عیسی شیرازی، طراح و مهندس نامی ایرانی، سازنده اصلی بناء مشهور تاج محل است که بسال ۱۰۶۳ ه.ق. بفرجام رسانده است.

۷۰۹ - عیسی

از مجلدان نادره کار دوره سلطان یعقوب و او آخر قرن ۹ ه.ق. بود و تزئین و آرایش طلائی و طرح نقوش اسلامی را به استادی ارائه میداد.

غ

۷۱۰ - غضنفر علی تبریزی

اهل تبریز بود و از تفنگ سازان و فلزکاران معروف قرن ۱۱ ه.ق. آن دیار محسوب میگردید. این هنرمند فرزندانما حب ذوقی بنا م محمد صالح بیک داشت که دنیا له و صنعت پدر بوده و در تفنگ سازی از مشاهیر ایران و هند بشمار میآید. در کتاب مآثر رحیمی مختصر شرح حال این استاد را در احوال فرزندش محمد صالح بیک یاد کرده که چنین است :

((محمد صالح بیک فرزند خلف نامدار نادره دوران و خلاصه هنرمندان استاد غضنفر علی تبریزی است که در فن تفنگ سازی از مشاهیر عصر و زمان خود بود چنانکه تفنگ جوهر دار که بنفیر از اهل فرنگ که در این قسم هنرها از جمیع مردم عالم در پیش اند میماند در ایران تتبع نمود و بغایت بهتراز فرنگیان نما م کرد. و در خدمت سلاطین ذیشان صفویه معزز و مکرم بود و اکثر اوقات ملازم ایشان میبود. تا آنکه در ایسام استیلای رومی بر آذربایجان و تمخیر نمودن تبریز فتنه خیز بیگیلان نزد خان احمد والی آنجا که قدر دان هنرمندان و مستعدان بود رفت. و در دربار او را بجهت تربیت و رعایت مردم اهل در ایران مقدم او را گرامی داشته در سلک تربیت یافتگان آن عالیجاه در آمد و رعایت تمام یافت .

۷۱۱ - غفار - میرزا غفار قزلباش

به میرزا غفار قزلباش شهرت داشت و در چهره گشائی و کتابت خطوط گوناگون از تصویرگران قرن ۱۱ ه.ق. بشمار میآید. در گلستان هنرا از این استاد باختصار یاد کرده و چنین نوشته است : ((میرزا غفار قزلباش در تصویرکاران را بجائی رسانید که همه کس او را قبول داشتند و بی قرینه بود.))

۷۱۲ - غفار اصفهانی

لایه چین استا دو از اهل اصفهان بود که در هنر خود مهارت تامی داشت .

از این هنرمند چند اثر ارزنده ورقم دار لایه چینی (۱) دیدم که معرف زبردستی نقاش بشمار میآید. یکی از آنها تصویر بزرگی بود که چند مجلس گوناگون داشت. در مجلس اول نجات دادن یوسف از قعر چاه بود و در دومی یوسف را بحضور پادشاه میبردند و سومی منظره مکتب خانه بود و چهارمی مجلس بزمی بود که حواشی آن از تماویر حیوانات و انسان مستور شده ورقم داشت.

(عمل غفار اصفهانی ۱۲۰۶)

۲۱۳ - غفور - حکاک باشی تبریزی

حکاک و سنگ تراش نامی اواسط قرن ۱۴ ه.ق. تبریز بود و به سید غفور نظام الدینی حکاک باشی شهرت داشت.

از آثار رقم دار و حکاکی این استاد اثری ندیدم، تنها یادگار امضاء داری که از این هنرمند در موزه شهر تبریز دیدم، سنگ نبشته یکی از خیابانهای تبریز بود که بخط زیبا نوشته شده ورقم داشت. (خیابان پهلوی، سید غفور حکاک ۱۳۰۶ ش)

مرحوم حاج حسین آقا نخجوانی در مواد التواریخ او را حکاک با اعتبار و خطاط استاد یاد کرده و در تاریخ مرگ وی از رضائی شاعر آذری اشعاری درج کرده که چنین است:

آن میراجل غفور حکاک - کویودن نسل شاه سلولاک
 در راه خدا و خط و ارشاد - بودی همدم دلیر و بیباک
 اندر خط نغز بود استاد - و اندر حک مهر بود چالاک
 پوشیدرخ از جهان فانی - رو کرد بسوی عالم پاک
 یاران عزیز را به فوتش - گردید ز غمه پیرهن چاک
 مر سال وفات را رضائی - خود جست هم از (غفور حکاک) ۱۳۵۵

۱- هنر لایه چینی که در ایران و هند معمول بوده، تصویرهای برجسته ای است که با بنونه مخصوص روی تصویر را برور لایه گذاشته و برجسته مینماید تا در حدود نیم سانتی متر ضخامت پیدا کند، البته بنونه ای که برای این کار مصرف میکردند با یدر قیو آبکی بوده و بوسیله قلم مو بر روی تصویر، لایه چینی گردد. بعد از اتمام کار و خشک شدن بنونه با سمباده ریزکناره های تصویر را سائیده و حالت میدهند. بعد بر روی نقاط برجسته، مطابق طرح تصویری که سفالی فلان انجام داده رنگ آمیزی مینمایند. بعد از اتمام نقاشی مطابق روغنکاری قلمدان و حلد کتاب روغن کمان زده و کار را پایان میرسانند. هنر لایه چینی در ازای مشکلاتی که در اجرای آن پیش میآید، هر دلخواه هنرمندان نبوده روی این اصل برور از بین رفته و از خاطرها فراموش گشته است.

۷۱۴ - غلامحسین مینا کار باشی

از مینا سازان و نقاشان معروف دوره مظفرالدین شاه قاجار بود و از این پادشاه لقب مینا کار باشی داشت .

از آثار رقم دار و نفیس این هنرمند که در موزه نگارستان تهران دیدم، سرقلبان طلائی و مینائی استادانه ای بود که در وسط مدالیون بزرگ آن تصویر بسیار شبیه مظفرالدین شاه و پشت سرش فرما نفرما نقاشی شده و شایسته تحسین بود .

از طرفین و کناره ها نیز تما ویرگوناگون و مناظر گل و مرغ بطرز شیوا و نفیسی ترسیم شده و در داخل چهار ترنج کوچک رقم داشت .

(عمل کمترین - غلامحسین - مینا کار باشی - سنه ۱۳۱۹)

۷۱۵ - غلامرضا

نقاش آبرنگ کار و قلمدان ساز دیگری بغیر از غلامرضا اصفهانی است .

این هنرمند در آبرنگ دست شیرین داشته و در گل و مرغ و مرغش سازی و حل کبازی پر استعداد بوده است . از آثار وی دیده ام :

۱- اثر گل و مرغی شیوایی در سبک سپاه قلم دیدم که پر دازایه ها خوش بود و رقم داشت . (مشق غلامرضا ۱۳۱۵)

۲- دیگر اثر حل کاری و گل و مرغی دلربای این هنرمند را که در مجموعه دارم، قلمدان مرغش عنابی است که در رویه آن ساقه بلند و افشان خوشه انگوری به حل - کاری استادانه ای انجام یافته و کناره ها نیز با زنجیره طلائی محدود گشته و رقم گذاشته . (غلامرضا ۱۳۱۱)

۷۱۶ - غلامرضا امامی

سید جلیل القدر اصفهانی بود که اقوام و خویشان هنرمندش سالبان متممادی با ارائه هنر و خلق آثار بی همتا همت گماشته و شهره خاص و عام بوده اند . این استاد نیز در زمان خود نقاش صاحب امتیاز بوده و در مرغش و تذهیب و حل کاری و ارائه گل و مرغ و پرند و سازی دست کم قریب داشته است . از آثار رقم دار وی دیده ام :

۱- قاب آینه ممتاز این هنرمند را در موزه ویکتوریا آلبرت لندن دیدم که رویه آن را بسپاق و شیوه علی اشرف از گل و مرغ آراسته بود . در این اثر دلپذیر - انتخاب رنگها و پر دازایه ها استادانه بود و حواشی و اطراف آن به تر دستی تذهیب شده و بخط رقاع رقم داشت . (عمل الحقیقیر غلامرضای الامامی ۱۲۸۳)

۲- دیگر اثر قریب بنده این هنرمند قلمدان درشتی بود که در رویه آن تصویر دلربای گل و بوته فن دققی به تر دستی ترسیم شده و مرغان الوان و زنده ای بروی گلها

نشته ورقم داشت . (غلامرضا امامی ۱۲۹۰)

۳- قلمدان دیگر استاد، اثر زرافشان و گل مرغی بود که درزمینه سیرت رسم شده و رقم داشت . (فرمایش جناب آقای ضیاء الملک رقم کمترین غلامرضا امامی ۱۳۰۳)

۷۱۷- غلامرضا خان ندیم باشی

کارمند تلگراف خانه و فرزند میرزا محمدخان ندیم باشی و نواده فتحعلی خان ملک الشعراء کاشانی است این هنرمند در اقسام هنرها پر استعداد بوده و در تصویر سازی و منبت کاری و گل دوزی و آبرنگ دست داشته است . غلامرضا خطوط را خوش مینوشت و فرانسه میدانسته و گاهی نیز شعری سروده است .
سال دقیق مرگ وی معلوم نیست ولی آنچه مسلم است تا حدود سالیان ۱۳۲۰ ه.ق. در قید حیات بوده است .

۷۱۸- غلام شیرزاد

طراح و نقاش و بافنده پارچه های حریری در او اواخر سده قرن ۱۰ ه.ق. بود . از تنها یادگار ارزنده و استادانه این هنرمند که در دست است ، تصویر جوانان در بـاغ مصفاشی است که بروی پارچه اطلسی انجام یافته است .
در این اثر پررنگها که در زمینه خوشرنگ و سبز چمنی یافته شده ، دو جوان بقرینه روبروی هم قرار گرفته ، و کناره ها و اطراف را درختان و گل های رنگارنگ احاطه کرده است ، لباس ها برنگ قرمز و زرد دلربا آرایش شده و در قسمت بالا و در داخل یک مستطیل بخط رفیع قرمز رنگ درج گشته .
(تقدیم آستانه مقدسه نمود غلام شیرزاد سنه ۹۲۹)

۷۱۹- غلامعلی

مجلد و قلمدان ساز معروف دوره ناصری بود و با همکاری استادان نقاش دیگر در ساختن جلد های روغنی برای کتاب معروف الف لیل مضبوط در کتابخانه گلستان تهران شرکت داشته است . از آثار رقم دار این نقاش ، جلد روغنی کتاب چهارم الف لیل است که در وسط آن مجلس بزم گسترده ای نقاشی کرده و حواشی و رویه آنرا غلامرهای تبریزی - از معماران پراعتبار دوره زندیه بود و در کار خود شهرت داشت .
از یادگارهای ارزنده وی حصار و خندق معروف ارک تهران بود که با مرکزیمخان زند حفر شده و پایان یافته بود . فرزند وی میرزا جعفرخان معمار دوره فتحعلی شاه و ناصر الدین شاه قاجار است که از معماران معروف دوره خود بشمار میآمده است .

مناظر و دورنماهای گوناگون و تما ویرشیر و خورشید و تاج کیانی را رسم نموده و رقم گذاشته . (بدستگیری استاد کل فی الكل جان پناه استاد آقا سمت اتمام پذیرفت العبد غلامعلی ۱۲۷۵)

۷۲۰ - غلامعلی خان

آبرنگ ساز پرمهارت و شبیه‌پرداز کم‌قرینه هندی و اهل دهلی بود که بسالیان اواسط قرن ۱۹ میلادی در آن ولایت فعالیت داشته و در خدمت مجموعه داران انگلیسی از قبیل ویلیام فاسترو کلنل اسکینروسا بیر علاقمندان بخلق آثار زیبا مشغول بوده است . اغلب آثار این نقاش در آل‌بوم مخصوص اسکینر جا گرفتند و معدودی که در مالکیت دیگران بوده روز ۷ جولای سال ۱۹۸۵ در حراج ساتی لندن بفروش رسید . چندین اثر ارزنده این هنرمند را که در حراج مذکور از نزدیک دیدم، مبین دیده تیزبین و دقت و وسواس زیاد از حد نقاشی در امر شبیه‌سازی بود که نکات نا دیدنی و جزئیات پنهان شده را بوضوح روی کاغذ آورده و به استاد ی به سان صفحه عکاسی عریان ساخته است. آثار شناخته شده وی عبارت است از :

- ۱- تصویر منشی دیوان است که عده‌ای روی زمین نشسته و منشیان دولتی که قلم و دفتر بدست دارند مشغول انجام وظیفه هستند، افراد دیگر که جمعی نشسته و عده‌ای سرپا قرار دارند در کمال قدرت نقاشی شده و سزاوار تحسین می‌باشد .
- ۲- دیگر در این حراج که بشماره پنج ارائه شده، تصویرش نفر است که بزینبایی شبیه سازی شده و یک سرباز انگلیسی که لباس زرد پوشیده جلب نظر مینماید .
- ۳- دیگر اثر ارزنده هنرمند که در این حراج بفروش رسید تصویر سراج‌الدین محمد بهادر شاه هندی بود که در وسط و بر روی تخت مزین نشسته و یک مستخدم بادیزن بدست مشغول خدمت است . دوشا هزاره جوان و کم‌سال هر دو در حضور ایستاده و لباس‌های زربفت درباری بتن کرده‌اند . منظره فرش قصر سلطنتی و قلبیان مخصوص و زیبائی تخت سلطنتی در خور تحسین بوده و ستودنی می‌باشد . اسامی و القاب زیاد ی در کناره‌ها قید شده که چنین است

در قسمت بالا و در گردونه اطاق بالای سر شاه نوشته (در ماه ربیع الاول سنه ۱۲۵۴ هجری مطابق سنه احد جلوس معلی) و نام پادشاه را بعد از عناوین و القاب چنین نوشته : (ابوالظفر سراج‌الدین محمد بها در شاه پادشاه غازی خلداله ملکه و سلطانه) بعد اسامی نفرات را چنین قید کرده :

- ۱- نفر اول ایستاده و بادیزن بدست گرفته (میرزا مغل بیگ خان بهادر نصرت‌جنگ)
- ۲- فرزند کوچک شاه ایستاده (شبیه مرشدزاده آفاق میرزا فرخنده بهار)
- ۳- دست‌چپ جوانی ایستاده و دستمال بدست گرفته (شبیه صاحب عالم و عالمیان)

مرشدزاده جهان و جهان‌نیا ن میرزا محمد سلطان شاه‌دام‌حشمته)
رقم‌نقاش در روی حاشیه سمت چپ تخت پادشاه و در زمینه سبزچین است .
(مصور غلام علی)

با حوال و آثار بیشتر این هنرمند و همچنین شناسائی شیوه‌های نقاشی که چند عکس
رنگی نیز علاوه‌گشته است ، میتوان بدیه‌کالتالوک حراج ساتبی لندن و شماره دوشنبه
۷ ماه جولای سال ۱۹۸۰ مراجعه فرمائید .

۷۲۱ - غلامعلی - میناکار

میناکار شیرین قلم‌دوره ناصری بود و در مجمع الصنایع ناصری که مجمع هنرمندان
آن دوره بوده حجره کوچکی داشته و به میناسازی اشتغال داشته است . این هنرمند
در کارگاه خود سرقلیان های طلائی و مسی وانگشیری و گوشواره مینائی تهیه کرده و
در اختیار علاقمندان میگذاشت . از آثار امضاء دار این میناساز ، کوزه قلیسان
مینائی زیبائی دیدم که بگل و مرغ شیوا و صورتهای خوش حالت تصویر شده و رقم
داشت .
(کمترین غلامعلی)

دیگر از آثار مینائی هنرمند کوزه‌قلیان مینائی دیگری دیدم که تصویر بهرام‌گور
و نقوش دیگر را به استادی مینا کرده و رقم نهاده بود . (کمترین غلامعلی)

۷۲۲ - غیاث‌الدین جامی

طراح نقوش و باحتمالی با فنده فرش نفیسی است که در وسط آن شمسه فوق‌العاده
بافته شده و در متن آبی آن منظره شکارگاه جلب نظر مینماید . در این اثر کم‌نظیر که
تعدادشکارچی‌ها و حیوانات بقیرینه در آن بافته شده در وسط شمسه رقم دارد .
(شادزسی غیاث‌الدین جامی - بدین خوبی تمام این کارنامی)

سنه ۹۲۹

این اثر ارزنده بچاپ رنگی زیبا و در صفحه ۱۱۱۸ و در شماره ۱۲ کتابهای پرفسور
پوپ نیز چاپ شده است .

۷۲۳ - غیاث‌الدین خلیلی

اهل اصفهان و مذهب خوش قلم و اواخر قرن ۱۰ هـ . ق . بود . بنوشته روایات قدیمی :
چون شاه‌طهماسب مراتب کمالات او را یافت بنوازشات شاهانهاش بنواخت و در
کتابخانه همامی جای داد و قرآنیکه از جانب شاه‌طهماسب جهت سلطان مراد سوم
عثمانی هدیه گردیده و تاریخ ۹۸۲ هـ . ق . را دارا بوده است ، اثر استاد خلیلی بوده و
در نذهیب و آرایش طلائی ، کم‌نظیر بوده است . این قرآن حالیه بر سر قبر ابویوب
انصاری وقف شده و در استانبول قرار دارد .

۷۲۴ - غیاث الدین علی - نقشبند یزدی

خواجه غیاث الدین علی نقش بندیزدی از نقاشان و نقش بندان دوره شاه عباس کبیر و زاهالی یزد بود و در مخمل وزری و پارچه بافی از مشاهیر زمان خود بشمار میآید. مولف جامع مفیدی خواجه غیاث را به استادی یاد کرده و درباره اش چنین نوشته است:

((خواجه غیاث الدین علی در فن نقش بندی عدیل و نظیر نداشت و پیوسته به قلم اندیشه مور غریبه و صور عجیبه بر صحایف روزگار مینگاشت و اقمشه نفیسه با تمام میرسانید و در آن کار بر مرتبه ای بلند آوازه گشت که پادشاهان عالیشان نافذند و سرک و روم تحف و هدایا بجهت او ارسال فرموده اقمشهای که در کارخانه طبیعت او با تمام رسیده بود طلب مینمودند.))

صادقی بیک در مجمع الخواص او را شیرازی دانسته و در مورد وی چنین نوشته است: ((از اهل شیراز و از اولاد شیخ سعدی قدس سره است. هنرهای زیادی دارد و اولاد در فن نقشبندی و شعر بافی میتوان نادر دوران و فرید زمانش خواند، شاهان و شاهزادگان ایران و توران کالای اختراعش را طالبیند، در چابکی و نیرومندی و کمانگیری نظیر ندارد، با اینحال بسیار کم آزار و مهربان است، حقیر (صادقی بیک) بعد از شکست استرا با در یزد بد خدمتشان رسیدم و علاوه بر همدمی بشرف همخانگی شان هم نایل شدم))
دیگر از شعر و بدیهه گوئی وی تعریف کرده و هشت بیت از اشعار او را یاد کرده است که بیت اول آن اینست:

من که در یزد رشک افرانم - از هنر برگزیده یزدانم

هنری نیست چون سخن دانی - هم هنرمند و هم سخن دانم

خواجه غیاث الدین بمجالست و قرب دربار پادشاهی مفتخر بود و در حضور شاه پر قدرت صفوی منزلت فراوان داشت. او شاعر بود و خود را در فن نکته پردازی بی قرینسه میدانست. چنانچه گوید:

گرچه در فن نکته پردازی - زیبا ایران و رشک تورانم

هیچ از آن دم نمیزنم که از آن - خار در دیده حریفانم

نزدیکان و منسوبان او از جمله فرزندان پرمهارتش معزالدین به نقشبندی و بافت پارچه های قیمتی مشغول و شهره بوده و آثار وی را نیز بسیار نگارنده اند.

آثار رقم داروی عبارت است از:

۱- زری اطلسی گلبتون که تماویری از شتر و کجاوه دارد که ساربان مشغول هدایت میباشد، در زمینه های اطراف تماویری از غزالان و آهوان و مجنون عاشق پیشه است که بین حیواناتی از قبیل شیروآهو و روباه قرار گرفته است. در زمینه پارچه

گل و برگهای ختائی جلب نظر میکنند که در طول پارچه ادا می‌افتد و رقم نقاش در زیر کجا و چنین است. (عمل غیاث) (۱) موجود در موزه هنر و تاریخ بروکسل بافت یزد

۲- دیگر اثر رقم دار هنرمند که در موزه ایران باستان قرار گرفته، روپوش زری صندوقی است که در حواشی آن ادعیه‌ای بخط ثلث زیبا درج شده و در وسط آن گل‌های ختائی استادانه‌ای جلوه گرمیابد. در قسمت بالای پارچه آویزه قندیل مانندی دیده میشود و رقم دارد. (غیاث) بافت یزد

۳- دیگر اثر امضا دار استاد غیاث، زری ابریشمی قرینه چهارتائی و دوتائی الوان سبز و سفید و گلی است که در متن آن، نقوش ترنج مانندی بافت شده و در یکی از آنها منظره گرفت و گیر و روباه و مرغابی به زیبایی جلب نظر میکند، در طرح دیگر تصویر جوانک خوابیده‌ای است که البسه دوران مفوی بتن کرده و در قرینه چهارتائی با ستادی ارائه گشته است. رقم دارد. (عمل غیاث) بافت یزد

۴- دیگر اثر این هنرمند که مبین قدرت و هنرمندی استاد می‌باشد، پارچه ملون و استادانه‌ای است که عکس رنگی آن روی جلد مجله هنر و مردم شماره ۱۰۹ دیده میشود.

۷۲۵- غیاث الدین محمد - مذهب مشهدی

مذهب نادره کار و افشانگر استاد اهل مشهد است.

امیر علی شیر نوائی وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا باین استاد ارادت داشته و او را مورد توجه و عنایت خود قرار میداده است.

قاضی احمد با ختمار از این استاد یاد کرده و چنین نوشته است:

((واضع افشان اوست و در تذهیب بیقرینه بوده و معاصر مرحومی مسولان سلطان علی است. در تاریخ سلخ جمادی الاول ۹۴۲ در مشهد مقدس معلی مزکی فوت شده در جنب مولانا سلطان معلی مشهدی مدفون گشت.))

مستقیم زاده در تحفه خطاطین او را شاگرد سلطان معلی مشهدی دانسته و خط و تذهیب وی را ستوده است. از آثار طلاکاری و تصویرسازی وی چیزی ندیده‌ام و تنها اثری که از خطوط نامبرده در خزینه اوقاف اسلامبول از نزدیک دیدم یک قطعه در مرقع سید احمد مشهدی بود که رقم داشت.

(مشقه العبد الفقیر الحقییر المذنب غیاث الدین مشهدی المذهب غفر ذنوبه)

۷۲۶- غیاث الدین نقاش - پیر احمد زرکوب

نقاش هنرمندی است که از طرف دربار بایسنقر میرزا بجانب ختای رفته تا طرح

با غهای چینی را با خود بارمغان آورده و بشیوه و هنر چینی آشنا گردد. از احوال این هنرمندانها دوست محمد هروی که او را پیرا احمد زرکوب معرفی نموده یا دکرده و چنین نوشته است :

((همین اوان از عقب خواجه غیاث الدین پیرا احمد زرکوب کسی به مملکت تبریز فرستاد و چون خواجه حسب الحکم کتابخانه را بیمن قدم و اوراق نقاشی رادر هرات بلطف قلم معزز و مکرم گردانیدند و موضع چند از مواضع جنگ قلم گیری کردند و اوان فتنه انگیز رنگ آمیز نمود و بخون جگر و آب دیده پا کیزه ابر شستمان فرموده با تمام رسانید، امیر خلیل بدیده، انصاف بر اطراف آن بساطین جنت اتصاف بگذشت منصف و بصفت اتصاف متمصف گشت و همت به ترک تصویر گماشت و خود را از اندیشه آن معاف داشت .

از پیر خرد همیشه انصاف خوش است - عاقل نبرد گمان کز اولاف خوش است
تا جلوه کند صورت مطلوب ز غیب - آینه صفت صفحه دل صاف خوش است
دیگر سندان زنده ای که از این استاد یاد کرده، عرضه داشت جعفر با یسنقری به حضور با یسنقر میرزا است که تفصیل آن در صفحه ۸۹ این کتاب درج شده و از کارهای نقاش چنین گزارش شده است :

((خواجه غیاث الدین از رسایل دو موضوع بچهره رسانیده و یک موضع دیگر نزدیک است و حالی بیک موضع عمارت که از گلستان باطل کرده اند مشغول است .))
اما با همه هنرمندی و شهرتی که داشته، تمام ویرا مفا دارویا منسوب وی را ندیده و از جایی نشنیده ام و بعید نیست بعضی و با جمله آثار استاد سیاه قلم را که بنا موی در عرصه هنری آن دوره شهره یافته به همکاری استاد غیاث الدین انجام نیافته باشد، زیرا در آن سفر سه ساله علاوه بر اینکه سفیر مخصوص با یسنقر میرزا بوده کسی بوده که مشاهدات روزانه خود را یادداشت کرده و چه بسا در حینی که یادداشت هارا تنظیم مینموده تصاویری نیز بمناسبت ترسیم کرده و در جمع بکدیگر حضور با یسنقر میرزا تقدیم داشته است . چون تصاویر منسوب به اسناد محمد سیاه قلم تماما "در شیوه مخلوط هرات و چینی بوده و ماوقع آن دیار را بخوبی عرضه کرده است و قطعا استاد سیاه قلم نیز زیر نظر و سرپرستی استاد غیاث الدین و در جمع هنرمندان هراتی به دیار چین رفته و در ارائه عجایب و نشان دادن اوضاع و احوال و قیافه هالی آن دیار با همکاری روزمره استاد غیاث الدین بخلق آثاری کم نظیری موفق گشته است . از آثار ارزنده استاد غیاث الدین سفرنامه مختصری است که در ماه ذی قعدة سال ۸۲۲ ه.ق. و در معیت سفرای منتخب فرمانروایان و شاهزادگان مختلفی از قبیل (میرزا با یسنقر والی هرات) و (میرزا الخ بیگ والی سمرقند) و (میرزا سیور غمش والی غزنه و هند) و (میرزا ابراهیم شاه رخ والی اصفهان) و (شاه ملک والی

خوارزم) و ملوک بدخشان محمود شاه و ملوک مغولستان او بیس خان و جمع همراهان آنها انجام یافته و پس از دو سال و ده ماه پایان یافته است.

این نقاشی مشاهدات خود را از هنگام عزیمت تا پایان سفر یادداشت کرده و مابقی را بیان داشته است، از این سفر نامه اولین دفعه فاضل و محقق معروف شیخ کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی در مطلع السعدین که حوادث چهار ساله از ۷۰۰ تا ۸۷۵ ه.ق. بیان داشته بحث نموده و بعد از آن نیز خوانند میر بر روایت از این کتاب در حبیب السیر مختصراً اشارتی بآن سفر کرده است.

نگارنده نیز جهت دستیابی به مدارک و اسنادی که توسط یک نقاش معروف و در حدود شصت سال پیش درج گشته دائماً در تک و پوی بودم و جمله سعی و کوشش من در بدست آوردن این نسخه نایاب، دستیابی به احوال استاد محمد سیاه قلم بود که حدس می‌زدم در بین همراهان غیاث الدین بآن دیار رفته و آثار خود را با برداشت از روش چینی‌ها خلق کرده است. تا اینکه اتفاقاً در بین کتابهایی که حدود ۱۲ سال پیش از یک کتابفروشی خریداری کردم جنگ خطی زیبایی بود که بسال ۱۲۶۰ ه.ق. و توسط فردگمنامی نوشته شده و کناره‌های صفحات آن آرایش و تذهیب گشته بود. این جنگ که مجموعه‌ای از آثار شعرای ایرانی و کشمیری وارد و را در برداشت، در انتها نیز چندین صفحه نوشته‌هایی بخط ترکی عثمانی دیده میشد که با تیتراژ درشت عجایب اللطائف جلب نظر میکرد.

در ابتدا فکر می‌کردم که این نوشته‌ها هزلیات و لطایف گوناگونی است که بنام عجایب اللطائف در آذربایجان علاوه گشته و بعباراً اغلب جنگهای معمولی ختم‌مقال را با شوخی درآمیخته است. ولی بعد از مختصر بررسی که بعجله و شتاب انجام گرفت معلوم شد که این همان نسخه نایاب سفر نامه غیاث الدین نقاش است که سالیان متممادی در انتظارش بودم که حالیه بتوفیق یزدان نصیب حقیر گشته است. منتها این نسخه رونویس نسخه اصلی نبوده بلکه نسخه ترجمه شده‌ای بزبان ترکی عثمانی است که توسط چلبی زاده و در زمان سلطان احمدخان ثالث (۱۱۱۵ - ۱۱۴۳) از فارسی به ترکی ترجمه شده و صاحب جنگ در حدود سالهای ۱۲۶۰ ه.ق. آن ترجمه را بدست آورده و در آذربایجان علاوه نموده است. بدین جهت نگارنده نیز بعلمت اهمیت و نایابی اصل سفر نامه و با در نظر داشتن جمله نقاشی که در مراحل ترجمه باصل مطلب وارد میشود از ترکی عثمانی بفارسی ترجمه کرده و در ذیل آثار نقاش منتشر نمودم تا مورد توجه خوانندگان گرامی قرار بگیرد.

بدین ترتیب با حفظ اصالت سند مزبور، ابتدا مقدمه نسخه عجایب اللطائف را که در زمان سلطان احمدخان ثالث علاوه گشته درج نموده و سپس باصل سفر نامه پرداختم که چنین است:

بعد حمد خدا و نعت نبی اکرم سبب کتابت و ارائه این مقاله جهت ارباب آنتباه بدین ترتیب است که خاقان جهان‌بان و صاحبقران کیتی شان، فاتح ایران زمین، شاهنشاه اسکندآیین، شهریار امجدتاجدار جد برجد.

آسمان مرتبه جم کوکبه سلطان احمد - یدی اقلیمیک اوخاقان عظیم الشانی مویده تا نیدربانی، جناب خلافت مآب صدرا عظم و داما قدم واکرم و وزیر ارسطو فطرت و مشیرعلیشیرمونت، نظام الملک زمان و آصف عهد و او ان، مایه آرایش عالم و باعث آسایش امم، مربی اهالی - دستور صائب تدبیر و صاحب معالی، صدر مقدم و منعم کریم. ابوالمکارم ابراهیم پاشا، همواره مرام و مقصودش مطلع بودن از احوال و آثار ملوک پر قدرت و مکننت و بسط مملکت اجدادی بوده، از جهت درج اخبار نادره و نسخه‌های نادیده همیشه علاقمند به جمع آوری آنها بوده است.

روی این اصل، رساله‌ی قیمت سفر خواجه غیاث الدین نقاش بدیار ختای را که در زمان میرزا شاهرخ سلطان انجام یافته و توسط ربیب خوان نعمت و غریق دریای احسان، چلبی زاده ترجمه گشته در اختیار علاقمندان قرار میدهد

عجایب اللطایف

تالیف خواجه غیاث الدین نقاش

در ششم ذی قعدة سال ۸۲۲ زدا را السلطنه هرات خارج شده و روز نهم ذی الحجه وارد شهر بلخ گردیده، از شدت سرما و بوران حرکت میسر نگشته و تا غره محرم سال ۸۲۳ در شهر بلخ اقامت نموده بعد از تخفیف سرما و آمدگی بطرف سمرقند حرکت کرده و در ۲۲ محرم سال مزبور به سمرقند وارد گشتیم. دو ماه قبل از رسیدن ما، میرزا الغ بیگ سفرای خود را بنامهای سلطان شاه و محمد بدخشی بدیار ختای روانه کرده و در آن مملکت با انتظار رسیدن دیگران توقف کرده بودند.

در این شهر میبایستی تمام سفرای نواحی مختلف جمع شده و با تفاق همدیگر بطرف چین حرکت میگردیم. بدین ترتیب ارغداق سفیر میرزا سیور غتمش وارد وان سفیر شاه ملک (وفات ۸۲۹ ه. ق.) و خواجه تاج الدین سفیر شاه بدخشان - بیکی دیگر ملحق شده و در دهم ماه صفر سال مزبور از طریق سمرقند عازم کشور ختای گردیده و در چهارم شهر ربیع الاول به شهرتاشکنندوروز سیزدهم بشهر سیرام و در غره شهر ربیع الاخر به اشیره و روز ۲۱ به مملکت مغول وارد گشتیم. در این زمانها فصل بهار شروع شده و مناظر راهها و کوهسارها و چمنزارها لطیف و عاری از توصیف بود. ناگهان خبر رسید که به هوای قتل شیرمحمد و غلان توسط اویس خان، قل محمد بیگ و بعضی ارا برای مغول به اویس خان عصیان کرده و مملکت را مختل و ناآرام کرده‌اند. و بعد از مدتی خبر رسید که توسط میرخدا دادا از امرای معتبر آن دیار و سلطنت شده و این درگیری بصلح

وصفا انجا میده است. بدین ترتیب در هیجدهم شهر جمادی الاول در محل بیلغوتسواز ممالک محمدبیک وارد شده و منتظر خدمه شاه بدخشان و سایر افرادی که تا خیرداشتند با انتظار توقف کردیم. و در ۲۱ ماه مزبور به کنکر صوبی وارد شده و با حاکم آن قبیله بنام محمدبیک ملاقات کردیم. فرزند محمدبیک داماد سلطان شادی کورکان شمع جهان بود که زن وی خواهر زن امیرزاده جوکی بهادر بود. در هشتم جمادی الاخر خیر غارت را چوایلچی و پس خان توسط فرزند محمدبیک بمارسید که از این خبر را چوایلچی ها و سفراتو هم گشته که بعد از این سفر کوهستانی است و اغلب اوقات باران و شبنم میبارد باید خیلی محتاط بود، بهر طریقی شده در اواخر شهر جمادی الاخر به شهر طرقان وارد شدیم. آحاد و اهالی این شهرت پرست بودند و به اصنام جدید و قدیم اطاعت و عبادت میکردند. در دوم ماه رجب و شدت گرمای شهر مذکور حرکت کرده و روز پنجم به محله قراخواجه وارد شدیم. در دهم ماه مزبور ما مورینی از طرف چینیها برای شبت و تحریر اسامی سفرا و همراهان بدفتر مخصوص حضور یافتند. در نوزدهم ماه مزبور به محله صوفی آقا وارد شدیم که در این محله شخصی بنام خان زاده تاج الدین که از سادات ترمذی بوده و در آن محل خانقاهی بنا کرده و مقام و مآوی اختیار کرده و داماد این شخص بنام امیر فخر الدین حاکم مسلمانان شهر قامل بود.

از ۲۱ ماه مزبور به شهر قامل وارد شدیم که در این شهر در مقابل مسجدی که امیر فخر الدین مذکور بنا کرده یک بتخانه بزرگ قرار گرفته بود. در این بتخانه بتها متنوعی ساخته شده و از جمله بت طلائی بزرگی با اندازه قد یک پسر ده ساله جلب نظر میکرد که در کمال صنعت و استادی ساخته شده و عقل حیران میکرد و در دیواره های این بتخانه نقش های بدیعه جلب نظر میکرد و در روی درب ورودی آن تصویر دودی قوی هیکلی بود که در حالت حمله بیکدیگر دیده میشدند که از هر نظر حیرت نظار را بر میانگیخت. در این شهر شخصی بنام منکلی تیمور که جوان خوب روی و سیمین اندام بود حاکم بود. در ۲۵ ماه رجب از آن شهر کوچ کرده و بعد از آن راهها اغلب صحرا و ریگزار بود که در روزیاد و روز اغلب آبی در راهها مشاهده نمیشد.

در ۱۲ شعبان شهری وارد شدیم که شترهای کوهاندار و گاوهای بزرگ دیده میشد. از صحبت ها شیکه در این مورد میکردند یکی از اهالی این شهر سواریکی از این گاوها شده بود که گا و خشمگین شده و حریف را با کله خورد کرده و مدتی جد حریف در روی شاخه های وی آویزان گشته بود. در ۱۴ شعبان بر موضعی وارد شدیم که از آنجا شروع شهرهای چین آغاز میشد و اولین شهر این دیار که قراول مخصوص داشت شهر سکو بود که بعد از آن راهها همه صحرا بود.

در آن محله بدستور پادشاه چین یک گروه از اعظم شهری به استقبال ما آمده و ما را در چمنزار صفائی جادادند که مندلیهای زیبا گذاشته و روی طبق های چینی گوشت

غاز و مرغهای سرخ کرده و سایر گوشتهای لذیذ و اغذیه و میوه‌های گوناگون خشک و تر در سینی‌های گوناگون قرار داشتند. و الحاصل در آن بیابان بهترین ضیافت‌های شهری را برای ما انجام داده و بهترین پذیرائی‌ها را از ما کردند. بعد از طعام هر کسی بقدر ذوق و سلیقه خود از عرقها و شرابهای مخصوص سرمست شده و بعد از آن نیز در موقع خروج به نفرات باندازه‌گافی غذا و میوه و عرق و شراب و سایر لوازم سفر تحویل دادند. تمام این اشیاء را از شهر سگجوا آورده بودند و در آن شهر قاقان اقلیم ختابه بهترین نحوه اجرا گشته و وقت تمام میکردند که عمل دروغ بین کسی واقع نشود و برای اینکه در چنای سفر او همراهان بدفتر مخصوص انجام می‌آید، جماعت با زرگانان همپایه نوکرو خدمتکار با احترام تمام خدمت میکردند. از جمله افراد مشخصی که در این دفتر ثبت گردید، شادی خواجه ایلچی میرزا شاهرخ و جمع همراهان وی دو بیست و بیست نفر و ایلچی میرزا بایسنقر سلطان احمد و راوی حکایت خواجه غیاث الدین جمعا "صد و پنجاه نفر و ایلچی میرزا سپور غتمش ارغداق نام و همراهان شصت نفر و ایلچی شاه بدخشان بنام خواجه تاج الدین به همراه پنجاه نفر در این دفتر ثبت گشتند. و سلطان شاه و محمد بدخشی قبل از ما با این شهروار د شده و خارج گشته بودند و ایلچی میرزا ابراهیم سلطان در این اوقات هنوز وارد نگشته بود.

در ۱۸ ماه شعبان در سرحد ناحیه مزبور که تا شهر سگجونه منزل راه بود از طرف پادشاه ختای مقدار پنج و شش هزار سوار با استقبال ما آمده و ما را بضیافت دانک راچی دعوت کرده و تمام سفر او را شده و بدیادانک راچی عازم گشتیم. خانه‌های چینی‌ها چهار گوش بود و گویا توسط پرکار خطوطی کشیده شده و هموار شده بود و در جوانب اربعه آن یک راهی ایجاد کرده و طنابهای چادرها را بهم بسته و بند زده بودند که آدم نمیتوانست از وسط آنها گذر کند و در میان آنها یک میدان بزرگ ترتیب داده و در وسط آن ایوانی درست کرده و در مقابل آن یک چادر بزرگ ختائی بسته بودند و کناره‌های آن را با لابرده و یک سر بریر آن نهاده و سایه بان درست کرده بودند. در حوالی صندلی راچین و طرف چپ و راست آن صندلی‌های متنوع قرار داده بودند.

و در بین عادات ختائی‌ها طرف چپ اعتبار زیاد داشت. روی این اصل ما را در طرف چپ بروی صندلی‌ها نشاندند و برای ذوی الاحترام چینی‌ها را در طرف راست قرار دادند و بعد در مقابل سفر او مرا و دو سفره و خوان قرار دادند که در توی یکی از آنها غاز و مرغ بریان کرده و سایر اغذیه و میوه‌های گوناگون و در دیگری نانهای لطیف و تازه و درخت نخل‌های مصنوعی از کاغذ و آب بریشم درست کرده بودند که طبیعی بنظر میرسید ظروف بزرگ و کوچک زیبای چینی که در آنها غذا و ماکولات دیگر گذاشته بودند با صراحی‌های سیمین توازن زیبائی داشت و از هر نظر با جلال و سردیده میشد. در جانب دیگر کمانچه‌ونی مینواختند و مطربهای مخصوص میرقصیدند. در کنار آنها

رقاصان زیبای پستاده بودند و در ایوانهای کناره‌ها در بزرگ و در چهار درب مخصوص آن سربازان و مستحفظین مخصوص بودند که نیزه‌های بلند داشتند و جبّه مخصوص پوشیده و ساکت و آرام در جای خود ایستاده بودند.

آداب و احترام قومی ختاشی‌ها مخصوص دیگر است، هر کس محترمی که به مجلس وارد میشود، بعد از ریختن پیه‌های شراب، شاخه‌ای از نخلهای مصنوعی که در طبق گذاشته شده با احترام برداشته و بگوشه دستار مهمان نصب میکنند که این آرایش نخلها، بعد از ساعتی مجلس را بسازد. کلمتان جلوه گرمیما زد. در میان مجلس پسرهای پریوش و سیمین اندام پیه‌له و صراحی بدست گرفته و در طبق دیگر، تنقلات گوناگون از قبیل فندق و عناب و جوز و لیمو و ترشی‌های سیروپیا زو خربزه و هندوانه در خدمت حاضر بوده و پس از نوشیدن شراب بمیل و اختیار خود در تنقلاتی که مهمان دوست داشت از طبق برداشته و نوش جان میکرد.

بعد از آن‌ها لعبتان با زیر شروع برقص و پا یکوبی کرده و هنرهای خود را عرضه نمودند. از جمله از روپوشهای صورت (ماسک) که از کاغذ ساخته شده و بسازند قیافه دیوها، بدشکل و دماغ سرخ داشت بتن پوشیده و رقص مخصوص خود را ارائه نمودند. الحاصل آن روز با شادی تمام سرآمد و در روز چهاردهم شعبان بعد از گذشتن صحراهای سخت به قلعه قراول نام رسیدیم. قلعه مزبور در غایت استواری بود و در کناره‌ها خندق‌های عمیق داشت و راه ورود از یک طرف و راه خروج از طرف دیگر داشت، و در آن قلعه نیز مجدداً "شمارش سفر او همراهان انجام گرفت و بعد از آن بشهر سگجو وارد شده و در منزل خانه بزرگ شهر مسکن گزیدیم.

در شهر مزبور تمام لوازم راحتی و خورد و خوراک و سایر اشیاء ضروری و برای هر کسی و سایر خواب و جا مه خواب مخصوص و حتی خدمتکار مخصوص تحویل داده و ما پیه استراحت ما را بطریق احسن تأمین نمودند. شهر مزبور مربع الشكل ساخته شده و قلعه‌های آن متین و استوار بود. در وسط آن بازارگاه وسیع بود که پنجاه ذرع عرض داشت و آب و جاروشده و تمیز و مصفا بود و چند چاه رسو داشت که با چارطاق مخصوص زیبا جلوه میکرد. در خانه‌ها خوک فراوان دیده میشد و در دکانه‌های قصابی گوشت خوک و گوسفند در کناره‌ها دیده میشدند. این شهر چهار باروی معظم و درب دروازه داشت که مثل اهالی ما زندان آنها را با سفال رنگی آرایش داده بودند و منتهی اهالی ما زندان با سفال غیر رنگی می‌باختند ولی چینی‌ها با کاشی‌های مخصوص خود و رنگ زیبا انجام داده بودند. و چندین بتخانه نیز جلب نظر میکرد که اندازه‌ها بیره‌بیره از آنها با اندازه‌ها گردش عادی بود (یعنی ده مرتبه انسان دور خودش بچرخد) و مجموع زمین آن با سنگهای سخت فرش شده و طوقهای جوهر دار تراشیده با آن نصب گشته بود. و بتخانه‌ها عموماً "پاک و تمیز بود و در کناره‌ها در ورودی آنها جوانان خوش سیمما

با زدیدکنندگان را راهنمایی مینمودند، شهر مزبور با سرا پرده و قصر مخصوص پادشاهی در خان بالغ نودونه منزل فاصله داشت که در این منازل نیز قصبه و شهرهایی دیده میشدند، در شهرها اغلب منازل مرتفع بود که با آنها قرغومیگفتند و این قرغوها محلی بود که سربازان مخصوص داشت و تاپای تخت نیز این عماراتها دیده میشدند که اگر اخیاناشمنی وارد مملکت شود، سربازان هر قرغو آتش کرده و به دیگران علامت میدهند و این علامتها بصورت زیادتوسط دیگران ادا میافته و تا در نتیجه به خان بالغ پای تخت چین میرسد، فاصله این محلها از همدیگر، هیجده (پره) است که اندازه یک فرسخ شرعی است و افرادی که در این منازل ادای وظیفه مینمایند (کیدی قو) نامیده میشوند که دائماً یکی از آنها حاضر و آماده در جای خود پاسداری میکنند. از شهر سکجوتا شهر قمجونه منزل راه بود و این شهر از سکجوت بزرگتر و معمورتر بود، حاکم این شهر که آنک راچی نام داشت برای ایلچیها چهارصد اسب و قاطر و پنجاه و شصت ارا به تحویل داده بود، ما مورین آنها را (با قو) و مهتران قاطرها را (لوقو) و به عرابه چیها (جینفو) میگفتند. و بهر عرابه طنابهای مخصوصی بسته و دوازده نفر آنها را حرکت میدادند، هر قدر هوا بارانی و زحمت افزا بود بساز این نفرات به زور و قوت با زوی خود این عرابه ها را میکشیدند و بمقدم میرساندند، این افراد جوانان خوش لقا بودند که بگوشهای خود گوشواره داشته و زلفهای بلندی خود را گره گره بسان دکمه بسته بودند.

با قوهای مزبور با شلاق مخصوص اسبهای تیز پای خود را بسان پیکهای سریع السیر خراسان منزل بمنزل هدایت میکردند و در هر منزل گوسفند و غا زومرغ و برنج و آرد و عمل و ترشیهای سیروپیا ز برای مهمانان آماده میساختند. در هر شهر ضیافت خانه مخصوص سفرا قرار داشت که بآن (روسون) میگفتند، در هر یک از شهرها نماینده مخصوص پادشاه بود که سفرا را اول بحضور او میآوردند و باقی همراهان در صفا مخصوص قرار داشتند، در کنارتخت وی شخصی قرار داشت که سه دفعه مخاطب را صدا میداد و بعد از آن امراء و ایلچیها سه مرتبه تعظیم کرده و سرشان را بزمین مینهادند و بعد از آن هر کسی در محل سفره و غذای خود قرار میگرفت، در روز ضیافت که مصاف با دوازدهم ماه مبارک رمضان بود، از خوردن عذر خواسته و ماوقع روزه را با ایشان بازگو نمودیم و ایشان عذر ما را پذیرفته و در کمال احترام از ما جانب داری نمودند.

در شهر مزبور بطول و عرض صد ذرع بتخانه زیبایی وجود داشت که در وسط آن بت اعظم قرار گرفته بود. اندازه قد بت مزبور پنجاه پا و اندازه کف پایش نه پا و دور سرش بیست و یک ذرع و در حوالی آن نیز بت های گوناگون و در اندازه های کوچکتر دیده میشدند، بعضیها که با اندازه قد آدمی بود حرکت میکردند و اعجاب بینندگان را فراهم میساختند و در دیواره های اطراف اشکال و صنایع گوناگون بود که بیننده را

با عجب وحیرت و امیداشت .

صنم مذکور یک دست زیر سر گذاشته و دیگری بروی صورت قرار داده و روی آن کلا^{را} مطلا گشته بود به این بت لباسهای رنگا رنگ پوشانده و ناموی را (شا مکونی) گذاشته بودند و کافرها فوج فوج در مقابل وی سجده میکردند و در کنارها این معبد، خانه‌هایی قرار داشت که با پرده‌های زربفت و کرسی‌ها و صندلی‌ها و شمعدانها و مصراحی‌های چینی آرایش گشته بود. دیگر در این شهر قصر زیبایی پانزده طبقه دیده میشد که با مقرنسها و تزیینات عالی جلوه‌گر بود که در رویه آن تصویر نفیس پادشاه و فصول بود که به صورت‌های گوناگون تصویر گشته بود. در طبقه پائین، تما و بهر دیوها بود که قصر را در روی دستها نگاه داشته بودند، این قصر جلگی از چوب بود و ارتفاع آن دوازده زراع و اندازه دورهاش بیست زراع و یک مرتبه آن کلا^{را} مطلا گشته بود که بیننده خیال میکرد که از زرناب ساخته شده است. در زیر کوشک، سردابه‌ای قرار داشت که میلی در زیر آن قرار گرفته و طوری وضع شده که با جزئی حرکت آن، کوشک تکان میخورده است. نجاران آهنگران و نقاشان عالم جهت تماشا و اخذ مهارت منتحق دیدار آن قصر پر مهارت میباشند و مسلمانان چین با این قصر چرخ فلک میگویند، در این شهر، سفرا بحالت آزاد نوکرها را مرخصی داده و هدایای لازم را که لایق شاهان بوده خریداری کرده و بعد از این هر روز بیک منزل و هر هفته بیک شهر و تا قریب شهر خانبالیغ تکلفات مهمانی زیاد تر شده و پراعتبار میگردد.

در چهارم شهر سوال برود (فرا موران) رسیدیم که نهر مزبور بسان رود جیحون رود خانه بزرگی بود و در اطراف این رود خانه‌چوبهایی به قدیک انسان محکم کسوده و بندهای بیست و سه گشتی را با آن محکم کرده بودند و روی آن قایقها، تخته‌های بزرگ کوبیده و بسان پل محکمی ایجاد کرده بودند که چهارپایان بدون زحمت از روی پل عبور کرده و وارد شهر بزرگی شدیم که برای ضیافت، آماده گشته بود.

در این شهر بت خانه عظیمی بود که از موقع ورود به چین بت خانه‌ای باین عظمت ندیده بودیم. در این شهر سه خرابات بزرگ بود که در داخل آن دختران زیبا و نازک بدن قرار داشت که همه آنها دوشیزه بودند. در این شهر ارباب صنعت فراوان بود و اهالی آنجا بحسن جمیل و غایت جمال شهرت داشتند.

بعد از حرکت از این دیا رو گذشتن چند شهر کوچک دیگر در دوازدهم شهر ذوالقعدة از رودخانه‌ای که با اندازه عظمت دوجیحون بود گذر کردیم و تا اینکه در ۲۷ شهر ذوالقعدة به شهر عظیم (صدین فو) وارد شدیم. شهر مزبور در غایت معظم بود و عمارات عالیسه و اهالی زیاد داشت. در این شهر و در وسط یک بتخانه، بت عظیمی که از برنج ساخته شده و حدود پنجاه زراع قامت داشت جلب نظر مینمود. که در کنار هر عضو یک دست و در کف دستش یک کوزه دیده میشد، در چین نام این بت به (بت هزار دست) شهرت داشت، در

کنار این بتاها ختمان مرمرین وجود داشت که عاری از تحسین بود و بیش از هزار خروار برنج در ساختن مجسمه بت بکار رفته بود. و در مقابل آن رهبانان به پرستش اشتغال داشتند و تما ویر بپروپلنگ واژدها و سایر صورتها در کمال استادی نقش شده بود که اسنادان ماهرنیز از تماشای آن حیران میماندند. و در آن بت خانه نیز بعبارتخانه شهر قمجویک چرخ فلک ساخته شده بود که از اولی بزرگتر بود. بعد از دیدار این شهنشهری بیست و پنج فرسخ راه و در شب هشتم شهر ذی الحجه نزدیک سحر به دروازه شهر خانباغ وارد شدیم. هنوز صبح شروع نشده ایلچیها از برج مخصوص شهر وارد شد و بمیدان سرای پادشاهی وارد شدیم تا درب بزرگ سرای پادشاهی با اندازه هفتصد قدم سنگهای خوش تراش فرش شده که بهنگام ورود سفرا از اسبها پیاده شده و به حال پیاده بدرب سرا داخل گردیدیم. در اطراف درگاه پادشاهی از بین دو خرطوم بزرگ فیل رده شده و بداخل سرای رفتیم و هنوز جهان روشن نشده بتعداد صد هزار آدم جهت دیدار شاه جمع گشته بودند.

داخل درب بزرگ میدان پهناوری بود و در انتهای آن بقدری زراع کرسی و در حدود پنجاه زراع یک بنای عظیم دیده میشد که طولش شصت زراع و عرضش چهل زراع بود و در روی آن یک محل تعیین شده بود که تخت پادشاهی در آن قرار داشت و دونفر ما مورعاً لبر تبه منتظر قدم پادشاه ایستاده و در چپ و راست درب مخصوص کوس و ناقوس قرار داده بودند. در آن محل سه درب کوچک و بزرگ جلب نظر میکرد و درب وسطی که از دو درب دیگر بزرگتر بود، محل ورود شاه بود و کسی را اجازه ورود بآن داده نمیشد، در میدان مزبور سیصد هزار رجال و نسوان جمع شده و بمقدار دو هزار نفر مغنیان به ساز و ترنما اشتغال داشته و بر سم و زبان چینی آواز خوانده و برای پادشاه دعا میخواندند. و بمقدار ده هزار نفر چماق و گرز و حربه و خشت فولاد و نیزه و شمیر و بادبزنهای چینی بدست گرفته ایستاده بودند.

در اطراف میدان مزبور خانه های زیبایی دیده میشد که هر کدام ایوانهایی به بیرون داشت که بوسیله ستونهای بزرگ نگهداری میشدند، دیوارهای خانه ها چوبهای مشبک بود و زمینهای مجاور بوسیله سنگهای خوش تراش فرش گشته بود. القمه صبح روز دیگر از فرادیکه منتظر به تخت نشستن پادشاه در گوشه مخصوص بودند با صدای ناگهانی کوس و طبل و بوری و نی و ناقوس دریا فتنند که وقت موعود رسیده و بمحض باز شدن درهای مخصوص به داخل سرازیر شدند.

در گوشه مزبور تما ویری از قبیل از درها و سیمرها و سایر نفوس دیگر دیده میشد که باختائیهای زرنشان آرایش گشته بودند و در کنار آنها یک تخت قرار داده بودند که از طلا و نقره ساخته شده بود. در طرف چپ و راست تخت دوازده نفر از امرای تومان و بیک (هزار)، و یوز بیکلری ایستاده و در مقابل خود تخته ای گرفته و حق نداشتند به

غیر از آن تخته به چیز دیگری نگاه نکنند و در کنار آنها حدود دویست هزار نفر که در صفهای منظم ایستاده و شمشیر و نیزه بدست گرفته و ساکت ایستاده بودند دیده میشوند. سکوت جمعیت به اندازه‌ای بود که انسان فکر میکرد هیچ ذیرواحی در اینجا وجود ندارد. روی تخت یک صندلی طلائی و پنج قدم مانده با و نیز یک نردبان نقره‌ای قرار دادند، پادشاه از حرم در آمده روی صندلی نشست. محارم و امراء سلطنتی که در حدود دویست و سیمصد نفر بودند بیسان حلقه‌ای دور شاه قرار گرفته و روی صندلیها نشستند. در کنار پادشاه دودختر پری بیکر که آرایش مخصوصی داشتند دوات و قلم بدست گرفته و هر سخنی از پادشاه میشوندند بلافاصله یادداشت میکردند و بعد در داخل حرم مجدداً "بعضی شاه رسیده و بعد از حک و اصلاح جهت اجرا به کارمندان دیوان اعلام مینمودند. در این موقع سفرا و حدود هفتصد نفر مجرمین را بحضور پادشاه آوردند، به نسبت جرمی که مجرمین انجام داده بودند به زنجیر گرفتار آمده و چوب سنگینی بگردن داشتند و بعضی‌ها یک دست و گردن به چوب قفل شده بود و بعضیها دسته جمعی حدود پنج جوش نفر گردنشان در چوب بسته شده و ما مورین از موی سرشان گرفته بودند، پادشاه بعضی از آنها را زندان و بعضیها را به اعدام فرمان داد. در تمام مملکت ختای کسی را یا رای قتل نیست، هر کس بهر عنوانی جرم کرده باشد او را زنجیر کرده و گناه وی را روی تخته‌ای نوشته بگردنش می‌آویزند و بخان بالغ ارسال میدارند. بعد از اتمام کار مجرمین، سفرا را به پانزده زراعی تخت پادشاه آوردند، امرائیکه تخته بدست داشته و پهلوی تخت شاه ایستاده بودند نزدیک آمده و دوزان نوشتند و احوال هر یک از ایلچی‌ها را روی تخته نوشته و برای پادشاه خواندند. مضمونش این بود که سفرائی از جانب خلافت پناه و فرزندان وی هدیه‌هایی آورده و جهت پابوسی سریر پادشاهی بدیا رچین آمده‌اند، از امرای تومان، مولانا قاضی یوسف که زبانهای عربی و فارسی و ترکی و مغولی و ختائی و کلمجن میدانست نزدیک رفته و با یکی از دوازده نفر ملازم پادشاه که قدری عربی و فارسی میدانست گفتگو کرده و معلوم نمود که برای زیارت پادشاه، بایده قد و توان تعظیم کرده و سه مرتبه سر تا زرا بزمین بچسبانید. سفرا مراحل مزبور را انجام داده و سه مرتبه سرشان را بزمین نهادند ولی دستها را به زمین نگذاشتند. بعداً "مکتوب سلطنتی را که از جانب شاه رخ سلطان و شاهزاده بایسنقر میرزا در بسته زردا طلس قرار داشت شاه چین از دست قاضی گفته و بدست یکی از خدام داد، بعداً "پادشاه از تخت پائین آمده روی صندلی نشست. بعداً "بمقدار سه هزار جامه زیبا آورده و تحویل امراء و اقربا و اولاد خود داد، سپس هفت نفر از سفرا از قبیل شادی خواجه و کوجه و سلطان احمد و خواجه غیاث الدین و ارغداق و اردوان و تاج الدین بدخشی نزدیک شاه جلوس کرده و دوزان و در مقابل وی قرار گرفتند. پادشاه چین احوال شاه رخ سلطان را پرسیده و بعد قره یوسف به ما موریت سفارت خود

و تحویل هدیه‌ها اشاره کرده که جوابهای لازم داده شد. سپس پادشاه از ارزانی و گرانی غلات پرسید و ضمناً "از اسبهای که در دیار قرا یوسف شهرت دارند خواستار خرید و اعزام سفیر نمود و از امنیت راهها سؤال کرد و پرسید که آیا از چه طریق اعزام سفیر بهتر است، قرا یوسف جواب داد اگر اجازه شاهرخ سلطان باشد از طریق راه ایراق بهتر میشود مسافرت نمود، بعد سفر را به محل قبلی برده و برای هر یک صندوقی مخصوص و سفره غذا و اطعمه و شرابه گوناگون که قبلاً گفته شده به پذیرائی مشغول گشتند، بعد از اتمام طعام سفر را برای آوردن به منزل خانه آماده نمودند که سلطان شاه و بخشی ملکی سفرای میرزا الغ بیک نیز در آن منزل خانه و ماوی داشتند. در هر اطاق که برای عدهای تعیین شده بود جمله رختخواب اطلس و حریر و جمع احتیاجات انسان از هر نوع و وسایل غذا از قبیل دیگ و کاسه و چمچه و خوان و غیره آماده شده بود و برای غذای روزانه یک گوسفند و یک غاز و دو عدد مرغ و یک کاسه بزرگ برنج و یک بشقاب حلوا و مقدار زیادی کلیجه و یک ظرف عمل و سیروپیا و سرکسه و نمک و سبزیجات معمول کشورختای و دو کوزه آب و یک طبق نقل و نقراتی از مستخدمین صاحب حسن و جمال که همیشه سرپا ایستاده و آماده فرمان بودند تهیه شده بود.

روز بعد که نهم روزی الحجه بود ما مورینی آمده و ما را برای ضیافت پادشاه خبردار نمودند، این افراد که ما را برای دیدار جاهای دیدنی و حتی ضیافت شاه میبردند (سحنین) نام داشتند که در ولایت خراسان بنام (سقاوول) تعبیر مینمایند و ما بوسیله این افراد راهنمایی شده و بسرای پادشاهی وارد گشتیم. در میدان پادشاهی حدود سیصد هزار جمعیت جمع آمده بودند و بطوریکه ذکر شده ما سه درب مخصوص باز شد و سفرای بعنوان تعظیم پنج مرتبه سرها را بزمین گذاشته ولی شاه حرمت کرده از تخت پائین آمده و بطرف بالا هدایت نمود. و آن روز در صرف غذا و سایر ماکولات زیاده روی نکردیم، زیرا بیرون شدن از آن ضیافت ممکن نمیشد و در این حال سفرای متناوباً بیرون آمده و در محل دیگر جمع شدند و بعد بمیدان دیگر و از آن میدان بمیدان سومی وارد گشتیم. در این میدان نیز سنگهای خوش تراش فرش شده و ساختمان زیبایی که با اندازه شصت ذراع بزرگی داشت دیده میشود، و در داخل آن عمارت، یک تخت سه اندازه قد آدمی وجود داشت و در طرف چپ و راست تخت، یک نردبان نقره‌ای قرار داشت و در مقابل آن تخت دیگری دیده میشد که پایه‌های عجیب داشت و در طرف چپ و راست آن مجمرهای قبه دار جلب نظر میکرد. تخت و مجمرهای مذکور جملگی از چوب ساخته شده و مطلقاً گشته بودند و ستونها و نردبانهای مخصوص این عمارت بگونه‌ای رنگین شده و روغن کاری گشته بود که استادان خراسان و عراق از اجرای آن عاجز میباشند. در نزدیکی تخت مزبور دو خادم مخصوص قرار گرفته بود که روی گوشها و روی صورت خود روپوشی از مقوای نقاشی شده (ماسک) قرار داده و بخدمت ایستاده بودند.

در نزدیک پادشاه، خوانهای طعام و نقل و نخل های مخصوص قرار گرفته و در طرف راست تخت پادشاهی امرای مخصوص با ترکش و شمشیر و سپر ایستاده و در جنب آنها سربازان زیر فرماندهی آنان با آلات جنگی تمام قرار گرفته و در وسط آنان گروه دیگری که شمشیرهای عربیان بدست داشتند جلب توجه مینمود، در بین ختائیه‌ها طرف چپ معتبرتر از طرف راست بحساب می‌آمد و روی این اصل ایلیچی‌ها در طرف چپ جلوس نمودند و مراوسا یرین بر ما تعظیمی کرده و غذا و تنقلات را نزدیک ما قرار دادند. نزدیک تخت شاهی یک کوس بزرگ قرار گرفته و در کنار آن مردی روی صندلی ایستاده و در کنار آن سازنده‌ها قرار گرفته بودند و در طرف دیگر قریب بدویست هزار نفر با جبهه‌های مخصوص ایستاده بودند و در محل دیگر که با اطلس زرد پوشیده شده بود طعام و شراب مخصوص در ظرفهای مزین و کاسه‌های بزرگ به نزدیک تخت پادشاهی آوردند، بعد از آنکه این مراسم فراجهت بزرگداشت شاه همه سرپا ایستاده و پرده‌ها را یک طرف راست تخت قرار داشت پرده‌ها را خادمین کشیده و پرده حصیری بقدیک آدم کنار رفته و در این موقع موزیک مخصوص نواخته شده پادشاه وارد شده و روی تخت قرار گرفت. در روی سرپا شاه سایه بان مخصوص قرار داشت و در روی سایه بان که بمقدار چهارده ذرع بود و در روی اطلس زرد و پوش آن تصویر چها را ز در زیبا نقش گشته بود که در حالت گرفت و گیر دیده میشدند، بعد از قرار گرفتن شاه در محل خود ایلیچی‌ها را بکنار تخت خود دعوت نمود، سفر بعد از پنج مرتبه زمین بوسی با شاه پادشاه در محل تعیین شده اجلاس نمودند. و طعامها نیکه در خوانها و شرابها نئی که در سفره بودند نزدیک آورده و نوازندگان و رقاصان به طرب مشغول گشتند. رقاصه‌های پسر و دختر که لباس‌های زربفت پوشیده و با کاسه‌ها و آب‌ریش‌های رنگین و گل‌های مصنوعی خود را آراسته بودند در کمال هنرمندی با اجرای برنامه خود مشغول گشتند و بعد و پسرده ساله روی دو چوب برق صفا برداختند. بعد رقاصان دیگر که یکی بر زمین خوابیده و نئی‌های مخصوصی داشتند برقص مخصوص مشغول گشتند. و معلق زنان و حرکات عجیبه اجرا نمودند که ناگهان یکی از بازیگران تعادل خود را از دست داده و یکی از بازیگران وی در کمال سرعت او را از افتادن بازداشت و در بغل گرفت.

نوازندگان اغلب به تنهایی مینواختند و در مواردی با هم دیگر همکساری مینمودند، فرضا "یکی از آنها با یک دست و سایر موسیقی خود را میزد و با دست دیگر به سوراخهای ساز نزدیکش فشار می‌آورد. بدین منوال تا عصر آن روز مجلس ادامه داشت و هنگام عصر پادشاه خلعت و انعام به نوازندگان و بازیگران داده بعد بلبند شده بطرف حرم رهسپار گردید و با ایلیچی‌ها نیز اجازه رخصت ما در نمود. از ریزه طعامها - نیکه در میدان مانده بود ذراغ و زغن و قمری و کبوتر که در اشجار میدان لانه کرده بودند خورده و از انسان نیز وحشت نمی‌کردند. روز بعد از ضیافت شاهانه عید اضحی

اتفاق افتاد که در مسجد مخصوص مسلمانان که شاه برای آنها ساخت بود عبادت و مراسم رسمی بعمل آمده و نماز عید نیز برگزار گردید. دو روز بعد نیز ضیافت دیگر انجام یافت و در هر مهمانی اظهار عظمت و مراحل احترام به مهمانان از هر نظر گسترده تر بنظر میرسید و در هفدهم ذی الحجه مجرمین را به سیاست گاه آوردند.

در قانون ختای هر جرمی سزاوار عقوبت مخصوصی است بعضیها را سربیرند و دیگری را دار میزنند و بعضی را پاره پاره میکنند، هر جلد موطف به کشتن یک نفر است و اگر صد نفر محکوم یا شصت یا صد نفر جلاد این کار را انجام دهند. و اما در مورد قتل، جانب احتیاط را مراعات میکنند یعنی باید جرم گناهکار در دوازده دیوان مخصوص محرز شده باشد و اگر یازده دیوان رای بدهد و دوازدهمی رای ندهد اما بد خلاصی مجرم بیشتر میگردد و در موارد انتهائی باید آلت جرم و شاهد عادل مبین نظر نهائی است و بدون دلیل و براهین حکم قتل صادر نمیشود و اگر مجرمی در داخل زندان بمیرد بدون اجازه پادشاه مدفون ساختن وی امکان پذیر نمیشود.

دریست و سوم محرم هوا بغایت سرد شده تا جائیکه چند تن از مجرمین در کنارسرای پادشاهی تلف گشتند، شخصی روایت میکرد که در گذشته روزهای سرما و برودت بیش از ده هزار نفر افتاده و هلاک گشتند. در بیست و هفتم ماه محرم از طرف مولانا قاضی یوسف اعلام گردید که بعلت روز اول سال نو و نقل مکان کردن پادشاه به بنای جدید، از پوشیدن دستار و جامه و طاقه سفید خودداری شود. زیرا در ملک ختای برخلاف دیگر ممالک، فقط در مواقع عزاداری لباس سفید بپوش میکنند و در مواقع شادی سیاه پوش میگردند. در بیست و هشتم ماه مزبور در نصفه های شب، مهماندار آمده و سفرا را برای جشن نوزدهمین سال بنای جدید حرکت داد و آن شب تمام شهر و اهالی و دکانها سفایتی از شمع و چراغ نورانی گشته بود که اگر سوزن کم شده بود بوضوح دیده میشد. در این ضیافت شاهان که از اهالی چین و ماچین و تلماق و تبت و قامل و قرا خواجه و جورج و دریا با روسا و پرا اهالی ولایات دیگر که در حدود صد هزار نفر بودند جمع شده بودند پذیرائی گشتند. از در ورودی سراتا دروازه محل اقامت شاه یک هزار و نهصد و بیست و پنج قدم فاصله بود و طرفین جاده از باغها و سرایهای زیبا احاطه شده و تمام میدان از خاک معروف چینی تسطیح گشته بود. روز اول، امرا و ایلچیها در کنار تخت پادشاه قرار گرفتند و با دیگران پرمهارت، بازیهای نادیده و غیر مکرر خود را انجام دادند و بعد از پایان مجلس هر کس برای رفتن، دهن گشتند و حقا که استادی و نفاست سنگ تراشی و کاشی تراشی و نجاری و نقاشیهای آن ولایت را استادان خراسان نیز از عهده انجامش برنمیآمدند.

در هر سال پادشاه برای روزه گرفتن و عبادت مخصوص خلوت میکرد و از خوردن گوشت و سایر اغذیه و حتی دخول بحر خود استنکاف میکرد و احدی را برای دیدار

نمیپذیرفت و به عبادت بت مخصوص خود مشغول میشد. گما اینک در اول ماه صفر بمحل مخصوص عبادت رفته و روز نهم ماه مزبور برای تماشای ورود شاه، سفرابوسیله اسب منتظر ایستادند. ورود و دیدن پادشاهی جلوه بخصوصی داشت و فیلهای مزیّن و سینیهای مظلّوبیرقهای گوناگون که برنگهای سیاه و قرمز و کبود و زرد و زنگاری جلوه گر بوده و روی آن تماویری از خورشید و ماه و کوه و دریا و نوشته های چینی نقاشی شده و در طرف دیگر سربازان زیادی با آلات و ادوات حربی دیده میشدند و در پی و پیش پادشاه در حدود پنجاه هزار انسان دیده میشد و از کثرت انضباط و دقت کنترل کسی رایاری صحبت نبود و گمان میکردی ذی نفوسی در آنجا وجود ندارد، فقط صدای سازها بود که جهت سلامتی شاه به ترنم و آواز درآمده بودند.

در این مراسم، چراغهای نورانی را از درختها آویزان کرده که بوسیله ریسمان محکم شده و فشنکهای نفتی طوری میسوختند که چراغهای پرنور بی حد و پیمان جلوه گر میشد و بآن شب چراغ میگفتند. این مناظر که بیک کوه نورانی شباهت داشت علی التوالی در تمام شب روشن بوده و در جمع شهر و خانه ها و دکانها نیز این مراسم ادامه داشت. در این هفت روز مواخذه جرم و قباحاتها ممنوع بود و پادشاه به مردم احسان میکرد و بعضی از محبوسین را آزاد میساخت. افرادی که برای این شب چراغ آمده بودند شاه به او سرکردگان آنها انعام و خلعت میداد. در سیزدهم ماه صفر، مهماندار، سفرای پادشاهی آورده و در محل سابق نشانید و در این موقع پادشاه روی تخت مرصعی که در کوکب مزبور قرار داشت نشسته و بیش از یکصد هزار نفر از خلائق گوناگون که در آن جشن شرکت داشتند در پیش پای شاه زانو زده و سرها را به زمین گذاشتند. در این موقع سه مامور روی چهار پایه ای قرار گرفته و فرمان صادر شده شاه را در دست گرفته و یکی به آواز بلند برای حاضرین خواند، البته ما که زبان چینی نمیدانستیم نفهمیدیم منظور چیست، بعد از این که از راهنما سؤال کردیم او گفت دهم ماه صفر که به اعتبار اهالی حتای، اول سال جدید و عید مخصوص و ماه شب چراغ (آتش بازی) است که پادشاه عده ای از مجرمین را بخشیده و تا سه سال دیگر سغیری بدیاری دیگر اعزام نموده، بلکه بوسیله نقل احکام اخبار بانجاها انتقال داده خواهد شد. بعد از خواندن حکم پادشاهی، یک چوب بلندی که روکش طلائی داشته و در انتهای آن پارچه ابریشمی بسته بودند (پرچم دولتی) بطرف بالا بلند کرده و روی آن چتری گرفتند، سپس دو عدد ظرف مظلّا آورده و فرمان پادشاهی را توی یکی از آنها قرار داده و مشغول حرکت گشتند. مجموع نوازندگان و خلائق تماشاچی بسا همان محفظه فرمان، از سرای شاهی خارج شده و جهت ارسال و تحریر حکم بنواحی مربوطه به منزل خانه های سفر اعزام گشتند.

بعد از این مراسم پادشاه از تخت بزیردآمده و سفرای را برای ضیافت ظهر دعوت

نمود. در غره شهر ربیع الاول پادشاه سفارا را بحضور طلبیده و ده عدد سنقور (۱) و اسب
 اغلاد در مجلس حاضر کرده و بعد از صحبت های صریح و کنایه ها، سه عدد سنقور را برای سلطان
 شاه ایلچی میرزا الخ بیگ و سه تائی دیگر را به سلطان احمد ایلچی بایسنقر میرزا و
 سه تائی دیگر را به شادی خواجه ایلچی میرزا شاهرخ سلطان بخشیده و بعداً "برای
 حفاظت، مجدداً" گرفته و تحویل قوش بانان دربار داد. روز بعد سفارا را مجدداً
 احضار کرده و عساکر حردار را معرفی نموده و اجازه رخصت ما در نمود. سفارا در مقابل
 احترام نموده و با تکرار (فرمان پادشاه راست) ادای تکریم نمودند.

بعد پادشاه رو به ایلچی شهزاده سیوغتمش کرده و گفت متاسفانه سنقر دیگر تمام
 شده و اگر بر فرض برای شما نیز سنقور میدادیم، مثل اردشیر نوکر شهزاده ابراهیم
 سلطان که سنقور را از او گرفتیم از شما نیز می گرفتیم، ارغداق منتظر نشده جواب داد،
 اگر پادشاه عنایت کرده بمن سنقور میداد هیچ کس قادر نبود از دست من پس بگیرد.
 سپس پادشاه گفت اگر اینجا میماندید سنقورها شیکه در این اوقات بمن خواهد رسید
 بشما میدادیم.

در هشتم ماه ربیع الاول سلطان شاه و بخشی ملکی را دعوت کرده یک اسب و سی
 قواره اقمشه شاهانه و بعضی تحف و اشیاء زرین و برای خاتونها و عیالهای آنان،
 ده قواره قماش تحویل گردید و در همان روز نیز دو بست و پنجاه نفر از خدمه و همراهان
 اویس خان و ایلچی تیمور به تمام اتباع آنها خلعت های شاهانه پوشانده تعیین
 گردیدند. در سیزدهم ماه مزبور پادشاه سفارا را دعوت کرده و با آنها گفت امروز من
 شکار خواهم رفت و اگر من دیر آمدم شما معطل من نشده از راه خود بازماند، بعد
 دستور داد سنقورها را بسفرا تحویل دادند و بطن گفت، اسبهای کوتاه قد برای من
 هدیه آورده اید ولی سنقورهای گزیده در یافت داشته اید. در این موقع چون فرزند
 شاه بمحل کاخ سلطنتی که آئین و رسم بخصوصی داشت وارد گردیدند. در غره ماه ربیع
 الاخر مهماندار آمده بما خبر داد که فردا پادشاه بشهر خواهد آمد مدوروی این برنامه ما
 را برای دیدار بشهر بردند، تا نزدیکی ظهر از آمدن پادشاه خبری نشده و عودت دادند
 در شب بعد مهماندار مجدداً آمده گفت: که فردا صبح میتوانید پادشاه را زیارت
 کنید. در جنب در منزلخانه، مولانا قاضی را در غایت حزن و ملال دیده و سبب را جويا
 گشتم بیان داشت اسب سوقاتی میرزا شاهرخ سلطان را که برای پادشاه ختای فرستاده
 بود، پادشاه در روز شکار سوار آن اسب گشته متاسفانه از اسب افتاده و پایش صدمه
 دیده است، روی این اصل گناه بگردن ما و عده ای از سفرا افتاده و در حالت غضب
 دستور داده ماها را قید و بند کرده و بشهرهای شرقی چین تبعید و زندانی نمایند.

۱- در برهان قاطع راجع به سقریا سنقور نوشته، بمعنی شکار است و آن مرغی
 است شکاری (شبه باز) از جنس چرخ گویند و بسیار زننده میباشد، پیوسته پادشاهان بدان
 شکار کنند.

روی این اتفاق تمام همراهان مغموم شده و با حزن و ملال زاید الوصفی وارد محله سلطنتی گردیدیم. دیواری بود در حدود پانصد پا و ارتفاع ده زراع و عرض چهار قدم که دو تا در داشت و از خاکهایی که برای ایجاد دیوارها بکار برده بودند خندقی ایجاد شده بود و گویا این دیوار و آن خندق برای آمدن شاه در آن مواقع ساخته شده بود و در کناره‌های خندق و دره‌های ورودی آن سربازان مسلح ایستاده و حفاظت میکردند. برای پادشاه چترهای چهار رگوش ستون داری با اندازه بیست و پنج زراع بلند شدی از اطلس زرد تهیه شده و در اطراف نیز خیمه‌ها و سایه‌بانهای زرد اطلسی قرار گرفته بود. در حدود پانصد زراع بمحل مزبور مانده، مولانا قاضی ایلچی‌ها را پیاده کرده و تا آمدن پادشاه در آن محل توقف داد و سفارش داد که بحضور پادشاه برای شفاعت خواهد رفت. موقعی که پادشاه بالیداجی و جان داجی در حضور محبوس ساختن سفرا صحبت مینمود، قاضی زمین بوس شده و بعد از تعارفات لازم سبب محبوس ساختن آنها و گناه سفرا را استفسار کردید و گفت هر چه افندی‌ها برای ما هدیه داده‌اند ما نیز همانها را تحویل داده‌ایم و اگر فکر میکنید این هدیه‌ها برای شما کسر شایسته میشود، آنها قادر با سال بهتر از اینها نمیباشند و اگر همه سفرا را پاره پاره نیز بکنید برای پادشاه آنان تنزلی نخواهد آمد، منتها تا آخر زمان عمل برخلاف عادت پادشاه چین، در مورد اذیت و حبس سفرا در اطراف و اکناف جهان پخش شده و بدنامی ببار خواهد آورد.

پادشاه در مقابل رام گردیده و سفرا را عفو نموده و با حمان خود امیدوار ساخت، روی این اتفاق مولانا قاضی مسرور گشته و این مژده را بسفرانویس داد. بعد از آن پادشاه دستور داد که غذاهای طعام آوردند، منتها چون آنروز گوشت‌های غذاها با گوشت‌های خوک مخلوط گشته بود از خوردن غذا عذر خواستیم، بعد از این پادشاه سوار اسب شده از درب مخصوص خارج گردید. همانروز اسب‌رسانی میرزا الخ بیک را با عبا ی زرد مخصوص پوشیده بود و لباس قرمز زربفت بتن کرده بود در کنار روی هفت عدد محفظه سر پوشیده که بوسیله دختران حمل میگردد دیده میشود و در حوالی آنها در گوشه دیگر کنار پادشاه، محفه مربع الشكل مخصوص و سنگینی بوسیله افراد حمل میگردد. در طرفین چپ و راست پادشاه، سواران صف کشیده و کوچکترین قدمی از همدیگر جلو تر نبودند. در کنار رکاب پادشاه دو خدمتکار با جامه‌های زربفت جلب نظر مینموسد، در وسط سپاه، مولانا قاضی و لیداجی و جان داجی با پادشاه همراه بودند و مولانا قاضی سفارشات مربوطه را راجع به اسب پیاده شدن و زمین بوس گشتن در مقابل پادشاه را قبلاً به ایلچی‌ها سفارش کرده بود.

پادشاه مجدداً "سوار شدن ایلچی‌ها را فرمان داد و در حین راه رفتن به شادی خواجه گفت، در شکارگاه اسبی که تو آورده بودی سوار شده بودم که ارغایت پیری مرا زمین انداخته و پایم را المزده نمود و حال مختصری بهبودیافته است، اشیا نیکه به

عنوان هدیه به کسی ارسال میشود با یاد در نهایت غایت و پاکیزگی باشد تا ساعت از دیاد محبت گردد. شادی خواجه در کمال ادب عرض کرد، آن اسب مرحمتی یا دگار تیمور خان صاحب قرآن بوده که از غایت محبت و اجالی که بشما داشتند برای شما ارسال نمودند. پادشاه از جوابهای شادی خواجه شادان گشته و سنقر مخصوص خود را بطرف شکار در نارها نمود و بعد از اینکه درنا بچنگ سنقر افتاد، سنقر مربوطه را به سلطان شاه و سنقر دیگر را به سلطان احمد هدیه نمود، و الحاصل بدین اسلوب وارد شهر گردید. در چهارم ربیع الاول مهماندار آمده عطا یای بخشیده شده از طرف سلطان شاه و بخشی ملک و جمع سفر را به برای پادشاهی آورد. پادشاه روی تخت خود نشسته و هدایای مرحمتی شاه چین از نقد و اقمشه را برای سفار در نظر گرفته شده بود به مروی مروی خوانهای مخصوص قرار گرفت و ایلچیها بعد از دریافت هدایا به منزلهای خود مراجعت نمودند. برای شادی خواجه ده عدد نقره وسی تا اطلس و هفتاد عدد انواع اقمشه و پنج هزار چا و (شاید پول رایج چین) وسی طاقه قماش مخصوص زن وی هدیه شده بود - و برای سلطان احمد و کوچکچه و ارغداق و بهریک از آنها هشت عدد نقره موبال جمله برای خود و زنا نشان شان زده طاقه اطلس و هفتاد و هشت اقمشه متنوع و دو هزار چا و و برای غیاث الدین و اردوان و تاج الدین بدخشی و بهریک از آنها هفت عدد نقره و شانزده عدد اطلس و شصت طاقه قماش و دو هزار چا و مرحمت نمود.

در این اشنا بواسطه مرگ زن پادشاه که علاقه زیادی بوی داشته، تمام مراسم را لغو کرده و پادشاه به عزان نشست و برای تهیه لوازم مخصوص دفن، مرگ خاتون از اهالی کتمان شده، تا بیستم شهر جمادی الاول این امر به اهالی خبر داده شد که فردا مراسم مخصوص دفن انجام خواهد گرفت. اما از قضا آلهی در همان شب ما عقه شدیدی به قصر پادشاهی برخورد و آن ساختمان معظم را که هشتاد و نوزده طول وسی زراع عرض داشته و اندازه ضخامت ستونهایش از اندازه دستهای سه آدم بود که سه نفر نمیتوانستند آنرا در بغل بگیرند و همه آنها با طلا و لاجورد تهیه شده و روغن کاری گشته بود طعمه حریق گشته و خانه دیگری که بیست و نوزده از این قصر فاصله داشته و جمله دیگری از کوشکها و حرمخانهها و چند خانه و کوشک همجواریها همان شب تا عصر روز فردا تماماً سوخته و هر قدر در اطفال و نشانندن حریق سعی کردند سودی نبخشیده و جملگی از بین رفت.

پادشاه به همراه امرای خود از سرای خارچنده و بیعت اهمیت و اعتبار آن روز مخصوص در اطفال حریق تقید ننمود و بعد به بتخانه رفته و اظهار داشت که حتی "پدر و مادر مرا از خود آزرده خاطر کرده و یا به کسی ظلم نموده و بنا کارنا معقول کرده بودم که خدای آسمان بمن غضب کرده و تختگاهم را بسا دحریق داد، بدین جهت در بتخانه تضرع و زاری کرده و از شدت اندوه بیچارگی و بدین ترتیب وضع دفن و مراسم

مربوطه معلوم نگردید که چه سان انجام یافته است، فقط در دخمه ای که او را بخاک سپرده بودند، چند جاریه و خادم مغرب و انواع ماکولات و مشروبات قرار داده و حتی اسبهای مخصوص آن نیز به آزادی در کنار دخمه راه میرفته و کسی آنها را سوار نمیشد. شدت بیماری پادشاه بمرور بیشتر گشته تا جا نیکه پسرش آمده و جای وی نشست و هنوز لوازم مخصوص ایلچیها با تمام نرسیده، دستور داد تا متعینات قطع گردد. روی این اتفاق سفرادر واسط شهر جمادی الاول از خان بالغ بیرون آمده و در غره شهر رجب به شهر (سکان) وارد شدند و در آن شهر جمع اکابر و حکام شهر با استقبال ایلچیها آمدند. در این شهر رسم بود که بعضی از اشیاء مخصوص ختای را نمیگذاشتند کسی بیرون نبرد، لکن این امر در مورد ایلچیها اجرائ نشده و تعرضی ننمودند، روز بعد مهمانی مفصلی در کمال غایت به ایلچیها داده شد که از هر نظر حائز اهمیت بود. بعد از آن در پنجم ماه شعبان به (قزاقان) و بعد از آن هر روز بیک منزل و هر هفته بیک شهر سفر کرده و ضیافت میشدیم تا اینکه در روز بیست و سوم ماه شعبان به شهر تنجو وارد شدیم. در شهر مزبور تمام چارپایان و نوکرها را که بما داده بودند گرفته و قبض دادند مدت دو ماه و نیم بیعت ناامنی جماعت اشقیای در مغولستان در آن شهر توقف کرده و در هفتم شهر ذوالقعدة به شهر سکجور رسیدیم، چند روزی بود که در آن توقف داشتیم پهلوان جمال الدین ایلچی میرزا رستم از اصفهان و امیر حسن ایلچی میرزا ابراهیم سلطان از شیراز به شهر مزبور وارد شدند و صحبت های زیادی از مخوف و ناامن بودن راهها کرده که بیعت خوف زیاده از حد بهزار زحمت از کوهسارها آمده و خود را به آنجا رسانده اند. روی این اصل ما نیز سفر را جایز ندانسته و تا واسط ماه محرم سال ۸۲۵ در شهر سکجور اقامت نمودیم، بعد به قراول خانه رفته و مطابق رسم مملکت ختای که در حین آمدن مسافر، نام و رسم و تمام واقعات در حین ورود نوشته میشد، بهمان ترتیب در حین خروج نیز دقت کافی گشته و مدارک ما را تطبیق و تحریر نمودند. که سفر در تاریخ روز جمعه نوزدهم شهر شعبان سال ۸۲۳ وارد ختای شده و در روز جمعه پانزدهم ماه محرم سال ۸۲۵ ه. ق. از مملکت ختای خارج گشته اند.

بدین ترتیب قطاع طریق کرده و از شدت وهم، راه صحرائی انتخاب کرده در هشتم ماه ربیع الاول از صحرا خارج شده و بعد از مدتی توقف، در نهم جمادی الاخری شهر ختن و روز ششم رجب به شهر کاشغر وارد گشتیم و پس از آن عده ای از سفرا، راه سمرقند را انتخاب کرده و ناقل حکایات و جمع رفیقان از راه بدخشان در بیست و یکم ماه شعبان به حمارشادمان و در غره رمضان شهر بلخ و روز دهم بهرات واصل و تمام ما وقع روایت و ختم طومار حکایت گردید.

۷۲۷ - غیاث مجلد اصفهانی

اهل اصفهان و مقیم عثمانی و از هنرمندان اواخر قرن ۹ هـ. ق. بحساب میآید. بنوشته مرحوم دکتر بیانی، در خط نستعلیق نیز مهارت داشته و آثاری از خود به یادگار نهاده است از آثار خطی این هنرمند که مراحتاً "خود را مجلد اصفهانی خوانده، یکی نسخه لمعات عراقی است که رقم دارد. (غیاث المجلد اصفهانی ۸۸۱)

و دیگری دیوان قبولی با رقم:

(غیاث المجلد اصفهانی بدار السلطنه قسطنطنیه ۸۸۰ هـ. ق.)

است که هر دوی آنها در کتابخانه های عثمانی مضبوط میباشند.

۷۲۸ - غیاثی

مذهب زبردست قرن ۱۰ هـ. ق. بود و در تذهیب و آرایش قرآنها استادی متبحر بشمار میآید.

پایان جلد اول

فهرست مأخذ و منابع

- ۱- آتشکده - لطفعلی بیک آذر - نسخه خطی نگارنده
- ۲- آثار عجم - فرصت شیرازی چاپ بمبئی ۱۳۱۳ ه.ق.
- ۳- احوال و آثار خوش نویسان - تالیف شادروان دکتر مهدی بیانی (سه جلد)
- ۴- اکبر نامه - تالیف شیخ ابوالفضل علامی پسر شیخ مبارک تاگوری
- ۵- الفنون الایرانیه - دکتر ذکی محمد حسن چاپ قاهره ۱۹۴۰ میلادی.
- ۶- بدایع الوقایع (جلد ۱ و ۲) - زین الدین بن عبدالجلیل الواصفی قرن ۱۰ ه.ق.
- تصحیح الکساندر بلدرف مسکو ۱۹۶۱ م - انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۷- پیدایش خط و خطاطان - عبدالمحمد خان ایرانی - چاپ قاهره ۱۳۲۵ ه.ق.
- مجموعه نگارنده.
- ۸- تاریخ اصفهان - حاج میرزا حسن جابری انصاری اصفهانی - سال ۱۳۲۵ ه.ق.
- ۹- تاریخ اکبری (طبقات اکبری) ۱۲۰۱ ه.ق. نسخه خطی نگارنده - تالیف خواجه نظام الدین احمد - پایان ۱۰۰۲ ه.ق.
- ۱۰- تاریخ برگزیدگان و عدهای از مشاهیر ایران و عرب - تالیف امیر مسعود سپهرم.
- ۱۱- تاریخ رجال ایران - تالیف شادروان مهدی بامداد - ۶ جلد.
- ۱۲- تاریخ رشیدی - میرزا حیدر دو غلات
- ۱۳- تاریخ رطب اللسان - میرزا صادق وقایع نگار (نسخه خطی کتابخانه ملی)
- ۱۴- تاریخچه ساختمان های ارک سلطنتی - تهران - نوشته آقای یحیی ذکا
- ۱۵- تاریخ و جغرافیای تبریز - نادر میرزا - تهران ۱۳۲۳ ه.ق.
- ۱۶- تحفه خطاطین - مستقیم زاده سلیمان سعد الدین افندی - استانبول ۱۹۲۸ میلادی
- مجموعه نگارنده
- ۱۷- تحفه سامی - سام میرزا صفوی - باهتمام وحید دستگردی تهران ۱۳۱۴
- ۱۸- تذکره الشعرا - تالیف محمد عبدالغنی خان صاحب / غنی - چاپ / ۱۹۱۶ میلادی.
- ۱۹- تذکره حزین - محمد علی حزین لاهیجی - نولکشور، لکنهو ۱۳۱۱ ه.ق.
- ۲۰- تذکره خوشنویسان محمد هفت قلمی - ۱۲۳۹ ه.ق.
- ۲۱- تذکره روز روشن - بهوپال ۱۲۹۷ ه.ق.
- ۲۲- تذکره شاه طهماسب - چاپ برلین - مجموعه نگارنده.
- ۲۳- تذکره نصر آبادی - میرزا طاهر نصر آبادی - تهران ۱۳۱۷.
- ۲۴- تمدن الاسلامی - جرجی زیدان
- ۲۵- توزک جهانگیری - نوشته جهانگیر - باتمام میرزا هادی و معتمدخان که تا سال ۱۰۲۷ نوشته شده و بسال ۱۲۸۱ ه.ق. در هند منتشر گشته است.

- ۲۶- حالات هنروان - دوست محمد کتابدار بهرام میرزای صفوی باهتنام محمد عبدالله جغتائی - لاهور ۱۹۳۶ میلادی چاپ اول سنبله ۱۳۴۹ ه.ق. مجموعه نگارنده.
- ۲۷- حبیب السیر ۱۰۲۲ ه.ق. - تالیف غیاث الدین بن همام الدین مشهور به خواند میر مستوفی ۹۴۱ ه.ق. - نسخه خطی مجموعه نگارنده.
- ۲۸- دانشمندان آذربایجان - میرزا محمد علی خان تربیت تهران ۱۳۱۴.
- ۲۹- ذکر برخی از خوشنویسان و هنرمندان - تعلیقات مرحوم فکری سلجوقی بر دیباچه دوست محمد هروی چاپ افغانستان ۱۳۴۹ سنبله.
- ۳۰- راهنمای گنجینه قرآن - تالیف احمد گلچین معانی - از انتشارات اداره کتابخانه آستان قدس ۱۳۴۷.
- ۳۱- رجال عصر ناصری - تالیف دوستعلی خان معیر الممالک.
- ۳۲- رجال اصفهان (تذکره القبور) - آخوند ملاعبدالکریم.
- ۳۳- روزنامه ایران - اعتماد السلطنه - تهران.
- ۳۴- روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه - تهران ۱۳۴۵ خورشیدی.
- ۳۵- روزنامه دولت علیه ایران - صنیع الملک تهران.
- ۳۶- روزنامه شرافت - اداره انطباعات دولتی ۲۰ - ۱۳۱۴ ه.ق.
- ۳۷- روزنامه شرف - اداره انطباعات دولتی ۱۳۰۹ - ۱۳۰۰ ه.ق.
- ۳۸- روزنامه وقایع اتفاقیه - تهران.
- ۳۹- زندگی خصوصی ناصرالدین شاه - نوشته دوستعلی خان معیر الممالک.
- ۴۰- صفات کائنات - چاپ لکنهو - هند - سال ۱۲۹۵ ه.ق.
- ۴۱- صنعت گران و خوشنویسان هرات - علی احمد نعیمی - کابل.
- ۴۲- عالم آرای عباسی تالیف اسکندر بیگ ترکمان بسال ۱۰۱۰ ه.ق. نسخه خطی نگارنده بتاریخ ۱۰۶۰ ه.ق.
- ۴۳- عجائب اللطایف - تالیف خواجه غیاث الدین نقاش بسال ۸۲۵ و ترجمه آن بزبان ترکی سال ۱۱۴۰ ه.ق. بوسیله کاتب چلبی - نسخه خطی نگارنده بتاریخ ۱۲۶۰ ه.ق.
- ۴۴- فارسنامه ناصری - حاج میرزا حسن فسائی - تهران ۱۳۱۳ ه.ق. مجموعه نگارنده.
- ۴۵- فروغستان - ۱۲۴۵ ه.ق. نسخه خطی نگارنده.
- ۴۶- قانون الصور - چاپ روسی - عادل قاضی اوف - تصحیح عبدالکریم علی زاده - باکو ۱۹۶۳ میلادی.
- ۴۷- قدیم نقش ایران مصور کاوجی دشانجی کیاس.
- ۴۸- کاتالوگهای منتشر شده ساتبی.
- ۴۹- کاتالوگهای منتشر شده کریستی.
- ۵۰- کارنامه بزرگان - تالیف شادروان دکتر مهدی بیانی.
- ۵۱- کتابشناسی کتابهای خطی - تالیف دکتر مهدی بیانی.
- ۵۲- گلستان ارم - تالیف عباسقلی آقا باکیخانوف ۱۲۵۹ ه.ق. نسخه خطی نگارنده.
- ۵۳- گلستان هنر تالیف قاضی میر احمد منشی قمی - به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری ۱۳۵۲ شمسی.

- ۵۴- گنج شایگان - میرزا طاهر دیباچه نگار اصفهانی .
- ۵۵- گنجینه آثار تاریخی اصفهان - تالیف دکتر لطف الله هنرفر .
- ۵۶- لوحه‌های نگارین تحقیق و تدوین خانم م. م. اشرفی - چاپ شوروی مجموعه نگارنده
- ۵۷- مآثر رحیمی (جلد ۱- ۲- ۳) تالیف ملا عبدالله نهاوندی بسال ۱۰۵۲ ه.ق. - چاپ کلکته ۱۹۳۱ میلادی .
- ۵۸- مآثر و الاثار - اعتماد السلطنه - تهران ۱۳۰۶ ه.ق. .
- ۵۹- مجالس المومنین - قاضی نوراله شوستری - نسخه خطی نگارنده .
- ۶۰- مجالس النفایس - امیر علیشیر نوائی ترجمه از ترکی - توسط فخری هروی و حکیم شاه قزوینی - باهتمام علی اصغر حکمت تهران ۱۳۲۳ .
- ۶۱- مجله ارمغان .
- ۶۲- مجله اطلاعات ماهانه .
- ۶۳- مجله ایران آباد .
- ۶۴- مجله راهنمای کتاب .
- ۶۵- مجله روزگار نو .
- ۶۶- مجله سخن .
- ۶۷- مجله شبپور .
- ۶۸- مجله معارف اسلامی .
- ۶۹- مجله مهر .
- ۷۰- مجله نقش و نگار .
- ۷۱- مجله نگین .
- ۷۲- مجله وحیید .
- ۷۳- مجله هنر و مردم .
- ۷۴- مجله یادگار - عباس اقبال تهران .
- ۷۵- مجله یغما - حبیب یغمائی .
- ۷۶- مجمع الخواص - صادقی کتابدار ، ترجمه دکتر عبدالرسول خیام پور - تبریز ، ۱۳۲۷
- ۷۷- مجموعه خط (موزه رضا عباسی)
- ۷۸- محمد زمان - نخستین نگارگر ایرانی که به اروپا فرستاده شد - نوشته یحیی ذکاء
- ۷۹- مختار خالد کلیاتی (صنایع نفیس حقنده) نویسنده احمد راسم چاپ ۱۳۲۹ اسلامبول مجموعه نگارنده .
- ۸۰- مطلع الشمس - محمد حسن خان صنیع الدوله - تهران - ۱۳۰۲ ه.ق. .
- ۸۱- مقدمه مرقع بهرام میرزا صفوی - دوست محمد کاتب .
- ۸۲- منتظم ناصری - محمد حسن خان اعتماد السلطنه در ۲ جلد - تهران ۱۳۰۰ ه.ق. .

-
- ۸۳- مناقب هنروران - مصطفی عالی - استانبول مطبعه عامره ۱۹۲۶ مجموعه نگارنده .
- ۸۴- منشآت فروغ - نسخه خطی - مجموعه نگارنده .
- ۸۵- ناسخ التواریخ (چاپ قدیم) - مجموعه نگارنده .
- ۸۶- نامه آستان قدس مشهد - مجموعه نگارنده .
- ۸۷- نقاوه الاثار .
- ۸۸- نگارهای داستان علیشیر نوائی - چاپ سمرقند ۱۹۶۹ - مجموعه نگارنده .
- ۸۹- هنرعهد تیموریان و متفرعات آن - تالیف عبدالحی حبیبی .
- ۹۰- یادداشتهای پراکنده - خطی و چاپی - مجموعه نگارنده .
- ۹۱- یادداشتهای معیر الممالک .

فهرست ماخذ خارجی:

1. A History of Fine Art in India and Ceylon by Vincent A. Smith Oxford 1911.
2. A. Ivanov: Persisky Kalamdan 1092 (1681) Leningrad 1970.
3. A King's Book of Kings by Stuart Cary Welch.
4. Album de L'Exposition D'Art Persan 1935
5. Arts Asiatica
Les Miniatures Orientales de la Collection Goloubew au Museum of Fine Arts de Boston Paris 1929.
6. Arts of the Islamic Book
The Collection of Prince Sadruddin Aga Khan Anthony Welch and Stuart Cary Welch.
7. A Survey of Persian Art Arthur Upham Pope 1936.
8. ATHARE-E IRAN Paris 1936-1949
9. Behzad and his Painting in the Zafar Namah MS Sir Thomas W. Arnold 1930.
10. Buchkunst des Morgenlandes 1949 Leipzig.
11. Delhi Museum
Archaeology
Delhi 1911.
12. Die Persisch Islamische Miniaturmalerei von PH Walter Schulz Leipsig 1914.

13. E. Blochet
Les Peintures des Manuscrits de la
Bibliothèque Nationale
Paris 1914-1920.
14. Ecriture de L'Union
Reflets du Temps des Troubles
Paris 1980 by CH. ADL.
15. Gulzari Savab
Istanbul 1939.
16. Imperial Mughal Painting
Stuart Cary Welch.
17. Indische Buchmalereien
Von Ernest Kuhnel
Berlin 1924.
18. Iran Journal of the British Institute
of Persian Studies.
19. Isfahan Pearl of Persia
Text by Wilfrid Blunt.
20. Islamic Art
1400 Years of Islamic Art.
21. Islamic Book Bindings
Duncan Haldan 1983.
22. Islamic Masterpieces of The Chester
Beatty Library.
23. Islamic Miniature Painting
Filiz Cagman-Zeren Tanindi.
24. Ivan Stchoukine
Les Peintures des Manuscrits de
Shah Abbas 1.er Paris 1964.
25. Ivan Stchoukine
Les Peintures des Manuscrits
Safavis 1502 a 1587
Paris 1959.

26. La Minature Perssane
Armenag Bey Sakisian
Paris 1929.

27. La Peinture Indienne
A L'Epoque des Grands Moghols
Par. Ivan Stchovkine
Paris 1929.

28. Les Enluminures des Manuscrits Orientaux
Par Ed. Blochet
Paris 1926.

29. Les Miniatures de Behzad dans un
manuscrit Perssan
Date 1485 par F.R. Martin 1912.

30. Levni Dr. Suheyl Unver
Istanbul 1951.

31. Miniatures Illustrations of Alisher Navois
Works of the XV-XIXth Centuries
Tashkent 1982.

32. Miniaturmalerei
Im Islamischen Orient von
Ernst Kuhnel
Berlin 1922.

33. Miniatures Pessanes Exposees
au Musee des Arts Decoratifs
Juin - Octobre 1912.

34. Miniatures Persanes
et Exposees au Musee des Arts
Decoratifs 1912
Par. M. M. Georges Martean
Paris 1913.

35. Musulman Painting by E. Blochet
First published in 1929.

36. Persian and Mughal Art
P & D. Colnaghi & Co. Ltd.

-
37. Persian Art
by S. Maslennitsyna
Leningrad 1975.
 38. Persian Drawings
Text by B. W. Robinson.
 39. Persian Miniatures of Behzad and
His School in Cairo Collections
London 1960.
 40. Persian Miniature Painting by
Laurence Binyon
London 1933.
 41. Persian on Mughul Art
P & D. Colnaghi & Co. Ltd.
 42. Persian Painting
Albert Skira.
 43. Persian Painting by
Basil Gray 1961.
 44. Persian Painting in the India
Office Library
B. W. Robinson.
 45. Persian Painting
Text by Basil Gray 1977.
 46. Qajar Paintings
by S. J. Falk.
 47. Royal Persian Manuscripts
Stuart Cary Welch.
 48. Sanat Tarihi.
 49. Siah Qalem
Mazhar S. Ipsiroglu 1976.
 50. The Imperial Image - Freer Gallery of Art.

-
51. The Library of A. Chester Beatty
A Catalogue of the Indian Miniatures 1929
and the Library of A. Chester Beatty 1936.
 52. The Life of Muhammed Zaman: A Reconsideration
by A. A. Ivanov 1979.
 53. The Miniature Painting and Painters of
Persia, India and Turkey
by F. R. Martin 1912.
 54. The Miniature Painting
By F. R. Martin London 1912.
 55. The Poems of Nizami
Described by Laurence Binyon.
 56. The Quranic Art of Calligraphy and Illumination
Martin Lings.
 57. The World of Ottoman Art.
 58. Victoria and Albert Museum
Portfolios Indian Drawings
London 1921.
 59. Wonders of the Age
Stuart Cary Welch.
 60. Zeichnungen Von Riza Abbasi
Beasheitet von Friedrich Sarre und
Eugen Mittuioch
Munchen 1914.
 61. Zur Orientalischen Altertumskunde
Won Yosef Von Karabacek
V.111 Wien 1911.

لیست تاریخ هجری که به میلادی تبدیل شده است :

اسامی ماهها به ترتیب ذیل است .

- ۱- محرم
- ۲- صفر
- ۳- ربیع الاول
- ۴- ربیع الثاني
- ۵- جمادی الاول
- ۶- جمادی الاخر
- ۷- رجب
- ۸- شعبان
- ۹- رمضان
- ۱۰- شوال
- ۱۱- ذوالقعدة
- ۱۲- ذوالحجه

هجری	- ماه -	میلادی	هجری	- ماه -	میلادی	هجری	- ماه -	میلادی	هجری	- ماه -	میلادی	هجری	- ماه -	میلادی
۱	۷	۶۲۲	۹۷	۹	۷۱۰	۱	۱	۶۷۰	۵۰	۱	۶۲۲	۷	۱	۶۲۲
۲	۷	۶۲۳	۹۸	۸	۷۱۶	۱	۱	۶۷۱	۵۱	۱	۶۲۳	۷	۲	۶۲۳
۳	۶	۶۲۴	۹۹	۸	۷۱۷	۱	۱	۶۷۲	۵۲	۱	۶۲۴	۶	۳	۶۲۴
۴	۶	۶۲۵	۱۰۰	۸	۷۱۸	۱۲	۱۲	۶۷۲	۵۳	۱۲	۶۲۵	۶	۴	۶۲۵
۵	۶	۶۲۶	۱۰۱	۷	۷۱۹	۱۲	۱۲	۶۷۳	۵۴	۱۲	۶۲۶	۶	۵	۶۲۶
۶	۵	۶۲۷	۱۰۲	۷	۷۲۰	۱۲	۱۲	۶۷۴	۵۵	۱۲	۶۲۷	۵	۶	۶۲۷
۷	۵	۶۲۸	۱۰۳	۷	۷۲۱	۱۱	۱۱	۶۷۵	۵۶	۱۱	۶۲۸	۵	۷	۶۲۸
۸	۴	۶۲۹	۱۰۴	۶	۷۲۲	۱۱	۱۱	۶۷۶	۵۷	۱۱	۶۲۹	۴	۸	۶۲۹
۹	۴	۶۳۰	۱۰۵	۵	۷۲۳	۱۱	۱۱	۶۷۷	۵۸	۱۱	۶۳۰	۴	۹	۶۳۰
۱۰	۳	۶۳۱	۱۰۶	۵	۷۲۴	۱۰	۱۰	۶۷۸	۵۹	۱۰	۶۳۱	۳	۱۰	۶۳۱
۱۱	۳	۶۳۲	۱۰۷	۵	۷۲۵	۱۰	۱۰	۶۷۹	۶۰	۱۰	۶۳۲	۳	۱۱	۶۳۲
۱۲	۳	۶۳۳	۱۰۸	۴	۷۲۶	۱۰	۱۰	۶۸۰	۶۱	۱۰	۶۳۳	۳	۱۲	۶۳۳
۱۳	۲	۶۳۴	۱۰۹	۴	۷۲۷	۹	۹	۶۸۱	۶۲	۹	۶۳۴	۲	۱۳	۶۳۴
۱۴	۲	۶۳۵	۱۱۰	۴	۷۲۸	۹	۹	۶۸۲	۶۳	۹	۶۳۵	۲	۱۴	۶۳۵
۱۵	۲	۶۳۶	۱۱۱	۳	۷۲۹	۸	۸	۶۸۳	۶۴	۸	۶۳۶	۲	۱۵	۶۳۶
۱۶	۲	۶۳۷	۱۱۲	۳	۷۳۰	۸	۸	۶۸۴	۶۵	۸	۶۳۷	۲	۱۶	۶۳۷
۱۷	۱	۶۳۸	۱۱۳	۳	۷۳۱	۸	۸	۶۸۵	۶۶	۸	۶۳۸	۱	۱۷	۶۳۸
۱۸	۱	۶۳۹	۱۱۴	۳	۷۳۲	۸	۸	۶۸۶	۶۷	۸	۶۳۹	۱	۱۸	۶۳۹
۱۹	۱	۶۴۰	۱۱۵	۲	۷۳۳	۸	۸	۶۸۷	۶۸	۸	۶۴۰	۱	۱۹	۶۴۰
۲۰	۱۲	۶۴۱	۱۱۶	۲	۷۳۴	۷	۷	۶۸۸	۶۹	۷	۶۴۱	۱۲	۲۰	۶۴۱
۲۱	۱۲	۶۴۲	۱۱۷	۱	۷۳۵	۷	۷	۶۸۹	۷۰	۷	۶۴۲	۱۲	۲۱	۶۴۲
۲۲	۱۱	۶۴۳	۱۱۸	۱	۷۳۶	۷	۷	۶۹۰	۷۱	۷	۶۴۳	۱۱	۲۲	۶۴۳
۲۳	۱۱	۶۴۴	۱۱۹	۱	۷۳۷	۷	۷	۶۹۱	۷۲	۷	۶۴۴	۱۱	۲۳	۶۴۴
۲۴	۱۱	۶۴۵	۱۲۰	۱۲	۷۳۸	۶	۶	۶۹۲	۷۳	۶	۶۴۵	۱۱	۲۴	۶۴۵
۲۵	۱۰	۶۴۶	۱۲۱	۱۲	۷۳۹	۶	۶	۶۹۳	۷۴	۶	۶۴۶	۱۰	۲۵	۶۴۶
۲۶	۱۰	۶۴۷	۱۲۲	۱۲	۷۴۰	۶	۶	۶۹۴	۷۵	۶	۶۴۷	۱۰	۲۶	۶۴۷
۲۷	۹	۶۴۸	۱۲۳	۱۱	۷۴۱	۶	۶	۶۹۵	۷۶	۶	۶۴۸	۹	۲۷	۶۴۸
۲۸	۹	۶۴۹	۱۲۴	۱۱	۷۴۲	۶	۶	۶۹۶	۷۷	۶	۶۴۹	۹	۲۸	۶۴۹
۲۹	۹	۶۵۰	۱۲۵	۱۱	۷۴۳	۶	۶	۶۹۷	۷۸	۶	۶۵۰	۹	۲۹	۶۵۰
۳۰	۸	۶۵۱	۱۲۶	۱۱	۷۴۴	۶	۶	۶۹۸	۷۹	۶	۶۵۱	۸	۳۰	۶۵۱
۳۱	۸	۶۵۲	۱۲۷	۱۱	۷۴۵	۶	۶	۶۹۹	۸۰	۶	۶۵۲	۸	۳۱	۶۵۲
۳۲	۸	۶۵۳	۱۲۸	۱۰	۷۴۶	۶	۶	۷۰۰	۸۱	۶	۶۵۳	۸	۳۲	۶۵۳
۳۳	۸	۶۵۴	۱۲۹	۱۰	۷۴۷	۶	۶	۷۰۱	۸۲	۶	۶۵۴	۸	۳۳	۶۵۴
۳۴	۷	۶۵۵	۱۳۰	۹	۷۴۸	۶	۶	۷۰۲	۸۳	۶	۶۵۵	۷	۳۴	۶۵۵
۳۵	۷	۶۵۶	۱۳۱	۹	۷۴۹	۶	۶	۷۰۳	۸۴	۶	۶۵۶	۷	۳۵	۶۵۶
۳۶	۷	۶۵۷	۱۳۲	۸	۷۵۰	۶	۶	۷۰۴	۸۵	۶	۶۵۷	۷	۳۶	۶۵۷
۳۷	۷	۶۵۸	۱۳۳	۸	۷۵۱	۶	۶	۷۰۵	۸۶	۶	۶۵۸	۷	۳۷	۶۵۸
۳۸	۷	۶۵۹	۱۳۴	۸	۷۵۲	۶	۶	۷۰۶	۸۷	۶	۶۵۹	۷	۳۸	۶۵۹
۳۹	۷	۶۶۰	۱۳۵	۷	۷۵۳	۶	۶	۷۰۷	۸۸	۶	۶۶۰	۷	۳۹	۶۶۰
۴۰	۷	۶۶۱	۱۳۶	۷	۷۵۴	۶	۶	۷۰۸	۸۹	۶	۶۶۱	۷	۴۰	۶۶۱
۴۱	۶	۶۶۲	۱۳۷	۶	۷۵۵	۶	۶	۷۰۹	۹۰	۶	۶۶۲	۶	۴۱	۶۶۲
۴۲	۶	۶۶۳	۱۳۸	۶	۷۵۶	۶	۶	۷۱۰	۹۱	۶	۶۶۳	۶	۴۲	۶۶۳
۴۳	۶	۶۶۴	۱۳۹	۶	۷۵۷	۶	۶	۷۱۱	۹۲	۶	۶۶۴	۶	۴۳	۶۶۴
۴۴	۶	۶۶۵	۱۴۰	۶	۷۵۸	۶	۶	۷۱۲	۹۳	۶	۶۶۵	۶	۴۴	۶۶۵
۴۵	۵	۶۶۶	۱۴۱	۵	۷۵۹	۶	۶	۷۱۳	۹۴	۶	۶۶۶	۵	۴۵	۶۶۶
۴۶	۵	۶۶۷	۱۴۲	۵	۷۶۰	۶	۶	۷۱۴	۹۵	۶	۶۶۷	۵	۴۶	۶۶۷
۴۷	۵	۶۶۸		۵		۶	۶		۹۶	۶	۶۶۸	۵	۴۷	۶۶۸
۴۸	۵	۶۶۹		۵		۶	۶			۶	۶۶۹	۵	۴۸	۶۶۹
۴۹	۵	۶۷۰		۵		۶	۶			۶	۶۷۰	۵	۴۹	۶۷۰

هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی
۱۹۱	۱۱	۸۰۶	۲۳۸	۶	۸۵۲	۱۱	۸۰۶	۲۳۸	۱۹۱	۱۱	۸۰۶
۱۹۲	۱۱	۸۰۷	۲۳۹	۶	۸۵۳	۱۱	۸۰۷	۲۳۹	۱۹۲	۱۱	۸۰۷
۱۹۳	۱۰	۸۰۸	۲۴۰	۶	۸۵۴	۱۰	۸۰۸	۲۴۰	۱۹۳	۱۰	۸۰۸
۱۹۴	۱۰	۸۰۹	۲۴۱	۵	۸۵۵	۱۰	۸۰۹	۲۴۱	۱۹۴	۱۰	۸۰۹
۱۹۵	۱۰	۸۱۰	۲۴۲	۵	۸۵۶	۱۰	۸۱۰	۲۴۲	۱۹۵	۱۰	۸۱۰
۱۹۶	۹	۸۱۱	۲۴۳	۴	۸۵۷	۹	۸۱۱	۲۴۳	۱۹۶	۹	۸۱۱
۱۹۷	۹	۸۱۲	۲۴۴	۴	۸۵۸	۹	۸۱۲	۲۴۴	۱۹۷	۹	۸۱۲
۱۹۸	۹	۸۱۳	۲۴۵	۳	۸۵۹	۹	۸۱۳	۲۴۵	۱۹۸	۹	۸۱۳
۱۹۹	۸	۸۱۴	۲۴۶	۳	۸۶۰	۸	۸۱۴	۲۴۶	۱۹۹	۸	۸۱۴
۲۰۰	۸	۸۱۵	۲۴۷	۳	۸۶۱	۸	۸۱۵	۲۴۷	۲۰۰	۸	۸۱۵
۲۰۱	۷	۸۱۶	۲۴۸	۲	۸۶۲	۷	۸۱۶	۲۴۸	۲۰۱	۷	۸۱۶
۲۰۲	۷	۸۱۷	۲۴۹	۲	۸۶۳	۷	۸۱۷	۲۴۹	۲۰۲	۷	۸۱۷
۲۰۳	۷	۸۱۸	۲۵۰	۲	۸۶۴	۷	۸۱۸	۲۵۰	۲۰۳	۷	۸۱۸
۲۰۴	۶	۸۱۹	۲۵۱	۲	۸۶۵	۶	۸۱۹	۲۵۱	۲۰۴	۶	۸۱۹
۲۰۵	۶	۸۲۰	۲۵۲	۱	۸۶۶	۶	۸۲۰	۲۵۲	۲۰۵	۶	۸۲۰
۲۰۶	۶	۸۲۱	۲۵۳	۱	۸۶۷	۶	۸۲۱	۲۵۳	۲۰۶	۶	۸۲۱
۲۰۷	۵	۸۲۲	۲۵۴	۱	۸۶۸	۵	۸۲۲	۲۵۴	۲۰۷	۵	۸۲۲
۲۰۸	۵	۸۲۳	۲۵۵	۱۲	۸۶۸	۵	۸۲۳	۲۵۵	۲۰۸	۵	۸۲۳
۲۰۹	۵	۸۲۴	۲۵۶	۱۲	۸۶۹	۵	۸۲۴	۲۵۶	۲۰۹	۵	۸۲۴
۲۱۰	۴	۸۲۵	۲۵۷	۱۱	۸۷۰	۴	۸۲۵	۲۵۷	۲۱۰	۴	۸۲۵
۲۱۱	۴	۸۲۶	۲۵۸	۱۱	۸۷۱	۴	۸۲۶	۲۵۸	۲۱۱	۴	۸۲۶
۲۱۲	۴	۸۲۷	۲۵۹	۱۱	۸۷۲	۴	۸۲۷	۲۵۹	۲۱۲	۴	۸۲۷
۲۱۳	۳	۸۲۸	۲۶۰	۱۰	۸۷۳	۳	۸۲۸	۲۶۰	۲۱۳	۳	۸۲۸
۲۱۴	۳	۸۲۹	۲۶۱	۱۰	۸۷۴	۳	۸۲۹	۲۶۱	۲۱۴	۳	۸۲۹
۲۱۵	۲	۸۳۰	۲۶۲	۱۰	۸۷۵	۲	۸۳۰	۲۶۲	۲۱۵	۲	۸۳۰
۲۱۶	۲	۸۳۱	۲۶۳	۹	۸۷۶	۲	۸۳۱	۲۶۳	۲۱۶	۲	۸۳۱
۲۱۷	۲	۸۳۲	۲۶۴	۹	۸۷۷	۲	۸۳۲	۲۶۴	۲۱۷	۲	۸۳۲
۲۱۸	۱	۸۳۳	۲۶۵	۹	۸۷۸	۱	۸۳۳	۲۶۵	۲۱۸	۱	۸۳۳
۲۱۹	۱	۸۳۴	۲۶۶	۹	۸۷۸	۱	۸۳۴	۲۶۶	۲۱۹	۱	۸۳۴
۲۲۰	۱	۸۳۵	۲۶۷	۸	۸۷۹	۱	۸۳۵	۲۶۷	۲۲۰	۱	۸۳۵
۲۲۱	۱۲	۸۳۶	۲۶۸	۸	۸۸۰	۱۲	۸۳۶	۲۶۸	۲۲۱	۱۲	۸۳۶
۲۲۲	۱۲	۸۳۷	۲۶۹	۸	۸۸۱	۱۲	۸۳۷	۲۶۹	۲۲۲	۱۲	۸۳۷
۲۲۳	۱۱	۸۳۸	۲۷۰	۷	۸۸۲	۱۱	۸۳۸	۲۷۰	۲۲۳	۱۱	۸۳۸
۲۲۴	۱۱	۸۳۹	۲۷۱	۷	۸۸۳	۱۱	۸۳۹	۲۷۱	۲۲۴	۱۱	۸۳۹
۲۲۵	۱۰	۸۴۰	۲۷۲	۶	۸۸۴	۱۰	۸۴۰	۲۷۲	۲۲۵	۱۰	۸۴۰
۲۲۶	۱۰	۸۴۱	۲۷۳	۶	۸۸۵	۱۰	۸۴۱	۲۷۳	۲۲۶	۱۰	۸۴۱
۲۲۷	۹	۸۴۲	۲۷۴	۶	۸۸۶	۹	۸۴۲	۲۷۴	۲۲۷	۹	۸۴۲
۲۲۸	۹	۸۴۳	۲۷۵	۵	۸۸۷	۹	۸۴۳	۲۷۵	۲۲۸	۹	۸۴۳
۲۲۹	۹	۸۴۴	۲۷۶	۵	۸۸۸	۹	۸۴۴	۲۷۶	۲۲۹	۹	۸۴۴
۲۳۰	۸	۸۴۵	۲۷۷	۴	۸۸۹	۸	۸۴۵	۲۷۷	۲۳۰	۸	۸۴۵
۲۳۱	۸	۸۴۶	۲۷۸	۴	۸۹۰	۸	۸۴۶	۲۷۸	۲۳۱	۸	۸۴۶
۲۳۲	۸	۸۴۷	۲۷۹	۴	۸۹۱	۸	۸۴۷	۲۷۹	۲۳۲	۸	۸۴۷
۲۳۳	۸	۸۴۸	۲۸۰	۳	۸۹۲	۸	۸۴۸	۲۸۰	۲۳۳	۸	۸۴۸
۲۳۴	۷	۸۴۹	۲۸۱	۳	۸۹۳	۷	۸۴۹	۲۸۱	۲۳۴	۷	۸۴۹
۲۳۵	۷	۸۵۰	۲۸۲	۳	۸۹۴	۷	۸۵۰	۲۸۲	۲۳۵	۷	۸۵۰
۲۳۶	۷	۸۵۱	۲۸۳	۳	۸۹۵	۷	۸۵۱	۲۸۳	۲۳۶	۷	۸۵۱

هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی
۳۷۷	۵	۹۸۷	۴۲۱	۱	۱۰۳۰	۴۶۸	۸	۱۰۷۵	۵۱۴	۴	۱۱۳۰
۳۷۸	۴	۹۸۸	۴۲۲	۱۲	۱۰۳۰	۴۶۹	۸	۱۰۷۶	۵۱۵	۳	۱۱۳۱
۳۷۹	۴	۹۸۹	۴۲۳	۱۲	۱۰۳۱	۴۷۰	۷	۱۰۷۷	۵۱۶	۳	۱۱۳۲
۳۸۰	۳	۹۹۰	۴۲۴	۱۲	۱۰۳۲	۴۷۱	۷	۱۰۷۸	۵۱۷	۳	۱۱۳۳
۳۸۱	۳	۹۹۱	۴۲۵	۱۱	۱۰۳۳	۴۷۲	۷	۱۰۷۹	۵۱۸	۲	۱۱۳۴
۳۸۲	۳	۹۹۲	۴۲۶	۱۱	۱۰۳۴	۴۷۳	۷	۱۰۸۰	۵۱۹	۲	۱۱۳۵
۳۸۳	۲	۹۹۳	۴۲۷	۱۱	۱۰۳۵	۴۷۴	۶	۱۰۸۱	۵۲۰	۱	۱۱۳۶
۳۸۴	۲	۹۹۴	۴۲۸	۱۰	۱۰۳۶	۴۷۵	۶	۱۰۸۲	۵۲۱	۱	۱۱۳۷
۳۸۵	۲	۹۹۵	۴۲۹	۱۰	۱۰۳۷	۴۷۶	۶	۱۰۸۳	۵۲۲	۱	۱۱۳۸
۳۸۶	۱	۹۹۶	۴۳۰	۱۰	۱۰۳۸	۴۷۷	۵	۱۰۸۴	۵۲۳	۱۲	۱۱۳۸
۳۸۷	۱	۹۹۷	۴۳۱	۹	۱۰۳۹	۴۷۸	۵	۱۰۸۵	۵۲۴	۱۲	۱۱۳۹
۳۸۸	۱	۹۹۸	۴۳۲	۹	۱۰۴۰	۴۷۹	۵	۱۰۸۶	۵۲۵	۱۲	۱۱۴۰
۳۸۹	۱۲	۹۹۸	۴۳۳	۸	۱۰۴۱	۴۸۰	۴	۱۰۸۷	۵۲۶	۱۱	۱۱۴۱
۳۹۰	۱۲	۹۹۹	۴۳۴	۸	۱۰۴۲	۴۸۱	۴	۱۰۸۸	۵۲۷	۱۱	۱۱۴۲
۳۹۱	۱۲	۱۰۰۰	۴۳۵	۷	۱۰۴۳	۴۸۲	۳	۱۰۸۹	۵۲۸	۱۰	۱۱۴۳
۳۹۲	۱۱	۱۰۰۱	۴۳۶	۷	۱۰۴۴	۴۸۳	۳	۱۰۹۰	۵۲۹	۱۰	۱۱۴۴
۳۹۳	۱۱	۱۰۰۲	۴۳۷	۷	۱۰۴۵	۴۸۴	۳	۱۰۹۱	۵۳۰	۹	۱۱۴۵
۳۹۴	۱۰	۱۰۰۳	۴۳۸	۶	۱۰۴۶	۴۸۵	۲	۱۰۹۲	۵۳۱	۹	۱۱۴۶
۳۹۵	۱۰	۱۰۰۴	۴۳۹	۶	۱۰۴۷	۴۸۶	۲	۱۰۹۳	۵۳۲	۸	۱۱۴۷
۳۹۶	۱۰	۱۰۰۵	۴۴۰	۵	۱۰۴۸	۴۸۷	۱	۱۰۹۴	۵۳۳	۸	۱۱۴۸
۳۹۷	۹	۱۰۰۶	۴۴۱	۵	۱۰۴۹	۴۸۸	۱	۱۰۹۵	۵۳۴	۸	۱۱۴۹
۳۹۸	۹	۱۰۰۷	۴۴۲	۵	۱۰۵۰	۴۸۹	۱۲	۱۰۹۶	۵۳۵	۸	۱۱۵۰
۳۹۹	۹	۱۰۰۸	۴۴۳	۴	۱۰۵۱	۴۹۰	۱۲	۱۰۹۷	۵۳۶	۷	۱۱۵۱
۴۰۰	۹	۱۰۰۹	۴۴۴	۴	۱۰۵۲	۴۹۱	۱۲	۱۰۹۸	۵۳۷	۷	۱۱۵۲
۴۰۱	۸	۱۰۰۹	۴۴۵	۳	۱۰۵۳	۴۹۲	۱۱	۱۰۹۹	۵۳۸	۷	۱۱۵۳
۴۰۲	۸	۱۰۱۰	۴۴۶	۳	۱۰۵۴	۴۹۳	۱۱	۱۱۰۰	۵۳۹	۷	۱۱۵۴
۴۰۳	۸	۱۰۱۱	۴۴۷	۳	۱۰۵۵	۴۹۴	۱۱	۱۱۰۱	۵۴۰	۶	۱۱۵۵
۴۰۴	۷	۱۰۱۱	۴۴۸	۲	۱۰۵۶	۴۹۵	۱۱	۱۱۰۲	۵۴۱	۶	۱۱۵۶
۴۰۵	۷	۱۰۱۲	۴۴۹	۲	۱۰۵۷	۴۹۶	۱۰	۱۱۰۳	۵۴۲	۵	۱۱۵۷
۴۰۶	۷	۱۰۱۳	۴۵۰	۲	۱۰۵۸	۴۹۷	۱۰	۱۱۰۴	۵۴۳	۵	۱۱۵۸
۴۰۷	۶	۱۰۱۴	۴۵۱	۲	۱۰۵۹	۴۹۸	۹	۱۱۰۵	۵۴۴	۵	۱۱۵۹
۴۰۸	۶	۱۰۱۵	۴۵۲	۱	۱۰۶۰	۴۹۹	۹	۱۱۰۶	۵۴۵	۴	۱۱۶۰
۴۰۹	۶	۱۰۱۶	۴۵۳	۱	۱۰۶۱	۵۰۰	۹	۱۱۰۷	۵۴۶	۴	۱۱۶۱
۴۱۰	۵	۱۰۱۶	۴۵۴	۱	۱۰۶۲	۵۰۱	۸	۱۱۰۸	۵۴۷	۳	۱۱۶۲
۴۱۱	۵	۱۰۱۷	۴۵۵	۱۲	۱۰۶۳	۵۰۲	۸	۱۱۰۹	۵۴۸	۳	۱۱۶۳
۴۱۲	۵	۱۰۱۷	۴۵۶	۱۲	۱۰۶۴	۵۰۳	۷	۱۱۱۰	۵۴۹	۳	۱۱۶۴
۴۱۳	۵	۱۰۱۸	۴۵۷	۱۲	۱۰۶۵	۵۰۴	۷	۱۱۱۱	۵۵۰	۳	۱۱۶۵
۴۱۴	۵	۱۰۱۹	۴۵۸	۱۲	۱۰۶۶	۵۰۵	۷	۱۱۱۲	۵۵۱	۲	۱۱۶۶
۴۱۵	۵	۱۰۱۹	۴۵۹	۱۲	۱۰۶۷	۵۰۶	۷	۱۱۱۳	۵۵۲	۲	۱۱۶۷
۴۱۶	۵	۱۰۲۰	۴۶۰	۱۱	۱۰۶۸	۵۰۷	۷	۱۱۱۴	۵۵۳	۲	۱۱۶۸
۴۱۷	۴	۱۰۲۱	۴۶۱	۱۰	۱۰۶۹	۵۰۸	۷	۱۱۱۵	۵۵۴	۲	۱۱۶۹
۴۱۸	۴	۱۰۲۲	۴۶۲	۱۰	۱۰۷۰	۵۰۹	۵	۱۱۱۶	۵۵۵	۲	۱۱۷۰
۴۱۹	۳	۱۰۲۳	۴۶۳	۱۰	۱۰۷۱	۵۱۰	۵	۱۱۱۷	۵۵۶	۱	۱۱۷۱
۴۲۰	۳	۱۰۲۴	۴۶۴	۱۰	۱۰۷۲	۵۱۱	۴	۱۱۱۸	۵۵۷	۱	۱۱۷۲
۴۲۱	۳	۱۰۲۵	۴۶۵	۹	۱۰۷۳	۵۱۲	۴	۱۱۱۹	۵۵۸	۱	۱۱۷۳
۴۲۲	۳	۱۰۲۶	۴۶۶	۸	۱۰۷۴	۵۱۳	۴	۱۱۲۰	۵۵۹	۱	۱۱۷۴

هجری	- ماه -	میلادی	هجری	- ماه -	میلادی	هجری	- ماه -	میلادی	هجری	- ماه -	میلادی
۵۵۹	۱۱	۱۱۶۳	۶۰۸	۶	۱۲۱۱	۶۰۴	۱	۱۲۵۶	۶۹۹	۹	۱۲۹۹
۵۶۰	۱۱	۱۱۶۴	۶۰۹	۶	۱۲۱۲	۶۰۵	۱	۱۲۵۷	۷۰۰	۹	۱۳۰۰
۵۶۱	۱۱	۱۱۶۵	۶۱۰	۵	۱۲۱۳	۶۰۶	۱	۱۲۵۸	۷۰۱	۹	۱۳۰۱
۵۶۲	۱۰	۱۱۶۶	۶۱۱	۵	۱۲۱۴	۶۰۷	۱۲	۱۲۵۸	۷۰۲	۸	۱۳۰۲
۵۶۳	۱۰	۱۱۶۷	۶۱۱	۵	۱۲۱۴	۶۰۸	۱۲	۱۲۵۹	۷۰۳	۸	۱۳۰۳
۵۶۴	۱۰	۱۱۶۸	۶۱۲	۵	۱۲۱۵	۶۰۹	۱۲	۱۲۶۰	۷۰۴	۸	۱۳۰۴
۵۶۵	۹	۱۱۶۹	۶۱۳	۴	۱۲۱۶	۶۱۰	۱۱	۱۲۶۱	۷۰۵	۷	۱۳۰۵
۵۶۶	۹	۱۱۷۰	۶۱۴	۴	۱۲۱۷	۶۱۱	۱۱	۱۲۶۲	۷۰۶	۷	۱۳۰۶
۵۶۷	۹	۱۱۷۱	۶۱۵	۳	۱۲۱۸	۶۱۲	۱۱	۱۲۶۳	۷۰۷	۷	۱۳۰۷
۵۶۸	۸	۱۱۷۲	۶۱۶	۳	۱۲۱۹	۶۱۳	۱۰	۱۲۶۴	۷۰۸	۶	۱۳۰۸
۵۶۹	۸	۱۱۷۳	۶۱۷	۳	۱۲۲۰	۶۱۴	۱۰	۱۲۶۵	۷۰۹	۶	۱۳۰۹
۵۷۰	۸	۱۱۷۴	۶۱۷	۳	۱۲۲۰	۶۱۵	۱۰	۱۲۶۶	۷۱۰	۵	۱۳۱۰
۵۷۱	۷	۱۱۷۵	۶۱۸	۲	۱۲۲۱	۶۱۶	۹	۱۲۶۷	۷۱۱	۵	۱۳۱۱
۷۵۲	۷	۱۱۷۶	۶۱۹	۲	۱۲۲۲	۶۱۷	۹	۱۲۶۸	۷۱۲	۵	۱۳۱۲
۵۷۳	۶	۱۱۷۷	۶۲۰	۲	۱۲۲۳	۶۱۸	۸	۱۲۶۹	۷۱۳	۴	۱۳۱۳
۵۷۴	۶	۱۱۷۸	۶۲۱	۲	۱۲۲۴	۶۱۹	۸	۱۲۷۰	۷۱۴	۴	۱۳۱۴
۵۷۵	۶	۱۱۷۹	۶۲۱	۱	۱۲۲۴	۶۲۰	۸	۱۲۷۱	۷۱۵	۴	۱۳۱۵
۵۷۶	۵	۱۱۸۰	۶۲۲	۱	۱۲۲۵	۶۲۱	۷	۱۲۷۲	۷۱۶	۳	۱۳۱۶
۵۷۷	۵	۱۱۸۱	۶۲۳	۱	۱۲۲۶	۶۲۲	۷	۱۲۷۳	۷۱۷	۳	۱۳۱۷
۵۷۸	۵	۱۱۸۲	۶۲۴	۱۲	۱۲۲۶	۶۲۳	۷	۱۲۷۴	۷۱۸	۳	۱۳۱۸
۵۷۹	۴	۱۱۸۳	۶۲۵	۱۲	۱۲۲۷	۶۲۴	۶	۱۲۷۵	۷۱۹	۲	۱۳۱۹
۵۸۰	۴	۱۱۸۴	۶۲۶	۱۱	۱۲۲۸	۶۲۵	۶	۱۲۷۶	۷۲۰	۲	۱۳۲۰
۵۸۱	۴	۱۱۸۵	۶۲۷	۱۱	۱۲۲۹	۶۲۶	۶	۱۲۷۷	۷۲۱	۱	۱۳۲۱
۵۸۲	۳	۱۱۸۶	۶۲۸	۱۱	۱۲۳۰	۶۲۷	۶	۱۲۷۸	۷۲۲	۱	۱۳۲۲
۵۸۳	۳	۱۱۸۷	۶۲۹	۱۰	۱۲۳۱	۶۲۸	۵	۱۲۷۹	۷۲۳	۱	۱۳۲۳
۵۸۴	۳	۱۱۸۸	۶۳۰	۱۰	۱۲۳۲	۶۲۹	۵	۱۲۷۹	۷۲۴	۱۲	۱۳۲۳
۵۸۵	۲	۱۱۸۹	۶۳۱	۱۰	۱۲۳۳	۶۲۹	۵	۱۲۸۰	۷۲۵	۱۲	۱۳۲۴
۵۸۶	۲	۱۱۹۰	۶۳۲	۹	۱۲۳۴	۶۸۰	۴	۱۲۸۱	۷۲۶	۱۲	۱۳۲۵
۵۸۷	۱	۱۱۹۱	۶۳۳	۹	۱۲۳۵	۶۸۱	۴	۱۲۸۲	۷۲۷	۱۱	۱۳۲۶
۵۸۸	۱	۱۱۹۲	۶۳۴	۹	۱۲۳۶	۶۸۲	۴	۱۲۸۳	۷۲۸	۱۱	۱۳۲۷
۵۸۹	۱	۱۱۹۳	۶۳۵	۸	۱۲۳۷	۶۸۳	۴	۱۲۸۴	۷۲۹	۱۱	۱۳۲۸
۵۹۰	۱۲	۱۱۹۳	۶۳۶	۸	۱۲۳۸	۶۸۴	۳	۱۲۸۴	۷۳۰	۱۰	۱۳۲۹
۵۹۱	۱۲	۱۱۹۴	۶۳۷	۸	۱۲۳۹	۶۸۴	۳	۱۲۸۵	۷۳۱	۱۰	۱۳۳۰
۵۹۲	۱۲	۱۱۹۵	۶۳۸	۷	۱۲۴۰	۶۸۵	۲	۱۲۸۶	۷۳۲	۱۰	۱۳۳۱
۵۹۳	۱۱	۱۱۹۶	۶۳۹	۷	۱۲۴۱	۶۸۶	۲	۱۲۸۷	۷۳۳	۹	۱۳۳۲
۵۹۴	۱۱	۱۱۹۷	۶۴۰	۷	۱۲۴۲	۶۸۷	۲	۱۲۸۸	۷۳۴	۹	۱۳۳۳
۵۹۵	۱۱	۱۱۹۸	۶۴۱	۶	۱۲۴۳	۶۸۸	۱	۱۲۸۹	۷۳۵	۹	۱۳۳۴
۵۹۶	۱۰	۱۱۹۹	۶۴۲	۶	۱۲۴۴	۶۸۹	۱	۱۲۸۹	۷۳۶	۸	۱۳۳۵
۵۹۷	۱۰	۱۲۰۰	۶۴۳	۵	۱۲۴۵	۶۹۰	۱	۱۲۹۰	۷۳۷	۸	۱۳۳۶
۵۹۸	۱۰	۱۲۰۱	۶۴۴	۵	۱۲۴۶	۶۹۰	۱	۱۲۹۱	۷۳۸	۷	۱۳۳۷
۵۹۹	۹	۱۲۰۲	۶۴۵	۵	۱۲۴۷	۶۹۱	۱۲	۱۲۹۱	۷۳۹	۷	۱۳۳۸
۶۰۰	۹	۱۲۰۳	۶۴۶	۴	۱۲۴۸	۶۹۲	۱۲	۱۲۹۲	۷۴۰	۷	۱۳۳۹
۶۰۱	۸	۱۲۰۴	۶۴۷	۴	۱۲۴۹	۶۹۳	۱۲	۱۲۹۲	۷۴۱	۶	۱۳۴۰
۶۰۲	۸	۱۲۰۵	۶۴۸	۳	۱۲۵۰	۶۹۴	۱۱	۱۲۹۳	۷۴۲	۶	۱۳۴۱
۶۰۳	۸	۱۲۰۶	۶۴۹	۳	۱۲۵۱	۶۹۴	۱۱	۱۲۹۳	۷۴۳	۶	۱۳۴۲
۶۰۴	۷	۱۲۰۷	۶۵۰	۳	۱۲۵۲	۶۹۵	۱۱	۱۲۹۵	۷۴۴	۵	۱۳۴۳
۶۰۵	۷	۱۲۰۸	۶۵۱	۳	۱۲۵۳	۶۹۶	۱۰	۱۲۹۶	۷۴۵	۵	۱۳۴۴
۶۰۶	۷	۱۲۰۹	۶۵۲	۲	۱۲۵۴	۶۹۷	۱۰	۱۲۹۷	۷۴۶	۵	۱۳۴۵
۶۰۷	۶	۱۲۱۰	۶۵۳	۲	۱۲۵۵	۶۹۸	۱۰	۱۲۹۸	۷۴۷	۴	۱۳۴۶

هجری	- ماه -	میلادی	هجری	- ماه -	میلادی	هجری	- ماه -	میلادی	هجری	- ماه -	میلادی
۱۴۸۱	۳	۸۸۶	۱۴۳۴	۸	۸۳۸	۱۳۹۰	۱۲	۷۹۳	۱۳۴۷	۴	۷۴۸
۱۴۸۲	۳	۸۸۷	۱۴۳۵	۷	۸۳۹	۱۳۹۱	۱۱	۷۹۴	۱۳۴۸	۴	۷۴۹
۱۴۸۳	۳	۸۸۸	۱۴۳۶	۷	۸۴۰	۱۳۹۲	۱۱	۷۹۵	۱۳۴۹	۳	۷۵۰
۱۴۸۴	۱	۸۸۹	۱۴۳۷	۷	۸۴۱	۱۳۹۳	۱۱	۷۹۶	۱۳۵۰	۳	۷۵۱
۱۴۸۵	۱	۸۹۰	۱۴۳۸	۶	۸۴۲	۱۳۹۴	۱۰	۷۹۷	۱۳۵۱	۲	۷۵۲
۱۴۸۶	۱	۸۹۱	۱۴۳۹	۶	۸۴۳	۱۳۹۵	۱۰	۷۹۸	۱۳۵۲	۲	۷۵۳
۱۴۸۶	۱۲	۸۹۲	۱۴۴۰	۶	۸۴۴	۱۳۹۶	۱۰	۷۹۹	۱۳۵۳	۲	۷۵۴
۱۴۸۷	۱۲	۸۹۳	۱۴۴۱	۵	۸۴۵	۱۳۹۷	۹	۸۰۰	۱۳۵۴	۲	۷۵۵
۱۴۸۸	۱۲	۸۹۴	۱۴۴۲	۵	۸۴۶	۱۳۹۸	۹	۸۰۱	۱۳۵۵	۱	۷۵۶
۱۴۸۹	۱۱	۸۹۵	۱۴۴۳	۵	۸۴۷	۱۳۹۹	۹	۸۰۲	۱۳۵۶	۱	۷۵۷
۱۴۹۰	۱۱	۸۹۶	۱۴۴۴	۴	۸۴۸	۱۴۰۰	۸	۸۰۳	۱۳۵۷	۱	۷۵۸
۱۴۹۱	۱۱	۸۹۷	۱۴۴۵	۴	۸۴۹	۱۴۰۱	۸	۸۰۴	۱۳۵۸	۱۲	۷۵۹
۱۴۹۲	۱۰	۸۹۸	۱۴۴۶	۳	۸۵۰	۱۴۰۲	۸	۸۰۵	۱۳۵۹	۱۲	۷۶۰
۱۴۹۳	۱۰	۸۹۹	۱۴۴۷	۳	۸۵۱	۱۴۰۳	۷	۸۰۶	۱۳۶۰	۱۲	۷۶۱
۱۴۹۴	۱۰	۹۰۰	۱۴۴۸	۳	۸۵۲	۱۴۰۴	۷	۸۰۷	۱۳۶۱	۱۱	۷۶۲
۱۴۹۵	۱۰	۹۰۱	۱۴۴۹	۲	۸۵۳	۱۴۰۵	۶	۸۰۸	۱۳۶۲	۱۱	۷۶۳
۱۴۹۵	۹	۹۰۱	۱۴۵۰	۲	۸۵۴	۱۴۰۶	۶	۸۰۹	۱۳۶۳	۱۰	۷۶۴
۱۴۹۶	۹	۹۰۲	۱۴۵۱	۲	۸۵۵	۱۴۰۷	۶	۸۱۰	۱۳۶۴	۱۰	۷۶۵
۱۴۹۶	۸	۹۰۳	۱۴۵۲	۱	۸۵۶	۱۴۰۸	۵	۸۱۱	۱۳۶۵	۹	۷۶۶
۱۴۹۷	۸	۹۰۳	۱۴۵۳	۱	۸۵۷	۱۴۰۹	۵	۸۱۲	۱۳۶۶	۹	۷۶۷
۱۴۹۸	۸	۹۰۴	۱۴۵۴	۱	۸۵۸	۱۴۱۰	۵	۸۱۳	۱۳۶۷	۹	۷۶۸
۱۴۹۹	۸	۹۰۵	۱۴۵۵	۱۲	۸۵۹	۱۴۱۱	۴	۸۱۴	۱۳۶۸	۸	۷۶۹
۱۵۰۰	۷	۹۰۶	۱۴۵۶	۱۲	۸۶۰	۱۴۱۲	۴	۸۱۵	۱۳۶۹	۸	۷۷۰
۱۵۰۱	۷	۹۰۷	۱۴۵۷	۱۱	۸۶۱	۱۴۱۳	۴	۸۱۶	۱۳۷۰	۷	۷۷۱
۱۵۰۲	۷	۹۰۸	۱۴۵۸	۱۱	۸۶۲	۱۴۱۴	۳	۸۱۷	۱۳۷۱	۷	۷۷۲
۱۵۰۳	۶	۹۰۹	۱۴۵۹	۱۰	۸۶۳	۱۴۱۵	۳	۸۱۸	۱۳۷۲	۷	۷۷۳
۱۵۰۴	۶	۹۱۰	۱۴۶۰	۱۰	۸۶۴	۱۴۱۶	۳	۸۱۹	۱۳۷۳	۶	۷۷۴
۱۵۰۵	۶	۹۱۱	۱۴۶۱	۱۰	۸۶۵	۱۴۱۷	۲	۸۲۰	۱۳۷۴	۶	۷۷۵
۱۵۰۶	۵	۹۱۲	۱۴۶۲	۹	۸۶۶	۱۴۱۸	۲	۸۲۱	۱۳۷۵	۶	۷۷۶
۱۵۰۷	۵	۹۱۳	۱۴۶۳	۹	۸۶۷	۱۴۱۹	۱	۸۲۲	۱۳۷۶	۵	۷۷۷
۱۵۰۸	۵	۹۱۴	۱۴۶۴	۹	۸۶۸	۱۴۲۰	۱	۸۲۳	۱۳۷۷	۵	۷۷۸
۱۵۰۹	۴	۹۱۵	۱۴۶۵	۸	۸۶۹	۱۴۲۱	۱	۸۲۴	۱۳۷۸	۴	۷۷۹
۱۵۱۰	۴	۹۱۶	۱۴۶۶	۸	۸۷۰	۱۴۲۲	۱۲	۸۲۵	۱۳۷۹	۴	۷۸۰
۱۵۱۱	۳	۹۱۷	۱۴۶۷	۸	۸۷۱	۱۴۲۳	۱۲	۸۲۶	۱۳۸۰	۳	۷۸۱
۱۵۱۲	۳	۹۱۸	۱۴۶۸	۷	۸۷۲	۱۴۲۴	۱۲	۸۲۷	۱۳۸۱	۳	۷۸۲
۱۵۱۳	۳	۹۱۹	۱۴۶۹	۷	۸۷۳	۱۴۲۵	۱۱	۸۲۸	۱۳۸۲	۳	۷۸۳
۱۵۱۴	۲	۹۲۰	۱۴۷۰	۶	۸۷۴	۱۴۲۶	۱۱	۸۲۹	۱۳۸۳	۲	۷۸۴
۱۵۱۵	۲	۹۲۱	۱۴۷۱	۶	۸۷۵	۱۴۲۷	۱۱	۸۳۰	۱۳۸۴	۲	۷۸۵
۱۵۱۶	۲	۹۲۲	۱۴۷۲	۶	۸۷۶	۱۴۲۸	۱۰	۸۳۱	۱۳۸۵	۲	۷۸۶
۱۵۱۷	۱	۹۲۳	۱۴۷۳	۵	۸۷۷	۱۴۲۹	۹	۸۳۲	۱۳۸۶	۲	۷۸۷
۱۵۱۸	۱	۹۲۴	۱۴۷۴	۵	۸۷۸	۱۴۳۰	۹	۸۳۳	۱۳۸۷	۲	۷۸۸
۱۵۱۹	۱	۹۲۵	۱۴۷۵	۴	۸۷۹	۱۴۳۱	۹	۸۳۴	۱۳۸۸	۱	۷۸۹
۱۵۱۹	۱۲	۹۲۶	۱۴۷۶	۴	۸۸۰	۱۴۳۲	۸	۸۳۵	۱۳۸۹	۱۲	۷۹۰
۱۵۲۰	۱۲	۹۲۷	۱۴۷۷	۴	۸۸۱	۱۴۳۳	۸	۸۳۶	۱۳۹۰	۱۲	۷۹۱
۱۵۲۱	۱۲	۹۲۸	۱۴۷۸	۳	۸۸۲	۱۴۳۴	۸	۸۳۷	۱۳۹۱	۱۲	۷۹۲
۱۵۲۲	۱۱	۹۲۹	۱۴۷۹	۳	۸۸۳	۱۴۳۵	۸	۸۳۸			
			۱۴۸۰	۳	۸۸۴						

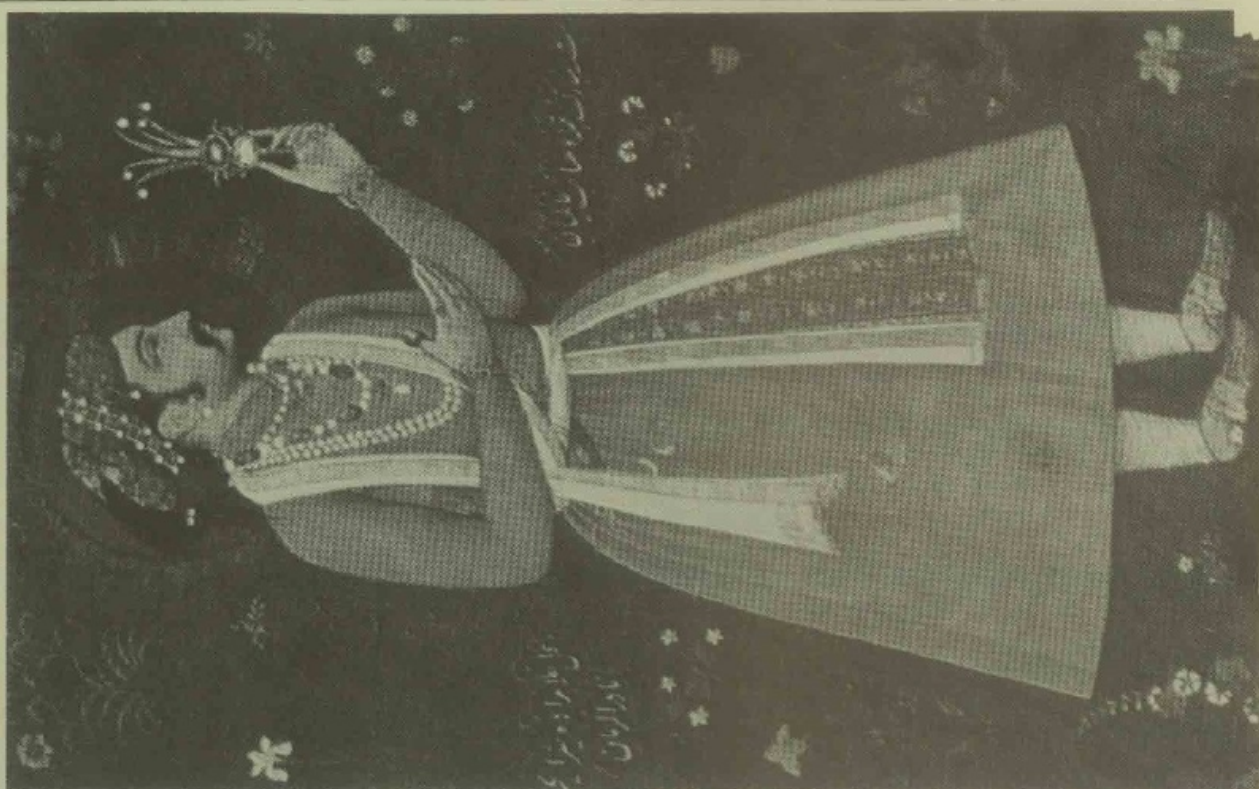
هجری	- ماه -	میلادی	هجری	- ماه -	میلادی	هجری	- ماه -	میلادی	هجری	- ماه -	میلادی
۹۳۰	۱۱	۱۵۲۳	۱۶۱۴	۲	۱۰۲۳	۱۵۶۸	۶	۹۷۶	۱۰۲۳	۱۱	۹۳۰
۹۳۱	۱۰	۱۵۲۴	۱۶۱۵	۱	۱۰۲۴	۱۵۶۹	۶	۹۷۷	۱۰۲۴	۱۰	۹۳۱
۹۳۲	۱۰	۱۵۲۵	۱۶۱۶	۱	۱۰۲۵	۱۵۷۰	۶	۹۷۸	۱۰۲۵	۱۰	۹۳۲
۹۳۳	۱۰	۱۵۲۶	۱۶۱۷	۱	۱۰۲۶	۱۵۷۱	۵	۹۷۹	۱۰۲۶	۱۰	۹۳۳
۹۳۴	۹	۱۵۲۷	۱۶۱۷	۱۲	۱۰۲۷	۱۵۷۱	۵	۹۷۹	۱۵۲۷	۹	۹۳۴
۹۳۵	۹	۱۵۲۸	۱۶۱۸	۱۲	۱۰۲۸	۱۵۷۲	۵	۹۸۰	۱۵۲۸	۹	۹۳۵
۹۳۶	۹	۱۵۲۹	۱۶۱۹	۱۲	۱۰۲۹	۱۵۷۳	۵	۹۸۱	۱۵۲۹	۹	۹۳۶
۹۳۷	۸	۱۵۳۰	۱۶۲۰	۱۱	۱۰۳۰	۱۵۷۴	۴	۹۸۲	۱۵۳۰	۸	۹۳۷
۹۳۸	۸	۱۵۳۱	۱۶۲۱	۱۱	۱۰۳۱	۱۵۷۵	۴	۹۸۳	۱۵۳۱	۸	۹۳۸
۹۳۹	۸	۱۵۳۲	۱۶۲۲	۱۱	۱۰۳۲	۱۵۷۶	۳	۹۸۴	۱۵۳۲	۸	۹۳۹
۹۴۰	۷	۱۵۳۳	۱۶۲۳	۱۰	۱۰۳۳	۱۵۷۷	۳	۹۸۵	۱۵۳۳	۷	۹۴۰
۹۴۱	۷	۱۵۳۴	۱۶۲۴	۱۰	۱۰۳۴	۱۵۷۸	۳	۹۸۶	۱۵۳۴	۷	۹۴۱
۹۴۲	۷	۱۵۳۵	۱۶۲۵	۱۰	۱۰۳۵	۱۵۷۹	۲	۹۸۷	۱۵۳۵	۷	۹۴۲
۹۴۳	۶	۱۵۳۶	۱۶۲۶	۹	۱۰۳۶	۱۵۸۰	۲	۹۸۸	۱۵۳۶	۶	۹۴۳
۹۴۴	۶	۱۵۳۷	۱۶۲۶	۹	۱۰۳۶	۱۵۸۰	۲	۹۸۸	۱۵۳۷	۶	۹۴۴
۹۴۵	۵	۱۵۳۸	۱۶۲۷	۹	۱۰۳۷	۱۵۸۱	۲	۹۸۹	۱۵۳۸	۵	۹۴۵
۹۴۶	۵	۱۵۳۹	۱۶۲۷	۹	۱۰۳۷	۱۵۸۱	۲	۹۸۹	۱۵۳۹	۵	۹۴۶
۹۴۷	۵	۱۵۴۰	۱۶۲۸	۸	۱۰۳۸	۱۵۸۲	۱	۹۹۰	۱۵۴۰	۵	۹۴۷
۹۴۸	۴	۱۵۴۱	۱۶۲۹	۸	۱۰۳۹	۱۵۸۳	۱	۹۹۱	۱۵۴۱	۴	۹۴۸
۹۴۹	۴	۱۵۴۲	۱۶۳۰	۸	۱۰۴۰	۱۵۸۴	۱	۹۹۲	۱۵۴۲	۴	۹۴۹
۹۵۰	۳	۱۵۴۳	۱۶۳۱	۷	۱۰۴۱	۱۵۸۵	۱	۹۹۳	۱۵۴۳	۳	۹۵۰
۹۵۱	۳	۱۵۴۴	۱۶۳۱	۷	۱۰۴۱	۱۵۸۵	۱۲	۹۹۴	۱۵۴۴	۳	۹۵۱
۹۵۲	۳	۱۵۴۵	۱۶۳۲	۷	۱۰۴۲	۱۵۸۶	۱۲	۹۹۵	۱۵۴۵	۳	۹۵۲
۹۵۳	۳	۱۵۴۶	۱۶۳۳	۷	۱۰۴۳	۱۵۸۷	۱۲	۹۹۶	۱۵۴۶	۳	۹۵۳
۹۵۴	۲	۱۵۴۷	۱۶۳۴	۷	۱۰۴۴	۱۵۸۸	۱۱	۹۹۷	۱۵۴۷	۲	۹۵۴
۹۵۵	۲	۱۵۴۸	۱۶۳۵	۶	۱۰۴۵	۱۵۸۹	۱۱	۹۹۸	۱۵۴۸	۲	۹۵۵
۹۵۶	۱	۱۵۴۹	۱۶۳۶	۶	۱۰۴۶	۱۵۹۰	۱۰	۹۹۹	۱۵۴۹	۱	۹۵۶
۹۵۷	۱	۱۵۵۰	۱۶۳۷	۵	۱۰۴۷	۱۵۹۱	۱۰	۱۰۰۰	۱۵۵۰	۱	۹۵۷
۹۵۸	۱	۱۵۵۱	۱۶۳۸	۵	۱۰۴۸	۱۵۹۲	۱۰	۱۰۰۱	۱۵۵۱	۱	۹۵۸
۹۵۹	۱۲	۱۵۵۱	۱۶۳۹	۵	۱۰۴۹	۱۵۹۳	۹	۱۰۰۲	۱۵۵۱	۱۲	۹۵۹
۹۶۰	۱۲	۱۵۵۲	۱۶۴۰	۵	۱۰۵۰	۱۵۹۴	۹	۱۰۰۳	۱۵۵۲	۱۲	۹۶۰
۹۶۱	۱۲	۱۵۵۳	۱۶۴۰	۴	۱۰۵۰	۱۵۹۵	۹	۱۰۰۴	۱۵۵۳	۱۲	۹۶۱
۹۶۲	۱۱	۱۵۵۴	۱۶۴۱	۴	۱۰۵۱	۱۵۹۶	۸	۱۰۰۵	۱۵۵۴	۱۱	۹۶۲
۹۶۳	۱۱	۱۵۵۵	۱۶۴۲	۴	۱۰۵۱	۱۵۹۷	۸	۱۰۰۶	۱۵۵۵	۱۱	۹۶۳
۹۶۴	۱۱	۱۵۵۶	۱۶۴۳	۳	۱۰۵۲	۱۵۹۸	۸	۱۰۰۷	۱۵۵۶	۱۱	۹۶۴
۹۶۵	۱۱	۱۵۵۷	۱۶۴۴	۳	۱۰۵۳	۱۵۹۹	۷	۱۰۰۸	۱۵۵۷	۱۱	۹۶۵
۹۶۶	۱۰	۱۵۵۸	۱۶۴۵	۳	۱۰۵۴	۱۶۰۰	۷	۱۰۰۹	۱۵۵۸	۱۱	۹۶۶
۹۶۷	۱۰	۱۵۵۹	۱۶۴۶	۲	۱۰۵۵	۱۶۰۱	۷	۱۰۱۰	۱۵۵۹	۱۰	۹۶۷
۹۶۸	۹	۱۵۶۰	۱۶۴۷	۲	۱۰۵۶	۱۶۰۲	۶	۱۰۱۱	۱۵۶۰	۱۰	۹۶۸
۹۶۹	۹	۱۵۶۱	۱۶۴۸	۲	۱۰۵۷	۱۶۰۳	۶	۱۰۱۲	۱۵۶۱	۱۰	۹۶۹
۹۷۰	۸	۱۵۶۲	۱۶۴۹	۲	۱۰۵۸	۱۶۰۴	۵	۱۰۱۳	۱۵۶۲	۹	۹۷۰
۹۷۱	۸	۱۵۶۳	۱۶۵۰	۱	۱۰۵۹	۱۶۰۵	۵	۱۰۱۴	۱۵۶۳	۸	۹۷۱
۹۷۲	۸	۱۵۶۴	۱۶۵۱	۱	۱۰۶۰	۱۶۰۶	۵	۱۰۱۵	۱۵۶۴	۸	۹۷۲
۹۷۳	۷	۱۵۶۵	۱۶۵۲	۱	۱۰۶۰	۱۶۰۷	۵	۱۰۱۶	۱۵۶۵	۷	۹۷۳
۹۷۴	۷	۱۵۶۶	۱۶۵۳	۱	۱۰۶۱	۱۶۰۸	۴	۱۰۱۷	۱۵۶۶	۷	۹۷۴
۹۷۵	۷	۱۵۶۷	۱۶۵۴	۱	۱۰۶۱	۱۶۰۹	۴	۱۰۱۸	۱۵۶۷	۷	۹۷۵
۹۷۶	۷	۱۵۶۸	۱۶۵۵	۱۲	۱۰۶۲	۱۶۱۰	۴	۱۰۱۹	۱۵۶۸	۷	۹۷۶
۹۷۷	۷	۱۵۶۹	۱۶۵۶	۱۲	۱۰۶۳	۱۶۱۱	۴	۱۰۲۰	۱۵۶۹	۷	۹۷۷
۹۷۸	۷	۱۵۷۰	۱۶۵۷	۱۲	۱۰۶۴	۱۶۱۲	۳	۱۰۲۱	۱۵۷۰	۷	۹۷۸
۹۷۹	۷	۱۵۷۱	۱۶۵۸	۱۲	۱۰۶۵	۱۶۱۳	۳	۱۰۲۲	۱۵۷۱	۷	۹۷۹
۹۸۰	۷	۱۵۷۲	۱۶۵۹	۱۰	۱۰۶۶	۱۶۱۴	۲	۱۰۲۳	۱۵۷۲	۷	۹۸۰

هجری	- ماه -	میلادی	هجری	- ماه -	میلادی	هجری	- ماه -	میلادی	هجری	- ماه -	میلادی
۱۱۱۴	۵	۱۷۰۲	۱۷۸۹	۹	۱۳۰۴	۱۷۴۷	۱	۱۱۶۰	۱۷۰۲	۵	۱۱۱۴
۱۱۱۵	۵	۱۷۰۳	۱۷۹۰	۹	۱۳۰۵	۱۷۴۸	۱	۱۱۶۱	۱۷۰۳	۵	۱۱۱۵
۱۱۱۶	۵	۱۷۰۴	۱۷۹۱	۸	۱۳۰۶	۱۷۴۸	۱۲	۱۱۶۲	۱۷۰۴	۵	۱۱۱۶
۱۱۱۷	۴	۱۷۰۵	۱۷۹۲	۸	۱۳۰۷	۱۷۴۹	۱۲	۱۱۶۳	۱۷۰۵	۴	۱۱۱۷
۱۱۱۸	۴	۱۷۰۶	۱۷۹۳	۸	۱۳۰۸	۱۷۵۰	۱۱	۱۱۶۴	۱۷۰۶	۴	۱۱۱۸
۱۱۱۹	۴	۱۷۰۷	۱۷۹۴	۷	۱۳۰۹	۱۷۵۱	۱۱	۱۱۶۵	۱۷۰۷	۴	۱۱۱۹
۱۱۲۰	۳	۱۷۰۸	۱۷۹۵	۸	۱۳۱۰	۱۷۵۲	۱۱	۱۱۶۶	۱۷۰۸	۳	۱۱۲۰
۱۱۲۱	۳	۱۷۰۹	۱۷۹۶	۷	۱۳۱۱	۱۷۵۳	۱۰	۱۱۶۷	۱۷۰۹	۳	۱۱۲۱
۱۱۲۲	۳	۱۷۱۰	۱۷۹۷	۷	۱۳۱۲	۱۷۵۴	۱۰	۱۱۶۸	۱۷۱۰	۳	۱۱۲۲
۱۱۲۳	۳	۱۷۱۱	۱۷۹۸	۷	۱۳۱۳	۱۷۵۵	۱۰	۱۱۶۹	۱۷۱۱	۳	۱۱۲۳
۱۱۲۴	۲	۱۷۱۲	۱۷۹۹	۷	۱۳۱۴	۱۷۵۶	۹	۱۱۷۰	۱۷۱۲	۲	۱۱۲۴
۱۱۲۵	۲	۱۷۱۳	۱۸۰۰	۵	۱۳۱۵	۱۷۵۷	۹	۱۱۷۱	۱۷۱۳	۲	۱۱۲۵
۱۱۲۶	۲	۱۷۱۴	۱۸۰۱	۵	۱۳۱۶	۱۷۵۸	۹	۱۱۷۲	۱۷۱۴	۲	۱۱۲۶
۱۱۲۷	۱	۱۷۱۵	۱۸۰۲	۵	۱۳۱۷	۱۷۵۹	۸	۱۱۷۳	۱۷۱۵	۱	۱۱۲۷
۱۱۲۸	۱	۱۷۱۶	۱۸۰۳	۴	۱۳۱۸	۱۷۶۰	۸	۱۱۷۴	۱۷۱۶	۱	۱۱۲۸
۱۱۲۹	۱	۱۷۱۷	۱۸۰۴	۴	۱۳۱۹	۱۷۶۱	۸	۱۱۷۵	۱۷۱۷	۱	۱۱۲۹
۱۱۳۰	۱۲	۱۷۱۸	۱۸۰۵	۴	۱۳۲۰	۱۷۶۲	۷	۱۱۷۶	۱۷۱۸	۱۲	۱۱۳۰
۱۱۳۱	۱۲	۱۷۱۹	۱۸۰۶	۳	۱۳۲۱	۱۷۶۳	۷	۱۱۷۷	۱۷۱۹	۱۲	۱۱۳۱
۱۱۳۲	۱۲	۱۷۲۰	۱۸۰۷	۳	۱۳۲۲	۱۷۶۴	۷	۱۱۷۸	۱۷۲۰	۱۲	۱۱۳۲
۱۱۳۳	۱۱	۱۷۲۱	۱۸۰۸	۲	۱۳۲۳	۱۷۶۵	۷	۱۱۷۹	۱۷۲۱	۱۱	۱۱۳۳
۱۱۳۴	۱۱	۱۷۲۲	۱۸۰۹	۲	۱۳۲۴	۱۷۶۶	۶	۱۱۸۰	۱۷۲۲	۱۱	۱۱۳۴
۱۱۳۵	۹	۱۷۲۳	۱۸۱۰	۲	۱۳۲۵	۱۷۶۷	۶	۱۱۸۱	۱۷۲۳	۹	۱۱۳۵
۱۱۳۶	۹	۱۷۲۴	۱۸۱۱	۱	۱۳۲۶	۱۷۶۸	۵	۱۱۸۲	۱۷۲۴	۹	۱۱۳۶
۱۱۳۷	۹	۱۷۲۵	۱۸۱۲	۱	۱۳۲۷	۱۷۶۹	۵	۱۱۸۳	۱۷۲۵	۹	۱۱۳۷
۱۱۳۸	۸	۱۷۲۶	۱۸۱۳	۱	۱۳۲۸	۱۷۷۰	۵	۱۱۸۴	۱۷۲۶	۸	۱۱۳۸
۱۱۳۹	۸	۱۷۲۷	۱۸۱۴	۱۲	۱۳۲۹	۱۷۷۱	۴	۱۱۸۵	۱۷۲۷	۸	۱۱۳۹
۱۱۴۰	۸	۱۷۲۸	۱۸۱۵	۱۲	۱۳۳۰	۱۷۷۲	۴	۱۱۸۶	۱۷۲۸	۸	۱۱۴۰
۱۱۴۱	۷	۱۷۲۹	۱۸۱۶	۱۱	۱۳۳۱	۱۷۷۳	۴	۱۱۸۷	۱۷۲۹	۷	۱۱۴۱
۱۱۴۲	۷	۱۷۳۰	۱۸۱۷	۱۱	۱۳۳۲	۱۷۷۴	۳	۱۱۸۸	۱۷۳۰	۷	۱۱۴۲
۱۱۴۳	۷	۱۷۳۱	۱۸۱۸	۱۰	۱۳۳۳	۱۷۷۵	۳	۱۱۸۹	۱۷۳۱	۷	۱۱۴۳
۱۱۴۴	۷	۱۷۳۲	۱۸۱۹	۱۰	۱۳۳۴	۱۷۷۶	۳	۱۱۹۰	۱۷۳۲	۷	۱۱۴۴
۱۱۴۵	۶	۱۷۳۳	۱۸۲۰	۱۰	۱۳۳۵	۱۷۷۷	۲	۱۱۹۱	۱۷۳۳	۶	۱۱۴۵
۱۱۴۶	۶	۱۷۳۴	۱۸۲۱	۹	۱۳۳۶	۱۷۷۸	۲	۱۱۹۲	۱۷۳۴	۶	۱۱۴۶
۱۱۴۷	۵	۱۷۳۵	۱۸۲۲	۹	۱۳۳۷	۱۷۷۹	۱	۱۱۹۳	۱۷۳۵	۵	۱۱۴۷
۱۱۴۸	۵	۱۷۳۶	۱۸۲۳	۹	۱۳۳۸	۱۷۸۰	۱	۱۱۹۴	۱۷۳۶	۵	۱۱۴۸
۱۱۴۹	۵	۱۷۳۷	۱۸۲۴	۸	۱۳۳۹	۱۷۸۱	۱	۱۱۹۵	۱۷۳۷	۵	۱۱۴۹
۱۱۵۰	۴	۱۷۳۸	۱۸۲۵	۸	۱۳۴۰	۱۷۸۲	۱۲	۱۱۹۶	۱۷۳۸	۴	۱۱۵۰
۱۱۵۱	۴	۱۷۳۹	۱۸۲۶	۸	۱۳۴۱	۱۷۸۳	۱۲	۱۱۹۷	۱۷۳۹	۴	۱۱۵۱
۱۱۵۲	۴	۱۷۴۰	۱۸۲۷	۷	۱۳۴۲	۱۷۸۴	۱۲	۱۱۹۸	۱۷۴۰	۴	۱۱۵۲
۱۱۵۳	۴	۱۷۴۱	۱۸۲۸	۷	۱۳۴۳	۱۷۸۵	۱۲	۱۱۹۹	۱۷۴۱	۴	۱۱۵۳
۱۱۵۴	۳	۱۷۴۲	۱۸۲۹	۷	۱۳۴۴	۱۷۸۶	۱۱	۱۲۰۰	۱۷۴۲	۳	۱۱۵۴
۱۱۵۵	۳	۱۷۴۳	۱۸۳۰	۷	۱۳۴۵	۱۷۸۷	۱۱	۱۲۰۱	۱۷۴۳	۳	۱۱۵۵
۱۱۵۶	۳	۱۷۴۴	۱۸۳۱	۶	۱۳۴۶	۱۷۸۸	۱۰	۱۲۰۲	۱۷۴۴	۳	۱۱۵۶
۱۱۵۷	۳	۱۷۴۵	۱۸۳۲	۶	۱۳۴۷				۱۷۴۵	۳	۱۱۵۷
۱۱۵۸	۲	۱۷۴۶	۱۸۳۳	۵	۱۳۴۸				۱۷۴۶	۲	۱۱۵۸
۱۱۵۹	۲	۱۷۴۷	۱۸۳۴	۵	۱۳۴۹				۱۷۴۷	۲	۱۱۵۹
۱۱۶۰	۲	۱۷۴۸	۱۸۳۵	۴	۱۳۵۰				۱۷۴۸	۲	۱۱۶۰
۱۱۶۱	۲	۱۷۴۹	۱۸۳۶	۴	۱۳۵۱				۱۷۴۹	۲	۱۱۶۱
۱۱۶۲	۱	۱۷۵۰	۱۸۳۷	۳	۱۳۵۲				۱۷۵۰	۱	۱۱۶۲
۱۱۶۳	۱	۱۷۵۱	۱۸۳۸	۳	۱۳۵۳				۱۷۵۱	۱	۱۱۶۳
۱۱۶۴	۱	۱۷۵۲	۱۸۳۹	۲	۱۳۵۴				۱۷۵۲	۱	۱۱۶۴
۱۱۶۵	۱	۱۷۵۳	۱۸۴۰	۲	۱۳۵۵				۱۷۵۳	۱	۱۱۶۵
۱۱۶۶	۱	۱۷۵۴	۱۸۴۱	۱	۱۳۵۶				۱۷۵۴	۱	۱۱۶۶
۱۱۶۷	۱	۱۷۵۵	۱۸۴۲	۱	۱۳۵۷				۱۷۵۵	۱	۱۱۶۷
۱۱۶۸	۱	۱۷۵۶	۱۸۴۳	۱	۱۳۵۸				۱۷۵۶	۱	۱۱۶۸
۱۱۶۹	۱	۱۷۵۷	۱۸۴۴	۱	۱۳۵۹				۱۷۵۷	۱	۱۱۶۹
۱۱۷۰	۱	۱۷۵۸	۱۸۴۵	۱	۱۳۶۰				۱۷۵۸	۱	۱۱۷۰
۱۱۷۱	۱	۱۷۵۹	۱۸۴۶	۱	۱۳۶۱				۱۷۵۹	۱	۱۱۷۱
۱۱۷۲	۱	۱۷۶۰	۱۸۴۷	۱	۱۳۶۲				۱۷۶۰	۱	۱۱۷۲
۱۱۷۳	۱	۱۷۶۱	۱۸۴۸	۱	۱۳۶۳				۱۷۶۱	۱	۱۱۷۳
۱۱۷۴	۱	۱۷۶۲	۱۸۴۹	۱	۱۳۶۴				۱۷۶۲	۱	۱۱۷۴
۱۱۷۵	۱	۱۷۶۳	۱۸۵۰	۱	۱۳۶۵				۱۷۶۳	۱	۱۱۷۵
۱۱۷۶	۱	۱۷۶۴	۱۸۵۱	۱	۱۳۶۶				۱۷۶۴	۱	۱۱۷۶
۱۱۷۷	۱	۱۷۶۵	۱۸۵۲	۱	۱۳۶۷				۱۷۶۵	۱	۱۱۷۷
۱۱۷۸	۱	۱۷۶۶	۱۸۵۳	۱	۱۳۶۸				۱۷۶۶	۱	۱۱۷۸
۱۱۷۹	۱	۱۷۶۷	۱۸۵۴	۱	۱۳۶۹				۱۷۶۷	۱	۱۱۷۹
۱۱۸۰	۱	۱۷۶۸	۱۸۵۵	۱	۱۳۷۰				۱۷۶۸	۱	۱۱۸۰
۱۱۸۱	۱	۱۷۶۹	۱۸۵۶	۱	۱۳۷۱				۱۷۶۹	۱	۱۱۸۱
۱۱۸۲	۱	۱۷۷۰	۱۸۵۷	۱	۱۳۷۲				۱۷۷۰	۱	۱۱۸۲
۱۱۸۳	۱	۱۷۷۱	۱۸۵۸	۱	۱۳۷۳				۱۷۷۱	۱	۱۱۸۳
۱۱۸۴	۱	۱۷۷۲	۱۸۵۹	۱	۱۳۷۴				۱۷۷۲	۱	۱۱۸۴
۱۱۸۵	۱	۱۷۷۳	۱۸۶۰	۱	۱۳۷۵				۱۷۷۳	۱	۱۱۸۵
۱۱۸۶	۱	۱۷۷۴	۱۸۶۱	۱	۱۳۷۶				۱۷۷۴	۱	۱۱۸۶
۱۱۸۷	۱	۱۷۷۵	۱۸۶۲	۱	۱۳۷۷				۱۷۷۵	۱	۱۱۸۷
۱۱۸۸	۱	۱۷۷۶	۱۸۶۳	۱	۱۳۷۸				۱۷۷۶	۱	۱۱۸۸
۱۱۸۹	۱	۱۷۷۷	۱۸۶۴	۱	۱۳۷۹				۱۷۷۷	۱	۱۱۸۹
۱۱۹۰	۱	۱۷۷۸	۱۸۶۵	۱	۱۳۸۰				۱۷۷۸	۱	۱۱۹۰
۱۱۹۱	۱	۱۷۷۹	۱۸۶۶	۱	۱۳۸۱				۱۷۷۹	۱	۱۱۹۱
۱۱۹۲	۱	۱۷۸۰	۱۸۶۷	۱	۱۳۸۲				۱۷۸۰	۱	۱۱۹۲
۱۱۹۳	۱	۱۷۸۱	۱۸۶۸	۱	۱۳۸۳				۱۷۸۱	۱	۱۱۹۳
۱۱۹۴	۱	۱۷۸۲	۱۸۶۹	۱	۱۳۸۴				۱۷۸۲	۱	۱۱۹۴
۱۱۹۵	۱	۱۷۸۳	۱۸۷۰	۱	۱۳۸۵				۱۷۸۳	۱	۱۱۹۵
۱۱۹۶	۱	۱۷۸۴	۱۸۷۱	۱	۱۳۸۶				۱۷۸۴	۱	۱۱۹۶
۱۱۹۷	۱	۱۷۸۵	۱۸۷۲	۱	۱۳۸۷				۱۷۸۵	۱	۱۱۹۷
۱۱۹۸	۱	۱۷۸۶	۱۸۷۳	۱	۱۳۸۸				۱۷۸۶	۱	۱۱۹۸
۱۱۹۹	۱	۱۷۸۷	۱۸۷۴	۱	۱۳۸۹				۱۷۸۷	۱	۱۱۹۹
۱۲۰۰	۱	۱۷۸۸	۱۸۷۵	۱	۱۳۹۰				۱۷۸۸	۱	۱۲۰۰

میلادی	ماه	هجری	میلادی	ماه	هجری
۱۹۲۴	۸	۱۳۴۳	۱۸۷۸	۱۲	۱۲۹۶
۱۹۲۵	۷	۱۳۴۴	۱۸۷۹	۱۲	۱۲۹۷
۱۹۲۶	۷	۱۳۴۵	۱۸۸۰	۱۲	۱۲۹۸
۱۹۲۷	۷	۱۳۴۶	۱۸۸۱	۱۱	۱۲۹۹
۱۹۲۸	۶	۱۳۴۷	۱۸۸۲	۱۱	۱۳۰۰
۱۹۲۹	۶	۱۳۴۸	۱۸۸۳	۱۱	۱۳۰۱
۱۹۳۰	۵	۱۳۴۹	۱۸۸۴	۱۰	۱۳۰۲
۱۹۳۱	۵	۱۳۵۰	۱۸۸۵	۱۰	۱۳۰۳
۱۹۳۲	۵	۱۳۵۱	۱۸۸۶	۹	۱۳۰۴
۱۹۳۳	۴	۱۳۵۲	۱۸۸۷	۹	۱۳۰۵
۱۹۳۴	۴	۱۳۵۳	۱۸۸۸	۹	۱۳۰۶
۱۹۳۵	۴	۱۳۵۴	۱۸۸۹	۸	۱۳۰۷
۱۹۳۶	۳	۱۳۵۵	۱۸۹۰	۸	۱۳۰۸
۱۹۳۷	۳	۱۳۵۶	۱۸۹۱	۸	۱۳۰۹
۱۹۳۸	۳	۱۳۵۷	۱۸۹۲	۷	۱۳۱۰
۱۹۳۹	۳	۱۳۵۸	۱۸۹۳	۷	۱۳۱۱
۱۹۴۰	۲	۱۳۵۹	۱۸۹۴	۷	۱۳۱۲
۱۹۴۱	۲	۱۳۶۰	۱۸۹۵	۶	۱۳۱۳
۱۹۴۲	۱	۱۳۶۱	۱۸۹۶	۶	۱۳۱۴
۱۹۴۳	۱	۱۳۶۲	۱۸۹۷	۶	۱۳۱۵
۱۹۴۴	۱۲	۱۳۶۳	۱۸۹۸	۵	۱۳۱۶
۱۹۴۵	۱۲	۱۳۶۴	۱۸۹۹	۵	۱۳۱۷
۱۹۴۶	۱۲	۱۳۶۵	۱۹۰۰	۵	۱۳۱۸
۱۹۴۷	۱۱	۱۳۶۶	۱۹۰۱	۴	۱۳۱۹
۱۹۴۸	۱۱	۱۳۶۷	۱۹۰۲	۴	۱۳۲۰
۱۹۴۹	۱۱	۱۳۶۸	۱۹۰۳	۳	۱۳۲۱
۱۹۵۰	۱۰	۱۳۶۹	۱۹۰۴	۳	۱۳۲۲
۱۹۵۱	۱۰	۱۳۷۰	۱۹۰۵	۳	۱۳۲۳
۱۹۵۲	۹	۱۳۷۱	۱۹۰۶	۲	۱۳۲۴
۱۹۵۳	۹	۱۳۷۲	۱۹۰۷	۲	۱۳۲۵
۱۹۵۴	۹	۱۳۷۳	۱۹۰۸	۲	۱۳۲۶
۱۹۵۵	۸	۱۳۷۴	۱۹۰۹	۱	۱۳۲۷
۱۹۵۶	۸	۱۳۷۵	۱۹۱۰	۱	۱۳۲۸
۱۹۵۷	۸	۱۳۷۶	۱۹۱۱	۱	۱۳۲۹
۱۹۵۸	۷	۱۳۷۷	۱۹۱۱	۱۲	۱۳۳۰
۱۹۵۹	۷	۱۳۷۸	۱۹۱۲	۱۲	۱۳۳۱
۱۹۶۰	۷	۱۳۷۹	۱۹۱۳	۱۱	۱۳۳۲
۱۹۶۱	۷	۱۳۸۰	۱۹۱۴	۱۱	۱۳۳۳
۱۹۶۲	۶	۱۳۸۱	۱۹۱۵	۱۱	۱۳۳۴
۱۹۶۳	۶	۱۳۸۲	۱۹۱۶	۱۰	۱۳۳۵
۱۹۶۴	۵	۱۳۸۳	۱۹۱۷	۱۰	۱۳۳۶
۱۹۶۵	۵	۱۳۸۴	۱۹۱۸	۱۰	۱۳۳۷
۱۹۶۶	۵	۱۳۸۵	۱۹۱۹	۹	۱۳۳۸
۱۹۶۷	۴	۱۳۸۶	۱۹۲۰	۹	۱۳۳۹
۱۹۶۸	۴	۱۳۸۷	۱۹۲۱	۹	۱۳۴۰
۱۹۶۹	۳	۱۳۸۸	۱۹۲۲	۸	۱۳۴۱
۱۹۷۰	۳	۱۳۸۹	۱۹۲۳	۸	۱۳۴۲

تصاویر

تصویر شماره (۱)



تصویر شماره (۲)





تصویر شماره (۳)



تصویر شماره (۴)

تصویر شماره (۶)



تصویر شماره (۵)



تصویر میرزاخان انصاری و والدوله صدر اعظم
نوری رقم ابوالحسن شکاری نقاشی در
رجب ۱۲۷۰ قمری .

تصویر شماره (۸)

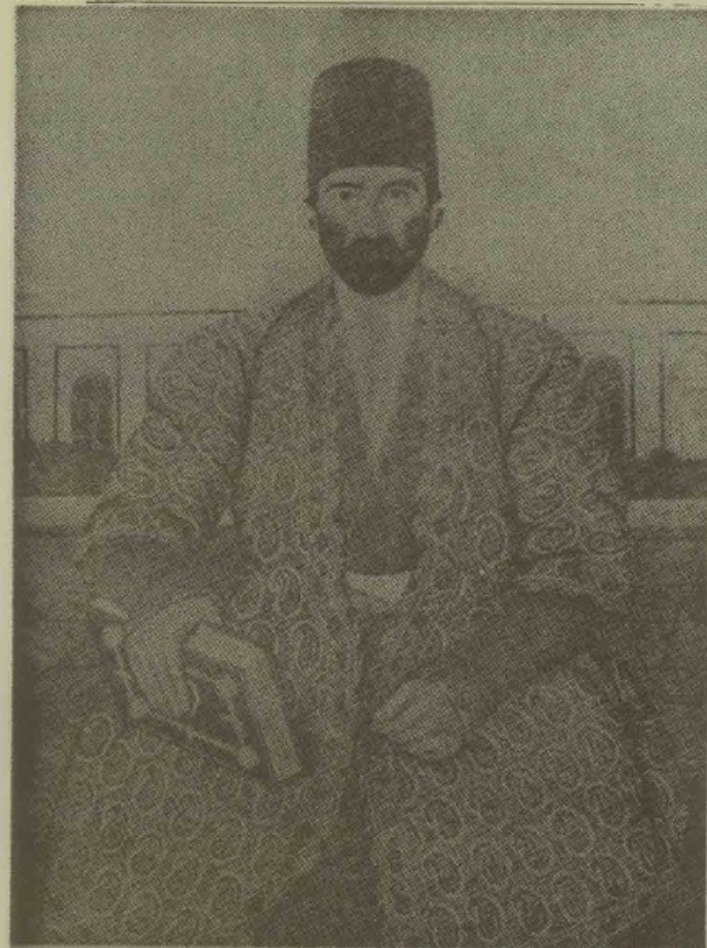


تصویر شماره (۷)





تصویر شماره (۹)



● تصویر یکی از رجال دوره قاجار اثر میرزا بزرگ نقاشباشی او آخر قرن سیزدهم.

تصویر شماره (۱۰)



تصویر شماره (۱۱)

تصویر شما ره (۱۵)



تصویر شما ره (۱۴)



تصویر شما ره (۱۳)



تصویر شما ره (۱۲)





تصویر شماره (۱۷)

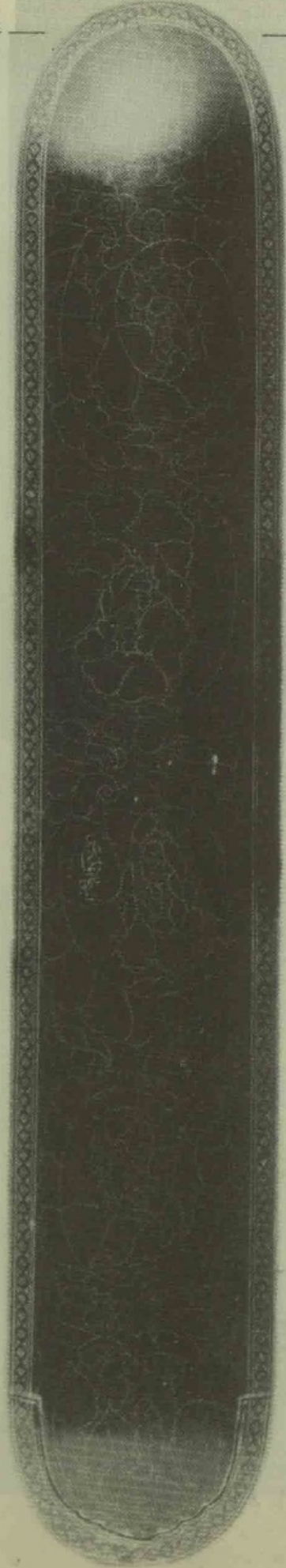


تصویر شماره (۱۶)



تصویر شماره (۱۸)

تصویر شما ره (۲۱)



تصویر شما ره (۲۰)



تصویر شما ره (۱۹)





تصویر شما ره (۲۲)



تصویر شما ره (۲۳)

تصویر شماره (۲۴)





تصویر شما ره (۲۵)

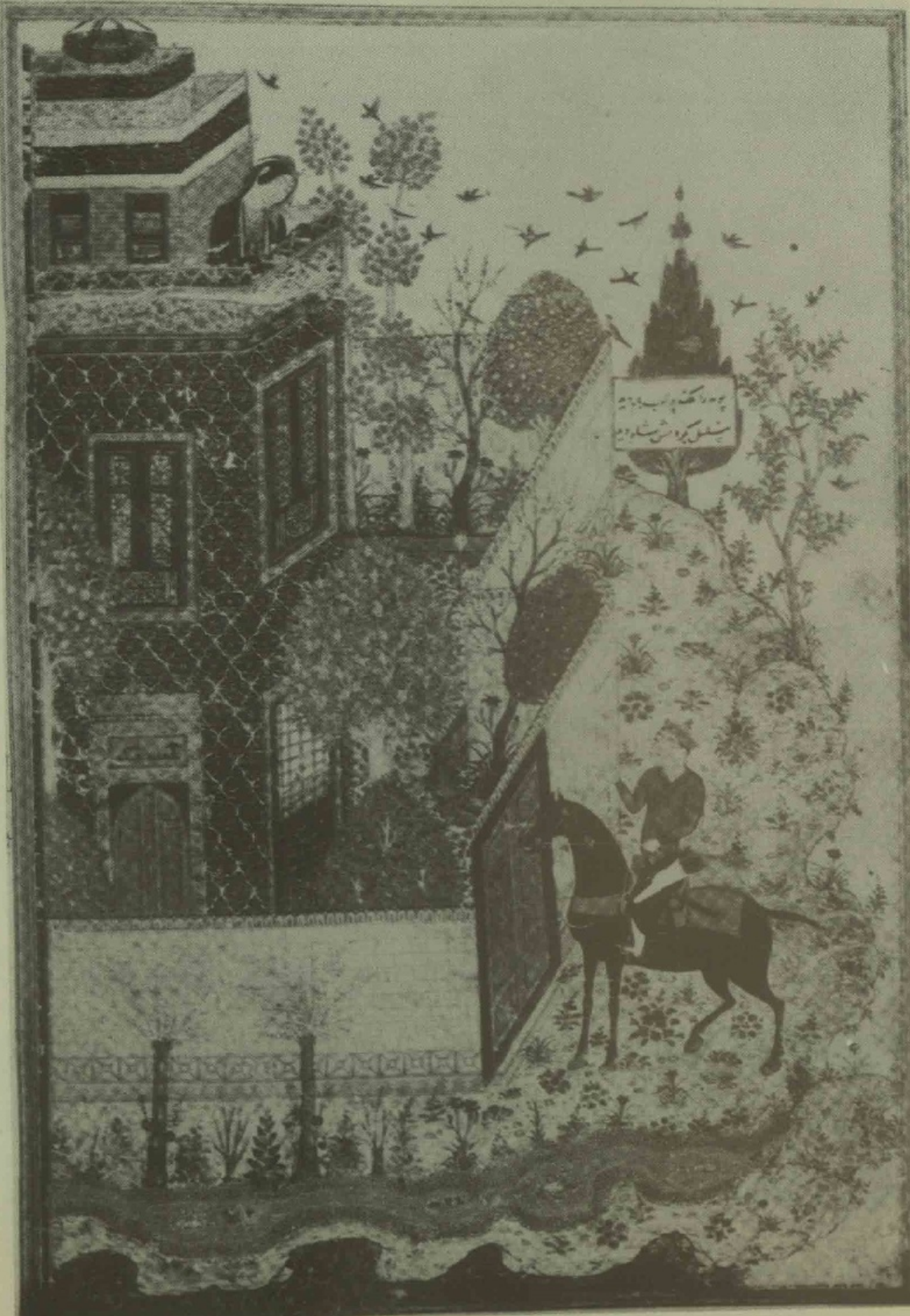
گلار استاد احمد موسی است



تصویر شما ره (۲۶)

تصویر شما ره (۲۷)

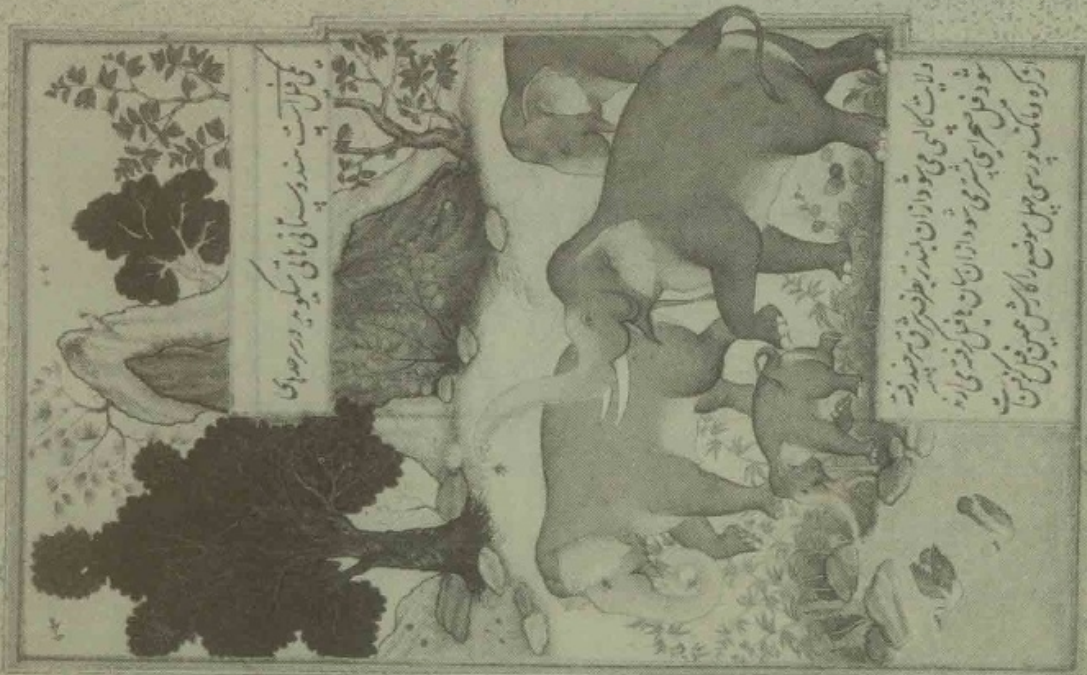


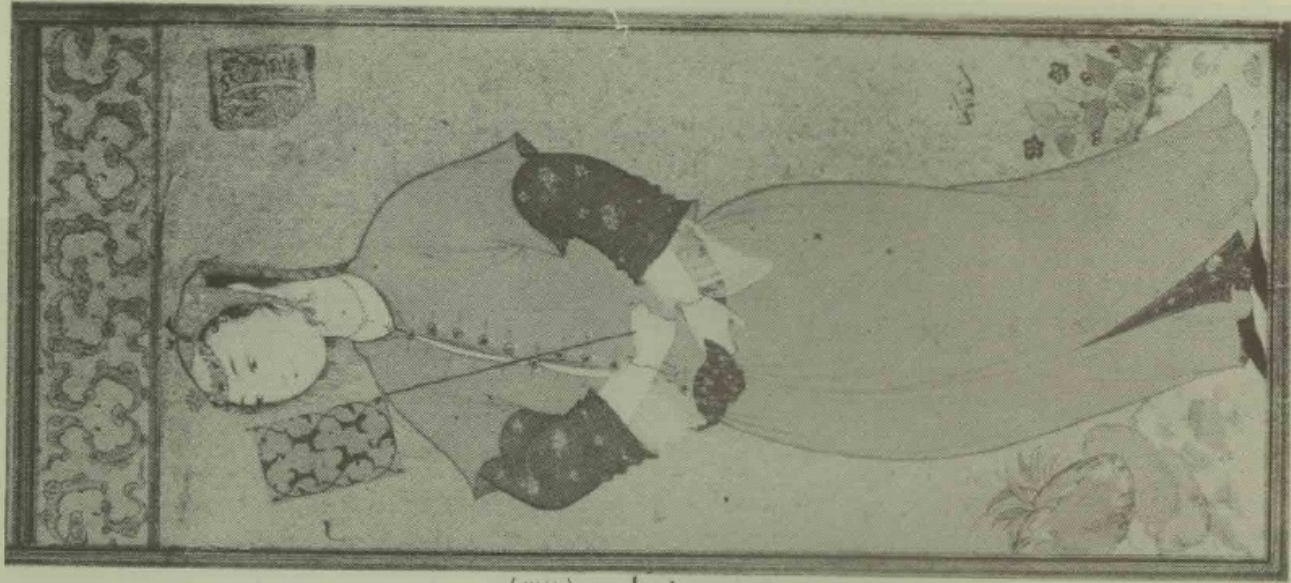


تصویر شماره (۲۹)



تصویر شماره (۳۰)





تصویر شماره (۳۲)

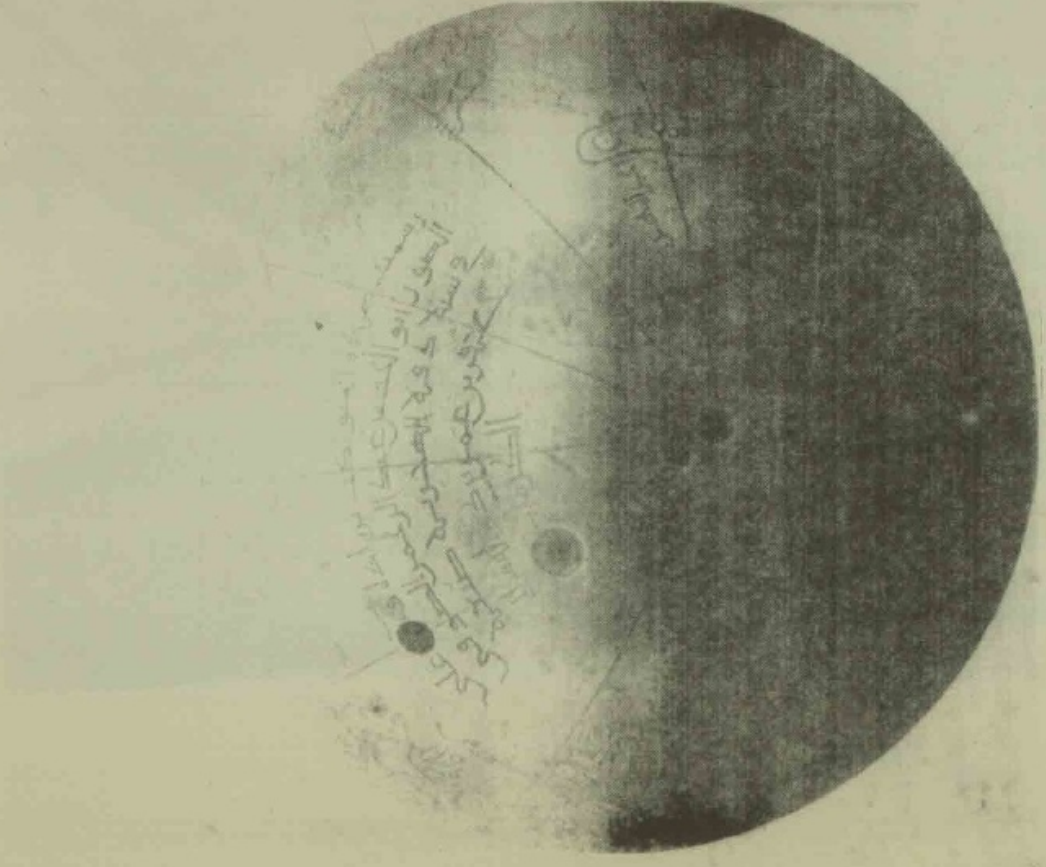
تصویر شماره (۳۱)



تصویر شماره (۳۳)



مقصد از این تصویر
 کشیدن و آموختن
 در شبها از این تصویر
 به همه درسا و آموختن
 اینست که از این تصویر
 از این تصویر آموختن



تصویر شماره (۳۴)

تصویر شما ره (۳۷)



تصویر شما ره (۳۸)



تصویر شما ره (۳۹)



تصویر شما ره (۳۵)



سده پنجمت کریدور برده و درین سده و پانجا آسمان رفیت و نام ذریت از کتاب کریدور
آبمانز علی بیست کان حضرت ندانست پای نعلیست پر و سوزان نعلی پسین آسمان نوزده خان ثبات نواخت
دیسلم فردن بر مانی نشت ایهر شوم و رحاوت بخش مکستان میان شتر قمر شندیک که سمنندان نعت بخش ایست
نمان ز با وین سنیه نامم و پسر محنت را می چنان بود وقت زانی او کنگ پر فزونی با و شجبال لیر کسکه

پادشاه داری سلطنت ملایطه و آقا لنگ ساریت
پسک نین قدم شیر شیر غیب الیم دیت و پارام
آفرینال علم الی جسم پس به پونه پادشاهی ایست که سرت
کویات نامم دشان قومت باشنده سربلانت و



تصویر شما ره (۳۶)



تصویر شماره (۴۰)



تصویر شماره (۴۱)

میرکم که مقامی عسراوزکی اییش
عقلت بینی نیک شیشه دلشکل اییش



میرکم که مقامی عسراوزکی اییش
عقلت بینی نیک شیشه دلشکل اییش
میرکم که مقامی عسراوزکی اییش
عقلت بینی نیک شیشه دلشکل اییش
میرکم که مقامی عسراوزکی اییش
عقلت بینی نیک شیشه دلشکل اییش

میرکم که مقامی عسراوزکی اییش
عقلت بینی نیک شیشه دلشکل اییش
میرکم که مقامی عسراوزکی اییش
عقلت بینی نیک شیشه دلشکل اییش

میرکم که مقامی عسراوزکی اییش
عقلت بینی نیک شیشه دلشکل اییش
میرکم که مقامی عسراوزکی اییش
عقلت بینی نیک شیشه دلشکل اییش

تصویر شماره (۴۲)

میرکم که مقامی عسراوزکی اییش
عقلت بینی نیک شیشه دلشکل اییش



مشهوران شهر
 در جلوه کرامت
 امام شاه
 ائمه العظمی
 بنابر دعوت
 حضرت صاحب
 زکیه ائمه
 کبیره
 حضرت امام
 زین العابدین
 علیه السلام

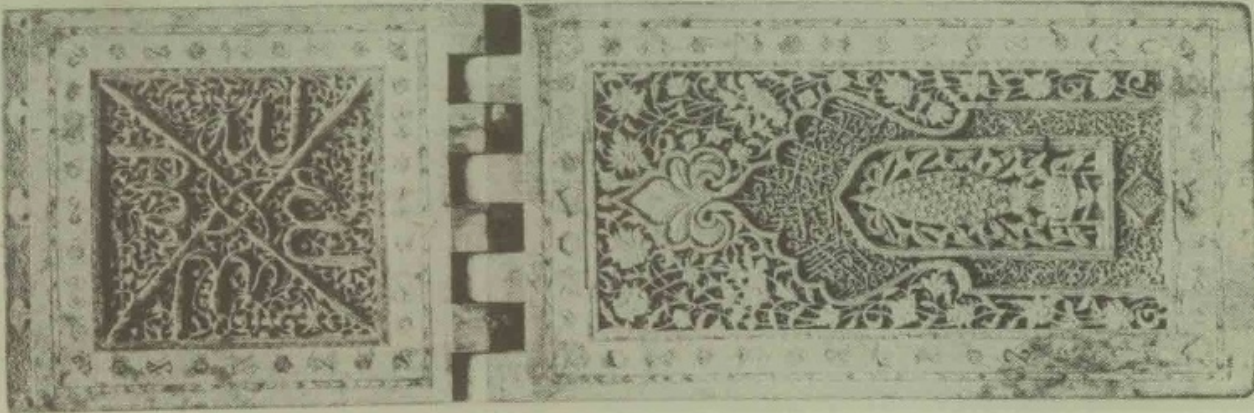
در جلوه کرامت امام شاه
 حضرت امام زین العابدین
 علیه السلام
 حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام
 حضرت امام محمد باقر
 علیه السلام
 حضرت امام کاظم
 علیه السلام
 حضرت امام رضا
 علیه السلام
 حضرت امام محمد تقی
 علیه السلام
 حضرت امام آقا جواد
 علیه السلام
 حضرت امام آقا محمد باقر
 علیه السلام
 حضرت امام آقا حسن
 علیه السلام
 حضرت امام آقا حسین
 علیه السلام
 حضرت امام آقا علی
 علیه السلام
 حضرت امام آقا سید
 علیه السلام
 حضرت امام آقا
 علیه السلام

تصویر شماره (۴۳)



تصویر شما ره (۴۴)

تصویرشماره (۴۵)



تصویرشماره (۴۶)





چون بیل مست راه درستان یفت
 آمد بزبان حال در گوشم گفت
 روی گل و جام با ده را خندان یفت
 در یاب! که عمر رفته را نتوان یفت
 نقاشی از: استاد رسام اثرنگی



خانلو میرزا محمد علی خان

تصویر شماره (۴۸)

و انطالق کند و در محراب و منبر نشسته
چون محفلت میرودند انکار و دیگر میکنند

بکار با اسما است
برو محمد و فاطمه زهرا
امام اول زین العابدین



و انطالق کند و در محراب و منبر نشسته

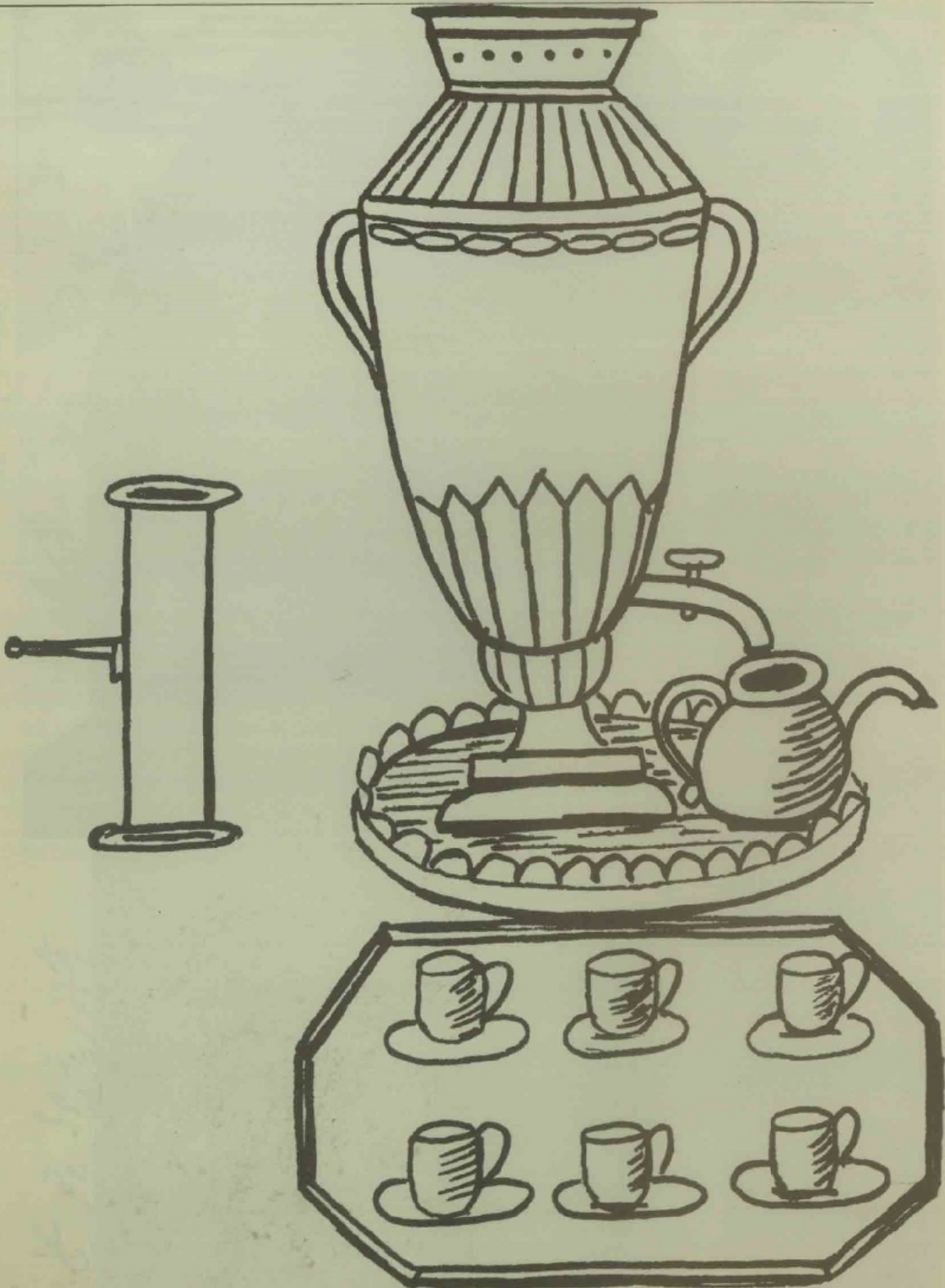


تصویر شماره (۴۹)

رسیدند ای دیوانی پهل که از حق طهره رختندی	وز آنجا چون پریشد ناید که از کما کتاب بچختندی	بدو سانسد بر شاخ و دشتی گهی شست دو که گلانه بستند	بر آن چورت و پشت کوه بر سوزنی زان سوزنه شستند خردمانی ز ساسوی نیرین بگامین از سانسو و باغین
--	--	--	--



تصویر شماره (۵۰)



صورت منگجه ربابا قاجان بن دولاد کوجان بن تولوی قاجان بن چنگیسه خان



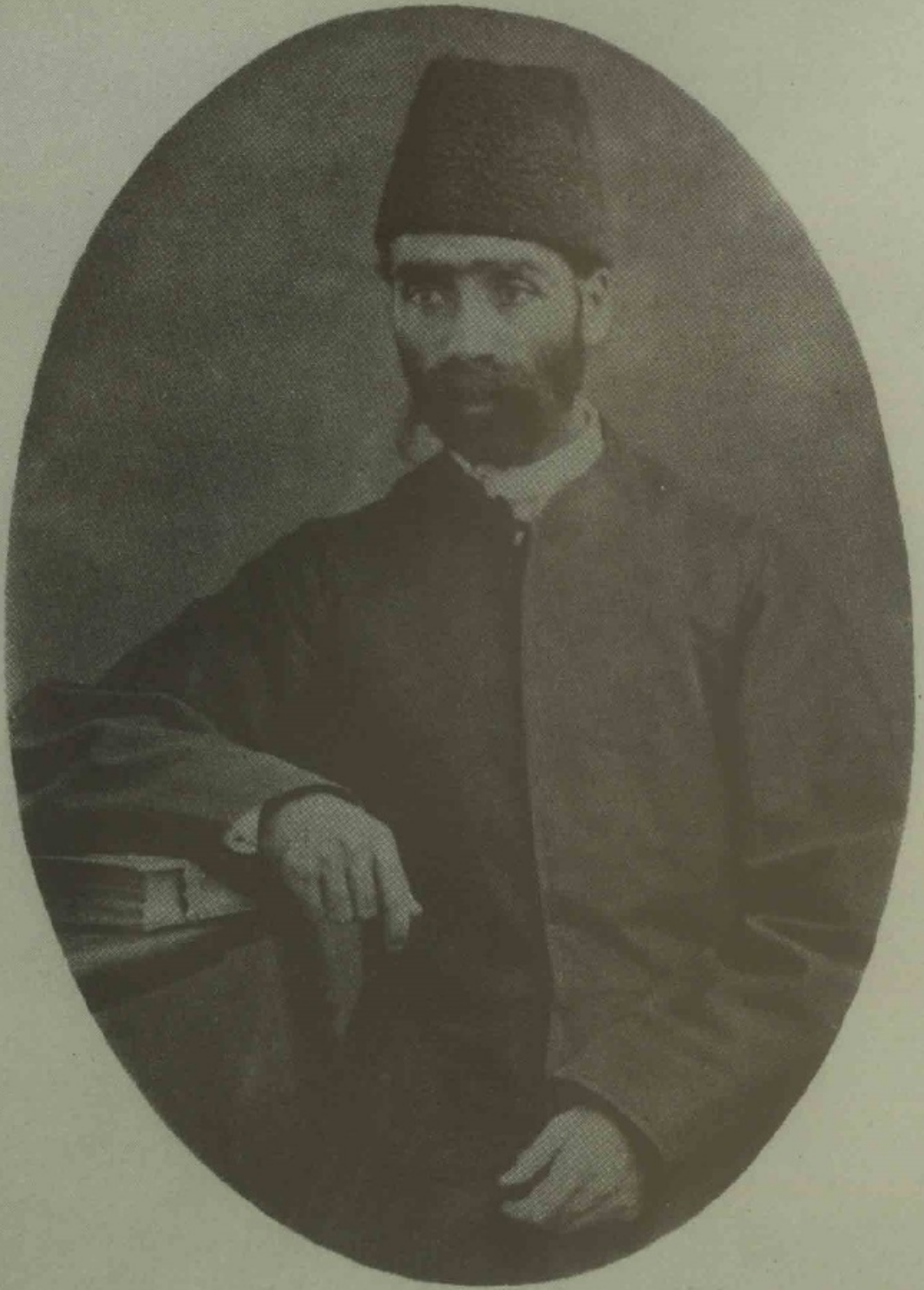
تصویر شماره ۵۶

طراحی و نقاشی علی علیقلی



تصویر شماره ۵۸





میرزا علی محمد رضا گلستان



تصویر شماره ۶۰

بخواست خداوند

ما نیکلای دویم امپراطور مقتدر کل روسیه و پادشاه لیسان و برادره کسیر فلاند و غیره

اقای ماظم کلاس علیحصر پادشاه ایران

مزمین الدوله

مخص بروز مرحمت مخصوص خودمان نسبت شما بموجب حکم ۲۴ ژون ۱۹۱۴
یک قطعه نشان مقدس استانیلاس بانضمام جمایل مخصوص آن ارد در
اول موافق این فرمان ما حکم کردیم که از اداره نشان نزد شما فرستاده

زیب پیدا اعتبار خود نمایند

در سن بطبر زبورغ مرحمت شد ۱۶ ژون ۱۹۱۴

رئیس کل نشانهای اسپراطوری کل ممالک روسیه (داف فردیک)

مدریسه امین نشانها و زمین خلوت در بار اعظم

تصویر شماره ۶۱

БОЖІЕЮ МИЛОСТІЮ

МЫ, НИКОЛАЙ ВТОРЫЙ,

ИМПЕРАТОРЪ И САМОДЕРЖЕЦЪ ВСЕРОССИЙСКІЙ,

ЦАРЬ ПОЛЬСКІЙ, ВЕЛИКІЙ КНЯЗЬ ФИНЛЯНДСКІЙ,

И ПРОЧАЯ И ПРОЧАЯ И ПРОЧАЯ.

Господину императору въ высочайшемъ Его Величества Монархическаго Мануфактурнаго Департамента



Во извѣщеніи о свободномъ Намъ въ Санктъ-Петербургѣ, Россійской Имперіи, Мануфактурнаго Департамента, 24 числа 1911 года, Намъ Мануфактурнаго Департамента Императорскаго и Царскаго Ордена, Намъ Мануфактурнаго Департамента

Французскому съ сугубымъ достоинствомъ, Орденское перемане укрѣпленіе и знаки Орденские учрежденіе въ Санктъ-Петербургѣ, Мануфактурнаго Департамента Императорскаго и Царскаго Ордена, 24 числа 1911 года

Мануфактурнаго Департамента Императорскаго и Царскаго Ордена, Французскому

Управляющему Мануфактурнаго Департамента Императорскаго и Царскаго Ордена, Французскому

تصویر شماره ۶۳



تصویر شماره ۶۲



میرزا عبدالمطلب مستشار

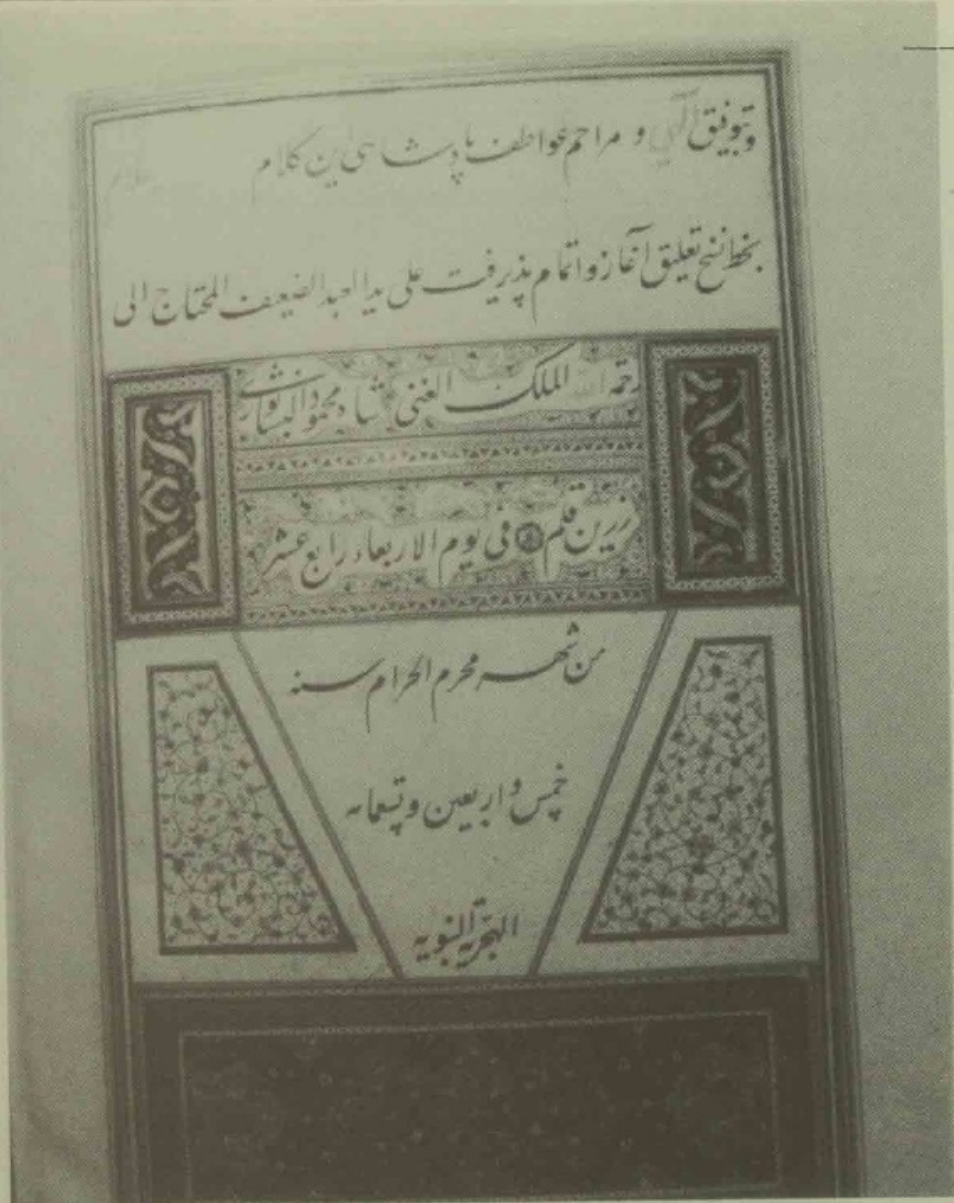


تصویر شماره ۶۴

تصویر شماره ۶۵







تصویر شماره ۶۷

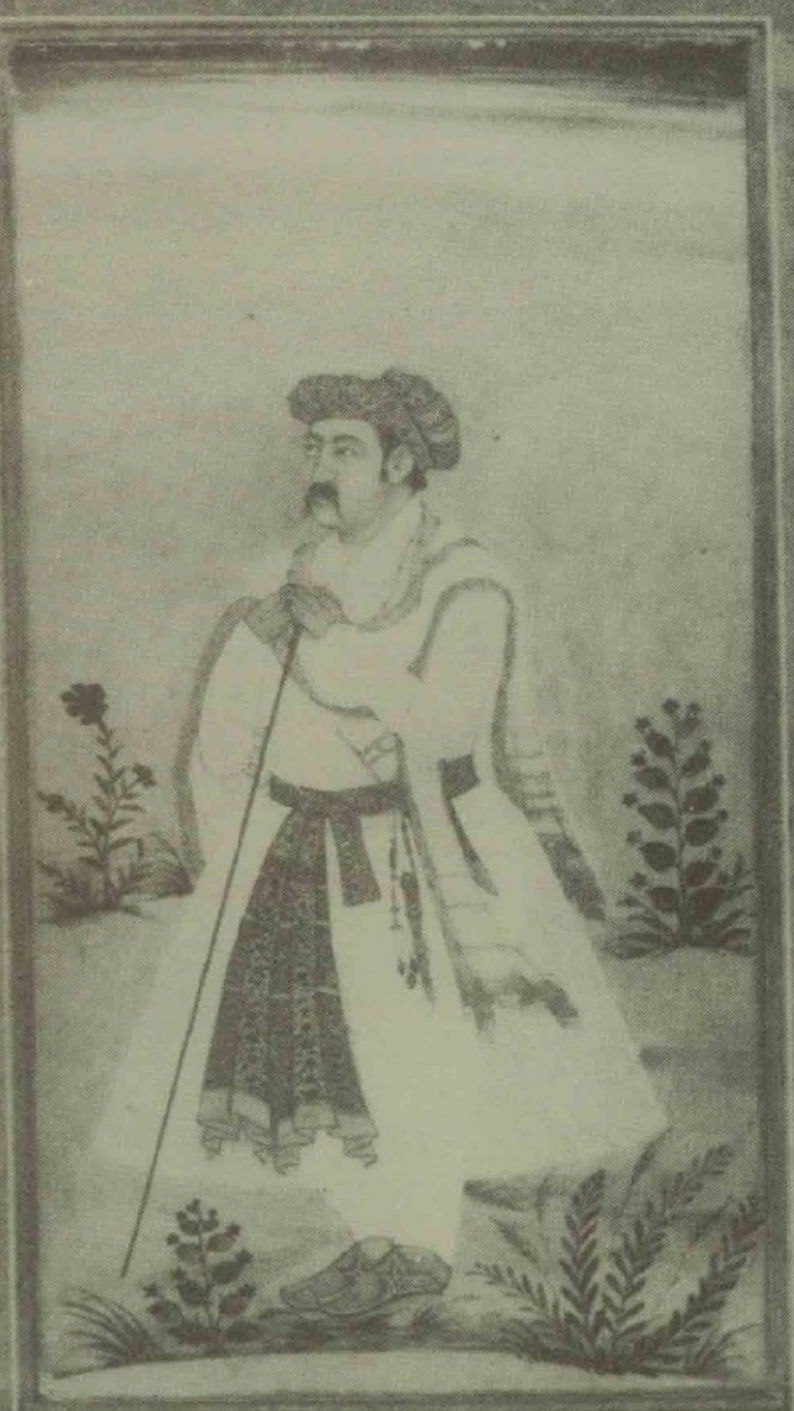
Persian
Lacquer Box,
dated 1792.
(Mr. H. Field's
Collection.)



تصویر شماره ۶۸

شاهزاده ناصر خان





شیرزلف خان

**THE LIVES & ART OF
OLD PAINTERS
OF IRAN**

AND

**A SELECTION OF MASTERS
FROM THE OTTOMAN
& INDIAN REGIONS**

www.irancrafts.me

**MOHAMMAD ALI
KARIMZADEH TABRIZI**

LONDON 1985

VOL 1